اطلاعات

چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۱ ـ ۱۹ رمضان ۱۴۳۳ ـ ۸ آگوست ۲۰۱۲ ـ شماره ۲۵۳۸۱ ـ ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

تأمین منابع مالی مهمترین چالش نظام سلامت است

* معاون وزیر بهداشت در گفت و گو با اطلاعات: میزان مطالبات مراکز درمانی دولتی از بیمه‌ها به ۱۴۰۰ میلیارد تومان رسیده است
* در صورت تامین نشدن به موقع اعتبارات وزارت بهداشت، کیفیت خدمات کاهش می‌یابد

صفحه ۱۴

آغاز موج جدید کشتار مسلمانان میانمار

* الجزیره: در جریان موج جدید خشونت‌ها علیه مسلمانان در ایالت «راخین» میانمار ۲۰ نفر کشته شدند
* سازمان ملل درباره نقض گسترده حقوق بشر در میانمار هشدار داد

صفحه ۱۴

رئیس جمهوری در مراسم گرامیداشت روز خبرنگار:

رسانه‌ها باید آزاد و آزاده باشند

اگر با محدود کردن آزادی می‌شد دوام آورد دیکتاتورهای تاریخ ابدی می‌شدند

* رسانه عرصه واقعی پایبندی به آزادی بیان است
* خبرنگاری عرصه‌ای است که انسان می‌تواند آزادگی‌اش را حفظ کند
* امروز همه بشریت تحت هجمه مستکبران و طاغوت‌ها هستند
* ما امروز در متن و قلب تحولات بزرگ تاریخی قرار داریم
* دعواهای جناحی باید حد و مرز داشته باشد

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: مراسم گرامیداشت روز خبرنگار، روز گذشته با حضور رئیس جمهوری و جمعی از اصحاب رسانه در ساختمان قدیم مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در این مراسم دکتر احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری در سخنانی به نیاز انسان به عدالت، کرامت و آزادی اشاره کرد و گفت: اگر کسی می‌توانست با محدود کردن فضای آزادی دوام بیاورد، همه دیکتاتورهای تاریخ ابدی می‌شدند.

وی افزود: با محدود کردن آزادی به جایی نمی‌رسیم.

احمدی‌نژاد با بیان این‌که با جمع شدن عدالت، کرامت و آزادی در انسان، در وجود او آزادگی نیز بوجود می‌آید، گفت: آزادگی یعنی مردانگی، معرفت و حق‌طلبی، یعنی رها شدن از همه تعصبات قومی و قبیلگی.

وی تصریح کرد: این تعلقات آزادگی انسان را مخدوش می‌کند.

رئیس جمهوری با بیان این‌که آزادگی تجلی بزرگی‌های روح انسان است، گفت: آزادگی یعنی هرجا ظلمی بود بایستد و فریاد بزند حتی اگر حق مخالفش تضییع شده باشد.

وی با بیان این‌که دینداری باید انسان را به آزادگی برساند، افزود: آن دینداری ای که روح انسان را از وابستگی‌ها رها نکند، قلابی و خود فریبی است.

احمدی‌نژاد با بیان این‌که انسان باید آزادگیش را حفظ کند، گفت: عرصه خبرنگاری عرصه‌ای است که انسان می‌تواند آزادگیش را حفظ کند

بقیه در صفحه ۲

آغاز عملیات اکتشافی مریخ‌نورد «کنجکاوی» بر روی سیاره سرخ

* «بابک فردوسی»، مهندس ایرانی ـ آمریکایی ناسا، مدیریت برنامه مریخ‌نورد کنجکاوی را برعهده داشت

صفحه ۳

رایزنی دکتر جلیلی با بشار اسد درباره تحولات سوریه

* جلیلی: نباید اجازه داد دشمنان انتقام شکست‌های خود از مقاومت را از مردم سوریه بگیرند
* یگانه راه حل موضوع سوریه، دمکراسی و احترام به انتخاب مردم این کشور است

دکتر سعید جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی در مورد طرح‌های دشمنان برای از بین بردن توان هسته‌ای کشورمان اظهار داشت: توانمندی‌های ایران در زمینه فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کاملاً بومی و غیرقابل نابودی است.

به گزارش ایرنا از بیروت وی در جمع بیش از ۳۰۰ نفر از فعالان رسانه‌ای لبنان در بیروت به مناسبت روز خبرنگار و در آستانه روز جهانی قدس با ابراز خرسندی از سفر به سرزمین مقاومت و حضور در جمع ارزشمند اصحاب رسانه پس از ملاقات با مقامات لبنانی، مقاومت لبنان را طلیعه‌دار بیداری اسلامی در منطقه دانست و گفت:

بقیه در صفحه ۲

سفیر ایران در پاریس:

کاهش غنی‌سازی در برابر لغو تحریم‌ها قابل بررسی است

* علی آهنی: مذاکره درباره غنی‌سازی ۲۰ درصدی، مستلزم گفتگوهای همزمان در مورد پایان دادن به تحریم‌هاست

صفحه ۱۴

ارسال یادداشت اعتراضی ایران به آمریکا

واشنگتن مسئول امنیت جانی ۴۸ زائر ایرانی در سوریه است

* رئیس مجلس به دولت آمریکا در مورد کشته شدن ۳ زائر ایرانی در سوریه هشدار داد
* ۲۲۷ نماینده مجلس از اقدامات وزارت اطلاعات علیه تروریست‌های هسته‌ای حمایت کردند

صفحه ۲

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم زاده

باز هم ارز با «ز»!

صفحه ۲

یادداشت

کابینه‌ای برای همه

آرش میری خانی

صفحه ۱۶

گزارش

کودک نویسنده کتاب

صفحه ۵

نظرها و اندیشه ها

ترجیع‌بند در عرض ادب به ساحت مقدس حضرت امیرالمؤمنین(ع)

ای گلشن قدس

آیت‌الله علی کاظمی اردبیلی

صفحه ۶

دریافتن شب قدر

آیت‌الله العظمی جوادی آملی

صفحه ۶

روابط بین الملل

گسترش دامنه نابسامانی‌های اجتماعی

صفحه ۱۲

ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

رئیس جمهوری: رسانه‌ها باید آزاد و آزاده باشند

بقیه از صفحه اول

و خود را و عظمت انسانی را به چیزهای کوچک نفروشد.

وی افزود: اگر انسان همیشه آخرین نقطه کمال را هدف‌گیری کند، به نقطه‌های پایین‌تر تن نمی‌دهد. کسی که بنده خداست به سایر بندگی‌ها تن نمی‌دهد. به گفته وی انسان آزاده، عقده‌ها و تمایلات شخصی خود را تحمیل نمی‌کند و خود را در مقام و منصب گم نمی‌کند.

احمدی‌نژاد با بیان این‌که رسانه‌ها باید آزاده باشند و حق را بگویند، گفت: ما باید پرچمدار تحقق عدالت باشیم.

وی با بیان این‌که عرصه رسانه عرصه نمایش اعتقاد به آزادی نیست، گفت: عرصه رسانه عرصه واقعی و حقیقی پایبندی به آزادی بیان است.

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنانش با انتقاد از برخی برخوردها با خبرنگاران و بستن برخی وبلاگ‌ها گفت: اگر بستن وبلاگ‌ها کسی را نجات می‌داد، خیلی اتفاق‌ها در جهان می‌افتاد.

وی با تأکید بر این‌که فضای مجازی هم مانند رسانه است و برای آن قانون وجود دارد و باید به شکایت‌ها رسیدگی شود و حق دفاع وجود داشته باشد، تصریح کرد: خیلی بد است که یک فرد هم شاکی باشد و هم قاضی.

احمدی‌نژاد در بخش دیگری از سخنانش با بیان این که هرکدام از ما در یک بستر فکری و تحلیلی می‌اندیشیم و تصمیم می‌گیریم، گفت: هنر ما این است که بستر اندیشیدن و تحلیل جامعه را یکسان کنیم. وی افزود: اگر آن بستری که همه در آن می‌اندیشند تحلیل شود، همبستگی بیشتر می‌شود.

رئیس جمهوری به شرایط جهانی اشاره کرد و گفت: ما در متن و قلب تحولات بزرگ تاریخی قرار داریم و جامعه بشری امروز در حال عبور از یک پیچ تند است.

وی افزود: نظام‌هایی که صدها سال به صورت تئوریک و عملی نظام اجرایی درست کرده بودند، به انتهای خط رسیده‌اند.

وی تصریح کرد: انسان باید جهانی شود و انسانی که جهانی نشود در تراز انسان نیست لذا پیام‌های ما هم باید جهانی باشد و باید به حقیقت جهانی توجه کرد.

احمدی‌نژاد با بیان این‌که امروز همه بشریت تحت هجمه مستکبران و طاغوت‌ها هستند، گفت: برای مقابله با مستکبران باید همه بشریت را بسیج کنیم.

رئیس جمهوری با بیان این‌که پیچیدگی‌های فضای سیاسی بسیار گسترده‌تر از آن است که ما راحت تحلیل کنیم، گفت: باید دقیق و عمیق باشیم والا یک جا به تناقض می‌رسیم و حرفمان را نمی‌توانیم منتقل کنیم و مواضع ما رد می‌شود.

وی با بیان این‌که مردم آمریکا و اروپا هم مانند مردم آسیا و آفریقا مظلوم و اسیر هستند، گفت: اگر حقیقت انسانی را مبنا قرار دهیم آن وقت ادبیات و موضعگیری ماهم عوض می‌شود و مرز ما با دشمن مشخص می‌شود.

وی تاکید کرد: هنر این است که طاغوت‌ها را از ملت‌ها جدا کنیم

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنانش با انتقاد از برخی جناح بندی‌ها در کشور، گفت: احزاب، جناح‌ها وگروه‌ها هیچوقت در دل مردم جایی نداشتند و جانیفتاده‌اند.

وی با بیان این که برخی چون قدرت ندارند به ملت توهین و آن را کوچک می‌کنند، گفت: ملت ایران همه قالب‌های تحمیلی را از ناحیه هرکس که باشد درهم خواهد شکست.

وی با بیان این که ملت ایران یک ملت با فرهنگ است، تصریح کرد: هیچ‌مفهومی را نمی‌توان به ملت ایران تحمیل کرد.

وی تصریح کرد: دعواهای جناحی هم باید حد و مرزی داشته باشد و باید منافع ملی را مدنظر قرار داد.

احمدی‌نژاد تاکید کرد: همه آنهایی که در این کشور روی خون شهدا نشسته‌اند و به دنبال قدرت هستند، به جایی نمی‌رسند. وی در پایان با بیان این که همه باید تابع قانون باشند، گفت: در عرصه طلبگی و آزادگی باید تحمل داشت.

پیش از سخنان رئیس جمهوری، دکتر حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنان کوتاهی به اقداماتی که دولت در حوزه رسانه در یک سال گذشته انجام داده است اشاره کرد و گفت: تنظیم آیین‌نامه کار روزنامه نگاری، رتبه‌بندی خبرنگاران، تشکیل کارگروه حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، آغاز صدور کارت‌های خبرنگاری جدید، تأسیس سرای روزنامه‌نگاران ایران و تشکیل اتحادیه خبرنگاران جهان اسلام بخشی از اقداماتی است که دولت در این عرصه انجام داده است.

همچنین در این مراسم چند تن از خبرنگاران مشکلات و دغدغه‌های این قشر را با رئیس جمهوری در میان گذاشتند و آقای احمدی‌نژاد نیز قول داد درجهت رفع مشکلات اقدام کند.

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم زاده

باز هم ارز با «ز»!

روزگاران دور وقتی شاگرد دبستانی بودم این لغت ارز در لغت‌نامه دفن شده بود و سال به سال نه در بازار نه در مدرسه هنگام مشق و دیکته نویسی کسی با آن سروکاری نداشت. الا اینکه به صورت نادر و هر چند سال یک‌باری سر از جمله‌ای در می‌آورد و معلم ما که خدا رحمتش کند برای جلوگیری از اشتباه با صدای بلند در کلاس می گفت، منظور ارز با «ز» است و تازه اول مشکل بود، چون دیکته را صحیح می‌نوشتیم، اما از آقا معلم توضیح می‌خواستم که این ارز با «ز» دیگر چه صیغه‌ای است؟ کجا یافت می‌شود؟ مصرفش چیست؟ و...

اما امروز که سری به بازار برای خرید مایحتاج زدم، فروشنده تفاوت نرخ دیروز و امروز را به کلام گهربار رئیس بانک مرکزی که تا ۱۰ روز آینده قیمت ارز مرجع افزایش خواهد یافت، حواله داد و با لبخندی گفت، فعلا تا ۳۰ درصد افزایش قیمت داریم تا ببینیم در ۱۰ روز آینده ماجرای ارز را رئیس کل بانک مرکزی چگونه «عرض» خواهد کرد؟ پرسیدم حضر تعالی قبلا بزاز بودید؟ که این عرض دومی را اینگونه غلیظ برید‌ید؟ پاسخ داد باور بفرمائید «نه». اما این رئیس کل بانک مرکزی هر عرضی که می‌فرماید موجب بریدگی بازار می‌گردد و افزایش هزینه آن را هم مردم باید بپردازند!

***

اگر چه بسیاری از کارشناسان مالی و اقتصادی افزایش نرخ ارز مرجع را در جهت کم کردن مابه‌التفاوت نرخ ارز رسمی و مرجع می‌شمارند و می‌گویند برای تأمین ثبات بازار تک نرخی شدن ارز چاره‌ساز است. اما حالا و دیر هنگام دولت می‌خواهد چنین اقدامی کند. در نقد این روش اعلام رئیس بانک مرکزی، عضو هیأت نمایندگان اتاق ایران نوشته است، «در اقدامی رئیس کل بانک مرکزی به طور رسمی اعلام کرد که تا ۱۰ روز آینده، قیمت ارز مرجع افزایش خواهد یافت. اعلام این خبر به تنهایی برای ایجاد تحریک در بازار مؤثر بود. آنچنان که قیمت‌ها به صورت یکباره افزایش یافت و بازار دلالی و سفته‌بازی بار دیگر رونق گرفت. سؤالی که حال در اذهان شکل گرفته، آن است که به چه دلیل بانک مرکزی به صورت رسمی، زمان افزایش نرخ ارز مرجع را اعلام کرد و با این کار مهلتی ۱۰ روزه برای ایجاد نابسامانی در بازار به وجود آورد؟»

باور کنید که اگر در هر کشوری رئیس کل بانک مرکزی اینگونه، آن‌هم با وعده ۱۰ روز آینده افزایش نرخ ارز مرجع را اعلام می‌کرد و موجب آشفتگی در بازار می‌شد. به‌طوری که امروز قیمت دلار در بازار آزاد از مرز ۲۳۲۰ تومان هم گذشت، قوه قضائیه به سرعت وارد ماجرا می‌شد و از دولت و مسئول بانک مرکزی ایجاد چنین آشفتگی در بازار را بازجویی می‌کرد!

اعلام چنین خبری از سوی رئیس کل بانک مرکزی در صدر اخبار شبکه‌های اطلاع‌رسانی داخلی و خارجی قرار گرفته است. مهلت ۱۰ روزه در حالی که طی روزهای گذشته بانک مرکزی هیچ ارزی به بازار عرضه نکرده است. ارز مسافرتی را قطع و محدود کرده است. بانک‌ها نیز برای گشایش اعتبارها و «ال.سی»ها جواب نمی‌دهند و می‌گویند در این روزها و فعلا نرخ ارز نداریم و شاید در ۱۰ روز آینده به فرض اینکه بانک مرکزی قیمت ارز مرجع را ۱۸۰۰ تومان اعلام کند باز تفاوت حدود ۴۰۰ تومان و یا بیشتر با ارز در بازار آزاد خواهد داشت. فعلا باید در انتظار باشید تا ۱۰ روز آینده!

با این روش از سوی بانک مرکزی و اطلاع‌رسانی رئیس این نهاد نرخ برخی از کالاها ساعت به ساعت تغییر می‌کند. همین دیروز یکی از مسئولین روزنامه درباره قیمت خرید کاغذ خبر از تغییر نرخ افزایشی لحظه‌به لحظه آن در بازار به خاطر مصاحبه رئیس کل بانک‌مرکزی درباره تک‌نرخی کردن ارز و اعلام ارز مرجع تا ۱۰ روز آینده را می‌داد.

دو خبر در بازار می‌چرخد. عده‌ای می‌گویند فعلاً هر گونه خرید و فروش یا معامله را مسکوت بگذارید تا ۱۰ روز آینده که افق نرخ ارز روشن گردد. گروهی هم خریداران را می‌ترسانند و اطلاع می‌دهند که اگر چه تا ۳۰ درصد در چند روز اخیر افزایش قیمت ایجاد شده است، هرچه زودتر بخرید که اگر امروز خریداری نکنید فردا خیلی دیر است و معلوم نیست نرخ ارز، حتی با اعلام نرخ ارز مرجع از سوی دولت ثابت بماند و اساساً بانک مرکزی توان رقابت با نوسان قیمت دلار در بازار آزاد را داشته باشد! اگرچه رئیس کل بانک مرکزی گفته است که ذخیره ارزی کافی برای تامین و گشایش اعتبارات وجود دارد.

از سوی دیگر قیمت سکه و طلا در بازار با آشفتگی از خبر و یا شایعه افزایش نرخ ارز مرجع به هم خورده است و بار دیگر از امروز سیر صعودی پیدا کرده است. فضای روانی شایعه‌سازی فراگیر شده است که این تجربه نیز منجر به شکست خواهد شد همانگونه که در گذشته باعجله تصمیم‌سازی کردند و هر چند مدت یک سیاست درباره ارز را محور رسمی بانک مرکزی اعلام و دوباره و چندباره تجدید نظر می کنند!

جدا از بحث‌های علمی، اقتصادی و نظرپردازی «اقتصاد پول» در ایران، از مشکلات برجسته امروز محاسبه نکردن انعکاس‌های روانی سخنان و یا اطلاعیه‌هایی است که مسئولین دولت علی‌الخصوص در بخش‌های اقتصادی، بانکی و پولی می‌دهند. یک نمونه آن همین مهلت ۱۰ روز آینده است. ادامه روش بدون محاسبه فضای روانی و محیط چرخش اخبار در بازار موجب تحریک به بی‌ثباتی آن شده است. شاید محاسبه زیان‌های این تجربه و مشکلاتی که برای مردم به وجود آورده است، تجدید نظر در آینده و محاسبه کارشناسی سخن گفتن و اطلاع‌رسانی درباره تصمیم گیری‌های دولت و مراکز و نهادهای اقتصادی و مالی آن گردد. شاید!

دعای روز نوزدهم ماه رمضان

اللهمّ وفّرْ فیهِ حَظّی من بَرَکاتِهِ وسَهِّلْ سَبیلی الی خَیْراتِهِ ولا تَحْرِمْنی قَبولَ حَسَناتِهِ یا هادیاً الی الحَقّ المُبین.

خداوندا بهره ام را دراین روز از برکت های آن فراوان ده و راهم را به سوی خیراتِ آن، آسان کن و مرا از پذیرش نکویی های آن ناکام مفرما؛ ای رهنما به سوی حقیقتِ عیان.

۳۰ روز، ۳۰ گفتار قرآنی در کلام رهبری

اساس حکومت اسلامی (۱۸)

سوره مبارکه نور آیه ۵۴

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُم مَّا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (٥٤)

بگو خدا و پیامبر را اطاعت کنید پس اگر پشت نمودید [بدانید که] بر عهده اوست آنچه تکلیف شده و بر عهده شماست آنچه موظف هستید و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [ماموریتی] نیست.

*** اعتقاد به خداوند بدون اعتقاد به پیامبر محقق نمی‌شود**

خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر تبعیت کنیم. این تبعیت، در همه چیز زندگی است. آن بزرگوار، نه فقط در گفتار خود، بلکه در رفتار خود، در هیأت زندگی خود، در چگونگی معاشرت خود با مردم و با خانواده، در برخوردش با دوستان، در معامله‌اش با دشمنان و بیگانگان، در رفتارش با ضعفا و با اقویا، در همه چیز اسوه و الگوست. جامعه اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه اسلامی کامل است که خود را بر رفتار پیامبر منطبق کند. اگر به طور صددرصد مثل رفتار آن حضرت عملی نیست - که نیست - لااقل شباهت به آن بزرگوار باشد؛ عکس جریان زندگی نبیّ‌اکرم بر زندگی ما حاکم نباشد؛ در آن خط حرکت بکنیم.[1]

ممکن است کسی به خدا ایمان داشته باشد، لکن به وحی ایمان نداشته باشد، این کافی نیست، لذا در قرآن در موارد عدیده اطاعت پیغمبر پس از اطاعت خدا ذکر شده: «اطیعوالله و اطیعوا الرسول»[2] خدا را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید. در حالی که شما پیرو پیغمبر هستید می‌گوئید: معلوم است من وقتی خدا را اطاعت کردم پیغمبر را هم اطاعت کرده‌ام. بله شما این‌جور هستید، چون به پیغمبر (یعنی به وحی) اعتقاد دارید، اما اگر کسی به وحی اعتقاد نداشته باشد آن وقت دیگر اطاعت از پیغمبر وجود ندارد.

در این که چگونه اطاعت از خدا تحقق پیدا خواهد کرد؟ جای صدگونه گمان و تصور باطل هست، اگر کسی به خدا معتقد بود، یعنی عقلش او را در مقابل حقیقت وجود خدا خاضع کرد، دیگر نمی‌تواند منکر شود. آیا آفرینش را و این ماشین عجیب و پیچیده کائنات را مهندس و سازنده‌ای نیست؟ حالا اگر خدا را قبول کرد، اما وحی را و این که خداوند میان خودش و میان انسان‌ها رابطه‌ای ایجاد خواهد کرد اگر قبول نکرد، آن وقت هرچه را به ذهن خود او رسید او را وحی الهی خواهد پنداشت و حکم الهی خواهد دانست؟! در حالی که همیشه اینطور نیست که عقل انسان به راه صواب برود، بلکه در موارد بسیاری هم خطا خواهد کرد. عقل احتیاج به مرشد و کسی که او را ارشاد کند و به او تعلیم بدهد دارد تا چگونه فهمیدن و چگونه دیدن و تشخیص حقیقت را از باطل بدهد.[3]

*** مراتب اطاعت از خداوند**

الف) اطاعت در زندگی فردی

اساس نظام اسلامی بر اطاعت از خداوند است؛ این آن مایز اصلی است؛ «اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول»، «ان کنتم تحبّون الله فاتّبعونی یحببکم الله».[4] بنابراین اساس نظام اسلامی، اطاعت از خدای متعال است.

اطاعت از خدای متعال، چند مرتبه دارد، چند مرحله دارد: یک اطاعت، اطاعت موردی است. در مواردی خدای متعال می‌فرماید که این عمل را انجام دهید - ولو این مسأله، مسأله شخصی است - مثلاً نماز بخوانید، یا فرض کنید که صوم و زکات و بقیه امور. این یک جور اطاعت است که انسان امر الهی را اطاعت می‌کند، نهی الهی را اطاعت می‌کند.

ب) اطاعت از نقشه الهی در زندگی اجتماعی

از این مهم‌تر، اطاعت خطی است. یعنی روش و راه و نقشه‌ای که خدای متعال برای زندگی معین می‌کند؛ این را یک مجموعه‌ای از مردم اطاعت کنند تا این نقشه تحقق پیدا کند.

این نقشه با اَعمال فردی حاصل نمی‌شود؛ این یک حالت دیگری است، یک مسأله دیگری است، مسأله بالاتری است؛ یک کار جمعی نیاز دارد تا این که نقشه الهی، هندسه الهی در وضع جامعه اسلامی تحقق پیدا کند. فرض بفرمائید که در مکه مسلمان‌ها اعمال خودشان را انجام می‌دادند؛ اما جامعه اسلامی در مکه با جامعه اسلامی در مدینه که حکومت اسلامی در آن تشکیل شد، متفاوت است. یک کار جدید، یک حرکت فراتر از حرکات فردی به وجود آمد و لازم است؛ که اگر این تحقق پیدا کرد، آن وقت «لأکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم»؛[5] زندگی، زندگی خوبی خواهد شد؛ زندگی سعادتمندانه‌ای خواهد شد؛ آثار و برکات و نتایج مطلوبی که بر اطاعت امر الهی مترتب است، بر زندگی مترتب خواهد شد.[6]

*** تأثیر نظام اسلامی بر اعمال فردی**

نظام اسلامی به انسان‌ها سعادت می‌دهد. نظام اسلامی هم یعنی آن نظامی که مبنی بر هندسه الهی است برای جامعه؛ مبنی بر نقشه خداست در جامعه. اگر این نقشه تحقق پیدا کرد، خیلی از تخلفات فردی و شخصی و جزئی قابل اغماض خواهد بود.

روایت معروفی است که نقل حدیث قدسی را می‌کند: «لأعذّبنّ کلّ رعیّة اطاعت اماما جائرا لیس من الله و لو کانت الرّعیّة فی اعمالها برّة تقیّة». نقطه مقابلش: «و لأعفونّ عن کلّ رعیّة اطاعت اماما عادلا من الله و ان کانت الرّعیّة فی اعمالها ظالمة مسیئة».[7] یعنی کار فردی و تخلف فردی در یک نظام عظیم اجتماعی که حرکت عمومی به یک سمت درستی است، قابل اغماض است؛ یا شاید به تعبیر دقیق‌تر، قابل اصلاح است؛ بالاخره می‌تواند این جامعه را، این افراد را به سرمنزل مقصود برساند؛ برخلاف این که اگر چنانچه نه، اعمال فردی درست بود، اما روابط اجتماعی، نظامات اجتماعی، نظامات غلطی بود، نظامات جائری بود، نظامات از ناحیه خدا نبود، از ناحیه شیطان بود، از ناحیه نفس بود، اعمال فردی نمی‌تواند این جامعه را بالاخره به سرمنزل مقصود برساند؛ آن چیزی که مطلوب شرایع الهی است از سعادت انسان، آن را نمی‌تواند برایشان به وجود بیاورد. بنابراین مسأله اطاعت کلان و این که انسان خط الهی را جستجو کند و بیابد و آن را دنبال کند، بسیار اهمیت پیدا می‌کند. نظام اسلامی بر اساس توحید است. پایه اصلی، توحید است.[8]

*** پی‌نوشت:**

۱ـ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۰/۰۷/۰۵

۲ـ نور: ۵۴

۳ـ بیانات در جلسه نهم تفسیر سوره بقره ۱۳۷۰/۰۸/۰۱

۴ـ آل عمران: ۳۱

۵ ـ مائده: ۶۶

۶ـ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

۷ـ الکافی، ثقةالإسلام کلینی، ج ۱، ص ۳۷۶. «قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَى لَأُعَذِّبَنَّ کُلَّ رَعِیَّةٍ فِی الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَایَةِ کُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَیْسَ مِنَ اللَّهِ وَ إِنْ کَانَتِ الرَّعِیَّةُ فِی أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِیَّةً وَ لَأَعْفُوَنَّ عَنْ کُلِّ رَعِیَّةٍ فِی الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَایَةِ کُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَ إِنْ کَانَتِ الرَّعِیَّةُ فِی أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِیئَةً» امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: خدای تبارک و تعالی فرموده است: بدون شک افرادی را که در اسلام با پیروی از امام ستمگری که از جانب خدا نیست دینداری کنند، عذاب می‌کنم هر چند که آن رعیت در کردار خود نیکوکار و پرهیزگار باشد و هر آینه افرادی که در اسلام با پیروی از امام عادل از جانب خدا دینداری کند، در می‌گذرم هر چند که آن رعیت نسبت به خود ستمگر و بدکردار باشد.

۸ ـ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

ابراز نگرانی دکتر لاریجانی از برخی تلاش‌ها برای تحقیر مجلس

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی از تدوین قانون جامع رسانه‌ها در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی خبر داد و گفت: در این قانون حقوق خبرنگاران و رسانه‌ها پیگیری می‌شود.

به گزارش ایرنا، رئیس مجلس شورای اسلامی در جمع اصحاب رسانه با بیان این که قانون جامع رسانه‌ها در کمیسیون فرهنگی مجلس در حال تدوین است؛ گفت: در این قانون به حقوق خبرنگاران رسانه‌ها، آزادی فکر و اندیشه توجه خاصی شده است.

وی از خبرنگارانی که در این جلسه حضور داشتند، خواست نظر خود را در این باره به کمیسیون فرهنگی مجلس ارائه دهند تا حمایت‌های لازم از رسانه‌ها در این قانون صورت گیرد.

رئیس مجلس همچنین از تهیه پیش‌نویس یک قانون در کمیسیون فرهنگی مجلس درباره رادیو و تلویزیون خبر داد و گفت: قرار است مشکلات صدا و سیما در این قانون مورد بررسی قرار گیرد و حل شود.

لاریجانی با بیان این که رسانه‌ها در جامعه نقش مهمی دارند؛ گفت: رسانه‌ها در آگاهی بخشی به افکار عمومی نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کنند.

وی همچنین از رسانه‌ها خواست که در اطلاع‌رسانی به مردم درباره قوانینی که در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود، نقش خوبی ایفا کنند.

رئیس مجلس در بخش دیگری از سخنانش گفت: مدتی است که به اصطلاح و رفتن با پارلمان در کشورمان برای عده‌ای شیرین شده است و عده‌ای به تحقیر پارلمان می‌پردازند. لاریجانی با بیان این که تاریخ گذشته کشورمان نشان می‌دهد هرگاه پارلمان در کشور ما ثبات داشت، استقلال و اقتدار کشور بیشتر بوده است.

وی ادامه داد: تاریخ گذشته کشورمان نشان می‌دهد پارلمان یگانه جایی است که می‌تواند حقوق مردم را حفظ کند و برای آنان احترام قائل است.

وی با تاکید بر این که نقد کردن به کار همه قوا مفید است؛ گفت: ممکن است نقدهایی به کار پارلمان وارد باشد، ولی مجلس شورای اسلامی تلاش می‌کند وظایف خود را به خوبی انجام دهد. رئیس مجلس با بیان این که کشورمان هم اکنون تحت فشار بیرونی از سوی دشمنان قرار گرفته است؛ گفت: دشمنان می‌خواهند از طریق ایجاد مشکلات اقتصادی به کشورمان ضربه وارد کنند. وی افزود: اکنون یک اولویت‌بندی در کشور ضروری است و تمرکز نهادها و مسئولان باید بر این باشد که مسائل اقتصادی کشور را به خوبی رصد کنند.

لاریجانی در پایان این مراسم از نرم‌افزار نمایه مطبوعات رونمایی کرد.

همچنین در پایان این مراسم، رئیس مجلس و سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روزه خود را با خبرنگاران افطار کردند.

اقتصاد مقاومتی

رئیس مجلس گفت: اقتصاد مقاومتی می‌تواند استعدادهای بالقوه جامعه را بالفعل کند و این گونه ضمیمه حضور جوانان در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی بیشتر فراهم می‌شود.

لاریجانی در حاشیه دیدار با اصحاب رسانه در جمع خبرنگاران با تاکید بر اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی در کشور گفت: اقتصاد مقاومتی بدین معناست که کار بر دوش مردم باشد و شرایط ارائه انحصاری کالاها گرفته شود. وی با بیان این که باید به اقتصاد نگاه درونی داشت؛ اظهار داشت: این بدین معناست که هدف‌گیری این باشد که استعدادهای بالقوه جامعه بالفعل شود، بانک‌ها و موسسه‌ها ضمیمه حضور جوانان را در حوزه‌های تولیدی و اقتصادی فراهم کنند و کمتر به واردات تکیه شود.

رایزنی دکتر جلیلی با بشار اسد درباره تحولات سوریه

بقیه از صفحه اول

درس مهم مقاومت برای مردم منطقه، نشان دادن ظرفیت بزرگ امت اسلامی بود که در میان ملت‌ها نهفته است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی همچنین در دیدار وزیر خارجه لبنان با اشاره به رویکرد منطقی جمهوری اسلامی ایران به موضوع سوریه اظهار داشت: همواره گفته‌ایم راه‌حل مسأله این کشور دموکراسی است که با صدور اسلحه و خونریزی میسر نمی‌شود.

جلیلی در این دیدار، مناسبات ایران و لبنان را بسیار دوستانه و فراتر از مناسبات عادی میان دو کشور ارزیابی کرد و گسترش ظرفیت روابط در عرصه‌های مختلف را خواستار شد.

نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی با اشاره به اقدام‌های برخی دولت‌ها در ایجاد ناامنی در سوریه و با تأکید بر این که امنیت مقوله‌ای مشارکت‌پذیر است، ولی تقسیم‌پذیر نیست، تصریح کرد: کسانی که با اشاعه ناامنی از طریق ارسال تسلیحات و صدور تروریسم در کشورهای منطقه تصور می‌کنند که امنیت بیشتری را برای خود به دست می‌آورند، در یک خطای راهبردی به سر می‌برند.

وی ادامه داد: معتقدیم دوستان سوریه لازم است با کمک به توقف کامل رفتارهای خشونت‌آمیز، شکل‌گیری گفتگوهای ملی، برقراری انتخابات سراسری در این کشور و با ارسال کمک‌های انساندوستانه، از فشارهای تحمیل شده بر مردم سوریه بکاهند.

«عدنان منصور» وزیر امور خارجه لبنان هم در این دیدار با تأکید بر عمق روابط دوستانه ایران و لبنان، تقویت مناسبات با جمهوری اسلامی ایران را در زمینه‌های مختلف از جمله همکاری‌های اقتصادی خواست ملت و دولت لبنان اعلام کرد و اظهار داشت: از همه ظرفیت خود برای این منظور استفاده خواهیم کرد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به ربوده شدن ۴۷ زائر ایرانی در سوریه گفت: از همه ظرفیت‌هایی که به آزادی انسان‌های بی گناه منجر می‌شود، استفاده می کنیم.

وی دیروز در بدو ورود به دمشق در گفت‌وگو با خبرنگاران افزود: این بحث مهمی است که انسان‌های بی‌گناه ربوده می‌شوند. آدم‌ربایی در هیچ جای دنیا پذیرفتنی نیست.

جلیلی اظهار داشت: ما فقط تروریست‌ها را مقصر نمی‌دانیم، بلکه همه کسانی را که به آنها کمک می‌کنند، در این رفتار مجرمانه شریک و مسئول می‌دانیم.

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر احتمال کشته شدن چند نفر از ربوده شدگان ایرانی گفت: اگر این خبر درست باشد، عمق جنایت این افراد (تروریست‌ها) و حامیان آنها را نشان می‌دهد و باید پاسخگو باشند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی در مورد ناآرامی‌ها در سوریه اظهار داشت: برای مسائل سوریه به جای راه‌حل‌های خارجی باید راه‌حل سوری انتخاب شود؛ راه‌حلی که از طریق گفتگوی ملی در داخل سوریه حاصل شود.

گفتنی است که وی در فرودگاه بین‌المللی دمشق مورد استقبال «احمد عرنوس» معاون وزیر خارجه سوریه، «علی مملوک» مدیر دفتر امنیت ملی سوریه و محمدرضا رئوف شیبانی سفیر ایران در سوریه و جمعی از مسئولان نهادهای ایرانی مستقر در این کشور قرار گرفت.

دیدار با مقام‌های سوری از جمله بشار اسد رئیس جمهوری، «ولید المعلم» وزیر خارجه و مهاجرین، مسئولان و شخصیت‌های گروه‌های فلسطینی مستقر در سوریه از جمله برنامه‌های جلیلی در جریان سفر به سوریه است.

رایزنی جلیلی با بشاراسد درباره تحولات سوریه

دبیر شورای عالی امنیت ملی دیروز در دمشق با «بشاراسد» رئیس جمهوری سوریه دیدار و گفت‌وگو کرد.

به گزارش مهر، در این دیدار جلیلی با اشاره به اهداف دشمنان در تمرکز بر سوریه اظهار داشت: نباید اجازه داد دشمنان انتقام شکست‌های خود از مقاومت را از مردم سوریه بگیرند.

جلیلی همچنین تاکید کرد: یگانه راه‌حل موضوع سوریه دموکراسی و احترام به انتخاب مردم این کشور است و بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای کمک‌های انساندوستانه به مردم مقاوم و رنجدیده سوریه تاکید کرد.

در این دیدار رئیس جمهوری سوریه هم با استقبال از دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران، دخالت برخی بیگانگان که با ارسال سلاح از تروریسم در سوریه حمایت می‌کنند را غیر قابل قبول دانست و بر عزم دولت برای پاسخگویی به مطالبات مردم از مسیرهای دموکراتیک تاکید کرد.

ارسال یادداشت اعتراضی ایران به آمریکا

معاون وزیر امور خارجه از ارسال یادداشت جمهوری اسلامی ایران به ایالات متحده آمریکا از طریق سفارت سوئیس در تهران که حافظ منافع این کشور در ایران است، در باره ۴۸ زائر ایرانی ربوده شده در سوریه خبر داد.

«حسین امیرعبداللهیان» بامداد سه شنبه در گفت و گو با ایرنا، اظهار داشت: در این یادداشت باتوجه به حمایت علنی آمریکا از گروه‌های تروریستی و ارسال سلاح به سوریه، مسئولیت تأمین امنیت جان ۴۸ زائر ایرانی ربوده شده در دمشق متوجه ایالات متحده آمریکا دانسته شده است.

معاون عربی و آفریقایی وزیر امور خارجه تصریح کرد: آمریکا به عنوان حامی تروریسم مسئول جان زائران ایرانی است. این مقام مسئول وزارت امور خارجه، علاوه بر آمریکا دولت‌های قطر و ترکیه را نیز در این موضوع مورد خطاب قرار داد و از آنان خواست به مسئولیت خود در قبال حفظ جان زوار ایرانی ربوده شده در سوریه توجه داشته باشند.

امیرعبداللهیان در باره دیگر اقدامات وزارت امور خارجه در مورد ۴۸ زائر ایرانی ربوده شده در سوریه گفت: این افراد همزمان با میلاد امام حسن مجتبی(ع) عازم زیارت حضرت زینب(س) در دمشق بودند که توسط گروهی موسوم به ارتش آزاد سوریه به گروگان گرفته شدند. وی افزود: وزارت امور خارجه به محض اطلاع از ربوده شدن این افراد، اقدامات دیپلماتیک فشرده ای را انجام داد و دکتر «علی اکبر صالحی» وزیر امور خارجه با «احمد داود اوغلو» وزیر خارجه ترکیه تماس تلفنی گرفت و از وی خواست در این موضوع مداخله و به آزادی ۴۸ زائر ایرانی ربوده شده کمک کند.

معاون وزیر امورخارجه اضافه کرد: صالحی همچنین تماس تلفنی مشابهی با نخست وزیر و وزیر امورخارجه قطر گرفت تا این کشور نیز برای آزادی زائران ایرانی ربوده شده تمام تلاش خود را بکار گیرد.

امیرعبداللهیان با تأکید بر اینکه تلاش‌های فشرده وزیر امورخارجه در مورد ۴۸ زائر ایرانی ربوده شده کماکان تا حصول نتیجه ادامه خواهد داشت، گفت: انتظار داریم کشورهایی که به نوعی در حوادث سوریه مسئول هستند، جهت تأمین امنیت، حفظ سلامت و بازگشت زائران ایرانی اقدامات لازم را انجام دهند.

معاون عربی و آفریقایی وزیر امورخارجه در پاسخ به این پرسش که آیا اخبار کشته شدن چند نفر از این زائران ایرانی ربوده شده را تأیید می کنید یا خیر؟ گفت: بر اساس پیگیری‌های به عمل آمده تاکنون هیچ خبر تأیید شده ای مبنی بر کشته شدن این افراد وجود ندارد و امیدواریم با تلاش‌های دیپلماتیک شاهد اقدامات کشورهایی که مسئول در این حادثه هستند باشیم و تمام زائران ایرانی به سلامت به کشور بازگردند.

کاردار سوئیس به وزارت امور خارجه احضار شد

در پی ربایش شهروندان و زائران ایرانی توسط گروه‌های مسلح مورد حمایت دولت آمریکا در سوریه کاردار سوئیس به عنوان حافظ منافع آمریکا در تهران روز دوشنبه توسط مدیر کل آمریکای شمالی به وزارت امور خارجه فرا خوانده و نسبت به این قبیل اقدامات هشدار داده شد. به گزارش خبرگزاری مهر، رضا زبیب با اشاره به حمایت امریکا از گروه‌های مسلح و شورشی در سوریه دولت آمریکا را مسئول سلامت ۴۷ زائر ربوده شده دانست و تأکید کرد از دولت آمریکا انتظار می رود با استفاده از نفوذ خود نزد ربایندگان امکان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها را فراهم کند.

کاردار سوئیس نیز تأکید نمود مراتب را در اسرع وقت به دولت امریکا منعکس و نتیجه را به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اعلام خواهد کرد.

احضار کاردار سوئیس به وزارت خارجه

به دنبال ربایش شهروندان و زائران ایرانی توسط گروه‌های مسلح مورد حمایت دولت آمریکا در سوریه، کاردار سوئیس به عنوان حافظ منافع این کشور در تهران به وزارت خارجه فراخوانده شد.

کاردار سوئیس روز دوشنبه توسط مدیرکل آمریکای شمالی به وزارت امور خارجه فراخوانده و نسبت به این قبیل اقدامات هشدار داده شد.

رضا زبیب با اشاره به حمایت آمریکا از گروه‌های مسلح و شورشی در سوریه، کاخ سفید را مسئول سلامت ۴۷ زائر ربوده شده دانست و تاکید کرد: از دولت آمریکا انتظار می‌رود با استفاده از نفوذ خود نزد ربایندگان، امکان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها را فراهم آورد.

کاردار سوئیس هم تاکید کرد که مراتب را در اسرع وقت به دولت آمریکا منعکس و نتیجه را به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اعلام خواهد کرد.

نقش تهران و آنکارا در حل موضوع سوریه

از سوی دیگر معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت خارجه گفت که ایران و ترکیه نقش اساسی در حل و فصل مسالمت آمیز موضوع سوریه دارند.

سیدعباس عراقچی در گفت‌وگویی با فارس در تشریح اهداف سفر «حالیت چویک» معاون وزیر خارجه ترکیه به تهران اختلاف دیدگاه میان کشورها را امری طبیعی دانست و افزود: اتفاقاً یکی از اهداف مهم رایزنی‌های اینجانب با همتای ترک، کاستن از سطح این اختلاف دیدگاه‌ها و دستیابی به راه حل میانه و تفاهم است. مسئله مهم در بین کشورها ادامه تبادل نظر و مشورت آنها در ارتباط با تحولات است که این روند با ترکیه در سطوح مختلف جریان دارد.

به اعتقاد ما اتفاقاً ایران و ترکیه نقش اساسی در حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع سوریه دارند و همکاری و همفکری این دو کشور با هم می‌تواند به نتایج سودمندی در این خصوص منجر شود.

در این میان دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در واکنش به برخی اظهارنظرها درباره حضور سپاه در سوریه گفت: سپاه هیچ دخالتی در مسائل سوریه ندارد.

محسن رضایی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار داشت: دشمنان به دلیل این که دچار شکست‌هایی پی‌درپی شده‌اند و نتوانستند به اهداف خود دست یابند، این تهمت‌ها را علیه سپاه مطرح می‌کنند، ولی سپاه هیچ دخالتی در مسائل سوریه ندارد و اگر دخالت داشت، به طور صریح اعلام می‌کرد.

حمایت ۲۲۷ نماینده مجلس از اقدامات وزارت اطلاعات علیه تروریست‌های هسته‌ای

۲۲۷ نفر از نمایندگان مجلس با صدور بیانیه‌ای حمایت خود را از اقدامات سربازان گمنام امام زمان(عج) اعلام کردند.

متن این بیانیه که علیرضا منادی عضو هیئت رئیسه مجلس دیروز آن را در صحن علنی قرائت کرد، به شرح ذیل است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سربازان گمنام امام زمان (عج) که مدال افتخار آمیز گمنامی بر سینه ستبرشان می‌درخشد، اینک با سپری کردن سه دهه مبارزه جدی با ایادی استکبار و توطئه‌گران داخلی و خارجی، اندوخته‌ای از تجربیات گرانسنگ را به همت عالی خویش درآورده تا مقتدرانه و هوشمندانه، ترفندهای پیچیده بدخواهان و دشمنان ملت بزرگ ایران را یکی پس از دیگری خنثی و نقش بر آب سازند.

در این راستا تازه‌ترین نمونه دستاورد و موفقیت دستگاه اطلاعاتی کشور که در مقابله با دشمنان این ملت و مخالفان پیشرفت علمی کشور تبلور یافت، دستگیری تمام عوامل ترور نخبگان علمی و دانشمندان هسته‌ای بود که به رغم پیچیدگی و ظرافت‌های فراوان، توسط نیروهای تیزهوش و ولایتمدار وزارت اطلاعات به حول و قوه‌الهی انجام و برگ زرین دیگری در دفتر قطور خدمتگزاری آنها افزوده شد.

ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن تقدیر و تشکر از فعالیت‌های وزارت اطلاعات، حمایت قاطع خود را از مبارزه بی‌امان ایشان با ایادی استکبار جهانی اعلام کرده و برای سربازان گمنام امام زمان(عج) آرزوی توفیق روز افزون داریم.

به گزارش خبرنگار پارلمانی اطلاعات دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی هم در سخنانی با اعتراض نسبت به کشته شدن ۳ تن از زائران ایرانی به دست معارضان سوری، دولت آمریکا و هم همپیمانانش را مسئول این جنایت‌ها دانست و هشدار داد: آمریکا مسئول جنایت‌های رخ داده است و به موقع جواب خود را دریافت خواهد کرد.

وی افزود: این جنایت‌ها چیزی نیست که ایران به راحتی از آن عبور کند.

رئیس مجلس سپس یادآور شد: سیاست بازان دنیای امروز و معاویه صفتان برای رسیدن به قدرت جنگ افروزی می‌کنند و صدها هزار نفر را در سوریه، عراق، افغانستان و فلسطین می‌کشند تا پرستیژ خود را حفظ کنند و تأسف‌آورتر از آن، رفتار برخی دولت‌های منطقه است که به نام اسلام خشونت و با زائران ایرانی هم با خشونت رفتار می‌کنند.

لاریجانی سپس فرا رسیدن شب‌های قدر را گرامی داشت و با استناد به روایتی از امام محمدباقر(ع) اظهار داشت: ایشان فرمودند که عمل صالح از نماز، زکات و انواع خیرات در این شب بهتر است.

اولویت استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران

در ادامه این جلسه، طرح «الحاق ۲ تبصره به ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی درآموزش و پرورش» در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مورد بحث قرار گرفت و کلیات آن با ۱۷۸ رأی موافق در برابر ۴۷ رأی مخالف و ۱۴ رأی ممتنع به تصویب رسید.

براساس این طرح، حداکثر در مدت ۲ سال تمامی مربیان پیش دبستانی و نیروهای خرید خدمت آموزشی که با آموزش و پرورش همکاری داشته‌اند، از طریق برگزاری آزمون با توجه به نوع مدرک و رشته تحصیلی، جنسیت، نیاز منطقه‌ای و سال‌های همکاری با آموزش و پرورش در اولویت استخدام قرار می‌گیرند.

مربیان پیش دبستانی و نیروهای خرید خدمتی آموزشی که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ با آن وزارتخانه همکاری داشته‌اند، به روال همان سال به همکاری با آموزش و پرورش ادامه خواهند داد.

به گزارش خبرنگار پارلمانی اطلاعات، لطف‌الله فروزنده نماینده دولت، تصویب این طرح را موجب افزایش بار مالی دولت دانست و گفت: وزارت آموزش و پرورش اکنون ۵ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد و جذب نیرو در این شرایط به معنای اضافه کردن بارمالی آن است.

وی افزود: بسیاری از این افراد در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند و ما به جای استخدام اینها، بهتر است بخش خصوصی را ساماندهی کنیم.

فروزنده همچنین یادآور شد: در آزمونی که در این وزارتخانه برگزار شد ۱۶ هزار نفر از میان ۵۶ هزار شرکت کننده جذب آموزش و پرورش شدند و این افراد کسانی بودند که نمره لازم را کسب کرده بودند. در ارتباط با استخدام معلمان قرآنی، فروزنده گفت: آموزش و پرورش در این زمینه مازاد نیرو دارد.

بنابراین گزارش در پی تجمع اعتراضی چند روز اخیر مربیان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی مقابل ساختمان مجلس، نمایندگان موافق تصویب این لایحه را ضروری اعلام کردند.

صندوق‌های رفاه دانشجویان

لایحه« الحاق صندوق‌های رفاه دانشجویان به بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، در این جلسه مورد رسیدگی قرار گرفت و پس از تصویب در شور اول جزئیات آن تصویب شد. با تصویب این لایحه، سازمان امور دانشجویان و صندوق‌های رفاه دانشجویان از شمول قانون محاسبات عمومی کشور خارج شدند.

تصویب ۲ لایحه موافقتنامه

لایحه موافقتنامه حمل و نقل هوایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه و تشریفات (پروتکل) الحاقی آن در این جلسه مطرح و تصویب شد.

همچنین لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در انجمن جهانی زیرساختارهای حمل و نقل دریایی«پیانک»، دیگر دستور این جلسه بود که به تصویب نهایی رسید.

در ادامه این جلسه، برای انتخاب اعضای ناظر در هیات نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس رأی گیری به عمل آمدو اعضای آن هیات به شرح زیر انتخاب شدند:

روح‌الله حسینیان، موسی غضنفرآبادی، غلامرضا اسداللهی، عزیز اکبریان، عوض حیدرپور و میرمحمدی.

رئیس مجلس: واگذاری اوراق مشارکت برای اجرای طرح‌های مهرماندگار غیرقانونی است

رئیس مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهوری با اشاره به مصوبه هیات دولت درباره انتشار اوراق مشارکت برای طرح مهر امام رضا(ع) و ایرادهای قانونی آن، خواستار اصلاح این بخش از مصوبه دولت شد.

به گزارش فارس، در نامه علی لاریجانی آمده است:

جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بازگشت به رونوشت تصویب‌نامه هیات محترم وزیران به شماره ۴۷۸۲۱/۲۴۹۴۶۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷، موضوع: «صدور مجوز کلی انتشار اوراق مشارکت»، متعاقب بررسی‌ها و اعلام نظر مقدماتی «هیات بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین» و مستنداً به صدر ماده واحده و تبصره(۴) الحاقی به «قانون نحوه اجرای اصول هشتاد و پنجم (۸۵) و یکصد و سی و هشتم (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصلاحات بعدی» و ماده(۱۰)»

آیین نامه اجرایی آن، مراتب متضمن اعلام نظر قطعی جهت اقدام لازم در مهلت مقرر قانونی و اعلام نتیجه به این جانب ابلاغ می‌گردد. بدیهی است پس از انقضای یک هفته مهلت مقرر در قانون، آن بخش از مصوبه که مورد ایراد قرار گرفته است، ملغی‌الاثر خواهد بود.

۱ـ نظر به این که طبق بندهای«۴۸» و «۵۱» ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۰، انتشار اوراق مشارکت به صورت تفکیک شده و با احکامی متفاوت به دولت اجازه داده شده است، بند«۱» مصوبه مذکور از حیث عدم رعایت تفکیک مذکور و در نتیجه نقض احکام مربوط به هر دسته خصوصاً حکم مربوط به مرجع تضمین اوراق مذکور، مغایر با قانون است.

۲ـ با توجه به ماده(۱۰) قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت ـ مصوب ۱۳۷۶ ـ مبنی بر ممنوعیت «مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت در غیر اجرای طرح‌های مربوط» و نظر به این که در بندهای «۴۸» و «۵۱» ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۰ طرح‌های مشخصی برای مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت معین شده است، بند«۲» مصوبه مذکور مبنی بر الزام به مصرف ۱۰۰ درصد وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت برای تکمیل طرح‌های مهرماندگار، از حیث عدم تطابق کامل با طرح‌های مدنظر قانونگذار در بندهای مذکور، مغایر با قانون است.

رئیس مجلس شورای اسلامی ـ علی لاریجانی

برگزاری جلسه ستاد کنگره بزرگداشت حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی

اصفهان ـ نهمین جلسه ستاد کنگره بزرگداشت حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی(ره) در حوزه علمیه گلپایگان برگزار شد.

به گزارش ایرنا؛ آیت‌الله سیدجواد گلپایگانی با اشاره به ابعاد شخصیتی مرحوم آیت‌الله العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی(ره) گفت: این مرجع تقلید شیعه؛ نه فقط متعلق به ایران؛ بلکه متعلق به عالم اسلام است.

وی باقدردانی از اعضای ستادکنگره بزرگداشت پدرش گفت: برگزاری این کنگره در گلپایگان و قم باهدف تجلیل از مقام شامخ ایشان به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا شود که در خور شخصیت آن مرجع بزرگوار تقلیدباشد. فرزند آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی ابراز امیدواری کرد که با برگزاری جلسات مستمر ستاد در دو شهرستان گلپایگان و قم و استفاده از نظرات بزرگان دین و دیدگاه‌های مردمی؛ این کنگره با عنوان با شکوه خاصی در این دو شهرستان برگزار شود.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا اسماعیلی امام جمعه گلپایگان هم در این نشست با ارائه گزارشی از مصوبات جلسات گذشته ستاد بزرگداشت آیت‌الله گلپایگانی؛ گفت: مردم و مسئولان این شهرستان درصددند این کنگره درخور شأن آن مرجع بزرگوار تقلید در این شهرستان عالم‌پرور برگزار شود.

این کنگره قرار است با عنوان «فقیه آگاه» ۱۸ و ۱۹ آبان امسال همزمان در قم و گلپایگان برگزار شود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خواستار مساعدت بیشتر مسئولان به انجمن ام اس شد

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار اعضای هیأت مدیره و مؤسس انجمن ام‌اس ایران اقدام‌ها و زحمات دست‌اندرکاران این انجمن در کمک به بیماران و خانواده‌های آنان را خداپسندانه و قابل تقدیر خواند و با اشاره به روند رو به گسترش این بیماری در کشور، خواستار توجه مضاعف مسئولان و دست‌اندرکاران در تامین مایحتاج بیماران به خصوص دارو برای بیماران شد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با ابراز تأسف از گسترش این بیماری در کشور، قرار نگرفتن بیماری ام‌اس در زمره بیماری‌های خاص را مهمترین معضل انجمن‌ها و سازمان‌های مردم نهاد برای امدادرسانی و پیشگیری از بیماری خون و تصریح کرد: بیماران ام‌اس و خاص اغلب جزو اقشار ضعیف جامعه هستند و با توجه به بالارفتن پی‌درپی قیمت داروهای این بیماری، دولت می‌تواند ردیف بودجه‌ای برای آنان در نظر بگیرد و از درآمدهای هدفمندی یارانه‌ها به این بیماران و خانواده‌هایشان کمک کند. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نقش خیرین و دلسوزان نسبت به حمایت از این گونه بیماران را غیر قابل چشم‌پوشی خواند و گفت: مسئولان امر می‌توانند در کنار کمک‌های مردمی برای تامین داروهای حیاتی و گرانقیمت بیماران و تحت پوشش بیمه قرار دادن آنان اقدام‌های موثری انجام دهند.

در ابتدای این دیدار، دکتر صحرائیان نایب رئیس انجمن ام‌اس ایران و تنی چند از حاضران به تشریح روند گسترش بیماری در ایران و منطقه پرداختند، موانع و مشکلات پیش‌روی بیماران و خانواده‌ها را بیان و خواستار مساعدت مسئولان امر در این زمینه شدند.

تعطیلی تهران برای برگزاری اجلاس غیر متعهدها

معاون عمرانی استاندار تهران، گفت: برای برگزاری اجلاس غیر متعهدها شهر تهران احتمالا دو روز تعطیل خواهد بود.

محمدرضا محمودی در گفت‌وگو با فارس، اظهار داشت: برای برگزاری اجلاس غیر متعهدها شهر تهران در روزهای هفتم و هشتم شهریور تعطیل خواهد بود. این اجلاس به مدت یک هفته کاری در تهران (از ۵ تا ۱۰ شهریور) برگزار می‌شود. جنبش غیرمتعهدها ۱۲۰ عضو دارد که علاوه بر آن ۲۰ عضو دیگر از سازمان‌های بین‌المللی هم ناظر این اجلاس هستند.

حدیث روز

امام علی علیه‌السلام:
خَیْرُ الثَّناءِ ماجَری عَلی أَلْسِنَهِ الأبرار
بهترین ستایش‌ها آن چیزی است که بر زبان نیکان جاری شود.

رونمایی از دست آوردهای هنری جوانان کشور در فرهنگستان هنر

مراسم رونمایی از «دستاوردهای هنری جوانان روی در فردا» با رونمایی از تندیس شهری با موضوع بیداری اسلامی، افتتاح باشگاه خبری هنرمندان، تقدیر از هنرمندان برگزیده در موضوع بیداری اسلامی و افتتاح نمایشگاه پوستر بیداری اسلامی همراه بود که با حضور دکتر علی‌اکبر ولایتی دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی، علی معلم رئیس فرهنگستان هنر، بهمن کاظمی معاون پژوهشی فرهنگستان هنر برگزار شد.

بهمن کاظمی در ابتدای این مراسم با اشاره به موضوع بیداری اسلامی گفت: همه می‌دانیم که حرکت بیداری اسلامی در زمانه‌ای که جامعه بشری به غیر از دنیای دو قطبی چیزی را نمی‌شناخت از کشور ما شروع شد و اکنون این مناسبت فرصتی شده تا گروهی از نخبگان جوان به عنوان سرمایه‌های ملی این سرزمین با الهام گرفتن از این نقطه عطف، چنین حرکتی را تصویر کنند. «دکتر علی اکبر ولایتی» مشاور عالی مقام معظم رهبری و دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی اقداماتی که از سوی فرهنگستان هنر در جهت حفظ و صیانت فرهنگ و هنر ایران اسلامی صورت می گیرد را شایسته شمرد و سپس در خصوص «بیداری اسلامی» و موج همه گیر آن تصریح کرد: «موجی که اکنون در تمامی جهان اشاعه یافته پیشینه تاریخی دارد و نزدیک به دو قرن پیش با انتشار رساله جهادیه از سوی «میرزا قائم‌مقام» و علماء برجسته، برای اشغال ۱۷ شهر ققفاز آغاز شده بود.» وی در همین زمینه ادامه داد: «مبارزاتی که اهل فکر و نظر ما سال‌ها انجام دادند تا به انقلاب اسلامی ختم شد با اسناد مکتوب تاریخی موجود است و هم‌اکنون نیز به عنوان الگویی برای کشورهای اسلامی به شمار می‌رویم و کشورهایی چون مصر، بحرین، لیبی و... با همان زیربنای مشترک یعنی استقلال خواهی و حرکت جمعی مردم، به نتایج نهایی رسیدند. البته کشورهای استعمارگر برای جلوگیری از این موج سعی می کنند که آن را به کشور سوریه نیز اشاعه دهند و سعی دارند این موج را به گونه‌ای دیگر نشان دهند.»

ولایتی ادامه داد: «برخی از نظریه پردازان از انقلاب‌هایی که تاکنون در جهان اسلام صورت گرفته با عنوان «بهار عربی» و «انقلابات رنگین» یاد می کنند ولی صرف ادعا کافی نیست و اثبات لازم است.

مقام معظم رهبری در ۱۴ بهمن ۱۳۸۹ در نماز جمعه آن را موج بیداری اسلامی نامیدند و بعدها توسط علماء و کارشناسان بلند پایه عربی نیز این حرکات را بیداری اسلامی خواندند.» دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی به برنامه‌هایی که از سوی این مجمع تاکنون برگزار شده اشاره کرد و افزود: «این مجمع در طول تقریبا یک سال و نیم فعالیتی که داشته نخستین کنفرانس بیداری اسلامی را برگزار کرده که با استقبال خوبی مواجه شد پس از آن نیز اجلاس جوانان و زنان نیز برگزار شد و بهمن ماه امسال نیز از فضلا و علماء دعوت شده تا اجلاس علمای جهان اسلام با موضوع بیداری اسلامی برگزار شود همچنین پیشنهادهایی از سوی برخی نهادها صورت گرفته که در حال بررسی و اجرایی شدن است.»

محمد باقر پیشنمازی معاون فرهنگی وزارت ورزش و جوانان نیز در سخنانی گفت: قیامی که امروز در کشورهای منطقه علیه حاکمان منصوب شده شیطان بزرگ صورت گرفته است، اگر چه دیرهنگام رخ داد اما حرکتی در جهت کسب طهارت و صلاحیت بود.

پیشنمازی با بیان این که هیچ جمعیت و ملتی بدون پرداخت هزینه به این نقطه اوج نمی رسد گفت: اگر افرادی در چنین حرکتی زمین می خورند و جراحت برمی دارند در واقع بخشی از تلاش برای کسب طهارت نسبت به غفلت‌های گذشته است.

معاون فرهنگی وزارت ورزش و جوانان با اشاره به فعالیت‌های هنرمندان در زمینه بیداری اسلامی گفت: امروز هنرمندان تلاش کرده‌اند تا در هنرشان جلوه‌هایی از این بیداری اسلامی را به تصویر بکشند و با پیام هنری آن ملت‌های دیگر را هم بیدار کنند. وی همچنین یکی از عرصه‌های بیداری اسلامی در داخل کشور را غفلت زدایی در برابر جلوه‌های ابلیس عنوان کرد و گفت: هرجا که عناصر غفلت می تازند این هنرمندان و دانشمندان هستند که وظیفه دارند تا با نورافشانی خود پیکار کنند. معاون فرهنگی وزارت ورزش و جوانان فرهنگستان هنر را پرچم دار این ماموریت دانست و گفت: فرهنگستان هنر با به کارگیری هنرمندان می تواند در این جهت حرکت کند و زمینه را برای بهره‌گیری از هنر آن‌ها فراهم کند.

علی معلم دامغانی رئیس فرهنگستان هنر سخنران بعدی این مراسم بود که درباره برگزاری مراسم رونمایی از دستاوردهای هنری جوانان رو به فردا گفت: اگر چه فرهنگستان هنر امضای قانونی برای پرداختن به هنر جوانان در زمینه بیداری اسلامی را ندارد اما نه ما و نه هیچ قدرت دیگری توانایی آن را نداریم که دست رد به سینه نخبگانی که می خواهند در کشور فعال باشند بزنیم و امکاناتمان را در حد توان در اختیارشان قرار ندهیم.

او در ادامه بخش‌های مختلف فرهنگستان هنر را معرفی کرد و گفت: فرهنگستان هنر دارای دو بخش، کاملا شناخته شده است که بخش نخست مربوط به بخش سنتی می‌شود و به سرگذشت هنری باشکوه ما توجه می کند. وی افزود: فرهنگستان دو پژوهشکده فعال دارد که ماهیت اندک متفاوتی دارند، یکی بر بنیاد مسائل هنری تحقیقات می کند و به جمع‌آوری آثاری که جزء سرگذشت هنری ماست می‌پردازد و دیگری با ماهیت وابسته به دانشگاه درباره مدینه فاضله و شهر اسلامی تحقیق می کند. وی مؤسسه فرهنگی و هنری صبا را به عنوان یکی از مراکز نمایشگاهی وابسته به فرهنگستان هنر معرفی کرد و گفت: نمایشگاه بزرگ صبا تقریبا همه سال به نمایش آثار هنرمندان می‌پردازد و موزه‌ای نیز با عنوان فلسطین داریم که درنوع خود منحصر به فرد است و نظیر آن در دنیا وجود ندارد، این موزه اگر چه فقیر است اما آرزومند است که کارهای شایسته‌ای با موضوع فلسطین را به نمایش بگذارد. وی همچنین مؤسسه متن را به عنوان موسسه چاپ ونشر آثار وابسته به فرهنگستان معرفی کرد که به انتشار کتب هنری دانشگاهی می‌پردازد.

معلم ادامه داد: در زعفرانیه نیز استودیویی به منظور فعالیت جوانان در زمینه نمایش، سینما و انیمیشن در اختیار داریم و همچنین پژوهشکده دیگری داریم برای طراحی لباس و یافتن نمونه‌های قماش‌هایی که از دیرگاه در کشور وجود داشته و در عین داشتن ذوق و سلیقه منافاتی با ارزش‌های اسلامی ندارند.

علی معلم درباره برنامه دستاوردهای هنری جوانان روی در فردا هم گفت: این بار قرار است به عرصه تصویر و تحقیق بیداری اسلامی از چشم جوانان نخبه بپردازیم.

معلم با اشاره به نمایشگاه عکس بیداری اسلامی گفت: از میان پنج هزار عکس ارسالی ۳۰۰عکس پذیرفته شده است که نشان می‌دهد حرکت بیداری اسلامی متعلق به مسلمانان است و نمایشگاه آن نیز به زودی برپا خواهد شد. در ادامه این مراسم سید محسن حسینی دبیر اجرایی نمایشگاه پوستر بیداری اسلامی و رئیس هیات داوران این مسابقه بیانیه هیات داوران را خواند و در گزارشی کوتاه گفت: نمایشگاه پوسترهای بیداری اسلامی با دعوت از ۴۵ جوان از اعضای کارگروه نخبگان «روی در فردا» آغاز شده است و در این مدت ۱۱۰ اثر با موضوع بیداری خلق شد که در مجموع ۴۲ اثر از ۳۰ هنرمند به نمایشگاه راه یافت و سه اثر به عنوان برگزیده انتخاب شد.

قدردانی از برگزیدگان هنرمندان فعال در حوزه بیداری اسلامی بخش بعدی مراسم بود و از سید محسن حسینی، سعید صالحی، میراعلایی، نیما قاسمی و محمد حسین شوکت‌پور (سازنده تندیس بیداری اسلامی) قدردانی شد و جوایز اول تا سوم این بخش نیز به مسعود زرونی، امید ایرایی و ناصر صفا اهدا شد.

در ادامه با حضور دکتر علی اکبر ولایتی، علی معلم دامغانی و محمد باقر پیشنمازی، از سایت باشگاه خبری هنرمندان و همچنین تندیس شهری با موضوع بیداری اسلامی اثر محمدحسین شوکت‌پور رونمایی شد.

در خاتمه نیز نمایشگاه پوسترهای بیداری اسلامی با حضور حاضران در این مراسم افتتاح شد.

وزیر ارشاد: جشنواره بزرگ قرآنی در ۳۲ رشته هنری برگزار می‌شود

سید محمد حسینی گفت: در راستای تبیین و ترویج معارف اسلام و مکتب اهل بیت جشنواره بزرگ قرآنی در ۳۲ رشته هنری از تئاتر و موسیقی تا فیلم و مستند و با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی به زودی برگزار خواهد شد.

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی بیستمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، دکتر سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین رونمایی از آثار قرآنی فرهنگی که در محوطه نمایشگاه برگزار شد، درباره مسابقه ایده‌های قرآنی بازی‌های رایانه‌ای گفت: در زمینه‌سرگرمی‌های جدید و بازی‌های رایانه‌ای تاکنون قبله آمال ما همیشه غرب بوده است. ما نباید همواره به دنبال کپی‌برداری از غرب باشیم، زیرا ایده‌های خوبی وجود دارد که می توانیم از فرهنگ غنی اسلامی خود برداریم.

وی افزود: در شرایط فعلی که شاهد آپارتاید علمی هستیم و علم در انحصار غرب است، باید تلاش بی وقفه‌ای انجام دهیم تا بتوانیم در زمینه تولید نرم‌افزارهای علمی گام برداریم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره کتابت بزرگترین قرآن مطلای جهان نیز گفت: قرآن دارای جاذبه‌های بسیاری است اما از ابتدا مسلمانان اهتمام داشتند که قرآن را با خط زیبا بنویسند و این نشان از اهمیتی دارد که ما برای کتاب آسمانی خود قائل هستیم.

انتشار دو کتاب جدید از سوی موزه عبرت ایران

کتاب‌های «حقیقت به روایت واقعیت» (امام خمینی به روایت زندانیان سیاسی رژیم پهلوی) و «مرثیه‌های زندان قصر» به تازگی از سوی موزه عبرت ایران به بازار نشر عرضه شده است.

در کتاب «حقیقت به روایت واقعیت» مجموعه‌ای از نظرات زندانیان سیاسی رژیم پهلوی درباره امام خمینی (ره) به چاپ رسیده است.

گردآوری و تدوین این کتاب به عهده یعقوب لطفی بوده و در تیراژ ۳۰۰۰ نسخه و بهای ۴۰۰۰ تومان منتشر شده است.

روحانیون محبوس در زندان قصر پس از واقعه مسجد گوهرشاد به دستور رضاخان محاکمه و زندانی شدند و سیاهه دفترهایشان را به اشعاری در سوگ اهل بیت اختصاص دادند. موزه عبرت ایران این مراثی را در کتابی با عنوان «مرثیه‌های زندان قصر» گردآوری، چاپ و منتشر کرده است. این کتاب به کوشش علیرضا اباذری و تیراژ ۳۰۰۰ نسخه با بهای ۲۰۰۰ تومان منتشر شده است.

کوتاه فرهنگی

جشنواره بین‌المللی «افق نو» برگزار می‌شود

نخستین جشنواره بین‌المللی «افق نو» از ۱۱ تا ۱۵ شهریور در سینما فلسطین برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، غلامرضا منتظمی، دبیر اجرایی این جشنواره گفت: جنبش تسخیر وال‌استریت، جنبش‌های بیداری در کشورهای اسلامی، بحران اقتصادی در آمریکا و اروپا، نقش لابی‌ها در بحران اقتصادی در اروپا و آمریکا، مقاومت و پایداری در مقابل اشغال‌گران، جنبش‌های ضدجنگ، اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، جهان به سوی عدالت پایدار و جهان بدوی تروریست و سلاح هسته‌ای، موضوعات جشنواره را تشکیل می‌دهند.

در نشستی که برای اطلاع‌رسانی این جشنواره دیروز برگزار شد، محمد طیب، دبیر بخش بین‌الملل جشنواره «افق نو» گفت: تاکنون بیش از ۸۵۰ اثر از ۶۶ کشور به دبیرخانه ارسال شده است که ۲۵ درصد آثار دریافتی از آمریکا است. کشورهای انگلیس و اسپانیا، رتبه‌های دوم و سوم از نظر میزان مشارکت در جشنواره را به خود اختصاص داده‌اند.

وی گفت: تاکنون بیش از ۸۰ اثر سینمایی در جشنواره ثبت‌نام کرده‌اند که از این میان، بیش از ۷۰ اثر از دیگر کشورهاست.

نقد و بررسی کتاب‌های حسین انتظامی در فرهنگستان هنر

دو کتاب «ناوبری وب» و «نقطه» تألیف حسین انتظامی در فرهنگستان هنر نقد و بررسی می‌شود.

به گزارش روابط عمومی فرهنگستان هنر، در این نشست شهیندخت خوارزمی، یونس شکرخواه و مهدی فیروزان با حضور نویسنده به نقد و بررسی این کتاب‌ها می‌پردازند.

«نقطه» مقالات آموزشی ـ کاربردی انتظامی درباره روزنامه‌نگاری و مدیریت رسانه است که برای دومین بار با اضافات و ویرایش جدید، منتشر می‌شود و «ناوبری وب» نیز یافته‌های علمی در روزنامه‌نگاری آنلاین و مدیریت داده است که به قلم همین نویسنده برای نخستین بار منتشر و روانه بازار کتاب ایران شده است.

این نشست امروز چهارشنبه ۱۸ مرداد ساعت ۱۶ در سالن همایش‌های فرهنگستان هنر برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای شرکت در این نشست می‌توانند به نشانی خیابان ولی‌عصر(عج)، پایین‌تر از چهارراه طالقانی شماره ۱۵۵۲، سالن همایش‌های فرهنگستان هنر مراجعه کنند.

متن سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در آیین رونمایی از کتاب «شرح اسم»

رهبر معظم انقلاب، شخصیتی فرهنگ شناس است

مراسم رونمایی از کتاب «شرح اسم» زندگینامه رهبر معظم انقلاب چندی پیش در حوزه هنری برگزار شد و حجت‌الاسلام رشاد یکی از سخنرانان این مراسم بود. متن کامل سخنرانی وی را در ادامه می‌خوانید:

بسم الله الرحمن الرحیم. این جور محافل جای اطاله کلام نیست هر چند که طولانی سخن گفتن جزء طبع ثانوی ما طلبه‌هاست. از سال ٦٣ جناب آقای بهبودی را می‌شناسم. ایشان مدتی سابقه طلبگی هم دارد، مادر خدمت‌شان بودیم، خدمت‌شان مشرّف می‌شدیم، تشریف می‌آوردند. و هر چند که چند سالی است کمتر زیارت‌شان می‌کنیم ولی بحمدالله بالیدند و بارور شدند و این است که امروز یکی از ثمرات وجودی این درخت تناور شده را به تماشا نشستیم. به ایشان تبریک عرض می‌کنیم به خاطر این توفیق و کامیابی که خداوند متعال نصیب ایشان فرموده است.

اشاره کردند که کتاب موسوم به «شرح اسم» شده است. در منطق، آنگاه که ما به جای ارائه تعریف فنی، تعریف به حد یا رسم، اکتفا می‌کنیم به ارائه واژه معادل، برابر نهاد لغوی آن عنوان، می‌گوییم «شرح‌الاسم» است. این نام‌گذاری، یک نام‌گذاری متواضعانه است. دوستان ما خواسته‌اند بگویند که ما به ماهیت نپرداخته‌ایم، تنها بنا داشته‌ایم که در برابر شخصیت رهبری فرهیخته و ارجمند انقلاب، رهبری حکیم و سلیم امت، زعیم بزرگ امت اسلامی، تنها واژه‌ای را، کلمهٔ معادلی را عرضه داشته‌ایم. هر چند که در قبال عظمت و عمق شخصیت این بزرگوار، شخصیت موصوف، این کتاب همین است. اما حق این است که خود کتاب بسیار دقیق و عمیق و درست و صحیح نگاشته شده و از جهات فنی، اثر خوبی پدید آمده است.

وجه دیگری هم می‌توان برای این نام بیان داشت و آن اینکه این کتاب شرحی است بر اسمی از اسماء الهی. اولیاء الهی، عباد صالح، مجاری و مصادیق اسماءالله هستند. در سراسر جهان اینک بعد از حضرت حجت – سلام الله علیه و عجّل الله تعالی فرجه الشریف – بیشترین خدمات به دین را رهبر بزرگوار و فرهمند انقلاب به آنها قیام کردند و از عهده آن قیام برآمدند. بعد از امام حاضر و معصوم در عصر ما، کسی آن نقش و سهمی را که در تبیین دین و دفاع از اسلام ناب باید بر عهده داشته باشد، به اندازه ایشان ندارد. ایشان بزرگ‌ترین و بیشترین و ارزشمندترین خدمات را به دین خدا می‌کنند. تقرّب مگر از چه حاصل می‌شود؟ قطعاً این خدمات عظیم، وقتی از ایشان صادر می‌شود موجب تقرّب ایشان است و در این زمان، ایشان را باید بعد از حضرت حجت(عج)، مقرب‌ترین بنده خدا به بارگاهش بدانیم. کسانی، اهل تعبّد و اهل معرفت‌اند، ولی در کنجی خزیده‌اند، عزلت گزیده‌اند، اما ایشان چونان امام راحل(ره) به صحنه آمد، سینه سپر کرد در مقابل بلایا، و با تحمل بسیاری رنج‌ها و سختی‌ها، در مقابل دشمن خود را سپر بلای دین خدا و مردم کرد. به همین جهت من به این حقیقت معتقدم، بی آنکه تعبیر دیگری از جهات دیگر شخصیت ایشان عرض کرده باشم. به شخصیت ایشان عقیده دارم، نه عقیدهٔ حقوقی که برخی گفتند: به هر حال چون در قانون اساسی ولایت فقیه آمده است، باید از سر قانون بدان ملتزم شد، ولایت فقیه نیز در ولی فقیه متجلی است، پس باید به فرد مصداق احترام کرد. نه، بلکه عقیده‌مندم به مراتب معنوی رهبر بزرگوار و فهیم انقلاب. از جمله دلایل و تعبیرهای من نسبت به این مسئله این است که آیا هم اکنون در کره زمین بعد از حضرت حجت(عج) کسی بیش از ایشان خدمت به دین خدا می‌کند؟ اگر این همه خدمت، منشأ تقرّب نیست، پس چه چیزی سبب تقرّب به بارگاه الهی است؟ و پس چه کسی را باید گفت که بعد از حضرت حجت(عج) به محضر الهی و ساحت الهی، از ایشان نزدیک‌تر است؟

عبادت بزرگی است که مؤسسه محترم مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و محقق محترم این اثر بدان موفق شدند، خدا از آنها بپذیرد. شرح اسم است؛ این همه صبوری و شکیبایی و عمق و عظمت دید، این همه هوشمندی و ذکاوت و جودت فهم، که در رهبر بزرگوار مشاهده می‌کنیم. آیا اینها آیات الهی نیست؟ یا آیا او به حق آیت‌الله نیست؟ آیهٔ خدا نیست، نشانهٔ خدا نیست؟ نمی‌توان او را چونان مؤمنی حقیقی، وقتی مشاهده می‌کنیم، با دیدن او یاد خدا بیافتیم؟ و نمی‌افتیم؟ می‌افتیم. پس او آیهٔ خداست و این کتاب به شرح اسمی از اسماء الهی، شرح مجرایی از مجاری الهی پرداخته است.

اما رویکرد این اثر هر چند کمابیش به زوایای گوناگون شخصیت موصوف پرداخته است، بیشتر سیاسی است. یعنی اگر روزی روزگاری آثار متعددی در ترجمه و شرح حال رهبری فرهمند نگاشته شود، این اثر در دستهٔ کتبی که شرح حال ایشان را با رویکرد سیاسی نوشته‌اند، یعنی شرح حال سیاسی، قرار خواهد گرفت. این را از این جهت عرض می‌کنم که ما با یک شخصیتی که ذوالابعاد است مواجه‌ایم. شخصیت منشورواره و چندبُعدی این بزرگوار باید در ادامه کار ترسیم بشود.

او یک فقیه است، فقیهی با جودت فهم، در پنجاه و پنج سالگی جوان‌ترین مرجع عصر ما شد؛ به تأیید چندین مجتهد و مرجع که یا خود در مظان مرجعیت بودند یا بالفعل مرجع بودند. آنگاه که اطلاعیه از جامعه مدرسین صادر شد، امضاءکنندگان آن، خود از مجتهدین و از کسانی بودند که در مظان مرجعیت قرار داشتند و یا بالفعل جزء مراجع محسوب می‌شدند. این در حالی است که ایشان نسبت به دیگر مراجع همان زمان، سن بالایی نداشتند. فقیهی است در امعان نظر، فتن و برخوردار از ذکاوت خاص و جودت فهم، فقیهی است علاوه بر حکم‌شناس بودن، موضوع‌شناس. قطعاً در میان معاصران، نمی‌شناسیم و نداریم که کسی بیش از ایشان موضوع‌شناس باشد. فهم و شناخت ابعاد هرچه بیشتر موضوع، در درستی حکمی که فقیه صادر می‌کند و انطباق حکم بر موضوع، نقش اساسی دارد. و قطعاً در صحت حکم و در اعلمیت مجتهد هم دخیل است. صدور حکم بدون شناخت کافی موضوع میسر نیست و گاه به خطا می‌رود. ایشان موضوعات متنوع و گسترده فقهی را به احسن وجه می‌شناسد. بسیار مهم است که یک فقیه حاقّ موضوعات را بشناسد، مثلاً ماهیت پول را به خوبی بداند، کارکردهای پول اینک همان کارکردهایی نیست که قرون پیش بوده است، امروزه پول، مقولهٔ دیگری شده است. فهم دقیق و درست کارکردهای پول که ارزش اعتباری دارد، نه آنچنان که تنها اقتصاددانان مطرح می‌کنند، در صدور حکم بسیاری از ابواب اقتصاد دخالت می‌کند و از جمله در مسئله بسیار پر اهمیت ربا. این درک، از فقیه، فقیه اعلم می‌سازد، اعلمیت به این‌گونه امور است. اعلمیت به این نیست که کسی دایرةالمعارف متحرک باشد، همه آرا و اصطلاحات را حفظ باشد، اعلمیت به جودت فهم است. مرحوم سید صاحب عروه تصریح می‌کند: اعلمیت به جودت فهم است، به این است کسی تیزهوش باشد، تیزهوشی ملاک اعلمیت است نه پر بودن سینه از اصطلاحات و آرا و تاریخ فقه و اصول و دیگر علوم مرتبط به استنباط.

رهبر حکیم انقلاب، در علم اصول هم برجسته است، اصول بارزی است، اصول دقیقی است. در علم رجال نیز رجالی دقیقی است. در سنین ماقبل میانسالی، رساله «چهار کتاب اصلی علم رجال» به قلم ایشان صادر شده است. از حیث شناخت تاریخ جهان به‌ویژه جهان اسلام و ایران، ایشان فوق‌العاده است. یک تاریخ‌دان دقیق‌النظر و حاضرالذهن است، در تاریخ، صاحب نظر است. چه در تاریخ اسلام و تشیّع، چه در تاریخ ایران و منطقه. اینها را که عرض می‌کنم از ذهنم مرور می‌کند صحنه‌ها و لحظه‌هایی که در محضر ایشان بودیم و می‌دیدم که در یک مناسبت بی‌مقدمه، یک مرتبه ایشان شروع می‌کردند راجع به تاریخ منطقه سخن گفتن، چقدر دقیق اسامی اشخاص، حکام، وقایع، حوادث، روزها، را ذکر می‌کردند. ایشان در زمینه تاریخ، ید طولایی دارند. در حوزهٔ تفسیر ایشان صاحب دید هستند، صاحب دقت‌اند. در حوزه مباحث کلامی، خصوصاً الهیات اجتماعی، که بانی آن علامه شهید، استاد ما شهید مطهری است، ایشان در این حوزه الهیات با رویکرد اجتماعی و کاربردی، فوق‌العاده صاحب دید است. آن رساله «طرح کلی اندیشه اسلامی» را که همه آشنا هستید، می‌دانید گروهی از نخبگان بنا بوده هر یک بخشی از طرح کلی اندیشه دینی را ارائه کنند و از جمله ایشان. تنها اثرمتقن و منقحی که باقی مانده و در دسترس است همین رساله فشرده اما بسیار دقیق و ساختارمند و منسجم و منطقی است.

شما ممکن است بفرمایید که اینها بدیهی است که می‌گویی. اما غرض، تذکر به جامعیت علمی ایشان است. بعضی، تنها شخصیت تک ساحتی دارند، فقط فقه‌شان خوب است، گاه بعضی فقط اصول‌شان خوب است فقه‌شان خوب نیست، بعضی فقه‌شان خوب است اصول‌شان خوب نیست. بعضی فقه و اصول‌شان خوب است، ادبیات‌شان خوب نیست. اما ایشان در ادبیات عرب نیز یک ادیب است، شعر عربی را خوب می‌فهمد، بسیار آثار را از حفظ دارد. با خطابه‌های عربی ایشان، با لحن ایشان آشنا هستیم. عرب‌ها شیفتهٔ بیانات ایشان هستند، خطبه‌های ایشان در جهان عرب شنونده دارد، بسیار طالب دارد به خاطر همان ادبیات زیبا، لحن خوش، صوت قشنگ، طنین صدای بسیار زیبا. خطابه‌های ایشان در جهان عرب مخاطب خاص خود را دارد.

در حوزه فرهنگ، ایشان شخصیت فرهنگ‌شناسی است. فرهنگ مقولهٔ بسیار پیچیده‌ای است. تصور می‌کنم پس از مقولهٔ وجود که هم پیچیده است هم ساده، به تعبیری که در ابیات منظومه اشاره کردند، مقولهٔ فرهنگ مثل مسئله وجود است. ظاهراً همه در فرهنگ صاحب نظرند، همه خیال می‌کنند راجع به فرهنگ چیزی می‌دانند، اما بسیار پیچیده است. اما ایشان به حق، صاحب نظر مقولهٔ فرهنگ و مخصوصاً فرهنگ ایرانی و اسلامی و سبک زندگی است.

در حوزه هنر در اغلب مقولات هنری، ایشان صاحب‌نظر است. من مکرراً دیده‌ام اصحاب هنر را وقتی که مبهوت از مجلس ایشان خارج می‌شدند. مثلاً چند سال پیش سینماگران یک دیداری با ایشان داشتند، با بسیاری از اینها برخورد کردم، مبهوت شده بودند. از این‌که، رهبر فرزانه انقلاب، آن‌قدر فنی و دقیق راجع به هنر سینما سخن گفته بودند و نظرات کارشناسانه دقیق ابراز کرده بودند.

در حوزه داستان و رمان، نیز فوق‌العاده‌اند، در همین حوزه هنری؛ در یک مقطعی ایشان فرمودند رمان‌نویس‌ها و داستان‌نویس‌های حوزه بیایند، من می‌خواهم به آنها حق‌التألیف بدهم، خیلی سال پیش بود، بیست و یکی دوسال پیش بود. جمعی را خدمت ایشان بردیم، حدود ۷۰ اثر را ایشان فنی خوانده بود، نقد کرده بود، همه را هم تاریخ و ساعت زده بود، غالباً هم بعد از نیمه شب، رمان‌ها یا داستان‌ها را خوانده بودند، همه را هم حاشیه زده بودند. بعد، آن مطالب به صورت یک کتاب، چاپ شد، همه هم نظرات فنی راجع به داستان و رمان. ایشان بیش از ۱۰۰۰ رمان خوانده، البته خیلی پیش‌ترها از ایشان شنیدم که ۱۰۰۰ رمان خوانده‌اند، اکنون خیلی بیشتر باید باشد چون هنوز هم می‌خوانند. در رمان، در ادبیات داستانی صاحب نظری قوی‌اند.

در حوزه شعر، احتمالاً بنده را به عنوان یک طلبه‌ای که سر سوزن ذوقی دارد، شما هم تصدیق کنید که عرض من کارشناسانه است، تصور می‌کنم الان در کشور ما، در شعرشناسی و فنون شعر در وزن و قافیه و صنایع شعری، ایشان به قله توانایی و قدرت و قوت رسیده اند. دوستان ما می‌شناسند جناب آقای آهی را که به هر حال استاد عروض و قافیه است و بسیاری از شعرای معاصر، ناموران مثل مرحوم قیصر امین‌پور، مثل مرحوم سید حسن حسینی و امثال اینها، ما هم مختصری شاگرد ایشان بودیم، ایشان کارهای دقیق فنی کرده‌اند، همگان مراتب و مقام کارشناسی ایشان را در حوزه علوم و فنون شعری قبول دارند. من گاه دیده‌ام که ایشان بر آقای آهی ایراد گرفته و ایشان پذیرفت. یا گاهی بعضی اوزان بسیار خفیف شعری را که راحت نمی‌شود تشخیص داد، ما می‌خواندیم می‌دیدیم یک وزن هست، بعد دیدم بعضی اوزان را ایشان متذکر شدند که حتی آقای آهی توجه نداشتند. مرحوم صفارزاده احیاناً بعضی اوزان را اضافه کرده بود، کشف کرده بود، ایشان دقت می‌کرد، تفکیک می‌کرد. همان طور که جناب آقای دکتر حسینی اشاره فرمودند، وقتی شعرا حضور پیدا می‌کنند در جمع‌های عام‌تر، یا جمع‌های خصوصی که در خدمت حضرت آقا بودیم، جمع‌های چهار-پنج نفره، گاهی نکات بسیار بسیار فنی دقیق را ایشان اشاره می‌کند که حاکی از عمق کارشناسی ایشان در علوم و فنون شعری است.

در تسلط بر ادبیات و زبان پارسی، خطابه‌های ایشان نیاز به ویرایش ندارد. با کمترین تصرف، کمتر از میزان تصرفی که در نثر یک ادیب می‌توان کرد، در خطابه‌های ایشان می‌شود تصرف کرد. این قدر دقیق سخن می‌گویند.

این همه، جهات کارشناسی و نظری است، اما جنبه‌های عملی ایشان وادی دیگری است. مجال، کم است من وارد نمی‌شوم، اما به اشاره بگویم که یک زاهد به تمام معناست. زهّاد اللیل و اُسد النّهار؛ از مصادیق آنان که، شب هنگام‌ها و سحرگاه‌های خوب خدایی دارند و روز هنگام، شیرانه می‌غرند. الحق، فرد ممتازی از جهات عملی است، علاوه بر جهات نظری که به گوشه‌ای از آنها اشاره کردم. در جهات عملی ایشان فوق‌العاده است. من جایی گفتم، خیلی در موبایل‌ها و سایت‌ها پیچید، باز هم می‌گویم: من مکرر اراده کردم که با موبایلم از نعلین دست کم دو دهه‌ای که من دیده‌ام ایشان می‌پوشد و تَرَک تَرَک شده، عکس بگیرم. نعلینی که در پای ایشان می‌بینیم، حدوداً دو دهه است که می‌پوشد و کهنه کهنه است. بنده حتماً نظیر آن را نمی‌پوشم؛ البته اگر «آن نعلین» را در اختیار من بگذارند روی چشمانم قرار می‌دهم، آن نعلین خیلی راه خدمت رفته.

این همه را عرض کردم برای اینکه یک پیشنهاد بگویم و آن اینکه؛ این کتاب «شرح اسم»، بسیار ارزشمند است، اما راجع به ایشان باید کتبی مطابق و برابر با شخصیت چندوجهی و منشوروارایشان نوشت.

باید با چند متغیر آثاری را تولید کرد: ۱– متغیر نظر و عمل، یعنی ما هم به جهات عملی و سیروی ایشان که این کتاب بر آن متمرکز هست بپردازیم، هم به جهات علمی و نظری ایشان. شیوهٔ نگارش راجع به ایشان باید شبیه شیوه تاریخ‌نگاری غربی باشد که وقتی تاریخ فیلسوفان را می‌نویسند، در واقع تاریخ فلسفه را می‌نویسند. آراء را می‌نویسند که بیشتر نظری است. یعنی مثل یک کتاب فلسفی می‌شود این کتاب‌ها را درس داد. باید عملی و نظری و هر دو توأماً و به موازات هم پرداخته شود.

۲– متغیر دوم؛ باید هر بُعد شخصیت ایشان، تخصصی و مشروح نوشته شود. عرض کردم این اثر از جنبه‌ای نسبتاً جامع است، اما وجه سیاسی آن غالب است و اگر بنویسیم مثلاً زندگانی سیاسی رهبری معظم، درست نوشته‌ایم. اما به زندگانی فقهی ایشان، به زندگانی فرهنگی و هنری ایشان، و همین طور دیگر ابعاد و اضلاع این منشور نورانی نیز بیشتر باید بپردازیم. در چند عنوان کتابی اگر نوشته می‌شود اگر هزار صفحه هم هست، فقط با یک رویکرد و از یک زاویه به شخصیت ایشان نگاه کنیم. اصحاب آن زاویه دید، ایشان را بشناسند. ۳–متغیر سوم؛ لحاظ کردن مراتب مخاطب از نظر علمی، سنی و احیاناً ذوقی و گرایشی. چه بسا ذوقی – گرایشی خودش متغیر اصلی می‌شود. یعنی برای جوان‌ها باید جوانانه نوشت، برای نخبگان نخبگانه باید نگاشت، برای اهل علم طوری و برای طبقات اوساط جامعه طوری دیگر، به لسان دیگری، از زاویه دید دیگری. و احیاناً بیش از این سه چهار متغیری که به آنها اشاره شد، دیگر متغیرها را هم باید لحاظ کرد.

من در بعضی کشورهای عربی وارد کتاب‌فروشی شدم، همان جا دیدم چهار-پنج اثر راجع به شرح حال ایشان هست، این طور که الان در ذهنم هست ۱۰ سال پیش بود؛ اما اینجا وارد کتاب‌فروشی که می‌شویم اکثر کتاب فروشی‌ها یک عنوان هم ندارند، یعنی در بیرون از کشور متعدد نوشته شده اهتمام شده، معلوم شده که این آثار مخاطب دارد، اما در داخل کشور کاری درخور نشده است. در حد اطلاع فی‌الجمله بنده، که رئیس هیات امنای مؤسسه حفظ و نشر آثار ایشان هستم. بی‌اطلاع هم نیستم.

تنها اثری که فنی نگاشته شده است، کتاب «شرح اسم» است که باید به آقای بهبودی و جناب آقای خزایی دست مریزاد عرض کنیم و آرزو کنیم خداوند متعال این عمل عبادی را به مثابهٔ بهترین عبادت در حیات این دو بزرگوار و همکاران ارجمندشان بپذیرد، انشاءالله.

من از اینکه تصدیع دادم خیلی پوزش‌خواه هستم. ملاحظه می‌کنید؛ در کتاب به درستی نوشته‌اند قبل از انقلاب ایشان به سن ۴۰ نرسیده بودند مجتهد بودند، جزء رهبران انقلاب بودند. این خیلی معنی‌دار است، قبل از اینکه به سن ۴۰ رسیده باشند ایشان از پیشگامان انقلاب قلمداد می‌شدند. این نشانهٔ استعداد و ذکاوت فوق‌العاده ایشان است. خداوند ایشان را حفظ کند در کنار حضرت حجت(عج) و تا ظهور دولت یار. والسلام علیکم و رحمه‌الله.

اهدای صدها جلد کتاب شخصی آیت‌الله جنتی به کتابخانه ملی

صدها جلد کتاب از کتابخانه شخصی آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان به کتابخانه ملی اهدا شد.

به گزارش ایرنا از سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در دیدار آیت‌الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان با اسحق صلاحی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی از اهدای صدها جلد از کتاب‌های کتابخانه شخصی ایشان به کتابخانه ملی تقدیر شد.

آیت‌الله جنتی ضمن ابراز خرسندی از این دیدار با اعلام رضایت از عملکرد سازمان در طول یک سال گذشته گفت: زمانی که از فعالیت‌ها و عملکرد جدید سازمان و همکاری‌های فرهنگی کتابخانه ملی اطلاع یافتم؛ بسیار خوشحال شدم.

وی به نقش مهم فرهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی اشاره و ابراز امیدواری کرد که سازمان در ایفای ماموریت‌های خویش موفق باشد. صلاحی نیز در این دیدار به ارائه گزارش عملکرد سازمان اسناد پرداخت و ادامه داد: دیجیتالی کردن منابع برای حفاظت و صیانت از میراث گذشتگان از جمله فعالیت‌هایی است که به طور جدی در سازمان دنبال می‌شود و با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته؛ اشیاء دیجیتال موجود در وب‌سایت سازمان از ۲۰ هزار به ۷۵ هزار افزایش یافت.

شهید محراب

ای مظهر خدای جهان، مرتضی علی!
اسطوره بلند زمان، مرتضی علی!
قربانی عدالت دنیای بی‌حساب
آئینه صدای جهان، مرتضی علی
قرآن ناطق و صدف غنچه‌های عشق
عاشق‌تر از عیان و بیان، مرتضی علی
شیر خدا و حیدر کرار در نبرد
خیبرگشای جان و جهان، مرتضی علی
مولود کعبه غرق به خون در نماز صبح
فریاد روح تشنه‌لبان، مرتضی علی
این روزها که چشم خدا گریه می‌کند
ماییم در سکوت و فغان، مرتضی علی
امشب هزار دست دعا درد می‌کشند
دردی عمیق خفته به جان، مرتضی علی
در خون خود تپیده به محراب تشنگان
امشب نیامد از تو اذان، مرتضی علی!
شمشیر نیز مثل شما ناله می‌کند:
«فُزتُ بِرَبِ کعبه» عیان، مرتضی علی!
این پرسش از ترنّم آلاله‌ها شنو:
مادر! کجاست سفره‌ونان، مرتضی علی؟
آن کاسه‌های شیر کجا رفت و درد چیست؟
فریاد از جفای زمان، مرتضی علی!
با دشمن اسیر، مدارا که می‌کند؟
سیمای عدل کون و مکان، مرتضی علی
زیباترین صدای سرود فرشتگان
عادل‌ترین امیر زمان، مرتضی علی
مهر تو نقش بسته‌ی ذرات قلب من
این سینه دارد از تو نشان، مرتضی علی!
ابرِ غزل کجا و لبِ بی‌قرار من؟
ای آفتاب روح و روان، مرتضی علی!
پروانه‌ها! شقایق محراب پرکشید
پرواز تا به عرش گمان، مرتضی علی

رشت ـ مجید محمدی دارستانی

بر من می‌سزد که از ایران و بزرگان هنر ستایش کنم

مدیریت ارجمند روزنامه اطلاعات ـ با سلام. از این که به من افتخار داده و شعرگونه‌ام را در بزرگداشت استاد هنر جناب آقای محمد نوری امر به درج فرموده بودید سپاسگزارم.

همچنین از جناب آقای میرجمال‌الدین پیش نگار که در تصحیح آن شعرواره و موزون کردن آن به وزن عروضی، همت گماشته بودند از صمیم قلب تشکر می‌کنم. شادمانم و به خود می‌بالم که فتح بابی شد تا هر آنکس که دست به قلم دارداز تلاش در راه بزرگداشت هنرمندان و خدمتگزاران به این مرز و بوم اهورائی در هر رده‌ای که باشند دریغ نورزند و در کنج عافیت و در خلوت خود ساکت نمانند. زیرا گنج‌هایی چون هنرمند فرهیخته محمد نوری که در راه ایران عزیز چه سفرها کرده و چه مخاطراتی دیده و تمام کنسرت‌هایش برای کمک به بیماران خاص برگزار شده است، بر گردن هر ایرانی حق فراوان دارند. همچنین از هنرمندانی که حضور دارند نیز می‌باید که تقدیر درخور شود.

لذا من به عنوان یک پزشک خدمتگزار جامعه هرچند که جایگاهی در این زمینه ندارم ولی بر من می‌سزد که پیشگام شدم و از این نظر احساس غرور می‌کنم که هم از ایران عزیز و هم از بزرگان علم و هنر ستایش کنم. سزاواری ستایش ایران، وظیفه هر ایرانی است که غنی و فقیر، با سواد و بی‌سوادَ و ...، نمی‌شناسد.

با احترام ـ دکتر مقربیان

جناب دکتر مقربیان همچنانکه خود اشاره کرده‌اند، از پزشکان خدمتگزار جامعه ایرانی‌اند و احساس غرور ملی و ستایش از بزرگان هنر و دانش ایران‌زمین را به حق از ویژگی‌های خویش می‌دانند. آقای میرجمال‌الدین پیش‌نگار هم در نامه چاپ شده ۱۴ مرداد جاری، با ذکر عباراتی از این قبیل: «با سپاس از جناب آقای دکتر ابوالقاسم مقربیان که خواسته‌اند احساس صمیمانه خودرا «بیان» کنند و البته خودشان هم متواضعانه به ضعف آن «مقر» بوده‌اند... سروده صمیمی ایشان... احساس وفاداری صمیمانه...»، در حقیقت پیشاپیش گفته‌اند که همین ویژگی‌ها را در کلام مکتوب دکتر مقربیان دریافته و تحسین کرده‌اند. به کار رفتن واژه «نسزد» نیز در بیت «قسم به میهنم ایران پزشک را نسزد، که «شعرگونه» ستایش نماید ایران را»، درواقع الهام گرفته و ترجمه شده از بیان خود ایشان (دکتر مقربیان) است که گفته بودند: «قسم به ایران وطن نوری صدا پرداز، پزشک را **«چه جایگهی»** در ستایش ایران را...».

همچنین در متن اصلاح شده هم واژه «نسزد» اولاً در حقیقت از زبان و بیان متواضعانه خود دکتر مقربیان بازگویی شده و ثانیا نه درباب احساس غرور و پیشگام شدن در خدمتگزاری و ستایش از ایران و ایرانی و بزرگان علم وهنر بلکه فقط در خصوص بیان کردن این احساس و این وظیفه به زبان «شعر» ذکر شده است. یعنی فرض بر این بوده که جناب دکتر خودشان متواضعانه چنین گفته‌اند. وگرنه، ما نیز بر این باوریم که هر ایرانی وطن‌دوست و هنر دوست را شایسته و سزاوار است بلکه وظیفه واجب است و «می‌سزد» که از وطنش و هنرمندان وطنش ستایش کند.

به امید تداوم و بازتاب احساس صمیمی و صادقانه این پزشک خدمتگزار و شایسته و سزاوار، در مورد موضوعات مشابه. انشاءالله.

آغاز عملیات اکتشافی مریخ نورد «کنجکاوی» بر روی سیاره سرخ

مریخ نورد ناسا که نام «کنجکاوی» بر آن نهاده‌اند، با عبور از آسمان‌های آبی مریخ، در سطح این سیاره سرخ درون یک دهانه برخوردی بزرگ با موفقیت فرود آمد.

آزمایشگاه «رانش جت ناسا» پس از ارسال نخستین سیگنال این مریخ نورد، غرق شادی شد، چرا که این سیگنال نشان داد، مریخ نورد «کنجکاوی» از اتمسفر مریخ عبور کرده است. «آلن چن» مهندس ناسا گفت: تماس کنجکاوی باسطح مریخ تایید شد و ما به صورت امن روی مریخ فرود آمدیم. دقایقی پس از آن کنجکاوی نخستین تصاویر را از داخل دهانه برخوردی ارسال کرد، تصاویری که داخل دهانه، چرخ‌های کنجکاوی و سایه آن را که توسط خورشید بعدازظهر ایجاد شده بود، نشان می‌داد. این هفتمین فرود ناسا روی سیاره همسایه زمین بود. تلاش‌های دیگر در این رابطه موفقیت‌آمیز نبوده‌اند.

با بودجه هنگفت ۲/۵ میلیارد دلاری که ناسا برای کنجکاوی هزینه کرده، این مریخ نورد به یک بازی برد و باخت سنگین برای ناسا تبدیل شده و دانشمندان ابراز امیدواری کرده‌اند که اکتشاف آن جبران این هزینه باشد. طی دو سال آینده کنجکاوی از کوه‌ها بالا می‌رود و از دهانه‌ها پایین می‌پرد، سنگ‌ها و نمونه خاک‌های منطقه را جمع می‌کند تا نشانی برای وجود حیات ارگانیسم‌های میکروسکوپی پیدا کند. این آخرین فصل از تلاش‌های بلند مدت برای کشف این مسأله خواهد بود که آیا در تاریخ اولیه مریخ حیاتی وجود داشته است یا خیر. سفر به مریخ ۵٦٦ کیلومتر بود ودشوارترین بخش آن فرودتلقی می‌شد، چرا که کنجکاوی حدود یک تن وزن دارد و مهندسان روش جدیدی برای پایین آوردن آن و فرود روی سطح مریخ ابداع کردند.

مریخ‌نوردها «روح» و «فرصت» آخرین مریخ‌نوردهایی بودند که روی سیاره سرخ فرود آمدند. کنجکاوی با سوخت هسته‌ای کار می‌کند و ابعاد یک خودرو کوچک را دارد. این وسیله اکتشافی به ابزارهای علمی چون ایستگاه هواشناسی و دوربین مجهز است. این مریخ‌نورد همچنین به یک بازوی رباطی مجهز به یک دریل الکتریکی مجهز است که می‌تواند نمونه سنگ‌ها را در آزمایشگاه شیمی خود مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد تا وجود حیات در ارگانیسم‌های میکروسکوپی یا میزان تشعشع خطرناک این سیاره مشخص شود. ارسال این نتایج به ناسا می‌تواند به درک بهتر خطراتی که فضانوردان در سفرهای آینده به مریخ با آن روبرو می‌شوند کمک کند. در ابتدا قرار بود این مریخ نورد در سال ۲۰۰۹ پرتاب شود، ولی به‌علت آماده نشدن این سفر دو سال به تاخیر افتاد. این خودرو ۵ برابر «روح» و «فرصت» وزن و ۱۰ برابر بیشتر تجهیزات علمی دارد و قرار است حداقل یک سال مریخی دوام بیاورد و به اکتشاف بیشتری نسبت به خودروهای قبلی بپردازد.

این در حالی است که «بابک فردوسی» مهندس ایرانی ـ آمریکایی ناسا، یکی از مدیران برنامه مریخ‌نورد کنجکاوی و مدیر پرواز این کاوشگر بود. بابک فردوسی در شبکه‌های اجتماعی بسیار مورد توجه کاربران قرار گرفته است.

کوتاه آموزشی

اعلام اسامی رشته‌های تحصیلی جدید کنکور سراسری

رشته‌های تحصیلی جدید علاوه بر رشته‌های تحصیلی مندرج در دفترچه راهنمای انتخاب رشته و نیز اصلاحات دفترچه راهنمای آزمون سراسری سال ۱۳۹۱ اعلام شد.

به گزارش مهر، رشته‌های تحصیلی جدید علاوه بر رشته‌های تحصیلی مندرج در دفترچه راهنمای انتخاب رشته همچنین برخی اصلاحیات مربوط به این دفترچه از طریق سایت سازمان سنجش آموزش کشور منتشر شده است.

پاسخنامه داوطلبان کنکور منتشر شد

پاسخنامه داوطلبان آزمون سراسری سال ۱۳۹۱ از طریق سایت اینترنتی سازمان سنجش به نشانی www.sanjesh.org منتشر شد.

به گزارش ایسنا، پاسخنامه داوطلبان با رتبه کشوری کمتر از ۷۵۰۰۰ در گروه‌های آزمایشی علوم ریاضی، تجربی، انسانی و رتبه کشوری کمتر از ۱۰۰۰۰ در گروه‌های هنر و زبان منتشر شد. داوطلبان می‌توانند از سه طریق جستجو براساس شماره داوطلبی و مشخصات فردی، جستجو براساس کارت اعتباری ثبت‌نام آزمون و جستجو براساس شماره پرونده و کد رهگیری به پاسخنامه خود دسترسی داشته باشند.

میزان پذیرش دختر و پسر به عهده دانشگاه‌ها است

مدیر کل شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم در پاسخ به علت حذف پذیرش دانشجوی دختر در برخی رشته‌های کنکور سراسری اعلام کرد که این شورا دخالتی در حذف رشته‌ها نداشته است.

ابوالفضل حسنی در گفتگو با مهر گفت: شورای گسترش آموزش عالی هیچ گونه دخالتی در درج ظرفیت پذیرش دانشجو برای دانشگاه‌ها در پرتال سازمان سنجش ندارد.

او ادامه داد: پس از وارد شدن ظرفیت پذیرش دانشجو در پرتال دانشگاه‌ها از سوی دانشگاه‌های پذیرنده، دفتر گسترش آموزش عالی برای بررسی ظرفیت‌ها که گذر واژه را از سازمان سنجش دریافت کرده است، وارد پرتال می‌شود و رشته‌هایی را که مجوز نداشته باشند حذف می کند، یا هرگونه اصلاحی که لازم است انجام می دهد و به سازمان سنجش اعلام می کند.

مدیر کل شورای گسترش آموزش عالی درباره میزان پذیرش دانشجوی پسر و دختر تاکید کرد که امکان برگزاری کلاسهای خاص به صورت مجزا برای دختران و پسران و همچنین میزان ظرفیت پذیرش دختر و پسر به عهده خود دانشگاه‌های پذیرنده است.

به گزارش مهر، امسال ۳۶ دانشگاه کشور، ظرفیت پذیرش دختران را در برخی از رشته‌های دانشگاهی در دفترچه انتخاب رشته سال ۱۳۹۱ حذف کرده‌اند.

در حالی که در سال ۹۰ فقط دو رشته از ظرفیت دختران حذف شده بود، امسال ۷۷ رشته کارشناسی پذیرش دختران ندارند.

سهام شرکت‌های بورسی از هفته آینده بیمه می‌شود

قیمت سهام هفته آینده در بورس تهران بیمه می‌شود. رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار از تصویب طرح بیمه کردن سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در جلسه شورای عالی بورس خبر داد.

به گزارش مهر، علی صالح‌آبادی با بیان اینکه در جلسه شورای عالی بورس که با حضور وزیر امور اقتصادی و دارایی برگزار شد، گفت: این طرح از هفته آینده در بورس اوراق بهادار تهران اجرایی خواهد شد.

سخنگوی سازمان بورس در تشریح جزئیات این مصوبه گفت: براساس این طرح، اختیار فروش تبعی برای سهام به‌صورت روزانه ازسوی سهامداران عمده در بورس اوراق بهادار فروخته می‌شود، به این ترتیب، سهامداران با در اختیار داشتن سهم و اختیار فروش سهم مذکور، می‌توانند سهم خود را براساس قیمت مندرج در اختیار فروش، بیمه کرده و با اعمال اختیار فروش، ریسک احتمالی ناشی از افت قیمت سهام را مدیریت کنند.

وی ادامه داد: با اجرای این طرح، سهامدار عمده متعهد می‌شود تا براساس قیمت تعیین شده در شرایط اختیار فروش که بالاتر از قیمت روز سهم و حداقل به میزان سود روزشمار اوراق مشارکت خواهد بود، در سررسید با دارندگان این اختیارات تسویه کند.

رئیس سازمان بورس با اشاره به اینکه این طرح به درخواست بسیاری از شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ و همچنین سرمایه‌گذاران، تدوین و به تصویب شورای عالی بورس رسید، افزود: اجرای این طرح نقش موثری در مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری در بورس، اطمینان‌بخشی به‌سهامداران و ایجاد جذابیتی فراتر از بازار پول برای بازار سرمایه خواهد داشت و از این رو، تحولی اساسی در نحوه اداره بازار اوراق بهادار به شمار می‌رود.

سخنگوی سازمان بورس ادامه داد: از دیگر مزایای طرح این است که سرمایه‌گذاران بازار سهام با داشتن این اختیار فروش، ضمن آنکه از کسب حداقل سود معادل اوراق مشارکت اطمینان پیدا می‌کنند، می‌توانند به کسب سودهای بیشتر ناشی از افزایش قیمت سهام در آینده امیدوار باشند، زیرا ابزار جدید، ضمن آنکه کسب سود حداقلی را تضمین می‌کند، مانعی برای کسب سودهای بیشتر در بازار سهام ایجاد نخواهد کرد.

صالح‌آبادی گفت: دستورالعمل مربوطه، تحت عنوان «دستورالعمل اجرایی عرضه اختیار فروش تبعی برای سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» آماده شده و با توجه به فراهم شدن بسترهای فنی موردنیاز برای اجرای آن، طرح مذکور از هفته آینده در بورس اجرایی خواهد شد.

وی افزود: اولویت اجرایی اول این طرح، ۳۰ شرکت برتر بورس خواهند بود، اما اجرای این طرح برای سایر شرکت‌ها هم امکان‌پذیر است.

طرح مشترک دولت و مجلس برای ایجاد تعادل در بازار ارز

طرحی به منظور تسهیل بازار ارز در جلسه مشترک رئیس کل بانک مرکزی و وزرای صنعت، کشاورزی، امور اقتصادی و جمعی از نمایندگان مجلس تصویب شده است که با اجرای آن بازار به تعادل می‌رسد.

به گزارش روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ در این نشست که محمدرضا باهنر، رضا عبدالهی، مسعود میرکاظمی، ابوترابی فرد و مصباحی مقدم، از مجلس شورای اسلامی و علی صالح‌آبادی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار حضور داشتند، پس از بحث و بررسی کارشناسانه طرح مزبور مقرر شد کمیته‌ای متشکل از بانک مرکزی، بورس، گمرک و وزارت صنعت، معدن و تجارت تشکیل شده تا بر روند معاملات ارزی در بورس نظارت کنند.

براساس این گزارش، دبیرخانه این کمیته در سازمان بورس و اوراق بهادار و با مسئولیت بانک مرکزی تشکیل خواهد شد.

براساس طرح مزبور بانک مرکزی موظف است در کنار صادرکنندگان غیرنفتی و سایر عرضه‌کنندگان ارز در بورس، نسبت به عرضه ارز با نرخ بازار بورس اقدام کند، تا شکاف احتمالی بین میزان عرضه و تقاضا را پوشش دهد.

همچنین این طرح، بانک مرکزی را موظف کرده است در اسرع وقت نسبت به ارائه بسته سیاست پولی متناسب با طرح یاد شده به منظور تامین نقدینگی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی و سایر اقشار مرتبط اقدام کند.

یادآور می‌شود به باور کارشناسان اقتصادی اجرای طرح مزبور موجب از بین رفتن رانت در بازار ارز و جلوگیری از فساد و ویژه‌خواری در این بخش خواهد شد.

بررسی اولویت‌بندی‌های تخصیص ارز به کالاهای وارداتی

وزارت صنعت، معدن و تجارت درخواست‌های دریافتی از سوی تجار و فعالان اقتصادی برای بازنگری در اولویت‌های ده‌گانه ارزی را بررسی می‌کند.

کیومرث فتح‌اله کرمانشاهی معاون کل سازمان توسعه تجارت ایران در گفت‌وگو با مهر با بیان اینکه تعداد زیادی از تجار و بازرگانان خواستار تغییر در اولویت‌بندی ده گانه گروه‌های کالایی شده‌اند، گفت: تعداد زیادی نامه و مراجعات حضوری به سازمان توسعه تجارت ایران صورت گرفته است که براساس آن، تغییراتی در این اولویت بندی صورت گیرد، این در حالی است که این درخواست‌ها برای بررسی نهایی به معاونت‌های تخصصی ذیربط در وزارت صنعت، معدن و تجارت ارجاع شده است.

معاون‌کل سازمان توسعه تجارت ایران افزود: بر این اساس، اگر قرار به بازنگری باشد، سازمان توسعه تجارت ایران راسا عمل نمی‌کند و باید اطلاعات لازم از معاونت‌های تخصصی اخذ شود.

وی تصریح کرد: به هر میزانی که بانک مرکزی در شرایط حاضر بتواند ارز مرجع ۱۲۲۶ تومانی تهیه و تدارک کند، به همان نسبت اولویت‌های ده گانه به ترتیب ارز مرجع می‌گیرند، ولی اگر مضیقه‌ای در این رابطه وجود داشته باشد، اولویت اول به خاطر مردم و مصرف‌کنندگان کالای اساسی در اولویت هستند.

کرمانشاهی در پاسخ به این سئوال که آیا دولت معیار مشخصی برای فروش ارز صادرات از سوی صادرکنندگان به واردکنندگان دارد؟ گفت: ارز صادراتی در حال حاضر با سایر ارزهایی که در بازار است، هیچگونه تفاوتی ندارد، ضمن اینکه با ارز حاصل از صادرات هم می‌شود کالاهای اساسی و هم سایر کالای کتاب تعرفه را وارد کرد.

وی اظهار داشت: البته در این میان موضوع استفاده از ارز منشا خارجی را هم نمی‌توان نادیده گرفت، چراکه هیچ ایرادی ندارد و می‌توان با حساب منشا خارجی می‌توان واردات کرد.

به گفته کرمانشاهی، ۸ گروه دیگر اولویت بندی ده‌گانه یعنی از اولویت سوم تا دهم می‌توانند برای واردات کالا از ارز صادراتی یا ارز منشا خارجی استفاده کنند.

عضو کمیسیون صنایع مجلس گفت: هدف دولت از طبقه‌بندی کالاها برای برخورداری از ارز مرجع، حذف تدریجی اختصاص ارز به این بخش‌ها و تک نرخی شدن آن است.

روح‌الله جانی عباسپور در گفت‌وگو فارس در مورد قطع پرداخت ارز مرجع بابت واردات مواد اولیه مورد نیاز برخی صنایع از جمله لوازم خانگی اظهار داشت: اساس طبقه‌بندی ارز و هدف دولت از این کار حرکت به سمت تک نرخی کردن ارز است.در این زمینه چند پیشنهاد به دولت ارائه شد که یکی از آنها پیشنهاد وزارت صنعت مبنی بر طبقه‌بندی محصولات در برخورداری از ارز مرجع بود.

وی ادامه داد: به این ترتیب هدف از طبقه‌بندی کالاها حذف تدریجی آنها از گردونه دریافت ارز دولتی و حرکت به سمت تک نرخی شدن ارز است.

عباسپور با بیان اینکه همین چند گروه مشمول دریافت ارز دولتی به زودی از گردونه دریافت ارز مرجع خارج خواهند شد، گفت: در حال حاضر مواد غذایی و دارو دارای اولویت دریافت ارز مرجع هستند که اینها هم به تدریج از گردونه دریافت ارز ۱۲۲۶ تومانی خارج می‌شوند.

به گفته وی، تغییر نرخ ارز صنایع از ۱۲۲۶ تومان به ارز ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان باعث افزایش قیمت تمام شده تولید این واحدها خواهد شد.

وی با بیان اینکه این مسئله را در جلسه کمیسیون تلفیق با رئیس کل بانک مرکزی مطرح کردیم، اظهار داشت: مسئولان بانک مرکزی معتقدند در این موضوع، رانت وجود دارد و برخی از آن سوء استفاده می‌کنند به طوری که کالایی که با استفاده از ارز ۱۲۲۶ تومانی تولید می‌شود با دلار ۲۰۰۰ تومانی فروخته می‌شود.

عضو کمیسیون صنایع افزود: به گفته مسئولان بانک مرکزی، کالا با قیمت ارز مرجع فروخته نمی‌شود و این مسئله یک نوع رانت را ایجاد می‌کند. وی در مورد زمان تک نرخی شدن ارز در کشور گفت: این مسئله بستگی به مدیریت ارز و شرایط اقتصادی جامعه دارد ولی به نظر می‌رسد تا پیش از پایان سال حذف اولویت‌ها از دریافت ارز مرجع اتفاق بیفتد.

اخیراً محمدرضا دیانی عضو شورای هماهنگی انجمن‌های لوازم خانگی از قطع ارز مرجع برای واردات مواد اولیه صنعت لوازم خانگی از یک ماه پیش تاکنون خبر داده و نسبت به احتمال افزایش قیمت ارز در بازار آزاد به دلیل بالارفتن تقاضا هشدار داده است.

به گفته‌وی، پس از اولویت‌بندی صنایع مختلف برای دریافت ارز دولتی، برخی از محصولات و مواد اولیه از شمول دریافت ارز مرجع خارج شدند که این مسئله باعث ضرر برخی تولیدکنندگان شده است.

وام ۲۰میلیونی ۳۰درصد قیمت مسکن را پوشش می‌دهد

رئیس اداره کل طرح و برنامه بانک مسکن با بیان اینکه پیشنهاد افزایش وام ساخت و خرید مسکن را به بانک مرکزی دادیم و تاکنون منجر به نتیجه نشده است، گفت: وام ۲۰ میلیونی خرید مسکن در خوشبینانه ترین حالت ۲۰ تا ۳۰ درصد قیمت در تهران را پوشش می دهد.

نادر قاسمی در گفتگو با فارس در پاسخ به این سوال که بانک مسکن پیشنهاد افزایش وام ساخت را از ۳۰ میلیون به ۴۰ میلیون تومان به بانک مرکزی داده بود و حال این پیشنهاد در چه مرحله‌ای است، افزود: پیشنهاد افزایش وام ساخت مسکن را به بانک مرکزی ارائه کردیم که تاکنون منجر به نتیجه نشده است.

وی درباره افزایش وام خرید مسکن اظهار داشت: حساب صندوق پس انداز مسکن و اوراق حق تقدم چون با موافقت بانک مرکزی بوده است، هرگونه تغییری در این حساب‌ها تنها با مجوز بانک مرکزی امکانپذیر است.

رشد ۱۱درصدی درآمد مالیاتی در چهار ماهه امسال

در چهار ماه سال جاری درآمد مالیاتی نسبت به مدت مشابه سال قبل از رشدی معادل ۱۱ درصد برخوردار بوده است.

دکتر علی عسکری رئیس سازمان امور مالیاتی گفت: براساس قانون برنامه پنجم توسعه نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی باید به ۱۰ درصد برسد در حالی که این رقم در حال حاضر حدود ۷ درصد است. همچنین باید کل هزینه‌های جاری دولت از محل درآمدهای مالیاتی تامین شود. در حال حاضر بین ۵۵ تا ۵۶ درصد از هزینه جاری دولت از محل مالیات و عوارض تامین می‌شود.

عسکری تاکید کرد: در قانون برنامه پنجم آمده است رشد هزینه‌های جاری در طول برنامه نباید بیش از ۱۰ درصد افزایش یابد، در حالی که رشد درآمدهای مالیاتی باید سالانه ۳۳ درصد باشد که سال گذشته درآمد مالیاتی کشور از رشدی معادل ۳۶ درصد برخوردار بود.

عسکری در مورد مالیات برخانه‌های خالی گفت: سازمان امور مالیاتی یک سازمان عملیاتی و اجرایی است و سیاست‌گذار مالیات نیست. این سازمان مجری قانون است و هر زمان که قانون تصویب شود، آن را اجرا می‌کند و در حال حاضر قانونی برای مالیات گرفتن از خانه‌های خالی تصویب نشده است.عسگری یادآور شد: اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده در پایان هر فصل تا پانزدهم ماه بعد ارائه می‌شود، اما در تیر امسال با توجه به تعطیلات، این تاریخ طبق قانون تا ۱۷ تیر تمدید شده بود.

رئیس سازمان امور مالیاتی در مورد معافیت مالیاتی مطبوعات گفت: در نشست‌ها با معاونت مطبوعاتی همیشه حامی مطبوعات بوده‌ایم که نقش پشتیبانی و حمایت کننده دارند و قانون در حال حاضر به فعالان حوزه مطبوعات به شرطی معافیت مالیاتی قائل می‌شود که اظهارنامه ارائه کنند.

عسکری در مورد مالیات بر ارزش افزوده سکه گفت: هر مقدار سکه پیش‌فروش تحویل مردم شود ۵ درصد از قیمت آن به عنوان مالیات ارزش افزوده گرفته می‌شود که از این محل در زمستان پارسال ۴۳ میلیارد تومان و در بهار سال جاری یک میلیارد تومان درآمد مالیات بر ارزش افزوده دریافت شد.

عسکری در مورد مالیات معوق گفت: مالیات معوق به‌صورت یک جریان سیال است که مرتب بر حجم آن اضافه و قسمتی از آن کاسته می‌شود. در حال حاضر از حدود ۵۷۰۰ میلیارد تومان بدهی مالیاتی برای مودیان بالای ۱۰۰ میلیون تومان بدهی حدود ۶۰ درصد از این رقم جریمه و ۴۰ درصد بقیه اصل مالیات معوق شده است.

عسکری در مورد عدالت مالیاتی گفت: نظام مالیاتی براساس اطلاعات اقتصادی به دست آمده است و میزان شفافیت سعی در اجرای عدالت مالیاتی دارد و در ماده ۱۲۰ بر تشکیل پایگاه اطلاعات مالیاتی کشور تاکید شده است.وی در مورد اقتصاد مقاومتی و مالیات گفت: هرچه هزینه جاری دولت از مالیات تامین شود یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی تامین شده است و هر چه اقتصاد کشور بر درآمدهای مالیاتی متکی شود، یعنی اقتصاد متکی بر فعالیت‌های درونی خود است و مقاومت بیشتری برخوردار است.

رئیس سازمان امور مالیاتی در پاسخ به سئوالی در مورد فاز دوم هدفمندی یارانه و درآمد مرتبط با آن گفت: من متولی مالیات هستم و دیگران متولی اجرای یارانه و یک تکلیف در قانون هدفمندی یارانه‌ها آمده که متناسب با فازهای این قانون، پایه معافیت مالیاتی تعدیل می‌شود و پارسال این پایه تعدیل شد و امسال بر فرض اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها پایه معافیتی به ۶ میلیون ۵۰۰ هزار تومان افزایش یافت.

عسکری در مورد نظارت بر هزینه‌کرد درآمد مالیاتی گفت: سازمان مالیاتی متولی وصول مالیات بوده و خزانه کشور در مرحله تخصیص درآمدهای مالیات و دیوان محاسبات در مرحله تفریغ بودجه نظارت می‌کند و سازمان‌مالیاتی هیچ وظیفه‌ای در مورد نظارت بر مصارف درآمد مالیاتی ندارد.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی همچنین با بیان اینکه طرح تحول مالیاتی از پنج پروژه تشکیل شده که همه آنها در دست انجام است و عمده آنها پیشرفت مناسبی داشته است، گفت: در مورد دریافت مالیات از خانه‌های خالی ما مجری قانون هستیم و هر چیزی را که قانون تکلیف کند، اجرا می‌کنیم.

علی عسکری در گفت و گو با ایسنا درباره حذف مالیاتی نهادها و بنیادها و سپس بازپرداخت درآمدهای حاصل از این اقدام به عنوان کمک به آنها، اظهار کرد: نهادها و بنیادها مشمول پرداخت مالیات هستند و مالیاتشان را به خزانه واریز می‌کنند اما ما به خزانه تاییدیه می‌دهیم تا به میزان تایید شده به آنها پرداخت کند. وی درباره دریافت مالیات ۲۵ درصدی از افرادی که در طول سال درآمدی بیش از ۱۰۰ میلیون تومان دارند، تصریح کرد: در اصلاح قانون مالیات آمده افرادی که گردش مالی آنها در سال کمتر از ۶۰ میلیون تومان است را جزو مودیانی می‌دانیم که نیاز به رسیدگی ندارند و توافقی قبول می‌کنیم، اما در مورد درآمدهای بالای ۶۰ میلیون تومان ممکن است رسیدگی کنیم.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره انتقاد برخی نسبت به توافقی بودن مالیات اصناف و این‌که مالیاتی که از حقوق کسر می‌شود، در مجموع بیشتر از مالیات اصناف است، گفت: رویه جدیدی اتخاذ کردیم که بر اساس آن توافق با اصناف در مورد مشمولان بند (ج) صورت می‌گیرد به این صورت که اگر مالیاتشان را ۱۵ درصد بیشتر از مالیات سنوات قبل پرداخت کنند، نمونه گیری می‌کنیم و از بین کسانی که اظهارنامه داده‌اند، اظهارنامه‌ها را می‌پذیریم. البته اگر در چارچوب توافق عمل کنند.

رئیس سازمان امور مالیاتی با اشاره به این‌که توافق خوداظهاری شرایطی دارد، گفت: اگر مشمولان بند (ج) به این شروط عمل کنند و ۱۵ درصد هم اضافه مالیات بدهند و ۴ درصد هم ما رسیدگی کنیم، در چارچوب توافق خواهد بود.

وی با بیان این‌که برای مشمولان بند الف و ب در سال جاری توافقی نکرده‌ایم، افزود: بر اساس ماده ۱۵۸ قانون مالیات‌های مستقیم به صورت خود اظهاری، رویه را اعلام کردیم به این صورت که هر کس در این چارچوب مالیات بدهد می‌پذیریم و خودمان تعدادی را به عنوان نمونه بررسی می‌کنیم بنابراین در این مورد توافق امضا شده‌ای با اصناف نداریم اما بر اساس خوداظهاری اظهارات مودیان را می‌پذیریم، مگر اینکه خارج از چارچوبی که اعلام کرده‌ایم عمل کرده باشند.

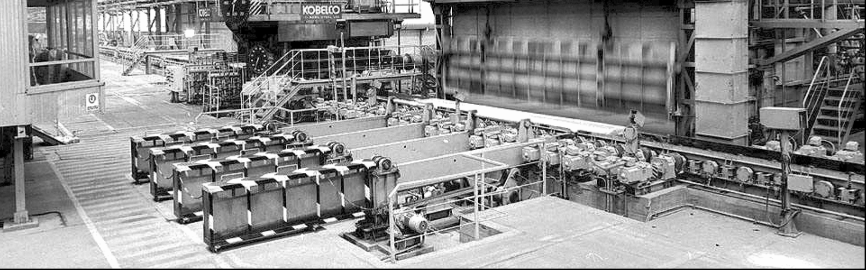
عسکری در ادامه با اشاره به این که در سال جاری بیش از ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار اظهارنامه گرفته‌ایم، اظهار کرد: تعداد اظهارنامه‌ها نسبت به سال گذشته افزایش داشته است و همچنین ۹۵ درصد مودیان اظهار نامه خود را به صورت الکترونیکی ارائه کرده‌اند.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی درمورد دریافت مالیات از خانه‌های خالی تصریح کرد: ما مجری قانون هستیم و هر چیزی را که قانون تکلیف کند اجرا می‌کنیم.

رئیس سازمان امور مالیاتی همچنین درباره فرار مالیاتی گفت: با اجرایی شدن ماده ۱۲۰ قانون برنامه و همچنین اجرای طرح جامع مالیاتی، مسیر بخش عمده‌ای از فرارهای مالیاتی را کنترل می‌کنیم اما در شرایط فعلی نمی‌توان فرار مالیاتی را کتمان کرد در واقع مانند اقتصادهای دیگر، اقتصاد ما هم با فرار مالیاتی روبرو است البته ممکن است در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته در ایران بیشتر باشد که ناشی از نقصان موجود در دسترسی به اطلاعات است اما با برنامه‌ریزی در سنوات آینده، این مسائل بر طرف خواهد شد. وی درباره طرح تحول مالیاتی و زمان اجرای آن خاطرنشان کرد: طرح تحول مالیاتی از چند پروژه تشکیل شده که در مورد قانون مالیات بر ارزش افزوده مسیرهای کاری پیگیری می‌شود. عسکری با بیان این‌که اصلاح قانون در دست دولت است که به زودی به مجلس می‌رود، گفت: در مورد طرح جامع مالیاتی هم در فاز چهارم هستیم و دو فاز دیگر تا پایان سال به اتمام می‌رسد.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی زیرساخت‌های لازم برای نظام مالیاتی تا ۹۰ درصد پیشرفت کرده است، افزود:اگر این زیرساخت‌ها موجود نبود، در سال جاری نمی‌توانستیم این تعداد از اظهارنامه الکترونیکی را بگیریم.

تولید ۸۰میلیون تن فولاد در ۷ سال گذشته



وزیر صنعت، معدن و تجارت از تولید ۸۰میلیون تن فولاد در سال‌های ۸۴ تا ۹۰ خبر داد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت، مهدی غضنفری با بیان اینکه تولید فولاد در سال ۵۷ تنها ۵۰۰هزارتن بوده است، افزود: از سال۵۸ تا انتهای سال ۸۳(۲۶سال) ظرفیت فولاد کشور به ۱۰میلیون تن رسید.

این در حالی است که به میزان ظرفیت فولاد از ابتدای فعالیت دولت نهم تا سال ۹۰ (۷سال) قریب ۱۰ میلیون تن اضافه شد و ظرفیت تولید فولاد هم اکنون بالغ بر ۲۰میلیون تن است. همچنین در این مدت ۸۰میلیون تن فولاد در کشور تولید شد.

وی با بیان اینکه در سال ۵۷ تنها یک میلیون تن محصولات فولادی در کشو تولید می‌شد و در انتهای سال ۸۳ هم میزان ظرفیت تولید محصولات فولادی به ۱۳میلیون تن رسید، افزود: از سال ۸۴ تا ۹۰ با به بهره‌برداری رسیدن کارخانجات و واحدهای مختلف، ۱۸میلیون تن ظرفیت تولید افزایش یافت و در مجموع به ۳۱میلیون تن محصولات فولادی در کشور بالغ شد.

دکتر غضنفری با بیان اینکه در چهارماه نخست امسال بیش از ۵میلیون تن فولاد خام در کشور تولید شده است، افزود: این میزان نسبت به مدت مشابه سال گذشته، رشد ۷/۶ درصدی را نشان می‌دهد.

وزیر صنعت، معدن و تجارت ادامه داد: در این مدت بالغ بر ۵میلیون و ۸۵۰هزار تن محصولات فولادی هم تولید شد که نسبت به مدت مشابه سال ۹۰ رشد ۰/۲ درصدی داشته است.

خبر دیگری حاکیست ارزش صادرات فولاد شرکت‌های تحت پوشش سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران در چهار ماه ابتدای سال جاری از رشد ۲۸درصدی برخوردار شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران همچنین در این مدت میزان تناژ فولاد صادر شده به بازارهای هدف ۲۱۲هزارتن بوده است در حالیکه در چهار ماه ابتدای پارسال ۲۳۴ هزارتن از تولیدات این گروه صادر شده بود.

در مدت مورد بررسی بیشترین رشد صادرات به تیرآهن اختصاص داشت به طوری که با رشد ۴۹۴ درصدی همراه شد که از ارزشی معادل ۲۱/۱ میلیون دلار برخوردار بود. پس از آن میلگرد با رشد ۱۲۵درصدی جایگاه دوم رشد صادرات را کسب کرد به طوری که نزدیک به ۶۰میلیون دلار از این محصول به بازارهای خارجی ارسال شد.

در همین حال بیشترین ارزش صادرات شرکت‌های تحت پوشش سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی در بین تولیدات این گروه در اختیار محصولات گرم بود، به گونه‌ای ارزش صادرات محصولات گرم از ۱۲۶میلیون دلار عبور کرد.

قبوض انبار برای تضامین بانکی دارای اعتبار می‌شود

قبوض انبار الکترونیکی با توجه به بهادار شدن آنها، به سندی قابل اتکا برای تضامین بانکی تبدیل می‌شوند.

به گزارش شاتا، سیدرضا فاطمی امین معاون برنامه‌ریزی وزیر صنعت، معدن و تجارت در نشست هم‌اندیشی بانک‌های عامل برای ایجاد شیوه‌های جدید تامین مالی، افزود: ایده تبدیل قبض انبار به عنوان تضمین بانکی از یک سال پیش شروع و با امضای تفاهم‌نامه سه جانبه با بانک دی، شرکت انبارهای عمومی و وزارت صنعت، معدن و تجارت وارد فاز اجرایی شد.

وی همچنین با اشاره به امضای تفاهم‌نامه سه جانبه مشابه با بورس کالا افزود: اگر بتوان تضامین را تسهیل و گسترش دهیم، مبادلات به خوبی انجام شده و تقاضای کاذب منابع مالی هم کاهش می‌یابد.

در این نشست همچنین مسئول پروژه «بقا» در معاونت توسعه فناوری اطلاعات و توسعه و تجارت الکترونیک گفت: تاکنون خواب کالای وارداتی و نیاز تولیدکنندگان داخلی به سرمایه در گردش و نداشتن وثیقه کافی برای تامین مالی از بانک‌ها و پیش فروش کردن محصول به قیمت ناچیز از مشکلات گریبانگیر تولیدکنندگان بوده است.محمد جلال، میزان خواب سرمایه را در کشور حدود ۳۰ میلیارد دلار برآورد کرد و گفت: این رقم به قیمت تمام شده افزوده می‌شود. در حالی که می‌توان از این ظرفیت به نحو مطلوبی استفاده کرد.

نامبرده با تشریح نحوه کار اظهار کرد: شرکت انبارهای عمومی به عنوان اپراتور، دارایی موجود اشخاص متقاضی در انبار را تحت نظارت خود درمی‌آورد و شرکت بازرسی مشخصات کالا را ثبت و ضمیمه قبض می‌کند، سپس مشخصات به سامانه الکترونیکی ارسال می‌شود و نسخه پرینت شده قبض انبار به مشتری داده می‌شود.

وی ادامه داد: مالک قبض می‌تواند این نسخه را در اختیار بورس کالا بگذارد و بورس هم با استعلام الکترونیکی از شرکت انبارهای عمومی ایران و در صورت آزاد بودن کالا و نداشتن مشکل در بورس به فروش می‌رساند.

در ادامه این نشست، مدیرعامل شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی ایران با اشاره به ایجاد بستر تحت وب این سیستم در سراسر کشور و اجرای پایلوت آن در شعبه سمنان گفت: تا عید سعید فطر ۳ میلیون متر مربع انبار تحت پوشش شرکت انبارهای عمومی ایران در ۱۷ نقطه کشور وارد چرخه عملیاتی این پروژه می‌شوند.علی ملک افزود: در فاز دوم ۱۵ هزار انبار آماده ظرف ۳ ماه شناسایی و استانداردسازی و به شبکه اصلی متصل می‌شوند.وی همچنین از ارائه خدمات این شرکت در بستر بین‌المللی در فاز سوم با کمک بانک‌ها و از ابتدای سال آینده خبر داد.

معاون عملیات و بازرگانی شرکت انبارهای عمومی ایران هم با اشاره به وجود حدود ۲۰ مصوبه مجلس در این زمینه افزود: دقت و کنترل لازم در سیستم شرکت انبارهای عمومی ایران هست و با بهادار شدن قبض انبار، فرآیند اطلاع‌یابی از وضع کالا به صورت استعلام کتبی و الکترونیکی در اختیار بانک‌ها خواهد بود.مجید کربلایی تصریح کرد: شرکت انبارهای عمومی ایران امین بانک‌هاست و در این زمینه در کنار بانک‌ها خواهد بود.

به گفته وی زیر ساخت‌های قانونی برای پذیرش اسناد الکترونیکی و دسترسی بانک‌ها به اطلاعات مورد نیاز به صورت آنلاین وجود دارد.

همچنین معاون بازاریابی و سرمایه گذاری بانک دی به عنوان اولین بانک پذیرنده قبض انبار به منظور تضمین بانکی، اظهار کرد: برگزاری نشست‌های متعدد و مطالعات ۹ ماهه منجر به امضای تفاهم‌نامه سه‌جانبه‌ای بین بانک دی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت انبارهای عمومی ایران شد و الزاماتی را برای هر سه طرف ایجاد کرد.

دلایل اجرای طرح جدید شبکه الکترونیک پرداخت کارتی

طرح تازه شاپرک (شبکه الکترونیک پرداخت کارتی) چند روز قبل در مراسمی در بانک مرکزی رونمایی شد تا سیستم بانکی کشور برای نخستین بار با تحولی تازه در عرصه مبادلات الکترونیک مواجه شود.

دکتر محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی درباره اینکه «طرح شاپرک» به چه معناست و همچنین دلایل، ضرورت‌ها و فلسفه وجودی پیدایش این طرح مطالبی را ارائه کرد. وی گفت:کلمه «شاپرک» در واقع خلاصه «شبکه الکترونیک پرداخت کارتی» است. نظام بانکداری کشور در سال‌های گذشته با روندی رو به رشد از منظر اتکاء به فناوری‌های اطلاعات روبرو بوده است که استفاده گسترده از پایانه‌های فروش در دورترین نقاط کشور از آن جمله است.

نامبرده افزود: در حال حاضر، مدیریت و بهره‌برداری از پایانه‌های فروش عمدتاً توسط شرکت‌های PSP انجام می‌شود که به صورت سنتی از یک سو با بانک‌ها طرف قرارداد بوده و از سوی دیگر، با پذیرندگان پایانه‌های فروش (POS) مرتبط هستند. لیکن به دلیل نبود سازمان مدیریتی و نظارتی مناسب در گذشته، این شرکت‌ها از رشد متقارن و همگونی برخوردار نبوده و نبود توزیع مناسب دستگاه‌های پایانه‌های فروش در سطح کشور، مشکلات عدیده‌ای را برای شبکه بانکی بوجود آورده است.



به همین خاطر، برای رفع مشکلات و اجرای وظایف حاکمیتی و نظارتی بانک مرکزی مصوبه‌ای در این باره توسط شورای پول و اعتبار تصویب و به منظور ساماندهی پایانه‌های فروش الکترونیک و نظارت دقیق و همه جانبه بر عملیات بانکی انجام شده از طریق پایانه‌های مربوطه، طرح شبکه الکترونیک پرداخت کارتی (شاپرک) پس از یکسال تلاش اجرا شد.

رئیس کل بانک مرکزی در باره مشکلات اجرای این طرح گفت: الان که به فروشگاه‌های شهرهای بزرگ مراجعه می‌کنید، با چند پایانه روبرو هستید که همگی یک کار را انجام می‌دهند در حالی که در فروشگاه‌های سایر شهرها و مناطق دیگر، هیچ پایانه‌ای وجود ندارد. این یعنی ناکارآیی در استفاده از سرمایه‌گذاری‌ها که به دلیل رقابت ناسالم بانکی برای پایانه‌گذاری روی داده است نکته بعدی آن است که توجه صرف به نصب پایانه‌ها، هم منابع بانک‌ها را درگیر خرید تجهیزات کرده و هم طرح‌های کارت اعتباری را که خدمات موثری به مردم و فروشندگان می‌دهد، ناتوان ساخته است.علاوه بر این، نمی‌توان شبکه‌ای را که ۲۹ بانک و ۱۷ شرکت جداگانه در آن فعالیت می‌کنند، به صورت متمرکز استاندارد سازی و نظارت کرد از این رو شاپرک برای حل این معضلات شکل گرفته است.

وی در پاسخ به اینکه شاپرک چه دستاوردهایی برای نظام پولی کشور در بر خواهد داشت و آیا از پس مشکلات برخواهد آمد؟ گفت: با راه اندازی طرح شاپرک انتظار داریم تمامی فعالیت‌های شرکت‌های ارائه‌خدمات‌بانکداری الکترونیک تحت یک استاندارد واحد انجام گیرد. انجام این مهم ما را قادر خواهد ساخت نظارتی دقیق و همه جانبه بر عملیات بانکی که از طریق پایانه‌ها انجام می‌شود، داشته باشیم.

بهمنی افزود: ضمناً تطبیق عملیات پایانه‌ها با ضوابط مبارزه با پولشویی، پرهیز از اقدامات بازار شکنانه و پوشش مناسب پایانه‌ها در سراسر کشور از دغدغه‌ها و نگرانی‌های اصلی ماست که با تلاش شبانه روزی و همدلی همکارانم در بانک مرکزی و شرکت‌های دست اندرکار و راه اندازی و بهره برداری از شاپرک، این مشکلات به حداقل رسیده و به چشم انداز و اهدافی که به دنبالشان هستیم، نایل شویم.

وی در باره چشم انداز و اهداف طرح شاپرک گفت:

به طور خلاصه، چشم‌انداز شاپرک جایگزینی تبادل الکترونیک به جای تبادل فیزیکی پول همراه با نظارت مستمر هوشمند نظام پرداخت کشور است. رئیس کل بانک مرکزی افزود: نظام پرداخت کشور دوران گذار خود را برای تبدیل به یک نظام پرداخت بالغ طی می‌کند. تلاش فراوانی صورت گرفته است تا به سطح قابل قبولی از امنیت و پایداری در این عرصه برسیم امّا تا رسیدن به یک سطح امنیت مطابق با استانداردهای بین‌المللی راهی طولانی در پیش داریم. در حقیقت اتصال تمامی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات پرداخت به سوئیچ شاپرک و به کارگیری ابزارهای متنوع در آن، آغاز راهی است برای آن که ادعا کنیم اینک به نقطه‌ای رسیده‌ایم که بسترهای اصلی برای یکپارچگی و امنیت شبکه پرداخت الکترونیک را مهیا کرده‌ایم.

وی در باره ماموریت شاپرک گفت: به اجمال مأموریت شاپرک اعمال وظایف حاکمیتی و نظارتی بانک‌مرکزی‌درزمینه‌استانداردسازی، توزیع مناسب و نظارت بر مبادلات الکترونیک کشور در مراکز فروش کالا و خدمات است.

قانون بهبود فضای کسب و کار اجرا می‌شود

قانون بهبود فضای کسب و کار را اجرا می‌کنیم. معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی با تشریح عملکرد ایران در شاخص بهبود فضای کسب و کار در دنیا، گفت: قانون بهبود فضای کسب و کار را اجرا می‌کنیم.

به گزارش مهر، بهروز علیشیری شاخص کسب و کار را مهمترین شاخص توسعه کشور دانست و گفت: مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی که در شکل گیری تا تولید و بلوغ یک بنگاه اقتصادی تاثیر گذار است، فضای کسب و کار نام دارد.

وی با اعلام اینکه از سال ۲۰۱۰ رتبه کل ایران در کشورها ۱۳۷ بود که در ۲۰۱۱ به ۱۲۹ رسید، اظهارداشت: متاسفانه دوباره رتبه کل ایران به لحاظ فضای کسب و کار در سال ۲۰۱۲ به ۱۴۴رسید که نشان می‌دهد نسبت به سال ۲۰۱۰ هفت پله سقوط کردیم.

علیشیری با تاکید بر اینکه در بخش شروع کسب و کار در کشورمان از رتبه ۴۸ جهانی سال ۲۰۱۰ به ۵۳ در ۲۰۱۲ نزول کردیم، گفت: در بخش اخذ مجوزهای فضای کسب و کارهم ایران در سال ۲۰۱۰ رتبه ۱۴۱ جهان را داشت که در سال ۲۰۱۲ در این بخش نزول کردیم و به ۱۶۴ رسیدیم.

وی ادامه داد: در بخش نقل و انتقال اموال در سال ۲۰۱۰ ایران رتبه ۱۵۳ جهان را در اختیار داشت که در سال ۲۰۱۲ این رتبه به ۱۶۳ رسید، البته در بخش اخذ اعتبارات که مربوط به بانک مرکزی است، رتبه ایران از ۱۱۳ سال ۲۰۱۰ به ۹۸ در ۲۰۱۲ بهبود پیدا کرد.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی ادامه داد: در شاخص پرداخت مالیات ایران از رتبه ۱۱۷ سال ۲۰۱۰ به ۱۲۶ سال ۲۰۱۲ نزول یافت و در ورشکستگی بنگاه‌ها هم از رتبه ۱۰۹ سال ۲۰۱۰ به ۱۱۷ در ۲۰۱۲ رسیدیم.

وی خاطر نشان کرد: جایگاه ایران در منطقه در سال ۹۰ به ۱۵ رسید. این رتبه در سال ۸۷، رتبه ۱۷، سال ۸۹رتبه ۱۳ و سال ۸۸هم رتبه ۱۵ بوده است.

علیشیری با اعلام اینکه در سطح بین‌المللی رقابت در بهبود مداوم مقررات و قوانین شکل می‌گیرد، اظهار داشت: بیش از ۱۷۰ اصلاح در سه ماه در بخش فضای کسب و کار کشورها انجام شد که ۶۰ درصد آن فقط در کشورهای پیشرفته بوده است.

این مقام مسئول در وزارت امور اقتصادی و دارایی با اعلام اینکه طبق گزارش غیررسمی مقدماتی برای ایران یک اصلاح تسهیل کننده و یک اقدام محدود کننده ثبت شد که در آبان اعلام می‌شود، گفت: در این گزارش غیر رسمی شاخص حمایت از سهامداران خرد بهبود و شاخص شروع کسب و کار تضعیف شده است.

رئیس کل سازمان سرمایه گذاری خارجی ایران با اشاره به اینکه بخش خصوصی تاکنون نقش موثری در بهبود فضای کسب و کار نداشته و نتوانسته‌اند در اشکالات و موانع فضای کسب و کار گزارشات روشنی را به هیأت مقررات زدایی جهت بررسی و اصلاح ارائه کنند، اظهار داشت: در شاخص اخذ مجوزهای ساخت رتبه ایران در بین ۱۸۳کشور جهان ۱۶۴ است.

وی با اشاره به اینکه در شاخص اخذ مجوزهای ساخت ایران در بین ۱۸ کشور منطقه رتبه ۱۸است، گفت: در ایران در اخذ انشعابات آب و فاضلاب در یک پروژه ساخت ۲۷۰ روز و ۱۴ هزار و ۷۰۰ دلار هزینه و برای اخذ انشعاب برق نیز ۱۸۰ روز و ۳ میلیون و ۲۷۸ هزار و ۲۰۰ ریال هزینه لازم است.

علیشیری در باره شاخص تجارت فرامرزی ایران گفت: این شاخص در سال ۸۹ از بین ۱۸۳ کشور برای ایران ۱۳۱ بود که درسال ۹۰ به ۱۳۸ نزول کرد. هم اکنون برای انجام صادرات، هفت سند ۲۵ روز زمان در ایران نیاز داریم که در سال ۸۹ معادل هزار دلار و در سال ۹۰ هم ۱۲۷۵ دلار هزینه دارد.

معاون وزیر اقتصاد در پایان سخنانش اسناد مورد نیاز برای واردات را هشت فقره اعلام کرد و گفت: در سال ۸۹ و ۹۰ مدت زمان مورد نیاز برای واردات ۳۲ روز و هزینه آن در سال ۸۹، ۱۷۳۵ دلار و در سال ۹۰، ۱۸۸۵ دلار بوده است.

خط اتیلن غرب سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد

پروژه خط اتیلن غرب با وجود مشکلات فنی فراوان تا پایان سال آینده به بهره برداری می‌رسد.

احمدرضا حیدرنیا مدیر طرح‌های شرکت ملی صنایع پتروشیمی در گفت و‌گو با فارس با اشاره به آخرین وضع خط اتیلن غرب کشور گفت: این پروژه در دوفاز اجرا می‌شود. فاز اول این خط که از عسلویه تا کرمانشاه کشیده شده است، به دلیل آنکه پروژه پلیمر کرمانشاه آماده راه اندازی است، بنابراین کمپرسورهای سه ایستگاه یک و ۴ و ۵ درحال راه‌اندازی است تا هرچه زودتر اتیلن به این پروژه برسدو از یک طرف هم قصد داریم اتیلن مورد نیاز پروژه اروند را از این خط تامین کنیم که هم اکنون از طریق کشتی این کار صورت می‌گیرد.

مدیرطرح‌های شرکت ملی صنایع پتروشیمی خاطرنشان کرد: در فاز اول این خط پس از بررسی‌ها و پیگرانی هوشمند(نشت یابی) مشخص شد که ۷ نقطه نیازمند تعویض و تعمیر اساسی است که علت این تعمیرات هم نداشتن سیستم نگهدارنده و آنودهای فداشونده است.

وی اظهار داشت: متاسفانه مسئولان امر در گذشته به فکر سرمایه ملی نبودند تا این دوباره کاری انجام نشود. به دلیل آنکه در آینده و پس از راه اندازی، فشار اتیلن خط بالا می‌رود، برای به صفر رساندن امکان بروز حوادث مجبوریم دوباره و با دقت هر چه تمامتر فاز اول را مورد ارزیابی و بررسی قرار دهیم.

حیدرنیا خاطرنشان کرد: اگر کارها با دقت و سرعت به اتمام برسد، می‌توان امیدوار بود تا چند ماه آینده و درسال ۹۱ فاز اول این خط به بهره برداری برسد.

وی در ادامه با اشاره به فاز دوم این خط که از کرمانشاه تا میاندوآب و تبریز کشیده می‌شود، اظهار کرد: مهمترین مشکل در فاز دوم، رفع معارض است که با همکاری فرمانداران و استانداران شهرهای مسیر، این کار در حال انجام است و اگر مشکلات فازدوم هم برطرف شود، می‌توان امیدوار بود که در سال ۹۲، فاز دوم این خط احداث و به طور کلی پرونده این خط اتیلن بسته شود.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۹۲/۶۷ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۱۰/۶۵ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۶۱۹ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۷۸۸۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۷۸۶۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۳۹۲۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۹۸۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۱۵۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۸۰۴۰۰ تومان
هر گرم نقره خام	۲۱۰۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۲۲۶ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر رسمی)	۲۲۸۰ تومان
یورو (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۵۲۰ تومان
یورو (نرخ غیر رسمی)	۲۷۵۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۹۱۱/۸ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر رسمی)	۳۴۰۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

راه‌اندازی بورس ارز جدی است

معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری گفت: در صورت تحقق اقتصاد مقاومتی بسیاری از مسائلی که اکنون مطرح است، برطرف می‌شود.

رحیم ممبینی در گفتگو با ایسنا درباره راه‌اندازی بورس ارز اظهار کرد: دولت در راه‌اندازی بورس ارز جدی است و در پی این اقدام نوسانات قیمت ارز و رانت موجود برطرف می‌شود.

وی در ادامه با اشاره به اقتصاد مقاومتی گفت: مهمترین اقدام در خصوص تحقق اقتصاد مقاومتی، فرهنگ‌سازی است که باید مبتنی بر علم و دانش باشد، بنابراین دانشگاه‌ها نقش مهمی در شکل گیری اقتصاد مقاومتی دارند.

نامه وزیر نفت برای لغو مصوبه انحلال شرکت صادرات گاز ایران

یک منبع آگاه از احتمال لغو مصوبه مجمع عمومی شرکت ملی نفت مبنی بر انحلال شرکت صادرات گاز ایران بنابر نامه وزیر نفت خبر داد.

این منبع آگاه در گفتگو با فارس افزود: وزیر نفت از مجمع عمومی درخواست کرده است تا مشخص شدن وضع معاونت امور بین‌الملل شرکت ملی گاز این مصوبه ملغی شود که به نظر می‌رسد علی رغم برخی مخالفت‌ها مجمع عمومی شرکت ملی نفت با این درخواست موافقت کند.

به گزارش فارس، پس از برگزاری نشست مجمع عمومی شرکت ملی نفت ایران در ۱۵ تیرماه سال جاری این مجمع در یک اقدام غیر منتظره تصمیم به انحلال شرکت صادرات گاز ایران گرفت.

تلاش برای کاهش نرخ ۲درصدی بیکاری تا پایان سال

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه با اعلام اینکه برای کاهش ۲ درصدی نرخ بیکاری تا پایان سال جاری تلاش می‌کنیم، ورود کارجویان متولد دهه ۶۰ به بازار کار را باعث ایجاد پیک تقاضا و نوعی شوک در این بازار دانست.

محمدحسین فروزان مهر در گفتگو با مهر گفت: اگر این برنامه عملیاتی و نهایی شود، روند کاهش نرخ بیکاری در سال‌های دیگر برنامه پنجم توسعه تسریع خواهد شد.

وی اظهار داشت: در صورتی که در ۳ سال پایانی اجرای برنامه پنجم توسعه یعنی از سال‌های ۹۲ تا ۹۴ هر سال یک درصد نرخ بیکاری کاهش یابد؛ به هدف برنامه پنجم که دستیابی به نرخ بیکاری ۷ درصدی است؛ خواهیم رسید.

رتبه‌بندی ۲۱هزار شرکت فعال در بخش خدمات

دبیرکل کانون کارفرمایان خدماتی کشور از انجام رتبه بندی در ۲۱ هزار شرکت فعال در بخش خدمات خبر داد و گفت: به زودی دستورالعمل جدید آموزشی مدیران با توافق وزارت تعاون، کار و رفاه ابلاغ خواهد شد.

داود جوانی در گفتگو با مهر از انجام هماهنگی با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به منظور برگزاری نشست مسئولان رتبه بندی شرکت‌های خدماتی، پشتیبانی و فنی مهندسی کشور خبر داد و گفت: قرار است با حضور نمایندگانی از ۵۰ انجمن خدماتی کشور، مدیران و کارشناسان ادارات بازرسی و کار، فناوری اطلاعات و روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ آخرین اصلاحات و تغییرات دستورالعمل و نرم افزار رتبه‌بندی شرکت‌های خدماتی بررسی شود.

بی‌اعتنایی انگلیسی‌ها به تحریم ایران

ناظران بانکی آمریکا اعلام کردند بانک انگلیسی استاندارد چارتر با بی اعتنایی به تحریم‌های آمریکا علیه ایران در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ حدود ۲۵۰ میلیارد دلار مبادله مالی با ایران داشته است.

به گزارش فارس به نقل از رویترز، ناظران بانکی ایالت نیویورک آمریکا، بانک انگلیسی استاندارد چارتر را متهم کردند با نقض قوانین داخلی آمریکا ۲۵۰ میلیارد دلار مبادلات مالی خود با ایران را طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ پنهان کرده است.

اداره خدمات مالی نیویورک با انتشار بیانیه‌ای تصریح کرد استاندارد چارتر با دولت ایران همدستی کرده و حدود ۶۰ هزار فقره مبادله مالی با ایران را در این سال‌ها از چشم مأموران اجرای قانون آمریکا مخفی نگه‌داشته است.

درخواست افزایش قیمت بلیت هواپیما روی میز وزیر راه

دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی از مکاتبات ایرلاین‌ها با وزارت راه و شهرسازی برای افزایش قیمت بلیت هواپیما خبر داد.

حمید غوابش در گفتگو با مهر با اشاره به مکاتبه با وزارت راه و شهرسازی برای افزایش قیمت بلیت هواپیما، گفت: مکاتبات زیادی با وزارت راه و شهرسازی انجام شده است و ایرلاین‌ها در جلسات هفتگی با وزیر این مشکلات را مطرح می‌کنند.

وی افزود: وزیر هم تاکنون پیشنهاد ایرلاین‌ها را برای افزایش قیمت بلیت هواپیما رد نکرده، اما در حال حاضر جواب قاطعی هم به ایرلاین‌ها داده نشده است.

تشکیل کنسرسیوم ایرانی برای برقراری ارتباط فیبر نوری از هند تا روسیه

کنسرسیومی از شرکت زیرساخت و شرکت‌های داخلی بخش خصوصی برای برقراری ارتباط فیبر نوری از هندوستان تا روسیه تشکیل شد.

تعرفه مکالمات بین‌المللی در ایران بسیار پایین است، به گونه‌ای که در ترافیک بین‌الملل با افغانستان و جمهوری آذربایجان با زیان مواجه هستیم.

به گزارش خبرنگار ما، مهندس محمود خسروی معاون وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت با بیان این مطلب به‌مناسبت سالروز تأسیس این شرکت گفت: مسیر این فیبر نوری از بمبئی به چابهار، چالوس، نوشهر و آستاراخان در روسیه خواهد بود که هم‌اکنون در مرحله مذاکرات هستیم و پیش‌بینی می‌شود این پروژه تا یک سال و نیم آینده اجرایی شود و در پی آن ایران به عنوان ترانزیت ارتباط فیبر نوری جنوب به شمال درمی‌آید و مسیر خوبی برای ارتباطات دنیا فراهم می‌شود.

وی با بیان اینکه با استفاده از توان بخش خصوصی اولین کابل بین‌المللی بین بندر چابهار و کشور عمان عملیاتی شده است، از بلااستفاده ماندن ۸۵ درصد ظرفیت دیتاسنتر ملی خبر داد و گفت: این شبکه در ابتدا شبکه سیسکوی ۴۳ گیگ بود، اما اکنون به ۴۰۷ گیگ ارتقاء یافته است.

به گفته خسروی، این شبکه اکنون مانند اتوبانی است که در داخل آن فقط ٤ خودرو حرکت می‌کند. در این رابطه در تلاش هستیم تا از اپراتورها بخواهیم به جای لینک‌های نقطه به نقطه از این شبکه استفاده کنند که به هیچ‌وجه قطعی هم ندارد.

این مقام مسئول در وزارت ارتباطات در پاسخ به احتمال کاهش مجدد نرخ اینترنت اظهار داشت: تاکنون دو بار و هر بار به مقدار ۲۰ درصد تخفیف داده‌ایم و دیگر امکان این کار وجود ندارد. چرا که پس از هدفمندی یارانه‌ها، هزینه‌های شرکت به شدت افزایش یافته است.

وی یادآور شد: ما اگر اینترنت را مجانی هم به اپراتورها ارائه بدهیم قیمت ۲۵ تا ۳۰ درصد بیشتر برای کاربران‌خانگی کاهش نخواهدیافت.

معاون وزیر ICT از تکلیف سنگین برنامه پنجم مبنی بر برخورداری ۶۰ درصد از خانوارها و تمامی کسب و کارها از اینترنت پرسرعت تا پایان این برنامه به عنوان تکلیفی سنگین برای این شرکت در تأمین زیرساخت‌های این هدف یاد کرد و با اشاره به درآمد ۱۰۰۰ میلیارد تومانی شرکت در سال ۹۰ گفت: از این میزان ۶۰۰ میلیارد تومان هزینه‌های جاری و ۴۰۰ میلیارد تومان سود ناخالص بوده است.

وی با انتقاد از پایین بودن تعرفه مکالمات بین‌الملل در ایران گفت: این ارزانترین تعرفه است و به هر کشوری که رجوع کنیم، تعرفه‌های آنها چند برابر ایران است. متأسفانه برای تغییر تعرفه‌ها در حالی باید روند شش ماهه را طی کرد که در دنیا به شکل بورس است و به صورت لحظه‌ای تعرفه‌ها تغییر می‌کند.

به‌همین‌دلیل‌است‌ایران‌درمکالمه با افغانستان و جمهوری آذربایجان در حال زیاندهی سنگینی است.

ملاحظاتی پیرامون ادبیات کودکان در ایران

کودک، نویسنده، کتاب

ژانر ادبیات کودک در حالی نسبت به گونه‌های دیگر ادبیات، قربانی فراموشی یا بی‌توجهی جامعه منتقد و جامعه‌شناس است که کسی در حساسیت و اهمیت پروسه کودکی در زندگی انسان‌ها، تردید ندارد.

گرچه ادبیات شفاهی ما پر است از قصه‌هایی که برای کودکان روایت می‌شود؛ و از زمان باستان تا به امروز، چرخان در فضا و هوا به ما رسیده، اما حقیقت این است که در کشورمان با همه پیشینه دیرین ادبی، ادبیات کودکان در ریخت امروزین، وجود نداشته است. البته قصه‌هایی با حضور قهرمانان کودک وجود دارد، اما این متن‌ها ویژه کودکان و یا برای خوانش خاص آنان نوشته و نگاشته نشده است.

در آغاز، ادبیات مدرن کودکان ایران در مشروطه رخ نمایاند و به دوره شکوفایی خود در دهه ۱۳۳۰ رسید، در دهه ۱۳۴۰ شتاب فزاینده‌ای گرفت و همچنان تا دهه ۱۳۵۰ ادامه یافت و پس از انقلاب نیز به افت و خیزهایی دچار آمد و دوباره به بالیدن خود ادامه داد.

چیستی ادبیات کودک

ادبیات کودک یعنی نوشته یا سروده ساده و نزدیک به زبان گفتاری کودکان -که ساختار هنرمندانه‌ای آن را از کتاب‌های درسی/آموزشی متمایز می‌کند. این سادگی را اگر گوش فرا دهیم، هنوز از درون غارها و در زمزمه‌های «مادر کودک در آغوش گرفته» خواهیم شنید.

شاید با آندرسن (پدر ادبیات کودکان) بود که قصه کودک آفریده شد. هانس کریستین اندرسن در سده ۱۹ میلادی داستان‌هایی را به صورت کتاب در آورد که با زبانی کودکانه، یکسره به جهان کودکان می‌پرداخت. با پایان جنگ جهانی دوم نیز با دگردیسی سامانه آموزش‌وپرورش، توجه جامعه به کودکان و این گونه از ادبیات جلب شد. کشورهای استقلال‌یافته نیز در بستر دمکراسی نوپا، در پدیدآوردن و بالاندن ادبیات بومی ویژه کودکان کوشیدند که بازتابش در کشورهای کمتر فعال، ترجمه‌های آن داستان‌ها و قصه‌ها برای کودکان بود که در پی خود کودکان و نویسندگان بومی را همزمان با هم پرورش داد.

اما منظرگاه یک نویسنده آمیخته به جهان کودک، ظریف‌ها و ظرفیت‌های دیگر این ژانر را می‌نمایاند. طاهره خلیلی کسمایی در این مورد می‌گوید: قصه یک زندگی است و قصه‌نویس آفریننده زندگی. در قصه کودک، یک زندگی پیش‌روی کودک قرار می‌گیرد با همه اتفاق‌های مختلف که کودک را به میان خود می‌کشد و خود نیز وارد دنیای کودکانه‌اش می‌شود و با او حرف می‌زند و بازی می‌کند.

این نویسنده کودکان با این باور که در شعر نیز چنین رخ می‌دهد، می‌افزاید: قصه و شعر با همه تخیل و زیبایی‌هایشان می‌توانند زندگی‌ساز باشند. کودک با شنیدن قصه یا شعر، زندگی را در می‌یابد، زندگی‌ای که در آن از مالکیت، اضطراب، محاسبه‌های بی‌پایان و گرفتاری‌های ذهنی گریبانگیر ما بزرگترها خبری نیست. گرچه متاسفانه کودک این ویژگی‌ها را بعدها در حریم بزرگترها می‌یابد و با قدرت تقلید خویش آن‌ها را به صورت عادت، کسب می‌کند. بنابراین باید به هنگام نوشتن، نویسنده این پارامترها را لحاظ کند.

به گفته این دانش‌آموخته کتابداری، ما در ادبیات بزرگسال، قدمت هزارساله داریم. کشور ما در ادبیات بزرگسال، دارای پشتوانه خوب و گنجینه‌های با ارزش فراوانی است؛ اما ادبیات کودک در ایران نوپاست و در واقع بعد از انقلاب، ادبیات کودک رشد خوبی کرد. البته قبل از انقلاب هم کارهایی در زمینه کودکان و بیشتر با گرایش به ترجمه انجام شد، ولی بعد از انقلاب کوشش‌ها بر این پایه قرار گرفت که فضای فرهنگی، ایرانی باشد، از این‌رو شاعران و نویسندگان سعی کردند بیشتر بنویسند و این امر فضای تالیفی را گسترده‌تر کرد؛ هم از نظر کیفی، آثار خوبی نوشته شد و هم از نظر کمی، حجم کتابها زیاد شد.

وی ادامه می‌دهد: در قصه‌ها و افسانه‌ها، در شعرها و ترانه‌های کودک و خردسال و حتی در بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌ها، کارهای خوبی انجام شده و کتاب‌هایی نیز در دنیا معرفی و ترجمه شده است؛ اما با وجود این رشد، باز کمبودهایی هست. از طرفی کتاب‌هایی است که تالیف ضعیفی دارند و از طرف دیگر در بعضی از موضوع‌ها کارهای تکراری زیادی انجام شده، تا جایی که بازار از آن‌ها اشباع است.

ناگفته نماند در موضوع‌هایی که کمبود احساس می‌شود، با شناخت درست نیازها، کمک خوبی به رشد ادبیات کودک می‌توان کرد.

توامان زندگی و شادی

آیا نویسنده کودکان باید چشم‌هایش را ببندد و بپندارد که کودک است، او تنها در این صورت می‌تواند به کودکان نزدیک شود؟

بنا به جمهوریت افلاطون، کودک، توانا به تمیز بد وخوب نیست و انسان هرآنچه را در کودکی می‌گیرد، به ناخودآگاهش می‌سپرد و از این‌رو باید داستانی برایش روایت و یا شعری برایش خوانده شود که با همه افسانه‌بودن، خوب و زیبا باشد.

در دوره مدرن، یک نویسنده کودک هم مدیوم یا میانجیگر کودکان با مفاهیم و گزاره‌های نوین است و هم پل ارتباطی وی با داشته‌های کهن. او مدام می‌کوشد بدون پندگرایی و شعار، همزمان با بالاندن کودک، وی را از گرایش به آن بخش از جهان بزرگسالان که کاسبکارانه و معامله‌گر نامیده می‌شود، بازدارد؛ و نیز برآن است تا کودکان، خود را با جهان دایم متغیر، به سازش برسانند.

البته همه این کوشش‌ها زمانی به نتیجه می‌رسد که ساختار سیاسی/اجتماعی کشورها آرامش‌گرا باشد و در بستری سازشجو و به دور از هیاهو، جهان زیبای کودک را رهبانی کند؛ چرا که به سبب حساسیت بیش از اندازه کودکان، حتی نشستن یک پروانه، تارهای وجودشان را به ارتعاش در می‌آورد.

طاهره خلیلی کسمایی، از آن دست نویسندگانی است که می‌کوشد هم به قدیم سرکشی کند و هم از تجربه زیسته خود برای کودکان مایه بگذارد و هم کودک را با برخی الگوهای غربی که نیک‌سرشتند، آشنا سازد. وی که نوشتن برای کودکان را با سه‌کتاب قصه و شعر برای پیش‌دبستانی‌ها و دبستانی‌ها آغاز کرد و سپس به بازنوشت مجموعه‌ای از افسانه‌های ایرانی، قصه‌های کلیله‌ودمنه و مجموعه قصه‌هایی برای شبانه‌های کودکان پرداخت، ضمن دلنشین‌خواندن قصه‌نویسی، از تجربه زیسته می‌گوید: "برای شناخت کودک، زبان و واژگان وی، نیاز به علم لدنی است؛ ولی اگر نویسنده با عشق به این کار رو آورده باشد، بی‌گمان با علایق و توانایی‌های درونی‌اش همخوانی خواهد داشت. اما نویسنده باید کمی هم ذاتاً قصه‌نویس و قصه‌گو باشد و چه در شعر و چه در نثر، تخیل قوی داشته باشد و از طبیعت نیز الهام بگیرد. چنین کسی به آسانی به کشف مجموعه‌ای از فرهنگ واژگانی کودک و شیوه نگارش تخصصی این جهان می‌رسد.

وی در پاسخ به این پرسش که نویسنده چقدر باید در خیال و رویای خود غرق باشد و چقدر نزدیک به واقعیت؛ می‌افزاید: من برای همین پرهیز از غرق‌شدگی در ذهنیت زیاده، و گریز از تخیل صرف و نزدیک‌شدن به اجتماع، گاهی برنامه‌هایی برای خود تدارک می‌بینم.

برای نمونه، چندی پیش در پرورشگاهی یک اجرای قصه‌گویی و شعرخوانی حضوری برای کودکان ۳ تا ٦ ساله داشتم. این‌گونه برنامه‌ها سبب می‌شود تا نویسنده، میزان همذات‌پنداری و دریافت‌های کودکان را از نزدیک دریابد و اگر از دنیای واقعی کودک دور افتاده است، دوباره به آن ورود کند.»

و نگره طاهره کسمایی در باره بستگی نویسنده با اثر یا متن داستانی: «باید بگویم ممکن است در اثری این ارتباط موفقیت‌آمیز باشد و در اثر دیگری کمتر؛ ولی هنگامی که چنین ارتباطی وجود نداشته باشد، یعنی اثری نوشته شود که نویسنده نتواند حتی خود با آن ارتباط برقرار کند، طبعا نخواهد توانست مخاطبی را هم جذب کند.»

*طاهره خلیلی کسمایی -نویسنده کودکان: قصه یک زندگی است و قصه‌نویس، آفریننده زندگی

*در قصه کودک، یک زندگی پیش‌روی او قرار می‌گیرد با همه اتفاق‌های مختلف که کودک را به میان خود می‌کشد و خود نیز وارد دنیای کودکانه‌اش می‌شود و با او حرف می‌زند و بازی می‌کند

*قصه و شعر با همه تخیل و زیبایی‌هایشان، می‌توانند زندگی‌ساز باشند. کودک با شنیدن قصه یا شعر، زندگی را در می‌یابد، زندگی‌ای که در آن از مالکیت، اضطراب، محاسبه‌های بی‌پایان و گرفتاری‌های ذهنی گریبانگیر ما بزرگترها خبری نیست

*کشور ما در ادبیات بزرگسال، دارای پشتوانه خوب و گنجینه‌های با ارزش فراوانی است؛ اما ادبیات کودک در ایران نوپاست و در واقع بعد از انقلاب، ادبیات کودک رشد خوبی کرده است

چشم‌اندازی در فراسو

جنس و ماهیت آرمان‌های نویسنده کودکان چگونه است، آیا برای وی دست‌یافتنی است، یا چشم‌اندازی است در دوردست‌ها؟

طاهره خلیلی کسمایی می‌گوید: «یک نویسنده کوشا و سخت‌کوش بی‌گمان به هدف‌هایش که همان جلب خواننده کودک است، خواهد رسید. هدف زندگی یعنی یافتن کاری که دوست داریم انجام دهیم؛ که مفهوم‌اش به سخن دیگر، گونه‌ای دوست‌داشتن و عشق‌ورزیدن است به آنچه که هستیم!

گرچه راه تمامی ندارد و کارهای نویسنده، هرگز وی را آن‌گونه که باید قانع نمی‌کند؛ اما حقیقت این است که همین کاویدن‌ها، راه‌های نو را باز می‌گذارد و در این راه، آن سرچشمه‌ای که به نویسنده توانایی و خلاقیت در نوشتن را داده است، برای رسیدن به هدف‌هایش، کمک و راهنمایش خواهد بود.»

کسمایی که درس‌آموخته ویراستاری نزد کسانی چون احمدسمیعی گیلانی، رضا سیدحسینی و ابوالحسن نجفی است، در باره زبان سنی کودکان معتقد است: «نویسنده، با شناختی که از گروه‌های سنی پیش‌دبستان، دبستان و یا راهنمایی دارد، یک گروه سنی را انتخاب می‌کند و به تناسب آن می‌نویسد؛ که بعد از نوشتن، ممکن است این ارتباط، خیلی موفقیت‌آمیز نباشد، یا کم باشد.

از این‌رو بعد از نوشتن باید آثار کارشناسی شود که البته می‌شود و گروه سنی مناسب برای آن اثر، دقیق‌تر تعیین می‌شود. چه بسا نویسنده‌ای کتابی را برای «گروه ب» نوشته باشد، اما کارشناس آن را تا «مقطع ج» یعنی پایان دبستان هم گروه‌بندی کند.

پویایی در پویانمایی

پویانمایی با همه کودک‌بودن در کشور، رو به رشد است و می‌توان با پرداختن به مسایل بومی، خوراک اندیشگی و سرگرمی کودکان را فراهم ساخت.

طاهره خلیلی کسمایی‌که فعالیت‌هایی غیر از نوشتن هم داشته و برخی قصه‌هایش را پویانمایی کرده و در مقام دوبلوری نیز تجربه‌هایی کسب کرده و به جای قهرمانانش سخن گفته است، می‌افزاید: «انیمیشن برای کودکان و در کل انیمیشن در کشور ما نوپا است.

کوششم بر این است تا قصه‌های شفاهی، بتواند زمینه‌ساز آشنایی کودک با قصه‌های مکتوب باشد.

قصه «ماه من» برای پخش از تلویزیون تبدیل به انیمیشن شد. همچنین به سفارش یک موسسه فرهنگی و هنری برای انیمیشن و قصه‌گویی، چند فیلم‌نامه هم نوشته‌ام که اینک در مرحله پایانی انیمیت است.

در زمینه قصه‌گویی نیز باز به سفارش یک ناشر، مجموعه‌ای از قصه‌هایم را با صدای خودم در حال ضبط دارم تا به صورت لوح‌های فشرده صوتی در اختیار کودکان قرار گیرد. امید بر این است که وسیله سرگرمی و یا خوراک فکری کودکان‌مان در خود کشور تولید شود.»

راز پیوند کودک با کتاب

اگر می‌خواهیم کودکانمان از هم‌اکنون تا آینده، انسی با کتاب بیابند، باید از کودکی، آنان را با کتاب آشنا کنیم زیرا هرکس آن‌گونه در آینده خواهد زیست که در کودکی زیسته است. در این میان نباید خریداران کتاب را از یاد برد، زیرا آنان هستند که برای کودکان، کتاب موردعلاقه یا موردنیازشان را خریداری می‌کنند. در همه جای دنیا، چه نویسندگان و چه خریداران کتاب در دهک متوسط رده‌بندی می‌شوند؛ یعنی آن دسته از مردم که توانایی خرید کتاب را دارند از دهک متوسط جامعه هستند؛ به سخن دیگر زندگی و حیات نوشتن و کتاب‌خوانی بیش از هر چیز، به این دهک جامعه بسته است. بنابراین باید در حفظ دهک متوسط کوشید و برای تقویت گروه فرودست نیز کتابخانه‌های عمومی را گستراند و کتاب‌های رایگان کودکان را به روستاهای دوردست و محروم فرستاد؛ چه این که هیچ چیز بیش از کتاب، آنان را خوشنود نمی‌سازد.

کسمایی در این مورد می‌گوید: مانوس‌شدن کودک با کتاب، خودبه‌خودی صورت نمی‌گیرد و همان‌طور که دستش را می‌گیریم و در راه‌رفتن کمکش می‌کنیم، باید در این راه نیز کمکش کنیم و به شعر علاقه‌مندش کنیم و بخواهیم که شعرها را حفظ کند و یا مصراعی را خود بسازد و جایگزین کند، نوشتن یک متن را با وی آغاز کنیم و یا بخواهیم متنی را در جمع بخواند. این‌ها تجربه‌های است از زندگی خود من تا امروز که مرا در مقام نویسنده کودکان قرار داده است.

گردآوری ادبیات شفاهی

این که در جهان، جامعه‌های انسانی، برخی ادبیات شفاهی را بکاوند و به بازآفرینی و واگفتن دوباره آن بپردازند، از غرب آغاز شد. در فرانسه، برادران ویلهلم (یاکوب گریم) قصه‌های رایج در میان مردم را در کتاب‌هایی گرد آوردند و در سده ۱۹ میلادی به چاپ رساندند.

ساختار فولکلوریک ایران نیز با بیشتر قصه‌ها، افسانه‌ها، متل‌ها، لالایی‌ها و چیستان‌های خود، بازتابی از جهان کودکانه و برای کودکان است.

اگر ادبیات رسمی بیشتر از آن بزرگترهاست، ادبیات توده، بیشتر رو به کودکان دارد؛ از این‌رو منابع در این مورد بسیار است و تنها باید در ساختاری امروزین و با زبانی نو به، کودک انتقال یابد.

ما گله می‌کنیم که چرا نوجوانان و جوانان ما با متون کهن بیگانه‌اند و آن‌ها را نمی‌خوانند، اما آیا کوشیده‌ایم از کودکی آنان را با این کتاب‌ها آشنا کنیم؟ شاید حافظ در خانه‌ها باشد و از سوی پدر یا مادر خوانده شود، ولی آنان اولاً تنهاخوانی می‌کنند، یا به سخن دیگر در لذت خوانش، کودک و نوجوان‌شان را شریک نمی‌کنند؛ و ثانیاً معنایش را تنها خود درک می‌کنند و نمی‌کوشند به زبان ساده، مفاهیم را برای کودکان واگو کنند، تا زمینه آشنایی‌شان با متون کهن فراهم آید.

کسمایی که اینک مجموعه قصه‌های مرزبان‌نامه‌اش در مرحله پایانی تصویرگری قرار دارد، در این مورد معتقد است: افسانه‌های سرزمین‌مان می‌تواند توامانی از لذت و شادی و سرگرمی برای کودکان ایرانی به همراه بیاورد و نیز قصه‌های کهن‌مان - نمونه‌های درخشان نثرونظم- اگر رختی از زبان ساده به خود بپوشد، می‌تواند برای کودکان‌مان قابل استفاده باشد.

در حوزه ادبیات کودک، هنوز کارهای زیادی می‌توان انجام داد.

ع.درویشی

جدول ۲۱۷۷۳

افقی:
۱ـ لقب امام علی(ع) ـ آماده فداکاری و جانبازی
۲ـ شهر عبا ـ دارو ـ از ادات شباهت
۳ـ حرارت دادن و گرما ـ نارسا و کم‌ارتفاع ـ صاحب دل
٤ـ نزدیکی ـ اثر خیسی ـ از باشگاه‌های فوتبال فرانسوی ـ ناحیه‌ای در بدخشان افغانستان
۵ـ نزدیک کاشان ـ لرزش و جنبش ـ بندگاه میان ساعد و بازو
٦ـ نامها ـ وجه اشتراک مجله و روزنامه ـ ضمیر جمع
۷ـ مرتب کردن، نظم و سامان‌دادن ـ ماشین خاکبرداری ـ خالص و سره
۸ـ فرزند زاده ـ حاضر
۹ـ اندام تولیدمثل قارچ‌ها ـ جهانگرد ـ استان جدید کشورمان
۱۰ـ حرف خطاب ـ علامت جذر در ریاضی ـ پول چین
۱۱ـ سرنیزه ـ بسیار شوخی کننده ـ تراوش کننده
۱۲ـ فروبردن سوزن، نیشتر و مانند آن‌ها در چیزی ـ خطاب نزدیک ـ هزار کیلو ـ قصد و آهنگ
۱۳ـ گندم آردکن ـ آش خرده خمیر ـ نیز
١٤ـ لقب اشرافی ـ گاه جای دکمه را می‌گیرد ـ فصل بهار
۱۵ـ عمران ـ از شهرهای استان خراسان رضوی

عمودی:
۱ـ بررسی موارد جزئی و نتیجهٔ کلی گرفتن ـ پایتخت تبت ـ ویتامین انعقاد خون
۲ـ تیزهوشی ـ تعبیر نویسنده یا شخص متکلم از خود
۳ـ درخت زبان گنجشک ـ سلاح پرتابی بومیان استرالیا به شکل عدد هفت ـ مقابل پویا
٤ـ درخت انگور ـ پیمان ناقلا ـ زیرکی
۵ـ از انواع ریواس ـ قانون مغول ـ عقیم و یائس
٦ـ اصطلاحی در ضبط برنامه‌های تلویزیونی ـ مجرب و آزموده ـ وسط
۷ـ عمارت ـ همراه لرز ـ نویسنده و شاعر آلمانی برنده نوبل ادبی ۱۹۱۰ و مؤلف «تصویر یک مادر» ـ عدد هندسی
۸ـ مظهر قدرت در یونان باستان ـ قصه و داستان
۹ـ نیا ـ خباز و شاطر ـ زائوترسان ـ نام ایرانیان فارسی زبان ماوراء النهر و قفقاز
۱۰ـ صدا ـ نمد درست می‌کند ـ روی پاکت‌نامه یا بسته‌های پستی می‌چسبانند
۱۱ـ نهی کننده ـ دریاچه‌ای در آسیای میانه ـ مساوی بودن دو نسبت
۱۲ـ دریاچه‌ای در سوئیس ـ معلم مقطع متوسطه ـ نشانه جمعی در آخر واژه‌ها
۱۳ـ زهتاب ـ آوردگاه امام علی (ع) و خوارج بی‌رحم و نادان ـ یکدندگی
١٤ـ معادل فارسی «کاتالوگ» ـ گوشه هندسی
۱۵ـ شکوه ـ پاکدامنی و عفاف ـ به پایان نرسیده، کامل نشده

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول ۲۱۷۷۲

جدول شرح در متن شماره ۳۰۸۱

طراح: غلامحسین باغبان

حل جدول شماره ۳۰۸۰

ترجیع‌بند در عرض ادب به ساحت مقدس حضرت امیرالمؤمنین(ع)

ای گلشن قدس

آیت‌الله علی کاظمی اردبیلی



بند اول

ای عزت عرش و نور افلاک
وی فخر سما و شوکت خاک
مانند تو، حق نیافریده
در بحر وجود گوهر پاک
با عشق رخت مرا نباشد
یک ذره ز هول آن جهان باک
در هجر تو دل صبور باشد؟
حاشاک، هزار بار حاشاک!
بی مهر تو یک جهان عبادت
کمتر زخس است و خار و خاشاک
در عشق رخ تو شاه کونین
دل، خسته و سینه، هست صدچاک
آن دم که شود رخت نمایان
دلها همه می‌شود فرحناک
جز ذات خدای لایزالی
کس، ذات تو را نکرده ادراک
از روز نشور و خوف محشر
عشاق تو نیستند غمناک
سکّان سما به صد علاقه
خوانند ترانه‌ای ز افلاک:
«بی پرده بگو علی خدا نیست
لیکن ز خدای هم جدا نیست»

بند دوم

ای آن که تو مظهر الهی
چون روی تو نیست مهر و ماهی
بر ساحت حق به جز «ولا»یت
گشتیم بسی، نبوده راهی
ما را نبوَد به هر دو عالم
جز لطف و عنایتت، پناهی
ناگفته کسی به جز خدایت
اوصاف کمال تو، کما هی
تو زنده کنی به یک عنایت
صد عیسی مریم، از نگاهی
بنما نظری به سوی ما هم
با دیدهٔ لطف، گاه‌گاهی
هرگز نرسد به حشمت تو
در ملک وجود، پادشاهی
برتر نبود ز بارگاهت
ای فخر وجود، بارگاهی
از عشق تو هست در دو عالم
گر کس برسد به عزّ و جاهی
ما در صف عاشقان اوییم
ای ذات خدا، تو خود گواهی
این نغمه مراست ورد دایم
چون مرغ حزین صبحگاهی:
«بی پرده بگو علی خدا نیست
لیکن ز خدای هم جدا نیست»

بند سوم

ای جان جهانیان فدایت
وی زینت عرش، خاک پایت
کرده‌ست خدای لایزالی
ایجاد عوالم از برایت
هرکس ز رخ تو، رخ بتابد
برگیرد از او نظر، خدایت
کس همچو خدا نگفته هرگز
شایسته شأن تو ثنایت
روشن شده جان و دل سراسر
از نور تو مشعل هدایت
درمصحف خویش، خوانده‌باری
قربان تو، جان مصطفایت
تکمیل نموده دین خود را
با نعمت کامل «ولا»یت
از افسر جمله پادشاهان
برتر شده تاج «انّما»یت
ماه، از رخ خوب تو حدیثی است
خورشید، ز روی تو حکایت
از خلق زمین و آسمانها
مهر تو بود خجسته غایت
این زمزمه، سوز جمله دلهاست
ای بهر خدا بزرگ، آیت:
«بی پرده بگو علی خدا نیست
لیکن ز خدای هم جدا نیست»

بند چهارم

ای نور خدا، عیان ز رویت
وی رشته حق، تار مویت
برتر ز بهشت جاودان است
ای جنت عشق، خاک کویت
هم خلقت آسمان برایت
هم دیدهٔ قدسیان، به سویت
پر کرده مشام عالمی را
ای گلشن قدس، عطر و بویت
سرمشق فضیلت است و تقوا
بر جان تو سیرت نکویت
با هستی عاشقان بیدل
آمیخته عشق و آرزویت
دل کنده‌ام از شراب فردوس
در حسرت بادهٔ سبویت
در بستر مرگ و در دل خاک
خوابم به امید گفتگویت
آیا رسد آن دمی که باشم
با حور و فرشته روبرویت؟
چون بلبل خوش‌نوا بخوانم
این نغمه ز سوز عشق رویت
«بی پرده بگو علی خدا نیست
لیکن ز خدای هم جدا نیست»

بند پنجم

ای جان و دل از تو مست و مخمور
وی شرح رخ تو آیه نور
از روی تو گشته است روشن
در دیدهٔ خلق، شام دیجور
ثبت است سواد فضلت ای شه
بر دور بیاض دیدهٔ حور
تبلیغ مقام شامخت را
ذات نبوی شده‌ست مأمور
در عهد خلافت تو یک پیل
هرگز ننمود ظلم، بر مور
بی‌بهره شد آن که از «ولا»یت
از فیض الست، گشت مهجور
ای شمس هدی، ز نور رویت
دنیا شده همچو وادی طور
سعی و عملی، بدون عشقت
از هیچ کسی نبوده مشکور
تحسین مناقب وجودت
با هیچ طریقه نیست مقدور
از عاشق والهی شنیدم
این نغمه دلکش از ره دور:
«بی پرده بگو علی خدا نیست
لیکن ز خدای هم جدا نیست»

بند ششم

ای آیت رأفت خدایی
وی منبع نور و روشنایی
بین تو و ذات پاک باری
هرگز نبود دمی جدایی
بر قافله طریق معنی
تا عالم حشر، رهنمایی
ما را نبود به غیر عشقت
سوگند به عشق کیمیایی
تو واسطه خدا و خلقی
والی ولایت خدایی
درمان و شفای دردمندان
آرام دل حزین مایی
بر عرش، رسد سرم اگر تو
یک لحظه عنایتم نمایی
برخاسته از صفای روحت
در باغ وجود هر صفایی
از رأفت تو نگشته محروم
نه محتشمی، نه بینوایی
بر درد همه نیازمندان
تو جان جهانیان دوایی
بی مهر رخت نمی‌رسد کس
با زهد و عبادتش به جایی
هرچند که کاظمی نگفته‌ست
شایسته شأن تو ثنایی
دیده‌ست، و لیک می‌سراید
این نغمه نغز آشنایی:
«بی پرده بگو علی خدا نیست
لیکن ز خدای هم جدا نیست»

بند هفتم

ای روح و روان آفرینش
وی تاب و توان آفرینش
مانند تو گوهری نبوده
جستیم، به کان آفرینش
گسترده شده‌ست از نوالت
آراسته خوان آفرینش
هم قدرت ذات پاک حقی
هم قوت جان آفرینش
از مدح تو عاجز است و قاصر
صد حیف زبان آفرینش
شیرین، ز کلام همچو قندت
همواره دهان آفرینش
از نور جمال توست روشن
پیوسته جهان آفرینش
در سینه تو نهفته شاها
اسرار نهان آفرینش
عشق تو بود به حکم باری
برتر ز جنان آفرینش
بالاتر و برتر است کنهت
از وهم و گمان آفرینش
از شوق تو سر زند به افلاک
شور و هیجان آفرینش
سر بر قدمت نهاده از شوق
سکان جهان آفرینش
بنمای، به «کاظمی» نگاهی
ای عزت و شأن آفرینش
پیچید به گوشم این ترانه
از دیر مغان آفرینش:
«بی پرده بگو علی خدا نیست
لیکن ز خدای هم جدا نیست»

شأن امت و سرنوشت آن

امام موسی صدر

برادران مؤمن، در این ساعات پایانی شب، می خواهم از امام علی(ع) سخن بگویم، در حالی که آن حضرت در این ساعتها لحظات پایانی عمر خود را می گذراند. آیا اینکه دستی آلوده به گناه در شب نوزدهم ماه رمضان اقدام به ترور امام می کند، یک امر تصادفی است؟ آیا اینکه دستی جنایتکار در شب نوزدهم ماه رمضان امام را ترور می کند و آن حضرت در شب بیست و یکم به ملاقات با خدای خویش می رود، و نیز بر اساس یک سنت، شب سوم شهادت او، در بیست و سوم واقع می شود، اتفاقی است؟

در روایات ما احتمالاتی وجود دارد که این سه شب لیله‌القدر باشد و روزهای آن روزهای قدر. آیا این همزمانی و تقارن حادثه ضربت خوردن و شهادت امام علی(ع) با شبهای قدر، یک تصادف است یا علی قدر و قَدَر این امت است؟ آیا علی برای شبهای ظلمانی این امت نوری بود که سرنوشت آن را رقم می زد و دعایی بود که نیازهای او را برآورده می ساخت و عزتی بود که ذلت او را می‌زدود و مایه بقای این امت می شد؟

به اعتقاد من این صحیح و حق است. میان علی(ع) و سرنوشت این امت ارتباطی وجود دارد. میان علی(ع) و شب قدر پیوندی ناگسستنی است. ای برادرانی که در این شب قدر دور هم جمع شده‌اید، قدر چیست؟ آیا همان گونه که قَدَریّون این امت می پندارند، قدر عبارت از تقدیرهایی است که اجرا می شود؟ یا عمرها و روزهایی است که معیّن شده و سعادت و شقاوت ما در غیاب ما و در شبی که آن را نمی شناسیم، رقم می‌خورد؟ اگر چنین باشد، با آینده‌ای روبرو خواهیم شد و در انتظار سرنوشتی هستیم که در تعیین و ترسیم آن هیچ دخالتی نداریم.

اگر معنای لیله‌القدر این باشد، میان این شب و علی(ع) هیچ رابطه‌ای نیست؛ چرا که ما خداوند را به یک حاکم زمینی تشبیه کرده‌ایم که قانون بودجه را در دست گرفته و روزی، عمر، خوشبختی و بدبختی را بنا به میل و هوس خود، بدون ارتباط با مردم مقرر می کند؛ اما معنای اسلامی و قرآنی قدر، دست کم بر اساس تشخیص اندک من، یکی از معانی سه‌گانه زیر است:

اول : قدر و لیله‌القدر به معنای شب نزول قرآن است؛ به این اعتبار که در شب قدر نازل شده است: «**انا انزلناه فی لیلة القدر**: و ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.»(قدر،۱)

همچنین، آن گونه که قرآن می فرماید:« **فیها یفرق کل امر حکیم** : در آن شب هر فرمانی برحسب حکمت صادر می شود.» (دخان:٤) و در آیه بعد می فرماید: «**انّا کنّا مرسلین**: ما همواره فرستنده آن بوده‌ایم.» «**یفرق کل امر حکیم**» در مقام تشریع است و معنای آن عبارت است از اینکه قرآن کریم و مفاهیم و احکام موجود در آن، همه چیز را معین و خطوط کلی زندگی انسان را ترسیم می‌کند و هیچ تر و خشکی نیست، مگر اینکه در«کتاب مبین» موجود است. قرآن مصالح و منافع انسان و راه و روش زندگی او را مشخص می کند. بنابراین شب قدر و شب نزول قرآن زمان تعیین نمودن و روشن کردن تقدیر و اندازه گیری همه امور و همه چیزاست. این است معنای لیله‌القدر.

معنای زنده ماندن شب قدر در میان امت، آن گونه که از روایات متعدد استفاده می‌شود، این است که امت آن را با شبهای دیگر مقایسه می‌کند و آن را زنده نگه می‌دارد. پس، از این شب بهره می گیرد؛ زیرا او در فضای نزول قرآن به سر می‌برد و خود را در مقابل آیینه‌ای ارزیابی می کند تا سیر و سلوک و راستی و کژی خویش را مشاهده کند.

دوم: شب قدر با مفهوم دعا مرتبط می‌شود و دعا نشانه‌ای است از نشانه‌های این ماه. در میان آیات روزه چند آیه درباره دعا وارد شده است که عبارتند از: «**کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم**: روزه داشتن بر شما مقرر شد، همچنان که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر گردید.»(بقره:۱۸۳)،«**ایّاما معدودات**: روزهایی معدود»(بقره:۱۸٤)،«**شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن**: ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است.»(بقره:۱۸۵)، «**اذا سألک عبادی عنی فانّی قریب اُجیب دعوه الدّاع اذا دعان**: چون بندگانم درباره من از تو بپرسند، بگو که من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند، پاسخ می دهم.»(بقره:۱۸٦)

آیا اینکه خداوند آیه دعا را در بین آیات روزه ذکر کرده، امری تصادفی است و هیچ رابطه‌ای بین دعا و روزه وجود ندارد؟ خیر، چنین نیست. تقدم و تأخر و عطف و فصل قرآن دارای مفهوم و هدف است. پس روزه با دعا مرتبط است و دعا یکی از ارکان مهم این ماه به شمار می‌رود. با دعای صحیح، نه تصنعی، انسان می تواند سعادت یا شقاوت خود را بنا کند.

سوم: معنای تربیتی، عملی شب قدر است. شب قدر با روزه ارتباط دارد و روزه، همان گونه که می‌دانیم، یعنی تزکیه و تربیت. روزه خروج از زندگی روزمره است؛ روزه لحظه‌ای اندیشیدن و تأمل کردن خارج از عادات روزمره انسان است. انسان برای یک لحظه، یک ساعت، یا یک ماه با پروردگار خود پیوند ویژه‌ای می‌خورد. انسان پیوند خود را با زندگی معمولی و روزمره قطع می‌کند و سپس در جهت تنظیم این روابط و غلبه بر این وابستگی‌ها تلاش می‌کند. او شخصیت خود را کامل می‌کند، خود را از نو می‌سازد و نفس خویش را تزکیه می‌کند: «**قد أفلح من زکّاها و قد خاب من دسّاها**: هر که در پاکی نفس بکوشد، رستگارخواهد بود و هر که آن را پلید گرداند، زیانکار خواهد گشت.»(شمس:۹ـ۱۰)

پس تزکیه راه سعادت انسان است. ما در این ماه می‌توانیم بر سرنوشت خویش مسلط شویم، به طوری که می‌توانیم از هواها، ستمگریها، ضعفها و نیازها و از انحراف در زندگی روزمره و عادی خویش آزاد گردیم، و بر آینده خود مسلط شده و سرنوشت خویش را رقم بزنیم. بر این اساس، حضرت علی(ع) قدْر و قدَر (شأن و سرنوشت) این امت است وعلت آن به وضوح از داستان غم‌انگیز شب نوزدهم، شب شهادت امیرالمؤمنین روشن می‌گردد.

این حقیقتی است که میان علی و شب قدر پیوند می‌زند و به ما می‌آموزد که در این شب مبارک و پاک می‌توان از علی بهره گرفت و امیدی، هر چند اندک دردل ما ایجاد می‌شود که می‌توانیم بر اسرائیل بشوریم و پیروز شویم. اما باید دیدگاه و سخن و اندیشه ما در این شامگاه، آغاز یک حرکت باشد. مثَل معروفی است که می گوید: «پیمودن هزار کیلومتر با گام نخست آغاز میَ‌شود.» ما گام نخست را در این شب بر می‌داریم و از نتایج آن هم ناامید نیستیم؛ زیرا ایمان داریم که خداوند از ما کریمتر است، پس اگر برای او یک گام برداریم، او ده برابر پاداش خواهد داد: «**من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها**: هر کس کار نیکو کند، ده برابر به او پاداش می دهَد.»(انعام:۱٦۰)، «**و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز. الذین إن مکّناهم فی الأرض أقاموا الصّلاه و آتَوا الزّکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الأمور**: هر کس خدا را یاری کند، البته خدا او را یاری خواهد کرد و خداوند منتهای اقتدار و توانایی است. همان کسان که اگر در زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم، نماز می‌گزارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و سرانجام همه کارها با خداست.»(حج: ٤۰ـ٤۱)

دریافتن شب قدر

آیت‌الله العظمی جوادی آملی

شب قدر قلب ماه مبارک رمضان است. ماه مبارک برای امت اسلامی معجزه‌ای قوی‌تر از معجزه سلیمان پیامبر است؛ زیرا اعجاز آن حضرت در مسلط بودن بر باد بود: «**غُدوّها شهر و رواحها شهر**»(سبا/۱۲)، او راه یک ماهه را در بامداد یا شامگاه طی می کرد؛ ولی اعجاز قرآن کریم در این است که سالک صالح در یک شامگاه، در لیله‌القدر، راه هزار ماهه را طی می کند: «**لیله القدر خیر من الف شهر**» (قدر/۳)؛ با این تفاوت که او مسیر«مکان» را می‌پیمود و قرآنیان می توانند مسیر«مکانت» را طی کنند. همراهان سلیمان نبی در یک بامداد، راه ظاهری یک ماهه را طی می کردند، ولی پیروان قرآن و عترت مکانت و راه معنوی هزار ماهه را یک شبه طی می کنند. اگر گفته شد: «کاین طفل یک شبه ره صدساله می‌رود»،[1] می توان آن را در شب قدر تجربه کرد.

طرح این مقدمه برای آن است که ما از خدا چه بخواهیم؟ آمرزش گناهان، حل مشکلات، شفای بیماران، برقراری امنیت، همه این مسائل از فروعات خواسته ماست. ما یک مطلب عظیم و مطلوب عزیز داریم که در سایه آن، این مقصدها و مقصودها هم حاصل می‌شود. این مقدمه برای آن است که ما چه بخواهیم، چطور بخواهیم، با چه حالی بخواهیم که با دست پر برگردیم.

استشمام رایحه قدر با قلب قرآنی

در شب نزول قرآن کریم برکات فراوانی نصیب جامعه بشری شده و تا قیامت این گونه است. یکی اینکه قرآن و عترت مرده‌ها را زنده می کند. بعد از حیات‌یابی، اگر کسی بیمار بود، شفا می‌دهد، اگر کسی کور بود، به او چشم بینا می‌دهند؛ کر بود، گوش شنوا می‌دهند؛ اهل سهو و نسیان بود، به او ذاکره و حافظه می‌دهند؛ اهل سفر نبود، به او زاد و راحله می‌دهند؛ همراهان خوبی نداشت، به او همسفران خوبی می‌دهند و مانند آن. اگر قرآن برای این معارف نازل شده است، چرا ما در شب نزول قرآن این معارف را نگیریم؟ چرا زنده نشویم؟ سالم نشویم؟ چشم و گوش پیدا نکنیم؟ همراهان و همسفرانی نظیر انبیا و اولیا پیدا نکنیم؟

از امام صادق(ع) پرسیدند: «علامت شب قدر چیست؟» فرمود: «شب قدر رایحه خوبی دارد.» خوب عنایت کنید، شب معطر است! و آنچه در این روایت است، حقیقت است نه مجاز. شب، معطر است، نه هوا. گاهی می گوییم زمستان سرد است و تابستان گرم. این سخن مجاز است، با قرینه همراه است و همه آن را می‌فهمند. وقتی می گوییم «زمستان سرد است»، زمان که سرد نیست؛ هوا که متزمن است، سرد است. مگر زمان سرد و گرم دارد؟ «تابستان گرم است»، یعنی هوا در تابستان گرم است. چون با قرینه همراه است، قابل ادراک است؛ اما وقتی امام صادق(ع) می‌فرماید: «شب قدر معطر است»، نه هوا معطر است، نه آنچه در شب قدر است، معطر است؛ خود شب، زمان معطر است و این را انسان با شامه استشمام نمی کند. عطر شب قدر را قلب قرآنی درک می کند، نه شامه. فرمود: «شب قدر معطر است.» آنها وقتی بوی بهشت را می‌شنیدند، می‌فهمیدند آن شب، شب قدر است.

کسب معرفت و اطاعت از قرآن و عترت

راه دیگر این است که امور را از خدا بخواهیم. ما پیرو کسی هستیم که این ایام، متعلق به اوست و غیر از ذات مقدس پیامبر(ص) مردی به عظمت او خلق نشد و نخواهد شد و او علی مظلوم است و او امام ماست، ما او را با جان و دل به امامت پذیرفتیم. اما مطلبی وجود دارد که او به ما فرمود: «میسور شما نیست، پایین‌ترش را طلب کنید.» وجود مبارک امیر در خصوص آن مطلب که عنصر محوری دعای ماست، فرمود: «من تا خدا را نبینم، عبادت نمی‌کنم؛ منتها خدا با چشم دیده نمی‌شود، با بصیرت و جان مشاهده می‌شود: **ما کنت اعبد ربا لم اره**».[2] سپس فرمود: «**لا تدرکه العیون بمشاهده الابصار، بل تدرکه القلوب بحائق الایمان**».[3] فرمود: من آن نیستم که خدای ندیده را عبادت کنم، با جان دیدم و او را می‌پرستم.

این مقام میسور دیگری نیست؛ اما پایین‌تر از این مقام

هر کس به اندازه قدرش شب قدر را درک می‌کند و قدر هر کس به قدر همت اوست. اگر به اندازه همت‌مان می‌توانیم دولت قرآن را درک کنیم، چرا همت نکنیم؟ قبل از اینکه از خدا مظروف بخواهیم، ظرف و ظرفیت بطلبیم

را می‌شود تمنا داشت، و آن این است که ما تابع قرآنیم از یک سو، پیرو عترتیم از سوی دیگر. و میراث گرانبهای پیامبر(ص) به ما سپرده شده است؛ ما مطیع قرآن و عترتیم. این معنا را در شب قدر از خدا بخواهیم، از او بخواهیم به جایی برسیم که بگوییم: «من تا قرآن را نبینم، از او اطاعت نمی‌کنم؛ من تا علی و خاتم اوصیا را نبینم، اطاعت نمی‌کنم؛ من تا امام زمانم را نبینم، اطاعت نمی‌کنم؛ البته نه با چشم ظاهر، که با چشم دل!» این معنا را می‌توان گفت، این معنا را می‌توان خواست، این معنا را می‌توان یافت.

این معنا میسور هر کسی نیست. ممکن است کسی چهل یا پنجاه سال درس حوزوی بخواند، در خدمت قرآن و عترت باشد؛ حکیم بشود، فقیه بشود، مفسر بشود، در تبیین آیات الهی کوشا باشد؛ ولی قرآن را نبیند. او امام‌شناس خوبی باشد، بر«شافی» سیدمرتضی و «امالی» شیخ طوسی‌ها مسلط بشود، قهرمان غدیرنویسی باشد، اما امام را نبیند. آن کار در شب قدر ساخته است، آن هم با اعتکاف!

فضلا، طلاب، جوانها! این اعتکاف دهه سوم ماه مبارک رمضان را دریابید. می‌دانید اگر کسی در سه شبانه‌روز، مهمان خدا و در خانه او باشد، چه می گیرد؟ به او چه می‌دهند؟ به او چه حیاتی می‌دهند؟ چه چشم و گوشی می‌دهند؟ عمده آن است که امامان را با جان ببینیم، بعد علی‌وار بگوییم: «ما تا قرآن را نبینیم، از آن اطاعت نمی کنیم؛ تا امام را نبینیم، از او اطاعت نمی کنیم.» مگر کسی باید امام را با چشم ظاهر ببیند؟ مگر ابی‌بصیر در خدمت امام زمانش نبود؟ مگر او نابینا نبود؟ مگر مورد وثوق امام زمانش نبود؟ مگر بسیاری از احادیث فقهی، کلامی، تفسیری به وسیله ابی‌بصیر به ما نرسید؟ مگر او با این چشم امام زمانش را می‌دید؟ او که نابینا بود. امام زمانش او را می‌دید، و او با جان، امام زمانی بود.

این معنا با قرآن به سر کردن از یک سو، و به اعتکاف از سوی دیگر حل می‌شود. آن مطالب جزئی هدف ما نیست، گرچه به ما می‌دهند. مشکلات حل معیشت و ادای قرض و شفای مرض، اینها از ریزشهای مائده قرآنی است. ما باید به جایی برسیم که قرآن حافظ ما باشد، عترت حافظ ما باشد. ما هرگز رفتنی را به جای ماندنی اشتباه نکنیم، فانی را به جای باقی نبینیم، مجاز را به جای حقیقت ننگریم؛ مجاز را مجاز بدانیم، حقیقت را حق. فانی را گذرا بدانیم، باقی را جاودانه و ماندنی.

راه اشتباه

تمام مشکلات دولت و ملت در این است که ما اشتباهی می‌رویم. اگر در طی سال هشت‌میلیون پرونده به دستگاه قضایی می‌رسد، بخش مهم این پرونده‌ها برای آن است که اکثر ما فانی را باقی می‌دانیم، مجاز را حقیقت می‌پنداریم، باطل را حق می‌پنداریم. این پرونده‌ها، پرونده‌های علمی و حقوقی مردافکن نیست. اینها درباره بدیهیات و الفبای دین است؛ یعنی مربوط به کم‌فروشی است، دروغ‌گفتن است، غیبت‌کردن است، تهمت‌زدن است، گرانفروشی است، چک بی محل کشیدن است؛ همه این هشت میلیون به استثنای موارد اندک مربوط به الفبای دین است!

آنچه این مملکت را فلج کرده، برای آن است که نماز ما «**تنهی عن الفحشاء**»(عنکبوت/ ٤٥) نیست! قرآن به سرکردن‌مان، ما را به مقامی نمی‌رساند که بگوییم: «ما کنت اطیع قرآناً لم اره». ما در الفبای دین مشکل داریم. اگر کسی دروغ نگوید، تجاوز نکند، تهمت نزند، کم‌فروشی نکند، گرانفروشی نکند، هتک حرمت نکند، مشکل پرونده‌ای وجود نخواهد داشت.

این مشکلات نه از قبیل مشکلات و شبهات ابن کومله است که حکیم حل کند، نه از قبیل مشکلات ترتب است که اصولی حل کند، نه شبیه مشکل شرط متأخر است که فقیه حل کند! مشکلات هشت میلیون پرونده در الفبای دین است. این نماز شبها، این نماز وترها، این نماز مستحبی‌ها، این قرآن به سرکردن‌ها، این توسل‌ها، این دعاها، این زیارات برای این است که ما را بیدار کند، برای این است که ما باطل را حق نپنداریم! قرآن کریم می‌فرماید: یک عده مرده‌اند، آنها کافرند، یک عده بیمارند. آن که به نامحرم می‌نگرد، بیمار است: «**فیطمع الذی فی قلبه مرض**»(احزاب/۳۲). آن که روابط با بیگانه را یک امر سیاسی می‌پندارد، بیمار است. خداوند فرمود: «**فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم**»(مائده/ ۵۲). قرآن برای آن است که این بیماریهای سیاسی، اخلاقی، روانی و مانند آن را حل کند. اگر جامعه این بیماریها را حل کرد و سالم شد، جامعه امام‌زمانی است. بنابراین شبی که قرآن در آن نازل می‌شود، شب «**یهدی للتی هی اقوم**»(اسرا/ ۹) است. ما چرا خود قائم به قسط نشویم؟ چرا قلبمان را قرآنی نکنیم؟

اگر قرآن را دیدیم، به مقصد می‌رسیم و بوی لیله قدر را استشمام می‌کنیم. آنگاه هرگز باطل را حق نمی‌پنداریم، فانی را باقی خیال نمی کنیم، «**یحسب انّ ماله اخلده**»(همزه/ ۳) دامنگیر ما نمی‌شود. دنیا مجاز است، ممر است برای مقر. ما بین مجوز، بین معبر، بین راه و مقصد اشتباه نمی‌کنیم. هرگز راه را مقصد و مقصود نمی‌دانیم. اگر در اوایل راهیم، می‌فهمیم در راهیم، نه در مقصد. مقصد ما آخرت است و اگر این مراحل را گذراندیم، دنیا مجاز است، مجوز است در برابر حقیقت. اگر ما آن معنا را پشت سر گذاشتیم، بین راه و هدف فرق گذاشتیم، گفتیم: دنیا مجاز است، یعنی مجوز است، یعنی راه است، مقصد جای دیگر است، یک مرحله جلو رفتیم. وقتی به آن مرحله رسیدیم، می گوییم: دنیا مجاز است، مجوز است، حقیقتی دارد. این مجاز در قبال حقیقت است، نه مجوز در قبال هدف.

اینکه می‌بینید امام سجاد یا ائمه دیگر(ع) دستشان را به دعا برمی‌داشتند، و وقتی آن را پایین می‌آوردند، آن را بر بالای سر می گذاشتند یا می‌بوییدند یا می‌بوسیدند یا به صورت می‌کشیدند، و می گفتند: این دست ما به دست بی دستی خدا رسیده است، این از مجاز به حقیقت رسیدن است، نه از مجاز به مقصد رسیدن. اگر امام سجاد مالی را به سائل می‌داد، این دست را می‌بویید و می‌بوسید و بر سر می گذاشت و می گفت: گیرندهٔ این صدقه خدایی است که در سوره توبه فرمود: «**هو الذی یقبل التوبه عن عباده و یأخذ الصدقات**»(توبه/ ۱۰٤). این کجا و آن کجا!

اگر فرصت دارید، اعتکاف دهه سوم را از دست ندهید. ممکن است شما سی سال درس بخوانید، مجتهد مسلم بشوید؛ اما شب قدر شب متفاوتی است. آن «**لیله القدر خیر من الف شهر**» به شما امکان می‌دهد که بوی بد سیاست‌بازیها، حزب‌بازیها، باندبازیها را استشمام کنید. در متن سیاست هستید، مثل امام راحل و سید حسن مدرس، نه به بیراهه می‌روید، نه راه کسی را می‌بندید. در متن انتخابات قرار دارید، اما نه فریب می‌دهید و نه فریب می‌خورید. این بو کشیدن با درس و بحث حوزه و دانشگاه حاصل نمی‌شود. این محصول شب قدر است و محصول اعتکاف است و محصول آن چشم باطنی است.

مظلومیت امام علی(ع)

می‌دانید مظلومیت علی چیست؟ این مسئله در تاریخهای عادی وجود ندارد، در نهج‌البلاغه است. معاویه نامه‌ای برای علی بن ابی طالب نوشت، آن نامه در نهج‌البلاغه نیست؛ ولی جواب در نهج‌البلاغه هست. معاویه خواست او را سرزنش کند، در آن نامه رسمی نوشت: «یادت هست که تو را با طناب بستند و به مسجد بردند؟!» حضرت در جواب فرمودند: «من که انکار نمی‌کنم، بله مرا با طناب بردند. تو خواستی مرا رسوا کنی، ولی خودت رسوا شدی! این نشانه بطلان سقیفه است که علی را باید با طناب ببرند! من که انکار نمی‌کنم، من باطل را امضا نکردم و نمی‌کنم. من کسی بودم که زمانی که شمشیر به دستم بود، همه فرار می‌کردند. هیچ کس شهامت نداشت در برابرم بایستد؛ اما برای حفظ اسلام حاضر شدم که دستم را ببندند: **اردتَ ان تفضح فافتضحت!**»(نهج‌البلاغه، نامه ۲۸)

جاذبه‌های بی باطن

رسول گرامی(ص) فرمود: «**ایّاکم و خضراء الدمن**»،[4] این جزء جوامع‌الکلم است. تنها آن مطلب رقیق و نازلی نیست که در کتابهای نکاح فقه آمده. فرمود: «از آن گلها که از مزبله می‌روید، پرهیز کنید.» تنها معنای این حدیث نورانی این نیست که «**المراه الحسناء فی منبت سوء**».[5] اگر اندیشه خوب دیدی، ولی گوینده دارای قلب طاهر نبود، جزء «خضراءالدمن» است. اگر طرح خوبی دیدید، حرف خوبی دیدید، اما از جان ناپاک برخاست، جزء خضراءالدمن است. هرجا «**کلمه حق یراد بها الباطل**»[6] بود، جزء خضراء الدمن است. به دنبال خضرا الدمن نرویم. مبادا آن مزبله را ندیده، به جاذبه گل حرکت کنیم! دیدن آن باطن محصول نیایشهای شب قدر و اعتکاف دهه سوم است.

هیچ موجودی عظمت انسان را ندارد. حقیقت انسان «**نفخت فیه من روحی**»(حجر/۹) بود، سپس به سوی خدا برمی گردد: «**یا ایها الانسان انک کادحٌ الی ربک کدْحاً فملاقیه**»(انشقاق/ ٦). ما روح بودیم، نفخه الهی بودیم و همین نفخه الهی دوباره به همان مکان برمی گردد. در شب قدر اینها را از خدا بخواهیم. از کوی ابدی آمده‌ایم و به آن برمی گردیم. به ما گفتند: سلیمان راه یک ماهه را یک بامداد طی می کرد، اما ما به شما شب قدر دادیم که راه هشتادساله را یک شبه طی کنید.

چه دعایی بکنیم؟

دعای ما خواسته‌های دولت و ملت است، حل مشکلات، حل خواسته‌های فرعی و مانند آن باید زیرمجموعه دعاهای ما باشد. طهارت دل می‌خواهد، شرح صدر می‌خواهد، کینه‌زدایی می‌خواهد، عداوت‌زدایی می‌خواهد، دهها بیماری را کنار گذاشتن می‌خواهد؛ آنگاه قرآن را به دست گرفتن می‌خواهد، قرآن به سر گذاشتن می‌خواهد و سپس این مطالب را مسالت کردن.

اگر خدای ناکرده کینه‌ای نسبت به دیگران داریم، بگوییم: خدایا! من از او گذشتم، تو نیز از او بگذر. اگر حقی داریم، بگذریم تا با صفای ضمیر، با شرح صدر، دلی داشته باشیم که جای غیر او نباشد تا او محبت خود را، ارادت به قرآن (که ثقل اکبر است) و ارادت به عترت را (که ثقل اصغر است)، در قلبمان مستقر کند. بقیه مسائل حل می‌شود. ما دیگر فانی را باقی نمی‌پنداریم، مجاز را حقیقت نمی‌دانیم، بیگانه را آشنا نمی‌دانیم، دشمن را دوست تلقی نمی‌کنیم. آنگاه در کنار این هدف اعظم، خواسته‌های همه مسلمانها را در شرق و غرب عالم بخواهیم، نجات جوامع بشری را از استکبار و صهیونیست بخواهیم، وحدت جهان اسلام را بخواهیم، عزت مسلمانها را بخواهیم، فرزانگی و خردورزی جوامع بشری را بخواهیم تا هر از چند گاهی در دانمارک یا غیر آن کار سفیهانه نشود. از خدا عقل آنها را هم بخواهیم، حیات آنها را هم بخواهیم.

اگر پیامبر(ص) نسبت به مشرکان حجاز دعا می‌کرد، ما هم نسبت به بت‌پرستان و ملحدان عالم دعا کنیم که خدایا! اینها را از سفاهت برهان و به رشد برسان. اولا خواسته‌های جوامع بشری را، ثانیا خواسته‌های جوامع اسلامی را، ثالثا خواسته‌های پیروان قرآن و عترت را که از همه مظلوم‌ترند و رابعا امنیت مناطق خاورمیانه را از ذات اقدس اله مسالت کنیم تا دشمن دیگر نه به هوس خاورمیانه بزرگ باشد و نه خاورمیانه جدید. حزب‌الله را دعا کنیم، مظلومان و مطرودان عراق و افغانستان و فلسطین و لبنان را دعا کنیم.

معامله خدا با بندگان

با این شرح صدر به ضیافت خدا برویم. خدا در این ماه با ما معامله‌ها کرده و می‌کند. هم افطاری ما را قبول

ما پیرو قرآن و عترتیم و میراث گرانبهای پیامبر(ص) به ما سپرده شده است؛ در شب‌قدر از خدا بخواهیم به جایی برسیم که بگوییم: تا قرآن را نبینم، از او اطاعت نمی‌کنم؛ تا امام‌زمانم را نبینم، اطاعت نمی‌کنم؛ البته نه با چشم ظاهر، که با چشم دل

می‌کند، هم ما را به افطاری دعوت کرده است؛ جمع هر دو ممکن است. فرمود: مرا بخواهی، مهمان توام. من تو را بخواهم، میزبان توام. این ماه، ماه مهمانی است؛ یا ما مهمان اوییم یا او مهمان ما. فرمود: اگر مرا دعوت کنی، می‌آیم؛ اما دعوت من نشان خاصی دارد. هر کس به سرزمین وحی در حج و عمره قدم گذاشت، جزء «ضیوف الرحمن» است. هر کس در ماه مبارک رمضان به وظیفه‌اش عمل کرد، از «ضیوف الرحمن» است. اما هر کس مرا دعوت کرد، من مهمان اویم، او میزبان من است. «**انا عند المنکسره قلوبهم**:[7] هر جا دل شکسته‌ای هست، من مهمان آنم.» فرمود: مرا بخوان، من در کنار دلت مهمان توام!

دارایی لیله‌القدر

ادراک و فهم شب قدر کار آسانی نیست، چه رسد به حضور و ظهور و نیل به آن! درک این معنا مشکل است، چه رسد نیل به آن. تو چه می‌دانی که دولت قرآن یک شبه ره هشتاد ساله می‌رود! اگر بزرگانی گفتند که «هرچه کردم، همه از دولت قرآن کردم» و اگر همین بزرگان گفته‌اند: «یک بیت از این قصیده به از صد رساله بود» و اگر همین‌ها سروده‌اند: «این طفل یک شبه ره صدساله می‌رود»، نشأت گرفته از همین دولت قرآن است.

یکی از مناجاتهای لطیف و ظریف خواجه هروی این است که دارا شدن مهم است، نه دانا شدن! افراد بسیاری به حوزه‌ها و دانشگاهها راه یافتند و دانا شدند. اصل دارا شدن است، نه دانا شدن. این راه دشوار نیست؛ اگر دشوار بود، ما را امر نمی‌کردند، دعوت نمی‌کردند. دشواری برای کسی است که کوله‌بار خود را بر دوش دارد. اگر بار خودبینی را به زمین بگذارد، سبک می‌شود. وقتی سبک شد، «تَخَفّفوا، تَلحَقوا»، رسول گرامی(ص) فرمود: «**نَجی المُخففون**: آنها که سبکبالند، نجات پیدا می‌کنند.» علی بن ابیطالب نیز به این معنا اشاره کرده‌اند: اگر سبکبار شوید، پرواز آسان است! این پرکشیدن با بار سنگین ممکن نیست. جعفر طرّار نمی‌تواند یک شبه ره صد ساله را طی کند، این کار جعفر طیّار است. طراری را کنار گذاشتن و طیّار شدن با مراسم احیا شدنی است. این فرصت را قدر بدان.

اگر قرآن به سر می گذاریم، هدف تنها این نباشد که خدا گناهان ما را بیامرزد، ما را به جهنم نبرد و به بهشت ببرد. اینها ریخت و پاشهای سفره شب قدر است. وقتی دوستی سفره ای پهن می کند، از مهمانهای خود به بهترین وجه پذیرایی می کند. وقتی مهمانها برخاستند، سفره برچیده می‌شود، ریزه‌های سفره را می‌ریزند و مرغها آن ریزه‌ها را می‌چینند.

ریزه سفره شب قدر این است که کسی نسوزد، به جهنم نرود. شب قدر آن است که انسان طیّارگونه دست هزارها نفر را بگیرد و به بهشت ببرد. در دنیا رفتار او، گفتار او، سیرت او، سریرت او، سنّت او آموزنده باشد. هزارها نفر را زنده کند و در آخرت هم هزارها نفر را به همراه خود به بهشت ببرد. اگر ما بتوانیم در کنار سفره الهی و دولت قرآن بنشینیم، چرا در ته صف قرار بگیریم، به دنبال آن ریزه‌های سفره باشیم که تکانده می‌شود؟

به ما گفته‌اند: هر کسی به اندازه قدر خود شب قدر را درک می‌کند و قدر هر کسی هم به اندازه قدر همت اوست. اگر ما به اندازه همت‌مان می‌توانیم دولت قرآن و دولت قدر را درک کنیم، چرا همت نکنیم؟ قبل از اینکه از خدا مظروف بخواهیم، ظرف و ظرفیت هم طلب کنیم.

آن یکی فیضش گدا آرد پدید
وآن دگر بخشد گدایان را مزید

خدا دو فیض دارد: با یک فیض ظرفیت می‌دهد و با فیض دیگر این ظرف را پر از مظروف می‌کند. از ما خواستن و از خدا اجابت کردن.

پی نوشتها:

۱. دیوان حافظ
۲ و۳. الکافی، ج۱، ص۹۸
٤و۵. همان، ج ۵، ص ۳۳۲
٦. نهج‌البلاغه، خطبه ٤۰
۷. منیه‌المرید، ص۱۲۳

ما روزنامه‌نویسان عصر پهلوی

خاطرات جهانگیر بهروز (روزنامه‌نگار قدیمی)

٤۷

چندی بعد در موقعیتی خاص، من با راننده‌ای که هژبر یزدانی را از جلو زندان به قرارگاه منتقل کرد، آشنا شدم. از او شنیدم که چگونه از سوی افرادی ناشناس برگزیده شد و برای کارش دستمزد گزافی گرفت، درحالی‌که تا لحظه آخر نمی‌دانست چه کسی مسافر او خواهد بود. داریوش پس از جداشدن از منجیانش، با پول خُردی که آنها در جیبش گذاشته بودند، از تلفن عمومی با خانمی از دوستانش تماس گرفت و در خانه او پنهان شد.

منوچهر آزمون

در دولت **شریف امامی** که پس از آموزگار به فرمان شاه، نخست‌وزیر شد، یکی دیگر از همکاران روزنامه‌نویس ما در آیندگان به عنوان وزیر مشاور و سخنگوی دولت بر سر کار آمد. او منوچهر آزمون بود که در فرصت‌طلبی و زرنگی و تردستی، روی دست همه بلند شده بود. او توانست در زمانی کمی بیشتر از ده سال خود را از دانشجوی چپ عضو کنفدراسیون به وزیر برجسته کابینه ظاهراً انقلابی شریف امامی برساند! اگر بتوان گذشته از **رزم‌آرا** که **فردوست** او را «اعجوبه» می‌نامد، این لقب را به دیگری داد، آن فرد منوچهر آزمون است که در پنجاه سال زندگی عنوانهای زیر را به دست آورد:

* رهبر برجسته کنفدراسیون دانشجویان در آلمان و شرکت در فستیوال جوانان چپ در وین و ورشو.
* گرفتن دیپلم دکتری در رشته اقتصاد سیاسی از دانشگاه لایپزیک و گذراندن دوره تخصصی اصول سازمانی احزاب کمونیست در دانشکده کارل مارکس آلمان شرقی.
* مأمور مخفی ساواک در آلمان غربی با نام مستعار «خوش‌نقش» پس از بازگشت از لایپزیک، که چندی بعد طور رسمی حقوق‌بگیر آن سازمان شد.
* گذراندن دوره حفاظت در دانشکده ساواک در تهران.
* کارمند رسمی بخش کمونیزم بین‌الملل در ساواک تهران با حقوق ۱۸۰۰ تومان در ماه.
* نوشتن نامه چاکرانه به رئیس ساواک برای دریافت دستمزد بیشتر.
* استاد «کمونیزم بین‌الملل» در دانشکده ساواک تهران.
* نوشتن نامه محرمانه به دفتر مخصوص شاه در انتقاد از مدیران ساواک و «شرفیابی».
* مشاور عالی سرپرست تلویزیون (رضا قطبی) به توصیه ارتشبد نصیری رئیس ساواک.
* معاون وزارت اطلاعات.
* ریاست سازمان اوقاف به دستور هویدا.
* سفر به قم برای پرداخت یک‌میلیون تومان هدیه شاه برای تکمیل ساختمان مسجد آیت‌الله بروجردی.
* پیوستن به حزب ایران‌نوین و تلاش برای رسیدن به مقام دبیرکلی آن.
* نماینده اول تهران در انتخابات مجلس.
* وزیر مشاور در دولت شریف امامی.

او که در آغاز استخدام در ساواک اعلام کرده بود که دستمزد ۱۸۰۰ تومان در ماه مخارج او را تأمین نمی‌کند و اضافه حقوق می‌خواست، در مقام معاون وزارت کشور صورت دارایی خود را چنین عرضه می‌کند: خانه شخصی در نیاوران، ۵هزار متر زمین در کرج، ۵ هزار متر زمین در شمال، ده هزار متر زمین در شمشک. (به نقل از: مطالعات سیاسی، ج۲، پاییز ۱۳۷۲)

آشنایی من با آزمون در آیندگان بود؛ زمانی که او را از ساواک برای نظارت بر کار ما فرستاده بودند. در آن زمان نویسندگان و خبرنگاران آیندگان او را جدی نگرفتند و اعتنایی به توصیه‌هایش نکردند. ناخشنودی او از این وضع در نامه چاکرانه‌ای که به مقام معظم ریاست ساواک نوشته، منعکس است.

در آغاز با من برخورد دوستانه‌ای داشت. گویا چنان‌که شیوه او بود، می‌خواست برضد داریوش با او همدست شوم که به زودی ناامید شد و در گزارشی به رئیس ساواک چنین نوشت: «آقای جهانگیر بهروز که به عنوان رئیس هیأت تحریریه برگزیده شده است، هیچ نوع روح همکاری و هماهنگی با سیاست عالیه دولت ندارد و معمولاً با انتشار مطالب و مقالات خود که بدون کنترل قبلی از طرف این جانب صورت می گیرد، ایجاد ناراحتی و تشنج می کند. از جمله مقاله نامبرده تحت عنوان «مردم به من یا امام به من» (به یاد نمی‌آورم با این عنوان مطلبی نوشته باشم و در شماره ۳ آیندگان هم مطلبی با این عنوان نیست) منتشره در شماره ۳ آیندگان به تاریخ ۲۷ آذر ماه ٤٦ و همچنین نوشته او در ستون دنیای کوچک در شماره ۸ آیندگان به تاریخ دوشنبه ٤ دیماه ٤٦ تحت عنوان «آقای دکتر منوچهر گنجی، استاد دانشگاه خشمگین و آشفته فریاد می‌زد»، تولید ناراحتی فراوان برای جناب آقای نخست‌وزیر و اصولاً سیاست مملکت نموده است.» (مطبوعات عصر پهلوی، ج٦، ص ۵۰)

در گزارشی دیگر می‌نویسد: «در اجتماع هیأت تحریریه آیندگان، جهانگیر بهروز گفته است درصورتی که از طرف وزارت اطلاعات شخصی جهت سانسور مطالب روزنامه بیاید، باید روزنامه را تعطیل کرد و اگر این موضوع مورد موافقت قرار گیرد، او دیگر مطالبی در روزنامه نخواهد نوشت.» (همان، ص ۱٤۰)

در آخرین مقام دولتی که داشت، به شیوه همیشگی خواست به شریف‌امامی هم نارو بزند و خود به عنوان یک نخست‌وزیر انقلابی(!) جایش را بگیرد. در جلسه‌ای که هیأت دولت در حضور شاه داشت ناگهان از جا برخاست و در نطقی که همه را به شگفتی آورد، پیشنهاد کرد که برای رفع «بحران»، شاه حکومت را به یک فرد انقلابی بسپارد و اجازه بازداشت و اعدام ۲۰۰ تن از رجال قبلی را بدهد و خود او آماده است این وظیفه سنگین را عهده‌دار شود. در فهرست «رجال شایسته اعدام»، نام چند فرمانده نظامی و وزیر و نخست‌وزیر دیده می‌شد؛ از جمله نصیری رئیس ساواک.

همه در برابر این گستاخی سکوت کردند؛ زیرا گمان می‌بردند که مثل همیشه این نظرات شاه است که از زبان دیگری بیان می‌شود. اما **سپهبد مقدم** ـ رئیس ساواک ـ ساکت نماند و خطاب به آزمون گفت: «اگر قرار است کسی به جرم فساد اعدام شود، خود شما نفر اول هستید.»

آزمون زمانی دریافت کور خوانده است که از دولت اخراج و چندی بعد در شمار رجال نادرست بازداشت شد! در اشغال پادگان جمشیدیه در نخستین روز انقلاب، آزمون هم در کنار تیمسار نصیری ـ ارباب پیشینش ـ اسیر انقلابیون شد و بعد به حکم دادگاه انقلاب اعدام گردید. تلاش او برای نجات جانش به استناد اینکه خود و همسرش از خانواده‌های روحانی بودند، به جایی نرسید. شنیدم در کاخی که برای خود ساخته بود، استخری داشت با کف بلورین استوار بر زیرزمینی ناپیدا که از آنجا می‌شد شناگران را پنهانی از زیر زمین تماشا کرد.

منوچهر آزمون در رشته خود فردی آگاه، صاحب نظر و خوش‌سخن بود. اگر در یک جامعه آزاد پرورش می‌یافت، می‌توانست استادی معتبر در علوم سیاسی به ویژه کمونیزم بین‌الملل باشد، نه اینکه به نام عضو فاسد یک نظام ستمگر اعدام شود.

ماههای آخر

ماههای پایانی عصر پهلوی فرا رسیده بود. شریف امامی در برنامه «اصلاحاتی» دولتش، لایحه‌ای هم برای آزادی مطبوعات به مجلس برد. این لایحه اگرچه بر حقوق مطبوعات و روزنامه‌نویسان تأکید داشت، اما توجه کسی را جلب نکرد؛ چون مطبوعات به نیروی ملت آزادی خود را به دست آورده بودند و بی‌پروا از دولت انتقاد می کردند.

افزون بر آن، او که خود را سیاستمداری زرنگ و در موضعی استوار می‌پنداشت، به «اصلاحات» دیگری هم دست یازید، مانند تعطیلی قمارخانه‌ها، محدودکردن دخالت خاندان سلطنتی در امور کشور و معامله‌های پرسود، آماده کردن لایحه استقلال دانشگاهها، آزاد کردن زندانیان سیاسی، کنار گذاشتن **رضا قطبی** و **محمود جعفریان** از سرپرستی رادیو و تلویزیون و **علی‌محمد خادمی** از سرپرستی ایران‌ایر و نظایر آن؛ اما زمان این گونه «اصلاحات» سپری شده بود و کسی فریب تردستی سیاسی او را نخورد.

فرمان شاه درباره منع مداخله خاندان سلطنتی در امور دولت و معامله‌های سودبخش، موجب خنده مردم خشمگین شد؛ زیرا نزدیکان شاه یا از ایران گریخته بودند، یا در راه فرار بودند و دیگر قدرت و امکان سوءاستفاده نداشتند و کسی باور نمی‌کرد که دستور بررسی اسناد تمام بنیادها و سازمانهای زیر ریاست افراد خاندان سلطنتی به جایی برسد.

در این میان از همه چشم‌گیرتر، آزادی رسانه‌ها یعنی مطبوعات و رادیو و تلویزیون بود که مردم خشمگین را بیشتر به هیجان آورد. نویسندگان و خبرنگاران اخراج شده و ناراضی بازگشتند و اداره روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون را به دست گرفتند. نویسندگان کیهان که سردبیر دولتی را بیرون رانده بودند، بی‌پروا عکسها و گفته‌های **امام خمینی** را چاپ کردند و من برای نخستین بار با آن چهره پرصلابت، اما بی‌تفاخر و خودپسندی آشنا شدم.

در اطلاعات نیز گروهی از نویسندگان و خبرنگاران آزاداندیش به سردبیری **غلامحسین صالحیار** همکار پیشین ما در «آیندگان»، اداره روزنامه را به دست گرفته بودند و پیش می‌بردند. **فرهاد مسعودی** ـ جانشین پدر و مسئول روزنامه ـ ناپدید بود. اداره «آیندگان» نیز در دست نویسندگان جوان و پرشور بود. **داریوش همایون** که می‌خواست به عنوان «مدیرعامل» بار دیگر روزنامه را صاحب شود، از همان دربان ساختمان درس گرفت؛ زیرا به او اجازه ورود نداد.

ادامه دارد

اخبار کوتاه شهرستان

۳۰ درصد زباله‌های شهری اقلام باارزش هستند

کاشان – خبرنگاراطلاعات: روزانه به طور متوسط ۹۵ تن زباله از سطح شهرکاشان جمع‌آوری می‌شود که ۳۰ درصد از این میزان جزو (موارد قابل بازیافت) اقلام باارزش هستند.

مهندس مهدی هوشمندی‌نژاد مدیر منطقه ۲ شهرداری کاشان با اعلام این مطلب افزود: در شهرک‌های انقلاب و ناجی آباد و کل نواحی راوند، خزاق و طاهرآباد طرح تفکیک زباله از مبدا اجرا می‌شود.

وی افزود: با اجرای طرح تفکیک زباله از مبدا روزانه ۱۰ تن کاغذ و کارتن جمع‌آوری می‌شود که تقریبا میزان کاغذ در زباله‌های شهری به حد صفر رسیده است.

هوشمندی نژاد سرانه تولید زباله برای هر شهروند کاشانی را ۶۷۵ گرم دانست و افزود: برای جمع آوری، انتقال و دفع هر کیلوگرم زباله ۵۰۰ ریال هزینه می‌شود. مدیر منطقه ۲ شهرداری کاشان هزینه جمع‌آوری و محل دفع زباله توسط شهرداری از سطح منطقه ۲ شهرداری را روزانه ۵۰ میلیون ریال ذکر کرد و افزود: ۲۰۰ نفر از کارکنان شهرداری در قالب دو شرکت خصوصی با ۲۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین جمع‌آوری زباله، در امر نظافت شهر به صورت شبانه روز فعالیت می‌کنند.

وی اضافه کرد: هزینه سالانه رفت و روب و جمع‌آوری زباله و نظافت معابر سطح شهر مبلغ ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال است.

پایان نخستین مرحله مایه‌کوبی دام‌های خراسان رضوی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: مرحله نخست واکسیناسیون دام‌های سنگین خراسان رضوی علیه بیماری تب برفکی پایان یافت.

مدیرکل دامپزشکی خراسان رضوی با اعلام این خبر، افزود: در این مرحله، حدود ۳۰۰ هزار راس از دام‌های سنگین استان به طور رایگان زیر پوشش عملیات ایمن‌سازی علیه بیماری تب برفکی قرار گرفتند.

دکتر ناصر مرگان ازغدی، رویکرد این مجموعه را در این مرحله بهره‌گیری از توان تمام نیروهای بخش خصوصی و دولتی برای جلوگیری از بروز بیماری دانست و اظهار داشت: در این مرحله و در راستای واگذاری امور تصدی‌گری به بخش خصوصی و از محل طرح توسعه پوشش خدمات بهداشتی ـ درمانی دام‌های روستایی و عشایری، اجرای ۶۰ درصد این عملیات به بخش خصوصی واگذار شده است.

وی با تأکید بر نظارت بخش دولتی بر نحوه انجام خدمات توسط اکیپ‌های مایه‌کوب اعلام کرد: این طرح، حدود ۲ ماه به طول انجامید و برای تسریع و دقت در گزارش‌دهی، انجام عملیات از طریق سامانه اطلاعات جغرافیایی توسط شبکه‌های دامپزشکی شهرستان‌های تابعه صورت گرفت.

آغاز به کار دفاتر پیشخوان خدمات بهزیستی خراسان رضوی از ماه آینده

* مسئول دبیرخانه کمیسیون ماده ۲۶ بهزیستی خراسان رضوی گفت: دفاتر پیشخوان بهزیستی، کار خود را از اول شهریور آغاز می‌کنند.

سیده‌منیره حسینیان افزود: این دفاتر تمام مراجعات بهزیستی در قسمت تاسیس مهدهای کودک، مراکز درمان اعتیاد سرپایی و مراکز سالمندان را پوشش می‌دهد و متقاضیان تاسیس این‌گونه مراکز، برای نام‌نویسی، تکمیل پرونده و طی مراحل قانونی، به دفاتر پیشخوان بهزیستی مراجعه می‌کنند.

وی ادامه داد: مجوزهای این مراکز کماکان توسط بهزیستی صادر می‌شود اما بررسی شرایط متقاضیان، اخذ مدارک، تطبیق مدارک با دستورالعمل تخصصی و معرفی متقاضی برای دریافت تاییدیه‌های مورد نیاز توسط دفاتر پیشخوان صورت می‌گیرد.

او با اشاره به اینکه قرار است از اول شهریور ۲۰ دفتر پیشخوان در سطح مشهد خدمات بهزیستی را نیز به خدمات خود اضافه کنند، اظهارداشت: این دفاتر برای مدت ۶ ماه به صورت آزمایشی کار خدمات بهزیستی را انجام می‌دهند و سپس با رفع نقایص و مشکلات احتمالی، تا اواخر امسال، دفاتر پیشخوان در شهرستان‌ها هم دایر می‌شود که مراجعان و متقاضیان شهرستان‌ها نیازی به آمدن به مشهد نداشته باشند.

اجرای ۴۶ پروژه میراث فرهنگی در استان زنجان

زنجان– خبرنگار اطلاعات: عملیات اجرائی ۴۶ پروژه میراث فرهنگی با اعتبار ۵۷ میلیارد ریال از پارسال در استان زنجان آغاز شده که تعدادی از این پروژه‌ها به اتمام رسیده و بقیه نیز در دست اجرا است.

یحیی نقی‌زاده محجوب، سرپرست میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان با اعلام این خبر در کارگروه میراث فرهنگی و گردشگری افزود: طرح ساماندهی محوطه گنبد سلطانیه و احیا و مرمت مساجد جامع استان ازجمله این پروژه‌ها است.

وی از جذب ۱۴ میلیارد ریال اعتبار در سنجش صنایع دستی استان خبرداد و گفت: معاونت، صنایع‌دستی در سال ۸۹، سه رشته صنایع‌دستی و پارسال نیز هفت رشته صنایع‌دستی را در استان احیا کرده است.او با اشاره به اینکه برای بازسازی مسجد جامع ۷ میلیارد ریال اعتبار تخصیص یافته است، افزود: مرمت و بازسازی مسجد چهل ستون، مسجد سیدفتح‌الله، مسجد حضرت ولی‌عصر(عج)، مسجد میزایی قائمی، مسجد میزایی نجفی، مسجد خاتم، مسجد جامع سجاس و قیدار نبی(ع) و مسجد جامع و بافت تاریخی روستای قروه با ۹۰۰ میلیون ریال اعتبار در دست اجرا است.

سرپرست میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان از انتخاب این استان به عنوان پایگاه صنعت بسته‌بندی در کشور خبر دادو گفت: طرح توجیهی صنعت بسته‌بندی در کشور با محوریت استان زنجان ارائه شده است.نقی‌زاده محجوب افزود: ۱۷۰ میلیارد ریال اعتبار نیز برای تجهیز موزه‌های استان اختصاص یافته که تاکنون برای هفت موزه در سطح استان اقدام شده است. استاندار زنجان نیز بر لزوم عملیاتی کردن تمام طرح‌های مطرح شده در کار گروه تاکید کرد و گفت: باید ضمن اولویت‌بندی طرح‌ها، توان اجرایی استان و زمان اجرا به دقت ارزیابی شود و برنامه‌ریزی عملیاتی برای اجرای طرح‌ها در دستورکار قرار گیرد.رئوفی نژاد به ایجاد بازارچه صنایع دستی در استان اشاره کرد و گفت: بازارچه صنایع دستی استان عیدفطرکلنگ زنی می‌شود و یکسال آینده نیز به بهره‌برداری خواهد رسید.

*بازارچه صنایع دستی استان زنجان عیدفطر کلنگ زنی می‌شود و یکسال آینده نیز به بهره‌برداری می‌رسد

مسجد جامع زنجان

پیگرد قانونی تخریب کنندگان فضای سبز

قزوین – خبرنگار اطلاعات: برای حفاظت از فضای سبز شهری، هرگونه آسیب رساندن و تخریب فضای سبز طبق قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها و مصوبه شورای اسلامی شهر قزوین پیگرد قانونی دارد.

مدیر عامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قزوین گفت: این سازمان به عنوان متولی حفظ و نگهداری فضای سبز در شهر پس از بررسی‌های کارشناسی لایحه جلوگیری از نصب اشیای خارجی بر روی درختان سطح شهر و جلوگیری از تخریب فضای سبز هنگام اجرای عملیات عمرانی را تنظیم کرد که پس از طرح لایحه در صحن شورای اسلامی شهر به تصویب اعضا رسید.

سید مهدی کاظمی افزود: طبق مصوبه شورای اسلامی شهر ، نصب هر گونه بنر، اطلاعیه، پیچیدن هر گونه پارچه و پلاستیک و آویختن هر گونه تابلو ولامپ بر روی درختان ممنوع است و در صورت بروز آسیب به درخت مطابق با قانون با فرد یا ارگان خاطی برخورد می‌شود.

وی تاکید کرد: در صورتی که فرد یا افرادی بدون کسب مجوز و رعایت موارد قانونی اقدام به قطع درختان در سطح شهر کنند طبق ماده یک قانون حفظ و گسترش فضای سبز با آنان برخورد می‌شود.

همایش مشترک فرماندهان پایگاه‌های مقاومت بسیج و ائمه‌جمعه و جماعات کاکی

کاکی ـ خبرنگار اطلاعات: همایش مشترک فرماندهان پایگاه‌های مقاومت بسیج، ائمه جمعه و جمعات و بانیان مساجد در کاکی برگزار شد. در این همایش حجت‌الاسلام محمدمحمدی امام جمعه کاکی، مساجد را مرکز تربیت انسان دانست و گفت: رکن اصلی مساجد روحانیون مساجد هستند و امروز سالم‌ترین و کامل‌ترین مجموعه که می‌تواند در کنار روحانیون فعالیت کنند، بسیج است زیرا بسیج به ولایت متصل است و لازم است فرماندهان پایگاه‌های مقاومت عضو هیات امنای مساجد باشند. وی افزود: در حال حاضر که دشمنان کمر به تضعیف انقلاب و اسلام بسته‌اند، همکاری بانیان مساجد با بسیج و روحانیت موجب می‌شود بهتر بتوانیم فرهنگ و معارف اسلام و انقلاب را به جامعه معرفی کنیم و حلقه‌های صالحین یکی از بهترین برنامه‌ها برای مجهز شدن جوانان و نوجوانان به تقوا و تربیت دینی است. در ادامه سرهنگ پاسدار مراد کاظمی فرمانده سپاه ناحیه دشتی اهداف اصلی همایش را بسترسازی مناسب برای ارشاد، هدایت و رشد معنوی و اخلاقی نسل جوان و نوجوان اعلام کرد و اظهار داشت: دشمنان اسلامی و انقلاب اسلامی از جوانان مسلح به سلاح علم و ایمان می‌ترسند و ما وظیفه داریم جوانان و نوجوانان را در برابر توطئه‌های دشمنان بیمه کنیم. وی افزود: بسیج با استفاده از فضای معنوی مسجد و زبان گویا و رسای روحانیت در تحقق آرمان‌های انقلاب به سوی اهداف متعالی در حرک است و باید تلاش شود ارتباطات چهره به چهره تقویت شود و روحانیون و بسیجیان به سوالات و شبهات جوانان پاسخ دهند.

جمع‌آوری کمک‌های نقدی برای آزادی زندانیان جرائم غیر عمد

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: ۵۶۰ میلیون تومان کمک‌های نقدی برای آزادی زندانیان جرائم غیر عمد در سیستان و بلوچستان جمع‌آوری شد.

رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان در جشن گلریزان استان گفت: آزادسازی زندانیان جرائم غیرعمد یکی از مصادیق ارزشمند کار نیک است.

حجت‌الاسلام ابراهیم حمیدی افزود: در حال حاضر ۲۳۲ زندانی جرائم غیرعمد در استان منتظر کمک‌های نیکوکاران برای بازگشت به آغوش خانواده خود هستند.

وی اظهار امیدواری کرد؛ با جمع‌آوری کمک‌های نقدی در استان زمینه آزادی این افراد فراهم شود. او افزود: با افزایش دیه فرد مسلمان امیدواریم کمک‌های نیکوکاران نیز افزایش قابل توجهی داشته باشد.

معاون ستاد دیه کشور نیز گفت: ۲۰۰ جشن گلریزان در سراسر کشور در حال برگزاری است. ساری افزود: پارسال ۱۲ هزار و ۷۰۰ زندانی جرائم غیرعمد در کشور آزاد و به آغوش خانواده خود بازگشتند.

وی افزود: آزادی زندانیان جرائم غیرعمد و بازگشت آنها به محیط خانواده باعث گرمی کانون خانواده می‌شود.

وی اجرا نشدن برخی قوانین را عامل افزایش زندانیان جرائم غیرعمد در سطح کشور دانست و افزود: اگر بیمه به تعهدات خود عمل کند و نیروی انتظامی از تردد وسایل نقلیه بدون بیمه جلوگیری کند دیگر چیزی به اسم زندانی دیه وجود نخواهد داشت. ساری اعلام کرد: زمینه آزادی افرادی که برای پرداخت مهریه تمکن مالی ندارند به تدریج فراهم خواهد شد و از ورود افرادی که در شرف زندان به علت نپرداختن مهریه هستند، جلوگیری می‌شود.

وی اظهار امیدواری کرد؛ شمار زندانیان جرائم غیرعمد به صفر نزدیک شود یا به حداقل برسد.

پارک علم و فناوری؛ یاریگر اقتصاد مقاومتی

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: گلستان باید پیشتاز حرکت نوین پارک‌های علم و فناوری در کشور باشد.

مهندس جواد قناعت، استاندار گلستان با بیان مطلب بالا در جلسه پیگیری راه‌اندازی پارک علم و فناوری استان افزود: پارک‌های علم و فناوری می‌تواند در حوزه اقتصاد مقاومتی برای کشورمان نجات‌بخش باشد.

وی افزود: حضور نخبگان جوان و علاقه‌مند در مراکز کسب و کار هم می‌تواند در این حوزه تاثیرگذار باشد.

استاندار گلستان از بانک‌ها خواست تسهیلات موردنیاز پارک‌های علم و فناوری را در اختیار قرار دهند.

وی یادآور شد: زمینه افتتاح این پروژه که از مصوبات سفر اول رئیس جمهوری به گلستان بوده در هفته دولت با همکاری اعضای شورای راه‌اندازی پارک علم و فناوری فراهم شده است.

وی هدف از ایجاد پارک علم و فناوری را تبدیل ایده به فناوری و حمایت از شرکت‌های دانش بنیان برشمرد و افزود: علاوه بر افزایش تعداد این دفاتر باید به کیفیت پارک‌ها هم دقت شود.

۵۰۰ کارگر ساختمانی کارت مهارت شغلی دریافت کردند

رشت– خبرنگاراطلاعات: رئیس اداره فنی و حرفه‌ای گچساران گفت: ۵۰۰ نفر از کارگران ساختمانی گچساران با گذراندن دوره‌های آموزشی لازم کارت مهارت شغلی دریافت کردند.

او گفت: این عده کارگر با گذراندن ۲۰ تا ۷۰۰ ساعت آموزش، مهارت‌های مورد نیاز از قبیل آرموتوربندی، «گچ کاری»، «سفت‌کاری»، «سنگ کاری» و «جوشکاری» را فرا گرفتند.سیدیدالله افضلی گفت: کارگران آموزش دیده با ارائه کارت مهارت می‌توانند در حوزه فعالیت تخصصی خود در هر نقطه از کشور مشغول شوند.وی افزود: با توجه به این‌که شرط زیر پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار گرفتن کارگران، اخذ کارت مهارت شغلی است، روند آموزش کارگران فاقد مهارت درگچساران همچنان ادامه دارد.وی با اشاره به این‌که این دوره آموزشی برای ارائه آموزش‌های لازم به کارگران ساختمانی است گفت: بعد از این‌که تمام کارگران مهارت‌های مورد نیاز را فرا گیرند از اشتغال افراد فاقد کارت مهارت در این شهرستان جلوگیری به عمل خواهد آمد.او همچنین گفت:۳۲۰ هزار و۱۳۰ ساعت آموزش مهارت‌های فنی وحرفه‌ای در مرکز دو گنبدان به متقاضیان واجد شرایط ارائه شده است. او یادآور شد در این مدت آموزشی ۱۳۲۲نفر متقاضی شرکت کردند.وی گفت: این آموزش‌ها در ۱۵ رشته مختلف فنی‌وحرفه‌ای برای علاقه‌مندان به این مهارت‌ها اجرا شده است.او اظهار داشت: بیکاری یکی از مشکلات اساسی جامعه است که توسعه و ترویج و معرفی آموزش‌های مهارتی، کمک بسیار موثری به رفع این معضل خواهد داشت.

مبارزه با آفت سن غلات در سمنان

سمنان ـ خبرنگار اطلاعات: ۲۰هزار و ۵۳۰ هکتار از مزارع غلات استان سمنان زیر پوشش مبارزه با آفت سن قرار گرفت.

مدیر حفظ نباتات سازمان جهاد کشاورزی با اعلام این خبر افزود: هم‌اکنون عملیات مبارزه با آفت سن غلات پایان یافته است.

حمید نادریان افزود: از ۲۱ فروردین در ۱۱ هزار و ۵۹۰ هکتار از مزارع گندم و جو آبی با آفت سن مادری و در ۸۹۳۰ هکتار از مزارع با پورهٔ سن مبارزه شده است که در گرمسار و آرادان ۱۱ هزار و ۴۷۰ هکتار، در شاهرود ۱۰۲۰ هکتار، در دامغان ۶۱۰ هکتار، در سمنان ۲۳۳۰ هکتار و در شهرستان میامی ۵۱۰۰ هکتار زیر پوشش اجرای این طرح قرار گرفته است.وی گفت: ۹۱ شبکه مراقبت فعال در سطح استان در امر مبارزه نظارت داشته‌اند و با مشارکت فعال کشاورزان و به‌کارگیری ۶۸۴۵ دستگاه انواع سمپاش کار مبارزه را به انجام رسانده‌اند.وی دربارهٔ عمده‌ترین دلایل کاهش سطح مبارزه نسبت به پارسال گفت: ریزش دیرهنگام سن مادری به دلیل سرمای ابتدای فصل بهار، ریزش بارش‌های پراکنده و مقطعی در ابتدای بهار و کاهش نسبی دما نسبت به سال‌های گذشته و مبارزه به موقع با آفت در مراحل مختلف بویژه سن مادری از عمده‌ترین دلایل کاهش سطح مبارزه بوده است.او درباره مشارکت کشاورزان در این مبارزه یادآور شد: مشارکت کشاورزان در مبارزه با آفت سن غلات به ویژه در مزارع گندم بسیار مطلوب بود که دلیل اصلی آن قیمت تضمینی اعلام شده شرکت بازرگانی غله در سال گذشته بود که براساس میزان سن‌زدگی صفر درصد تعیین شده بود، امسال این حساسیت ایجاد شده ادامه داشت و برای جلوگیری از خسارت آفت در بسیاری از مناطق آمار سمپاشی انجام دادند.در سال زراعی گذشته در سطح ۲۲ هزار و ۱۸۰ هکتار از مزارع غلات استان با آفت سن مبارزه شده بود.

انتقاد از توسعه بی‌رویه حاشیه شهر بناب

بناب ـ خبرنگار اطلاعات: نماینده مردم بناب در مجلس شورای اسلامی از توسعه بی‌رویه حاشیه این شهر انتقاد کرد.حجت‌الاسلام شیخ محمد باقری بنابی در جمع مردم بناب از شورا و شهرداری خواست با برنامه‌ریزی دقیق مانع توسعه بی‌ضابطه این شهر شوند.وی همچنین با انتقاد شدید از وضع نامناسب بیمارستان‌ها و بهداشت این شهرستان یادآور شد: این مشکلات باید هرچه سریعتر برطرف شود.او با اشاره ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ متقاضی اشتغال در بناب، گفت: قطعاً جذب این شمار متقاضی در ادارات دولتی مقدور نیست و باید بخش خصوصی فعال شود. باقری بنابی با اعلام حمایت از بخش خصوصی برای ایجاد اشتغال پایدار در منطقه از ادارات و نهادها خواست به خاطر جلوگیری از تضییع حقوق افراد، جذب نیروی مورد نیاز خود را از طریق آزمون انجام دهند.

آگهی مناقصه عمومی (۹۱/۰۲)

شرکت قطارهای مسافری و باری جوپار (سهامی خاص) در نظر دارد عملیات مربوط به تعمیر و نگهداری ۴ دستگاه واگن‌های مولد برق ۶۶۰ ولت، و واگن‌های مسافری و رستوران ملکی خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۹۱/۵/۲۰ با مراجعه به سایت شرکت به آدرس (www.joopar.com) نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام و پس از تکمیل اسناد، پیشنهادهای خود را تا پایان وقت اداری مورخ ۹۱/۵/۳۱ به امور قراردادهای شرکت واقع در: تهران، بزرگراه شیخ فضل‌اله نوری، خیابان سازمان آب، خیابان حاجی‌پور امیر، نبش کوچه دیهیم، پلاک ۱ تسلیم نموده و رسید دریافت نمایند.

شرکت قطارهای مسافری و باری جوپار

آگهی مزایده املاک

شرکت تولیدی نیرومحرکه در نظر دارد نسبت به فروش تعدادی ملک (به شرح ذیل) از طریق مزایده کتبی اقدام نماید:

۱ـ دو باب مغازه (جمعا به مساحت ۸۰ مترمربع با دو واحد پارکینگ) واقع در تهران، میدان رازی (گمرک) خیابان جوادیان (قلمستان) مجتمع تجاری و اداری رازی طبقه اول

۲ـ یک واحد ملک تجاری و مسکونی به‌مساحت ۳۳۶ مترمربع (عرصه) و ۱۹۲ مترمربع زیربنا (اعیانی) واقع در استان فارس ، شهرستان داراب

۳ـ یک باب مغازه (نمایشگاه) به مساحت ۳۰۷مترمربع همکف و ۱۴۰ متر مربع نیم‌طبقه واقع در استان کرمان ، شهرستان زرند

متقاضیان می توانند جهت هماهنگی بازدید و دریافت اطلاعات بیشتر ظرف مدت ۱۰ روز کاری ازتاریخ درج آگهی با تلفن‌های زیر تماس حاصل نمایند.

۰۲۱-۸۸۵۴۲۵۸۰ و ۰۲۱-۸۸۷۴۰۰۱۷
۰۲۱-۸۸۵۳۷۸۵۳

شرکت تولیدی نیرومحرکه

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت ساختمانی دانا پایدار بنا سهامی خاص شماره ثبت ۳۰۶۷۶۱ نوبت دوم

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت ساختمانی دانا پایدار بنا دعوت می‌شود تا در جلسه فوق که در ساعت ۱۷ روز شنبه ۹۱/۵/۲۸ در محل شرکت تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
تصمیم‌گیری در خصوص انحلال شرکت.

هیئت مدیره

آگهی مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت شیلان طعام به شماره ثبت ۱۱۷۶۰۷

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده که رأس ساعت ۹ صبح مورخ ۹۱/۵/۳۱ به نشانی: اشرفی اصفهانی نبش پیامبر پلاک۱ واحد۳ تشکیل می‌گردد حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه: ۱ـ استماع گزارش بازرسین و اعضاء هیأت مدیره ۲ـ تصویب تراز حساب و سود و زیان سال ۱۳۹۰ ۳ـ انتخاب بازرسین و اعضاء هیأت مدیره ۴ـ خلاصه آنچه در صلاحیت مجمع فوق باشد.

هیأت مدیره

آگهی مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت شیلان طعام به شماره ثبت ۱۱۷۶۰۷

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که رأس ساعت ۱۱ صبح مورخ ۹۱/۵/۳۱ به نشانی اشرفی اصفهانی نبش پیامبر پلاک۱ واحد۳ تشکیل می‌گردد حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه: ۱ـ افزایش سرمایه شرکت۲ـ هرآنچه در صلاحیت مجمع فوق باشد.

هیأت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت تولیدی و صنعتی ایران کیتون (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۷۸۹۹ شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۲۰۴۵۵

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت که در راس ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۱/۵/۳۱ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد حضور بهم‌رسانند.

دستورجلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی ۲- بررسی و تصویب حسابهای سال مالی ۱۳۹۰ ۳- انتخاب هیات مدیره ۴- انتخاب بازرس قانونی ۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار ۶- سایرمواردی که در اختیار مجمع باشد.

هیئت مدیره شرکت

آگهی دعوت از بستانکاران نوبت اول شرکت بازرگانی آژ بین‌الملل در حال تصفیه (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۷۵۸۹۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۰۷۵۴۴

پیرو آگهی انحلال در روزنامه رسمی به شماره ۱۴۲۰۵ مورخ ۱۳۷۲/۹/۲۰ و در اجرای ماده ۲۲۵ قانون تجارت بدینوسیله از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که ادعایی یا طلبی نسبت به شرکت بازرگانی آژ بین‌الملل در حال تصفیه (سهامی خاص) را دارند دعوت می‌شود ظرف مدت قانونی از تاریخ انتشار اولین آگهی با در دست داشتن مدارک و مستندات طلب و یا ادعای خود به نشانی تهران خیابان دکتر مفتح پایین‌تر از ۷تیر کوچه طهمورث پلاک ۳ مدیر تصفیه شرکت مراجعه و درخواست خود را کتباً با اخذ رسید تسلیم دارند تا مورد رسیدگی قرار گیرد، بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرره قانونی هیچ‌گونه ادعایی پذیرفته نمی‌شود.

علیرضا فرخ‌نژاد – مدیر تصفیه شرکت

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده نوبت اول شرکت تعاونی مصرف کارکنان اموال تملیکی به شماره ثبت ۷۸۵۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۳۴۰۷۳

بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار ایشان می‌رساند جهت تصمیم‌گیری برای موارد زیر رأس ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۶/۱۵ در محل اقامت قانونی شرکت تعاونی به آدرس تهران بزرگراه فتح (کیلومتر ۱۲ جاده قدیم کرج روبروی دپوی ارتش) مدیریت استان تهران حضور به‌هم رسانند.

تذکر: کلیه وکالتنامه‌های اعضا در ابتدای ورود به جلسه بررسی و صدور برگه حضور در مجمع صادر خواهد شد و وکالت اعضای محترم که در سایر استان‌ها می‌باشند از طریق فاکس شماره ۴۴۹۰۷۵۲۸ یا ۴۴۹۰۳۳۷۳ مورد قبول خواهد بود. آن دسته از اعضاء که تمایل کاندیدا برای سمت بازرسین را دارند می‌توانند درخواست کتبی خود را حداکثر تا تاریخ ۹۱/۶/۱۴ به دفتر تعاونی یا از طریق فاکس فوق تسلیم نمایند و قابل ذکر است تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر ۳ رأی و هر شخص غیرعضو تنها یک رأی خواهد بود و این مجمع با حضور حداقل دو سوم اعضاء به رسمیت خواهد رسید.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش بازرس و هیأت مدیره و مدیرعامل تعاونی درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹، ۲ـ رسیدگی و اتخاذ تصمیم درخصوص صورت‌ها و سایر گزارشات مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹ و تعیین خط مشی و برنامه تعاونی و تصویب بودجه جاری و سرمایه‌گذاری و اعتبارات آتی. ۳ـ تصویب مقررات و دستورالعمل‌های داخلی تعاونی ۴ـ استماع گزارش تغییرات انجام شده اساسنامه تعاونی طبق مقررات و تأیید وزارت تعاون ۵ـ انتخاب بازرسین برای سال مالی

هیأت مدیره تعاونی مصرف کارکنان سازمان اموال تملیکی

«آگهی مناقصه عمومی ـ یک مرحله‌ای»

نوبت دوم

شهرداری بندر ترکمن درنظر دارد، اجرای آسفالت برخی از معابر سطح شهر را با مشخصات زیر از طریق برگزاری مناقصه به شرکت دارای رتبه‌بندی از معاونت برنامه‌ریزی در رشته راهسازی واگذار نماید.

ردیف	موضوع مناقصه	برآورداولیه پیمان	ضمانت‌نامه یا سپرده شرکت در مناقصه
۱	اجرای آسفالت گرم نوع بیندر ۲۵ـ۰ به مقدار ۲۱۰۰تن در برخی از معابر زیرسازی شده شهر بندر ترکمن	۱/۷۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۱۱/۶۹۰/۰۰۰ ریال

۱ـ نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی با اعتبار دوماهه یا ارائه فیش واریزی به حساب شماره ۲۱۷۱۱۴۴۷۵۸۰۰۱ نزد بانک ملی شعبه مرکزی بندر ترکمن به نام تمرکز سپرده تملک دارائی سرمایه

۲ـ مدت اجرای قرارداد: حداکثر دو هفته بعد از انعقاد قرارداد

۳ـ مهلت و محل دریافت اسناد: واجدین شرایط می‌توانند از تاریخ نشر آگهی تا تاریخ ۹۱/۵/۲۸ همه روزه به جز روزهای تعطیل به امور ذیحسابی شهرداری بندر ترکمن مراجعه و ضمن اطلاع و راهنمائی نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

۳ ـ آخرین مهلت ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۲ ظهر روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۱/۵/۳۱

۴ ـ تاریخ گشایش پیشنهادها: ساعت ۱۳ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۱/۵/۳۱

شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها در قالب قانون مناقصات مختار است و برنده اول و دوم مناقصه براساس آئین‌نامه تعیین برنده مناقصه و آئین‌نامه معاملات دولتی و دیگر مقررات و حسب نیاز تجربه ارائه شده توسط پیشنهاددهنده، تعیین می‌شود. جهت دریافت اطلاعات بیشتر به واحد عمران شهرداری بندر ترکمن مراجعه و یا با شماره ۳ ـ ۴۲۲۲۰۲۲ ـ ۰۱۷۳ تماس حاصل فرمایند.

عبداله کر– شهردار بندر ترکمن

بسمه‌تعالی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت صنایع کاشی و سرامیک خاتم اردکان (سهامی خاص)

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت صنایع کاشی و سرامیک خاتم اردکان راس ساعت ۹ روز جمعه مورخ ۹۱/۶/۱۰ در محل شرکت واقع در شهرک صنعتی اردکان برگزار می‌گردد. لذا از کلیه سهامداران و یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌گردد که در موعد مقرر در جلسه مذکور حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:۱ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی شرکت۲ـ تصویب ترازنامه مالی سال ۱۳۹۰ ۳ـ انتخاب بازرسان قانونی شرکت۴ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می‌باشد.

رئیس هیئت مدیره
هدایت اسلامی امیرآبادی

آگهی مناقصه شماره ۹۱۰۶۰۱-ن

شرکت صنایع خاک چینی ایران (سهامی‌عام) درنظر دارد؛ نسبت به خرید، نصب و راه اندازی یک دستگاه بدنه و هدبگ فیلتر جت پالس ازطریق مناقصه اقدام نماید. علاقه‌مندان می‌توانند جهت آگاهی از شرایط و دریافت اسناد مناقصه حداکثر تا ۱۰ روز پس از تاریخ درج آگهی به‌نشانی دفتر شرکت واقع در تهران – خیابان مطهری – خیابان کوه نور – بن‌بست دوم شماره ۱۱– امور بازرگانی، تلفن: ۲۲۰۱۸۱۰۷-۰۲۱ مراجعه نمایند.

ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی (نوبت دوم) شرکت تعاونی مسکن مؤسسه جهاد توسعه شماره ثبت ۹۸۸۱۶

از آنجا که جلسه مجمع عمومی عادی نوبت اول مورخ ۹۱/۵/۱۵ تعداد اعضای حاضر در جلسه به حدنصاب قانونی نرسید بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی که در ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۶/۱ در محل شرکت تعاونی مسکن واقع در خیابان فاطمی، جنب بیمه ایران کوچه دوم، کوچه هومان، پلاک۵ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.

دستورجلسه:
۱- تصویب اخذ تسهیلات بانکی برای کلیه پروژه‌های شرکت تعاونی مسکن
۲- خرید پروژه ۱۸ واحدی الماس۲
۳- طرح وتصمیم‌گیری در مورد ادامه عملیات اجرائی پروژه بلوار آسیا
۴- اتخاذ تصمیم نسبت به افزایش سرمایه
۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت

هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن

سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران
انجمن نظارت بر انتخابات اتحادیه‌های صنفی تهران
آگهی فراخوان داوطلبین عضویت در هیأت مدیره اتحادیه صنف دارندگان اتوسرویس، تعمیرگاه، پارکینگ و کارواش اتومبیل تهران

براساس ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی انتخابات اتحادیه‌های صنفی در نظر است انتخابات هیأت مدیره اتحادیه صنف دارندگان اتوسرویس، تعمیرگاه، پارکینگ و کارواش اتومبیل تهران برگزار گردد، لذا از واجدین شرایط عضویت در هیأت مدیره اتحادیه صنف مزبور که در ذیل شرایط آنان اعلام گردیده دعوت به عمل می‌آید از روز سه‌شنبه مورخ ۹۱/۵/۳۱ لغایت روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۶/۲۹ به مدت ۳۰ روز شخصاً با در دست داشتن مدارک ذیل به انجمن نظارت بر انتخابات اتحادیه‌های صنفی واقع در خیابان ولیعصر، جنب زرتشت غربی، ساختمان شماره ۲ سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران، طبقه چهارم مراجعه و ثبت‌نام نمایند.

شرایط داوطلبین:
۱ـ تابعیت و متعهد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران.
۲ـ ارائه گواهی عدم سوءپیشینه کیفری.
۳ـ نداشتن سابقه ورشکستگی.
۴ـ عدم وابستگی به رژیم گذشته، احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی.
۵ ـ عدم اعتیاد به موادمخدر و عدم اشتهار به فساد اخلاقی.
۶ ـ داشتن پروانه کسب معتبر دائم.

تبصره: پروانه کسب معتبر، پروانه کسبی است که تاریخ اعتبار آن منقضی نگردیده صاحب پروانه کسب تغییر شغل نداده و واحد صنفی خود را به غیر واگذار و یا اجاره نداده باشد. حتماً واحد صنفی فعال بوده و مکان صنفی تغییر نیافته باشد.

مدارک موردنیاز ثبت‌نام: ۱ـ شش قطعه عکس ۴×۳ جدید۲ـ سه برگ تصویر پروانه کسب الگوی هیأت عالی نظارت همراه با اصل آن.۳ـ سه سری تصویر از کلیه صفحات شناسنامه همراه با اصل آن.

محمد جعفرنیا
رئیس انجمن نظارت بر انتخابات اتحادیه‌های صنفی

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت در حال تصفیه پشتیبانی ایثارگران (سهامی خاص) نوبت اول

با عنایت به اینکه آگهی انحلال شرکت پشتیبانی ایثارگران به شماره ثبت ۷۹۱۲۱ در روزنامه رسمی کشور در مورخ ۱۳۹۱/۵/۵ به شماره ۱۹۶۳۰ صفحه ۵۳ درج گردیده است. در اجرای مفاد ماده ۲۲۵ قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت دعوت می‌شود با در دست داشتن اصول اسناد و مدارک مثبته به مدیر تصفیه به نشانی: تهران ـ خیابان ولیعصر ـ ضلع شمال غربی میدان ولیعصر ـ ساختمان شماره ۲ وزارت صنعت، معدن و تجارت (شهید اسداله‌زاده) طبقه ششم ـ واحد ۶۱۰ مراجعه فرمایند.

عباس امینی
مدیر تصفیه شرکت پشتیبانی ایثارگران (در حال تصفیه)

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت لوازم‌التحریر میلان پارس با مسئولیت محدود (در حال تصفیه) به شماره ثبت ۲۵۲۶۰۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۷۹۵۲۰ نوبت اول

پیرو آگهی انحلال شرکت در روزنامه رسمی کشور به شماره ۱۹۶۳۰ مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۵ و به استناد ماده ۲۲۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت دعوت می‌شود ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتشار این آگهی به محل تصفیه واقع در تهران میدان ونک خیابان ملاصدرا خیابان شیخ بهائی کوچه شهید معصومی پلاک ۵۰ مراجعه و مدارک مستدل دال بر بستانکاری خود را به مدیر تصفیه ارائه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی هیچگونه ادعائی پذیرفته نخواهد شد.

مدیر تصفیه شرکت لوازم‌التحریر میلان پارس (در حال تصفیه) ـ محمد افضلی‌فر

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن اعضاء و کارکنان سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران

بدین وسیله به اطلاع می‌رساند مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت اول) که رأس ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۶/۱ در محل دفتر شرکت تعاونی، به نشانی: تهران بزرگراه کردستان نبش خیابان ۳۳ (حسین‌پور) پلاک ۲۳ ساختمان شهاب طبقه ۲ واحد ۴، تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:
۱ـ تصویب اساسنامه جدید
۲ـ تمدیدمدت فعالیت شرکت تعاونی (موضوع ماده۵اساسنامه)
۳ـ تغییر نشانی محل تعاونی (موضوع ماده ۶ اساسنامه)

هیئت مدیره

سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران
انجمن نظارت بر انتخابات اتحادیه‌های صنفی تهران
آگهی فراخوان داوطلبین عضویت در هیأت مدیره اتحادیه صنف عینک‌سازان و عینک‌فروشان تهران

براساس ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی انتخابات اتحادیه‌های صنفی در نظر است انتخابات هیأت مدیره اتحادیه صنف عینک‌سازان و عینک‌فروشان تهران برگزار گردد، لذا از واجدین شرایط عضویت در هیأت مدیره اتحادیه صنف مزبور که در ذیل شرایط آنان اعلام گردیده دعوت به عمل می‌آید از روز سه‌شنبه مورخ ۹۱/۵/۳۱ لغایت روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۶/۲۹ به مدت ۳۰ روز شخصاً با در دست داشتن مدارک ذیل به انجمن نظارت بر انتخابات اتحادیه‌های صنفی واقع در خیابان ولیعصر، جنب زرتشت غربی، ساختمان شماره ۲ سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران، طبقه چهارم مراجعه و ثبت‌نام نمایند.

شرایط داوطلبین:
۱ـ تابعیت و متعهد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران.۲ـ ارائه گواهی عدم سوءپیشینه کیفری.۳ـ نداشتن سابقه ورشکستگی.۴ـ عدم وابستگی به رژیم گذشته، احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی.۵ ـ عدم اعتیاد به موادمخدر و عدم اشتهار به فساد اخلاقی.۶ ـ داشتن پروانه کسب معتبر دائم.

تبصره: پروانه کسب معتبر، پروانه کسبی است که تاریخ اعتبار آن منقضی نگردیده صاحب پروانه کسب تغییر شغل نداده و واحد صنفی خود را به غیر واگذار و یا اجاره نداده باشد حتماً واحد صنفی فعال بوده و مکان صنفی تغییر نیافته باشد.

مدارک موردنیاز ثبت‌نام:
۱ـ شش قطعه عکس ۴×۳ جدید
۲ـ سه برگ تصویر پروانه کسب الگوی هیأت عالی نظارت همراه با اصل آن.
۳ـ سه سری تصویر از کلیه صفحات شناسنامه همراه با اصل آن.

محمد جعفرنیا ـ رئیس انجمن نظارت بر انتخابات اتحادیه‌های صنفی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت تعاونی مسکن شهید عباسپور (نوبت دوم)

نظر به اینکه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت اول به حدنصاب نرسید جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم رأس ساعت ۵ بعدازظهر مورخ روز چهارشنبه ۹۱/۶/۱ در محل هنرستان شهید چمران واقع در خیابان شریعتی بالاتر از سه راه زندان کوچه ناژ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانید.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیئت‌مدیره و بازرس
۲ـ تصویب صورت‌های مالی سال ۹۰ و بودجه سال ۹۱
۳ـ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل
۴ ـ تصمیم‌گیری در مورد فروش زمین

هیئت‌مدیره
شرکت تعاونی مسکن شهید عباسپور

شرکت تعاونی مسکن کارکنان آب منطقه‌ای تهران آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول

بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی مذکور می‌رساند با توجه به انجام اصلاحات به عمل آمده در قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران مجمع عمومی فوق‌العاد نوبت اول این شرکت راس ساعت ۱۴ روز یکشنبه ۹۱/۶/۵ به نشانی خیابان دکتر فاطمی، خیابان حجاب، شرکت آب منطقه‌ای تهران در نمازخانه کوثر برگزار می‌شود. از کلیه اعضای محترم دعوت می‌گردد تا در جلسه مذکور حضور بهم رسانده و یا نمایندگان تام‌الاختیار خود را به صورت مکتوب معرفی نمایند.

این مجمع با حضور دو سوم کل اعضای شرکت تعاونی رسمیت می‌یابدو تصمیماتی که در این مجمع اتخاذ می‌شود برای کلیه اعضا (اعم از غایب و مخالف) نافذ و معتبرخواهد بود.

دستورجلسه:
۱- طرح و تصویب اساسنامه جدید
۲- تمدید مدت فعالیت ۵ سال(ماده ۵ اساسنامه)

هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن کارکنان آب منطقه‌ای تهران

آگهی تجدید انتخابات انجمن صنفی کارفرمایی مراکز خصوصی و توانبخشی و نگهداری سالمندان کشور

به استناد ماده ۱۳۱ قانون کار و آیین‌نامه مصوب ۸۹/۸/۸ هیأت وزیران و به موجب صورتجلسه‌های مجمع عمومی عادی و هیأت‌مدیره مورخ ۹۱/۳/۶ و سایر مدارک تسلیمی، اسامی و سمت هر یک از اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت‌مدیره انجمن که از تاریخ ۹۱/۳/۶ به مدت سه سال و بازرسان که از تاریخ یادشده به مدت یک سال انتخاب شده‌اند به شرح زیر می‌باشد.

۱ـ خانم صغری نیراحمدی — رئیس هیأت‌مدیره
۲ـ آقای حسین شریف‌نیا — نایب رئیس هیأت‌مدیره
۳ـ آقای همایون رسولی — عضو اصلی هیأت‌مدیره و خزانه‌دار
۴ـ خانم پروین جوادی و آقای محمد تصدیقی‌ثابت — اعضای اصلی هیأت‌مدیره
۵ـ آقای مرتضی پدرامی — دبیر
۶ـ خانم شهره فتاح و آقای حسین سلیمانی‌فر — اعضای علی‌البدل
۷ـ آقای محمدجواد نظری‌مهر — بازرس اصلی
۸ـ خانم ماندانا قاسمی — بازرس علی‌البدل

ضمناً برابر تبصره ماده ۲۲ اساسنامه کلیه اسناد مالی، قراردادهای تعهدآور که به تصویب هیأت‌مدیره رسیده باشند با امضای مشترک رئیس هیأت‌مدیره یا دبیر و خزانه‌دار و ممهور به مهر انجمن معتبر خواهد بود.

محسن صابری
سرپرست سازمانهای کارگری و کارفرمایی

خشک شدن زاینده رود، پساب‌ها را نمایان کرد

شاید پل قدیمی چوم که در شرق اصفهان و آن سوی پل شهرستان و بر روی رودخانه زاینده رود بنا شده است، بهترین مکانی باشد برای دیدن پساب‌های کف آلود و متعفنی که این روزها از تصفیه خانه جنوب اصفهان، روانه زاینده رود می‌شود.

پساب‌های تصفیه خانه جنوب اصفهان بیش از ۴۰ سال است که به رودخانه سرازیر می‌شود که با قطع آب زاینده رود و خشک شدن آن، این موضوع بیشتر نمایان شده است. بی تردید اغلب مردم شهر اصفهان از چنین موضوع بی اطلاع هستند و تنها خشک شدن زاینده رود آنها را آزرده خاطر کرده است ولی اهالی روستاهایی همچون اشکاوند که در حاشیه این رود ساکن هستند از بوی تعفن پساب‌ها که با گرم شدن هوا شدت بیشتری یافته است، رنج می‌برند.

آنگونه که اهالی اشکاوند می گویند با پیگیری‌های متعدد، هنوز مسئولی به این مشکل مردم رسیدگی نکرده است. مردم روستای اشکاوند از بوی تعفن پساب‌های فاضلاب عاصی شده اند، چنانکه شدت بوی تعفن ناشی از پساب‌ها به منازل مسکونی هم راه پیدا کرده است و بخصوص شب‌ها با روشن کردن کولر بوی فاضلاب وارد منازل آنها می‌شود.

مقدار پساب‌هایی که هر روز از این تصفیه خانه روانه زاینده رود می‌شود چنان قابل توجه است که در وهله نخست انسان تصور می کند که آب دوباره در رودخانه جاری شده است. به گفته یکی از اهالی این روستا، برخی باغداران اطراف رودخانه زاینده رود به دلیل نبود آب از این پساب برای آبیاری باغ‌های خود استفاده می‌کنند.

مسئولان شرکت آب و فاضلاب اصفهان اعلام کرده‌اند که تصفیه خانه جنوب بر اساس تخلیه پساب به رودخانه طراحی و ساخته شده است از این رو، پساب‌های این تصفیه خانه روانه زاینده رود می‌شود. معاون بهره برداری شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان گفت: پساب‌ها پس از ورود به رودخانه با آب رقیق می‌شود که در شرایط فعالی و قطع جریان آب در رودخانه، عملیات تکمیلی برای کاهش بار میکروبی و رساندن پساب‌ها به شرایط استانداردهای تعریف شده در حال انجام است.

مجتبی قبادیان با اشاره به اینکه در حال حاضر به طور متوسط ۱۲۰۰ لیتر در ثانیه پساب از این تصفیه خانه وارد زاینده رود می‌شود و پساب‌های تخلیه شده در حد استاندارد است افزود: در تصفیه خانه جنوب علاوه بر تصفیه، عمل گند زدایی نیز انجام می‌شود.

وی، وجود فلزات سنگین در پساب‌های این تصفه خانه را رد کرد و گفت: این تصفیه خانه به مراکز صنعتی متصل نیست که بخواهد فلزات سنگین احتمالی وارد پساب‌های این تصفیه خانه شود و تنها پساب‌های خانگی وارد این تصفیه خانه می‌شود.

مسئولان اداره‌کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان اعلام می‌کنند ورود این پساب‌ها در شرایط فعلی می‌تواند پیامدهای زیست محیطی به دنبال داشته باشد.

معاون محیط زیست انسانی اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان در این باره گفت: ورود پساب‌ها به آب‌های جاری برای آب پذیرنده مشخص تعریف شده است و هنگامیکه آب در رودخانه به اندازه کافی جاری باشد پساب رقیق سازی می‌شود و این موضوع تا حدودی مشکلی ندارد ولی چون در حال حاضر آبی در رودخانه جریان ندارد این موضوع می‌تواند پیامدهای زیست محیطی به دنبال داشته باشد.

رجبعلی قاسمی افزود: هرچند مقدار زیادی از آلودگی پساب‌های تصفیه شده در تصفیه خانه‌های اصفهان کاهش می‌یابد ولی این پساب‌ها از نظر میکروبی با استانداردهای محیط زیست مطابقت ندارد.

وی اضافه کرد: از آب چاه‌های کشاورزی این منطقه نباید برای آشامیدن استفاده کرد و چنانچه از این پساب‌ها به طور مستقیم برای کشاورزی نیز استفاده شود به طور قطع می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند. ورود پساب‌هایی که به گفته معاون محیط زیست انسانی اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان از نظر بار میکروبی مطابق با استانداردهای تعریف شده نیست، بی تردید می‌تواند مشکلات بهداشتی متعددی را به دنبال داشته باشد.

به گفته کارشناسان مرکز بهداشت استان اصفهان تخلیه پساب در زاینده رود بخصوص در شرایط کنونی، علاوه بر جذب حشرات موجب انتقال بیماری‌های مسری نیز می‌شود.

گزارش:
محمد رضا کلاهدوزان

آموزش، زیربنایی‌ترین هدف هر نهاد است

کاشان – خبرنگار اطلاعات: دومین کارگاه آموزشی مدیران و متولیان بافت فرسوده با موضوع «بررسی تجارب نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری» در کاشان برگزار شد.

شهردار کاشان در این کارگاه برگزاری این دوره‌های آموزشی را پاسخ به بسیاری از نیازهای کارشناسان و مدیران این حوزه دانست و گفت: آموزش همراه با تکنیک‌های روز دنیا یکی از بهترین راه حل‌های مناسب برای حل مشکلات و جلوگیری از بسیاری از ناهنجاری‌ها است.

سعید مدرس زاده با اشاره به اینکه امروزه موضوع نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، مساله‌ای جمعی و مهم برای تمام جامعه است، گفت: آموزش، زیربنایی‌ترین و اساسی‌ترین هدف هر نهاد است چرا که در راستای آموزش قادر خواهیم بود به تکنیک‌ها و مهارت‌هایی دست یابیم که با استانداردهای روز دنیا مطابقت دارد.

به گفته وی حفظ و بهسازی بافت‌های فرسوده و فراهم کردن شرایط و مهارت‌های لازم در امور مربوط به بافت‌های فرسوده از جمله شاخصه‌های مدیریت حرفه‌ای است.

مدیر عامل شرکت مهندسین مشاور هم در این کارگاه آموزشی با اشاره به اینکه ما باید به بافت فرسوده به چشم جایگاهی مهم و با ارزش نگاه کنیم گفت: نگاه جامعه ایرانی نگاهی ارزش گرا است و در این راستا باید به همه چیز به چشم ارزش نگاه شود.مهندس ناصر مشهدی‌زاده افزود: تجدید حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بافت‌های قدیمی و فرسوده و دستیابی به توسعه پایدار شهری و حفظ هویت ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و ارتقای کیفیت محیط زندگی شهروندان از مهم‌ترین اهداف برپایی این کارگاه‌های آموزشی است.

وی شهرنشینی را هنر زیستن انسانها کنار یکدیگر دانست و گفت: شهرسازی باید براساس مبانی شهرسازی و توسط مردم مشارکت‌گرا انجام شود و شهرسازی مشارکتی فرایند آزادسازی و هدایت انرژی نهفته و جاری در جامعه است.

تحریم نفت، آسیبی به کشور نمی‌زند

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: مشاور رئیس جمهوری در امور روحانیت گفت: نفت فقط یک دهم از اقتصاد ایران است و تحریم نفت آسیبی به کشور نمی‌زند.

حجت‌الاسلام‌سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی در نشست ائمه جمعه، روحانیون و مدیران استانی با استاندار هرمزگان که پس از ضیافت افطاری برگزار شد، افزود: اگر فرض را بر این بگیریم که یک قطره از نفت ایران نیز فروش نرود، باز هم اقتصاد کشور با ظرفیت باقیمانده پویا حفظ می‌شود و باید امتیاز خودکفایی در صنعت نفت را نیز برای این اقتصاد متصور بود.

وی در ادامه با بیان اینکه مردم در مقابل تحریم‌ها آبدیده شده‌اند، اضافه کرد: دلیل پختگی و حساب‌شده‌تر عمل کردن دشمن در دور جدید تحریم‌ها، پختگی و دور زدن تحریم‌ها توسط ایران در سه دهه اخیر است.

وی اضافه کرد: اینکه دشمن تحریم‌ها را همه جانبه کرده به معنی این است که به قدرت ما پی برده و این همان گذر از شعب ابیطالب است.

میرتاج‌الدینی در ادامه سخنان خود خطاب به روحانیون گفت: از روحانیون انتظار می‌رود، مردم را در جریان کامل نقشه غربی‌ها قرار دهند.

وی ادامه داد: اگر طرح‌هایی همانند هدفمندسازی یارانه‌ها و سهمیه بندی سوخت نبود مطمئناً کشور با مشکلات زیادی با توجه به شدت تحریم‌ها روبرو می‌شد.

وی با اشاره به این که یکی از راه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی، توجه به تولید ملی است، افزود: جمعیت، وسعت، نیروی انسانی بیش از ۷۰ میلیونی و برخورداری از ویژگی‌های استراتژیک همانند واقع شدن در راه ارتباطی شرق و غرب و تسلط بر آب‌های خلیج‌فارس و تنگه هرمز از جمله چند ویژگی استراتژیک ایران بوده که این کشور را از تمامی کشورهای منطقه و همسایه متمایز کرده است.

اخبار کوتاه شهرستان

برگزاری یادواره شهدای وزوان

وزوان ـ خبرنگار اطلاعات: یادواره شهدای گمنام و شهدای شهر وزوان با حضور خانواده معظم شهدا و جانبازان و قشرهای مختلف مردم وزوان در استان اصفهان برگزار شد.

در این مراسم پس از سخنرانی یکی از روحانیون درباره شهید و شهادت، حاج صادق آهنگران مداح دوران دفاع مقدس به مرثیه‌خوانی پرداخت.

تجلی هنر در کتابت وحی در بهشهر برگزار می‌شود

بهشهر ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بهشهر از برگزاری همایش خوشنویسی با عنوان تجلی هنر در کتابت وحی در ایام پرخیر و برکت رمضان خبر داد.

علی اصغر باباکوهی اشرفی با اشاره به اینکه قرآن در فرهنگ اسلامی از قداست خاصی برخوردار است، گفت: باید این هدیه آسمانی را بیش از پیش ارج نهاده و در جهت تقویت فرهنگ قرآنی، تمام دستگاه‌ها به هر طریقی تلاش کنند.

وی افزود: در همین راستا همایش تجلی هنر در کتابت وحی با همکاری فرمانداری، ناحیه سپاه، اداره تبلیغات اسلامی بهشهر و شهرداری، شورای اسلامی شهر و هیات حضرت اباالفضل (ع) خلیل شهر در یکی از شب‌های قدر برگزار می‌شود.

وی گفت: این همایش به یاد مرحوم حسن سلطانی کاتب وحی و با دعوت از خوشنویسان شرق مازندران و علاقه‌مندان به خوشنویسی همچنین مسئولان استانی و شهرستانی در خلیل شهر انجام می‌شود.

انتقال کارگاه‌های مزاحم زرین شهر به خارج از محدوده

زرین شهر – خبرنگار اطلاعات: ۷۰ هکتار از اراضی شرق زرین شهر برای اجرای طرح کارگاه‌های مزاحم شهری تفکیک شده است.

شهردار زرین شهر در دومین جلسه کمیسیون ماده ۵ که با ۱۸ صنف از کارگاه‌های مشاغل شهری برگزار شد گفت: این اراضی در شرق زرین شهر که در مجاورت راه آهن کشوری و پایانه حمل و نقل استان اصفهان قرار دارد تفکیک و طراحی و مشاوره برای ساخت کارگاه جهت مشاغل مزاحم شهری صورت گرفته است.

ذاکر هرندی از تسهیلات ویژه برای واگذاری این زمین‌ها در مرحله اول به صنوف در و پنجره‌سازی و صنف تعمیرگاه خودرو خبر داد و افزود: مراحل زیر سازی جداول و تجهیز خدمات شهری مانند آب، برق و گاز به عهده شهرداری زرین شهر خواهد بود که امیدواریم اصناف هر چه سریعتر با ساخت بنا از درون شهر به مکان جدید نقل مکان کنند.

ساخت پایانه مسافربری در زرین شهر

* پایانه مسافربری زرین شهر با اعتبار ۱۰۰ میلیارد ریال در حال ساخت است.

شهردار زرین شهر در این باره گفت: با توجه به نیاز روزافزون زرین شهر و موقعیت جغرافیایی این شهر، زیباترین و جدیدترین پروژه پایانه مسافربری در قسمت ورودی شهر در حال اجرا است که درکشور به لحاظ اجرای سازه و سقف فلزی بی‌مانند است.

ذاکر هرندی گفت: تاکنون مبلغ ۳۰ میلیارد ریال آن هزینه شده و مجوز اجرای مرحله دوم آن که با اعتبار ۲۰ میلیارد ریال برآورد شده از شورای اسلامی شهر گرفته شده است. شهردار زرین شهر از تکمیل مراحل سفت‌کاری طبقه سیتی سنتر آن خبرداد و ابراز امیدواری کردکه ۸۰ درصد این طرح که در سه طبقه زیرین، همکف و اول ساخته می‌شود، تا پایان دور سوم شورای اسلامی شهر به پایان برسد.

ورزش ابزار ایجاد نشاط در جامعه است

پیشوا ـ خبرنگار اطلاعات: جلسه شورای ورزش پیشوا به ریاست فرماندار و با حضور جمعی از مسئولان و کارشناسان ورزش پیشوا در فرمانداری این شهرستان برگزار شد.

فرماندار پیشوا در این جلسه با اشاره به اهمیت و جایگاه ورزش در جامعه، از ورزش به عنوان یکی از ابزارهای ایجاد نشاط در جامعه نام برد و افزود: با سیاستگذاری درست می توان از ورزش برای ارتقای سطح کیفی و رشد و توسعه جامعه استفاده کرد.

ستاری افزود: با برنامه‌ریزی می توان آینده ورزش کشور را در جهت نیل به اهداف بلند و کسب جایگاه‌های برتر جهانی رقم زد.

در ادامه محسن خادمی رئیس اداره ورزش و جوانان پیشوا و دبیر این جلسه، گزارشی از وضع موجود ورزش و نیازهای این شهرستان ارائه کرد.

خبرنگاران واقعیت را انعکاس دهند

بهبهان ـ خبرنگار اطلاعات: خبرنگاران واقعیت را همانطور که هست انعکاس دهند.

حجت‌الاسلام سیدعبدالله حسینی منفرد سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بهبهان با بیان مطلب بالا، بر ضرورت انعکاس هرچه مطلوب‌تر اخبار توسط خبرنگاران تاکید کرد.حبیبی مسئول انتشارات و مطبوعات اداره ارشاد بهبهان هم در سخنانی با اشاره به توزیع نشریات در سطح شهرستان، راهکارهایی برای بهبود فعالیت‌های خبری اصحاب رسانه در جلسه ارائه کرد.در پایان نیز خبرنگاران مسائل و مشکلات خود را مطرح کردند که سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در این زمینه آمادگی و همکاری خود را در حد توان اعلام کرد.

برپایی نمایشگاه کتاب و نرم‌افزار قرآنی و عترت در بهبهان

* نمایشگاه کتاب و نرم‌افزار قرآن و عترت با همکاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بهبهان در نگارخانه میرزا شوقی برپا شد.

در این مراسم، سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بهبهان گفت: در این نمایشگاه ۳۵۰۰ جلد کتاب با عناوین مختلف با تخفیف ۲۰ درصد به دوستداران کتاب عرضه می‌شود. سید عبدالله حسینی منفرد افزود: در کنار این نمایشگاه همچنین غرفه حجاب و عفاف دایر است.

ایجاد ۸۰۰۰ فرصت شغلی در مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: از ابتدای سال تاکنون حدود ۸۰۰۰ فرصت شغلی در مازندران ایجاد و در سامانه رصد کشور ثبت شده است.

استاندار مازندران در جلسه کارگروه اشتغال و سرمایه‌گذاری استان با اعلام این خبر، افزود: تعهد امسال استان برای ایجاد اشتغال ۹۸ هزار فرصت شغلی است که مسئولان دستگاه‌های اجرایی مازندران باید با استفاده از تمام امکانات و ظرفیت‌ها نسبت به اشتغالزایی مناسب بیش از پیش تلاش کنند.طاهایی گفت: سازمان صنعت، معدن و تجارت با ۱۲۴۵ شغل، بیشترین میزان اشتغالزایی را در این مدت به خود اختصاص داده است و کمیته امداد با ۷۹۳ شغل، حمل و نقل پایانه‌ها با ۳۸۳، صندوق مهر امام رضا(ع) با ۱۵۸، جهاد کشاورزی با ۱۶۴ و دانشگاه علوم پزشکی با ۱۳۸ شغل به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند.

ابلاغ نظام جدید فنی و اجرایی به خراسان رضوی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر کل دفتر فنی استانداری خراسان رضوی از اعلام نظام فنی و اجرایی جدید از سوی دولت به این استان خبر داد.

محمدحسن واحدی افزود: این نظام ابتدا در برنامه چهارم توسعه ابلاغ و سپس در برنامه پنجم توسعه تنفیذ شد که مراحل اجرایی آن در حال انجام است.وی گفت: نظام فنی و اجرایی جدید، نظامی یکپارچه برای ایجاد طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه گذاری در چارچوب اسناد برنامه‌های توسعه کشور است که رویکردی نتیجه گرا دارد.

وی ادامه داد: این نظام با در نظر گرفتن افزایش کارآمدی و اثربخشی طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه گذاری دارای ویژگی‌هایی چون قابلیت ارزیابی، مبتنی بودن بر نظام مدیریت کیفیت و متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است.واحدی ادامه داد: دامنه کاربرد این نظام، طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه گذاری تمام دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۱۶۰ قانون برنامه چهارم توسعه و نیز پروژه‌های سرمایه گذاری مشارکتی استان با بخش خصوصی است.

وی افزود: رویکرد این نظام حرکت مهندسی به مدیریت پروژه است و طبق اصول اساسی چندگانه آن، از این پس رعایت استاندارد بین‌المللی پروژه (PMBOK) در تمام طرح‌ها و پروژه‌های دولتی و خصوصی الزامی است.

اهدای خون

مهربان ـ خبرنگار اطلاعات: اهالی نوعدوست بخش مهربان از توابع سراب در استان آذربایجان شرقی با اهدای خون خود به یاری بیماران نیازمند شتافتند. با استقرار اکیپ سیار خونگیری سازمان انتقال خون آذربایجان شرقی در محل ساختمان جمعیت هلال احمر مهربان، خونگیری از اهالی نوعدوست شهرها و روستاهای بخش مهربان آغاز شد. در پایان فعالیت اکیپ سیار خونگیری سازمان انتقال خون آذربایجان شرقی ۱۱۷ نفر موفق به اهدای خون خود شدند.

اخبار کوتاه شهرستان

ایجاد سامانه ۱۵۹۰ برای رفع ابهامات طرح پزشک خانواده

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: سامانه ۱۵۹۰ بزودی برای پاسخگویی به پرسش‌ها و ابهامات مردم در زمینه طرح پزشک خانواده فعال می‌شود.

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کرمان گفت: در طرح پزشک خانواده هیچ یک از خدمات درمانی که در حال حاضر ارائه می‌شود حذف نخواهد شد و درخواست جدیدی نیز ایجاد نمی‌شود و طرح تنها موجب نظم‌بخشی و شکل‌دهی به خدمات پزشکی و درمانی خواهد شد.

محسن گرکانی‌نژاد با اعلام این‌که بزودی ابهامات طرح پزشک خانواده با فعال شدن سامانه ۱۵۹۰ برطرف خواهد شد، افزود: عدالت در سلامت، کاهش هزینه‌های درمان و دسترسی آسان به پزشک از جمله مزیت‌های این طرح به شمار می‌رود.

به گفته وی یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر زیر پوشش دانشگاه علوم پزشکی کرمان هستند که تمام آنها زیرپوشش طرح پزشک خانواده نیز قرار خواهند گرفت.

گرکانی‌نژاد با اشاره به این که خانواده‌ها پس از اعلام عمومی، می‌توانند در طرح پزشک خانواده نام‌نویسی کنند، افزود: هر خانواده در طول سال دو مرتبه می‌تواند پزشک انتخابی خود را تغییر دهد و از خدمات یکی دیگر از پزشکان مشمول طرح بهره‌مند شود.

پروژه‌های مهر ماندگار باید در زمان تعیین شده به بهره‌برداری برسد

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: اعتبار پروژه های مهر ماندگار تأمین شده و تمام پروژه‌های این طرح در همان زمان تعیین شده باید به بهره‌برداری برسد.

معاون عمرانی استاندار مازندران در جلسه بررسی پروژه‌های مهر ماندگار این استان با اعلام این مطلب، افزود: گروه‌های نظارتی تعیین شده از سوی استانداری بر روند ساخت پروژه‌های مهر ماندگار استان به صورت دائمی نظارت خواهند داشت.

عیسی هاشمی از پیشرفت فیزیکی ۶۵ درصدی در ساخت ورزشگاه ۳۰۰۰ نفری قائمشهر خبر داد و گفت: مقرر شد این ورزشگاه تا پایان امسال به بهره‌برداری برسد.

وی از ساخت و تجهیز دانشکده دندانپزشکی ساری با ۴۵۰۰ مترمربع زیربنا و ۴۵ درصد پیشرفت فیزیکی خبر داد و گفت: تا تیر ۹۲ این پروژه به بهره‌برداری می‌رسد.

او از تکمیل ساخت بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی آمل تا دهه فجر امسال خبر داد و افزود: بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی چالوس نیز با ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی در ماه‌های آینده به بهره‌برداری می‌رسد.

پرداخت تسهیلات نوسازی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره نوسازی بافت‌های فرسوده اداره‌کل راه و شهرسازی خراسان رضوی از پرداخت تسهیلات مسکن مهر به ۳۱۲۲ واحد در بافت‌های فرسوده استان خبر داد.

منیژه موسی‌نژاد گفت: تسهیلات ساخت مسکن از محل تبصره ۶ قانون بودجه سال‌های ۸۴ تا ۸۶ با عاملیت بانک مسکن و تا سقف ۱۴۰ میلیون ریال به ۴۷۵ واحد در ۱۰ شهر استان از جمله این موارد بوده است.

او گفت: در مجموع مشهد با ۹۳۴ واحد دارای بیشترین سهمیه تسهیلات پرداخت شده در این حوزه بوده و سبزوار با ۵۸۷ واحد، قوچان با ۵۱۰ و نیشابور با ۴۰۹ واحد در رده‌های دوم تا چهارم قرار دارند.

گردهمایی خیرین و ورزشکاران پیشوا

پیشوا ـ خبرنگار اطلاعات: گردهمایی خیرین و ورزشکاران پیشوا به همت اداره ورزش و جوانان این شهرستان و هیأت ورزش باستانی و با حضور مسئولان و مردم در سالن ورزشی آزادگان (سناردک) برگزار شد.

محسن خادمی، رئیس اداره ورزش پیشوا در این گردهمایی گزارشی درباره عملکرد خود در مدت تصدی ۱۰ ماهه در این اداره ارائه کرد و گفت: پیشوا با مشکلات عدیده‌ای در زمینهٔ کمبود فضاهای ورزشی روبرو است و با وجود استعدادهای بسیار که در این شهرستان وجود دارد جوانان و علاقه‌مندان برای استفاده از اماکن ورزشی با مشکل مواجهند.

وی افزود: باستانی کاران پیشوا هم‌اکنون از سالن ورزشی آزادگان (سناردک) برای اجرای ورزش باستانی استفاده می کنند و به دلیل استقبال جوانان از این ورزش، می طلبد که یک سالن ورزشی تخصصی و زورخانه‌ای در این شهرستان ساخته شود.

راه‌آهن تهران امسال به خط ریلی همدان می‌پیوندد

زرندیه ـ خبرنگار اطلاعات: ساخت خط‌آهن تهران ـ همدان در محدوده زرندیه امسال پایان می‌یابد.

سعید اکبرزاده مدیر اجرایی ساخت خط‌آهن تهران ـ همدان در حوزه ساوه و زرندیه گفت: عملیات ساخت خط آهن به طول ۵۲ کیلومتر در محدوده این شهرستان‌ها تا پایان شهریور به پایان می‌رسد.

وی گفت: این پروژه با هزینه ۲۴۰ میلیارد ریال اعتبار مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

او طول راه‌آهن تهران ـ همدان را ۲۶۸ کیلومتر دانست و گفت: پروژه مذکور در قالب پنج قطعه به صورت فعال در حال انجام است.

او اضافه کرد: این مسیر ریلی نقش بسزایی در توسعه غرب کشور دارد و مرکز کشور را به غرب و در ادامه به کشور عراق متصل می‌کند.

اکبرزاده افزود: در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی تلاش می‌کنیم بیش از سال گذشته در جهت توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل کشور کوشا باشیم.

هیچ دستگاه اداری حق متوقف کردن پروژه‌های عمرانی را ندارد

***فرماندار بهارستان: ادارات و مسئولان شهرستان از سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری در بهارستان دعوت کنند**

***در بهارستان هم نیروی کار و هم فضای مناسب برای اجرای طرح ها وجود دارد**

بخش گلستان ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار بهارستان در دومین جلسه شورای اداری این شهرستان گفت: دولت نهم و دهم اقدام‌های بسیار خوبی در کشور انجام داده است و برخی مسئولان به دلایل نامعلوم سعی دارند این کارها را با جلوگیری از پیشرفت پروژه‌های عمرانی خدشه‌دار کنند.

یونس نوبخت افزود: مسئولان شهرستان باید در آیین‌ها و جلساتی که برگزار می‌شود، حضور داشته باشند و حضور نداشتن آنها به منزله این است که عملکرد قابل قبولی ندارند، برخی از مسئولان ما در هیچ یک از آیین‌ها حضور ندارند و ما این موارد را رصد می‌کنیم و گزارش‌های آن ارسال می‌شود.

وی یادآور شد: تمام مسئولان شهرستان باید با توجه به خط و مشی که مقام معظم رهبری تعریف کرده‌اند، پیش‌برونـد و نام و عنوان هر سال که از فرمایشات ایشان است، در کارها مورد توجه ویژه قرار گیرد.

وی با بیان وجود ظرفیت‌های بالای بهارستان گفت: ادارات و مسئولان شهرستان از سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در بهارستان دعوت کنند زیرا در این شهرستان هم نیروی کار و هم فضای مناسب برای اجرای طرح‌های با بازدهی بالا وجود دارد و این همت مسئولان را می‌طلبد.

او افزود: سطح و ساختار ادارات شهرستان باید افزایش پیدا کند و ما در راه پیشرفت گلستان گام برداریم تا بتوانیم این منطقه را به شهرستان ویژه ارتقا دهیم.

در ادامه جلسه، حجت‌الاسلام «احمد محسن‌زاده» امام جمعه بخش بوستان از مسئولان شهرستان خواست در تمام کارها رضایت خدا را ملاک قرار دهند و بهارستان را بهارستانی کنند.

سپس «ولی‌الله اصغری» معاون سیاسی انتظامی فرمانداری شهرستان از مسئولان خواست فضای شهرستان را از حالا انتخاباتی نکنند و وقت و سرمایه خود را برای خدمت به مردم محروم بهارستان صرف کنند.

در ادامه این جلسه هر یک از مسئولان ادارات بهارستان گزارشی از عملکرد خود را عرضه کردند و در پایان مراسم با اهدای لوح تقدیر و هدایا از خانواده شهدا، جانبازان و آزادگان شهرستان بهارستان قدردانی شد.

برگزاری مسابقات کشوری پیست کارتینگ درگردنه حیران

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: مسابقات کشوری پیست کارتینگ ۳ شهریور در گردنه حیران برگزار می‌شود.

بهروز ندایی مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل با بیان مطلب بالا افزود: قرار بود مسابقات کشوری کارتینگ ۲۷ مرداد برگزار شود که این مسابقات به سوم شهریور موکول شد. وی گفت: به دلیل تقارن برگزاری این مسابقه با ایام پایانی ماه مبارک رمضان قرار شد مسابقه کشوری کارتینگ در اولین روزهای شهریور در این پیست مفرح و گردشگری برگزار شود.

ندایی همچنین از آمادگی پیست کارتینگ حیران در منطقه گردشگری و توریستی این منطقه خبر داد و گفت: این پیست با حضور مسئولان استانی به بهره‌برداری رسیده است.

وی با بیان اینکه کارتینگ از ورزش‌های مفرح و مورد علاقه جوانان و نوجوانان است، افزود: این ورزش پایه ورزش اتومبیلرانی حرفه‌ای است که علاقه‌مندان می‌توانند از این فضا استفاده کنند.

دام‌های رشتخوار با کمبود آب و علوفه مواجهند

رشتخوار ـ خبرنگار اطلاعات: ۸۰ درصد جمعیت شهرستان رشتخوار را ساکنان روستایی تشکیل می‌دهند که ۹۳ درصد آنان بهره‌برداران کشاورزی و دامداران هستند که بالغ بر ۳۰۰ هزار رأس دام آنها مشکل آب آشامیدنی دارند.

رئیس نظام صنفی امور کارهای کشاورزی رشتخوار گفت: کاهش و افت منابع آب و پیامدهای اقتصادی آن، معیشت کشاورزان و دامداران شهرستان را به مخاطره انداخته است. سیدحسن حسینی، افزود: کمبود نزولات جوی، فقر مرتع و منابع آب مشکلاتی را در تأمین علوفه و آب آشامیدنی دام و انسان در مناطق رشتخوار ایجاد کرده است.

وی در ادامه یادآور شد: افت منابع آب باعث ضعیف شدن دام رشتخوار و از بین رفتن آنها شده است.

وی گفت: دامداران شهرستان به علت نداشتن توان مالی کافی برای تأمین علوفه، مجبور شده‌اند دام خود را به صورت ارزان به دلالان بفروشند که این مهم به اقتصاد خانوارهای دامداران لطمه زیادی زده است.

حسینی توجه بیشتر مسئولان شهرستان رشتخوار و اختصاص بخشی از اعتبارات خشکسالی و استانی برای تأمین علوفه و آب آشامیدنی دام را خواستار شد.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

از خوانندگان محترم شهرستانی تقاضا دارد در پیام های خود، نام شهرستان مربوطه را ذکر کنند

بقیه از صفحه ۱۳

سئوال یک معلول از مسئولان بهزیستی

چندی پیش از طرف دولت اعلام شد که پولی به حساب معلولان تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به عنوان کمک هزینه بنزین ریخته می‌شود، اما هنوز خبری از اجرای طرح نشده است، لطفاً در این‌باره اطلاع رسانی کنند.

از مددجویان سازمان بهزیستی

سبد کالا به کارمندان دولت اعطاء نمی‌شود

هنوز از اجرای طرح اهدای سبد کالای رمضان به کارمندان دولت که دوبار در سال انجام می‌شد، خبری نیست لطفا مسئولان بگویند که چرا این طرح اجرایی نمی‌شود؟

بهشهر ـ علی‌اصغر رضایی

نارضایتی از چند نرخی شدن غذای دانشجویان

روزنامه‌ها از ۳ نرخی شدن قیمت غذای دانشجویان خبر داده‌اند، آیا دانشجویان را هم به دارا و ندار تقسیم می‌کنند؟ این گونه اقدامات به خصوص درباره قشر دانشجویان نادرست است.

یک دانشجو

چرا مسئولان مردم را نا امید می‌کنند؟

روزنامه اطلاعات مورخه ۲ مرداد نوشته بود «که ایجاد «ناامیدی در مردم بزرگترین گناه است» چرا مسئولان کشور با افزایش قیمت‌ها و نا امیدکردن مردم از زندگی، مرتکب گناه می‌شوند؟

تلفن به خط ارتباطی

دولت نباید به واردات مایحتاج عمومی تن دهد

فردی در خط ارتباطی روزنامه اطلاعات ۳۱ تیر گفته بود که دولت باید مایحتاج مردم را به طور فزاینده‌ای از خارج وارد و بین مردم پخش کنند تا قیمت‌ها کاهش یابد... ولی باید بداند که این عمل، درست همان چیزی است که استعمار می خواهد و از اینرو دولت نباید به واردات ارزاق مردم تن دهد.

شهروند تهرانی

شهرداری تهران رسیدگی کند

متأسفانه عده‌ای همچنان برچسب‌های تخلیه چاه را بر در و دیوار خانه‌ها می چسبانند که لازم است شهرداری تهران شماره تلفنی را برای رسیدگی به شکایات، در اختیار شهروندان قرار دهد. چرا که رنگ درخانه براثر چسبیدن این آگهی‌ها از بین می‌رود و نمای بیرونی زشت می‌شود و حتی گاهی پلاک خانه‌ها ناخوانا می‌شود.

یک شهروند

سئوال ازمسئولان سازمان خصوصی‌سازی

مسئولان سازمان خصوصی‌سازی و وزارت امور اقتصادی و دارایی پاسخ دهند که چرا در قبال واگذاری شرکت مخابرات به بخش خصوصی، سهام کارکنان به صورت نصف از شرکت همراه اول و نصف از تلفن ثابت واگذار نشد در ضمن شرکت مربوط تمامی سنوات کارکنان را تصفیه نکرده است. از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تقاضای رسیدگی داریم.

کرج ـ شفیعی

چرا وزارت بهداشت سکوت کرده است؟

پزشکان در هر رده تحصیلی مجبورند هر سال در دوره‌های بازآموزی شرکت کنند تا امتیاز بگیرند و پروانه طبابتشان لغو نشود. حال چگونه است که وزارت بهداشت و درمان در مورد طب گیاهی سکوت کرده است و هیچ نظارتی بر پزشکان گیاه درمانی ندارد؟

پزشک عمومی

به جای سبد کالا پولش را بپردازند

با تشکر از اهدای سبد کالای رمضان به مستمری‌بگیران کشوری، تهیه اقلام آن برای مستمری‌بگیران سالمند مشکل است و در صورتی هم که برای حمل کالاهای یاد شده آژانس بگیرند، پول قابل توجهی باید بابت آن بپردازند. از اینرو بهتر است برای امثال ما به جای کالا، پول آن را به حساب‌هایمان واریز کنند تا از نظر تهیه سبد کالای رمضان مشکلی نداشته باشیم.

خانم مستمری‌بگیر سالمند

سؤال از سازمان بورس

سازمان بورس و اوراق بهادار لطفاً پاسخ دهد تکلیف سهام کسانی که اسامی شرکت‌هایشان از تابلوی بورس و شاید از صحنه روزگار حذف می‌شود چیست و با صرفاً برگه‌های سهامی که در دستشان باقی می‌ماند، چه کار باید کنند؟

از سهامداران شرکت ایران پاکت

عدم افزایش حقوق بازنشستگان بانک‌ها

متولد سال ۱۳۰۶ و تقریباً هم‌سن و سال روزنامه اطلاعات هستم! معلوم نیست ما بازنشستگان بانک‌ها جزء کدامیک از بازنشستگان کشورمان هستیم که امسال مشمول افزایش حقوق‌ها نشده‌ایم؟

حسین یزدانی

ارز مسافری برای والدین دانشجویان

جا دارد به والدینی هم که سالی یکبار برای دیدار فرزندانشان به خارج از کشور سفر می‌کنند، مانند زائران ارز مسافرتی تعلق گیرد. زیرا بسیاری از آنان بازنشسته و کم‌درآمد هستند و با ارز آزاد نمی‌توانند به خارج سفر کنند.

مادر دانشجوی مقیم خارج از کشور

از تخریب این باغ بزرگ جلوگیری کنند

در میدان اختیاریه، خیابان شهید لطیفی، خیابان شهید معماری، کوچه بهسر باغ بزرگ ۳۰ هزار مترمربعی با درختان کهنسال قرار دارد که گویا عده‌ای بساز و بفروش این درختان را از شهرداری خریده‌اند و می خواهند در آنجا برج بسازند.

با توجه به نیاز تهران و بخصوص منطقه اختیاریه به باغ‌ها و فضای سبز، از شهرداری منطقه ۳ و شورای شهر تهران تقاضا می‌شود از تخریب باغ مزبور و برجسازی در آنجا، جلوگیری به عمل آورند.

از اهالی محل

جلوگیری از افزایش قیمت قند و شکر

در حالی که ارزش سهام شرکت‌های تولیدکننده قند و شکر در سال‌های ۸۹ و ۹۰ رشد جهشی داشته و قیمت جهانی شکر نیز کاهش یافته است، تولیدکنندگان قند و شکر قصد افزایش دوباره قیمت محصولاتشان را پس از ماه مبارک رمضان دارند که ضروری است سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان با عمل به وظایف‌اش، از بالا رفتن قیمت قند و شکر جلوگیری کند.

احمدی

پاسخ مسئولان

پاسخ شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در مورد قطع و وصل برق

با سلام و احترام، ضمن تشکر از آن روزنامه وزین در خصوص انعکاس درخواست‌های مردمی، در پاسخ به مطلب مورخ ۹۱/۴/۲۴ آن رسانه محترم با عنوان «قطع و وصل برق» کوچه بوستان یکم شرقی واقع در خیابان فخاری مقدم، به آگاهی می‌رساند:

با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده در سامانه ثبت اطلاعات حوادث برق، موردی مبنی بر قطع و وصل برق در این محدوده مشاهده نگردید؛ لذا از مشترک محترم تقاضا می‌شود در صورت بروز مشکل با مرکز فوریت‌های برق ۱۲۱ تماس حاصل نمایند.

در خصوص خاموشی معابر

ضمن تشکر از آن روزنامه وزین در خصوص انعکاس درخواست‌های مردمی، در پاسخ به مطلب مورخ ۹۱/۰۴/۳۱ آن رسانه محترم با عنوان «خاموشی معابر، کوچه‌های صادقی و صوفیانی جنب اتوبان آهنگ» به آگاهی می‌رساند:

طی بازدید به‌عمل آمده مشخص شد روشنایی محدوده مذکور در حد مطلوب می‌باشد.

فرامرز حسین‌زاده ـ مدیر دفتر روابط عمومی

اخبار کوتاه شهرستان

تشکیل کمیته حقوقی در اتاق بازرگانی اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: اتاق بازرگانی اصفهان برای پیگیری مسائل حقوقی بازرگانان و فعالان اقتصادی کمیته حقوقی تشکیل می‌دهد.

سید عبدالوهاب سهل‌آبادی نایب رئیس اتاق بازرگانی اصفهان با اعلام این خبر افزود: فعالیت کمیته حقوقی گامی مهم برای کاهش مشکلات فعالان اقتصادی است.

به گفته وی، بازنگری قوانین جاری در حوزه تجارت یکی از اهداف فعالیت این کمیته است که زیرمجموعه کمیسیون پشتیبانی اتاق حرکت می‌کند.او تقویت بخش مشاوران امور مالیاتی و بیمه تأمین اجتماعی را از برنامه‌های اصلی کمیسیون پشتیبانی برشمرد و افزود: ارائه خدمات مشاوره قبل از تنظیم قراردادهای تجاری از به وجود آمدن بسیاری از مسائل و مشکلات جلوگیری می‌کند.

کامران پورجوهری رئیس مرکز داوری اتاق بازرگانی اصفهان نیز گفت: شناسایی معضلات ناشی از اجرا نشدن قانون‌های جاری کشور و شناسایی و بررسی قوانین دست و پا گیر و ارائه پیشنهادها برای اصلاح این قوانین از فعالیت‌های مهم این کمیته است.

او از فعالیت ۳۵۰۰ وکیل حقوقی در استان خبر داد و گفت: فقط ۱۵ نفر از این عده به صورت تخصصی در موضوع تجارت بین‌الملل فعالیت می‌کنند.

بررسی مشکلات حوزه راه و شهرسازی سرخس و تربت جام

مشهد- خبرنگار اطلاعات: قائم مقام وزیر و مدیرکل راه و شهرسازی خراسان رضوی از روند اجرایی پروژه‌های عمرانی و نحوه اجرای مصوبات هیات دولت در سرخس و تربت جام دیدن کرد.

مهندس محمدرضا قاسمی از قطعات در حال اجرای باند دوم محور مشهد–سرخس و روکش آسفالت محور قدیم این جاده دیدن کرد.

وی همچنین با بازدید از سایت مسکن مهر این شهرستان و طرح تعویض بوژی ایستگاه راه آهن سرخس به بررسی مشکلات حوزه راه و شهرسازی این شهرستان پرداخت.او در ادامه با حضور در تربت جام، با بازدید از سایت مسکن مهر، مشکلات موجود در اجرای پروژه‌های عمرانی این شهرستان را بررسی کرد.بازدید ازپروژه‌های بهسازی محور صالح آباد- دوراهی سرخس، بررسی مشکلات حوزه راه و شهرسازی صالح آباد و بازدید از پروژه پایلوت‌روسازی بتن غلتکی روستای فالیزک از دیگر برنامه‌های مدیرکل راه و شهرستازی خراسان رضوی در این سفر بود.

برگزاری برنامه‌های فرهنگی و معنوی در لنجان

زرین شهر- خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان لنجان در استان اصفهان گفت: ستاد رمضانیه امسال در ماه مبارک با برنامه‌های متنوع فرهنگی و معنوی با هدف مقابله با هجمه‌های فرهنگی دشمنان اقدام به برگزاری محافل انس با قرآن با حضور قاریان ممتاز کشوری، تفاسیر سوره‌های بینات، فتح و دخان، برگزاری مسابقات هفت آسمان جوانی که درکانون‌های فرهنگی تبلیغی شهرستان کرده که درحال اجرا است. حجت‌الاسلام صائبی از برگزاری دوره‌های «گل‌های زندگی» و «زیر یک سایبان مهر» ویژه خواهران برای تحکیم بنیان اعتقادی مذهبی خانواده‌ها و هم اندیشی طلاب در دفتر امام جمعه شهر خبر داد.

آموزش مامایی و کمک‌های اولیه به زنان عشایر

سمیرم- خبرنگار اطلاعات: ۲۰۰ نفر از زنان عشایر آموزش کمک‌های اولیه و مامایی می‌بینند.

هاشمی رئیس اداره امور عشایر سمیرم در استان اصفهان با اعلام این مطلب افزود: شبکه بهداشت و درمان سمیرم برای نخستین بار در راستای حمایت از زنان عشایر به آنها آموزش‌های بهداشتی می‌دهد.

به گفته وی، زنان عشایر پس از گذراندن دوره‌های مقدماتی، دوره تکمیلی را گذرانده و افراد برتر این دوره که ۲۰ نفر خواهند بود به صورت همیار بهداشتی عشایر را در مسیر کوچ همراهی خواهند کردو از حقوق و بیمه برخوردار خواهند شد. هاشمی، حضور زنان از تمام طوایف عشایری را در این کلاس‌ها حائز اهمیت دانست و گفت: در مواقع ضروری و دسترسی نداشتن عشایر به امکانات درمانی و بعد مسافت این افراد می‌توانند کمک حال مصدومان باشند.

وی پراکندگی عشایر در مناطق ییلاقی را لازمه فراگیری دوره‌های مامایی و کمک‌های اولیه برای زنان عشایر دانست.

بازپیرایی سرای گمرک بازار بزرگ کاشان

کاشان – خبرنگاراطلاعات: مرمت ضلع شرقی سرای گمرک در مجموعه بازار بزرگ کاشان رو به اتمام است.

حسین یزدانمهر سرپرست اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کاشان افزود: این پروژه با اعتبار ۳۵۰ میلیون ریال و به مدت سه ماه انجام شد.

وی گفت: بخشی از اعتبارات این پروژه از محل اعتبارات ملی و بخش دیگر از اعتبارات استانی تامین شد.

به گفته وی از نخستین اقدامات مرمتی پروژه یاد شده، کندن لایه‌های فرسوده ضلع شرقی و تخریب جرزها و بدنه فرسوده خشتی که از حالت شاقولی خارج شده بودند و خطر ریزش داشتند در دستور کار قرار گرفت سپس در مرحله بعدی اقداماتی از جمله اجرای جرز خشتی با ملات گل، اجرای تویزه و طاق به صورت کاشی پوش، اجرای پالانه روی سقف خشتی با آجر سفال و ملات گچ و خاک، اجرای پالانه، اجرای قید بندی با آجر سفال و ملات گچ و خاک، اجرای اندود غوره گل جهت شیب بندی بام‌ها، اجرای دو لایه کاهگل نهایی و در نهایت نماچینی و سفید کاری داخل بدنه‌ها انجام گرفت.

وی اظهار داشت: مرمت ضلع‌های دیگر این سرا همچنان ادامه دارد و اجرای کامل مرمت این اثر تاریخی نیاز به اعتبارات بیشتری دارد که اداره میراث فرهنگی کاشان در حد توان خود برای بازسازی این سرا و نمونه‌های مشابه در بازار تاریخی اقدام خواهد کرد.سرپرست اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کاشان با اشاره به اهمیت تاریخی سراها و دیگر آثار موجود در بازار کاشان یادآور شد:با توجه به مکاتبات و تفاهمات صورت گرفته با سازمان میراث فرهنگی کشور و اداره کل استان اصفهان، اداره میراث فرهنگی کاشان آمادگی خود را نسبت مرمت کامل سراها، تیمچه‌ها ومجموعه تاریخی بازار کاشان به صورت مشارکتی (۱/۳ میراث فرهنگی، ۱/۳ شهرداری و ۱/۳ مالکین) اعلام می‌دارد.

وی افزود: مجموعه بازار بزرگ کاشان نمونه بی بدیل یکی از زیباترین بازارهای ایران است که از دیرباز به جهت ساماندهی منظم و معماری بی نظیر و با شکوه مجموعه فضاهایش مورد توجه و تحسین بوده است. آب انبار صباغ، مسجد مدرسه میانچال، مسجد میرعماد، مسجد امام خمینی (سلطانی)، آب انبار و حمام گذر نو و حمام خان از نمونه‌های آثار موجود در مجموعه تاریخی بازار کاشان هستند که برای نگهداری این بنای عظیم تاریخی توجه بیشتر مسئولین و یاری کسبه و بازاریان را می‌طلبد.

کاروانسرای گمرک که از نظر وسعت و بزرگی در بازار کاشان بی همتاست، در سمت شمالی بالابازار و نزدیک میدان سنگ واقع است. درباره وجه تسمیه این کاروانسرا آمده است: در دوره قاجاریه که گمرک محلی و ولایتی معمول بود، چون دفتر مرکزی گمرکات کاشان در سرای شریف خان دایر بود، از آن جهت به سرای گمرک مشهور شد و نخستین پستخانه شهر در آن ساخته شد. در بالای ورودی حجره‌های اطراف میانسرا، کاشی‌های منقوش هندسی و روایی وجود دارد که مجلس رزم و شکار را نمایش می‌دهد. سرای گمرگ از بناهای دوره صفویه مجموعه بازار بزرگ کاشان است که به شماره ۳۶۲۶ در تاریخ ۷۹ /۱۲/۲۵ در فهرست آثار ملی قرار گرفته است.

شورایاران، رابط بین مردم و شورا هستند

قزوین –خبرنگار اطلاعات : نایب رئیس شورای اسلامی شهر قزوین گفت: شورایاران باید همه نیازها و خواست ها و معضلات شهری، فرهنگی و اجتماعی را از شهروندان جمع آوری کنند و برای برنامه ریزی به شورای شهر ارائه دهند.

محمد خورشیدی در نشست اعضای شورای شهر، شهردار و مدیران شهرداری قزوین با شورایاران محلات شهر قزوین با اعلام اینکه «موضوعات شهری ازبدو تولد تا مرگ همراه شهروندان است» افزود : شورای شهر با تصویب لوایح و طرح ها و هماهنگی ونظارت برکار شهرداری به امور مردم در شهر رسیدگی می کند .

وی با اظهار اینکه درجلسات شورایاری های نواحی ؛ مدیران ارشد یا نمایندگان سازمان های وابسته شهرداری برای پاسخگویی به مطالبات شهروندان حضوردارند، افزود: برخی خواست های شورایاران به دلیل محدودیت های بودجه ای وساختاری قابلیت اجرایی درکوتاه مدت را ندارد.

شهردار قزوین هم در این جلسه شهروندان را بزرگترین سرمایه اجتماعی شهرداری دانست و گفت: هیچ سرمایه و ثروتی برای شهرداری بالاتر از اعتماد شهروندان نیست. وی با تقدیر از همراهی شورایاران نواحی با شهرداری و اعضای شورای اسلامی شهر به برگزاری مراسم بزرگداشت روز قزوین در ۹ شهریور اضافه کرد: با نزدیک شدن روز قزوین، گذشته پرافتخار این شهر در سطح ملی و آینده آن به صورت زیبا و ماهرانه به تصویر کشیده می شود.

وی با اشاره به چشم انداز مدرن شهر قزوین مبنی بر اینکه شهر قزوین یک شهر تاریخی، فرهنگی،گردشگری، تجاری و بازرگانی و دانشگاهی است، افزود: ساخت پنج هتل و ۳۱ برج و تقاطع های غیرهمسطح علاوه بر تامین رفاه و آسایش شهروندان موجب تحول اقتصادی شهر خواهد شد.

شهردار قزوین وجود ۱۱۳۷ اثر تاریخی در شهر قزوین و سه منطقه ویژه گردشگری اوان، کامان و باراجین را موجب رونق گردشگری قزوین در آینده نزدیک دانست و گفت: ایجاد تحول در شهر با حضور سرمایه گذاران بخش خصوصی امکانپذیر است.

نصرتی ساخت بولوارهای باهنر، امام علی(ع)، مطهری، شرق ملاصدرا و شهید انصاری را موجب تسهیل عبور و مرور دانست و افزود: بهره برداری از پروژه شهربازی در بوستان باراجین برای شهر حائز اهمیت است.

وی با اشاره به ساخت پروژه ۳۳۰واحدی در هادی آباد قزوین اضافه کرد: ساخت پارکینگ طبقاتی بوعلی، پارکینگ طالقانی با حضور سرمایه داران و ساخت ۱۱۰برج طبقاتی مسکونی- اداری بزرگ در سطح شهر موجب تحول خواهد شد.

شهردار قزوین با بیان اینکه «اجرای شیوه تمام مکانیزه صدور پروانه ساختمانی در حوزه شهرسازی مناطق، خدمت مهمی به شهروندان به شمار می‌رود، از شورایاران نواحی شهری خواست نسبت به اطلاع رسانی مستقیم با مردم اقدام کنند.

نصرتی از ساخت تقاطع غیرهمسطح خلیج فارس در جنوب شهر و ابتدای جاده بوئین زهرا در صورت اختصاص سهم دولتی آن خبر داد و افزود: در خیابان های تبریز، محمدیه، هادی آباد خانه هایی که در گذر ترافیکی قرار دارند خریداری می شود و با بازگشایی معبر، آسایش شهروندان فراهم می شود.او با اشاره به بودجه ۳۵۰میلیارد تومان شهرداری و ۴۰۰میلیارد تومان سرمایه گذاری سال گذشته افزود : با اعتماد مدیران شهری و همراهی شهروندان باید به آرمان خود برای رسیدن به آینده پرافتخار قزوین تلاش کنیم.

افزایش مشترکین گاز استان لرستان

خرم‌آباد ـ خبرنگار اطلاعات: در سه ماهه اول امسال حدود ۵۰۰۰ خانوار در استان لرستان از مزایای گاز بهره‌مند شده‌اند و جمعیت زیر پوشش گاز در استان به بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر رسیده است.

مدیرعامل شرکت ملی گاز استان لرستان با اعلام این مطلب افزود: در حال حاضر ۲۰ شهر و ۲۹۱ روستا از گاز بهره‌مند هستند که بیش از ۹۸ درصد جمعیت شهری و نزدیک به ۸۴درصد جمعیت روستایی استان را شامل می‌شود.

وی یادآور شد: در مجموع ۸۷ درصد از جمعیت لرستان از مزایای گاز بهره‌مند هستند که امید می‌رود با بهره‌برداری و اجرای طرح‌های آتی در استان این رقم به ۹۴ درصد برسد.

علی گودرزی گفت: از مجموع ۴۰۰۰ مورد اشتراک که در ۳ماه نخست امسال به هم استانی‌های عزیز واگذار شده بیش از ۹۰ درصد آن در روستاها بوده است.

او یادآور شد: در حال حاضر ۳۸ هزار کیلومتر شبکه گاز در استان اجرا شده که بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر آن در روستاها است و رشد جهادگونه گازرسانی به روستاها با شتاب ادامه دارد.گودرزی در ادامه با بیان این که در حال حاضر ۳۲۵ هزار مشترک گاز در استان وجود دارد افزود: از این شمار ۲۵۶هزار مورد مشترک شهری و ۶۹ هزار مورد نیز مشترکین روستایی هستند.

برگزاری محفل انس با قرآن در لوشان

لوشان ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم انس با قرآن با حضور داور بین‌المللی در مسجد جامع شهر لوشان برگزار شد.

این مراسم همزمان با شب ولادت کریم اهل بیت امام حسن مجتبی(ع) و با حضور قاریان ممتاز کشوری و استانی و داور بین‌المللی و نفر اول مسابقات بین‌المللی استاد حاج محمود لطفی نیا و حافظ کل قرآن کریم استاد حسن رجبی و مولودخوانی و مداحی اسماعیل‌پور برگزار شد.

در این مراسم همچنین جوانان روزه‌دار، مؤذن فرماندار، سرهنگ عاشوری فرمانده سپاه ناحیه رودبار، مسئولان ادارات، نهادها و روحانیت حضور داشتند.

استقرار ۸ واحد فن‌آور در دانشگاه آزاد قزوین

قزوین – خبر نگار اطلاعات: هشت واحد فن‌آور دارای ایده‌های دانش‌بنیان در مرکز رشد واحدهای فن‌آور دانشگاه آزاد اسلامی قزوین استقرار یافتند.رئیس مرکز رشد واحدهای فن‌آور با اعلام این خبر افزود: نزدیک به ۷۰ طرح ارائه شده از سوی دانشجویان و دانش‌آموختگان برای شروع فعالیت در این مرکز ارائه شده است که نشان دهنده علاقه، استعداد و توانمندی نیروی جوان جامعه و دانشگاه آزاد اسلامی قزوین است.

دکتر علی شاه‌حسینی درادامه آمادگی این مرکز را برای بازدید دانشجویان از شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر و همچنین اخذ واحد کارآموزی در راستای افزایش قوه خلاقیت و نوآوری دانشجویان علاقه‌مند اعلام کرد.وی با تاکید برآمادگی این مرکز ازبازدید دانشجویان علاقه‌مند از شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در دانشگاه آزاد اسلامی قزوین از اخذ واحد کارآموزی در راستای افزایش قوه خلاقیت و نوآوری دانشجویان علاقه‌مند نیز از سوی این مرکز خبر داد.او افزود: برگزاری نشست‌های تخصصی در دانشکده‌ها با بیان تجربیات این هسته‌ها برای دانشجویانی که بیشترین نقش‌آفرینی را در فعالیت‌های فن‌آورانه دارند و نیز پرورش نیروی متخصص فراوان جویای کار و اشتغال به سمت کارآفرینی از برنامه‌های آتی این مرکز است.وی اظهار امیدواری کرد: با حمایت‌های معنوی و مادی از متقاضیان با ایجاد امید در دل جوانان جویای کار و تولید، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین به عنوان یک دانشگاه پیشرو در زمینه‌های آموزش و پژوهش بتواند نقش پررنگ‌تری را در کارآفرینی مبتنی بر فن‌آوری ایفا کند.

آشنایی با پیامدهای مواد مخدر در لارستان

اوز ـ خبرنگار اطلاعات: کارگاه آموزشی آشنایی با انواع مواد مخدر و عوارض مصرف آن در تالار فرمانداری ویژه لارستان برگزار شد. در این کارگاه عده‌ای از مسئولان ادارات، نهادها و ارگان‌های مختلف شرکت داشتند و رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر استان فارس در مورد رتبه مواد مخدر، تهدیدات، نحوه فعالیت و تبلیغات و نحوه تاثیرگذاری بعد از مصرف هر یک از مواد به طور کامل توضیح داد. سروان شهرام سلامی در این کارگاه گفت: فارس در عرصه مبارزه با قاچاقچیان و سوداگران مرگ تاکنون ۳۷۰۰ شهید، ۱۲ هزار جانباز و میلیاردها تومان هزینه کرده است. وی افزود: مواد مخدر سومین تجارت پول ساز درجهان است که با تبلیغات ظریف برای جوانان اعتیاد آور شده است. او با اشاره به تلاش پلیس گفت: در چهار ماه گذشته، ۳ تن مواد مخدر در لارستان و ۹ تن، در فارس کشف و ضبط شده. وی اضافه کرد: مواد مخدر در بعضی از آرایشگاه‌ها و مغازه‌ها به عنوان قرص‌های لاغری، چاقی و اشتهاآور در دسترس است.

کارگاه آموزشی آشنایی با انواع مواد مخدر به همت موسسه همیاران سلامت روان کرانه مهر وابسته به بهزیستی و با همکاری معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی لارستان برگزار شد.

نیشابور؛ قهرمان مسابقات دو و میدانی دانش‌آموزان پسر خراسان رضوی

نیشابور ـ خبرنگاراطلاعات: کارشناس مسئول تربیت بدنی آموزشگاه‌های اداره آموزش و پرورش نیشابور از قهرمانی تیم‌های دو و میدانی سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه این شهر در مسابقات دانش‌آموزان خراسان رضوی خبر داد.

سید عبدالله علی‌آبادی افزود: در این مسابقات که به میزبانی نیشابور برگزار شد، ۷۰۰ دانش‌آموز دونده از ۳۰ شهرستان، ناحیه و منطقه آموزش و پرورش استان با یکدیگر به رقابت پرداختند.

وی اظهار داشت: در مقطع ابتدایی پس از نیشابور، تیم‌های ناحیه ۶ مشهد و سبزوار به ترتیب دوم و سوم شدند.

وی ادامه داد: تیم‌های نیشابور، سبزوار و ناحیه ٤ مشهد نیز به ترتیب در مقطع راهنمایی بر سکوهای اول تا سومی ایستادند.

علی‌آبادی اضافه کرد: در مقطع متوسطه نیز تیم نیشابور قهرمان شد و تیم‌های سبزوار و ناحیه ٦ مشهد جایگاه‌های دوم و سومی را به دست آوردند.

جنگ تحمیلی از آغاز تا پایان

اختلاف ایران و عراق، به زمانهای قبل از تأسیس عراق برمی‌گردد. یعنی زمانی که این کشور جزیی از خاک امپراتوری عثمانی بود، چالش و درگیری میان ایران و این امپراتوری وجود داشته و دو کشور بر سر اختلافات مرزی همواره مشغول درگیری و تنازع بودند.

به‌طور کلی در مورد تعدد درگیری‌ها و عهدنامه‌های منعقد شده بین دو کشور، می‌توان گفت از سال ۱۵۵۵م. که عهدنامه معروف آماسیه بین آن‌ها به امضا رسید، تا سال ۱۹۷۵م. که عهدنامه مرزی و حسن همجواری در الجزایر بین ایران و عراق منعقد شد ـ یعنی در طول حدود ۴۰۰ سال ـ حدود ۲۵ جنگ، و ۲۰ عهدنامه بین ایران و همسایه غربی آن، در مورد اختلافها و تعیین مرز بین دو کشور به امضا رسید[1] که نشان‌دهنده تعداد برخوردها و منازعات بین این دو کشور است.

چالش میان ایران و همسایه غربی او، پس از تجزیه امپراتوری عثمانی و تشکیل دولت عراق، این بار با دولت عراق همچنان ادامه داشت تا این که اولین عهدنامه رسمی بین آنها در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی (۱۹۳۷م.) بسته شد.[2]

اما پس از مدتی، اختلافات و منازعات بین دو کشور دوباره شروع شد؛ تا اینکه بر اثر تلاش‌های رهبر فقید الجزایر، «حواری بومدین»، عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حُسن همجواری در خرداد ۱۳۵۴ بین دو کشور به امضا رسید و روابط دو کشور عادی شد؛ ولی حمله عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ دوباره دامنه منازعات دو کشور را ـ این بار در سطحی وسیع ـ شدت بخشیده و جنگی هشت ساله بین دو کشور آغاز شد.

علل و عوامل شروع جنگ

عوامل حمله عراق به ایران را می‌توان به سه دسته داخلی ایران، داخلی عراق و بین‌المللی تقسیم کرد؛ که در زیر به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم:

الف) عوامل داخلی ایران

اوضاع و احوال ایران بعد از پیروزی انقلاب در سه زمینه نظامی، اقتصادی و سیاسی مساعد نبود؛ به گونه‌ای که مجموعه این شرایط، دشمنان انقلاب اسلامی را به این جمع‌بندی رساند که از طریق یک جنگ همه‌جانبه علیه ایران، قادر خواهند بود آن را به زانو درآورده و ساقط کنند یا حداقل آن را به تعدیل در مواضع و اقداماتش مجبور سازند.

در زمینه نظامی هم بنا به دلایل گوناگونی مانند از هم‌پاشیدگی ارتش به جای مانده از رژیم گذشته، قطع مراوده‌های نظامی و تسلیحاتی با دیگر کشورها، نوپا بودن و تجربه نداشتن سپاه پاسداران در جنگ کلاسیک و... این ذهنیت در حکام بعثی عراق و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش شکل گرفت، که حمله نظامی به ایران با مقاومت نظامی چندانی مواجه نخواهد شد.[3]

از نظر اقتصادی هم به دلیل تضعیف اقتصاد کشور بر اثر وقوع انقلاب، این تصور برای عراق و حامیانش به وجود آمد که ایران توان تحمل و تأمین هزینه‌های یک جنگ همه‌جانبه را نخواهد داشت و بر اثر آن، مجبور می‌شود به سرعت مقابل خواست‌های مهاجمان تمکین کند.

از نظر سیاسی هم وضع کشور بعد از پیروزی انقلاب، بحرانی و متشنج بود. از یک طرف در داخل کشور بین گروههای مختلف و حتی سران نظام ـ بنی‌صدر و لیبرالها از یک طرف و نیروهای خط امام(ره) از طرف دیگر ـ توافق و همسویی وجود نداشت و از طرف دیگر در سطح بین‌المللی هم رابطه ایران با کشورهایی چون امریکا و شوروی و در پی آن کشورهای منطقه، تیره بوده و در نتیجه، ذهنیت ضعیف بودن ایران و ثمربخش بودن حمله به آن، در مخالفان انقلاب اسلامی ایجاد شد.[4]

عوامل داخلی عراق

عامل دیگر آغاز جنگ ایران و عراق، به شرایط داخلی کشور مهاجم برمی‌گردد. به عبارتی عوامل مختلف ایدئولوژیکی، ناسیونالیستی و قومی، اجتماعی، سیاسی، ارضی، تاریخی، حقوقی و شخصی در حمله عراق به ایران دارای نقش بوده‌اند.[5] یعنی ماهیت توسعه‌طلبانه حزب بعث و باورهای ناسیونالیستی آنها مبنی بر رهبری جهان عرب، مخالفت با انقلاب اسلامی و بازتابهای آن ـ که یکی از مهمترین آنها، نگرانی سران حزب بعث از وقوع جنبش شیعیان عراق متأثر از انقلاب اسلامی بود ـ تلاش برای کسب ژاندارمی منطقه و ارتقای موقعیت سیاسی خود پس از سقوط شاه، به دست آوردن حاکمیت کامل بر اروندرود و خوزستان و استرداد جزایر سه‌گانه و در نهایت جاه‌طلبی و فرصت‌طلبی صدام، همگی دست به دست هم داده و زمینه حمله عراق به ایران را فراهم آوردند.

عوامل بین‌المللی

علاوه بر شرایط داخلی ایران و عراق، آنچه که حاکمان حزب بعث عراق را به حمله همه‌جانبه نظامی علیه ایران ترغیب کرد، شرایط حاکم بر نظام بین‌المللی و مواضع دو ابرقدرت آمریکا و شوروی (سابق) نسبت به این رویداد بود.

انقلاب اسلامی ایران از بدو پیدایش، دنیای غرب و همچنین ابرقدرت شرق آن زمان را به مبارزه طلبید. به لحاظ نظری، انقلاب اسلامی اساس نظم بین‌المللی را که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته بود، زیر سؤال برد. نظمی که به دلیل وجود سلطه دو ابرقدرت جهانی در روابط بین‌المللی پذیرفته شده بود.

انقلاب اسلامی ایران آشکارا مخالفت خود را با سلطه دو ابرقدرت به ویژه امریکا اعلام کرد و هنگامی که دانشجویان پیرو خط امام سفارت آمریکا را در تهران تسخیر کردند، ایران نشان داد که عملاً قصد درگیری با نظام بین‌المللی مبتنی بر وجود دو قطب مسلط را دارد. به علاوه این تصور که انقلاب اسلامی با گسترش روزافزون خود منافع غرب را در سراسر جهان و به ویژه خاورمیانه به خطر می‌اندازد، آرامش را از آمریکا و متحدانش سلب کرد.

در چنین شرایطی، ضربه زدن به ایران از طریق تجاوز نظامی یک کشور ثالث، می‌توانست منافعی برای آمریکا به همراه داشته باشد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. از دید آمریکایی‌ها، فشارهای سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ، به فروکش کردن احساسات انقلابی مردم ایران کمک می‌کرد و به اصطلاح انقلابی‌ها را بر سر عقل می‌آورد و سرانجام روند انقلاب اسلامی را در مسیر مورد نظر و دلخواه امریکا قرار می‌داد.

۲. پیامدهای جنگ، ایران را متقاعد می‌کرد که برای تأمین نیازمندیهای خود، به ویژه نظامی و تسلیحاتی، به آمریکا روی آورد.

***در مجموع، موضع مساعد آمریکایی‌ها و سکوت همراه با رضایت روسها و همسویی کشورهای منطقه که انقلاب اسلامی را خطری جدی برای بقای خویش تلقی می‌کردند، از عوامل عمده مساعد بین‌المللی و منطقه‌ای بودند که صدام را در تجاوز به ایران ترغیب و تشویق کردند**

۳. جنگ ایران را وادار می‌کرد یا خود را تسلیم وضع جاری جهان کرده و ناچار اهداف انقلابی خود را فراموش کند یا در پی مقاومت در برابر تجاوز عراق، بر اثر کمبود سلاح از پا درآید که در هر دو صورت نتیجه به سود امریکا بود.

۴. فشارهای اقتصادی، نظامی و سیاسی منجر به ایجاد نارضایتی مردم از هیأت حاکمه جدید در ایران می‌شد.

۵. ایجاد تفرقه میان مسلمانان و رودررو قرار دادن کشورهای عربی با ایران و بازداشتن اعراب از توجه به اسرائیل و متوجه ساختن آنها به ایران، از دیگر اهداف مورد نظر امریکایی‌ها از چنین تجاوزی بود.

۶. هدف دیگر امریکایی‌ها در کوتاه مدت و به صورت مقطعی، وارد آوردن فشار به ایران برای آزادساختن گروگانهای آمریکایی بود.[6]

شوروی هم در این جنگ در ظاهر اعلام بی‌طرفی می‌کرد، اما در نهان به پشتیبانی از عراق می‌پرداخت. این کشور با آنکه قبلاً از تجاوز عراق به ایران آگاه بود، ولی هیچ تلاشی برای بازداشتن صدام از حمله به ایران به عمل نیاورد، زیرا آغاز این جنگ برای شوروی هم منافعی به دنبال داشت که مهمترین آنها عبارت بودند از:

۱. شوروی که از دیرباز قراردادهای نظامی و امنیتی گوناگونی با عراق منعقد کرده و به صورت بزرگترین پشتیبان این کشور درآمده بود، با شروع جنگ امیدوار بود به عمده‌ترین تأمین‌کننده نیازهای تسلیحاتی عراق تبدیل شده و از گرایش رو به رشد غربگرایانه در حزب بعث جلوگیری کند.

۲. با توجه به رقابت میان دو ابرقدرت جهان، شوروی پس از وقوع انقلاب اسلامی و خروج ایران از مدار غرب بی‌میل نبود از طریق اعمال فشار به جمهوری اسلامی، ایران را در زمره کشورهای بلوک شرق درآورد.

۳. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روس‌ها مناطق مسلمان‌نشین خود را که بیش از ۶۰ میلیون جمعیت داشتند، آماج اهداف و شعارهای انقلاب اسلامی می‌دیدند و وقوع جنگ می‌توانست تا حدودی روس‌ها را از خطر احتمالی گسترش اسلامگرایی در برخی از مناطق سرزمینی‌اش آسوده‌خاطر سازد.

۴. با شروع جنگ اتحاد شوروی می‌توانست جمهوری اسلامی ایران را برای حل مسالمت‌آمیز مسأله افغانستان تحت فشار قرار دهد و منجر به قطع کمک‌های ایران به مجاهدین افغانی شود.

در مجموع، موضع مساعد آمریکایی‌ها و سکوت همراه با رضایت روسها و همسویی کشورهای منطقه که انقلاب اسلامی را خطری جدی برای بقای خویش تلقی می‌کردند، از عوامل عمده مساعد بین‌المللی و منطقه‌ای بودند که صدام را در تجاوز به ایران ترغیب و تشویق کردند.[7]

مراحل و مقاطع مهم جنگ ایران و عراق

جنگ هشت ساله ایران و عراق به عنوان یکی از طولانی‌ترین جنگهای معاصر دنیا، دارای مقاطع و مراحل مختلفی بوده است. محققان از زوایای گوناگون به تقسیم‌بندی مقاطع عمده این رویداد پرداخته‌اند، ولی این نوشتار که هدف اصلی‌اش بررسی سیره امام خمینی(س) درباره جنگ ایران و عراق و به‌طور مشخص قطعنامه ۵۹۸ است، جنگ را به سه مقطع اساسی آغاز، تداوم و پایان آن تقسیم‌بندی کرده و به بحث درباره آن می‌پردازد.

الف) از آغاز جنگ تا بازپس‌گیری خرمشهر (شهریور ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۱)

این مرحله از جنگ، با حمله عراق به ایران آغاز شد. یعنی ارتش عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ هـ.ش (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) حملات خود را به ایران آغاز کرده و در مدت کمی موفق شد تا نواحی زیادی از خاک ایران را به تصرف خود درآورد.[8]

در این زمان، ایران آمادگی لازم برای مقابله با نیروهای متجاوز عراقی را نداشته و اندک عملیات‌هایی هم که علیه عراق انجام می‌گرفت با شکست مواجه می‌شد. از طرف دیگر، وضعیت داخلی در اثر وارد عمل شدن لیبرالها و منافقین، دچار بحران شده بود؛ لذا بن‌بست نظامی در جبهه‌های جنگ و بحران سیاسی در داخل، ایران را با وضعیت دشواری مواجه ساخت، به گونه‌ای که تداوم حیات سیاسی و نظامی کشور در معرض چالشهای بنیادی قرار گرفت.[9]

به‌طور کلی در این مرحله از جنگ، برتری نظامی از آن عراق بوده و نیروهای ایران هرچند توانستند تا حدودی جلوی پیشرفت دشمن را بگیرند و حتی برخی از نواحی اشغال شده را آزاد سازند، ولی آزادسازی شهر خرمشهر، که از مناطق حساس کشور بود و عراق به عنوان برگ برنده جنگ روی آن حساب می‌کرد، تا سال ۱۳۶۱ به طول انجامید.

***از دید آمریکایی‌ها، فشارهای سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ، به فروکش کردن احساسات انقلابی مردم ایران کمک می‌کرد و به اصطلاح انقلابی‌ها را بر سر عقل می‌آورد و سرانجام روند انقلاب اسلامی را در مسیر مورد نظر و دلخواه امریکا قرار می‌داد**

ب) از بازپس‌گیری خرمشهر تا تغییر توازن به نفع عراق (خرداد ۱۳۶۱ تا نیمه دوم ۱۳۶۶)

این دوره که طولانی‌ترین دوره در جنگ ایران و عراق محسوب می‌شود با آزادسازی شهر خرمشهر، پس از عملیات بیت‌المقدس در اردیبهشت ۱۳۶۱، آغاز شد.

به‌طور کلی پس از فتح خرمشهر، موازنه نظامی به نفع ایران عوض شد و ایران با کسب برتری نظامی، درصدد برآمد تا با اشغال مناطقی از خاک عراق و تهدید نقاط حساس آن (مناطقی مثل بصره) این کشور را به پذیرش خواسته‌های خود مجبور کرده و بتواند به عنوان پیروز جنگ، به آن خاتمه دهد؛ اما ارتش عراق در اثر حمایتهای بین‌المللی و تحکیم موقعیت خود، توانست توان دفاعی خود را بالا برده و با شکست نیروهای ایران در عملیات رمضان، موازنه را به سود خود تغییر دهد.[10]

لذا ایران که دستیابی به پیروزی سریع را غیرممکن می‌دانست، از این زمان به بعد به دنبال یک عملیات پیروز، و قرار دادن دشمن در وضعیت دادن امتیاز و تقبل شرایط ایران بود. به همین خاطر فشارهای خود را بر عراق افزایش داده و توانست طی عملیات خیبر، در اسفند ۱۳۶۲، خطوط دفاعی دشمن را بشکند و جزایر مجنون را فتح نماید.[11]

از طرف دیگر، عراق که دستیابی به پیروزی در جنگ را غیرممکن دیده بود و از همان اوایل جنگ، بخصوص زمان از دست دادن خرمشهر به بعد، خواهان اتمام جنگ بود، برای وادار کردن ایران به پذیرش آتش‌بس و اتمام جنگ، حملات خود را علیه ایران گسترش داد؛ از یک‌سو اقدام به استفاده از گازهای سمی و شیمیایی علیه نیروهای ایران در جبهه‌های جنگ نمود، و از سوی دیگر مناطق مسکونی و غیرنظامی و همچنین نفتکشهای ایران را مورد حمله قرار داد.

در این زمینه، طارق عزیز در رابطه با حمله به نفتکشهای ایرانی استدلال کرد که این حمله سبب پایان یافتن جنگ خواهد شد؛ زیرا اگر ایران پول نفت نداشته باشد نمی‌تواند اسلحه مورد نیاز خود را از بازارهای سیاه تهیه کند.[12]

در زمان حملات گسترده عراق و حمایتهای گسترده بین‌المللی از آن، نیروهای ایرانی بر اساس سیاست تداوم جنگ، در بهمن ۱۳۶۴ با اجرای عملیات والفجر ۸، شهر فاو عراق را تصرف کرده و وضعیت جنگ را به نفع ایران عوض کردند. به‌طور کلی، فتح فاو زنگ خطر را برای ابرقدرتهای حامی عراق به صدا درآورد و آنها به این فکر افتادند که باید به نوعی این جنگ خاتمه یابد؛ چون در دنیای غرب این نگرانی به وجود آمد که ایران برنده جنگ خواهد شد؛[13] لذا آنها از یک طرف به گسترش حمایتهای خود از عراق پرداختند و از طرف دیگر تحریمهای همه‌جانبه خود را علیه ایران افزایش دادند و در نهایت، با تصویب قطعنامهٔ ۵۹۸ خواهان اتمام جنگ شدند. در این زمان گرچه نیروهای ایران همچنان به پیشروی خود ادامه داده و حتی نتوانستند در عملیات کربلای ۵ در دی ماه ۱۳۶۵ در منطقه شلمچه، شکست سنگینی را بر ارتش عراق وارد سازند، ولی ترس قدرتهای بزرگ و بخصوص امریکا از پیروزی ایران، سبب حضور آمریکا در خلیج فارس و در نتیجه رویارویی و درگیری او با ایران شد.

لذا با توجه به مشکلات پیش آمده و افزایش فشارهای همه‌جانبه علیه ایران، تداوم جنگ برای ایران مشکل گردیده و تعیین سرنوشت جنگ، به عنوان یک شعار در کشور مطرح شد؛ به گونه‌ای که مسئولین مملکتی در این زمینه شروع به چاره‌اندیشی کردند.

ج) مرحله تغییر توازن به نفع عراق تا پایان جنگ (نیمه دوم سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۷)

در این مرحله، آمریکایی‌ها به همراه شوروی، تنها راه حل اتمام جنگ را تغییر استراتژی عراق از تدافعی به تهاجمی دانسته و در نتیجه، تغییر اساسی در موازنه جنگ به نفع عراق، شرط اولیه پایان سریع جنگ تلقی شد.[14]

به همین خاطر، آنها به حمایت گسترده از عراق پرداختند؛ به گونه‌ای که در اثر این حمایتها، عراق توانست در فروردین ۱۳۶۷ شهر فاو را بازپس گیرد و همچنین در تیر ۱۳۶۷ جزایر مجنون را تصرف نماید.

در این بین، آمریکا در ادامه فشارهای خود، هواپیمای مسافربری ایران را در تیر ماه ۱۳۶۷ در خلیج فارس ساقط کرد[15] و جدی‌ترین تهدید خود را علیه ایران به کار برد. این کار امریکا، پیام روشن و قطعی آنها مبنی بر تشدید جنگ در صورت عدم اقدام ایران برای خاتمه دادن به آن بود.

بنابراین، ایران که از هر جهت تحت فشار بود، تداوم جنگ را به نفع خود ندانسته و در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته و شرایط را برای خاتمه یافتن جنگ فراهم ساخت.

پی نوشت:

۱- اردستانی، حسین؛ رویارویی استراتژیها (جنگ ایران و عراق)؛ ص ۲۶.
۲- ولایتی، علی اکبر؛ تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران؛ ص ۲۸.
۳- همان؛ ص ۳۶.
۴- سلامتی، حسن؛ «علل به وجود آورنده جنگ عراق علیه ایران»، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل: مجموعه مقالات دفاع مقدس؛ ص ۷۶ ـ ۷۹.
۵- همان؛ ص ۵۱.
۶- مستندات این دلایل و برخی دلایل دیگر که امریکا را از بروز جنگی علیه رژیم نوپای جمهوری اسلامی خشنود می‌ساخت، بسیار زیاد است؛ که به خوانندگان گرامی توصیه می‌شود برای آگاهی دقیق از آنها، به مطالعه کتب و منابعی که در کتاب آمده است اقدام نمایند.
۷- درویشی، فرهاد، و دیگران؛ ریشه‌های تهاجم؛ ص ۲۴ ـ ۲۷.
۸- درودیان، محمد؛ از آغاز تا پایان؛ ج ۶، ص ۳۷.
۹- درودیان، محمد؛ «روند آزادسازی مناطق اشغالی و ضرورت تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر»، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل: مجموعه مقالات دفاع مقدس؛ ص ۱۳۹.
۱۰- درودیان، محمد؛ از آغاز تا پایان؛ ص ۷۷.
۱۱- درودیان، محمد؛ از خرمشهر تا فاو؛ ص ۸۵.
۱۲- تیمرمن، کنت؛ سوداگری مرگ؛ ص ۲۸۹.
۱۳- همان؛ ص ۲۵۱.
۱۴- مصباحی، محی‌الدین؛ چهارچوب مواضع شوروی در بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع؛ ص ۱۹۰.
۱۵- درودیان، محمد؛ از آغاز تا پایان؛ ص ۲۰۳.

*** نقل از: پایگاه اطلاع‌رسانی جماران**

جاسوسان در برابر نبرد بزرگ



■ نوشته: دان راویو ـ یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری ۳

مسئولیت واحد مزبور، ایجاد و پشتیبانی از مهمترین توانایی بازدارنده اسرائیل یعنی توانایی اتمی این کشور است که جنبه مخفی داشته و رسماً مورد تأیید قرار نگرفته است.

مانند مبهم بودن مسئله اتمی اسرائیل، موساد نیز ترجیح داده است که در پرده به فعالیت خود ادامه دهد تا سایرین، بسیاری از وقایع اسرارآمیز را تحریف کرده و بی‌آنکه واقعیت داشته باشد، آنها را به موساد نسبت دهند. این تحریف‌ها را می‌توان در بزرگ جلوه دادن سازمان جاسوسی اسرائیل، خصومت نسبت به اسرائیل یا گمانه‌زنی‌ها راجع به این کشور مشاهده کرد. با عنان گسیخته شدن خیالبافی‌ها افراد شیاد دست به انتشار خبرهایی از این قبیل خواهند زد: وقتی که غول انتشاراتی انگلیس «رابرت مکسول»[5] از قایق تفریحی‌اش بیرون افتاد، اسرائیل او را غرق کرد، یا اینکه سازمان اطلاعاتی اسرائیل موجب تصادفی شد که در آن پرنسس دیانا[6] به قتل رسید، مأمورین اسرائیلی در ترورهای سیاسی بازیگر اصلی هستند یا اینکه هر اسرائیلی که به جرم قاچاق مواد مخدر دستگیر شود، در خدمت موساد است و بالاخره مهمل‌تر از همه موارد فوق، موساد حادثه ۱۱ سپتامبر را در آمریکا ترتیب داده است. هدف این کتاب آن است که ماهیت حقیقی جامعه امنیتی اسرائیل را روشن کند و تحولات آنرا از آغاز تاکنون از طریق تاریخ این کشور مورد بررسی قرار دهد.

دولت یهودی از همان لحظه‌ای که «دیوید بن گوریون»[7] موجودیت آنرا به عنوان یک دولت اعلام کرد، درگیر در جنگ بوده است.

رهبران اسرائیل هنوز اینطور تلقی می‌کنند که هر روز در حال جنگ هستند. با این وجود، «در حال جنگ» بودن با جنگی که در سال ۱۹۴۸ برای استقلال اسرائیل صورت گرفت، کاملاً متفاوت است. در حال جنگ بودن همچنین با پیروزی سریع و شادی‌بخشی که در جنگ سال ۱۹۶۷ نصیب اسرائیل شد تفاوت دارد. جامعه امنیتی اسرائیل می‌خواهد اطمینان حاصل کند که آنچه در جنگ یوم کیپور[8] در سال ۱۹۷۳ اتفاق افتاد، تکرار نخواهد شد. در آن سال اگر اسرائیل به جاسوسانی که در مصر داشت گوش داده بود، می‌توانست حمله غافلگیرانه نیروهای نظامی عربی را خنثی کند.

اکنون حتی در عصر مخاطره آمیزتری هستیم، که جنگ می‌تواند شلیک موشک‌های مرگبار حامل کلاهک‌های شیمیایی را توسط دشمنان اسرائیل که به پیشرفت‌های فنی نایل شده‌اند، موجب شود. بنابراین یکی از نقش‌های اساسی تشکیلات امنیتی، آن است که از جنگ تمام عیار جلوگیری کند. هدف، اکنون پیروزی است ـ یا اگر به ایران فکر کنیم، هدف این است که خطرناکترین برنامه‌های دشمن را از مسیرشان منحرف کرده یا به تاخیر بیندازیم، بی‌آنکه لازم باشد شمار زیادی از نیروهای نظامی یا هواپیماها به کار گرفته شوند و بدون اینکه بخش اعظم جمعیت اسرائیل در معرض خطر حملات نیروهای نظامی همسایگانی قرار گیرند که با اسرائیل خصومت دارند. در این کتاب راجع به ترورها به عنوان یک ابزار، نابود کردن راکتور اتمی سوریه در سال ۲۰۰۷، خرابکاری و قتل برای جلوگیری از جاه‌طلبی‌های اتمی ایران، مطالبی بیشتر از آنچه اسرائیل مایل به اعلام آنها باشد افشا شده است.

رسالت اصلی سازمان امنیتی اسرائیل در بازی شطرنج پیچیده خاورمیانه معطوف به آماده بودن برای شرکت در جنگ بعدی است. در حال حاضر مقامات جاسوسی اسرائیل مداوماً از طریق پنهان کاری، خرابکاری، ضداطلاعات و قتل در حال جنگ هستند.

ادامه دارد

5-Robert Maxwepp
6-princess Diana
7-David ben J Gurion
8-yom.kippur

رژیم صهیونیستی در گرداب معضلات داخلی و خارجی ■ بخش چهارم و پایانی

گسترش دامنه نابسامانی‌های اجتماعی

*** اشاره**

سرویس خارجی: بحران اقتصادی و اجتماعی سراسر فلسطین اشغالی را فراگرفته و رژیم صهیونیستی که زمانی داعیه ساختن مدینه فاضله برای مهاجران یهودی سراسر جهان را داشت، امروزه حتی از برآوردن نیازهای ابتدایی آنان عاجز مانده است.

معضلات فزاینده اقتصادی و سیاسی، چند سالی است که غیرقابل تحمل شده و مردم را در شهرهای بزرگ به خیابان‌ها کشانده و وادار به سردادن فریاد اعتراض کرده است. خودسوزی‌های مکرر نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی، کارد را به استخوان برخی اقشار رسانده و همین امر منجر به تشدید ناآرامی‌ها شده است. در بخش پایانی مقاله به بررسی بیشتر این موضوع می‌پردازیم.

***

روز هفتم ژوئیه ۲۰۱۲، حزب راستگرای لیکود به رهبری بنیامین نتانیاهو با اکثریت آرا، طرحی را به تصویب رساند که بر اساس آن، به معافیت یهودیان افراطی و اسرائیلی‌های عرب‌تبار از خدمت اجباری پایان داده می‌شد.

پیش از تصویب این طرح، هزاران نفر که در ارتش خدمت کرده‌اند، با دست زدن به اعتراضاتی، خواستار حضور تمامی شهروندان اسرائیلی در ارتش آن کشور شدند.

در پی تصویب این طرح، نتانیاهو موافقت کرد که به همراه شائول موفاز، رهبر حزب کادیما، با تشکیل مجمعی، درباره تصویب قانونی جدید در این باره بحث و گفت‌وگو کنند، اما این گفت‌وگوها در نهایت زیر فشار یهودیان افراطی تأثیرگذار بر تصمیم‌های نتانیاهو، به جایی نرسید و به خروج موفاز و کادیما از ائتلاف با وی منجر شد.

هنگامی که این حزب به ائتلاف نتانیاهو پیوست، شائول موفاز سیاستمدار کهنه‌کار اسرائیلی که به تازگی جانشین «زیپی لیونی» رهبر سابق این حزب شده بود، فعالیت خود را به عنوان معاون نخست‌وزیر در کابینه آغاز کرد. پس از خروج کادیما از کابینه ائتلافی بنیامین نتانیاهو، مرکز ثقل و تأثیرگذاری این ائتلاف، مجدداً به حزب تندروی «اسرائیل بیتنو» به ریاست «آویگدور لیبرمن» وزیر خارجه رژیم صهیونیستی منتقل شد.

حزب کادیما که تا چندی پیش، اصلی‌ترین حزب مخالف دولت بنیامین نتانیاهو در کنیست بود، در ماه مه به دولت ائتلافی نتانیاهو پیوست. گفته می‌شد که یکی از شروط کادیما (بزرگ‌ترین حزب کنیست) برای ورود به کابینه ائتلافی، لغو قانون «طال» بوده است؛ قانونی که طبق آن مذهبیون یهودی، از انجام خدمت نظام وظیفه معاف می‌شدند.

اختلاف نظر در کابینه ائتلافی هنگامی به اوج رسید که دیوان عالی اسرائیل، رأی به غیرقانونی بودن قانون «طال» داد. مخالفان می‌گویند این قانون به منزله تبعیض میان شهروندان اسرائیل است و از سوی دیگر، احزاب مذهبی تندرو اسرائیل با لغو این قانون مخالفند.

*** اقلیتی در جایگاه اکثریت**

از ۲۸ نماینده پارلمانی عضو حزب کادیما، ۲۵ نفر به خروج از کابینه نتانیاهو رأی دادند. پس از آن شائول موفاز در نامه‌ای به نتانیاهو نوشت: «ما با سربلندی به جایگاه اپوزیسیون می‌رویم تا به افکار عمومی خدمت کنیم.»

موفاز در این نامه، بنیامین نتانیاهو، رهبر حزب لیکود را به شدت به باد انتقاد گرفته و او را راست افراطی نامید.

از هنگام تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، مذهبیون ارتدوکس یهودی از چنین امتیازی برخوردارند. در آن زمان شمار یهودی‌های شدیداً مذهبی، حدود ۴۰۰ نفر بود. اما اکنون بر اثر نرخ بالای زاد و ولد در میان خانواده‌های مذهبی، سالانه بیش از ۱۰ هزار نفر زیر عنوان یهودیان مذهبی از خدمت سربازی معاف می‌شوند. اکثریت جامعه شهروندی فلسطین اشغالی با این تبعیض مخالف‌اند.

اما مخالفت با تبعیض درباره خدمت سربازی یهودیان ارتدوکس، فقط بخش کوچکی از اعتراض‌های ضد نابرابری است که اخیراً اوضاع اجتماعی و سیاسی فلسطین اشغالی را دستخوش ناآرامی کرده است.

*** روزهای خشم**

ماه پیش در یک راهپیمایی اعتراض‌آمیز در سالروز آغاز اعتراضات با شعار «مردم عدالت اجتماعی می‌خواهند» تل‌آویو شاهد خودسوزی یکی از فعالان با مواد آتش‌زا در اعتراض به اوضاع ظالمانه موجود در رژیم اسرائیل بود.

معترضان اسرائیلی در تظاهرات خود فریاد می‌زدند «مردم عدالت اجتماعی می‌خواهند.»

«موشیه سلیمان» فردی که اقدام به خودسوزی کرد، نامه‌ای را در صحنه به جا گذاشت. نامه‌ای که در آن نوشته بود: «دولت اسرائیل از من دزدید و بی‌چیز رهایم کرد.» سلیمان در ادامه نامه نوشته بود: «اسرائیل، نخست‌وزیر آن بنیامین نتانیاهو و «یوفال اشتاینیتز» وزیر دارایی را مسئول تحقیر مداومی می‌دانم که شهروندان اسرائیلی هر روز از آن رنج می‌برند. این مسئولان از فقرا می‌گیرند که به ثروتمندان بدهند. دو کمیته که وزارت مسکن تشکیل داده بود از کمک به من خودداری کردند، با وجود اینکه دچار سکته مغزی شده‌ام و نمی‌توانم هزینه دارو و اجاره خانه را بپردازم.»

روزنامه صهیونیستی هاآرتص به نقل از یک فعال اجتماعی نوشت: «برخلاف آنچه نتانیاهو می‌گوید، صحبت از یک شخص نیست که بر جان خود آتش زده باشد، بلکه مشکل بسیار گسترده است، به گونه‌ای که تمامی افراد جامعه را در بر می‌گیرد، اما نخست‌وزیر ترجیح می‌دهد در این باره تغافل کند.

*** دومینو اعتراضی**

وضعیت نامناسب اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی در فلسطین اشغالی، دور تازه‌ای از اعتراض‌ها را علیه رژیم صهیونیستی و سیاست‌های آن در پی داشته است.

در ادامه روند خودسوزی صهیونیست‌ها در اعتراض به وضعیت بد اقتصادی و اجتماعی در سرزمین‌های اشغالی، یک نظامی معلول نیز دست به خودسوزی زد و با وجود تلاش نیروهای امدادی، وی دچار ۸۰ درصد سوختگی شد و طبق گزارش‌ها حالش وخیم است. این در حالی است که موشه سلیمان نیز پس از چند روز به دلیل شدت جراحات وارده، جان باخت.

خشم فعالان معترض پس از خودسوزی این فرد که گفته می‌شود در اعتراضات یک ساله اخیر نقش فعالی داشته، زمانی بالا گرفت که بنیامین نتانیاهو با وجود اینکه مخاطب اصلی نامه موشه سلیمان بود، با بی‌تفاوتی، فقط به یک عبارت درباره اقدام موشه سلیمان به خودسوزی، اکتفا کرد: «تراژدی شخصی!»

این سخن بنیامین نتانیاهو باعث خشم فعالان اجتماعی و افزوده شدن بر حجم دعوت به ابراز خشم در شبکه‌های اجتماعی مانند «فیس‌بوک» شد. فعالان اجتماعی گفتند که از واکنش نتانیاهو، ناامید و خشمگین شده‌اند.

موشه سلیمان پس از آن تصمیم به خودسوزی گرفت که شرکت بیمه ملی رژیم صهیونیستی، آپارتمان او و پدرش را به دلیل داشتن بدهی، مصادره کرد.

به نوشته برخی رسانه‌های رژیم صهیونیستی طی هفته‌های اخیر، صدها مورد تماس با پلیس این رژیم برقرار شده و تهدیداتی مبنی بر خودسوزی در صورت عدم ارائه کمک به آنها مطرح شده است.

این خودسوزی‌ها در حالی رخ می‌دهد که در هفته‌های اخیر، تظاهرات‌های متعددی در اعتراض به وضعیت بد اقتصادی و اجتماعی در فلسطین اشغالی برپا شده است.







معترضان خواستار تغییر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی این رژیم هستند.

تظاهرات اعتراضی علیه وضعیت معیشتی و اجتماعی، آن هم از سوی ساکنان یهودی سرزمین‌های اشغالی، پدیده نوظهوری محسوب می‌شود که نقطه آغاز آن نیز سال گذشته بود.

تابستان سال گذشته به مدت چند ماه شماری از شهرهای فلسطین اشغالی، شاهد تظاهرات گسترده و بی‌سابقه در تاریخ رژیم صهیونیستی بود که در اعتراض به افزایش هزینه‌های زندگی و قیمت مسکن برگزار شد. سال گذشته بزرگترین تظاهرات تاریخ این رژیم رقم خورد.

دور جدید اعتراض‌ها که در اولین سالگرد آغاز جنبش اعتراضی علیه نابرابری اقتصادی و بی‌عدالتی اجتماعی انجام گرفت، پس از انتشار فراخوان‌هایی برای برگزاری تظاهرات علیه افزایش قیمت واحدهای مسکونی برگزار شد. معترضان می‌گویند مقام‌های رژیم صهیونیستی وعده‌های سال گذشته خود مبنی بر اصلاح اقتصادی را عملی نکردند.

طی سه سال اخیر و در پی بحران اقتصادی در اروپا و آمریکا، اقتصاد رژیم صهیونیستی نیز که رابطه تنگاتنگی با غرب دارد، دچار مشکلات بسیاری از جمله افزایش بیکاری و کاهش درآمدها شده است. بسیاری در فلسطین اشغالی، بنیامین نتانیاهو و «یووال اشتاینیتز» وزیر دارایی این رژیم را مقصران اصلی بحران اقتصادی در این رژیم می‌دانند.

براساس گزارش سازمان بین‌المللی اعتبارسنجی «مودی» MO ODY اعتبار اقتصاد رژیم صهیونیستی از وضعیت پایدار به وضعیت منفی کاهش رتبه یافته است و بر این اساس پیش‌بینی شده که وضعیت نزولی در اقتصاد این رژیم، دست کم بین ۱۲ تا ۱۸ ماه دیگر باقی خواهد ماند.

مجله اکونومیست در ابتدای سال جاری میلادی ۲۰۱۲ پیش‌بینی کرده بود که امسال فرایند صادرات و واردات رژیم صهیونیستی وارد یک مرحله رکود شدید خواهد شد و همچنین سطح معیشتی مردم که بدون شک به افزایش پدیده بیکاری منجر می‌شود نیز کاهش پیدا خواهد کرد.

بسیاری از کارشناسان معتقدند که یکی از دلایل بحران اقتصادی در فلسطین اشغالی، هزینه‌های سرسام‌آوری است که صرف ارتش و نیز سیاست‌های توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی از جمله گسترش شهرک‌سازی‌ها در سرزمین‌های فلسطینی می‌شود.

ماه گذشته مرکز مطالعات صهیونیستی «ادفا» در تازه‌ترین پژوهش خود فاش کرد که ادامه اشغالگری، بویژه بودجه‌های اختصاص یافته برای ارتش و تامین امنیت شهرک نشینان مهاجر، اقتصاد رژیم صهیونیستی را ویران کرده است.

براساس گزارش این مرکز، از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۱۱، حکومت‌های پی‌درپی در رژیم صهیونیستی، ۱۳ میلیارد دلار هر سال فقط به عنوان بودجه‌های گذری برای تأمین هزینه حملات نظامی مقطعی، خرج ارتش‌های خود کرده‌اند و این مقدار، جدای از بودجه‌های ثابتی است که هر ساله برای ارتش اختصاص می‌یابد که بودجه امسال آن ۱۹ میلیارد دلار است.

از سوی دیگر این گزارش می‌افزاید: هزینه‌ای که این رژیم برای هر فرد عادی در اسرائیل در خصوص امور رفاهی و اجتماعی می‌کند، ۴۵۸ دلار در سال است و این در حالی است که این رقم برای هر فرد شهرک‌نشین برای تأمین امنیت آنان، ۶۰۵ دلار است؛ یعنی افزایشی ۳۲ درصدی دارد.

مقام‌های این رژیم در دوره‌های مختلف به جای توجه به مشکلات درونی و حل ریشه نارضایتی‌ها، بیشتر توجه خود را متوجه سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود در اشغال بیشتر سرزمین‌های فلسطینی و نیز تهدید افکنی در برابر کشورهای دیگر منطقه کرده‌اند.

علاوه بر مشکلات اقتصادی که سراسر فلسطین اشغالی را متأثر کرده، نوع خاص ساختار اجتماعی است که در آن نوعی تبعیض نهادینه شده وجود دارد و نابرابری‌ها در این جامعه را افزایش داده است.

به طور کلی جامعه صهیونیستی جامعه‌ای منحصر به فرد است، چرا که این جامعه از جمعیتی مهاجر که از نقاط مختلف دنیا به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کرده‌اند، شکل گرفته است. تنوع قومی جامعه صهیونیستی که در قالب قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و نگرش‌های مختلف مذهبی تجلی پیدا کرده، موجب بروز شکاف‌های اجتماعی و در پی آن، نابرابری‌های اجتماعی شده است. به عنوان مثال در کسب فرصت‌ها و مناصب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، صهیونیست‌هایی که از کشورهای غربی به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کرده‌اند که به آنان «اشکنازی» گفته می‌شود، نسبت به یهودیانی که از کشورهای شرقی مهاجرت کرده‌اند که به «سفاردی» معروف هستند، از ارجحیت برخوردار بوده‌اند. اگر به این شکاف، شکاف‌های دیگری همچون شکاف صهیونیست‌ها و اعراب و نیز شکاف مذهبی‌ها و سکولارها را اضافه کنیم، تصویر بهتری از وضعیت جامعه صهیونیستی و تفاوت‌های ساختاری موجود در آن بدست می‌آید.

روند افزایش نارضایتی‌ها در داخل فلسطین اشغالی، نشان از ناکامی این رژیم در عمل به وعده تحقق رفاه و آسایش برای ساکنان غیربومی سرزمین‌های اشغالی دارد که به امید داشتن یک زندگی آرام و مرفه، کشورهای خود را ترک کرده‌اند و به سرزمین‌های اشغالی مهاجرت کرده‌اند.

شانزدهمین اجلاس بین‌المللی سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد

صلح پایدار در سایه مدیریت مشترک جهانی ۳

XVI SUMMIT OF THE NON-ALIGNED MOVEMENT — TEHRAN, 26-31 AUGUST 2012

۱۱ـ در ضمیمه سوم سند نهایی پانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در شرم‌الشیخ (۲۰۰۹)، ۲۵ پاراگراف ذیل به عنوان اصول الهام گرفته از بیانیه مربوط به اهداف و اصول و نقش جنبش عدم تعهد در شرایط بین‌المللی حاضر در چهاردهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در هاوانا ذکر شده است:

۱۲ـ احترام به اصول گرامی داشته شده در منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل

۱۳ـ احترام به حاکمیت، برابری حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی تمامی کشورها

۱۴ـ تصدیق برابری تمامی نژادها، مذاهب، فرهنگ‌ها و ملت‌ها، اعم از بزرگ و کوچک

۱۵ـ ارتقاء گفتگو میان مردم، تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و مذاهب بر مبنای احترام به مذاهب، نماد و ارزش‌های آنها، تقویت و تحکیم بردباری و آزادی بیان

۱۶ـ احترام و تقویت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه از جمله اجرای مؤثر حق مردم برای صلح و توسعه

۱۷ـ احترام به برابری حقوق کشورها از جمله حق لاینفک هر کشور در تعیین آزادانه سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدون هرگونه مداخله از ناحیه کشور دیگر

۱۸ـ تأکید مجدد بر اعتبار و مرتبط بودن مواضع اصولی جنبش درباره حق تعیین سرنوشت مردم تحت اشغال خارجی و استعمار یا سلطه خارجی

۱۹ـ عدم مداخله در امور داخلی کشورها. هیچ کشور یا گروه کشورها حق ندارند مستقیم یا غیرمستقیم با هر انگیزه‌ای در امور کشور دیگر دخالت کنند.

۲۰ـ رد هرگونه تغییر خارج از قانون اساسی دولت‌ها

ج) اهداف جنبش عدم تعهد:

۱ـ تقویت و تحکیم چندجانبه گرایی و ارتقای نقش کلیدی سازمان ملل

۲ـ ایفای نقش به عنوان یک مجمع هماهنگ‌کننده سیاسی و کشورهای درحال توسعه برای تقویت و دفاع از منافع مشترک آنان در سیستم روابط بین‌الملل

۳ـ تقویت اتحاد، انسجام، و هماهنگی میان کشورهای در حال توسعه بر مبنای ارزش‌های مشترک و اولویت‌هایی که به صورت اجماع مورد توافق قرار گرفته است

۴ـ دفاع از صلح و امنیت بین‌المللی و حل تمامی مناقشات بین‌المللی به وسیله ابزار صلح آمیز در تطابق با اصول و اهداف منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل.

۵ـ تشویق روابط دوستانه و همکاری میان تمامی ملت‌ها بر مبنای اصول حقوق بین‌الملل، به ویژه آن مواردی که الهام گرفته شده از منشور ملل متحد است

۶ـ ارتقا و تشویق توسعه پایدار از طریق همکاری بین‌المللی و برای این منظور، هماهنگی مشترک در اجرای استراتژی‌های سیاسی که تقویت و تضمین‌کننده مشارکت کامل تمامی کشورها، فقیر و غنی، در روابط اقتصادی بین‌المللی، تحت شرایط و فرصت‌های برابر، لیکن با مسئولیت‌های مختلف باشد.

۷ـ تشویق احترام، برخورداری و حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بر مبنای اصول جهانشمولی، عینیت، بی‌طرفی و غیرگزینشی، پرهیز از سیاسی کردن مسائل حقوق بشر، و تضمین اینکه حقوق بشر افراد و مردم از جمله حق توسعه در یک حالت برابر حفظ و تقویت شود.

۸ـ ارتقای همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها، صرف‌نظر از سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

۹ـ محکومیت تمامی اشکال یکجانبه گرایی و تلاش‌ها برای اعمال سلطه در روابط بین‌الملل

ادامه دارد

اخبار کوتاه

«اتوبوس دیابت» در تهران به راه افتاد

برای نخستین بار در کشور اتوبوس دیابت با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شهرداری منطقه هفت تهران برای آموزش و درمان رایگان بیماران دیابتی در تهران به راه افتاد.

به گزارش ایرنا، این اتوبوس که از میدان پالیزی تهران حرکت خود را آغاز کرد، به مدت یک هفته از ساعت ۱۰ صبح جنب شهرداری منطقه هفت تهران توقف می‌کند و به مراجعه کنندگان خدمات رایگان ارائه می‌دهد.

در این اتوبوس، پیشگیری از دیابت برای تمامی مردم آموزش داده می‌شود و همچنین آزمایشگاه غربالگری و آزمایش‌های تخصصی دیابت نیز در این اتوبوس پیش‌بینی شده است.

آموزش ارتقا کیفیت زندگی و مراقبت بهتر برای بیماران دیابتی و اطلاع رسانی در حوزه دیابت و سلامت از دیگر اقدامات و خدمات قابل ارائه در این اتوبوس است. دکتر «محمدمهدی گلمکانی» مدیر کل سلامت شهرداری تهران در آیین افتتاح این اتوبوس در جمع خبرنگاران با بیان اینکه ۵۰ درصد بیماران دیابتی از بیماری خود خبر ندارند، اظهار داشت: توقف اتوبوس دیابت در اکثر مواقع در مناطق محروم تهران است زیرا مردم این محلات دسترسی کمتری به خدمات پزشکی دارند. محمود منیعی معاون اجتماعی فرهنگی شهرداری منطقه هفت هم در جمع خبرنگاران، در دسترس بودن ارائه خدمات در حوزه سلامت و فرهنگ‌سازی در امر پیشگیری از دیابت برای عامه مردم را از اهداف طرح اتوبوس دیابت عنوان کرد.

منیعی اظهارداشت: اتوبوس دیابت با توقف در محلات مختلف تهران، دسترسی آندسته از شهروندان را که در محلات، توانایی رفت و آمد به خانه‌های سلامت را ندارند، آسان‌تر می‌کند.

راه اندازی خط تلفن برای کمک نقدی به مددجویان بهزیستی

«خط ۸۰۵۰۵۰ همراه اول برای کمک به مددجویان بهزیستی راه‌اندازی شد.»

این مطلب را محمدنصیری رئیس دبیرخانه مشارکت‌های مردمی سازمان بهزیستی به فارس اعلام کرد و افزود: پارسال خط ۸۱۱۱ ایرانسل با همکاری سازمان بهزیستی افتتاح شد که نیکوکاران و خیرین می‌توانستند از طریق این خط کمک‌های خود را به مددجویان بهزیستی اهداء کنند.

از آن زمان تاکنون ۴۰ واحد مسکونی از محل درآمدهای کمک‌های مردمی از طریق ارتباط‌گیری با این خط حاصل شد. او ادامه داد: اخیراً بهزیستی تفاهم‌نامه‌ای را با همراه اول به امضا رساند و قرار است خیرین و نیکوکاران می‌توانند با شماره‌گیری خط ۸۰۵۰۵۰ و وارد کردن کد۲، مبلغ مورد نظر را به حساب سازمان بهزیستی وارد کنند و هر ماه مبلغی که به حساب سازمان بهزیستی واریز کرده‌اند، در قبض تلفن همراه آنان ثبت می‌شود.

وزارت بهداشت تعرفه خدمات درمان اعتیاد را ابلاغ کند

سرویس خبر: کمیته درمان ستاد مبارزه با موادمخدر مقرر کرد وزارت بهداشت تعرفه خدمات درمان اعتیاد امسال را نهایی و ابلاغ کند.

به گزارش روابط عمومی ستاد مبارزه با موادمخدر، مدیرکل درمان و حمایت‌های اجتماعی این ستاد گفت: در این جلسه بر رعایت دقیق شیوه‌نامه‌ها، آیین‌نامه و پروتکل‌های مربوط به مراکز نگهداری درمان موضوع ماده ۱۶ تأکید شد. صابری زفرقندی اظهار داشت: مراکز درمان موضوع ماده ۱۶، مراکز نگهداری و درمانی هستند که برای معتادان بی‌خانمان که مایل یا قادر به درمان نیستند و رفتارهای اعتیادی پرخطر دارد، راه‌اندازی شده‌اند.

به گفته صابری زفرقندی، همچنین اعضای جلسه خواستار رعایت معیارهای ورود به این مراکز و همچنین انجام فرایند غربالگری توسط تیم درمانگر قبل از ورود به این مراکز شدند.

جشن رمضان با حضور ۳۰۰۰ خیّر تهرانی برگزار شد

مراسم جشن رمضان با حضور ۳۰۰۰ خیّر تهرانی و با همت سازمان رفاه شهرداری تهران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی این سازمان، حسین زارع صفت مدیرعامل سازمان در این مراسم تأکید کرد: هدف از برپایی این مراسم هم‌اندیشی برای پیشبرد بهتر فعالیت‌ها و رفع مشکلات همنوعان است.

او ادامه داد: اگر می‌خواهیم جامعه توسعه یافته داشته باشیم باید شهروندانی مسئول داشته باشیم؛ احساس مسئولیت هم سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود و ما در مدیریت شهری به این موضوع توجه ویژه داریم.

اطلاعیه سازمان بازرسی درباره پرونده اختلاس در بنیاد شهید

سرویس خبر ـ سازمان بازرسی کل کشور درباره پرونده اختلاس در بنیاد شهید توضیحاتی را اعلام کرد.

روابط عمومی سازمان بازرسی کل کشور با رد مطالبی که این روزها به نقل از این سازمان در رسانه‌ها درخصوص اختلاس در بنیاد شهید مطرح است، اعلام کرد: در مورد این موضوع سازمان تاکنون هیچگونه اطلاعیه یا مصاحبه‌ای نداشته است و اخبار منتسب به این سازمان صحیح نیست. این پرونده هنوز در مرحله تحقیق مقدماتی و در اختیار دادسرای عمومی و انقلاب تهران است که پس از نهایی شدن گزارش و رسیدگی در دادگاه، اطلاع‌رسانی خواهد شد.

پیرو انتشار اخباری مبنی بر اختلاس ۱۵ میلیارد تومانی در بنیاد شهید و ارتباط کشف آن با سازمان بازرسی کل کشور، روابط عمومی این سازمان اعلام کرد: آنچه که این روزها درباره اختلاس ۱۵ میلیارد تومانی در بنیاد شهید در رسانه‌ها منتشر می‌شود، نظر سازمان بازرسی کل کشور نیست.

روابط عمومی سازمان بازرسی در ادامه تأکید کرده است: رقم اختلاس این پرونده که در رسانه‌ها، ۱۵ میلیارد تومان اعلام شده است نیز کمتر از نصف مبلغ مذکور است که پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی و صدور و قطعیت حکم از طریق دادگستری اطلاع‌رسانی خواهد شد.

اخبار حوادث

نامه سارق پشیمان به مالباخته پس از ۱۵ سال

مشهد: سارق پشیمان پس از ۱۵ سال بخشی از وجوه سرقتی را به همراه یک نامه عذر خواهی برای مالباخته فرستاد.

این فرد ۱۵ سال پیش با همدستی یک نفر دیگر یک دستگاه تلویزیون و چند گوشواره را از یک خانه در مشهد به سرقت برده بود.

این سارق پس از سالها عذاب وجدان چند روز پیش؛ نامه ندامتی را به همراه پنج میلیون ریال وجه نقد برای مالک خانه‌ای که از آن سرقت کرده بود، پست کرد. سارق در بخشی از این نامه خطاب به مالباخته نوشته است: از شما خواهش می‌کنم به خاطر خدا و امام رضا(ع) مرا ببخشی و حلالم کنی و آن مبلغ را به جای اموال مسروقه خود بپذیرید، اگر مبلغ پولی که فرستادم کم است، حلال کنید و اگر زیاد است من راضی هستم چون پول اموال سرقتی را همدست من خرج کرده است. این سارق در نامه خود از اینکه به دلیل مشکل مالی نتوانسته پول بیشتری برگرداند ابراز تأسف کرده است.

قاچاقچیان ۱۰۰ هزار لیتر گازوئیل را به دریا ریختند

بندرعباس: قاچاقچیان ۱۰۰ هزار لیتر سوخت قاچاق را برای رهایی از دست ماموران دریابانی در آب‌های قشم ریختند.

فرمانده دریابانی هرمزگان گفت: قاچاقچیان در قشم زمانی که سوخت قاچاق با لنج حمل می‌کردند، با دیدن ماموران دریابانی سوخت قاچاق را در آبهای خلیج فارس خالی کردند. سرهنگ ایزدی افزود: ماموران دریابانی ۱۱ خدمه این لنج را بازداشت کرده و پس از تشکیل پرونده متهمان را تحویل مراجع قضایی دادند. وی با اشاره به این که ماموران در شهرستان‌های جاسک، بندرلنگه و بندرعباس ۲۰ هزار لیتر گازوئیل را کشف کردند، گفت: در این زمینه هم ۹ قاچاقچی دستگیر و سه لنج و دو دستگاه تانکر توقیف شد.

۵ سانحه رانندگی با ۱۰ کشته

سرویس حوادث: سه سانحه رانندگی در دو جاده کشور چهار کشته و شماری مجروح برجا گذاشت.

رئیس پلیس راه‌های آذربایجان شرقی گفت: برخورد یک دستگاه نیسان با یک دستگاه تریلر در محور بستان‌آباد ـ سراب منجر به فوت سه نفر و مصدوم شدن یک نفر از سرنشینان نیسان شد.

سرهنگ فرجی افزود: سرعت غیر مجاز نیسان علت حادثه بود.

وی گفت: بر اثر برخورد دو دستگاه پژو در کیلومتر پنج جاده میانه ـ خلخال نیز پنج نفر مصدوم شدند. حادثه رانندگی در جاده قزوین ـ رشت یک کشته و دو مجروح برجا گذاشت.

فرمانده انتظامی رودبار گفت: ساعت ۳ و نیم بامداد دیروز یک دستگاه پیکان در محدوده رستم‌آباد جاده قزوین ـ رشت واژگون شد. سرهنگ صمدی علت این حادثه را سرعت زیاد و ناتوانی راننده در کنترل خودرو اعلام کرد و افزود: راننده این خودرو در حادثه جان باخت و امدادگران اورژانس دو مجروح این حادثه را به بیمارستان سلامت رستم‌آباد منتقل کردند که حال یکی از آنها وخیم است.

بندرعباس

فرمانده پلیس راه هرمزگان از وقوع دو فقره تصادف در جاده‌های استان و کشته شدن شش نفر براثر این دو تصادف خبر داد.

سرهنگ علی مجیدزاده با اعلام این خبر اظهار داشت: در یکی از این حادثه‌ها که در بلوار پیامبر اعظم(ص) بندرعباس روی داد یک دستگاه خودرو سواری با سه سرنشین با یک دستگاه کامیون برخورد کرد و هر سه سرنشین آن کشته شدند. وی علت این حادثه رانندگی را رعایت نکردن حق تقدم خودرو سواری و نبود تابلو جاده فرعی به اصلی اعلام کرد.

سرهنگ مجیدزاده خاطرنشان کرد: در حادثه‌ای دیگر در ۴۵ کیلومتری جاده کهورستان لارستان، یک دستگاه کامیون هوو و سه دستگاه خودرو سواری با هم برخورد کردند که براثر آن رانندگان سه خودرو سواری جان باختند. فرمانده پلیس راه هرمزگان علت این تصادف را انحراف به چپ یکی از خودروهای سواری اعلام کرد

۴ بخشنامه رئیس قوه قضائیه به رؤسای دادگستری‌ها

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه با صدور بخشنامه‌هایی به رؤسای کل دادگستری استان‌ها، انتخاب قاضی عضو هیأت حل اختلاف، قانون تعیین تکلیف وضع ثبتی اراضی و ساختمان‌های بدون سند رسمی را ابلاغ کرد.

در بخشنامه رئیس قوه قضائیه آمده است:

رؤسای محترم کل دادگستری استان‌ها، به موجب ماده یک قانون تعیین تکلیف وضع ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۲۰ آذر ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی مقرر شده است، هیأت یا هیأت‌های حل اختلاف به منظور رسیدگی و صدور رای با حضور یک قاضی نسبت به موارد مذکور در ماده یاد شده، تشکیل شود. بدینوسیله به رؤسای کل دادگستری استان‌ها تفویض اختیار می‌شود تا نسبت به تعیین و صدور ابلاغ برای یکی از قضات مجرب استان جهت عضویت در هیأت یا هیأت‌های مذکور در حوزه قضایی مربوط اقدام کنند.

آیت‌الله صادق لاریجانی همچنین با صدور بخشنامه‌های جداگانه‌ای از رؤسای کل دادگستری استان‌ها خواست به منظور عضویت در هیأت ویژه مربوط به قانون اساسنامه رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات، همچنین کمیسیون رسیدگی به قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب بدون پروانه بهره‌برداری و نیز هیأت رسیدگی مربوط به قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون الزام شرکت‌ها و موسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه، یکی از قضات مجرب خود را انتخاب و به هیأت‌ها و کمیسیون مذکور در مراکز استان‌ها معرفی کنند.

وزارت بهداشت: سازمان تنظیم مقررات رادیویی باید تابع نظام سلامت باشد

کارشناس بهداشت پرتوهای مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت با تأکید بر لزوم آشنایی مردم با نظام سلامت دنیای مجازی از وزارت فناوری اطلاعات و سازمان تنظیم مقررات رادیویی خواست که مقررات نظام سلامت کشور را در دستورالعمل و آیین‌نامه‌هایشان بگنجانند.

مهندس علی گورانی در گفتگو با ایسنا، افزود: در بحث ارتباطات الکترونیک در حال ورود به دنیای مجازی هستیم و دنیای مجازی هم از ویژگی‌های سلامت مخصوص به خود برخوردار است. اگر مردم با نظام سلامت دنیای مجازی آشنایی نداشته باشند، آسیب‌های جدی به بدن آنها وارد می‌شود. تکنولوژی دنیای مجازی به سرعت در حال گسترش است اما به آموزش‌های سلامت دنیای مجازی کمتر پرداخته می‌شود؛ این در حالی است که برابر قانون قسمتی از درآمدهای سازمان‌های مجری این تکنولوژی‌ها، باید صرف آموزش‌های همگانی شود.

وی درباره تاثیر آنتن‌ها و دکل‌های متعدد بر روی سلامت انسان، گفت: زمانی که فرستنده‌ای فعال است، از خود انرژی ساطع می‌کند. بدن انسان هم دارای بافت بیولوژیک است که اگر به مدت طولانی و به مقدار زیادتر از حد تحمل، انرژی دریافت کند، نمی‌تواند آن را تعدیل و زایل کند و ممکن است آسیب ایجاد شود.

گورانی افزود: یکی از اصول نظام سلامت کشور آن است که نظارت مستمر علمی بر عملکرد چنین سیستم‌هایی وجود داشته باشد. بارها از طرف وزارت بهداشت اعلام شده است که کاربری این وسائل حتماً باید با توجه به قوانین نظام سلامت کشور باشد تا سلامت مردم حفظ شود. وزارت بهداشت از مدت‌ها پیش این موضوع را رسماً اعلام و مکرراً تکرار کرده است.

وزارت بهداشت یگانه وزارتخانه‌ای است که با صراحت تاکید کرده است که وزارت فناوری اطلاعات و سازمان تنظیم مقررات رادیویی با گسترش این تکنولوژی‌ها موظفند قوانین نظام سلامت را رعایت و به سلامت مردم توجه کنند و برای اقداماتشان ضرورت دارد مجوزهای لازم را از وزارت بهداشت بگیرند.

کارشناس بهداشت پرتوهای وزارت بهداشت تاکید کرد: وزارت بهداشت متولی سلامت جامعه در همه امور زندگی است. وزارت فناوری اطلاعات و سازمان تنظیم مقررات رادیویی باید به گونه‌ای دستورالعمل‌های نظارتی‌شان را تدوین کنند که چارچوب‌های نظام سلامت کشور در آن رعایت شده باشد.

وی افزود: مشکل آن است که تکنولوژی وارد شده، اما آموزش تکنولوژی با تأخیر انجام می‌شود و مردم با برداشت خودشان از آن انرژی استفاده می‌کنند؛ این در حالی است که هیچ وسیله ایده‌آلی در طبیعت وجود ندارد و حتماً آن وسایل محدودیت‌هایی دارند. هرچه محدودیت‌های آنها را بشناسیم، بهتر می‌توانیم از آنها استفاده کنیم.

هشدار شورای شهر تهران درباره افزایش آمار طلاق

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: اعضای شورای شهر تهران درباره افزایش نرخ طلاق درکشور هشدار دادند و بر برگزاری کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج تاکیدکردند.

به گزارش خبرنگار ما، دربررسی طرح تحکیم بنیان خانواده (آموزش مهارت‌های زندگی مشترک زوجین قبل از ثبت ازدواج)، معصومه آباد، رئیس کمیته نامگذاری شورای شهر تهران اظهار داشت: ایران چهارمین رتبه را در میزان طلاق میان کشورهای جهان دارد و در تهران هم بیشترین آمار طلاق را به خود اختصاص داده و این آمار نگران کننده است و ضرورت تدوین دستورالعملی برای ساماندهی آموزش مهارت‌های زندگی مشترک زوجین قبل از ازدواج را تائید می‌کند.

او با بیان این‌که اکنون دولت آموزش‌های پیش از ثبت ازدواج برای زوجین ارائه می‌کند ادامه داد: این آموزش‌ها کیفیت و مطلوبیت لازم را ندارد و به همین علت شورای شهر به تهیه طرحی برای ساماندهی این موضوع مبادرت‌کرد.

آباد درباره مفاد این طرح توضیح داد: پیشنهاد شد ستادی با حضور نمایندگان سازمان ورزش و جوانان، سازمان آموزش و پرورش، استانداری، دادگستری استان تهران، شورای‌شهروکارشناسان‌ونمایندگان تشکل‌های غیر دولتی تشکیل شود تا وظایفی چون تدوین محتوای آموزشی دوره‌های قبل از ازدواج، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی و نظارت بر حسن اجرای آنها در مناطق بیست‌ودوگانه شهرداری انجام شود.

در ادامه، احمد مسجدجامعی، عضو کمیسیون فرهنگی، اجتماعی نظری متفاوت درباره علل افزایش طلاق درجامعه ارائه کرد.

او با بیان این که نوسانات نرخ ارز و مشکلات اقتصادی موجب بروز افسردگی در نان‌آور خانه می‌شود تاکیدکرد: همین مساله می‌تواند منجر به فروپاشی خانواده شود.

مسجد جامعی یکی از دلایل کاهش فرزندآوری نسبت به دهه‌های گذشته را مشکلات اقتصادی و معیشتی دانست و ادامه داد: در شرایطی که علت اصلی مشکلات، اقتصادی است، نمی‌توان با نصحیت و موضوعات اخلاقی به این مسائل پایان داد.

به گفته وی شرایط اقتصادی حتی‌بر معماری شهر هم اثر گذاشته و شمار خانه‌های چهل‌پنجاه متری افزایش یافته است.

این عضو شورای شهر با تاکید بر این‌که مسائل اجتماعی نیازمند رویکرد اجتماعی است، ادامه داد: در شرایطی که دوبار برگزاری کنگره سالانه انجمن جامعه شناسان لغو می‌شود، چگونه می‌توان به این موضوعات به صورت کارشناسی ورود کرد؟ چه طور می‌توانیم بدون ارزیابی گذشته راه آینده را ترسیم کنیم؛ و در ادامه جلسه دیروز خسرو دانشجو، سخنگوی شورا هم به اظهارات مسجد جامعی در باره آثار وضع اقتصادی بر آمار طلاق واکنش نشان داد و افزود: قطعا مسائل اقتصادی در این موضوع اثرگذار است، اما آیا می‌توان خانواده‌ای را تصورکرد که هیچ مشکل اقتصادی نداشته باشد؟

او ادامه داد: طرح تحکیم بنیان خانواده به دنبال ارائه مهارت‌های لازم برای مهار این قبیل مشکلات توسط زوجین است و دنبال کردن آن ضرورت دارد.

خانم آباد هم اعلام کرد: برابر آخرین گزارش‌های قوه‌قضائیه، روزانه ۲۰۰۰ نفر به مجتمع‌های قضایی مراجعه می‌کنند که از این تعداد ۵۰۰ نفر تشکیل پرونده می‌دهند و ۸۵ درصد این پرونده‌ها مربوط به طلاق است.

این عضو شورای شهر با بیان اینکه یگانه عامل بحران جمعیت، سیاست‌های تنظیم خانواده نیست افزود: طلاق، افزایش سن ازدواج و عدم تمایل زوجین به فرزند آوری از دیگر عوامل موثر بر بحران جمعیتی است که پیش روی ما قرار دارد.

در ادامه، محمد علی نجفی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران تاکیدکرد: بالا بودن آمار طلاق نسبت به دهه‌های گذشته الزاما منفی نیست.

او با بیان این‌که آگاهی زنان نسبت به ۴۰ سال قبل افزایش یافته است ادامه داد: ۴۰ سال قبل هر ظلمی که به زنان می‌شد، مجبور به تحمل بودند و این دیدگاه سنتی وجود داشت که زن باید با لباس سفید به خانه همسر خود برود و با کفن از آن خانه خارج شود، اما در سال‌های اخیر آگاهی زنان افزایش یافته است و اکنون قدرت و توان دفاع از حقوق خود را دارند؛ بنابراین اگر مردی شعور برخورد با همسر خود در شرایط مساوی را ندارد، باید از او طلاق گرفت.

نجفی به اهمیت ارائه آموزش‌های رایگان قبل از ازدواج اشاره اما در عین حال تاکیدکرد: ستاد عریض و طویلی در این طرح پیش‌بینی شده است که می‌توان مسائل محتوایی را ازطریق آن دنبال کرد.

دانشجو در برابر این اظهارات هم گفت: این‌که پیش‌فرض‌های نادرستی را درنظر بگیریم و بر اساس آن طلاق را امر درستی بدانیم، منطقی نیست.

او با تاکید بر این‌که هر طلاقی بد است چرا که امری مکروه به شمار می‌رود ادامه داد: قرار نیست این پیش‌فرض را درنظر بگیریم که مردان به زنان ظلم کنند و سپس زنان طلاق می‌گیرند.

در ادامه جلسه چهارصد و هشتاد و سوم، اعضای شورای شهر تهران با انتقاد از غیبت استاندار تهران درجلسه که قرار بود درباره جدایی ری از تهران گزارشی درصحن علنی ارائه‌کند، خواستار پیگیری علت آن شدند.

مهندس مهدی چمران، رئیس شورا گفت: قرار بود استاندار درباره تصمیم جدایی ری از تهران گزارشی درصحن شورای شهر ارائه و با اعضای شورا که نمایندگان مردم ری هم هستند رایزنی کند که استاندار درجلسه حاضر نشد.

به گفته او دعوت شورای شهر از استاندار تهران بر اساس قانون صورت گرفته و شورا حق دارد مسئولان مرتبط با امور شهری را رسما دعوت‌کند و آنها هم موظف هستند که این دعوت را اجابت کنند.

پیامک «برنده شدن در قرعه کشی» روشی جدید برای کلاهبرداری

سرویس حوادث: پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات به مردم هشدار داد در صورت دریافت پیامک‌هایی مانند «برنده شدن در قرعه کشی‌های گوناگون» به هیچ عنوان به این پیامک‌ها پاسخ ندهند زیرا این راه، روشی جدید برای کلاهبرداری است.

به گزارش سایت پلیس، در این شیوه کلاهبرداری ابتدا پیامکی با مضمون برنده شدن در قرعه کشی برای مردم ارسال می‌شود که در آن خواسته می‌شود کد ملی را برای تأیید ارسال کنند.

سپس مخاطبین اگر کد ملی خود را ارسال کنند، پیامک دومی مبنی بر درخواست مشخصات عابر بانک از جمله شماره کارت، کد موجود بر روی کارت و رمز دوم کارت برای دریافت وجه جایزه ارسال می‌شود.

پلیس فتا در ادامه این گزارش تاکید کرد، اگر مخاطبان اینگونه پیامک‌ها مشخصات عابر بانک خود را ارسال کنند، تبهکاران به راحتی می‌توانند حساب بانکی آنان را تخلیه کنند.

پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات به مشترکان تلفن همراه توصیه کرد به شماره تلفن‌هایی که نمی‌شناسید، پاسخ ندهید و تحت هیچ عنوان اطلاعات شخصی و مالی خود را ارسال نکنید.

پلیس فتا همچنین اعلام کرد: فضای مجازی ساده‌ترین و کم هزینه‌ترین فضا برای فعالیت‌های اقتصادی است، اما هر فعالیتی قانونی نیست و پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا با نظارت کامل بر روی فضای مجازی به سرعت با متخلفان برخورد می‌کند.

آماده باش سازمان آتش نشانی تهران در شب‌های قدر

سرویس خبر: سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران آمادگی خود را برای برگزاری ایمن مراسم معنوی و پر فیض نیایش شب‌های قدر در نقاط مختلف پایتخت اعلام کرد.

معاون عملیات سازمان آتش نشانی تهران با اشاره به لزوم بالابردن ایمنی محل تجمّع عزاداران و روزه‌داران در این شب‌ها، گفت: همه نیروهای عملیاتی این سازمان برای بالا بردن ایمنی محل عبادت شهروندان پایتخت درلیالی قدر در حالت آماده باش قرار دارند و ۸۸ محل تجمع روزه‌داران بررسی و نسبت به اعزام نیروها به این مناطق اقدام شده است.

وی افزود: این اقدامات به صورت هماهنگ در پنج منطقه عملیاتی شهر تهران انجام می‌شود و در تمامی ساعات حضور مردمی در مراسم شب‌های قدر، نیروهای امدادرسانی سازمان آتش نشانی با تجهیزات کامل آماده خدمات رسانی هستند.

تیموری با اشاره به تقسیم بندی ایستگاه‌های آتش نشانی در مناطق مختلف شهر تهران، خاطرنشان ساخت: در منطقه یک عملیاتی، مناطق چهار سوق بزرگ، ضلع شمالی، غربی و شرقی مسجد جامع، خیابان داور، میدان ۱۵ خرداد، شبستان مسجد جامع، چهار راه گلوبندک، خیابان ۱۵ خرداد(جنب پارکینگ موتور سیکلت‌ها)، مصلی حضرت امام خمینی(ره) و پارکینگ عباس آباد تحت پوشش ۱۰ ایستگاه آتش نشانی و خدمات ایمنی است.

همچنین در منطقه دوعملیات نیز همین برنامه ریزی در محدوده میدان نماز، ضلع جنوبی حرم مطهر حضرت عبدالعظیم، میدان صفاییه، فلکه سوم دولت آباد، میدان شهرری، میدان مدرس، ضلع شرقی پارکینگ حرم مطهر، چهار راه کوکاکولا، خیابان نبرد شمالی حدفاصل مخابرات و مسجد شهید بهشتی، بلوار ابوذر حدفاصل پل دوم و سوّم مسجد علی ابن‌الحسین(ع)، مسیل جاجرود در محدوده خیابان تیموری فرد، خیابان شهید رجایی محدوده مسجد جامع امام رضا(ع)، شهرک کاروان پارک، دولت آباد، میدان بهشت و اتوبان افسریه نبش خیابان شهید رحیمی نبش پانزده متری دوم انجام شده است. در این محدوده دو ایستگاه نیز به صورت چرخشی در مناطق این محدوده فعالیت می‌کنند و در مجموع ۱۳ ایستگاه در حالت آماده باش قرار دارند.

معاون عملیات سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران، افزود: منطقه سه عملیات آتش نشانی تهران نیز در این شب‌ها به طور آماده باش ناظر بر ایمنی مساجد و دیگر اماکن میزبانی مراسم عمومی شب‌های قدر است.

این منطقه در حد فاصل خیابان آیت، خیابان حجربن عدی، خیابان رشید محدوده خیابان ۱۵۶ غربی، خیابان دماوند حدفاصل ایستگاه داریوش و مسجد امام جعفر صادق(ع)، مجیدیه شمالی جنب مسجدالهادی، میدان شهرک امام خمینی، خیابان پنجم نیروی هوایی، شهرک شهید فلاحی، شیراز شمالی، تکاوران شمالی، حکیمیه بلوار افق، مسجد جامع حکیمیه، بلوار استقلال و خیابان توحید، امامزاده علی اکبر(ع)، مسجد طالقانی واقع در خیابان مقدس اردبیلی، مسجد جامع درکه، مسجد جامع اوین، میدان نبوت در محدوده مسجد النبی، خیابان شهید عراقی، میدان ده ونک، خیابان ولی عصر(عج) محدوده مسجد بلال، خیابان دکتر شریعتی در محدوده مسجد جامع قلهک و خیابان زهدی نیروهای عملیاتی ۲۳ ایستگاه را در حالت آماده باش می‌بینند.

وی خاطرنشان ساخت: در منطقه چهار نیز خیابان‌های آزادی در محدوده مسجد امام حسن مجتبی(ع)، تقاطع حبیب‌اللهی، بلوار مرزداران جنب مسجدابوالفضل(ع)، شهرک فرهنگیان، خیابان فرحزادی نبش سیف و مسجد جامع شهرک قدس، خیابان آیت الله کاشانی و مسجد نظام مافی، شهرک اکباتان، ورد آورد، خیابان ویلاشهر، خیابان گیشا جنب خیابان ۲۶، خیابان شهید اشرفی اصفهانی حدفاصل اتوبان نیایش، باغ فیض، مسجد جامع میدان کاج، مسجد رسول اکرم(ص) در شهرک شهید باقری، شهرک چشمه، خیابان شهران جنب مسجد امام علی(ع)، آزاد شهر، فلکه اول صادقیه جنب مسجد امام صادق(ع)، روبه روی خیابان دریان نو، خیابان اشرفی اصفهانی نرسیده به فلکه دوم صادقیه، خیابان سی متری جی و خیابان انصار المهدی شاهد حضور نیروهای امدادرسان سازمان آتش نشانی در شب‌های قدر است.

همچنین در منطقه ۵ نیز، عزاداران شب‌های قدر در جاده ساوه محدوده شهرک ولی عصر(عج) و مسجد امام‌هادی(ع)، میدان ابوذر محدوده فرهنگسرای بهاران، خیابان قزوین محدوده دوراهی قپان و خیابان شهید نعمتی و پارک ولایت حضور نیروهای فعال این سازمان را مشاهده خواهند کرد.

بهره‌برداری از شرقی‌ترین محدوده بزرگراه آزادگان

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: مسیر دو کیلومتری از منتهی الیه شرقی بزرگراه آزادگان، در تقاطع بزرگراه امام علی(ع) دیروز با حضور شهردار تهران به بهره‌برداری رسید.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر محمدباقر قالیباف شهردار پایتخت در این مراسم اظهار داشت: اهمیت بزرگراه آزادگان در جنوب تهران به این دلیل است که پرترافیک‌ترین محور مواصلاتی برای خودروهای سبک و سنگین به شمار می‌رود و بیشتر هموطنان برای تردد از شمال به جنوب و شرق به غرب کشور، از آن عبور می‌کنند.

او توضیح داد: هموطنانمان که از مازندران به تهران می‌آیند، یا قصد سفر به قم یا کرج را دارند باید به بزرگراه آزادگان وارد شوند و در تلاش هستیم با تکمیل رمپ و لوپ‌های بزرگراه امام علی، دسترسی‌ها را در این منطقه تسهیل کنیم. شهردار تهران ادامه داد: این دو کیلومتر از بسیج تا میدان جهاد، مسیر اصلی آزادگان است و مسیر کنونی مورد استفاده اصلی نیست؛ ۱۵ کیلومتر هم از این بزرگراه در حال ساخت است که در مهر به بهره‌برداری می‌رسد و به دلیل جدا بودن این دو، ابتدا منتهی الیه شرقی را افتتاح کردیم. او در جمع خبرنگاران هم تاکید کرد: هر هفته در بزرگراه آزادگان تصادفات منجر به مرگ رخ می‌دهد که امیدواریم با تکمیل پروژه، این مشکل برطرف شود. به گفته قالیباف بزرگراه آزادگان پس از تکمیل، هشت لاین خواهد داشت و از نورپردازی و زیباسازی مناسب بهره‌مند می‌شود.

این مقام مسئول در پاسخ به پرسشی درباره مشکلات تکمیل پروژه‌های شهری تاکید کرد: ما برخلاف دولت، منابع عمومی و پول نفت را در اختیار نداریم و اکنون هم برای تامین هزینه خریدهای خارجی به منظور تکمیل پروژه‌های صدر ـ نیایش مشکلاتی پیش رو داریم که امیدواریم با برنامه‌ریزی و تدبیر، کارها را به گونه‌ای پیش ببریم که براساس برنامه زمانبندی باشد.

سیل در ایتالیا، فیلیپین و چین هزاران نفر را آواره کرد

باران‌های سیل آسا در شمال ایتالیا علاوه بر خسارات مالی فراوان جان دو نفر را گرفت و گرمای بی‌سابقه هوا نیز در مرکز و جنوب این کشور صدها نفر را راهی بیمارستان کرد.

دو سالمند ایتالیایی در استان «التو ادیجه» شمالی‌ترین منطقه ایتالیا جان خود را بر اثر سیل و رانش زمین از دست دادند. رگبار شدید باران و رانش زمین منزل این دو قربانی را تخریب کرد و آنها زیر خروارها خاک مدفون شدند. رانش زمین و جاری شدن سیل در «التو ادیجه» سبب شد تا بخشی از راه‌آهن «برنرو» و جاده شماره ۱۲ بسته شود. خسارات زیادی به راه آهن به ویژه در منطقه «ویپیتنو» و «برنرو» وارد شده و حدود ۳ کیلومتر از خط آهن زیر آب فرو رفته است که احتمالاً تا چند روز دیگر باز نخواهد شد.

در مرکز و جنوب ایتالیا نیز صدها نفر براثر موج شدید گرمای افریقایی راهی بیمارستان شدند. در این مناطق دمای هوا بیش از ۴۰ درجه با رطوبت بالا ثبت شده است.

مانیل

جاری شدن سیل در فیلیپین هزاران نفر از مردم مانیل را مجبور به ترک خانه‌هایشان کرد.

بارش سنگین باران‌های موسمی در مانیل و مناطق نزدیک آن منجر به آبگرفتگی معابر، بسته شدن بازارها، فلج شدن ترافیک، اخلال در تردد خودروها و گریختن مردم از خانه‌هایشان شد. همچنین تمامی مدارس و دوایر دولتی در پایتخت این کشور تعطیل اعلام شد.

شرایط سیل و آبگرفتگی معابر و خانه‌ها در بخش ماریکینا سیتی در شرق مانیل که در سطح پایین تری نسبت به بقیه شهر قرار دارد به مراتب وخیم‌تر است. رودخانه ماریکینا به سرعت به حداکثر ارتفاع ۱۸ متری خود رسید و سپس طغیان کرد و سبب آبگرفتگی مناطق اطراف این رود شد. مدارس و ورزشگاه‌های سرپوشیده در مناطق مرتفع شهر مانیل به محل اسکان موقت سیل زدگان تبدیل شده است. در طول چند هفته گذشته باران‌های موسمی و توفان‌های دریایی سبب جاری شدن سیل و در مناطق مختلف فیلیپین و کشته شدن ۵۱ نفر در این کشور شده است.

چین

براساس آمار رسمی ۲۳ نفر بر اثر وزش توفان شدید و بارندگی در منطقه شرق چین جان خود را از دست داده اند. مقامات امداد و نجات چین اعلام کردند: این توفان در یک هفته اخیر سواحل شرقی این کشور را در هم کوبیده است. نه نفر دیگر نیز براثر وزش این توفان سهمگین ناپدید شده‌اند که تاکنون اثری از آنان بدست نیامده است. بیش از ۹۰۰۰ خانه آسیب دیده و ۱۳۰ هزار تن آواره شده‌اند. بیشترین قربانیان ساکن استان هبی بوده اند.

نامه سرگشاده به وزیر محترم آموزش و پرورش

جناب آقای دکتر حمیدرضا حاجی بابایی،

به عرض عالی می‌رساند: از هفت سال پیش که کلنگ احداث مجتمع آموزشی بنام یکی از فرهنگیان درگذشته، از ماترک آن فقید، به زمین زده شد تا امروز که این نامه سرگشاده معروض می‌شود مشکلات و سرگردانی‌های عدیده‌ای برای اینجانب که وصی و مجری طرح هستم ایجاد شده که با مکاتبه بسیار و مکرر به مقامات مسئول و تکیه بر موازین شرعی و قانونی نتوانستم کار را به سامان برسانم. ناچار به مزاحمت حضرتعالی شدم به این شرح:

* نام مجتمع که در قرارداد به نام خیر و نوع مدرسه که دولتی و برای بهره‌برداری عام ذکر شده تبدیل به فرزانگان، تیزهوشان و نخبگان شده است. در تابلو مدرسه پرده نوشته‌ها، تلفن گویا، و غیره نام خیر محو و نیت وی در مسیر دیگری رفته است، یعنی مدرسه دولتی تبدیل به ملی (یا غیرانتفاعی) شده و به جای دانش‌آموزان محلی و معمولی با امتحان گرفتن، تیزهوشان و نخبگان انتخاب و ثبت‌نام می‌شوند و با پرداخت شهریه در مدرسه خیرساز به تحصیل ادامه می‌دهند که در این میان موضوع صالحات و باقیات نفی شده است. نه صالحاتی است زیرا به جای عامه مردم خواص بهره‌مند می‌شوند و نه باقیات که نامی از خیر باقی بماند.

* به فتاوی مراجع محترم تقلید حوزه علمیه قم، مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش و دستور صریح آن جناب، که هیچکس حق ندارد نام خیر و کاربری مدرسه را تغییر دهد، توجه نشده است! بخشی از مکاتبات اینجانب به مقامات مسئول، نام شهر محل احداث و نام خیر در این نامه ذکر نشده است و همگی موجود است. از دستور سریعی که برای رفع این ظلم بزرگ و قانون‌شکنی آشکار (بخصوص تخلیه نخبگان و انتقال به محل دیگر که وعده داده بودند تا آخر خرداد سال نودویک اجرا خواهد شد نشده است) صادر می‌فرمایید بی‌نهایت سپاسگزارم. امیدوارم که سال تحصیلی ۹۲ ـ ۹۱ به تغییر نام، پایان داده شود و روال عادی کار مجتمع موجب آسایش خاطر اینجانب و تشویق و دلگرمی خیرین آینده گردد.

با تقدیم سپاس فراوان
ایران دستغیب بهشتی

خط ارتباطی اطلاعات با مردم
۲۲۲۲۶۰۹۰
۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوعات پیامها جنبه خصوصی، حقوقی و قضایی نداشته باشد.
* از تکرار یک پیام روی پیامگیر اکیداً خودداری بفرمایید.
* پیام‌ها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
* چاپ پیامها بر اساس نوبت است

باتشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

انتقال کارگاه‌های مزاحم

از شهرداری خلخال تقاضا می‌شود در مورد انتقال تعمیرگاه‌های خودرو و سایر کارگاه‌های مزاحم به منطقه مناسبی در خارج از شهر، اقدام کند.

خلخال ـ یک شهروند

۲ سؤال از سازمان بیمه خدمات درمانی

از سازمان بیمه خدمات درمانی ۲ سؤال دارم، اول این که چرا بیمه‌شدگان برای تمدید دفترچه‌های بیمه‌هایشان به مدت کمتر از ۳ ماه، از تمامی شهرهای کشور باید به خیابان دکتر فاطمی در تهران مراجعه کنند و دوم این که به چه دلیل تعداد برگه‌های دفترچه‌های بیمه از ۲۴ برگ به ۱۲ برگ کاهش یافته است؟

شهری ـ فرهنگی بازنشسته

تقاضا از انجمن صرع ایران

عضو انجمن صرع ایران هستم. این انجمن هر سال کارت عضویت اعضایش را عوض می‌کند و بابت آن هم ۲۰ هزار تومان حق عضویت دریافت می‌دارد که پرداخت آن برای من که معلولم و ۳ فرزند معلول هم دارم، مشکل است و جا دارد این حق عضویت از امثال من دریافت نشود.

خانم معلول و مبتلا به صرع

پیشنهاد پخش مستقیم مسابقات المپیک

در این روزها که دانش‌آموزان و دانشجویان بیکارند و وسایل سرگرم‌کننده کم‌هزینه و سالم هم به قدر کافی در اختیار ندارند، چه خوب بود صداوسیما با تمهیدات لازم به پخش مستقیم مسابقه‌های المپیک لندن می‌پرداخت و با درنظر گرفتن مسایل اخلاقی و گزینش اصولی این مسابقات برای جوانان و حتی بازنشستگان امکان سرگرمی فراهم می‌ساخت تا به جای در قهوه‌خانه و پارک‌ها نشستن، در کنار خانواده‌هایشان می‌نشستند و مسابقات المپیک را تماشا می‌کردند.

تلفن به خط ارتباطی

پدر موجب آزار فرزندانش نشود!

دولت باید مانند پدری مهربان، درصدد حل مشکلات فرزندانش باشد، نه این که خود قیمت‌ها را بالا ببرد و اجازه این کار را به دیگران هم بدهد و به این ترتیب فرزندانش را که همانا ملت هستند، آزار دهد!

تبریز ـ شهروند

در برگزاری قرعه کشی وقفه می‌اندازند

شرکت گلریز اعلام کرده بود به مشتریانش به قید قرعه جوایزی اهدا می‌کند، اما تاکنون تاریخ برگزاری این قرعه‌کشی را چند بار عقب انداخته است و معلوم هم نیست که آن را کی برگزار می‌کند؟

از مشتریان شرکت

حجاب با عفاف تفاوت دارد

در مورد بحثی که این روزها تحت عنوان «حجاب و عفاف» مطرح است، باید گفت حجاب به معنای امروزی آن یعنی حفظ ظاهر پوشش، مترادف با عفاف نیست. زیرا از نظر منطقی، این دو با یکدیگر فرق دارند و به لحاظ به اصطلاح «عام و خاص من وجه»، ٤ گونه‌اند: بعضی افراد حجاب دارند و عفاف هم دارند، بعضی‌ها حجاب دارند اما عفاف ندارند. عده‌ای عفاف دارند ولی حجاب ندارند و بالاخره گروهی عفاف ندارند و حجاب هم ندارند. ضمن آن که از نظر حجاب و عفاف نیز مرد و زن تفاوتی ندارند. با اوصاف یاد شده می‌توان گفت که حجاب با تعریف امروزی حفظ ظاهر است و هرچند اهمیت بسیاری دارد، امری روبنایی محسوب می‌شود. اما عفاف، امری درونی و فطری و نفسانی است که می‌تواند مترادف با عصمت و حیاء باشد.

کرمانشاه ـ خرسندی

پیشگیری از قطع آب و برق زندان خرم‌آباد

آب و برق زندان مرکزی خرم‌آباد (لرستان) گهگاه قطع و در گرمای هوای تابستان، موجب مشکلاتی برای زندانیان می‌شود. از مسئولان امر تقاضا دارد از قطع آب و برق در زندان خرم‌آباد، نظیر آنچه از ساعت ۲ تا ٦ بعدازظهر هفتم مرداد ۹۱ روی داد، پیشگیری به عمل آورند.

خرم‌آباد ـ بند ۱ زندان مرکزی

با روزنامه اطلاعات زندگی کرده‌ایم

تا به یاد دارم در خانه ما همیشه روزنامه اطلاعات حضور داشته است، تا آنجا که می‌توان گفت ما با روزنامه وزین اطلاعات زندگی و رشد کرده‌ایم. از این که مقالات حضرت آیات عظام جوادی آملی، مکارم شیرازی و مظاهری از استادان اخلاق اسلامی را چاپ می‌کنید، سپاسگزارم و امیدوارم این کار ادامه یابد. خداوند متعال شما را در پناه خود نگه دارد و دعای خیر امام زمان(عج) توشه راهتان باشد.

علی ـ محمدقلی‌ها

معافیت مالیاتی مطبوعاتی‌ها

به موجب ماده ۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم، فعالیت‌های انتشاراتی، مطبوعاتی، فرهنگی و هنری که به موجب مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌شود، از پرداخت مالیات معاف است. اما اداره امور مالیاتی شهرستان لنجان از توابع استان اصفهان، نمایندگان مطبوعات را از شمول این قانون مستثنی می‌داند و معتقد است که اگر آگهی‌ها مستقیماً به روزنامه‌ها داده شود، از مالیات معاف است و چنانچه به نمایندگان مطبوعات داده شود، مشمول معافیت مالیاتی قرار نمی‌گیرد که باید پرسید آیا منطقی است اجرای یک قانون در یک شهر با سایر شهرهای کشور متفاوت باشد؟

فولادشهر ـ خبرنگار اطلاعات

تسریع در افتتاح سردخانه جدید شیروان

در حالی که برای تأمین نیاز مردم شهرستان شیروان به کشتار ۲۰ رأس گوساله و ۲۰۰ رأس گوسفند در روز نیاز است، شهرداری کشتار بیش از ۸ رأس گوساله و ۷۰ رأس گوسفند در روز را ممنوع و با ایجاد این محدودیت، موجب کمبود عرضه گوشت در سطح قصابی‌های شیروان شده است، ضمن آن که شهرداری شیروان دلیل این محدودیت را نداشتن سردخانه بزرگ اعلام کرده است.

اگرچه کشتارگاه شیروان برای رفع مشکل کمبود گوشت نسبت به اجاره سردخانه در خارج از شهر مبادرت کرد، اما چون گوشت در آنجا کاملاً منجمد می‌شد، مورد تأیید اداره دامپزشکی قرار نگرفت، که امید است با تسریع در افتتاح سردخانه جدید، مشکل نگهداری و توزیع بهداشتی گوشت در شهرستان شیروان حل شود.

شیروان ـ علی نوروززاده

گوشت مرغ از سفره‌ها پر کشیده است!

با این که اعلام شده بود توزیع گوشت مرغ در شهرستان خرمدره استان زنجان در ماه مبارک رمضان ۲ برابر می‌شود نه تنها چنین نشد، بلکه گوشت مرغ نایاب شده و از سفره بسیاری از مردم خرمدره پرکشیده است! مرغداران هم می‌گویند به دلیل عدم تحق وعده‌های دولت در خصوص کمک به آنان، کشتارگاه‌هایشان را تعطیل کرده‌اند و در این میان، مردم روزه‌دار خرمدره هستند که به دلیل کمیابی گوشت مرغ، دچار مشکل شده‌اند.

خرمدره ـ محمدرضا نوحی

ارز مسافرتی یا برای همه یا هیچ کس!

مطلبی درباره حذف ارز مسافرتی در روزنامه اطلاعات خواندم که البته مسافران حج تمتع را استثناء کرده بود. قطعاً افرادی که راهی حج می‌شوند، دارای تمکن مالی هستند و نباید تبعیضی بین سایر مسافران با آنان وجود داشته باشد. یا همه از ارز مسافرتی بهره‌مند شوند یا هیچ کدام!

شهروند تهرانی

پاسخ مسئولان

پاسخ شهرداری منطقه ۱۵ پیرامون مشکل ورودی و خروجی محله افسریه

احتراماً در پاسخ به مطلب مندرج در ستون ارتباطات مردمی آن جریده وزین مورخه ۹۱/۴/۱ در خصوص مشکل ورودی و خروجی محله افسریه در ورودی ۴۵ و خیابان ۱۵ متری، اول به استحضار می‌رساند: در خصوص مشکل خیابان ۱۵ متری اول، عملیات لوله‌گذاری که در این معبر در حال اجرا بود، به اتمام رسیده است و با توجه به این‌که با عملیات لوله‌گذاری، نهر معبر حذف و خیابان تا حدودی تعریض گردیده، مشکل ترافیکی محل نیز تا حدودی روانتر شده است.

در مورد خیابان رحیمی و ورودی ۴۵ نیز با توجه به این‌که محل مذکور در محدوده استحفاظی شهرداری محترم منطقه ۱۴ واقع شده است، خواهشمند است از طریق منطقه یاد شده پیگیری فرمائید.

موسی‌الرضا متین‌راد ـ سرپرست روابط عمومی

بقیه در صفحه ۹

۲۳ بازیکن در اردوی تیم ملی فوتبال

۲۳ بازیکن ازسوی کارلوس کی‌روش سرمربی تیم ملی فوتبال، برای حضور در اردوی مجارستان و دیدار تدارکاتی با تونس دعوت شدند.

بازیکنان دعوت شده که عضو باشگاه‌های ایران هستند، باید ساعت ۱۸ امروز خود را به کادر فنی تیم ملی معرفی کنند. بازیکنان عضو باشگاه‌های خارجی نیز طبق برنامه‌ریزی انجام شده، مستقیماً به مجارستان خواهند رفت.

اسامی بازیکنان دعوت شده به این شرح است:

دروازه‌بانان: سید مهدی رحمتی (استقلال)، محسن فروزان (تراکتورسازی)، علیرضا حقیقی (روبین کازان)

مدافعان: حسین ماهینی، مهرداد پولادی و سیدجلال حسینی (پرسپولیس)، خسرو حیدری و پژمان منتظری (استقلال)، هادی عقیلی (القطر)، احسان حاج صفی (تراکتورسازی)، مازیار زارع (ملوان)

هافبک‌ها: جواد نکونام (استقلال)، علی کریمی (پرسپولیس)، پژمان نوری (ملوان)، امید نظری) انگل هولم سوید)، قاسم حدادی فر (ذوب آهن) و رضا حقیقی (مقاومت سپاسی)

مهاجمان: اشکان دژاگه (ولفسبورگ)، محمدرضا خلعتبری (سپاهان)، کریم انصاری‌فرد و محمد قاضی (پرسپولیس)، محمد ابراهیمی (تراکتورسازی) و رضا قوچان‌نژاد (سنت ترویدن بلژیک)

بازیکنانی که محروم و مصدوم هستند یا زمان کافی برای دریافت ویزا نداشتند، در این فهرست قرار نگرفتند.

تیم ملی فوتبال ایران ساعت ۱۹ امروز در زمین چمن کمپ تیم‌های ملی یک جلسه تمرین خواهد کرد و بامداد فردا تهران را به سوی مجارستان برای تشکیل اردوی هفت روزه ترک خواهد کرد.

تیم ایران ۲۵ مرداد در مجارستان یک دیدار تدارکاتی با تیم ملی تونس برگزار می‌کند و پس از ان به ایران بازمی گردد.

اردن حریف جدید ایران

رئیس فدراسیون فوتبال تعویق شهر آورد تهران در هفته ششم لیگ برتر را قطعی ندانست و گفت: «کارلوس کی‌روش» مخالف برگزاری جام حذفی است اما اگر این مسابقات به تیم ملی ضربه بزند فکر جدیدی خواهیم کرد.

علی کفاشیان در خصوص اردوی تیم ملی ضمن بیان مطلب فوق گفت: ما شرایط مناسب را برای تیم ملی فراهم کرده و سعی می‌کنیم بهترین بازی‌های تدارکاتی را در نظر بگیریم. مجارستان هم کمپ بسیار خوبی دارد و همه نیازهای تیم ملی را می‌تواند برطرف کند. رئیس فدراسیون فوتبال در مورد بحث تعویق بازی پرسپولیس – استقلال در هفته ششم لیگ برتر تصریح کرد: در حال مذاکره هستیم و فعلا صحبتی در این خصوص نشده است. شاید در آن مقطع تهران تعطیل باشد اما فاصله زیادی بین ورزشگاه آزادی و محل برگزاری اجلاس وجود دارد. اگر مسئولان صلاح بدانند این بازی را عقب می‌اندازیم ولی فعلا بحثی مطرح نشده است. علی کفاشیان در خصوص دیدار تدارکاتی تیم ملی ایران پیش از بازی با لبنان گفت: قرار است تیم ملی پس از اردوی مجارستان در اردن مقابل تیم ملی این کشور به میدان برود. این در حالی است که پیش از این قرار بود تیم ملی ایران قبل از رویارویی با لبنان در هفته چهارم از مرحله چهارم و نهایی مسابقات فوتبال انتخابی جام جهانی در قاره آسیا به مصاف تیم ملی سوریه برود.

قاسم رضایی، برنده پنجمین مدال المپیکی ایران

کاروان ورزشی ایران پریروز روز پرفروغی را پشت سرگذاشت و با طلای نوروزی و نقره نصیر شلال به رده ۲۴ جدول توزیع مدال‌ها صعود کرد.

البته کشتی فرنگی و وزنه‌برداری، شب گذشته مدال‌های دیگری برای ایران به دست آوردند تا جمع مدال‌های کاروان ورزشی ایران افزایش داشته باشد.

پیروزی قاسم رضایی

«قاسم رضایی» کشتی گیر تیم ملی کشتی فرنگی ایران در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن با پیروزی‌های غرورآفرین خود راهی دیدار فینال وزن ۹۶ کیلوگرم شد تا سومین مدال شاگردان محمد بنا، قطعی شود.

«قاسم رضایی» که در دور نخست رقابت‌های وزن ۹۶ کیلوگرم کشتی فرنگی بازی‌های المپیک لندن با قرعه استراحت روبرو شده بود، در دور دوم مقابل «جنگ ییلدریم» از ترکیه قرار گرفت و این کشتی گیر را در سه وقت متوالی و با نتایج صفر بر ۲، یک بر صفر و ۲ بر صفر شکست داد و به دور سوم رفت. قاسم رضایی در دور بعد به مصاف «آرتور الکساندریان» از ارمنستان رفت و باقدرت و صلابت مثال زدنی بر حریف نامدار خود فائق آمد و راهی دیدار فینال شد تا مدال با ارزش دیگری به جمع مدال‌های المپیکی ایران بیافزاید. البته قبل از اینکه رضایی به این مهم نائل آید، سعید عبدولی در وزن ۶۶ کیلوگرم و در مصاف با کشتی گیر فرانسوی از سوی ناداوران طعم تلخ شکست تحمیلی را چشید تا حاصل یک عمر تلاش، سختی و مشقت خود را به راحتی از دست رفته ببیند! عبدولی در واقع چوب موفقیت هم تیمی‌های خود را خورد و سردمداران فدراسیون جهانی کشتی (فیلا) پس از کسب مدال‌های زرین المپیک از سوی حمید سوریان و امید نوروزی، تحمل کسب دو مدال دیگر فرنگی‌کاران ایران را نداشتند! با همه ناداوری‌هایی که در حق کشتی فرنگی ایران و تیم یکدست و پرصلابت محمد بنا روا داشتند، لیکن آنان در سه روز برگزاری رقابت‌های کشتی فرنگی، صاحب سه مدال خوشرنگ المپیک شدند و علاوه بر ثبت رکوردی بی‌سابقه برای کشتی فرنگی ایران، برافراشتن پرچم پرافتخار کشورمان و طنین‌اندازی سرود جمهوری اسلامی در سالن اکسل لندن، شادی و غرور ملی را برای هموطنان عزیزمان به ارمغان آوردند.

کره جنوبی، برنده مافیای کشتی فرنگی؟!

در شرایطی که در سالن اکسل شنیده می‌شد، شکست عبدولی برنامه‌ای برای فرنگی‌کار کره‌جنوبی بود، خوش و بش داوران کره‌ای و رئیس کنفدراسیون آسیا با دیگر داوران حاضر در رقابت‌ها پس از فینالیست شدن فرنگی‌کار کره‌ای، این مسأله را به مرز حقیقت نزدیک کرد. پس از حذف سعید عبدولی در رقابت‌های کشتی فرنگی المپیک که با ناداوری مشخصی توسط داور بلاروسی انجام شد در سالن اکسل صحبت‌های زیادی مبنی بر برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین شده شنیده می‌شد. در این بین بیش از هر چیز شنیده می‌شد که این ناداوری پروژه‌ای بود تا سعید عبدولی به فرنگی‌کار کره جنوبی نرسد تا حریف کره‌ای او با خیالی آسوده فینالیست شود. پس از اینکه فرنگی‌کار کره‌ای با پیروزی بر حریف فرانسوی، راهی فینال شد، کیم رئیس کنفدراسیون آسیا به همراه داوران کره‌ای با دیگر داوران حاضر در سالن اکسل دست می‌دادند و با خوشحالی حضور کره‌جنوبی در فینال را به یکدیگر تبریک می گفتند. همین مسأله شایعه‌ها را در سالن اکسل، بیشتر کرد.

عزیمت آزادکاران به لندن

آزادکاران المپیکی کشتی ایران بامداد دیروز با بدرقه ابراهیم جوادی و حسن رنگرز، راهی بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن شدند.

با توجه به برنامه رقابت‌های کشتی آزاد المپیک ۲۰۱۲ لندن، جمعه این هفته حسن رحیمی در وزن ۵۵ کیلوگرم و صادق گودرزی در وزن ۷۴ کیلوگرم به مصاف رقبای خود می‌روند و سپس نوبت به مسعود اسماعیل‌پور در وزن ۶۰ کیلوگرم، احسان لشگری در وزن ۸۴ کیلوگرم و کمیل قاسمی در وزن ۱۲۰ کیلوگرم می‌رسد که شنبه آینده به روی تشک بروند. مسابقات این دو روز از ساعت ۱۶ و ۳۰دقیقه به وقت تهران آغاز می‌شود.

مهدی تقوی در وزن ۶۶ کیلوگرم و رضا یزدانی در وزن ۹۶ کیلوگرم نیز یکشنبه هفته آینده به میدان می‌روند که این رقابت‌ها طبق برنامه از ساعت ۱۲ به وقت تهران آغاز خواهد شد.

بازتاب درخشش نوروزی

گوینده یک شبکه تلویزیونی از حرکت تکنیکی کشتی گیر وزن ۶۰ کیلوگرم کشورمان پس از رسیدن به مقام نخست به عنوان «هدیه‌ای به مربی» یاد کرد.

از شب گذشته که امید نوروزی موفق شد با غلبه در دیدار فینال وزن خود مدال طلای المپیک را به گردن آویزد، رسانه‌های جهان اقدام به بازتاب درخشش کشتی گیر جوان و پرتوان ایرانی کردند.

در همین ارتباط وقتی داور جدال فینال، دست نوروزی را به نشانه قهرمان کشورمان مقابل حریف وی بالا برد و نوروزی به محمد بنا، «فن سالتو» زد، گوینده شبکه تلویزیون انگلیس از این حرکت به عنوان هدیه‌ای به مربی یادکرد. روزنامه اینکوایر: امیدنوروزی، قهرمان جهان از ایران با شکست روواز لاشکی از گرجستان و کسب برد ۲ بر صفر طلای وزن ۶۰ کیلوگرم را پس از دو تایم رقابت و نبردی سخت گرفت. این پیروزی کشتی فرنگی ایران را در المپیک به دو طلا رساند. زیرا پیش از او حمید سوریان در فینال یکشنبه شب قهرمان وزن ۵۵ کیلوگرم شد.

روزنامه واشنگتن‌پست آمریکا: نوروزی دوشنبه شب برنده مدال طلا ۶۰ کیلوگرم رشته فرنگی کشتی المپیک شد. وی به عنوان قهرمان جهان در این بازی‌ها قدرت‌نمایی کرد.

*خبرگزاری رویترز: امید نوروزی از ایران در فینال وزن ۶۰ کیلوگرم کشتی فرنگی، روواز لاشکی از گرجستان را کنار زد و ایران را به دومین مدال طلای المپیک لندن رساند. او به نشانه تشکر از مربی‌اش با زدن «فن سالتو» یکی از زیباترین صحنه‌های این دوره را رقم زد.

*خبرگزاری آسوشیتدپرس: کشتی گیر ایرانی به مدال طلای وزن ۶۰ کیلوگرم کشتی فرنگی المپیک رسید. برای این منظور او در دو تایم و با نتایج یک بر صفر (در مجموع ۲ برصفر) بر روواز لاشکی از گرجستان غلبه کرد.

جایگاه ششمی ایران دربین آسیایی‌های مدال آور

ایران یکی از ۷۰ کشوری است که در بازی‌های المپیک لندن توسط ورزشکاران خود در رشته‌های مختلف مدال‌آور شده است و از این حیث در جایگاه ششم کشورهای آسیایی قرار دارد.

تا دیروز که ۱۱ روز از برگزاری رسمی سی‌امین دوره بازی‌های المپیک تابستانی در لندن می گذرد، ۷۰ کشور از مجموع ۲۰۴ کشوری که در این بازی‌ها شرکت کرده‌اند، از ۵۵۶ مدال طلا، نقره و برنز توزیع شده سهم داشته‌اند.

دربین کشورهایی که ورزشکاران آنها در روزهای گذشته مدال‌آور شده‌اند، ۱۸ کشور آسیایی هستند که چین با کسب بیشترین مدال، بهترین کشور آسیایی و البته بهترین کشور شرکت کننده در بازی‌هاست. البته برخی از کشورهای آسیایی هم با حداقل مدال و کم ارزش‌ترین آنها وارد جدول توزیع مدال‌ها شده‌اند.

علاوه بر چین که در هفته نخست المپیک سی‌ام، صدرنشین مطلق جدول توزیع مدال‌ها بود و حالا هم با بیشترین مدال و حتی داشتن بالاترین تعداد مدال طلا این جایگاه را در اختیار دارد، برخی از کشورهای آسیایی هم در رده‌های بالایی جدول قرار دارند، طوری که کره جنوبی و قزاقستان در جمع ۱۰ کشور برتر به ترتیب جایگاه‌های چهارم و هشتم را در اختیار دارند.

ایران هم از جمله کشورهای آسیایی است که از جمعه شب گذشته با مدال برنز کیانوش رستمی در رقابت‌های وزنه برداری وارد جدول توزیع مدال‌ها شد و در روزهای گذشته سقوط و صعود در این جدول داشت. طوری که جایگاه‌های ۴۶، ۵۲ و ۳۳ را در اختیار گرفت و تا شب گذشته و قبل از رقابت‌های کشتی فرنگی و وزنه‌برداری در رده ۲۴ قرار داشت.

ایران در حالی صاحب رده بیست و چهارم شد که علاوه بر چین، کره جنوبی و قزاقستان، کشورهای کره شمالی و ژاپن را هم بالای سر خود می‌ د ید و از این حیث ششمین کشور آسیایی است. ایران از نظر مدالی با اختلاف زیاد نسبت به پنج کشور آسیایی برتر، در رده ششم کشورهای آسیایی قرار داشت. ژاپن که آخرین کشور آسیایی قبل از ایران است و در رده پنجم کشورهای آسیایی و ۲۴ مدال بیشتر نسبت به ایران داشت. کاروان ورزش ایران تا دیروز توسط حمید سوریان و امید نوروزی (طلای کشتی فرنگی)، نواب نصیر شلال و کیانوش رستمی (مدال نقره و برنز وزنه برداری) صاحب چهار مدال شده بود. در حالی که ژاپن – پنجمین کشور آسیایی – تا به دیروز ۲۸ مدال گرفته است.

البته قزاقستان و کره شمالی از نظر تعداد مدالی، فاصله زیادی با ایران ندارند، ولی موضوع اینجاست که از مجموع هفت مدال قزاقستانی‌ها، شش مدال آنها طلاست و کره شمالی هم که تا پنج مدال کسب کرده، چهار مدال آنها طلا بوده است.

مدال های کسب شده المپیک ۲۰۱۲ تا شب گذشته

ردیف	کشور	طلا	نقره	برنز	مجموع
۱	چین	۳۳	۲۰	۱۴	۶۷
۲	آمریکا	۲۹	۱۵	۲۰	۶۴
۳	بریتانیا	۱۹	۱۲	۱۲	۴۳
۴	کره جنوبی	۱۱	۵	۶	۲۲
۵	فرانسه	۸	۹	۱۰	۲۷
۶	روسیه	۷	۱۷	۱۸	۴۲
۷	ایتالیا	۷	۶	۴	۱۷
۸	قزاقستان	۶	۰	۱	۷
۹	آلمان	۵	۱۱	۷	۲۳
۱۰	هلند	۴	۳	۴	۱۱
۱۱	مجارستان	۴	۱	۳	۸
۱۲	کره شمالی	۴	۰	۱	۵
۱۳	کوبا	۳	۳	۱	۷
۱۴	بلاروس	۳	۲	۳	۸
۱۵	نیوزلند	۳	۱	۴	۸
۲۴	ایران	۲	۱	۱	۴

*جدول بالا مر بوط به پیش از کسب مدال قاسم رضایی در کشتی فرنگی و رقابت های دسته فوق سنگین وزنه برداری است.

روح الله عسگری حذف شد

تنها نماینده ایران در رقابت‌های دوومیدانی ۱۱۰ متر با مانع با قرار گرفتن در رده هفتم گروه خود از صعود به مرحله نیمه نهایی بازماند.

دوازدهمین روز از سی‌امین دوره بازی‌های المپیک تابستانی دیروز با برگزاری رقابت‌های دوومیدانی ۱۱۰ متر با مانع پیگیری شد. در این رقابت‌ها، روح الله عسگری، تنها نماینده کشورمان در گروه دوم و در رقابت با نمایندگان ۹ کشور دیگر، صاحب جایگاه هفتم شد. روح‌الله عسگری با حد نصاب ۱۳ ثانیه و ۹۷ صدم ثانیه در رده هفتم قرار گرفت و از صعود به مرحله نیمه نهایی این رقابت‌ها بازماند. از این گروه دوندگان کشورهای آمریکا، بریتانیا و بلاروس راهی مرحله نیمه نهایی شدند.

عملکردم نه خوب بود و نه بد

دونده ۱۱۰ متر با مانع ایران گفت: عملکردم در المپیک نه خوب بود و نه بد.

روح الله عسگری پس از رقابتش در المپیک لندن در جمع خبرنگاران گفت: در روی مانع چهارم پایم گیر کرد و اگر این اتفاق نمی‌افتاد می‌توانستم عملکرد بهتری داشته باشم. در کل عملکردم نه خوب بود و نه بد.

وی همچنین گفت: جو المپیک با مسابقات دیگر متفاوت است و فضای سنگینی بر این مسابقات حاکم است. تازه این دور مقدماتی مسابقات است و شرایط المپیک با تمام مسابقات فرق دارد. دونده ۱۱۰ متر با مانع ایران همچنین ادامه داد: در یک هفته‌ای که اینجا بودم استرس زیادی را تحمل کردم. المپیک تجربه بسیار خوبی برای من بودو باید در مسابقات بیشتری شرکت کنم.

تکواندو کاها، حریفان خود را شناختند

مسابقه‌های تکواندو بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن قرعه‌کشی شد و نمایندگان ایران حریفان خود را شناختند.

در مسابقه‌های تکواندو بازی‌های المپیک ۱۲۸ تکواندوکاها در هشت وزن (٤ وزن زنان و ٤ وزن مردان) حضور خواهند داشت که طبق برنامه مسابقه‌های تکواندو از امروز شروع می‌شود. طبق قرعه‌کشی این رقابت‌ها، محمد باقری معتمد در وزن منهای ۶۸ کیلوگرم مردان، اولین نماینده ایران است که روی شیاپ چانگ می‌رود. در قرعه‌کشی این وزن، باقری معتمد نفر دوم رنکینگ جهانی در انتهای جدول قرار دارد و فردا ساعت ۱۶:۱۵ به وقت تهران به مصاف «دیوید بوی» از آفریقای مرکزی می‌رود.

باقری معتمد در صورت پیروزی بر این حریف گمنام خود در دور بعد به مصاف برنده دیدار روح‌الله نیک پا از افغانستان، نفر هفتم رنکینگ جهانی و لنوفسکی از لهستان می‌رود. سروت تازگل نفر اول رنکینگ جهانی از ترکیه هم در بالای جدول با با ترنس جنینگ از آمریکا روبه‌رو می‌شود.

در وزن منهای ۸۰ کیلوگرم مردان، یوسف کرمی نماینده ایران است که طبق برنامه، او جمعه ساعت ۱۳:۴۵ به وقت تهران به مصاف «نیکلاس گارسیا هم» از اسپانیا می‌رود. این اسپانیایی نفر پنجم رنکینگ جهانی در این وزن است.

از نکات جالب قرعه‌کشی این وزن، رویارویی رامین عزیزف نفر اول رنکینگ جهانی با استیون لوپز آمریکایی است. استیون لوپز، پرافتخارترین تکواندوکای تاریخ جهان است و رویارویی با نفر اول رده‌بندی جهانی، فینال زودرس رقابت‌ها به شمار می‌رود. البته حذف یکی از این دو تکواندوکا باتجربه و قدرتمند مسلما به سود یوسف کرمی خواهد بود.

رامین عزیزف تکواندوکایی است که یوسف کرمی در فینال رقابت‌های گزینشی جمهوری آذربایجان که موفق به کسب سهمیه شد، با او رقابت نکرد تا قهرمانی به عزیزف برسد.

در وزن منهای ۶۷–کیلوگرم زنان، سوسن حاجی‌پور ساعت ۱۳جمعه به وقت تهران مقابل کارمن مارتون نفر هشتم رنکینگ جهانی از استرالیا می‌رود و در صورت پیروزی در دور بعد با برنده تکواندوکاهای مصر و سوئد روبرو خواهد شد.

آرزو حکیمی به نیمه نهایی نرسید

آرزو حکیمی به نیمه نهایی رقابت‌های کایاک ۵۰۰ متر انفرادی زنان المپیک نرسید.

آرزو حکیمی که در گروه یک مرحله مقدماتی رقابت‌های قایقرانی کایاک ۵۰۰ متر انفرادی زنان حضور داشت با ثبت زمان یک دقیقه و ۵۸ ثانیه و ۵۹۸هزارم ثانیه در رده هفتم گروه خود قرار گرفت و نتوانست به نیمه نهایی راه یابد. در این گروه ورزشکارانی از کوبا، نیوزیلند، دانمارک، آلمان، فنلاند و آمریکا حضور داشتند که پاروزنان فنلاند، دانمارک و آلمان به ترتیب اول تا سوم شدند. حکیمی با ۱۷ سال سن، کوچکترین قایقران شرکت‌کننده در این رقابت‌ها بود.

روزبهانی: طلسم بی‌مدالی بوکس را می‌شکنم

احسان روزبهانی، چنانچه در دیدار بامداد پنجشنبه (ساعت ۲/۳۰ دقیقه) مقابل بوکسور قزاق پیروز شود، نخستین مدال‌آور تاریخ بوکس ایران در المپیک لقب خواهد گرفت. این بوکسور وزن منهای ۸۱ کیلوگرم می‌گوید که کاملاً آماده مبارزه و ثبت قهرمانی خود در تاریخ است. ملی‌پوش بوکس ایران تصریح کرد: شرایطم کاملاً خوب است و برای انجام مبارزه کاملا آماده‌ام. امیدوارم، بوکسور قزاق را هم شکست دهم و به عنوان نخستین بوکسور ایران به مدال المپیک برسم و طلسم مدال نگرفتن‌های بوکس را بشکنم. وی افزود: بوکسور قزاق، بوکسور خوبی است و با کمک کادر فنی مبارزات او را آنالیز کرده و فیلم او را دیده‌ام. سعی می‌کنم مبارزه خوبی انجام دهم.

معاون وزیر بهداشت: تأمین منابع مالی مهمترین چالش نظام سلامت است

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مهمترین چالش پیش روی نظام سلامت را تأمین منابع دانست و گفت: پس از گذشت پنج ماه از سال تاکنون هیچ مبلغی از بودجه‌های مصوب سال ۹۱ پرداخت نشده است.

دکتر حسن امامی رضوی در گفتگو با خبرنگار ما اضافه کرد: میزان مطالبات مراکز درمانی دولتی از بیمه‌ها هم به ۱۴۰۰میلیارد تومان رسیده است و اگر وضع بخواهد به همین منوال ادامه یابد، میزان پرداختی مردم از جیبشان افزایش و کیفیت خدمات هم کاهش می‌یابد.

دکتر امامی رضوی در پاسخ به این پرسش که مهمترین چالش پیش روی درمان در حال حاضر چیست گفت: چالش اصلی ما تأمین منابع مالی است. در حوزه سلامت هم سازمان‌های بیمه‌گر بدهی‌های هنگفتی دارند و هم ٦ هزار میلیارد تومانی که مجلس تصویب کرده بود که در اختیار نظام سلامت قرار بگیرد تاکنون اختصاص نیافته است و این مساله به تدریج بیمارستان‌های ما را دچار مشکل می‌کند، به طوری که بدهی‌های سازمان‌های بیمه‌گر به نظام سلامت به ۱۴۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

معاون درمان وزارت بهداشت در پاسخ به این پرسش کسری بودجه وزارتخانه چقدر است و چه مقدار از بودجه مصوب نظام سلامت در اختیار قرار گرفته است گفت: طبق روال باید برای ٦ ماه اول ۳۰ درصد اعتبارات را به بخش جاری تخصیص بدهند که تاکنون چیزی تخصیص نیافته است.

دکتر امامی رضوی در پاسخ به این پرسش که کسری بودجه و اختصاص نیافتن به موقع بودجه مصوب چه مشکلاتی را برای نظام سلامت فراهم می‌کند گفت: در بخش درمان نمی‌توانیم خدمت ارائه ندهیم ولی اگر بودجه‌ها به موقع تخصیص نیابد، افت کیفیت ارائه خدمات اتفاق می‌افتد. گرچه تمامی تلاش خود را برای ارائه خدمات مناسب به کار می‌بندیم، اما لاجرم کسری بودجه و اعتبارات سبب افت کیفیت خدمات و افزایش هزینه درمان از جیب مردم خواهد شد.

معاون درمان وزارت بهداشت درباره فرسودگی بیمارستان‌ها و تجهیزات پزشکی آن گفت: اکنون حدود ۳۰هزار تخت در سراسر کشور درحال طراحی و ساخت است که بیش از ۵۰ درصد آن مربوط به تخت‌های فرسوده است که جایگزین می‌شود. دولت در این زمینه برنامه‌ریزی خوبی دارد، اگر منابع تأمین شود، مشکلی نخواهیم داشت.

وی درباره اجرای طرح پزشک خانواده و مشکلات اجرایی آن گفت: طرح پایلوت پزشک خانواده وقتی در ۳استان اجرا شد، نیاز به هماهنگی‌های زیادی داشت، دفترچه‌های بیمه باید یکسان می‌شد و سازمان‌های ذیربط باید قرارداد مشترکی با افراد ارائه‌کننده خدمت در سطح یک می‌بستند، چون سازمان‌های بیمه‌گر ساز و کار این مساله را ندیده بودند هماهنگ نبودند و نتوانستند کار را به خوبی به نتیجه برسانند.

وی افزود: با وجود این که خیلی جاها قراردادها بسته شد و خانواده‌ها ثبت‌نام کردند، ولی به دلیل این که برنامه نسخه ۰۱ خوب طراحی نشده بود، با مشکلات جدی در اجرا مواجه شدیم، اما در نسخه ۰۲ مسائلی که در نسخه ۰۱ به آن توجه نشده بود، مانند نحوه قراردادها، ارائه خدمت، تخصیص مالی نظارت و کنترل و پرداخت عملکردی تکمیل شده و در حال اجرا است.

معاون درمان وزارت بهداشت در پاسخ به این پرسش که چالش‌های پیش روی اجرای طرح پزشک خانواده در شهرهای بزرگ چیست گفت: در شهرهای بزرگ طرح پزشک خانواده را به صورت کامل اجرا نمی‌کنیم و بسیاری از مواردی که برای اجرا نیاز داریم در این مرحله به آن نمی‌پردازیم و به تدریج آن را اجرایی خواهیم کرد.

امامی رضوی در پاسخ به این پرسش که کدام بخش‌های پزشک خانواده اجرا نمی‌شود، گفت: در نظام پزشک خانواده، نظام پرداخت از نظام عملکرد باید به نظام سرانه‌ای تغییر یابد. ما این کار را در سطح یک و پزشک عمومی انجام داده‌ایم، ولی در حوزه‌های پزشکان متخصص و فوق تخصص این کار را انجام نداده‌ایم یا در خصوص گسترش خدمات خارج از بیمارستان‌ها، خدمات ویزیت در منزل و نحوه مدیریت منابع که باید در اختیار پزشک خانواده باشد تا او منابع سطح بالاتر را پرداخت کند، نپرداخته‌ایم.

وی افزود: فعلاً بستر و زمینه انجام کار در کل کشور فراهم می‌شود و تمامی مردم باید پزشک خانواده خود را انتخاب کنند و همه بیماران باید براساس نظام ارجاع به سطح دو و سه بروند.

وی با اعلام این که برنامه پزشک خانواده فقط انتخاب پزشک خانواده نیست، گفت: در اجرای پزشک خانواده برخی ابزارهای کنترلی دیگر هم هست که به تدریج اجرایی می‌شود.

معاون درمان وزارت بهداشت درباره این موضوع که پزشکان متخصص معتقدند که آن‌ها در این طرح جایگاهی ندارند، گفت: این گونه نیست. پزشکان متخصص، همه پزشکان سطح دو و پزشکان سطح یک هم پزشکان عمومی هستند.

دکتر امامی رضوی در پاسخ به این پرسش که پس از اجرای این طرح شاهد چه تغییراتی در نظام سلامت خواهیم بود، گفت: در وضع موجود مردم آزادند با دفترچه بیمه خود به هر پزشکی که مایلند مراجعه کنند، اما وقتی پزشک خانواده اجرایی بشود هر فرد ایرانی دارای یک پزشک اختصاصی و دفترچه هم فقط برای آن پزشک معتبر است و در مرحله اول اگر به پزشک متخصص مراجعه کنند، همه هزینه‌های آن‌ها از جمله ویزیت، آزمایشگاه و رادیولوژی به صورت آزاد محاسبه خواهد شد.

وی افزود: در این مرحله ممکن است که مراجعات به پزشکان متخصص کم شود، اما تمهیدی اندیشیده شده است که اگر پزشکان متخصص با بیمه‌ها قرارداد ببندند و همکار پزشک خانواده شوند، ویزیت تخصصی آن‌ها در بخش دولتی سه برابر می‌شود و در بخش خصوصی هم یک ویزیت خصوصی و یک ویزیت دولتی می گیرند.

معاون درمان وزارت بهداشت در پاسخ به این پرسش که مراکز درمانی دولتی اکنون هم نمی‌توانند تمامی بیماران را پوشش بدهند، حال چگونه با برقراری نظام پزشک خانواده که بیماران باید فقط به این گونه مراکز مراجعه کنند، می‌توانند پاسخگوی بیماران باشند، گفت: این گونه نیست. با اجرای پزشک خانواده، مراجعه به مراکز دولتی کمتر می‌شود. اکنون شلوغی مراکز درمانی در تهران و شهرهای بزرگ به این علت است که ۵۰ درصد آن بیماران شهرستانی هستند، در پزشک خانواده ارجاع از شهرستان‌ها محدود می‌شود، یعنی کسی که در زابل زندگی می‌کند نمی‌تواند به مراکز درمانی تهران ارجاع داده شود. پزشک موظف است بیمار را به مراکز درمانی زابل و در صورت نبود تخصص به زاهدان و سپس کرمان و بعد تهران ارجاع دهد؛ به این وسیله فیلترینگی برای ارجاع بیماران به وجود می آید.

دکتر امامی رضوی در پاسخ به این پرسش که کیفیت ارائه خدمات در تهران با زابل یا شهرهای کم‌جمعیت قابل قیاس نیست حال اگر بیماران در آن مراکز از درمان خود نتیجه نگیرند، چه کاری باید انجام دهند، گفت: جواب نگرفتن گاهی از طرف بیمار است و گاهی تشخیص پزشک. در پزشک خانواده، بیماران یک راهنمای خوب دارند که مورد اعتماد بیمار است، پزشک خانواده بیمار را به پزشک متخصص ارجاع می‌دهد و پزشک متخصص اقدام‌هایی انجام می‌دهد و بازخورد آن را به پزشک خانواده می‌دهد. در اینجا سطح اطلاعات مردم یک پله بالاتر می‌رود.

معاون درمان وزارت بهداشت در پاسخ به این پرسش که آیا در نظام پزشک خانواده، پزشک عمومی تبدیل به کارمند دولت نمی‌شود، گفت: ۵۰ درصد مردم زیرپوشش بیمه تأمین اجتماعی هستند که به دولت ربطی ندارد. سازمان بیمه وکیل مردم است و با کمک وزارت بهداشت و سازمان‌های بیمه نظام‌های کنترلی ایجاد شده است.

وی در پاسخ به این پرسش که چون سازمان‌های بیمه‌ای باید پول پزشکان را پرداخت کنند این مسأله می‌توانند باعث افت کیفیت خدمات درمانی شود، گفت: این که شما می‌گویید کیفیت نیست، بلکه دریافت خدمت است. ما یک بحثی در کیفیت خدمات داریم و یک بحث هم سطح دریافت خدمات است.

اگر مردم پول داشته باشند، می‌توانند بهترین خدمات را در بهترین مراکز درمانی دنیا بگیرند، آیا می‌توان اجازه داد که مردم برای دریافت خدمات هر کالایی را وارد کشور کنند؟

دکتر امامی در پاسخ به این پرسش که به هر حال افت خدمات به سلامت انسان‌ها صدمه می‌زند، چون بیمه‌ها باید هزینه درمان را پرداخت کنند لذا پروتکل‌هایی می‌گذارند تا محدودیت شدید در ارائه خدمات ایجاد شود، افزود: بالاخره سهمی که فرد برای بیمه پرداخت می‌کند، سقفی از خدمات را می‌تواند پر کند. اکنون حق بیمه‌ای که پرداخت می‌شود آن‌قدر نیست که خدمات دندانپزشکی را پوشش دهد، در حالی که انتظار مردم این است که خدمات دندانپزشکی هم را پوشش بدهد. سازمان بیمه‌گر می‌گوید که اگر قرار باشد هر روز فردی پنج مورد ام آرآی انجام دهد این بیمه پاسخگو نیست، پس مدیریت می‌کند در نظام پزشک خانواده هم این پزشک عمومی است که برای بیمه‌ها مدیریت منابع را انجام می‌دهد.

دکتر امامی در پاسخ به این پرسش که چون مردم حق بیمه کمی پرداخت می‌کنند به این دلیل باید خدمات درمانی هم افت کیفیت داشته باشد، گفت: این گونه نیست. سلامت مردم مدیریت می‌شود نه سطح سلامت مردم. شما ممکن است بخواهید بهترین وسایل تشخیصی را داشته باشید و هر دقیقه هم آزمایش بدهید، اما اگر دچار سرطان شدید من بگویم نمی‌توانم هزینه آن را پرداخت کنم؛ چون جای دیگری هزینه کرده‌ام؛ پس دولت مدیریت هزینه می‌کند.

معاون درمان وزارت بهداشت در پاسخ به این پرسش که بیمه‌ها در ارائه خدمات به دلیل این که هزینه‌ها را پرداخت می‌کنند ایجاد محدودیت می‌کنند. اصولاً چه‌مکانیزمی‌وجوددارد که اگر این اتفاق افتاد، جلو آن گرفته شود گفت: پروتکل‌ها و راهنماهای بالینی را بیمه‌ها نمی‌نویسند. این وظیفه وزارت بهداشت است که با همکاری انجمن‌های علمی این پروتکل‌ها را بنویسد.

دکتر امامی رضوی در پاسخ به این پرسش که هم‌اکنون بیمه‌ها ۱۴۰۰ میلیارد تومان به مراکز درمانی دولتی بدهکارند. حال چگونه بار سنگین اجرای پزشک خانواده را هم به دوش آن‌ها گذاشته می‌شود، گفت: این گونه نیست. محاسبات ما نشان می‌دهد که اکنون ۳۰درصد هزینه‌های سلامت در بخش دارو است، این با نرم (استاندارد) جهانی بسیار متفاوت است.

مصرف دارو در کشورمان به این خاطر که مدیریت نمی‌کنیم، بالا است. در پزشک خانواده این مسائل ساماندهی می‌شود؛ مصرف دارو کم شده و تشخیص بی خودی انجام نمی‌گیرد، بنابراین هزینه بیمه‌ها هم کاهش می‌یابد.

معاون درمان وزارت بهداشت در پاسخ به این پرسش که چرا بیمه‌های تکمیلی با مراکز درمانی دولتی قرارداد نمی‌بندند، در حالی که برنامه پنجم تاکید کرده است که بیمه‌های تکمیلی با مراکز درمانی دولتی قرارداد ببندند گفت: برنامه پنجم گفته است برای خدماتی که زیرپوشش بیمه پایه سلامت نیستند بیمه‌های تکمیلی نباید قرارداد خدمت با بخش خصوصی ببندند.

وی افزود: خدمات سلامت پایه، معمولاً آن دسته از خدماتی است که در بیمارستان‌های دولتی ارائه می‌شود که بیمه‌هم‌آن‌هاراپوشش می‌دهد. بنابراین بیمه‌های تکمیلی نباید این خدمات را در بخش خصوصی مورد حمایت قرار دهند، ولی این قانون اجرا نشده است و بیمه‌های تکمیلی در این بخش با مراکز درمانی خصوصی قرارداد می‌بندند و در قانون هم دستگاهی که باید از این مساله جلوگیری کند، مشخص نشده است.

دکتر امامی رضوی در پاسخ به این پرسش که در نظام پزشک خانواده با بیمه‌های تکمیلی چه کار خواهید کرد، گفت: در پزشک خانواده در درازمدت باید سطح ارائه خدمت یکسان بشود، یعنی نمی‌شود افراد را به دو گروه تقسیم کنیم که یک گروه بتواند از خدمات استفاده کند و گروه دیگر نتواند.

وی اضافه کرد: البته مانند همه جای دنیاافرادمی‌توانندباپرداخت‌های شخصی سطح بیمه‌های متفاوت داشته باشند، اما از منابع دولتی نمی‌توان این ناعدالتی را اجرا کرد.

وی در پاسخ به این پرسش که چرا بخش قابل توجهی از پزشکان با اجرای طرح پزشک خانواده مخالفند، گفت: اکثر آن‌ها به دلیل نداشتن شناخت دقیق از این طرح است. بدنه سازمان نظام پزشکی هم با این طرح مخالف نیست. برخی از صحبت‌هایی هم که می‌شود ناشی از فضای انتخاباتی در سازمان نظام پزشکی است.

امامی رضوی افزود: برخی از پزشکان هم به دلیل این که درآمدشان کم می‌شود، با این طرح مخالفند این در حالی است که اکثر پزشکان عمومی حتی یک میلیون تومان هم درآمد ندارند، البته یک عده پزشکان عمومی داریم که ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان درآمد دارند، پزشکانی که درآمدشان کم است، با اجرای این طرح موافقند اما مخالفت با این طرح توسط پزشکانی انجام می‌شود که درآمدشان بالا است و در سازمان نظام پزشکی و انجمن‌های صنفی صاحب نفوذند، به همین دلیل صدایشان بیشتر شنیده می‌شود.

وی با اعلام این که ثبت‌نام پزشکان عمومی برای فعالیت در پزشک خانواده به ۲۹ هزار نفر رسیده است، افزود: اگر پزشکان مخالفند چرا ثبت‌نام می‌کنند؟ ما بیش از ۳۰ هزار پزشک برای اجرای این طرح می‌خواهیم که تاکنون ۲۹ هزار پزشک ثبت‌نام کرده‌اند.

معاون درمان وزارت بهداشت در پاسخ به این پرسش که سازمان نظام پزشکی معتقد است تعرفه‌ها به دلیل این که شامل سه ماهه اول سال نمی‌شود ۲۰ درصد افزایش نداشته بلکه ۱۵ درصد بوده است و به دلیل این که تعرفه‌ها غیرواقعی هستند نمی‌توانند نظارتی بر اجرای صحیح آن داشته باشند، گفت: اتفاقاً تعرفه بخش خصوصی در این سال‌ها خوب رشد کرده است.

آنچه که رشد نکرده تعرفه دولتی است و در بخش خصوصی فقط تعرفه‌های هتلینگ بود، که در گذشته خوب رشد نکرده که آن هم در سال‌های اخیر همواره بین ۳۰ تا ٤۰ درصد رشد داشته است.

معاون وزارت بهداشت در پاسخ به این پرسش که در موضوع تعرفه‌ها به ویژه در بخش دولتی در همه بخش‌ها رشد یکسان نبوده و حتی روسای دانشگاه هم معتقدند که تعرفه‌هابسیار ناعادلانه هستند، گفت: اصلاحات تعرفه‌ای بین رشته‌ای را انجام داده‌ایم، اما در یک مقطع سازمان‌های دیگر همکاری نکردند، اما اکنون دنبال آن هستیم که دو باره آن‌ها را اصلاح کنیم. به هر حال رشد تعرفه‌ها هم در بخش دولتی و خصوصی خوب بوده است.

وی در پاسخ به این پرسش که این مساله را با توجه به تورم هدفمندی یارانه‌ها و تورم بالای ۲۰درصد، مطرح می کنید، گفت: در حد توان مردم و بیمه‌ها خوب بوده است. پیشنهاد ما ۲۵ درصد بوده اما ۲۰ درصد هم که افزایش پیدا کرد، قابل قبول بود. البته به شرط آن که بیمه‌ها به موقع به تعهد خود عمل کنند و بودجه هم به موقع تخصیص یابد.

دکتر امامی رضوی در پاسخ به این پرسش که خانم دکتر وحید دستجردی وزیربهداشت از سونامی سرطان در چند سال آینده خبر داده است، به نظر شما آیا علت آن آلودگی هوا، استفاده بی رویه از سموم در کشاورزی و پارازیت‌ها نیستند، گفت: این که سرطان در کشور ما رو به افزایش است، آماری ندارم که بخواهم تائید کنم. که به چه عللی سرطان در کشور ما رو به افزایش است. البته بروز با شیوع متفاوت است. بروز یعنی این که بر اثر میانسالی و کهنسالی از یک طرف و تشخیص خوب از طرف دیگر میزان سرطان در جامعه افزایش داشته است. وی در پاسخ به این پرسش که یکی از موسسات تحقیقاتی اعلام کرده بود که براساس تحقیقات میزان سرطان خون در اطفال در دو منطقه تهران بیشتر است که علت آن را هم آلودگی هوا و وجود پارازیت اعلام کردند، گفت: به هیچ وجه پارازیت باعث بروز سرطان نمی‌شود؛ اما آلودگی هوا در اثر طولانی شدن آن ممکن است باعث سرطان شود. در مورد سموم هم اطلاعی ندارم، نیاز به مطالعه دارد که افزایش مصرف سموم باعث سرطان می‌شود یا نه.

دکتر امامی رضوی درباره چگونگی نظارت بر تعرفه‌ها در بخش خصوصی با توجه به این که سازمان نظام پزشکی معتقد است که به دلیل غیر واقعی بودن تعرفه‌ها قادر به نظارت نیست، گفت: وزارت بهداشت هم نظارت فعال و هم غیرفعال بر اجرای صحیح تعرفه‌ها دارد، به گونه‌ای که اگر مردم به معاونت‌های درمان مراجعه و شکایت خود را اعلام کنند، قطعاً به این شکایات رسیدگی خواهد شد.

وی افزود: اعلام می‌کنیم که هر پزشک و مرکز درمانی که خارج از تعرفه‌های مصوب از مردم پول بگیرد، قطعاً با آن برخورد خواهد شد.

سفیر ایران درپاریس: کاهش غنی‌سازی در برابر لغو تحریم‌ها قابل بررسی است

سفیر ایران در فرانسه تاکید کرد: تحریم‌ها ملت ایران را متحدتر خواهد کرد.

به گزارش ایسنا، علی آهنی در گفتگو با «بنوا فوکون» خبرنگار آژانس خبری داوجونز (Daw Jones) با اشاره به برگزاری اجلاس سران جنبش غیرمتعهدها در تهران، سیاست تحریم و انزوای ایران را بی‌اثر توصیف کرد.

گزارش منتشر شده در داوجونز در این باره به این شرح است: به گفته یک دیپلمات عالی‌رتبه ایرانی، دیدگاه این کشور در قبال سناریویی مبنی بر کاهش درصد غنی‌سازی هسته‌ای در مقابل پایان تحریم‌ها، بسته نیست.

این اظهارات نشان می‌دهد که با وجود ناتوانی کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و سعید جلیلی، مذاکره کننده ارشد پرونده هسته‌ای ایران برای توافق در مورد تاریخی برای مذاکرات مجدد، دولت ایران از تلاش برای یافتن راه حل دست برنداشته است. اما موضع ایران همچنین بر شکاف موجود بین دو طرف تاکید دارد. غرب تاکنون انگیزه کمی در مورد کاهش تحریم‌ها نشان داده و همیشه در درجه اول خواهان بحث بر سر کاهش غنی‌سازی اورانیوم بوده است. یکی از دیپلمات‌های اتحادیه اروپا در این هفته هشدار داده است که صبر و تحمل غرب ممکن است تمام شود.

هرچند وقتی از علی آهنی، سفیر ایران در پاریس، سوال می‌شود که اگر غرب پیشنهاد پایان تحریم‌ها در مقابل محدود کردن غنی‌سازی اورانیوم در حد ۵ درصد را به ایران بدهد، ایران چه واکنشی نشان خواهد داد وی می‌گوید: چنین «مبادله‌ای» می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

این دیپلمات در اعلامی نادر خطاب به یک سازمان خبری بین‌المللی از زمان آغاز تحریم‌های جدید در تابستان اخیر علیه ایران، می‌گوید: در صورتی که حسن نیتی از سوی «طرف مقابل» وجود داشته باشد، چنین تفاهمی می‌تواند حاصل شود.

آهنی افزوده است که مذاکره درباره غنی‌سازی ۲۰ درصدی، مستلزم مذاکرات همزمان در مورد پایان دادن به تحریم‌هاست. جلیلی، مذاکره کننده ارشد ایران، در ماه ژوئن گفته است که در صورتی که غرب حقوق ایران مبنی بر تولید سوخت هسته‌ای را به رسمیت بشناسد و تحریم‌ها را کاهش دهد، ایران حاضر به مصالحه خواهد بود. اظهارات آهنی هم نشان می‌دهد که ایران آماده است درباره برنامه هسته‌ای خود انعطاف نشان دهد. ایران تا کنون سطح فعالیت‌های غنی‌سازی خود را تا حد ۲۰ درصد افزایش داده است، اما می گوید که آماده است این سطح از غنی‌سازی (۲۰ درصدی) را از طریق کشور ثالث تامین کرده و غنی‌سازی خود را تا حد ۵ درصد کاهش دهد. کاهش سطح غنی‌سازی ایران تقاضای اصلی غرب است.

با این همه آهنی گفته است که چنین گزینه‌ای صرفا در صورتی می‌تواند در نظر گرفته شود که غرب متعهد شود که اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی مورد نیاز ایران را تامین کرده و به تحریم‌های اقتصادی خود علیه ایران پایان دهد.

آهنی گفته است: «ما در عین حال که به تعهدات خود مبنی بر پیمان منع گسترش سلاح اتمی پایبندیم، برنامه هسته‌ای را بدون درنظر گرفتن تحریم‌ها ادامه می‌دهیم.»

او همچنین گفته است که ایران می‌تواند در مقابل اقدامات شدید اخیر که برای ضربه زدن به درآمدهای ایران اتخاذ شده‌اند، استقامت کند.

سفیر ایران در پاریس گفت: آن‌ها می‌پندارند که می‌توانند اقتصاد ایران را به زانو دربیاورند، اما بعد از دهه‌ها تحریم، مطمئن باشید همان طور که در گذشته ثابت شده است، ما این تحریم‌ها را به فرصت‌هایی برای خود تبدیل خواهیم کرد. آهنی افزود: برخی که فکر می‌کنند مردم به دلیل تحریم‌ها قیام خواهند کرد، اشتباه می‌کنند. این تحریم‌ها مردم ایران را متحدتر خواهد کرد.

آغاز موج جدید کشتار مسلمانان میانمار

سرویس خارجی: شبکه الجزیره اعلام کرد، در جریان موج جدید خشونت‌ها علیه مسلمانان در ایالت «راخین» میانمار، ۲۰ نفر کشته شدند.

در حالی که موج جدید خشونت بودائی‌های افراطی علیه مسلمانان در میانمار از دو روز پیش آغاز شده، دست‌کم ۲۰ مسلمان که بیشتر از کشاورزان و صیادان بودند، کشته شدند. در جریان این خشونت‌ها که در چند روستا با اقلیت مسلمان و اکثریت بودایی صورت گرفت، بیش از ۳۲۰ منزل متعلق به مسلمانان و چهار مسجد توسط بودائی‌های افراطی به آتش کشیده شد.

ارتش میانمار هم بار دیگر ممنوعیت آمد و رفت را در برخی روستاهای راخین به اجرا درآورد.

از سویی، یک مقام حقوق بشر سازمان ملل متحد نسبت به نقض گسترده حقوق بشر در میانمار و ضرورت رسیدگی حکومت این کشور به حملات مرگبار به مسلمانان میانماری هشدار داد. خبری دیگر اینکه، عربستان سعودی کشتار اخیر مسلمانان را در میانمار محکوم و آن را اقدامی در جهت پاکسازی قومی در این کشور توصیف کرد. هیأت وزرای عربستان سعودی ضمن محکوم کردن کشتار وحشیانه اخیر مسلمانان به دست بودائیان و نظامیان این کشور، آن را اقدامی در جهت نقض حقوق بشر و تلاشی برای فرار مسلمانان از این کشور ذکر کرد.

ترحیم

مادری به عظمت درخشنده فلسفی (شهیدزاده) را از دست دادیم



ایشان صبیه مرحوم حاج حسن فلسفی (شرف الملک) از قضات عالیرتبه و رئیس انجمن گل پروران ایران و نوه مرحوم آقاعلی حکیم مؤسس زنوزی مرجع عالیقدر زمان خود و همسر مرحوم علی شهیدزاده وکیل مدافع و تنظیم‌کننده لایحه دفاعیه مرحوم دکتر مصدق و عضو هیئت چهار نفره تصویب‌کننده استقلال کانون وکلا در تاریخ هفتم اسفندماه ۱۳۳۱ بودند و عضو اولین دوره از خانم‌های ایرانی بودند که به اخذ درجه لیسانس حقوق از دانشگاه تهران نایل گردید و نمونه‌ای بودند از همت و پشتکار، نظم و انضباط، صفا و صمیمیت، دوستی و وفاداری، خوش‌فکری و مهربانی.
روح پاکشان شاد.

چون ابر روم بآسمانها
چون نور به دور کهکشان‌ها
یک لحظه نظر کنم جهان را
بر دور فلک فرشتگان را
زان پس بروم بسوی جانان
صد بوسه هم از قلب و هم از جان
از عشق و ضمیر و ذوق و الهام
زایر شوم و بگیرم آرام

مجلس یادبود آن عزیز بزرگوار روز پنج‌شنبه ۱۹ امرداد ساعت ۶ بعدازظهر در منزل مسکونی ایشان واقع در بولوار کشاورز پلاک ۱۹۰ منعقد می‌گردد.
فرزندان: آفرین، نسرین، صوفیه، محمود
نوه‌ها: آزاده، یاسمین، آلاله، احمد
نتیجه‌ها: نورا، ماکس

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت اندوه و تأسف، درگذشت همسری فداکار، پدری مهربان و دلسوز مرحوم مغفور آقای **مهندس یحیی مجتهدی** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس یادبود آن مرحوم در روز جمعه ۹۱/۵/۲۰ از ساعت ۱۶/۴۵ الی ۱۸/۱۵ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر (آپادانا) خیابان عشقیار، میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: مجتهدی، کهیاری و خانواده‌های وابسته

هوالباقی

با نهایت تأسف درگذشت شادروان **دکتر ناصر حداد**، بنیانگذار صنعت داروسازی مدرن در ایران را به آگاهی بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند.
مراسم ترحیم از ساعت ۴ تا ۵/۳۰ بعدازظهر روز جمعه مورخ ۲۰ مردادماه ۱۳۹۱ در مسجد حجةبن‌الحسن عسکری(عج) واقع در خیابان سهروردی شمالی برگزار می‌گردد.
حضور عزیزان موجب شادی روحی آن مرحوم و امتنان بازماندگان خواهد شد.
خانواده حداد و بستگان

که همه فانی‌اند و باقی یار

باکمال تأسف و تأثر درگذشت زنده‌یاد **نواب والا مسعود میرزا سالور** را به اطلاع کلیه دوستان و اقوام می‌رساند.
طبق وصیت آن مرحوم هیچگونه مراسمی برگزار نمی‌شود.
خانواده‌های عزادار: سالور ـ کامرانی ـ گرانمایه ـ قوام ـ جلیل‌وند رضایی و سایر بستگان

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است در جریده عالم دوام ما

آقای **مهندس شمس‌الدین نهاوندی**، ابرمرد راه‌سازی ایران دار فانی را وداع کرد.
۶۰ سال پرفراز و نشیب فعالیت مداوم حرفه‌ای خود را با امانت و درستکاری به پایان رسانید.
نکونامش ماندگار و روحش شاد.
مجلس ترحیم آن مرحوم روز پنجشنبه مورخ ۹۱/۵/۱۹ از ساعت ۱۹/۳۰ الی ۲۱/۳۰ در منزل شخصی ایشان واقع در کامرانیه شمالی، خیابان شیبانی، خیابان کامران، بن بست توانگر، پلاک ۳، واحد ۱ غربی و شرقی برگزار می‌شود.
برادر: منوچهر نهاوندی
فرزندان: حسام‌الدین ـ مهشید ـ مهتاب و ارسلان نهاوندی
دامادها: کامبیز کیاصالح ـ ساسان سبحانی
نواده: کورش و بیژن نهاوندی ـ سهیل و افسانه سیگرد سون ـ کیان کیا صالح
نتیجه: آریا نهاوندی ـ نیمای سیگرد سون
خانواده‌های: نهاوندی ـ قضائی ـ سیدان ـ فاطمی و خانواده‌های وابسته

انالله و اناالیه راجعون



با نهایت تأسف و تأثر فوت ناگهانی جوان ناکام مرحوم مغفور **حمیدرضا حاجی امین‌بیگی** را به اطلاع کلیه اقوام و آشنایان می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ختمی از ساعت ۱۷/۳۰ الی ۱۹ روز چهارشنبه ۱۳۹۱/۵/۱۸ در مسجد حوری واقع در خیابان ۱۷ شهریور بلوار قیام منعقد می‌باشد.
همچنین مراسم شب هفت نیز روز شنبه ۹۱/۵/۲۱ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در همان مکان برگزار می‌گردد.
با تشریف‌فرمائی خود موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی دل داغدار بازماندگان گردید.
از طرف: پدر ـ مادر ـ همسر ـ برادر و یگانه فرزندش
خانواده‌های: حاجی امین‌بیگی سلیمی ـ بختیاری ـ تالاری ـ قدیمی ـ ابراهیمی ـ رجبی ـ فشمی

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر عزیز و دلسوزمان، **حاجیه خانم فاطمه سلطان اسداله نوه سی** (مادر شهید غلامرضا سرداری) به آگاهی می‌رساند:
مراسم بزرگداشت و ترحیم آن مرحومه روز جمعه ۹۱/۵/۲۰ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
خانواده‌های: سرداری، هادیان، حسن نژادی، سیدتاج‌الدینی، بهار، فری، حاج‌بیگ‌زاده، نیک‌خو، بابازاده، خوشبخت‌نژاد، زالی، پیربوداغی، اریش، امامعلی‌زاده، صابری، عبداله‌زاده، عبدالهی، یوسفی، قهرمانی، ناطقی، نوبری، نادی، ملک‌محمدی، سوری، نیک مهر، نصیرخانی، واضح، دشتی، راد، حیدری، ترکمانی، روشنفر، سایر بستگان و شرکت مهندسین مشاور صنایع

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادری دلسوز و مهربان مرحومه مغفوره شادروان **حاجیه خانم زهرا سلطان بهروز** همسر مرحوم رجبعلی قربان‌زاده‌مقدم، خواهر مرحوم حاج محمدباقر بهروز و مادر مهربان جعفر، پرویز، بهروز و محمدحسین قربان‌زاده مقدم و مادر همسر گرامی مرحوم علیرضا رونقی، حاج ابوالفضل امینی، علی محمدی و حسین سلیمانی را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند.
مجلس یادبود آن روانشاد روز پنجشنبه ۹۱/۵/۱۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور شبستری‌ها واقع در خیابان فاطمی، میدان جهاد برگزار می‌گردد.
شرکت سروران گرامی در این مجلس موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: قربان‌زاده مقدم ـ بهروز و سایر وابستگان سببی و نسبی

مهربان تر ز دل عاشق مادر دل نیست
به دو گیتی چو دل صادق مادر دل نیست

با نهایت تأسف و تألم درگذشت مرحومه مغفوره بانو **عصمت برابیان** (همسر گرامی آقای محمدعلی تکلیفی) را به اطلاع اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.
مجلس ترحیم آن شادروان روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ درمسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان دکتر فاطمی، برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های داغدار: تکلیفی ـ برابیان ـ برابی ـ ایرابلی ـ میرزایی ـ صفی‌زاده شبستری ـ صفی‌زاده ـ امیر عالیخانی ـ حاج سیدجوادی و سایر وابستگان سببی و نسبی

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و دلسوز بزرگ خاندان شعیبی شادروان **حاج مهدی شعیبی** (فرزند مرحوم محمد ابراهیم شعیبی) را به اطلاع کلیه بستگان و دوستان می‌رسانیم.
به همین مناسبت مراسم ختمی روز چهارشنبه ۹۱/۵/۱۸ از ساعت ۱۹ الی ۲۰/۳۰ در مسجدجامع محله اوین منعقد می‌باشد.
خانواده‌های: شعیبی ـ اوینی ـ افشاری ـ مردانی ـ بقادوست ـ ترین پیشه ـ آذرخش ـ اعرابی ـ جباری ـ پستا ـ فرجاد ـ نجفی ـ قربانی و سایر بستگان، دوستان و آشنایان

با نهایت تأثر و تاسف درگذشت شادروان **امیر ارسلان نیرنوری** را به اطلاع بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند.
مراسم ختم آن زنده‌یاد روز جمعه ۹۱/۵/۲۰ از ساعت ۵ الی ۷ بعدازظهر در منزل ایشان برگزار خواهد شد.
خانواده‌های: نیرنوری ـ خواجه‌نوری ـ رزاقی ـ تاج‌بخش ـ معتمدلاریجانی ـ رکنی ـ قاجار ـ مشار ـ امیری ـ هاشم‌زاده ـ دهقانپور ـ واثق‌نوری ـ ناصری ـ ناوی ـ امیرحسینی و سایر خانواده‌های وابسته

شرکت ملاوی بدینوسیله با تشکر و قدردانی از مدیران محترم انجمن‌های شرکت‌های ساختمانی و راهسازی ایران دعوت‌نامه مربوط به مراسم بزرگداشت مرحوم آقای **مهندس شمس‌الدین نهاوندی** توسط آن انجمن‌های محترم را به اطلاع عموم می‌رساند.
«خانواده معزز شادروان مهندس شمس‌الدین نهاوندی»
مهندس شمس‌الدین نهاوندی، پیشکسوت راه‌سازی و یکی از بزرگ مردان فعال این حرفه بودکه مدت ۱۵ سال ریاست هیئت مدیره انجمن شرکت‌های ساختمانی را عهده‌دار و خدمات صنفی ارزنده‌ای به اعضای این انجمن نمود.
اعضای هیئت‌مدیره انجمن شرکت‌های ساختمانی وانجمن شرکت‌های راه‌سازی ایران، پذیرای مقدم بازماندگان و بستگان محترم آن مرحوم، در مجلس بزرگداشت آن زنده‌یاد خواهد بود.
انجمن شرکت‌های ساختمانی
دبیر ـ محمد عطاردیان
انجمن شرکت‌های راه‌سازی ایران
دبیر ـ علی آزاد
زمان: ساعت ۱۶ تا ۱۸ یکشنبه ۹۱/۵/۲۲
مکان: میدان فلسطین ـ خیابان فلسطین ـ خیابان بزرگمهر ـ خیابان شهید برادران مظفر

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف درگذشت **حاجیه فخر تاج مستوفی** همسر شادروان احمد جابری (مؤسس اسلحه فروشی زوبین) را به اطلاع می‌رساند.
بنا به وصیت آن مرحومه هیچگونه مراسمی برگزار نخواهد شد و کلیه هزینه‌های مربوطه صرف امور خیریه خواهد شد.
خاندان مستوفی و خانواده‌های وابسته

انا لله و انا الیه راجعون
فریدون مرادی از میان ما رفت

مراسم ختم آن مرحوم روز جمعه ۹۱/۵/۲۰ ساعت ۱۱ الی ۱۲/۳۰ در مسجد نور واقع در خیابان دکتر فاطمی برگزار می‌گردد.
شرکت دوستان و آشنایان سبب تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
همسر و فرزندان و خانواده‌های: مرادی ـ نیشابوری ـ زالی ـ شعاعی ـ نقیب‌زاده ـ حجازی ـ پیروزان ـ مسعودی علوی ـ حاج اسماعیلی ـ خداخواه ـ دوغایی مقدم ـ سخدری ـ رحمانی ـ نیک شکرنیا ـ آذربای ـ متین ـ خاکپور ـ دکتر افشین راستی ـ یوسفی ـ شهرستانی ـ صراف‌زاده و سایر بستگان

یادبود

هجدهم مردادماه مصادف با نهمین سالگرد همسری مهربان و پدری فداکار **«مرحوم سیدرضا اقوامی»** می‌باشد.
۹ سالی که در بین ما نبود ولی همیشه در خاطرمان یادش جاودانه بود.
روحش شاد و یادش گرامی.
«ایران و شیرین»

تسلیت

آقایان سردار سام و هومن حداد

درگذشت پدر بزرگوارتان و عموی عزیزمان را تسلیت عرض نموده و برای آن شادروان آمرزش ایزدی و برای شما صبر و شکیبایی آرزومندیم.
برادر: دکتر جمال حداد
برادرزاده‌ها: مازیار و ماندانا ـ سپهر و کاوه
خانواده‌های: حداد ـ بوذرجمهری ـ صادقی ـ طالبی ـ بیلمقانی ـ پزشک نیا ـ مین باشیان

جناب آقای دکتر ابراهیم ناصری‌فر

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم طلب آمرزش و برای بازماندگان محترم، صبر و شکیبایی مسئلت دارد.
هیئت مدیره و کارکنان شرکت داروسازی آریا

سرکار خانم دکتر رویا فرخ‌نیا

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم غفران الهی و برای جنابعالی و کلیه بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
انجمن اورولوژی ایران

به نام خدا
جناب آقای مهندس محمدرضا سرداری
جناب آقای مهندس مهران سرداری

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر و مادربزرگ گرامی را به حضور آن جنابان و خانواده‌های محترم تسلیت عرض نموده و بقاء عمر با عزت برای بازماندگان و شادی روح آن مرحومه را از درگاه ایزد منان مسألت داریم.
شرکت مهندسین مشاور صنایع

برادر بزرگوار جناب آقای دکتر امیر احمد نصیری

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت والده محترمه همسر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه و علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان محترم صبر و اجر مسئلت می‌نماید.
هیئت مدیره جمعیت حمایت از مسلولین و بیماران ریوی
هیئت مدیره جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات ایران
هیئت مدیره جمعیت حمایت از پیوند اعضاء ایرانیان
هیئت مدیره بنیاد نیکوکاری فردوس
پزشکان و کارکنان مرکز پزشکی دکتر مسیح دانشوری

خانواده محترم عاملی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به آن خانواده محترم به ویژه برادران عاملی تسلیت عرض نموده و برای آن مرحومه طلب مغفرت می‌نماییم.
اسدا... عسگر اولادی، محمدحسن شمس فرد، محمد نیک

جناب آقای مهندس محمد پیرعلی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و دیگر بازماندگان محترم تسلیت عرض می‌نمایم.
مجید شهبازی

سرکار خانم دکتر منیرالسادات حاکمی

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه غفران الهی و برای شما صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
انجمن نفرولوژی ایران

همکار عزیز،
جناب آقای مهندس محمدحسین صدفی

درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت گفته، خود را در این غم شریک می‌دانیم.
مهندسین مشاور بندآب

جناب آقای دکتر سیدعلی فخرطباطبایی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان را به شما تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم غفران الهی و برای خانواده محترمتان صبر و شکیبائی مسئلت می‌نماییم.
انجمن جراحان مغز و اعصاب ایران

همکار عزیز
جناب آقای دکتر سیدعلی فخرطباطبایی

با اندوه فراوان و در نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به حضور جنابعالی و خانواده محترمتان صمیمانه تسلیت عرض نموده و خود را در غم شما شریک می‌دانم.
دکتر فرزین برزویه

جناب آقای دکتر سیدعلی فخرطباطبایی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندم.
دکتر علیرضا زالی

سخنرانی

اطلاعیه دفتر حسینیه آیت‌الله طبسی حائری مشهد

در آستانه شهادت مولای متقیان **حضرت علی(ع)** مراسم ویژه شب‌های قدر (۱۹، ۲۱ و ۲۳) ماه مبارک رمضان در مشهد مقدس و در جوار بارگاه ملکوتی حضرت رضا(ع) در مسجد، حسینیه و درکنار مزار شریف مرحوم **آیت‌الله آقای حاج سیدعلینقی طبسی حائری** امام جماعت مسجدجامع گوهرشاد و استاد عالی مقام حوزه‌های علمیه کربلا و مشهد برگزار می‌شود.
۱ ـ قرائت قرآن و خواندن دعاهای افتتاح و جوشن کبیر
۲ ـ سخنرانی حجت‌الاسلام دکتر مصطفی رجائی خراسانی
۳ ـ برگزاری احیاء بوسیله حاج علی آقای فخار تا نیمه‌شب
ضمنا دفتر حسینیه این فقید سعید به نشانی امام رضا۱۸ (مقابل پمپ بنزین خیابان تهران یا عنصری ۳) کوچه حسینیه آیت‌الله طبسی حائری و باشماره تلفن ۸۵۴۴۳۱۴ جهت پاسخ گویی به همه گونه سئوالات شرعی و مراجعات دینی برای اطلاع عموم اعلام می‌گردد.
همچنین نماز عیدفطر درهمین مکان برپا خواهد شد.
مشهد مقدس ـ سیدمحمد جواد طبسی حائری

بسمه تعالی شأنه
شَهرُ رَمَضانَ الّذی اُنزِلَ فیهِ القُرآن
هُدیً للناسِ وَ بَیّناتٍ منَ الهُدیَ والفرقان
آیه ۱۸۵ سوره بقره

به منظور بهره‌گیری معنوی هرچه بیشتر از فیوضات ماه مبارک و پربرکت رمضان، ماه ضیافت‌الله و بهره‌مندی کامل از رحمت واسعه الهی و فیض بردن از تعالیم انسان‌ساز گرانسنگ‌ترین کتاب آسمانی، قرآن مجید و مکتب رهائی‌بخش اهل بیت عصمت و طهارت، حضرات ائمه معصومین، علیهم آلاف التحیة والثناء، هر روز پس از اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در مسجد حضرت امام خمینی(ره)، مجلس سخنرانی برگزار و وعاظ محترم به شرح زیر مستفیض خواهند نمود، سپس جلسه قرائت یک جزء از قرآن کریم همراه با آموزش لازم منعقد خواهد گردید. شایسته است مؤمنین و مؤمنات با شرکت خود فرصت را مغتنم شمرده و فیض کامل برند.
دهه دوم: واعظ گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدمحمدعلی غروی دامت افاضاته
دهه سوم: واعظ گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین آقای علیرضا پناهیان دامت افاضاته
دفتر مسجد امام خمینی(ره)
بازار تهران

اطلاعیه هیئت قائمیه تهران

صلوات و سلام خدا بر تو
ای اول مظلوم عالم (علی)
با اینکه پیغمبر فرمود:
«یا علی، من انکر امامتک، فقد انکر نبوتی»
(یعنی ای علی هر کس منکر امامت تو شود انکار نبوت و پیامبری مرا کرده است)

چرا حق تو را غصب کردند؟ و چرا فدکت را گرفتند و چرا خانه‌ات را آتش زدند و چرا همسرت حضرت زهرا را کشتند و چرا در محراب عبادت تو را به خون کشیدند و چرا حسن و حسین تو را شهید نمودند و چرا خاندان پیغمبر و اولادت را اسیر کردند و چرا... و چرا... و چرا...؟
خدایا کجاست آن منتقم حقیقی، آن قائم آل محمد(عج) تا بیاید و انتقام خون‌های پاک و مطهر مادرش زهرا و دیگر شهدای مظلوم را بگیرد؟
روز ۲۱ ماه مبارک رمضان، روز **شهادت امیرالمومنین علی علیه‌السلام** روز عزای جهان انسانیت است.
به همین مناسبت ضمن تسلیت به پیشگاه مبارک **حضرت ولی‌عصر قائم آل‌محمد(عج)** و پیروانش از شب ۱۹ ماه مبارک رمضان الی شب ۲۴ مطابق با شب ۱۳۹۱/۵/۱۸ تا ۱۳۹۱/۵/۲۳ از ساعت ۱۱ شب مجالس احیا و دعا در حسینیه قائمیه تهران واقع در خیابان قدیم شمیران بالاتر از پل رومی برقرار می‌شود.
شرکت عموم علاقمندان در این محافل روحانی موجب تسلی خاطر حضرت ولی‌عصر(عج) خواهد بود.

حسینیه علوی

تأسیس ۱۳۹۰ (هـ.ق)

قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سَلَم
انه قد اقبل الیکم شهر الله بالبرکة و الرحمة والمغفرة...

با حلول ماه مبارک رمضان و نزول برکات و عنایات خاص الهی و آرزوی قبولی طاعات حسینیه علوی برنامه‌های خود را در این ماه رحمت و مغفرت به شرح ذیل اعلام می‌دارد.
۱ـ اقامه نماز جماعت ظهر و عصر و سخنرانی دانشمند محترم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای حسینی
۲ـ نماز جماعت مغرب و عشاء به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای محمدی یک ساعت بعد از افطار و جلسه قرائت قرآن توسط حاج آقای باقری
۳ـ برنامه ویژه بانوان از ساعت ۹ صبح تا ۱۲ قرائت یک جزء قرآن و درس تفسیر قرآن توسط سرکار خانم نوربخش
۴ـ شبهای احیاء قرائت دعای جوشن کبیر توسط جناب حاج آقای رحیمی و مرثیه سرائی مداحان اهل بیت عصمت و طهارت جناب آقای باقری و جناب آقای ارضی و مراسم ویژه احیاء از ساعت ۱۰ شب تا سحر
حسینیه علوی

سپاسگزاری

تقدیر و تشکر

وظیفه خود می‌دانم بدینوسیله از کلیه سروران عالیقدر، مدیریت و پرسنل محترم شرکت فرگاز ـ بزرگ خاندان امیدی، کربلایی حسین و حاج حسن امیدی و کلیه اقوام دوستان، همکاران، آشنایان و همسایگان محترم که در مراسم، تشییع جنازه، تدفین و ختم عزیز از دست رفته‌مان مرحوم **ابوالفضل امیدی** شرکت نموده‌اند و با اهدای تاج گل ابراز محبت فرموده و باعث تسلی خاطر آزرده ما شده‌اند تشکر فراوان دارم.
و از این که به علت تألمات روحی قادر به تشکر حضوری نمی‌باشم پوزش می‌طلبم. از خداوند متعال برای همگان آرزوی سلامتی دارم.
با تشکر غلامرضا امیدی

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

تقویم اطلاعات

چهار شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۱
۱۹ رمضان ۱۴۳۳ - ۸ آگوست ۲۰۱۲

ظهر شرعی	۱۳ و ۱۰ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۰۱ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۲۱ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۲۳ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۴۵ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۱۹ دقیقه

اخوان المسلمین مصر حمله «سینا» را به موساد نسبت داد

سرویس خارجی: جنبش اخوان‌المسلمین مصر در بیانیه‌ای حمله به صحرای سینا را کار موساد و هدف آن را بین بردن انقلاب مصر دانست.

اخوان المسلمین مصر در بیانیه‌ای اعلام کرد: حمله به نیروهای مرزی مصر در صحرای سینا که کشته شدن ۲۰ نفر را در پی داشت، ممکن است توسط موساد انجام شده باشد و هدف آن از بین بردن تلاش‌های محمد مرسی، رئیس جمهوری مصر برای کاهش آلام و رنج‌های مردم غزه است. در ادامه بیانیه گفته‌شده است: دستگاه اطلاعاتی اسرائیل تلاش می کند انقلاب مصر را به نابودی بکشاند و آنچه در صحرای سینا رخ داد، اقتضا می کند بندهای توافقنامه صلح میان اسرائیل و مصر بازنگری شود. در بخش دیگر بیانیه آمده است: جنایت صحرای سینا نشان داد که حضور نیروهای فعلی در این منطقه برای حفاظت از مرزها کافی نیست و در چنین شرایطی اصلاح برخی بندهای کمپ دیوید یک ضرورت است.

از دیگر سو، رئیس جمهوری مصر به همراه شماری از وزرای دولت این کشور برای نخستین بار در چند دهه گذشته به شهر «العریش» در صحرای سینا رفت. محمد مرسی در سفر به شهر العریش از اوضاع امنیتی صحرای سینا پس از کشته شدن ۱۶ نیروی مرزبان مصری در حمله افراد مسلح، اطلاع پیدا کرد. ژنرال محمد حسین الطنطاوی وزیر دفاع، «احمد جمال‌الدین» وزیر کشور، «مرادالوافی» رئیس سازمان اطلاعات عمومی مصر و شماری از فرماندهان سازمان‌های نظامی و امنیتی این کشور، مرسی را در این سفر همراهی می کردند.

این در حالی است که، رژیم صهیونیستی اتهام گروه اخوان‌المسلمین مصر را درباره دست داشتن دستگاه اطلاعاتی این رژیم (موساد) در حمله خونین سینا رد کرد. نخست وزیر رژیم صهیونیستی نیز در بازدید از مرز مصر، امنیت مشترک را به نفع تل آویو و قاهره دانست. بنیامین نتانیاهو در جریان بازدید از محل حادثه، ضمن تاکید بر این موضوع که به نفع اسرائیل و مصر است که امنیت مرزهای مشترک خود را تامین کنند، افزود: البته اگر موضوع امنیت شهروندان اسرائیل مطرح باشد، اسرائیل باید تنها روی نیروهای خود حساب کند. از طرفی، رادیو دولتی رژیم صهیونیستی اعلام کرد، این رژیم اجساد شش مهاجمی را که پس از حمله شامگاه یکشنبه به یک پاسگاه مرزی در صحرای سینا کشته شده بودند، به مصر بازگرداند.

درخواست برای بازنگری

شماری از شخصیت‌ها و گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی مصری خواستار بازنگری در بندهای امنیتی توافقنامه کمپ دیوید شدند. پس از حادثه حمله افراد مسلح ناشناس به یک پست مرزی مصر شماری از شخصیت‌ها و گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی مصری خواستار بازنگری در بندهای امنیتی توافقنامه کمپ دیوید شدند. «عمرو موسی» دبیر کل سابق اتحادیه عرب در این ارتباط باصدور بیانیه‌ای به محمد مرسی پیشنهاد داد، به سرعت خواستار اصلاح بندهای امنیتی توافقنامه کمپ دیوید شود تا نیروهای امنیتی و نظامی مصر بتوانند امنیت صحرای سینا و کنترل مرزها را تامین کنند.

تظاهرات در قاهره

دهها تن از مردم مصر با تظاهرات در مقابل منزل سفیر رژیم صهیونیستی در قاهره قطع روابط مصر با این رژیم را خواستار شدند. دهها تن از مردم مصر با تظاهرات در مقابل منزل «یعقوب آمیتای» سفیر رژیم صهیونیستی در قاهره قطع روابط دیپلماتیک میان مصر و رژیم صهیونیستی را خواستار شدند. تظاهر کنندگان همچنین با سردادن شعارهایی از جمله «برو... برو... ای سفیر خوک‌ها برو» و «ما خواهان قصاص عاملان تیراندازی به برادرانمان هستیم» حادثه اخیر در منطقه سینا را محکوم کردند.

از سویی «اسماعیل هنیه» نخست‌وزیر دولت منتخب فلسطین در غزه ضمن رد هر گونه ارتباط حمله به نیروهای امنیتی مصر با فلسطینیان، خواستار تشکیل کمیته امنیتی مشترک به منظور هماهنگی «دائمی» میان دولت خود و جمهوری مصر شد.

رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس نیز در تماس‌های جداگانه با رئیس جمهوری مصر حمله مسلحانه به نیروهای امنیتی این کشور در صحرای سینا تسلیت گفتند.

در چنین شرایطی و در پی انجام حمله تروریستی در منطقه سینا مصر، موج محکومیت‌ها همچنان ادامه دارد. در این راستا دبیرکل سازمان ملل و دولت آمریکا ضمن محکوم کردن حمله تروریست‌ها به نیروهای ارتش مصر در منطقه سینا، خواهان مجازات عاملان این حمله تروریستی شدند.

تشییع جنازه و عزای عمومی

از سویی، به دنبال حمله افراد مسلح به پست مرزی در صحرای سینا و کشته و زخمی شدن چند تن از مرزداران مصری، رئیس جمهوری مصر به منظور بزرگداشت کشته شدگان سه روز عزای عمومی اعلام کرد.

«یاسر علی» سخنگوی ریاست جمهوری مصر اظهار کرد که محمد مرسی، سه روز عزای عمومی برای گرامیداشت سربازانی که در اقداماتی تروریستی اخیر در صحرای سینا کشته شدند.

در این حال، تشییع جنازه نظامی کشته شدگان صحرای سینا دیروز برگزار شد.

فرمانده ارتش مخالفان حکومت سوریه در حلب، کشته شد

سرویس خارجی: نیروهای ارتش سوریه در درگیریهای محله صلاح‌الدین شهر حلب موفق شدند فرمانده گروه مسلح موسوم به ارتش آزاد سوریه در این منطقه را به قتل برسانند.

به گزارش شبکه تلویزیونی المنار، «ابوعبیده» فرماندهی عملیات گروههای مسلح وابسته به ارتش آزاد در حلب را بر عهده داشت.

از سویی افراد مسلح در راستای سیاست ترور نخبگان و متخصصان سوری به یک دستگاه خودرو حامل دو خلبان سوری در دمشق حمله کردند که در این حمله یکی از این دو خلبان کشته شد.

خبر دیگر اینکه رجب طیب اردوغان اظهارداشت: اعضای گروهک تروریستی «پ.ک.ک» با حمایت بشار اسد به دنبال نفوذ به ترکیه از طریق سوریه هستند و ترکیه ممکن است به منظور مقابله با آنها در سوریه دست به عملیات نظامی بزند. نخست وزیر ترکیه در مصاحبه با شبکه تلویزیونی AVT ترکیه گفت بشار اسد درحال حمایت از پ.ک.ک. در سوریه است و متعاقب آن این گروه به تدریج در حال ورود تدریجی به ترکیه است.

در این حال شبکه تلویزیونی العالم اعلام کرد: سه کامیون حامل افسران ترکیه‌ای و محموله موشک‌های ضدهوایی وارد سوریه شد. همچنین اعضای سازمان‌های مردمی وابسته به کمیته‌های خلق کرد سوریه ۴۰ نظامی ترکیه را که از مرز وارد خاک سوریه شده بودند، بازداشت کردند.

درتحولی دیگر شبکه تلویزیونی سوریه گزارش داد، نیروهای ارتش این کشور مانع از نفوذ افراد مسلح به خاک سوریه از منطقه «العرموطه» در اطراف تلکخ لبنان شدند.

هشدار جهانی

شاه اردن با بیان اینکه نظام بشار اسد توان تغییر ندارد، هشدار داد عدم دستیابی به یک راهکار برای خروج از بحران، ممکن است سبب آغاز جنگ داخلی فراگیر چند ساله شود.

عبدالله دوم درباره به پایان رسیدن فرصت سوریه برای رسیدن به راهکاری درباره مرحله انتقالی سیاسی هشدار داد و اعلام کرد عدم دستیابی به راه خروجی از بحران سوریه در آینده نزدیک، به تشدید وضعیت به صورتی خطرناک منجر و سبب خشونت مذهبی می شود.

وزیرخارجه آلمان نیز با اشاره به کناره‌گیری فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در سوریه، خواستار حمایت جامعه جهانی از جانشین وی شد.

در پی کناره‌گیری کوفی عنان در سوریه، «گیدووستروله» وزیرخارجه آلمان از شورای امنیت سازمان ملل خواست از جانشین وی حمایت کند.

«پطرس غالی» دبیر کل دهه ۹۰ سازمان ملل نیز برقراری آتش‌بس بین طرفین مخاصمه در سوریه را تنها راه حل دانست.

نشست کابینه

دولت سوریه به ریاست عمر غلاونجی نخست وزیر جدید این کشور با حضور همه اعضای کابینه نشست فوق‌العاده برگزار کرد. دولت این کشور در نشست خود وضع خدمات‌رسانی به مردم را بررسی کرد. دولت سوریه در این نشست، از عملکرد نیروهای مسلح این کشور برای تامین امنیت مردم تشکر کرد. غلاونجی در ابتدای این نشست متعهد شد برای برآورده کردن خواسته‌های ملت سوریه تلاش کند.

در این حال بشار جعفری نماینده دائم سوریه در سازمان ملل اعلام کرد وی و سایر دیپلمات‌های سوری مقیم آمریکا مورد تهدید جانی قرار گرفته‌اند.

بشار جعفری که در جمع خبرنگاران در مقر سازمان ملل سخن می گفت افزود: من و دیپلمات‌های دیگر سوریه از سوی اشخاصی در آمریکا و همینطور عربستان تهدید به قتل شده ایم.

خبر دیگر اینکه شیعیان مسکو در آیین باشکوهی توطئه‌های استکبار جهانی و رژیم‌های دست نشانده در منطقه علیه سوریه و حمایت از اعمال جنایتکارانه و تروریستی علیه این کشور را محکوم کردند.

به گزارش ایرنا، صدها نفر از شیعیان مقیم مسکو از جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، عراق، هند و افغانستان در آیین پیش از افطار که توسط نماینده مقام معظم رهبری در روسیه برپا شد، شرکت کردند.

مسلمانان در این آیین از اعمال تبهکارانه تروریست‌ها علیه مردم مسلمان سوریه و حمایت قدرت‌های استکباری از اعمال جنایتکارانه خرابکاران و مزدوران خارجی در این کشور ابراز انزجار و بیزاری کرده و این گونه اقدامات را نمونه بارز تروریسم دولتی از طرف آمریکا و برخی رژیم‌های دست نشانده آن در منطقه خواندند.

خروج ناظران بین المللی از حلب

سازمان ملل متحد از خروج موقت ناظران این سازمان از حلب و بازگشت به دمشق خبر داد. به گزارش فارس، سازمان ملل اعلام کرد: ناظران این سازمان در سوریه که در شهر حلب مستقر بودند به دلیل تشدید درگیری‌ها این شهر را ترک کرده و به دمشق بازگشتند. سخنگوی بخش عملیات حفظ صلح سازمان ملل در اظهاراتی در این باره اعلام کرد: حدود ۲۰ نفر از ناظران سازمان ملل مستقر در حلب ظرف روزهای پایانی هفته به دمشق بازگشتند البته بازگشت آنها موقتی است و به دلیل وخامت اوضاع امنیتی صورت گرفته است. ناظران سازمان ملل از آوریل گذشته وارد سوریه شدند.

ترکیه ۷ منطقه مرزی با عراق را مسدود کرد

سرویس خارجی: با تشدید درگیری‌ها میان عناصر «پ.ک.ک» و نظامیان ترکیه ورود به هفت منطقه در استان مرزی حکاری در نزدیکی مرز ترکیه با عراق ممنوع شد. استانداری حکاری در اطلاعیه‌ای با اعلام این مطلب افزود: ممنوعیت ورود به هفت منطقه کوهستانی و ییلاقی استان حکاری که از دیروز آغاز شده، به مدت سه ماه ادامه خواهد داشت. استانداری حکاری علت این تصمیم‌گیری را نبود امنیت جانی و مالی در این مناطق عنوان کرده است.

در این شرایط، نوری‌مالکی اعلام کرد، جنگ با تروریسم در عراق پایان یافته است و تنها جنگ ما با گروه‌هایی باقی مانده که مورد حمایت کشورهای خارجی هستند.

نوری‌مالکی، نخست وزیر عراق در جمع افسرانی که تلاش برای حمله به زندان التاجی در شمال بغداد را طی چند روز گذشته ناکام گذاشتند، اظهار کرد: جنگ با تروریسم در عراق پایان یافته است و درگیری کنونی ما با عناصر مورد حمایت کشورهای بیگانه است. خبر دیگر اینکه، احمد داوداوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه با «ایاد علی سامره»، دبیرکل حزب اسلامی عراق در استانبول دیدار و در خصوص تحولات عراق گفت‌وگو کرد. این در حالی است که، شاخه مسلح پ.ک.ک، مسئولیت انفجار خط انتقال نفت عراق به ترکیه را بر عهده گرفت. از دیگر سو، عناصر «پ.ک.ک» سه نظامی این کشور را در جنوب شرقی ترکیه ربودند. از سویی، حزب جمهوریخواه خلق به عنوان بزرگترین حزب مخالف در مجلس ترکیه در پی افزایش تلفات نیروهای ارتش در مناطق کردنشین شرق و جنوب شرقی ترکیه، خواهان تشکیل جلسه فوق‌العاده مجلس برای بررسی وضعیت امنیتی کشور شد.

اعلام آمادگی مقاومت فلسطین برای انتفاضه سوم علیه رژیم صهیونیستی

سرویس خارجی: «ابوعلی عتیه» فرمانده گردان عزالدین قسام در جبلیه واقع در نوار غزه گفت: ما خود را برای انتفاضه سوم علیه اسرائیل آماده می‌کنیم.

به گزارش ایرنا؛ عتیه در گفت‌وگو با خبرگزاری دولتی ترکیه خاطرنشان ساخت: ما همانند اسرائیل تانک؛ هواپیما و سلاح‌های سنگین نداریم؛ ولی دارای سلاحی به نام ایمان هستیم که از هر سلاحی قوی‌تر است.

عتیه اظهار داشت: ما مبارزه خود را با ۸۰۰ عضو در جبلیه آغاز کردیم و اکنون ۲۰ هزار عضو در غزه داریم که این رقم در برخی مواقع از یکصد هزار نفر می گذرد. وی گفت: ما آماده هستیم مسجدالاقصی را از چنگ اسراییلی‌ها نجات دهیم.

خبر دیگر اینکه مارتی ناتالیگاوا وزیر امور خارجه اندونزی اقدام رژیم صهیونیستی در جلوگیری از ورود وزرای امور خارجه پنج کشور مالزی؛ اندونزی؛ بنگلادش؛ کوبا و الجزایر به رام‌الله را محکوم کرد و گفت: اقدام صهیونیستها در این زمینه نشان می‌دهد این رژیم در خاورمیانه یک اشغالگر است. وزیران امور خارجه کشورهای یاد شده برنامه‌ای برای حضور در نشست کارشناسی دو روزه جنبش غیر متعهدها در فلسطین داشتند. در این نشست آنها تصمیم داشتند از پیشنهاد فلسطین برای عضویت در سازمان ملل حمایت کنند. در تحولی دیگر یکی از شهرک نشینان صهیونیست یک کودک فلسطینی را در شهر الخلیل با خودرو زیر گرفت. در این حال وزارت دادگستری رژیم صهیونیستی با تصویب قانونی جدید؛ امکان دادخواست و تشکیل پرونده در دادگاه‌های این رژیم توسط فلسطینیان را تقریباً سلب کرد.

در این میان صنایع هوافضای اسرائیل (IAI) از آزمایش موشک «آرو۳» در آینده نزدیک خبر داد. هدف موشک آرو۳، ردیابی موشک‌های دور برد و حتی موشک‌هایی است که قادرند کلاهک‌های غیر متعارف حمل کنند. از سویی پارلمان رژیم صهیونیستی سیاست ریاضت اقتصادی را تصویب کرد. یک منبع رسمی در پارلمان رژیم صهیونیستی اعلام کرد پارلمان تدابیر اقتصادی مورد نظر رژیم صهیونیستی را با تغییراتی اندک به تصویب رساند.

دبیر کل حزب‌الله، مقاومت لبنان را بزرگترین هراس اسرائیل خواند

سرویس خارجی: دبیرکل حزب‌الله لبنان با اشاره به اقتدار مقاومت تاکید کرد: مقاومت لبنان هم‌اکنون به اولین و بزرگترین تهدید علیه رژیم صهیونیستی و منافع آن تبدیل شده است. به گزارش فارس، سید حسن نصرالله در مراسم افطار هیأت حمایت از مقاومت که سخنانش به طور مستقیم از شبکه تلویزیونی المنار پخش شد با اشاره به حمله افراد مسلح ناشناس به نیروهای امنیتی مصر که به کشته شدن ۱۷ نفر انجامید، این حادثه را مشکوک خواند و گفت: اسرائیل بیشترین سود را از این حادثه می‌برد.

دبیرکل حزب‌الله تصریح کرد: طبیعی است در این مراسم که عنوان آن مقاومت و حمایت از مقاومت است، درباره مقاومت سخن بگویم و گفته‌های سابق خودم را تکمیل کنم اما پیش از ورود به موضوع واجب می‌دانم اندکی درباره حادثه فاجعه‌بار روی داده در منطقه مرزی سینای مصر و حادثه روی داده برای افسران و سربازان مصری سخن بگویم که رسانه‌های گروهی گفتند ۱۵ یا ۱۶ افسر مصری کشته شدند و سرهای آنها را بریدند. وی افزود: این حادثه‌ای دردناک و اندوهناک است و وظیفه ماست که بگوییم این حمله محکوم شده است و اندوهبار است که به دین و اسلام و مقاومت نسبت داده شود یا برای آن شعارهایی از این دست داده شود و من به رهبری مصر، ارتش مصر و خانواده‌های افسران و سربازان شهدا تسلیت عرض می‌کنم. سیدحسن نصرالله گفت: بیشترین سود را از این حادثه اسرائیل می‌برد و این اسرائیل است که از نتایج این حادثه بهره‌می‌برد بنابراین انسان می‌تواند بگوید که این حادثه مشکوک است.

وی با تاکید بر این که این نوع حوادث ارتباطی با اسلام و دین و قرآن‌کریم ندارد، افزود: دو تهدید واقعی برای امنیت و ثبات منطقه وجود دارد، اول اسرائیل و دوم تفکر تکفیری است که برای رواج آن در جهان عرب و اسلام تلاش می‌شود و در پس پرده آن دولت‌های عربی است که از این تفکر با پولهای نفت جهان عرب حمایت می‌کنند.

نصرالله با اشاره به تحولات منطقه گفت: این روزها به علت تحولات پیرامون ما در منطقه و به علت قتل و ویرانی و ربودن زائران لبنانی و ایرانی در سوریه و انفجارهای متعدد در عراق و ربودن مردم مسالمت‌جو در بحرین و همچنین رویدادهای جاری در القطیف، دردناک و اندوهبار است. دبیرکل حزب‌الله افزود: بسیاری از دولت‌ها و رژیم‌ها در تعمیق این جراحت‌ها و سوق دادن امور به سمت بحران، تنش و دشواری‌های بیشتری دست دارند. دبیرکل حزب‌الله در ادامه سخنان خود به مقاومت در لبنان اشاره و تاکید کرد قضیه مقاومت قضیه بسیار مهم و با اهمیتی است که همواره در بعد محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه پس از سال ۲۰۰۰ مورد توجه بوده است چون از این سال میزان و سطح مقاومت هدف قرارگرفتن به شدت افزایش یافته است.

وی افزود: این یک حقیقت است که برای اسرائیل مقاومت لبنان به معنای اولین و بزرگ‌ترین مانع بر سر راه سازش و طرح‌های مورد نظر اسرائیل است و این موضوعی عیان و آشکار است و موجب می‌شود به این حقیقت برسیم که حتی اگر اسرائیل درصدد حمله به لبنان باشد، مانعی وجود دارد که بیم از آن، تل‌آویو را از این اقدام باز می‌دارد.

سیدحسن نصرالله تاکید کرد: هم اکنون اوضاع به گونه‌ای تغییر کرده که مقاومت لبنان به اولین منبع نگرانی اسرائیل تبدیل شده و این نتیجه طبیعی شکست خفت‌بار اسرائیل در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ بود و این شکست‌ها امروزه نشان می دهد اسرائیل چگونه نمی‌تواند از حوادث منطقه برای حمله به لبنان بهره‌برداری کند. وی گفت: اسرائیل بابت ارتش‌های بزرگ رژیم‌های عربی اطمینان خاطر دارد، چون می‌داند که تصمیم‌گیری در این ارتش‌ها توسط آمریکا صورت می‌گیرد و تمامی سلاح‌های در اختیار ارتش‌های عربی نمی‌تواند اسرائیل را بترساند، اما در این بین اگر هریک از این ارتش‌ها به سلاحی دست یابند که در موازنه موجود خلل ایجاد کند، به سرعت اقدام به تهدید می‌کند. وی تاکید کرد: این به آن معناست که لبنان دارای سلاح بازدارنده‌ای به نام مقاومت است و این واقعیتی است که هم‌اکنون بر لبنان حاکم است و در این بین اگر لبنان واقعاً چنین قدرت بازدارنده‌ای دارد که موجب می‌شود تا اسرائیل پیش از هر تجاوزی به آن هزار بار تأمل کند، این واقعا یک نعمت است. دبیرکل حزب‌الله گفت: در لبنان احزاب و شبه نظامیان و جنگ‌ها و هرج و مرج به دلیل وجود سلاح در دست مردم بوده است. قبل از این‌که من به دنیا آمده باشم و مقاومت متولد شده باشد همه لبنانی‌ها سلاح دار شدند و سلاحی که برای لبنان مشکل ساز شده نزد همه مردم لبنان است اما سلاحی که قدرت بازدارندگی در برابر اسرائیل است تنها نزد ما است.

سید حسن نصرالله ادامه داد: می‌توان به جنجال‌ها بر سر سلاح پایان داد و سلاح خارج از قانون را از دست لبنانی‌ها گرفت و این امر اراده دولت و همه نیروهای سیاسی را می‌طلبد به گونه‌ای که سلاح مقاومت محفوظ بماند. نصرالله دومین عامل عدم شکل گیری دولت در لبنان را فساد حاکم بر این کشور در انواع مختلف سیاسی و مالی و اداری آن دانست و تاکید کرد چگونه است در سایه فساد حاکم بر کشور دولتی تشکیل شود.

دبیرکل حزب‌الله گفت: ما از ۳۰ سال پیش سلاح داریم و اگر خواهان سلطه بر حکومت بودیم آیا آن را انجام نمی‌دادیم؟ بهترین شرایط برای سلطه بر کشور در سال‌های گذشته وجود داشت اما ما این کار را نکردیم زیرا نمی‌خواهیم آن را انجام دهیم و آن را هرگز انجام نخواهیم داد و اگر هر یک از نیروهای جریان ۱۴ مارس در لبنان این سلاحی را که ما در اختیار داریم داشتند بر کشور سلطه می‌یافتند.

وی افزود: کسی که به سلامت داخلی و وحدت لبنانی‌ها و زندگی واحد و یکپارچه می‌اندیشد باید از ذهن خودش پاک کند که یک طائفه می‌تواند دیگران را هدایت و رهبری کند، ما همگی با هم برابر هستیم و دیگران را رهبری می‌کنیم.

دبیرکل حزب‌الله درباره حوادث سوریه نیز گفت آمریکا و غرب خواهان ویرانی سوریه هستند و از برگزاری گفت‌وگو در این کشور ممانعت می‌کنند.

وی افزود: آمریکا و غرب می‌خواهند سوریه را ویران کنند و از برگزاری گفت‌وگو در این کشور جلوگیری می‌کنند و آنچه در سوریه روی می‌دهد قلب انسان را به درد می‌آورد و اگر روند امور به سمت یکسره شدن نظامی رها شود؛ امور به سمت قتل و ذبح بیشتر پیش خواهد رفت. دبیرکل حزب‌الله در بخش دیگری از سخنانش گفت: امیدواریم در لبنان شروطی برای گفت‌وگو نگذارند و لبنانی‌ها بتوانند به گفت‌وگو با یکدیگر ادامه دهند زیرا جایگزین گفت‌وگو همان هرج و مرج است.

یادداشت

کابینه‌ای برای همه

آرش میری خانی

دست آخر پس از رایزنی‌های گسترده، دولت جدید مصر انتخاب شد و مقابل محمد مرسی، رئیس جمهوری منتخب این کشور سوگند یاد کرد. در این میان انتخاب «هشام قندیل» به عنوان نخست‌وزیر، موجب مطرح شدن انتقادات بعضاً تند علیه مرسی شد و حتی برخی صاحبنظران سیاسی نیز رئیس جمهوری جدید به بی کفایتی و اشتباه محاسباتی متهم کردند. با این حال مرسی با ابراز اطمینان از عملکرد صحیح قندیل، به گروه‌های سیاسی و احزاب مطرح قول داد که نخست‌وزیر جدید در گام‌های بعدی، شرایط آرام‌سازی فضای سیاسی را فراهم کند و با انتخاب فن سالاران به بهبود اوضاع اقتصادی ـ اجتماعی مصر کمک کند. اگر چه رئیس جمهوری مصر تلاش کرد با اطمینان‌بخشی به احزاب سیاسی از بروز هر گونه تنش در مصر جلوگیری کند، اما برخی به صورت هدف‌دار، مرسی را آماج حملات خود قرار دادند و اعلام کردند که او قصد دارد اخوان‌المسلمین را در رأس امور قرار دهد. به باور کارشناسان، افراد و گروه‌هایی که در جهت تخریب چهره مرسی تلاش می کردند، قصد داشتند با یک تک سیاسی، رئیس جمهوری را به نوعی وادار به اتخاذ برخی تصمیم‌های عجولانه و غیرمنطقی کنند تا بتوانند از آب گل آلود ماهی صید کنند. اما این اقدام مخالفان دولت مصر با پاتک سیاسی هوشمندانه مرسی به ثمر ننشست و اعلام اعضای کابینه قندیل به منزله تیر خلاص به مخالفان قلمداد شد. در حالی که بسیاری از تکنوکرات‌های مصر، قندیل را فردی گمنام و بدون سابقه سیاسی قلمداد می کردند، اما او نشان داد که از درایت سیاسی لازم برای مدیریت صحیح کابینه برخوردار است. با اندک دقتی می توان دریافت که مرسی و قندیل در اقدامی از پیش برنامه‌ریزی شده و مثبت، تلاش کردند طیف‌ها و گرایش‌های مختلف را در کابینه جدید مصر گردهم جمع کنند و با مشارکت دادن احزاب و گروه‌های فعال، از تنش موجود در فضای سیاسی این کشور بکاهند. آگاهان بر این عقیده‌اند که مرسی با این کار، با یک تیر دو هدف را زده، به طوری، که هم توانسته کابینه‌ای فن سالار تشکیل دهد و هم انتظارات احزاب و گروه‌های سیاسی را تا حدی برآورده کند. البته نباید این نکته را فراموش کرد که رئیس جمهوری و نخست‌وزیر جدید مصر با دقت نظر در نحوه گزینش و چینش اعضای کابینه، عملاً اتهام‌زنی برخی گروه‌ها مبنی بر قرار گرفتن اخوان‌المسلمین در رأس هرم قدرت مصر را بی‌اثر کرد. در کنار اعضای کابینه، مرسی در اقدامی قابل تحسین، برای اولین بار در تاریخ سیاسی مصر، یک قبطی را به عنوان معاون اول خود برگزید و چند پست صدارتی را هم به این اقلیت مسیحی سپرد. این در حالی است که هنوز هم قبطی‌ها و برخی گروه‌های اسلامگرا از جمله حزب سلفی «النور» از نحوه انتخاب پست‌های کابینه ناراضی هستند. نکته جالب اینکه به نظر می‌رسد مصری‌ها در این برهه، از بلوغ سیاسی لازم بهره‌مندند و علیرغم طرح برخی انتقادات، تلاش دارند فضای سیاسی مصر را بیش از پیش آرام نگه دارند. در همین رابطه می توان به سخنان «یونس مخیون» یکی از اعضای کمیته‌های حزب النور اشاره کرد که ضمن اعلام رسمی خارج شدن حزب متبوعش از دولت جدید، برای کارآیی هرچه بیشتر دولت مرسی آرزوی موفقیت کرده بود. از طرفی، با توجه به شرایط کنونی، نمی توان برخی تحلیل‌ها را مبنی بر اینکه ارتش مصر همچنان قدرت برتر در این کشور است، پذیرفت.

نظامیان با سیاست جدید مرسی، اکنون بخشی از روند سیاسی کشور شده‌اند و مشارکت ژنرال طنطاوی در کابینه به عنوان وزیردفاع نیز در همین راستا قابل توجیه است. اگر چه پست وزارت دفاع یکی از منصب‌های بسیار مهم و حیاتی در هر کشوری محسوب می‌شود، اما نباید این نکته را نیز فراموش کرد که در مصر جدید، رئیس جمهوری فرمانده کل قواست و تصمیم‌گیری در رابطه با سیاست دفاعی کشور، مستقیما بر عهده او خواهد بود. در نتیجه می توان گفت که نظامیان در دولت جدید دیگر قدرت مطلقه نیستند و بخشی از بدنه حکومت جدید مصر محسوب می شوند. مرسی تلاش دارد تا به نوعی، مشروعیت انقلابی را به مشروعیت قانونی تبدیل کند و این مهم را به عنوان یک یادگار در تاریخ سیاسی مصر باقی بگذارد. البته مرسی به تمایلات سیاسی خود پشت پا نزده و چهار وزارتخانه از جمله وزارت کلیدی اطلاع‌رسانی، به اخوان‌المسلمین اختصاص یافته است، اما تمایلات سیاسی، مانع شایسته گزینی برای تشکیل دولت جدید مصر نشده و شاهد بودیم که وزیر خارجه و دارایی کابینه «جنزوری» در پست‌های خود ابقا شدند. در مجموع با توجه به تحولات اخیر مصر، می توان پیش‌بینی کرد که مصر و مصری‌ها در یک تشریک مساعی گسترده و با بلوغ سیاسی لازم قدم در مسیری گذاشته‌اند که امید می‌رود مقصد آن، دموکراسی حقیقی باشد.

کوتاه از سراسر جهان

تظاهرات مردم تونس علیه سرکوبگری پلیس

فارس: شماری از فعالان سیاسی در تونس با برگزاری تظاهرات، خواستار گسترش آزادی‌ها و رسیدگی به مطالبات مردم شده و در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه پلیس و تحقق نیافتن اهداف انقلاب‌شان شعار دادند. دولت تونس به تازگی قانونی را تصویب کرده که براساس آن به نیروهای امنیتی اجازه به کارگیری سلاح علیه معترضان را می‌دهد.

هشدار پکن نسبت به مداخله در امور دریای جنوبی چین

ایرنا: «فواینگ» معاون وزیر خارجه چین به‌طور تلویحی به آمریکا هشدار داد در امور داخلی دریای جنوبی مداخله نکند.

وی در مصاحبه‌ای گفت: مسائل این منطقه فقط باید بین کشورهای ذی‌ربط و براساس اسناد تاریخی و رایزنی و بدون مداخله بیگانگان حل و فصل شود.

وزیر خارجه هند: واشنگتن حمله به معبد سیک‌ها در آمریکا را بررسی کند

ایرنا: وزیر امور خارجه هند در گفت‌وگوی تلفنی با همتای آمریکایی خویش خواستار بررسی دقیق و فوری حادثه حمله به معبد سیک‌ها در ایالت ویسکانسین شد که در آن هفت هندی کشته و ۳۰ نفر مجروح شدند. «اس. ام. کریشنا» در گفت‌وگوی تلفنی با هیلاری کلینتون با ابراز تأسف از این حادثه خواستار دادن اطمینان از سوی آمریکا برای امنیت و رفاه جامعه هندی‌ها در آن کشور شد.

روسیه در قطب شمال پایگاه دریایی تأسیس می کند

ایرنا: «نیکلای پاتروشف» دبیر شورای امنیت روسیه در حالی که قدرت‌های بزرگ همجوار قطب شمال همچون آمریکا برای افزایش حضور خود در این منطقه و ایجاد شرایط مالکیت این بخش از کره زمین تلاش می کنند، از تصمیم این کشور برای ایجاد پایگاه دریایی در شمالی ترین نقطه زمین خبر داد. پاتروشف در منطقه «کراسنایارسک» در سیبری روسیه گفت: روسیه در قطب شمال و مسیر دریایی شمال، تأسیساتی برای استقرار رزمناوهای خود و واحدهای مرزبانی ایجاد می کند.

موریتانی وزیر اطلاعات قذافی را پس نمی‌دهد

فارس: رئیس جمهوری موریتانی اعلام کرد که وزیر اطلاعات قذافی را تا قبل از محاکمه به لیبی تحویل نخواهد داد. «محمد ولد عبدالعزیز»، رئیس جمهوری موریتانی در بخشی از سخنان خود به مناسبت سومین سال به قدرت رسیدنش گفت: «عبدالله السنوسی»، رئیس سابق دستگاه اطلاعاتی لیبی به طور غیرقانونی وارد موریتانی شده بود و باید در این کشور محاکمه شود.

درخواست بان کی‌مون برای از میان بردن زرادخانه‌های اتمی

ایرنا: بان‌کی مون دبیرکل سازمان ملل با انتشار پیامی در گرامیداشت یاد قربانیان بمباران «هیروشیما» توسط آمریکا از کشورهای جهان خواست، برای از میان بردن تهدید بمب اتمی در سطح جهان تلاش کنند. دبیرکل سازمان ملل در پیام خود تأکید کرده است که بمب اتمی نباید بار دیگر مورد استفاده قرار گیرد و جهان باید به سوی از میان بردن زرادخانه‌های اتمی گام بردارد. وی این اقدام را وظیفه اخلاقی جامعه جهانی دانست و استفاده از بمب اتمی را ضد اخلاقی و ضد انسانی خواند.

حمله به ۳ کلیسا در نیجریه ۱۶ قربانی گرفت

ایرنا: حمله به سه کلیسا در نیجریه حداقل ۱۶ کشته و دهها مجروح برجای گذاشت. افراد مسلح ابتدا به دو کلیسا در ایالت «کوجی» در نزدیکی «ابوجا» پایتخت این کشور حمله کردند، سپس انفجاری در کلیسای دیگر در نزدیکی دو کلیسای مورد حمله روی داد.

«رامنی هود»!

مهر: رئیس جمهوری آمریکا در انتقاد از برنامه‌های اقتصادی رقیب جمهوریخواه خود، با تشبیه وی به «رابین هود» گفت: سیاست رامنی در مورد مالیات همانند اقدامات رابین‌هود است با این تفاوت که رابین‌هود پول را از ثروتمندان می گرفت و به فقرا می‌داد، اما وی پول را از فقرا می گیرد و به ثروتمندان می‌دهد.

«باراک اوباما» شب گذشته در جمع هواداران خود در «کانکتیکات» در انتقاد از برنامه مالیاتی «میت رامنی» گفت: این برنامه، مالیات طبقه متوسط را افزایش می‌دهد تا منافع بدست آمده از آن را به افراد ثروتمند بدهد. این اقدام همانند کارهای رابین‌هود است. اما این «رامنی هود» است.

٤ کشته در انفجار «گروزنی»

ایرنا: یک مقام محلی جمهوری چچن اعلام کرد که براثر انفجاری که در نزدیکی یک خودروی زرهی نظامی در گروزنی رخ داد، ٤ نظامی کشته و سه تن دیگر زخمی شدند. انفجار در گروزنی زمانی رخ داد که نظامیان از خودروی زرهی در نزدیکی ایستگاه پلیس در ناحیه «اکتیابرسکی» گروزنی خارج می‌شدند.

مقامات محلی اعلام کردند که انفجار گروزنی توسط دو تروریست انتحاری صورت گرفته است.

وزیر دفاع افغانستان استعفا داد

ایرنا: وزیر دفاع افغانستان پس از سلب صلاحیت‌اش از سوی مجلس نمایندگان به طور رسمی استعفا داد. «عبدالرحیم وردک» به خبرنگاران گفت: به تصمیم مجلس نمایندگان افغانستان احترام گذاشته و از سمت خود کناره‌گیری می‌کنم.

وزرای دفاع و کشور افغانستان در رابطه به حملات راکتی پاکستان به خاک افغانستان و افزایش ناامنی در این کشور استیضاح و سلب صلاحیت شدند؛ ولی توسط حامد کرزی به عنوان سرپرست این دو وزارتخانه معرفی شدند.

اقتصاد مقاومت



*شرکت‌های واسطه‌ای در خرید و فروش نفت ایران سهمی ندارند. این در حالی است که یکی از روش‌های فعلی حتی در کشورهایی مانند عراق استفاده از واسطه‌ها و بازاریاب است. به ویژه آن که در شرایط تحریم استفاده از واسطه‌ها می‌تواند نیاز کشور را تامین کند

* تبدیل نفت به محصولات و خدمات مبتنی بر نفت راهبرد دیگری است که هم وابستگی کشور به درآمدهای نفتی را کاهش می‌دهد و هم باعث رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال از طریق توسعه زنجیره ارزش افزوده و صادرات می‌شود

* برای مقابله با تحریم‌های نفتی چهار راهبرد مختلف شامل بازاریابی برای فروش نفت به مشتری‌های جدید، فروش نفت به واسطه‌ها، کاهش تولید و تبدیل نفت به فرآورده‌های زنجیره ارزش افزوده وجود دارد که لازمه آن تشکیل بورس نفت در یک اقتصاد مقاومتی مثل ایران است

بازاریابی فروش نفت به مشتری‌های جدید، فروش نفت به واسطه‌ها، کاهش تولید نفت و تبدیل نفت به فرآورده زنجیره ارزش افزوده ٤ راهبرد مقابله با تحریم نفت است که لازمه آن تشکیل بورس نفت در یک اقتصاد مقاومتی مثل ایران است.

برای مقابله با تحریم‌های نفتی چهار راهبرد مختلف متصور است. این چهار راهبرد عبارتند از بازاریابی برای فروش نفت به مشتری‌های جدید، فروش نفت به واسطه‌ها، کاهش تولید نفت و تبدیل نفت به فرآورده‌های زنجیره ارزش افزوده. لازمه دو راهبرد نخست اطمینان از فروش نفت به بالاترین قیمت ممکن است. یکی از راهکارهای بیشینه کردن قیمت، افزایش تعداد متقاضیان و ایجاد رقابت در میان آنها است.

از سوی دیگر راهبرد تبدیل نفت به فرآورده‌های زنجیره ارزش افزوده نیازمند زیر ساخت‌هایی برای تامین مالی پروژه‌های پایین دستی نفتی است.

به این ترتیب لزوم ایجاد بورس نفت برای مقابله با تحریم نفتی از دو طریق معلوم می‌شود: نخست، بیشینه کردن قیمت فروش نفت و دوم، ایجاد زیر ساخت لازم برای تأمین مالی پروژه‌های پایین دستی نفت.

*** اقتصاد مقاومتی چیست؟**

اقتصاد کشوری که دارای جهان‌بینی خاصی است و این جهان‌بینی با منافع ابرقدرت‌های دنیا در تضاد است، اقتصاد خاصی خواهد بود. چرا که دشمنی‌ها با چنین کشوری همیشه ادامه دارد و در هر دوره‌ای به شکلی بروز می‌کند.

از این روی باید همه سازوکارها و اجزا کشوری مثل ایران به گونه‌ای طراحی شوند که از آن در برابر تهدیدها حفاظت کنند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازند.

کشور ایران که همیشه در معرض دشمنی‌ها قرار داشته و در برابر آنها مقاومت کرده است باید اقتصادی متناسب با این وضع داشته باشد: که لازمه آن اقتصادی مقاومتی است.

یکی از مصادیق دشمنی با جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصاد، تحریم نفتی است. وابستگی کشور به درآمدهای نفتی مساله‌ای است که دشمنان از آن برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند.

به این معنی که تحریم‌های نفتی باهدف کاهش درآمدهای نفتی ایران و تحت فشار قرار گرفتن مردم و دولت طراحی شده‌اند.

این تحریم‌ها شامل موضوعات متعددی می‌شوند. به عنوان نمونه اتحادیه اروپا در تاریخ ۲۳ ژانویه سال ۲۰۱۲ مصوب کرد که تمامی قراردادهای خرید نفت از ایران از تاریخ اول جولای سال ۲۰۱۲ فسخ شوند و تا آن تاریخ قرارداد جدیدی امضا نشود.

این نوع تحریم، تحریم خرید نفت است. اما تحریم نفتی دولتی آمریکا علیه ایران به گونه دیگری است. چرا که این کشور، نفتی از ایران وارد نمی‌کند، بلکه مطابق تحریم نفتی آمریکا هر شرکتی که اقدام به مبادلات نفتی با ایران کند، از انجام مبادلات با شرکت‌های آمریکایی و بانک مرکزی آمریکا محروم می‌شود. به هر حال هدف تحریم‌های نفتی چه به صورت قطع واردات از ایران تصویب شده باشد و چه به شکل فشار بر شرکای تجاری ایران، کاهش درآمدهای ایران و اعمال فشار اقتصادی است.

بنابراین پرداختن به راهبردی مختلف برای مقابله با تحریم‌های نفتی ضروری است مقابله‌ای که دراز مدت به ساخت اقتصادی مقاوم در برابر انواع آسیب‌ها و دشمنی‌ها بیانجامد و بدخواهان جمهوری اسلامی ایران را از هرگونه اقدام خصمانه منصرف کند.

*** دسته‌بندی راهبردهای مقابله**

با فرض اینکه طراحی تحریم‌های نفتی به منظور ایجاد اخلال در فرآیند فروش نفت ایران است، کشور ایران با نفتی مواجه است که برای فروش آن دچار مشکل شده است. به این ترتیب با توجه به نحوه تعامل کشور با این نفت‌های فروش نرفته، برای مقابله با تحریم‌های نفتی دو دسته راهبرد اساسی وجود دارد: ۱ـ ادامه صادرات. ۲ـ کاهش صادرات در راهبرد نخست، کشور باید به دنبال راه‌هایی باشد که پس از دست دادن مشتری‌های سابق، نفتی را که پیشتر به آنها می‌فروخته است، به روشی به فروش برساند. در راهبرد دوم کشور برای مقابله با مشکل نفت فروش نرفته سعی می‌کند صادرات نفت را کاهش دهد. البته در دراز مدت کاهش صادرات و در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی راهبرد بهتری برای جدا کردن اقتصاد کشور از درآمدهای نفتی است اما به هر حال برای تحقق هر یک از این دو راهبرد روش‌هایی وجود دارد.

اگر به دلایلی مانند نیاز فوری به درآمدهای نفتی کشور بخواهد به فروش نفت با نرخ پیشین خود ادامه دهد، دو راه اصلی پیش روی خود دارد: ۱ـ بازاریابی و فروش نفت به مشتری‌های جدید. ۲ـ فروش نفت به واسطه‌ها

این یعنی برای فروش نفت یا باید مستقل از اینکه نفت تولید شده به دست چه کسانی می‌رسد آن را به فروش رساند (استفاده از واسطه‌ها) یا برای به فروش رفتن آن با مشتری‌های جدید وارد مذاکره شد (بازاریابی جدید)

کاهش صادرات نفت منطقا از دو طریق ممکن است: ۱ـ کاهش تولید. ۲ـ تبدیل نفت

این یعنی برای کاهش صادرات و جلوگیری از مواجهه با مشکل نفت به فروش نرفته، یا باید تولید نفت کاهش یابد یا اینکه تولید نفت به میزان فعلی یا بیشتر از آن ادامه یابد. چنانچه بنا باشد تولید نفت ادامه یابد و همچنین آن نفت به فروش نرود و صادر نشود، بدیهی است که باید به فرآورده‌های نفتی تبدیل شود یا در داخل به مصرف برسد یا به صورت فرآورده صادر شود.

بازاریابی جدید راهبردی اغلب به عنوان نخستین راه حل برای مقابله با تحریم نفتی به ویژه از سوی مقامات نفتی کشور مطرح می‌شود. توضیح اینکه با خروج نفت ایران از بازارهای کشورهای تحریم‌کننده از یک سو و نیاز کشور به درآمدهای نفتی از سوی دیگر، شرکت ملی نفت به عنوان عرضه‌کننده نفت باید به دنبال مشتری‌های جدیدی برای فروش نفت خود باشد.

نفتی که مشتریان سابق خود را از دست داده است و این مشتریان با استفاده از افزایش تولید یا جابجایی مقاصد صادراتی سایر تولیدکنندگان نفت، نیاز خود را تأمین می‌کنند.

آنچه که در این میان اهمیت دارد، آن است که رشد تقاضای نفت در دنیا بیشتر از رشد عرضه آن است و این یعنی به هر حال هیچ نفتی فروخته نشده نمی‌ماند و خریدارانی برای نفت ایران پیدا خواهند شد.

بقیه در صفحه۱۸

آسیب‌شناسی خرابی‌های زودرس جاده‌ها

عمر رویه‌های آسفالتی در کشور ما پایین و میزان خرابی راهها خصوصاً در مناطق سردسیر بسیار بالا است. در زمینه قیر و آسفالت در کشور نوآوری و ارتقاء فناوری چندانی صورت نگرفته و عملکرد جاده‌های کشور بیانگر آن است که در این زمینه پیشرفت چندانی نداشته‌ایم و حتی در مواردی کیفیت و عمر راههای ساخته شده قبلی بهتر از وضع جاده‌های ساخته شده جدید است. علل این خرابی‌ها در تمامی مناطق آب و هوایی مشترک بوده و در مناطق سردسیر به دو دلیل عمده زیر این خرابی‌ها تشدید می‌شود:

ـ قیر: با وجود درصد وزنی پایین قیر در آسفالت، پاره‌ای از عیوب راه مربوط به قیر است. در کشور ما بهره‌برداری از پالایشگاه‌های نفت و انتخاب نوع خوراک مصرفی آنها، با هدف تولید فرآورده‌های میان تقطیر و سوخت انجام می‌گیرد و قیر یک محصول جانبی و اصطلاحاً ناخواسته است. هیچ پالایشگاهی در کشور با هدف تولید قیر مناسب طراحی و ساخته نشده است. قیرهای تولیدی پالایشگاه‌های ایران اگرچه حداقل مشخصات فیزیکی استاندارد را دارا هستند، ولی به دلیل ترکیب شیمیایی، وضع مناسبی نداشته و از نظر کیفیت در مقایسه با دیگر قیرهای تولیدی در جهان در جایگاه پایین‌تر از متوسط قرار می‌گیرند.

به منظور رفع این مشکل عمل به توصیه‌های زیر ضروری است:

۱ـ تولید قیر به عنوان محصول اصلی توسط پالایشگاه‌های کشور نه به عنوان محصول جنبی ساخت پالایشگاهی با خوراک نفت خام سنگین و آسفالتینی در برنامه وزارت نفت است. باید تعامل با وزارت نفت بیشتر شده تا در ساخت و طراحی پالایشگاه‌ها، تولید قیر مناسب هم مدنظر قرار گیرد و به قیر به عنوان یک محصول جانبی نگریسته نشود.

۲ـ تولید انواع قیر بر مبنای عملکرد آن برای شرایط مختلف محیطی. متأسفانه دسته‌بندی قیرهای تولیدی کشور بر مبنای نفوذپذیری انجام می‌شود در حالی که دو دسته‌بندی جدید بر مبنای ویسکوزیته و عملکردی، که وضع قیر را بهتر نشان می‌دهند، در کشور انجام نمی‌شود. دسته بندی‌های جدید خصوصاً دسته‌بندی عملکردی (PG)، عملکرد قیر را در محدوده حداکثر و حداقل دمای محیط نشان می‌دهد، لذا انتخاب قیر برای هر شرایط آب و هوایی صحیح‌تر صورت می‌پذیرد. توصیه می‌شود تولید قیر بر مبنای رده‌بندی‌های جدید در دستور کار قرار گیرد.

علیرغم وجود شرایط متنوع آب و هوایی در کشور، متأسفانه فقط دو نوع قیر با دسته‌بندی نفوذپذیری (۶۰/۷۰ و ۸۵/۱۰۰) در کشور تولید و در راهسازی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

لازم است تولید گریدهای متنوع متناسب با نیاز، خصوصاً بر مبنای دسته‌بندی‌های جدید مورد توجه قرار گیرد.

۳ـ تا زمان تولید و عرضه قیرهای مناسب در کشور، تنها راه اصلاح قیر، استفاده از افزودنی‌های مناسب است. حتی ممکن است بهترین قیر از نظر کیفی نتواند عملکرد مناسبی در بعضی شرایط اقلیمی یا ترافیکی داشته باشد و لذا این قیر باید اصلاح شود. استفاده از افزودنی‌هایی نظیر پلیمرها و قیر طبیعی برای شرایط خاص می‌بایست در دستور کار قرار گیرد.

٤ـ اصلاح شیوه‌های رفتار با قیر: قیر یک ماده آلی شیمیایی است که به حرارت بسیار حساس است. فقدان رفتار مناسب با این ماده به شدت از کیفیت آن می‌کاهد. دست‌اندرکاران حمل، ذخیره و اختلاط می‌بایست روش‌های صحیح را آموزش دیده و عمل کنند.**طراحی و نظارت:** پس از عامل قیر، دومین علت اصلی خرابی‌ها، طراحی و خصوصاً نظارت‌های فنی است. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که نظارت‌ها در کشور اصولی و مطابق با استانداردها و دستورالعمل‌های مصوب صورت نگرفته و به شدت از آنها عدول می‌شود.

فقدان کنترل کیفیت قیر و مصالح سنگی، رعایت نکردن مشخصات فنی در کارخانجات ساخت آسفالت، رعایت نکردن پارامترهای فنی در هنگام ساخت و اجرای آسفالت مانند درجه حرارت اختلاط و کوبیدن آسفالت، و کیفیت پایین زیرسازی از جمله این موارد هستند.

در خاتمه متذکر می‌شود صنعت روسازی آسفالتی در کشور نیاز به یک تحول اساسی دارد و نباید از نظر دور داشت که حتی با بهترین قیر و مصالح سنگی و انتخاب بهترین طراحی و نوع آسفالت، اگر نظارت فنی دقیق و صحیح انجام نگیرد، نتیجه رضایت‌بخش نخواهد بود و عکس این مطلب هم صادق است.

اقتصاد مقاومت

بقیه از صفحه ۱۷

اتفاقی که عملاً رخ خواهد داد، جبران افزایش تقاضا با افزایش تولید کشورهای دارای نفت و جابجایی میان خریداران نفت ایران و سایر تولیدکنندگان است. به عبارت دیگر مشتری‌های جدید ایران می‌توانند واردات خود از سایر کشورها را کاهش دهند و آن کشورها، صادرات خود به مشتری‌های پیشین ایران را زیاد کنند.در مورد راهبرد بازاریابی جدید دو نکته مطرح است. نخست؛ اتخاذ این راهبرد منجر به محدود شدن خریداران نفت ایران خواهد شد. چرا که تحریم نفتی اعمال شده توسط دو مصرف‌کننده از میان مصرف‌کنندگان عمده نفت (اروپا و آمریکا)، مقاصد صادراتی ایران را به کشورهای شرق آسیا، چین و هند محدود می‌کند.

این محدودیت خود باعث می‌شود علاوه بر وابستگی به نفت، وابستگی به چند کشور معدود هم بر مشکلات کشور اضافه شود. زیرا هر یک از این چند کشور معدود می‌توانند در صورتی که بخواهند با سیاست‌های خصمانه دشمنان ایران همراهی کنند یا اینکه با این ابزار دست به امتیازخواهی بزنند، خرید نفت از ایران را محدود یا متوقف کنند.

بنابراین راهبرد بازاریابی جدید تا زمانی که به وابسته شدن ایران به چند کشور معدود نیانجامد، می‌تواند مفید باشد.

دوم؛ ملاحظه دیگری که باید برای فروش نفت به مشتری‌های جدید مدنظر داشت، این است که تحریم و محدود شدن خریداران، شرایط مذاکره خریدار و فروشنده را به نفع خریداران تغییر می‌دهد.

ایران به عنوان عرضه‌کننده، نفتی دارد که مشتری‌های گذشته خود را از دست داده است و هر شرکتی که وارد معامله نفتی با ایران شود، ممکن است مشمول تحریم‌ها و سختگیری‌های کشورهای غربی قرار گیرد.

بنابراین خریداران سعی خواهند کرد ریسک خرید نفت از ایران را با کاهش قیمت نفت خریداری شده جبران کنند. این یعنی بازاریابی جدید ممکن است با کاهش قیمت نفت ایران برای جذب مشتریهای جدید همراه باشد.

از این روی باید سازوکاری برای فروش نفت به مشتری‌های جدید وجود داشته باشد که تا حد ممکن از کاهش قیمت جلوگیری کند. چنانچه در ادامه خواهد آمد سازوکار پیشنهادی برای بیشنیه کردن قیمت بورس نفت است.فرآیند فعلی فروش نفت ایران به گونه‌ای است که شرکت ملی نفت مجاز است تنها به پالایشگران نفت یا شرکت‌های نفتی که با پالایشگاه‌ها در ارتباط هستند، نفت بفروشد.

شرکت‌های واسطه‌ای در خرید و فروش نفت ایران سهمی ندارند. این در حالی است که یکی از روش‌های فعلی فروش نفت حتی در کشورهایی مانند عراق واسطه‌گری و استفاده از بازاریاب‌ها و دلالهاست. به ویژه آنکه در شرایط تحریم استفاده از واسطه‌ها می‌تواند نیاز کشور را که تأمین درآمدهای نفتی است، تأمین کند. چرا که برای ایران و شرکت ملی نفت، مهم به فروش رفتن نفت و کسب درآمد نفتی است و مقصد نفت‌های فروخته شده چندان مهم نیست.

بنابراین می‌توان از شرکت‌هایی که توانایی خرید و فروش نفت را دارند (داخلی یا خارجی) برای به فروش رساندن نفت ایران استفاد کرد. اما حضور واسطه‌ها در بازار نفت ایران الزامات و شرایطی دارد.نخست؛ با فرض اینکه مقداری نفت وجود دارد که شرکت ملی نفت نتوانسته است برای آن مشتری مستقیمی (مانند یک پالایشگر یا یک شرکت نفتی) پیدا کند و قصد فروش آن نفت را هم دارد، باید از واسطه‌ها برای خرید آن نفت استفاده کرد. اما منطق واسطه‌گری، خرید ارزان از فروشنده و فروش گران به خریدار است.

واسطه‌گر برای اینکه خود، بنگاهی سودده باشد یا باید کالا را با قیمتی کمتراز فروشنده بخرد یا باید آن را با قیمتی بالاتر به خریدار بفروشد. بدیهی است در شرایطی که خریدار و فروشنده خود بتوانند به طور مستقیم با یکدیگر معامله کنند، از واسطه‌ها استفاده نمی‌کنند. اما شرایط تحریم ممکن است فروش مستقیم نفت را دچار مشکل کند.بنابراین برای استفاده از واسطه‌ها باید شرایط برای حضور و سوددهی آنها مهیا باشد. به این ترتیب در این راهبرد هم آنچه که مهم است قیمت نفت فروخته شده است. یعنی به دلایلی که در بالا اشاره شد نفت ایران فروخته نشده نمی‌ماند اما اینکه این نفت به چه قیمتی به فروش می‌رسد، اهمیت می‌یابد.

دوم؛ علاوه برماهیت کار واسطه‌ها که کاهش قیمت خرید است، شرایط تحریم هم دست واسطه‌ها را برای چانه‌زنی بیشتر باز می‌کند و به آنها اجازه می‌دهد برای خرید نفت ایران و فروش آن به مقاصدی که خود می‌دانند، قیمت‌های پایین‌تری را پیشنهاد دهند. این نکته مشابه موضوعی است که در راهبرد بازاریابی جدید بیان شد.

به این ترتیب به دو دلیل ماهیت واسطه‌گری و شرایط تحریم، آنچه که در فروش نفت به واسطه‌ها مهم می‌شود، قیمت فروش نفت است. همانطور که در راهبرد قبلی هم اشاره شد، سازوکار پیشنهادی برای بیشینه کردن قیمت نفت، فروش آن در بورس نفت است.همان‌طور که در ابتدا بیان شد، در صورتی که کشور نخواهد به فروش نفت ادامه دهد و فروش نفت خود را پس از اعمال تحریم‌های نفتی کاهش دهد، یکی از راهبردهای مؤثر، کاهش تولید نفت است. البته کاهش تولید نفت ملاحظات فنی دارد.به این معنی که تولید هر چاه یا مخزنی را نمی‌توان به سادگی کاهش داد بدون اینکه در درازمدت به میزان نفت استخراج شده از آن آسیب وارد شود. اما برخی از چاه‌ها و مخازن به دلیل برداشت بیش از حد، از میزان تولید صیانتی عبور کرده‌اند یا برخی دیگر از چاه‌ها که نیازمند تعمیرات اساسی هستند، به دلیل نیاز کشور به تولید نفت تعمیر نشده‌اند و کاهش تولید برای این نوع چاه‌ها و مخازن بسیار مفید خواهد بود و تولید درازمدت آنها را بهبود خواهد داد.این راهبرد، راهبردی کوتاه‌مدت است و در حالت آرمانی، در صورتی که مشکل درآمدهای نفتی و تورم‌زایی آنها وجود نداشته باشد و زنجیره ارزش افزوده فرآورده‌های حاصل از نفت توسعه یافته باشد، نیازی به کاهش تولید نیست.بنابراین در کوتاه‌مدت کاهش تولید می‌تواند مفید باشد، اما در درازمدت باید به فکر مصرف نفت به صورت فرآورده و یا حذف اثر درآمدهای حاصل از صادرات نفت در اقتصاد بود. در راهبرد تبدیل نفت، توسعه ظرفیت‌های پالایشگاهی، پتروشیمی و سایر صنایع مرتبط با انرژی با مصرف‌کننده انرژی است. به طوری که تا حد امکان صادرات نفت به صورت خام کاهش یابد و در عوض نیازهای کشور به فرآورده‌های نفتی با تولید این فرآورده‌ها در داخل تأمین شود و همچنین ظرفیت صادراتی برای این فرآورده‌ها ایجاد شود. تبدیل نفت به فرآورده‌ها و خدمات مبتنی بر نفت و صادرات آن فرآورده‌ها و یا ارائه خدمات دو مزیت دارد.

نخست؛ تحریم محصولات و خدمات حاصل از نفت بسیار دشوارتر از خود نفت است. زیرا به عنوان نمونه، محموله‌های فرآورده‌های نفتی مانند بنزین کوچکتر از محموله‌های نفتی است و خرید و فروش آنها ساده‌تر از نفت انجام می‌شود یا مثلاً ارائه خدمات ترانزیت کالا از کریدورهای عبوری از کشور که نیاز به سوخت‌هایی مانند گازوئیل یا سوخت هواپیما دارد، چیزی نیست که به سادگی تحریم شود و کسانی که از این خدمات استفاده می‌کنند به راحتی دست از آنها بکشند.

دوم؛ مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات مبتنی بر نفت در همسایگی ایران وجود دارند و تقاضای آنها برای دریافت این محصولات بسیار زیاد است.

به عنوان نمونه کشورهایی مانند عراق، افغانستان و پاکستان به شدت به بنزین و گازوئیل نیاز دارند. به خصوص با توسعه زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی این کشورها نیاز آنها به فرآوردهای نفتی افزایش خواهد یافت.

همچنین حوزه ترانزیت مسیر شمال ـ جنوب ایران مسیر جذابی برای جابجایی کالا بین شرق آسیا و هند و شمال اروپا است. بنابراین خدمات ترانزیتی ایران در صورت توسعه، مشتری‌های بزرگی خواهد داشت.

به این ترتیب تبدیل نفت به محصولات و خدمات مبتنی بر نفت راهبرد دیگری است که هم وابستگی کشور به درآمدهای نفتی را کاهش می‌دهد و هم باعث رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال از طریق توسعه زنجیره ارزش افزوده و صادرات می‌شود.البته هدف این راهبرد در زمان طولانی‌تری نسبت به سایر راهبردها محقق می‌شود، اما بهترین راه برای بیمه کردن کشور در برابر تهدیدهای نفتی دشمنان و کاهش مشکلات درونی ناشی از درآمدهای نفتی است.

بررسی وضع موجود در صنایع پایین‌دستی نفت نشان می‌دهد یکی از گلوگاه‌ها و مشکلات اساسی پیش‌روی توسعه این بخش، تأمین مالی است.

شرکت‌های خصوصی و دولتی برای راه‌اندازی پروژه‌های پالایشگاهی و پتروشیمی نیازمند تأمین سرمایه هستند. به خصوص که حجم سرمایه اولیه مورد نیاز برای راه‌اندازی این واحدها بسیار زیاد است و شرکت‌های کوچک و متوسط توانایی تأمین مالی این پروژه‌ها را ندارند.

به این ترتیب گسترش ابزارهای مختلف تأمین مالی و ایجاد بسترهای لازم برای آن می‌تواند در حل یکی از مشکلات توسعه زنجیره ارزش افزوده نفت مفید باشد.

*** بورس نفت، کلید حل مشکل**

بورس نفت در حقیقت، یکی از اساسی‌ترین زیرساخت‌ها و ابزارها برای مقابله با تحریم نفتی است.

بورس نفت پیشنهادی، به عنوان یکی از بورس‌های کالایی (در مقابل بورس اوراق بهادار) است که در آن محموله‌های نفتی به صورت فیزیکی خرید و فروش شوند و مطابق با سازوکارهای بورس کالا عرضه‌کننده و متقاضی با اعلام برنامه‌های خود به کارگزاران به آنها اجازه خرید و فروش نفت را بدهند.

سازوکار حاکم بر بورس نفت همان قواعد بورس کالا است که براساس آن متقاضی که بیشترین قیمت را زودتر از بقیه متقاضیان پیشنهاد دهد، به عنوان خریدار شناخته می‌شود و تضمین‌های لازم از هر دو طرف برای انجام معامله گرفته می‌شود و کارمزدهای مربوط به آن مطابق قوانین بورس کالا اخذ می‌شود.همچنین در بورس نفت پیشنهادی، امکان پیش‌فروش نفت و فرآورده‌های نفتی مانند سایر کالاهای بورس کالا وجود دارد و فروشنده مجاز است از این ابزار برای تأمین مالی کوتاه‌مدت خود (بسته به زمان تحویل کالا) استفاده کند.

با توجه به دو راهبرد نخست (بازاریابی جدید و فروش نفت به واسطه‌ها) و اقتضائات آنها، بورس نفت بهترین سازوکار بیشینه کردن قیمت است. چرا که در آن رقابت میان خریداران و انحصار عرضه‌کننده قیمت نفت را تا حد ممکن بالا می‌برد و از فقدان شفافیت‌ها در فروش نفت و تعیین قیمت آن جلوگیری می‌کند.سازوکار بورس سازوکار شفافی است که هر کس بالاترین قیمت را پیشنهاد دهد، می‌تواند نفت را خریداری کند. این یعنی در شرایط تحریم و حضور واسطه‌ها که دست خریداران برای کاهش قیمت بازتر است و می‌توانند پیشنهادهای پایین‌تری برای خرید نفت بدهند، ایجاد رقابت میان خریداران این اثر را خنثی می‌کند و قیمت را تا جایی که ممکن و به صرفه باشد، بالا می‌برد.

البته در چنین شرایطی باز هم ممکن است قیمت نفت کمتر از قیمت آن در شرایط قبل از تحریم باشد، اما می‌توان این اطمینان را داد که قیمت حاصل بالاترین قیمت ممکن در شرایط موجود است.

همچنین بورس نفت به تحقق راهبرد چهارم (تبدیل نفت) کمک می‌کند و ایجاد بستر لازم برای پیش‌فروش نفت و فرآورده‌های نفتی و تأمین مالی پروژه‌های پالایشگاهی و پتروشیمی از دیگر مزایای بورس نفت است.

بنابراین بورس نفت از دو طریق به مقابله با تحریم‌های نفتی کمک می‌کند: ۱- فروش فیزیکی نفت و بیشینه کردن قیمت. ۲ـ پیش‌فروش نفت و فرآورده‌های نفتی و کمک به تأمین مالی پروژه‌های پایین دستی.

محمد صادق کریمی
خبرگزاری فارس

راهکارهایی برای ارتقای تولید در شهرک‌های صنعتی

سال ۱۳۹۱ از سوی مقام معظم رهبری با عنوان «تولید ملی؛ حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نامگذاری شد. یکی از عناصر اصلی ارتقای تولید ملی، شهرک‌های صنعتی هستند. با بررسی‌هایی که در خصوص موانع، مشکلات و مسائلی که شهرک‌های صنعتی و بخصوص شرکت‌های مستقر در آنها بر سر راه توسعه خود دارند و سیاست‌ها و راهکارهایی که در دیگر کشورها برای توسعه و توانمندسازی شهرک‌های صنعتی و شرکت‌های مستقر در آنها اجرا شده است، به نظر می‌رسد در یک جمع‌بندی بتوان راهکارهای موجود و قابل اجرا(مجموعه سیاست‌ها و اقدامات اصلی دولت) برای ارتقای تولید در شهرک‌های صنعتی را در هشت بخش اصلی به صورت اجزای یک پازل که مکمل هم هستند، در نظر گرفت و مورد توجه قرار داد.

حمایت‌های قانونی یکی از راهکارهای ارتقای تولید در شهرک‌های صنعتی است بطوری‌که مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر شهرک‌های صنعتی، تاسیس و ایجاد شهرک‌های صنعتی مالکیت، چگونگی واگذاری شهرک‌های صنعتی، تصرف شهرک‌های صنعتی، تمهیدات قانونی برای حمایت از سرمایه‌گذاری، قانون تسهیل تزریق سهام و ورود سرمایه و...، مواردی هستند که باید در خصوص ارتقا و توانمندسازی شهرک‌ها و شرکت‌های مستقر در آنها، به صورت یک بسته قانونی مشخص مورد بازنگری و به‌روزرسانی قرار گیرند.

این موضوع بخصوص از نظر ایجاد انسجام و یکپارچگی در قوانین و مقررات مربوطه و از بین بردن تناقضات موجود بین قوانین مختلف این حوزه، بسیار حائز اهمیت است و سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران باید برای اجرای موثر و کارآمد قانون بازنگری و به‌روز رسانی شده، همکاری نزدیکی با تمامی ذینفعان حوزه داشته باشد.

همچنین دولت می‌تواند با تعریف طرحی گام به گام برای رشد شرکت‌های مستقر در شهرک‌های صنعتی، بانک‌ها را موظف کند متناسب با رشد شهرک‌های صنعتی، سالانه درصد مشخصی به میزان اعتبار آنها بیفزایند.

دولت باید اجرای این برنامه را مورد پایش و نظارت قرار دهد. از جمله برنامه‌های دیگر در این خصوص می‌توان به تاسیس صندوق سرمایه‌گذاری مدیریت ریسک توسط سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران اشاره کرد تا بتوان مشکلات و مسائل اعتباری شرکت‌های مستقر در شهرک‌های صنعتی را در تعامل با بانک‌ها برطرف کرد.

همچنین دولت می‌تواند با کمک به ایجاد یک صندوق سرمایه ریسک به طور مستقیم و یا از طریق واسطه‌ها، وام‌های کوچک مبتنی بر تقاضا به سرمایه گذاری‌های خرد اعطا کند.

حمایت‌های مالی و مالیاتی از دیگر راهکارهای ارتقای تولید در شهرک‌های صنعتی است. اعطای معافیت‌های مالیاتی برای کالاهای تولید شهرک‌های صنعتی تا مرحله دستیابی به سوددهی، از جمله برنامه‌های اجرایی در این خصوص است همچنین، گسترش محدودیت زمانی برای پرداخت مالیات غیر مستقیم توسط شرکت‌های مستقر در شهرک‌ها هم می‌تواند به عنوان راهکاری مهم مورد توجه قرار گیرد. اعطای معافیت مالیاتی به شرکت‌های کوچک تا مرحله رسیدن آنها به اندازه یک شرکت متوسط راهکار مفید دیگری است که در این زمینه قابلیت اجرایی بالایی خواهد داشت.

از دیگر راهکارهای ارتقای تولید در شهرک‌های صنعتی می‌توان به حمایت‌های از توسعه خوشه‌ای اشاره کرد. در این راستا و برای حمایت هر چه بیشتر از توسعه خوشه‌ای همه‌جانبه و فراگیر، مجموعه برنامه‌ها و قوانین مرتبط با خوشه‌ها، باید در یک بازه زمانی مشخص مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرند.

در این‌خصوص و برای سرعت بخشیدن به توسعه همه جانبه خوشه‌ها، توجه به ایجاد مراکز تسهیلات مشترک و انکوباتورها، سایت‌های توسعه شرکت‌های جدید، به‌روز رسانی زیرساخت‌های موجود صنعتی، ارائه تسهیلات، سالن‌های نمایشگاهی و همچنین فراهم‌سازی زمینه‌های ایجاد و مدیریت دارایی‌های مرتبط به زیرساخت‌ها با مشارکت بخش دولتی و خصوصی، ضروری به نظر می‌رسد.

پیش از هر چیز، تعریف چشم‌انداز فناوری در شهرک‌های صنعتی می‌تواند به شرکت‌های کوچک و متوسط در به‌روزرسانی فناوری، ارتقا کیفیت، حفاظت از انرژی و کاهش آلودگی کمک کند. گسترش مراکز توسعه فناوری، نوآوری و طراحی محصول در حوزه‌های صنعتی مختلف، از جمله راهکارهای پیش‌رو در این زمینه است.

همچنین، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران می‌تواند در زمینه بکارگیری و واردات فناوری‌های به‌روز و سازگار با محیط زیست، اقدام به پرداخت یارانه کند. این سازمان می‌تواند با انجام مطالعات فنی و کارشناسی لازم، فناوری‌ها و سیستم‌های دارای کارایی در مصرف انرژی را هم به شرکت‌های مستقر در شهرک‌های صنعتی معرفی کند.

کمک به استقرار سیستم و دریافت گواهینامه‌های مدیریت کیفیت، محیط زیست، ایمنی و سلامت از سوی شهرک‌های صنعتی و شرکت‌های مستقر در آنها، از جمله اقدامات مهمی است که باید توسط سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران در یک برنامه ۵ ساله به مورد اجرا گذاشته شود.

طراحی برنامه راهبردی و عملیاتی بازاریابی برای حوزه‌های مختلف تولیدی و صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی می‌تواند، بر نقطه ضعف انفرادی شرکت‌های کوچک و متوسط مستقر در این شهرک‌ها غلبه کند. سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران به عنوان تسهیل‌کننده تحقیقات بازار و اجرای برنامه‌های بازاریابی، می‌تواند کمک شایانی در این زمینه کند.

سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران می‌تواند برنامه حمایتی، آموزشی و ارتقای مشخصی برای کارآفرینان و مدیران شهرک‌ها و شرکت‌های مستقر در آنها طراحی و به مرحله اجرا گذارد. در این خصوص، استفاده از مراکز دانشگاهی و فنی-حرفه‌ای بسیار ثمربخش خواهد بود.

در واقع این سازمان، با کمک مالی به مراکز آموزشی مرتبط، از آنها می‌خواهد دوره‌های آموزشی سفارشی و خاص برای کارآفرینان و مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط به اجرا گذارند.

در حال حاضر آمار و اطلاعات کمی و کیفی شهرک‌های صنعتی به صورت منسجم و یکپارچه نیست. (برای نمونه، در حال حاضر دو وب سایت در این حوزه وجود دارد) و این امر موجب فقدان دسترسی به اطلاعات کامل و صحیح، در برنامه‌ریزی‌ها و اتخاذ تصمیمات پیرامون آنها می‌شود. بنابراین برای حل این مشکل، می‌توان پایگاه‌های اطلاعاتی موجود را مورد بازنگری قرار داد و به صورت منسجم و یکپارچه طراحی و مستقر کرد.

در این زمینه باید آمار و اطلاعات شهرک‌ها و شرکت‌های مستقر در آنها بر حسب شاخص‌های مختلفی چون تعداد واحدها، تعداد و مشخصات کارکنان، نرخ رشد، سهم در تولید ناخالص ملی، ارزش تولیدات، میزان موفقیت یا شکست، مشکلات و مسائل و... جمع‌آوری، تحلیل و مدیریت شود.

دکتر روح الله نوری
موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

اعلام آمادگی برای توسعه بیمه‌های زندگی

رئیس کل بیمه مرکزی با اشاره به ضریب نفوذ اندک بیمه‌های زندگی در کشور، گفت: آمادگی خود را برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای بیمه‌های زندگی اعلام می‌کنیم.

به گزارش روابط عمومی بیمه مرکزی، سید محمد کریمی اظهار داشت: برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای بیمه‌های زندگی آمادگی داریم؛ در اسلام به نقش مهم تولید داخلی و صیانت از سرمایه‌های انسانی توصیه شده و آموزه‌های بزرگان دین سرشار از این مفاهیم است. وی از صنعت بیمه به عنوان فعالیتی خداپسندانه و مردمی یاد کرد و افزود: باید فرصت‌شناس باشیم و در کنار خلق فرصت‌های تازه از تمامی پتانسیل موجود این صنعت استفاده کنیم. کریمی با قدردانی از عملکرد شرکت‌های بیمه در سیل اخیر استان گلستان، تصریح کرد: دولت در هنگام وقوع حوادث طبیعی نظیر سیل و طوفان و زلزله، وظیفه احیای زیرساخت‌ها را بر عهده دارد و شرکت‌های بیمه نیز باید با تسویه سریع و دقیق خسارات، آرامش را به آسیب‌دیدگان حادثه بازگردانند. وی بار دیگر از ضریب نفوذ اندک بیمه‌های زندگی در کشور ابراز تاسف کرد و گفت: ضریب نفوذ یک و نیم درصدی بیمه‌های زندگی در شان ملتی نیست که امید و اطمینان را سرلوحه زندگی خود قرارداده‌اند و با مهر و دوستی نام خود را در جهان بلندآوازه کرده‌اند.

رئیس کل بیمه مرکزی از صدور مجوز برای یک شرکت تخصصی بیمه‌های زندگی در ایران خبر داد و افزود: متاسفانه بسیاری از مردم از مزایای بیمه‌های زندگی اطلاع ندارند و ما باید در این حوزه بیشتر تلاش کنیم و در همین راستا آمادگی خود را برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای بیمه‌های زندگی اعلام می‌کنیم. همچنین رئیس کل بیمه مرکزی با اعلام آمادگی برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای بیمه‌های زندگی ازصدور مجوز برای یک شرکت تخصصی بیمه‌های زندگی در کشور خبر داد. سیدمحمد کریمی در مراسم آغاز به کار شورای هماهنگی استان‌های صنعت بیمه با ابراز تاسف از پایین بودن ضریب نفوذ بیمه‌های زندگی در کشور گفت: این ضریب نفوذ ۱/۵ درصد است. وی افزود: در زمان حاضر بسیاری از مردم از مزایای بیمه‌های زندگی اطلاع ندارند و برای بالا بردن سطح آگاهی آنها باید تلاش کرد. رئیس کل بیمه مرکزی از صنعت بیمه به عنوان فعالیتی خداپسندانه و مردمی نام برد و افزود: باید فرصت شناس بود و در کنار مردم از توانمندی‌های موجود این صنعت بهره برد. کریمی با قدردانی از عملکرد شرکت‌های بیمه در سیل اخیر استان گلستان افزود: دولت در هنگام وقوع حوادث طبیعی نظیر سیل و طوفان و زلزله، وظیفه احیای زیرساخت‌ها را بر عهده دارد و شرکت‌های بیمه نیز باید با تسویه سریع و دقیق خسارات آرامش را به آسیب دیدگان حادثه بازگردانند.

تأسیس شرکت بیمه با ۲۵۰ میلیارد تومان

بیمه مرکزی، سرمایه تاسیس شرکت‌های بیمه را به ۲۵۰ میلیارد تومان افزایش داده است.

با افزایش تقاضا برای تاسیس شرکت در بازار اشباع بیمه کشور، بیمه مرکزی تصمیم گرفته تا برخی موانع نامرئی را پیش پای تاسیس کنندگان شرکت‌های جدید بیمه بگذارد. در همین زمینه با وجودی که در حال حاضر و بنا به الزامات قانونی و فشارهای بیمه مرکزی بسیاری از شرکت‌های بیمه سرمایه خود را به حداقل میزان درخواستی بیمه مرکزی رسانده‌اند اما از این پس متقاضیان باید ۲۵۰ میلیارد تومان برایی این کار کنار بگذارند. با وجودی که اخیرا رئیس‌کل بیمه مرکزی از ارائه مجوزهای جدید به شرکت‌های بیمه خبر داده بود اما افزایش میزان سرمایه تاسیس شرکت‌های بیمه نشان از بی‌تمایلی بیمه مرکزی به حضور شرکت‌های جدید در بازار کم‌رمق صنعت بیمه است.

تشکیل کنسرسیوم بیمه نفتکش‌های ایرانی

معاون فنی بیمه ایران با اشاره به تشکیل کنسرسیومی برای بیمه نفتکش‌های ایرانی گفت: بیمه این نفتکش‌ها با کمک شرکت‌های داخلی انجام می‌شود.

سیاوش سعیدیان در گفت‌وگو با فارس درباره بیمه کشتی‌های حامل نفت کشور اظهار داشت: کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های بیمه داخلی به رهبری بیمه ایران شکل گرفته که کار بیمه نفتکش‌هایی را که صادرات نفت خام ایران و مشتقات آن را به عهده دارند، انجام می‌دهد.

معاون فنی بیمه ایران اضافه کرد: بخش عمده این فعالیت برعهده بیمه ایران است که شامل بیمه محموله‌های صادراتی نفتی کشور و ورود فرآورده‌های نفتی است. سعیدیان با اشاره به موفقیت مؤسسه بیمه کیش در صدور بیمه‌نامه مسئولیت نفتکش‌های ایرانی گفت: بیمه ایران کار مشابه این فعالیت را انجام می‌دهد و در برخی موارد قبولی اتکایی خارجی هم داریم.

اصلاح بیمه شخص ثالث به نفع رانندگان کم‌ریسک

مدیر گروه بیمه‌های اموال و مسئولیت پژوهشکده بیمه با اشاره به بررسی ابعاد مختلف بیمه‌نامه شخص ثالث و تغییر این بیمه‌نامه به نفع رانندگان کم ریسک اظهار داشت: مهم‌ترین مشکل در این زمینه نبود ضمانت اجرا برای قانون است.

میترا صفائیان در گفت‌وگو با فارس، درباره فعالیت‌های گروه پژوهشی بیمه اموال و مسئولیت در پژوهشکده‌بیمه‌برای‌افزایش‌ضریب نفوذ رشته‌های مختلف بیمه‌ای اظهار داشت: در این مورد پژوهش‌هایی انجام شده که نتایج برخی از آنها، ارائه بیمه‌نامه‌های خاص یا تعیین حق بیمه‌های عادلانه‌تر برای ترغیب بیمه‌گذاران بوده است.

مدیر گروه پژوهشی بیمه‌های اموال و مسئولیت پژوهشکده بیمه اضافه کرد: برای مثال یکی از طرح‌های انجام شده در پژوهشکده بیمه که با مشارکت و اجرای پژوهشگاه زلزله صورت گرفته، ارائه بیمه‌نامه برای پوشش ریسک‌های زلزله برای انواع مختلف ساختمان در کشور و با توجه به ویژگی‌های ساختمان است که نتیجه این طرح در اواخر سال گذشته در پژوهشکده بیمه و با حضور اهالی صنعت طی یک کنفرانس علمی ارائه شد و پژوهشکده بیمه درصدد است تا نتایج این طرح را به زودی عملیاتی کند.

وی گفت: همچنین اخیراً از سوی پژوهشکده و شرکت‌های بیمه توجه بیشتری به بازاریابی خدمات بیمه‌ای شده است تا از این طریق ضریب نفوذ بیمه را افزایش دهند.

صفائیان در مورد فعالیت‌های پژوهشکده در مورد بیمه‌های مسئولیت گفت: تاکنون در این مورد جهش خاصی ایجاد نشده، اما یکی از مهمترین مسائلی که در پژوهشکده در حال انجام است، موضوع بازنگری در قوانین بیمه‌ای و بیمه‌نامه‌ها است.

مدیر گروه پژوهشی بیمه‌های اموال و مسئولیت افزود: این اقدام با بازنگری در بیمه‌نامه شخص ثالث آغاز شده، زیرا بیش از ۶۰ درصد از پرتفوی صنعت بیمه را بیمه اتومبیل تشکیل می‌دهد و با توجه به نزدیک شدن به زمان پایان دوره اجرای آزمایشی قانون بیمه شخص ثالث در سال آینده، همزمان با بررسی این قانون در کارگروه تخصصی بیمه شخص ثالث در بیمه مرکزی، گروه پژوهشی بیمه‌های اموال و مسئولیت در حال اجرای پژوهش جامعی در خصوص اصلاح بیمه‌نامه شخص ثالث است که نتایج آن به زودی به اطلاع عموم خواهد رسید.

به گفته وی یکی از اشکالاتی که فعالان صنعت بیمه به بیمه‌نامه شخص ثالث وارد می‌کنند، طراحی این بیمه‌نامه و محاسبه حق بیمه بر اساس ویژگی‌های خودرو است که این اقدام موجب اجحاف در حق رانندگان کم‌ریسک است.

صفائیان ادامه داد: برای ایجاد تغییرات لازم در بیمه‌نامه‌های خودرو، علاوه بر پژوهش از بازار داخل، مطالعه تطبیقی گسترده‌ای با کشورهای درحال توسعه و پیشرفته صورت گرفته و بر این اساس اصلاحات لازم در بیمه‌نامه شخص ثالث اعمال خواهد شد.

وی گفت: همچنین در حال برنامه‌ریزی برای برگزاری همایشی در مورد بیمه‌های شخص ثالث در زمستان سال جاری هستیم که امیدواریم حاصل آن، گردآوری پیشنهادات مفید صاحب‌نظران در زمینه ایجاد تغییرات لازم در بیمه‌نامه‌های شخص ثالث و انجام این تغییرات باشد.

مدیر گروه پژوهشی بیمه‌های اموال و مسئولیت ضمن ابراز امیدواری از اجرایی شدن راهکارهای ارائه شده و اجرای صحیح قانون گفت: مهمترین مشکل، نبود مکانیزم‌های لازم برای اجرایی شدن قانون است و در واقع قانون اشکال عمده‌ای ندارد.

وی با اشاره به اجرای «طرح ارزیابی پوشش‌های بیمه‌ای در نفت و گاز و پتروشیمی ایران» در پژوهشکده بیمه گفت: براساس این طرح ریسک‌های صنعت نفت شناسایی و راهکارهای صنعت بیمه برای پوشش این ریسک‌ها معرفی شده است.

صفائیان اضافه کرد: اگرچه اجرایی‌نمودن برخی از نتایج طرح در حال حاضر امکان پذیر نیست اما درصدد هستیم با تکمیل مطالعات در این حوزه و پیشنهاد مشارکت برای شرکت‌های داخلی در حوزه پوشش ریسک‌های صنعت نفت به نتایج مثبتی دست یابیم.

وی در بخشی دیگر از اظهاراتش با اشاره به آمار بالای کشته‌های تصادفات در کشور اظهار داشت: پژوهشکده بیمه در زمینه مطالعه و پژوهش جهت کاهش آمار تصادفات کشور گزارش مفصلی تهیه و پیشنهاداتی برای کاهش تصادفات در آن مطرح شده که نتایج این پژوهش در جلسات داخلی ارائه طرح‌های پژوهشی در پژوهشکده بیمه انعکاس خواهد یافت.

صفائیان ابراز امیدواری کرد: کارگروهی با حضور سازمان‌های دخیل در تصادفات شکل بگیرد که در آن به طور منظم و جدی در مورد کاهش تصادفات تصمیم‌گیری شود و این تصمیمات پس از تصویب مجلس شورای اسلامی، به شکل قانون قابل اجرا و پیگیری باشد تا بتوانیم به رفاه جامعه از بعد پوشش ریسک و ارتقاء صنعت بیمه، کمک شایان توجهی کنیم.

همچنین رئیس پژوهشکده بیمه با اشاره به لزوم کمک به پژوهش و دانش‌افزایی در صنعت بیمه، با معرفی اعضای هیأت مؤسس از آغاز به کار انجمن علمی بیمه و ریسک خبر داد.

به گزارش روابط عمومی پژوهشکده بیمه، اولین نشست بررسی و راه‌اندازی «انجمن علمی بیمه و ریسک» کشور در محل پژوهشکده بیمه با حضور اعضای هیأت مؤسس این انجمن برگزار شد.

بنابراین گزارش، در ابتدای این نشست غدیر مهدوی رئیس پژوهشکده بیمه، با اشاره به «بیمه»، به عنوان محصولی مدرن و پیچیده که کارکردهای بسیار مهمی دارد، گفت: چهار کارکرد اصلی برای بیمه متصور است، که اولین کارکرد آن «ایجاد امنیت و آرامش در زندگی» است.

مهدوی سایر کارکردهای صنعت بیمه را «افزایش سرمایه‌گذاری و رونق اقتصاد»، و «بهبود ریسک یا مدیریت ریسک» توزیع عادلانه ریسک دانست که در الگوی ایرانی – اسلامی اقتصاد از جایگاه رفیعی برخوردار است.

وی با تأکید بر اینکه تقاضای بیمه در کشور حدود یک دهم تقاضای جهانی است، گفت: سرانه بیمه در دنیا در سال گذشته حدود ۶۳۰ دلار بوده در حالی که در کشور ما با وجود منابع فراوان کمتر از ۶۰ دلار بوده است.

رئیس پژوهشکده بیمه اضافه‌کرد: متوسط تقاضای بیمه عمر در ایران حدود پنج دلار است در حالی که سرانه تقاضای بیمه عمر در دنیا حدود ۳۴۰ دلار است.

وی افزود: در دنیا بیش از ۷ درصد تولید ناخالص داخلی صرف تقاضای بیمه به صورت خرد می‌شود، در حالی که در کشور ما این رقم حدود ۱/۳ درصد از سبد مصرفی خانوار را تشکیل می‌دهد.

مهدوی خاطرنشان کرد: از نظر علم، دانش و پژوهش در حوزه بیمه وضع به همین منوال است بطوری که فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری در رشته‌های مرتبط با بیمه در کل کشور بسیار اندک است.

وی تصریح کرد: همه این موارد موجب شد تا جای خالی یک انجمن علمی احساس شود و هدف از تشکیل این انجمن، کمک به پژوهش و دانش‌افزایی در صنعت بیمه است.

رئیس پژوهشکده بیمه با بیان اینکه در بسیاری از کشورهای دنیا همچون کره، تایوان، هنگ‌کنگ، تایلند، ترکیه و ژاپن انجمن بیمه و ریسک وجود دارد، اضافه کرد: در ضمن انجمن‌های بیمه و ریسک منطقه‌ای در مناطق مختلف فعالیت دارند و سالانه و یا هر چند سال یکبار کنفرانس‌های علمی متعددی برگزار می‌کنند.

بنابراین گزارش، در نشست مذکور در مورد انتخاب رئیس هیأت مؤسس انجمن رأی‌گیری به عمل آمد و غدیر مهدوی به اتفاق آراء به عنوان رئیس هیأت مؤسس جهت پیگیری و هدایت امور مربوط به انجمن انتخاب شد.

از اهداف تأسیس انجمن علمی بیمه و ریسک، گسترش و پیشبرد علمی دانش نظری و کاربردی ریسک و بیمه، ارتقای کیفی نیروهای متخصص، بهبود امور پژوهشی و آموزشی در زمینه‌های علوم ریسک و بیمه، ارتقای فرهنگ بیمه، انجام پژوهش‌های علمی و فرهنگی، همکاری با نهادهای اجرایی، آموزشی و پژوهشی، برگزاری گردهمایی‌های علمی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و انتشار کتب و نشریات علمی است.

این گزارش حاکیست مخاطبان انجمن علمی بیمه و ریسک را استادان، دانشجویان، مدیران، کارشناسان صنعت بیمه، مؤسسات و شرکت‌هایی که علم «اکچوئری» در آنها قابلیت پیاده‌سازی دارد، تشکیل می‌دهند و رشته‌های بیمه، اکچوئرال، اقتصاد، ریاضی، آمار، مالیه، حقوق، مدیریت، ریسک و احتمالات از رشته‌های مرتبط با موضوع فعالیت انجمن هستند.

طبق این گزارش اعضای هیأت مؤسس انجمن علمی بیمه و ریسک کشور به این شرح معرفی شدند: محمدجلوداری‌ممقانی؛ دکتری استاد دانشگاه علامه‌طباطبایی، امین حسن‌زاده؛ دکتری استادیار دانشگاه شهید بهشتی، منصور خلیلی‌عراقی؛ دکتری استاد دانشگاه تهران، علی دهقانی؛ دکتری استادیار دانشگاه آزاد تهران جنوب، شیوا زمانی؛ دکتری دانشیار دانشگاه صنعتی شریف، علی سوری؛ دکتری استادیار دانشگاه علوم اقتصادی، اسداله فرزین‌وش؛ دکتری دانشیار دانشگاه تهران، غلامرضا کشاورزحداد؛ دکتری دانشیار دانشگاه صنعتی شریف، غدیر مهدوی کلیشمی؛ دکتری استادیار دانشگاه علامه‌طباطبایی، محمد قاسم‌وحیدی‌اصل؛ دکتری استاد دانشگاه شهید بهشتی.

از طرفی مدیرعامل بیمه رازی با تاکید بر لزوم اجباری شدن برخی رشته‌های بیمه‌ای گفت: امسال ضمن انجام برنامه‌های ویژه برای گسترش بیمه بیمه عمر با تصویب هیأت مدیره، سرمایه شرکت به ۷۰ میلیارد تومان خواهد رسید.

در سالهای اخیر با ورود و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت بیمه کشور شاهد تحرک بیشتری در این بخش هستیم؛ به طوری که ضمن افزایش رقابت در این صنعت رشته‌های جدید بیمه‌ای وارد بازار شده است.

یونس مظلومی گفت: چگونگی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در یکی از آیین‌نامه‌های شورای عالی بیمه مشخص شده و تمایل این آیین‌نامه به سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه در بانک‌ها و اوراق مشارکت است، در حالی که این اقدام با وجود ریسک کم، کمترین بازده را دارد. اخیراً شورای عالی بیمه سقف سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بورس را افزایش داده است و در کنار این کار شرکت‌های بیمه در پروژه‌های ساختمانی مشارکت دارند.

مظلومی افزود: فکر می‌کنم آیین‌نامه باید تغییر کند تا دست شرکت‌های بیمه برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف باز شود، زیرا ممکن است شرکت‌ها تمایل داشته باشند بیش از سقف در نظر گرفته شده در یک بخش سرمایه‌گذاری کنند.

مظلومی همچنین گفت: مشکل اصلی در این زمینه «قانون» است، زمانی در ایران بیمه وجود نداشت تا سال ۱۳۱۴ که شرکت بیمه ایران تأسیس شد، اما تا سال ۱۳۴۸ که قانون بیمه اجباری شخص ثالث تصویب شد، بیمه سهم چندانی در اقتصاد کشور نداشت، اما این قانون به توسعه صنعت بیمه کمک کرد، به طوری که در حال حاضر حدود ۶۰ پرتفوی صنعت بیمه کشور به آن اختصاص دارد. در شرایط فعلی هم نیاز به تصویب قوانین مشابه بیمه شخص ثالث وجود دارد.

مظلومی افزود: برای مثال الان در کشور ترکیه بیمه زلزله اجباری است یا در بسیاری از کشورها انواع بیمه‌های مسئولیت اجباری است، زیرا در بسیاری از موارد حاکمیت منافع افراد جامعه را بهتر از تک تک افراد تشخیص می‌دهد و این وظیفه حاکمیت است که همانند اقدامی که برای اجباری کردن بیمه شخص ثالث انجام شد، این کار انجام شود و الان هم فکر می‌کنم باید تمام ساختمان‌ها در مقابل زلزله بیمه شوند یا اینکه مسئولیت کارفرمایان در مقابل کارگران باید اجباراً بیمه باشد.

راه اندازی سیستم جامع برای جلوگیری از تخلفات بیمه‌ای

سرپرست معاونت نظارت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران از راه‌اندازی سیستم جامع جلوگیری از تخلف و تقلب در صنعت بیمه در آینده نزدیک خبر داد. سیدمرتضی حسنی عقدا در گفت‌وگو با ایرنا، با بیان آنکه برای جلوگیری از تخلف و تقلب در صنعت بیمه سیستم جامعی ایجاد شده است، اظهار داشت: این سیستم در حال حاضر در بخش صدور و تعیین خسارات بیمه اتومبیل متمرکز است و در مراحل بعدی سایر رشته‌ها از جمله آتش‌سوزی و باربری به آن اضافه می‌شود.

وی با بیان اینکه بیشترین حجم فعالیت شرکت‌های بیمه در بخش بیمه شخص ثالث است، گفت: بیمه مرکزی از سال‌های گذشته بانک اطلاعاتی را تعریف کرده تا بتواند مراحل صدور و پرداخت خسارت را کنترل کند و برای شروع بیمه خودرو را هدف‌گذاری کرده است.

وی ادامه داد: البته هنوز این سیستم دارای نواقصی است و برخی از شرکت‌ها نتوانسته‌اند تاکنون اطلاعات خود را به روز کنند.

عقدا، تبادل اطلاعات با برخی از مراجع را از دیگر بخش‌های مورد تاکید این سیستم عنوان کرد و افزود: بیمه مرکزی، سندیکای بیمه گران و نیروی انتظامی در اواخر سال ۱۳۹۰ تفاهم نامه سه جانبه‌ای را منعقد کردند که بندهایی از آن مربوط به تبادل اطلاعات است و در صورتی که این سیستم به طور کامل فعال شود، اطلاعات به روز و تخلفات در بخش‌های مختلف کاهش می‌یابد، ضمن آنکه این امر در تعیین حق بیمه هم موثر است.

سرپرست معاونت نظارت بیمه مرکزی اظهار امیدواری کرد که بزودی این سیستم جامع به طور کامل در صنعت بیمه راه اندازی شود تا ضمن تسریع در صدور و دقت در پرداخت خسارت، از حجم تخلفات و تقلبات کاسته و سرویس دهی مناسب تری انجام شود.

وی درباره وجود تقلب و تخلف در بیمه، اظهار داشت: هر چند تقلب و تخلف همواره وجود دارد و نمی‌توان گفت که در هیچ جای دنیا تقلب وجود ندارد، اما بیمه مرکزی تلاش دارد تخلفات را در این صنعت به حداقل کاهش دهد.

سرپرست معاونت نظارت بیمه مرکزی با بیان آنکه نمی‌توان درصد تخلفات را در صنعت بیمه تعیین کرد، گفت: بخشی از تخلفات به بیمه مرکزی منعکس می‌شود و واحد بازرسی وظیفه پیگیری آن را دارد، اما از آنجا که بخش عمده‌ای از مشکلات در شرکت‌ها پیگیری می‌شود، نمی‌توان آمار دقیقی در مورد آن ارایه کرد.

عقدا با بیان اینکه میزان تخلف و تقلب در رشته‌هایی که مراجعه بیشتری دارند، به طور طبیعی بالاتر است، گفت: بر همین اساس شرکت‌هایی که در رشته خودرو فعال هستند، بیشتر از سایر شرکت‌ها با مشکلات مواجه هستند.

عقدا گفت: بیمه مرکزی در زمینه استقرار واحدهای حسابرسی داخلی و بازرسی در شرکت‌ها اقداماتی را انجام داده است و تاکید بر سیستم خود کنترلی شرکت‌ها دارد.

وی اظهار داشت: این امر سبب می‌شود که سیستم کنترل داخلی در شرکت‌ها مستقر شود و بیمه مرکزی واحدهای مرتبط با این موضوع را بازرسی می‌کند.

سرپرست معاونت نظارت بیمه مرکزی اظهار داشت: همچنین بر اساس مصوبات شورای عالی بیمه، نظارت بر نمایندگان و شبکه فروش که در گذشته بر عهده بیمه مرکزی بود با ابلاغ آیین نامه‌هایی به شرکت‌ها واگذارشده است و بیمه مرکزی نظارت بر نحوه نظارت آنها دارد یا به عبارت دیگر بیمه مرکزی نظارت عالی نسبت به شبکه فروش شرکت‌های بیمه دارد.

وی ادامه داد: همچنین برای افزایش حجم نظارت‌ها بیمه مرکزی نظارت در محل را افزایش داده به نحوی که واحدهای خود را به صورت دوره‌ای در استان‌های مختلف مستقر می‌کند تا ابعاد فنی و عملیات شرکت‌ها در بخش شعب و نمایندگان مورد ارزیابی قرار گیرد.

عقدا در پایان اظهار داشت: در صورتی که فعالیت شرکت‌ها دارای مشکلاتی باشد به طور قطع در خصوص آن تصمیم‌گیری می‌شود.

مدیرکل بیمه ایران استان سمنان هم با اشاره به سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی گفت: در سال تولید ملی ارائه تضمین‌های لازم جهت کالاهای تولیدی از طریق بیمه‌نامه‌های تضمین کیفیت کالا انجام خواهد شد.

عزیزالله مختاری در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: این کار با هدف ایجاد آرامش در مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان جهت استفاده از کالاها و تولیدات داخلی انجام می‌شود.

اعلام برنامه‌های جدید سازمان خصوصی سازی

خزانه دار کل کشور عملکرد سازمان خصوصی سازی را از منظر تأمین مالی و خزانه داری بسیار خوب ارزیابی و ابراز امیدواری کرد در سال جاری شاهد عملکرد خوبی از این سازمان باشیم. به گزارش مهر، رئیس کل جدید سازمان خصوصی سازی در مراسم معارفه خود با اشاره به سند چشم انداز به عنوان یک برنامه بلند مدت، نقش و جایگاه اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴ در منطقه را تبیین کرد.

محمدرحیم احمدوند اظهار داشت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، استکبار فشارهای مختلفی را به کشور وارد کرد ولی با مدیریت و رهبری حضرت امام خمینی(ره) توانستیم سالهای سخت جنگ را پشت سر بگذاریم.

وی تاکید کرد: دشمن تمام توان خود را در حوزه اقتصاد بکار گرفته و امید دارد در این جبهه پیروز شود.رئیس سازمان خصوصی سازی با اشاره به ضعف‌های اقتصاد دولتی تصریح کرد: ارزیابی‌ها نشان داد اگر ماشین اقتصادی کشور با همین سرعت و قدرت پیش برود، به مقصد و هدف نخواهیم رسید و نیازمند اصلاح قوانین هستیم.

احمدوند افزود: با درایت مقام معظم رهبری محدودیت‌ها گشوده و فضا و بستر آماده شد تا ماشین اقتصادی دولت علاوه بر توان دولت، از منابع بخش خصوصی و مردمی استفاده کند که از آن به عنوان انقلاب اقتصادی یاد می‌شود.

وی تصریح کرد: در کنار این اقدام، طرح تحول اقتصادی با هدف تکمیل این فرآیند و فراهم ساختن فضا برای ورود بخش خصوصی اجرا شد. احمدوند بر لزوم فعال ساختن بخش پولی- مالی و نظام مالیاتی برای کمک به اجرای بهتر خصوصی سازی تأکیدکرد.

احمدوند با اشاره به کمک مردم در اجرای مطلوب و موفق هدفمندسازی یارانه‌ها ابراز امیدواری کرد: در برنامه‌های بعدی، نباید خودمان را با کشورهای منطقه مقایسه کنیم بلکه باید با کشورهای توسعه یافته دنیا مقایسه کنیم.

وی در پایان گفت: با مطالعه تجربه ۸۰ کشور دنیا در زمینه خصوصی سازی می‌توان به اهمیت نقش و جایگاه سازمان خصوصی سازی پی برد.

در ادامه این مراسم، پیمان نوری بروجردی، رئیس پیشین سازمان خصوصی سازی طی سخنانی بر لزوم جلب رضایت خداوند و توکل به او در انجام امور تأکید کرد.

وی همچنین در بیان ویژگی‌های رئیس جدید سازمان خصوصی سازی خاطر نشان کرد: وی با مجموعه وزارت اقتصاد و سازمان خصوصی سازی آشناست و دارای وسعت نظر می‌باشد. نوری بروجردی مهمترین ویژگی سازمان خصوصی سازی را صحت عمل بیان کرد.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۲۳۸۵۵/۱	۲۳۹۹۸/۸	۲۳۸۵۴/۶	(۱۴۵/۹)	(۰/۶۱)
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۱۳۳۱	۱۳۴۱	۱۳۳۱	(۹/۹)	(۰/۷۴)
شاخص آزادشناور	۲۹۶۲۱	۲۹۸۲۶/۲	۲۹۶۲۰/۷	(۲۰۳/۷)	(۰/۶۸)
شاخص بازاراول	۱۹۶۶۱/۹	۱۹۷۶۸/۶	۱۹۶۶۱/۸	(۱۰۳/۸)	(۰/۵۳)
شاخص بازاردوم	۳۳۵۹۴/۲	۳۳۹۰۴/۵	۳۳۵۹۰/۵	(۳۲۰/۱)	(۰/۹۴)
شاخص صنعت	۱۸۸۸۱/۷	۱۹۰۰۰/۶	۱۸۸۸۱/۲	(۱۳۴/۹)	(۰/۷۱)

آمار آخرین روز معاملاتی(سه شنبه ۹۱/۵/۱۷)

مجموع حجم معاملات	۲۶۳ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۴۳۰/۹۳۸ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۲۴۴۸ معامله
ارزش بازار	۱/۰۸۱/۴۷۷ میلیارد ریال

عوامل مؤثر در افزایش قیمت‌های رینگ فلزات

قیمت محصولات رینگ فلزات در هفته‌های اخیر با افزایش بالایی روبه‌رو شد که کاهش واردات و اعطا نکردن ارز ۱۲۲۶ تومانی به این بخش دلایل اصلی روند قیمت‌ها در این بخش است.

به گزارش فارس، در هفته‌های اخیر وضع رینگ فلزات با توجه به برخی مسائل مناسب نبوده و افزایش قیمت‌های بالایی را تجربه کرده است. بر این اساس در اولویت نبودن فولاد برای دریافت ارز دولتی و کاهش شدید واردات از دلایل رشد قیمت در این رینگ است.

شمش فولاد ابتدا جزو پنج اولویت نخست دریافت ارز ۱۲۲۶ تومانی بود ولی در حال حاضر فقط به اولویت اول ودوم واردات ارز ۱۲۲۶ تومانی تعلق می‌گیرد.

همچنین، بازار فولاد کشور وابسته به حدود هشت میلیون تن واردات است که از ابتدای سال این میزان بسیار کاهش یافته و بر روی فروش تولیدات داخل اثر می‌گذارد.

با توجه به اینکه در ماه‌های قبل نرخ ارز اثر خود را بر روی قیمت فولاد گذاشته است، اگر نرخ جدید ارز اعلام شود تأثیر اندکی بر روی فولاد خواهد گذاشت.بر این اساس، رینگ پتروشیمی با افزایش قیمت روبه‌رو است ولی حرکت قیمت‌ها در رینگ فلزات بیشتر از پتروشیمی است.

بورس ارز جایی برای سفته‌بازی نیست

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار با تشریح سازوکار راه‌اندازی بورس ارز، گفت: در این بازار جایی برای سفته‌بازان نخواهد بود و نرخ براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود.

به راحتی پیدا کنند و با توجه به شفافیت موجود در بازار، رانت درآن وجود نخواهد داشت.

وی با اشاره به این‌که صادرکنندگان و عرضه‌کنندگان ارز از طریق بانک‌ها و صرافی‌ها

از سوی دیگر نماینده اصفهان از ادغام کمیسیون ویژه اصل ٤٤ و تشکیل کمیسیونی تحت عنوان «کمیسیون ویژه تولید ملی و اصل ٤٤ » خبر داد.

حمیدرضا فولادگر در گفتگو



دکتر علی صالح‌آبادی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به این‌که راه‌اندازی بازار گواهی‌های ارزی مزایای زیادی دارد، اظهار کرد: یکی از مزایا این است که براساس مکانیزم عرضه و تقاضا در یک بازار شفاف قیمت‌ها کشف می‌شود.

وی با بیان این‌که صادرکنندگان می‌توانند ارز خود را در یک بازار قانونمند عرضه کنند، گفت: این‌که صادرکنندگان بتوانند ارز را با قیمت بازار به فروش برسانند، مزیت خوبی است و می‌تواند باعث افزایش سود صادرکنندگان شود. رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار با اشاره به این‌که واردکنندگان که نیاز به ارز دارند خرید خود را در بورس طی مکانیزم شفاف انجام می‌دهند، ادامه داد: بانک مرکزی در صورت لزوم می‌تواند وارد بازار شود و عرضه و تقاضا را متعادل کند و در واقع به عنوان بازارگردان حاضر شود.

صالح‌آبادی درباره سازوکار این بازار افزود: اطلاعات خریداران و فروشندگان ثبت می‌شود و می‌توانند همدیگر را به بورس معرفی می‌شوند، گفت: مشخصات خریداران از طریق سازمان توسعه تجارت به بورس اعلام می‌شود و کد معاملاتی دریافت می‌کنند.

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار با تاکید بر این‌که در این بازار صرفا خریداران و فروشندگان واقعی ارز حضور دارند و جایی برای سفته‌بازان و سوداگران نخواهد بود، تصریح کرد: برنامه این است که به مرور هرچه تقاضای واقعی وجود دارد را به سمت این بازار سوق دهیم لذا فضایی برای سفته‌بازی در آینده باقی نمی‌ماند.

صالح‌آبادی درباره تاثیر راه‌اندازی این بازار بر نرخ ارز، اظهار کرد: در کنار ارز مرجع نرخ دیگری که در بازار شکل می‌گیرد، نرخ ارز در بورس خواهد بود و نرخ دیگری نباید داشته باشیم، لذا بانک مرکزی در مواقع لزوم می‌تواند وارد شود و بازار را به سمت تعادل حرکت دهد.

به گفته وی، نرخ ارز در این بازار رقابتی خواهد بود و براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود.

با فارس درباره تشکیل کمیسیون اصل ٤٤ در مجلس نهم اظهار داشت: در مجلس نهم کمیسیون خاص اصل ٤٤ نخواهیم داشت و نام آن به کمیسیون حمایت از تولید ملی و نظارت بر اصل ٤٤ تغییر کرده است.

وی افزود: ۱۵ عضو این کمیسیون انتخاب شدند ولی هیأت رئیسه آن به زودی مشخص می‌شود ولی کار این کمیسیون فراتر بوده زیرا هم باید به مسئله تولید و هم اصل ٤٤ بپردازد.

این عضو کمیسیون حمایت از تولید و نظارت بر اصل ٤٤ بیان کرد: کمیسیون اصل ٤٤ در دوره قبل از فعالترین و قویترین کمیسیون‌های مجلس بود ولی، اعضاء این دوره از تجربیات اقتصادی و سوابق اجرایی بهتری برخوردارند و انشاالله اثر گذار باشد.فولادگر در پایان درباره برنامه‌هایی که در این کمیسیون دنبال می‌شود، گفت: تداوم برنامه‌های نظارتی سابق و راهکارهای حمایت از تولید ملی با اتکا به سیاست‌های کلی اصل ٤٤ از اقداماتی است که در این دوره انجام می‌شود.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کنتورسازی‌ایران	۱۱,۴۲۹	(۴۷۶)	سیمان کردستان	۶,۱۴۹	۲۳۶	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۰۲۰	(۴)
مخابرات ایران	۲,۱۶۶	(۹۰)	پتروشیمی شازند	۵,۳۶۱	(۲۲۳)	سرمایه گذاری آتیه دماوند	۱,۰۲۲	(۳۹)
ایران ترانسفو	۱,۶۸۱	(۷۰)	معدنی املاح ایران	۸,۸۴۰	۳۴۰	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۲,۹۹۹	۷۷
لامپ پارس شهاب	۲,۳۰۸	(۹۶)	پالایش نفت تبریز	۳,۲۹۷	(۱۱)	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۳,۸۴۰	(۱۱)
موتوژن	۲,۵۷۶	(۱۰۷)	نفت بهران	۷,۱۵۳	(۲۹۸)	بانک انصار	۲,۳۱۰	(۵)
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۲۱۹	(۴۹)	بین المللی محصولات پارس	۱,۵۳۰	۲۹	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲,۷۸۸	(۱۱۶)
گسترش نفت و گاز پارسیان	۵,۳۷۶	(۲۲۴)	پاکسان	۲,۳۷۸	(۹۹)	توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۱,۷۴۷	(۷۲)
ایران‌یاساتایرورابر	۳,۷۸۰	(۴۲)	پتروشیمی آبادان	۵,۱۳۹	(۱۷۸)	بانک ملت	۱,۲۶۱	۵
سرمایه گذاری پردیس	۱,۰۱۸	(۱)	پتروشیمی پردیس	۲۸,۱۳۰	(۱,۱۷۲)	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۶۶۴	(۲۷)
صنایع لاستیکی سهند	۱,۸۹۹	۱۲	پتروشیمی خارک	۱۲,۸۹۶	(۵۳۷)	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۷۹۶	۳۰
تکنوتار	۱,۲۰۲	(۵۰)	پتروشیمی‌فارابی	۶,۷۹۰	(۶۵)	سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۱۷۷	(۴۹)
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۳۶۰	(۹)	صنایع شیمیایی فارس	۲,۴۷۷	(۱۰۳)	بانک‌پارسیان	۱,۸۳۰	(۶۴)
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۵۷۵	(۱۰۷)	پتروشیمی فناوران	۸,۷۸۵	(۳۶۶)	بانک پاسارگاد	۱,۴۰۰	(۱۵)
سخت آژند	۱,۰۴۰	۹	لعابیران	۳,۵۷۶	۳	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۶۲۹	(۱۸)
سامان گستراصفهان	۱,۴۵۳	۴	پتروشیمی‌شیراز	۳,۵۲۶	(۱۴۶)	داروپخش (هلدینگ	۷,۱۷۸	۰
سرمایه گذاری شاهد	۱,۸۶۶	(۷۷)	صنایع‌شیمیایی‌ایران	۲۲,۴۹۹	۳۸۳	بانک تجارت	۱,۴۰۸	(۵۸)
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۷۲۷	(۷۱)	کربن ایران	۷۰۶	(۲۹)	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۱,۷۱۰	۱۸
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۳,۳۰۲	(۱۳۷)	نیروکلر	۷,۵۸۴	(۳۱۶)	ح . توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۵۴۵	(۴۳)
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۶۸۰	(۵۹)	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۰۴۱	۱۵۵	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۴۹۵	(۶۲)
تایدواترخاورمیانه	۲,۳۴۳	(۹۷)	پارس مینو	۱,۳۹۷	(۵۸)	سرمایه گذاری پارس توشه	۱,۵۳۱	(۶۳)
حمل‌ونقل‌توکا	۴,۲۷۵	(۱۷۸)	کشت و صنعت چین چین	۲,۲۰۱	(۸۸)	توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۳۰۰	۰
حفاری شمال	۱,۶۲۹	(۴۵)	خوراک دام پارس	۵,۸۰۰	۲۲۳	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۱,۸۰۲	(۷۵)
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱,۰۴۳	(۴۳)	سالمین	۴,۲۱۳	۱۶۲	سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۹۰۰	(۳۷)
سایپاآذین	۴۳۵	(۱۲)	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۱,۷۹۱	(۷۴)	سرمایه‌گذاری سایپا	۹۶۰	(۲۸)
گروه‌بهمن	۱,۲۰۴	(۵۰)	شهد ایران	۱,۴۰۰	۵۳	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۱,۶۰۵	(۴)
پارس خودرو	۶۲۶	(۲۶)	بیسکویت گرجی	۲,۲۶۰	(۴۰)	سرمایه‌گذاری سپه	۱,۰۷۰	(۱۲)
رینگ‌سازی‌مشهد	۸۴۰	(۲۹)	صنایع آذرآب	۱,۷۱۵	(۷۱)	بانک سینا	۱,۴۱۶	(۵۸)
زامیاد	۶۴۳	(۲۶)	ماشین سازی اراک	۱,۰۷۶	(۴۳)	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۱,۵۰۶	(۶۲)
سایپا	۹۹۹	(۱۷)	کالسیمین	۳,۸۰۴	(۱۵۷)	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۸۷۰	(۳۶)
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۴۰۳	(۵۸)	آلومتک	۲,۰۶۲	(۸۵)	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۳,۰۴۰	(۸۳)
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۱,۳۳۷	(۵۵)	صنعتی آما	۲,۷۹۷	۱۰۷	لیزینگ رایان سایپا	۱,۶۸۸	(۷۰)
نیرو محرکه	۱,۰۴۷	(۴۳)	مس شهیدباهنر	۸۰۰	(۲۸)	لیزینگ‌خودروغدیر	۴۴۵	(۲)
ایران خودرو	۱,۲۲۴	(۵۰)	جام‌دارو	۲,۱۱۲	(۸۸)	لیزینگ‌ایران	۱,۵۸۷	(۶۶)
کاربراتورایران	۱,۳۲۲	(۵۵)	فولاد خراسان	۵,۱۶۲	(۲۱۵)	توسعه‌معادن‌وفلزات	۲,۳۸۹	(۹۹)
سایپا دیزل	۵۱۶	(۲۱)	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۴,۹۹۹	۱۹۲	سرمایه‌گذاری‌ملت	۳۳۶	(۱۳)
بیمه دانا	۵,۷۱۳	(۲۳۸)	فروسیلیس ایران	۳,۵۶۶	۱۳۷	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۱۷۴	(۲)
داروسازی جابرابن‌حیان	۲,۴۴۷	(۱۰۱)	ملی سرب‌وروی ایران	۲,۳۱۷	(۹۵)	بانک‌اقتصادنوین	۲,۷۶۰	(۱۱۵)
دارویی رازک	۹,۰۱۰	(۲۱۲)	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۱۰۲	(۸۷)	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۱۵۳	۳
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۶,۵۲۲	(۲۷۱)	ملی صنایع مس ایران	۳,۴۷۰	(۱۱۶)	بانک کارآفرین	۱,۲۳۶	(۴۱)
داروسازی کوثر	۱,۷۳۹	(۷۲)	نوردوقطعات فولادی	۱,۸۱۶	۶۹	آبگینه	۴۵۰	(۱۴)
کیمیدارو	۱,۴۹۳	(۶۲)	فولاد مبارکه اصفهان	۱,۹۱۵	(۷۶)	فرآورده‌های‌نسوزآذر	۹۱۷	(۳۸)
خدمات‌انفورماتیک	۱۱,۰۲۰	(۴۵۹)	فولاد آلیاژی ایران	۲,۸۰۰	(۹۹)	باما	۶,۲۱۶	(۲۵۸)
تجارت الکترونیک پارسیان	۷,۸۵۰	۱۶	فولادکاویان	۱,۸۴۰	۱۵	معادن بافق	۹,۰۴۰	(۱۲۶)
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۲,۱۴۸	(۸۸)	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۹,۳۶۴	۳۶۰	پشم‌شیشه‌ایران	۱,۲۵۹	(۵۰)
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۱,۵۷۵	(۶۵)	قند ثابت خراسان	۵,۱۴۴	۱۹۷	تولیدی کاشی تکسرام	۱,۱۴۵	(۴۷)
کارت اعتباری ایران کیش	۱۱,۷۱۶	۱	فرآوردههای غذایی وقندتربت‌جام	۳,۱۲۴	۱۲۰	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۵,۲۴۶	(۱۸۷)
کشاورزی ودامپروی مگسال	۸,۱۶۶	۳۱۴	کارخانجات قند قزوین	۴,۹۰۲	۱۸۸	چینی ایران	۲,۱۳۴	۸۲
سیمان داراب	۳,۹۹۸	۱۵۰	قند شیرین خراسان	۴,۲۴۷	۱۶۳	کاشی وسرامیک حافظ	۱,۲۹۰	(۵۳)
سیمان بجنورد	۲,۲۳۲	(۹۳)	شهد	۱۴,۵۳۶	۵۵۹	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۴,۰۲۴	(۱۶۷)
سیمان‌سپاهان	۱,۱۴۸	(۴۷)	شکرشاهرود	۵,۶۷۵	۲۱۸	توسعه معادن روی ایران	۱,۸۷۸	(۷۸)
سیمان تهران	۲,۱۵۰	(۸۹)	قنداصفهان	۱۸,۳۰۱	۷۰۳	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۲,۴۷۶	۳۱
سیمان خزر	۱,۷۶۴	(۷۳)	قند لرستان	۱۷,۰۱۰	۶۵۴	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۸,۴۹۹	(۱۸۵)
سیمان دورود	۳,۳۲۱	۲۲	قندنقش‌جهان	۱۳,۵۷۹	۵۲۲	کاشی سعدی	۱,۵۰۶	۵۷
سیمان‌شاهرود	۱,۹۷۰	۵	قند نیشابور	۱۴,۱۹۷	۵۴۶	ذغال‌سنگ نگین طبس	۲,۵۰۴	(۱۰۴)
سیمان شمال	۸۹۴	(۳۷)	قندهکمتان	۱۷,۹۷۳	۶۹۱	فراورده های نسوزایران	۲,۴۵۰	۲۴
سیمان صوفیان	۱,۱۶۹	(۴۸)	آبسال	۶۵۰	(۲۳)	معدنی و صنعتی گل گهر	۵,۱۹۰	(۱۴۷)
سیمان‌غرب	۲,۷۰۱	(۳۹)	پارس خزر	۱,۲۵۰	(۱۰)	معادن‌منگنزایران	۱۹,۶۰۱	(۸۱۶)
سیمان فارس و خوزستان	۱,۰۹۶	(۱۰)	سرما آفرین	۱,۱۴۶	(۴۷)	کاشی نیلو	۱,۲۸۸	(۲۲)
سیمان سفیدنی‌ریز	۴,۵۰۵	۱۷۳	داده‌پردازی‌ایران	۱,۸۵۴	(۷۷)	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۷۶۰	۲۹
سیمان‌هرمزگان	۶,۸۶۵	(۲۱۲)	بیمه ملت	۱,۰۹۷	(۳۵)	شیشه همدان	۱,۵۴۰	(۵۵)

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری فرزانگان اقتصاد ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۷۱۹۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۶۹۹۸۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: نام شرکت به «امین اقتصاد ایرانیان» تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۶ ذیل دفتر ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
کد: ۱۵۸۹۷۸۹

آگهی تغییرات شرکت نشر فن آریا سهامی خاص به شماره ثبت ۳۰۱۶۳۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۰۲۵۱۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران ـ میدان فاطمی میدان گلها خیابان رادافزون کوچه ۴/۱ پلاک ۱۰۹ کدپستی ۱۴۳۱۶۱۳۶۸۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید. در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۷ ذیل دفتر ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
کد: ۱۵۸۴۰۷۳

آگهی تغییرات شرکت پارس زیگورات زعفرانیه سهامی خاص به شماره ثبت ۴۰۲۱۱۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۲۷۷۵۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی و مدیریت ایران مشهود به عنوان بازرس اصلی، آقای محمدرضا گلچین‌پور به شماره ملی ۰۰۴۲۳۳۳۸۱۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ۲ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ۳ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۰۶/۳۱ به تصویب رسید. در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۱ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
کد: ۱۵۷۸۷۰۵

آگهی تغییرات شرکت مادر تخصصی صنایع چوبی و سلولزی پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۰۶۰۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۸۷۴۸۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران ـ خیابان استاد مطهری خیابان مفتح شمالی پایین‌تر از کوچه شایگان روبروی سینما پایتخت پلاک ۲۳۴ طبقه سوم کدپستی ۱۵۸۸۹۳۴۳۱۶ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید. در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۱ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
کد: ۱۵۷۶۲۹۳

آگهی تغییرات شرکت پتروشیمی بروجن سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۵۱۶۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۱۰۴۷۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی سالیانه مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ مؤسسه حسابرسی رایمند و همکاران به عنوان بازرس اصلی، مؤسسه حسابرسی شراکت به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ۲ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ۳ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۰۶/۳۱ به تصویب رسید. در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۱ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
کد: ۱۵۸۶۴۲۲

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری کارآفرینان روستا سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۶۷۹۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۵۰۷۳۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۶ به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای حسین ناجی به شماره ملی ۱۲۸۶۳۸۰۵۴۵ و آقای صادق ثامنی به شماره ملی ۴۶۰۹۶۴۸۷۹۲ و آقای محمود سرناز به شماره ملی ۰۴۵۰۴۲۵۱۹۳ به عنوان عضو علی‌البدل و آقای احمد هاشمی احمدی به شماره ملی ۰۰۴۴۲۸۷۴۰۲ و آقای محمود زارع‌زاده مهریزی به شماره ملی ۴۸۳۹۵۹۷۹۷۹ به عنوان عضو علی‌البدل و مؤسسه بنیاد شریف به شماره ثبت ۲۰۲۶۸ با نمایندگی آقای محمدعلی طهماسبی گوجگی و مؤسسه بنیاد رشد به شماره ثبت ۳۲۱۶ به نمایندگی آقای محمد میرمحمد صادقی تا تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۶ در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۱ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
کد: ۱۵۸۶۰۲۱

آگهی تغییرات شرکت آمایش آب و خاک سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۶۵۳۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ سمت اعضاء هیئت‌مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای کورش گلچین صحنه به شماره ملی ۴۹۶۹۶۴۶۹۷۱ به‌سمت رئیس هیئت مدیره و آقای رضا شریفیان به شماره ملی ۰۷۹۳۴۵۹۷۶۱ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای مسعود راشدی به شماره ملی ۳۲۵۱۲۸۴۲۷۴ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای مسعود راشدی به شماره ملی ۳۲۵۱۲۸۴۲۷۴ به سمت مدیرعامل. ۲ـ کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از قبیل چک سفته قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و مراسلات با امضای آقای مسعود راشدی مدیرعامل به‌تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۰۳ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
کد: ۱۵۸۵۱۲۲

آگهی تغییرات شرکت پارس صنعت انتقال نیرو سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۱۲۵۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۰۵۴۶۲

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۰/۳/۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ اعضاء هیئت‌مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای محمد کبیری اصفهانی به شماره ملی ۰۰۳۳۳۳۷۴۲۱ به سمت رئیس هیئت‌مدیره و آقای احمد شکوری‌راد به شماره ملی ۰۳۸۱۴۸۳۶۴۹ به سمت نائب رئیس هیئت‌مدیره و شرکت صانیر سهامی خاص با نمایندگی آقای عوض محمدپارسا به سمت عضو هیئت‌مدیره و آقای پیام باقری به شماره ملی ۲۲۰۰۰۳۸۸۶۰ (خارج از اعضاء هیئت‌مدیره) به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۳۹۲/۳/۳. ۲ـ کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک و سفته بروات قراردادها و عقود اسلامی با امضا رئیس هیئت‌مدیره به اتفاق مدیرعامل یا نائب رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل یا رئیس هیئت‌مدیره و نائب رئیس هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۲۲ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری - واحد ثبتی تهران
کد: ۱۵۰۳۸۷۴

آگهی تصمیمات شرکت تدبیرگر سرمایه سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۲۲۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۶۸۷۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۰/۱۰/۱۲ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۰/۱۱/۵ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۰/۶/۳۱ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی رهیافت و همکاران به شناسه ملی ۱۰۲۸۰۰۷۶۴۶۰ به سمت بازرس اصلی و مجید صفاتی به کدملی ۰۷۹۰۳۰۹۱۵۷ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۰۶۵۱

آگهی تصمیمات شرکت مجتمع صنعتی شهر برلیان تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۵۱۹۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۷۷۶۳۲

به موجب صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۹۰/۱۰/۲۶ میثم فضلوی به کدملی ۵۹۴۹۹۵۷۸۵۸ خارج از اعضاء هیئت‌مدیره برای بقیه دوران تصدی به سمت مدیرعامل تعیین گردید و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات و قراردادها با امضاء متفق رئیس هیئت‌مدیره و نایب رئیس هیئت‌مدیره در غیاب هر یک با امضاء عضو دیگر هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۰۶۶۳

آگهی تصمیمات شرکت پگاه ونیکا قائم سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۲۳۲۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۳۰۳۳۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۰/۹/۱۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۰/۱۱/۱۱ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۸۹ به تصویب رسید. زهرا فرجی به کدملی ۱۲۲۹۹۴۹۰۷۰ به سمت بازرس اصلی و جواد کاظمی به کدملی ۰۰۶۰۶۱۶۸۷۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت‌مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند. حسین آقاجانی به کدملی ۴۹۸۸۸۳۰۹۹۳ و مهدی آقاجانی به کدملی ۴۹۸۹۹۴۸۳۰۰ و ملیحه خلیلیان به کدملی ۰۰۸۲۹۷۰۶۲۹ ـ به موجب صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۹۰/۹/۲۰ حسین آقاجانی به سمت رئیس هیئت‌مدیره و مهدی آقاجانی به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و حسین آقاجانی به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور با امضاء مشترک حسین آقاجانی همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۰۶۸۷

آگهی تغییرات شرکت لابراتوارهای سینا دارو سهامی عام به شماره ثبت ۱۱۴۰۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۵۰۹۰۰

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۹۰/۱۰/۱۴ علی دهقان منشادی به شماره ملی ۰۰۳۹۷۱۱۵۰۱ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۵۰۱۸۲ و محمدحسن واصفی به شماره ملی ۲۰۶۲۷۰۰۴۵۸ به نمایندگی شرکت کارت ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۸۹۵۷۹ به سمت نائب رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل و احمد کرباسیان به شماره ملی ۰۷۹۳۱۰۵۴۵۵ به نمایندگی شرکت پایاپای ملی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۸۸۵۷۸ و ویدا بیگدلی به شماره ملی ۴۲۸۴۱۸۱۷۸۵ به‌نمایندگی شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۸۶۷۷۹ و عطاالله بابائی به شماره ملی ۱۵۳۳۴۷۷۴۶۹ به نمایندگی شرکت سرمایه‌گذاری صبا تأمین به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۰۸۳۷۰ به سمت اعضا هیأت‌مدیره برای بقیه مدت تصدی تعیین شدند کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از قبیل چک سفته با امضا مدیرعامل و یک نفر از اعضا هیئت‌مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضا دو نفر از اعضا هیأت‌مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق و مکاتبات عادی با امضا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد اختیارات مدیرعامل در ماده ۳۷ اساسنامه به استثنای موارد ۲ و ۴ ساختار سازمانی ماده ۱۰ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ توسط هیأت مدیره تعیین گردید.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۰۸۸۵

آگهی تصمیمات شرکت طب مرزداران سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۷۶۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۸۸۵۳۹

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۰/۸/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۰/۸/۳۰ واصل گردید: اعضاء هیئت‌مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: سعید سلیمانی به کدملی ۴۴۱۰۹۰۵۳۷۶ به سمت رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل و مهین خواجه به کدملی ۱۲۹۱۱۶۰۳۲۹ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و مهران فرهودی به کدملی ۱۸۱۶۹۸۲۱۴۸ به سمت عضو هیأت مدیره تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۰۷۲۶

آگهی تصمیمات شرکت مرغ اجداد زربال سهامی عام به شماره ثبت ۸۹۱۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۵۳۸۷

به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۰/۸/۷ اساسنامه جدید شرکت مشتمل بر ۵۶ ماده و ۱۱ تبصره به تصویب رسید و جایگزین اساسنامه قبلی شد.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۰۷۲۸

آگهی تغییرات شرکت گاز سبز صنعت شرق سهامی خاص به شماره ثبت ۳۰۶۳۰۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۲۴۹۵۹

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ کلیه سرمایه تعهدی شرکت به مبلغ ۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال طی گواهی شماره ۱۵۷۱/۸۷/۷۴۹ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۹ بانک پارسیان شعبه آیت‌اله کاشانی شرقی توسط صاحبان سهام پرداخت گردیده است. در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۲۱ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری - واحد ثبتی تهران
کد: ۱۴۸۵۲۶۱

آگهی تغییرات شرکت فروش اموال مازاد بانک‌ها فام سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۴۵۰۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۵۸۵۸۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۰/۰۷/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: دولت بانک صادرات با نمایندگی آقای علیرضا جانه به‌سمت رئیس هیئت مدیره و دولت بانک سپه با نمایندگی آقای حمیدرضا صوفی‌آبادی به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و دولت بانک کشاورزی با نمایندگی آقای خسرو صادق‌زاده به سمت عضو هیئت مدیره و دولت بانک ملی با نمایندگی آقای سیدحسن یمنی به سمت عضو هیئت مدیره و دولت بانک صنعت و معدن با نمایندگی آقای امیر مهدی‌زاده به سمت عضو هیئت مدیره و آقای سیدحسین میرزا طباطبائی به شماره ملی ۰۰۵۷۸۸۸۷۶۰ (خارج از اعضاء هیئت مدیره) به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۵. در تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۱۸ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ثبت و موردتأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری - واحد ثبتی تهران
کد: ۱۵۱۴۳۱۸

آگهی تأسیس شرکت آروکو گستر آریا سهامی خاص

آگهی تغییرات شرکت پارس آوند شیمی سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۸۵۴۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۸۹۵۱۰

آگهی تغییرات شرکت خدماتی پشتیبانی معین‌کار سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۸۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۷۸۰۵۰

به استناد صورتجلسه هیات مدیره مورخ ۹۰/۸/۱۸ مسعود باریده به شماره ملی ۰۰۵۰۹۳۴۷۶۷ به جای البرز رستمی راوری به نماینده شرکت سرمایه‌گذاری مدبر به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۹۷۶۸۰ به سمت عضو هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی تعیین شدند.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۱۰۳۶

فرهنگی ۹۴

- چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۱
- شماره ۲۵۳۸۱ـ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
- ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران

آموزه

سورن کرگور

زندگی برای هرکسی بقدر کافی وظیفه دارد و وقتی شخص این وظایف را صادقانه دوست بدارد زندگی نیز بیهوده نخواهد بود.

ترس ولرز/۱۵۷

سر سخن

کریم فیضی

درنگی در تلاقی ژنتیک و سایبرنتیک

موج در برابر ژن

امواج در هر برهه از تاریخ، به میزان نفوذ و اقتدار و استیلای خویش در نظام دادن و بسامان کردن الفاظ و معانی و علوم و فنون ایفای نقش کرده‌اند و اگر نبود فرایند انتقال علم، از روزی به روزی و از شخصی به شخصی و از جایی به جایی و از سالی به سالی دیگر و از نسلی به نسلی دیگر –که در هر دوره با امواج متناسب آن زمان–روی داده و در دوران متأخر همگی به یکجا و ناگهان و باهم منتقل شده و میراث دیروزهای بی‌شماری را به امروزه منتقل کرده و اگر نبود، تثبیت شدن تطور آگاهی‌ها و دانایی‌ها و درک‌ها و دریافت‌ها که امروزه در هر صفحه از نوشته‌های خوب و بد و بااهمیت و بی‌اهمیت خودنمایی می‌کند، امروزه ما برای یافتن مساحت هر جایی و موضع اقلیمی هر منطقه‌ای، نیازمند بیابانگردی در زمستان و کوهپیمایی در تابستان بودیم و برای فرستادن این پیام امیر و وزیر و دریافت فلان فرموده شاه و سلطان نیازمند کفتر و کبوتر نامه‌رسان بودیم که کی به راه بیفتد و کی برسد و آیا برسد یا نرسد.

آری، اگر کار به حضور همه‌جانبه و خروشان و طاغیانه امواج نرسیده بود، در هر دوره‌ای باید منتظر یک گالیله می‌بودیم تا مگر سخنی برخلاف توده‌های متراکم جهل زمان بگوید و در هر دوره‌ای کریستوف کلمبی را باید به انتظار می‌نشستیم تا بگوید که آنسوی این دریا هم آبادی است و جهان در آنسوی مرزهای ایرانشهر و یونانشهر هم امتداد دارد و زندگی تا آنسوی کهکشان می‌تواند جریان داشته باشد. می‌پذیریم که حضور موج در گذشته‌ها، هر اندازه بیشتر به عقب برمی‌گردیم کم بوده و به همان میزان، زندگی و جریان علم و اندیشه و دانایی و آگاهی کند بوده و همراه با مشکلات جدّی و کشنده، اما هر اندازه از آن گذشته بیشتر فاصله می‌گیریم با حضور پررنگ‌تر موج مواجهیم و با پررنگ شدن امواج، هر اندازه حضور آنها هجومی‌تر است، شرایط به نفع گسترش علم و آگاهی و دانایی عمومی و بهبود روابط و مسائل در حال تغییر است تا با عبور زمان از گردنه‌های قرن بیستم و قرار گرفتن جهان در سراشیبی نیمه دوم قرن بیستم، انرژی مهار نشده امواج آزاد می‌شوند و با طغیان امواج، جهان به زیر گام سایبرنتیک می‌رود و با آغاز قرن بیست و یکم و طلوع خورشید هزاره سوم، دیجیتالیسم، جهان را به مانند یک جزیره، از هر سو محاصره می‌کند و اینک ما در جزیره‌ای زندگی می‌کنیم که لحظه لحظه آن آکنده از موج است.

موجهای گوناگون در زندگی ما نه تنها حضور دارند، که بر زندگی و نترس و بگو بر ذهن و روان و موجودیت و ریشه‌های ادراکی ما حکومت می‌کنند. سخن بر سر خوب و بد این ماجرا و حاصل و محصول آن نیست، سخن بر سر حادثه‌ای است که روی داده و بندبند ذهن و جسم و روح و روان ما را در قبضه اختیار خویش دارد. حال به آغاز این سخن و پرسش اصلی این بحث برمی‌گردیم: ژن و موج. با در نظر گرفتن این جنبه از موج و این کارکرد بی‌پایان و در حال جوش و خروش موج و با توجه دقیق و درست با خط و خطوط بی‌پایانی که سایبرنتیک و فرزندان خلف و ناخلف آن در جای جای ذهن و زبان و زندگی امروزی ما می‌کشند و پاک می‌کنند و فعالیت خودمختار از خویش را براساس نوع روابط و مناسبات ما از سر می‌گیرند، آیا باز هم می‌توان گفت که: میان سایبرنتیک و ژنتیک ارتباطی وجود ندارد؟ آیا با هجوم بی‌امان امواج بر نوعیت و شخصیت انسانی بشر امروز که به وضوح در آینه جامعه، هنر، سینما، تلویزیون و حتی دادگاه‌ها و دانشگاه‌های امروزی به صور مختلف قابل مشاهده است، می‌توان گفت که: سایبرنتیک چیزی است و ژنتیک چیزی دیگر؟

آیا با درنظرگرفتن صعود و نزول‌های اخلاقی و رفتاری محسوس و مشهودی که به مدد و عنایت همین دیجیتالیسم قابل مشاهده و بررسی‌های چندگانه و چندگونه است، می‌توان گفت که این دو استقلال خویش را دارند و اصالت با ژنتیک است و سایبرنتیک ابزاری است از ابزارهای ژنتیک؟ شواهد و قراین بی‌شماری دست است که نشان می‌دهد، میان ژنتیک و سایبرنتیک رابطه‌ای قطعی و لازم و ضروری ـبه معنای دقیق فلسفی ـپدید آمده که در این برهه از تاریخ زندگی و این مقطع از تاریخ ژنتیک و سایبرنتیک رخ نموده، عیان و عریان شده است. اکنون اگر نگوییم که میان سایبرنتیک و ژنتیک نبردی جدی و قاطعانه و علی‌الدوام وجود دارد، می‌توانیم گفت که میان آن دو مواجهه‌ای روی داده است که می‌توان از آن تعبیر به صف‌بندی و صف‌آرایی در برابر هم کرد.

اینکه پایان این مواجهه چه خواهد بود و حاصل این تلاقی و به هم رسیدن چه در پی خواهد داشت و کار این اتصال و هماوردی به کجا خواهد رسید، نیازمند توجه به طرفین این معادله و محاجّه و مواجهه است و گذشت زمان. در اصل، هیچ چیزی به اندازه گذشت زمان نمی‌تواند میان ژنتیک و سایبرنتیک داور باشد و داوری کند.

پس باید با لحاظ آنچه بر جهان و زندگی و انسان می‌گذرد و با درنظر گرفتن حالات عمومی و غیرعمومی انسان ـاز حیث‌ها و جنبه‌های مختلف ـدر عرصه فرد و اجتماع، منتظر گذشت زمان بود تا پس از فرونشستن گردوغبارهایی که ذهن را از جانبی به جانب دیگر مایل می‌کنند، براساس واقعیات و مستندات قضاوت کرد که غلبه با کدام است: ژنتیک یا سایبرنتیک در شرایط فعلی، و تا این حدّ از بحث و فحص و تأمل و مطالعه، همین مقدار می‌توان گفت که: موضوعی به نام سایبرنتیک و ژنتیک واقعیت دارد و زمینه برای بحث‌هایی چون ژنتیک و دیجیتالیسم و ظهور و تجلی عمده آن اینترنت عملاً گشوده است و نیز می‌توان از نبردی که میان ژن و امواج سایبری در جریان است، سخن به میان آورد.



گفتاری از دکتر محقق
حق عظیم راشد

ناصر خسرو در وصف سخن گوید:

گرامی چو جان و قوی چون جبال
نکو چون جوانی و خوش چون جمال
سرِ مایه مال مردم حکیم
ولیکن ندزددْش ازوکس، چو مال
چه چیزست؟ چیزیست این کزشرف
رسولش لقب داد «سحرِ حلال»

آری، سخن یک خطیب واقعیَ از جان گرامی‌تر و از کوه استوارتر است و ملکه خطابه، نعمتی شریف از خداوند است که نه آن را دزد ببرد و نه خواجه به تفاریق بخورد، و چنان دیگران تحت تأثیر آن قرار گیرند، گویی که سخنور آنان را جادو کرده است و از همین روی پیغمبر اکرم–صلی‌الله علیه و آله وسلم– فرمود:« ان من البیان لسحرا». نمونه بارز این گونه خطیب و سخنور حضرت علی‌بن ابی‌طالب– علیه‌السلام– است که خود فرمود: «انّا لامراء الکلام».

نیسن اقلیم سخن را بهتر از من پادشا
در جهان، ملک سخنرانی مسلم شد مرا

اما شیخ حسینعلی راشد، این طلبهٔ تربتی که برای کسب علم و دانش و تحرّی حقیقت به شهرهای مختلف همچون اصفهان و شیراز تردد می‌کرد، درس‌های طولی طلبگی را از سیوطی و حاشیه گرفته تا رسائل و مکاسب وکفایه برای یک مرد مبلغ که در برابر نسلی جدید قرار گرفته، کافی نمی‌دانست. او می‌خواست به معلومات کهن و سرمایهٔ علمی سنّتی خود مطالب جدید را چاشنی بزند که «الـی کم تاکلون القدید وهاتونا بلحم طـری». از این روی، او که ملاصدرا را نزد یکی از افاضل مشهد همچون آقا بزرگ شهیدی فرا گرفته بود، درصدد شناختن فیلسوف و فیزیک‌دان معاصر آلبرت انیشتن برمی‌آید، تا آن دو را با هم مقایسه و تطبیق دهد و پلی میان شرق و غرب برقرار نماید.

راشد حشر و نشر با برخی از متجددان و یا غرب آموختگان پیدا کرده و آثار آنان را مطالعه می‌کند. وی در زمانی که مردم دو گروه گشته بودند، گروهی می گفتند: عقب‌ماندگی ما همه مرتبط با سنت‌گرایی ما است و غرب زمانی به پیشرفت علوم و فنون نائل آمد که خود را از آن بندکهن رها ساخت و گروهی دیگر که می گفتند به طور کلی باید از غرب و مظاهر آن کناره گیری کرد و به سنت سلف صالح روی آورد، راشد به مفاد:«دین‌الله بین الغلو والتقصیر» حد میانین را گرفت و در عین حال، آماج تیرهای دو طرف افراط و تفریط واقع شد. غرب‌زدگان و چپ‌گرایان زمان، او را مانع از رشد اندیشه‌ها و افکارشان در نسل جوان می‌دیدند و سنت‌گرایان و متعصبان مذهبی او را به نوعی تجرِّی و جسارت منسوب می‌داشتند و او خود را در موضع گفته شاعر، احساس می‌کرد که:

نه در مسجد گذارندم که رندی
نه در میخانه کاین خمّار خام است
میان مسجد و میخانه راهیست
غریبم، عاشقم، آن ره کدامست؟

راشد از علو همت و مناعت طبع و سلامت نفس به حد فراوان برخوردار بود.

در منابر، زبان به تمجید و تعریف بزرگان کشور نمی‌گشود، به گونه‌ای که وقتی دو تن از برادران شاه برای شرکت در عزاداری به مسجد شیخ‌عبدالحسین وارد شدند و جمعیت کنار در ورودی از جا برخاستند که آنان را به سوی صدر مجلس راه دهند، او با تندی خطاب به مردم گفت: بنشینید اینجا مسجد است و خانه خدا است و مردم همه در آن باید یکسان در برابر او خاضع وخاشع باشند، و سپس به این آیهٔ شریفه استشهاد کرد:«و عنت الوجوه للحی القیوم».

درویش و غنی بنده این خاک درند
آنان که غنی‌ترند محتاج‌ترند
ملیک علی عرش السماء مهیمن
لعزته تعنوالوجوه و تسجد

وی در زمان مرحوم دکتر مصدق با رأی طبیعی مردم به مجلس شورای ملی راه یافت و با یک درگیری لفظی با یکی از وکیلان ناموکل دریافت که آن‌جا جای او نیست و عطای مجلس را به لقایش بخشید.

اگر با سگ نخواهی جُست پرخاش
طمع بگسل زخون و گوشت‌مردار

راشد سالیان متمادی در برنامه شب‌های جمعه رادیو ایران به وعظ و تبلیغ دین و ارشاد و راهنمایی مردم می‌پرداخت. او در پیشبرد معنویت در جامعه ایرانی به ویژه در میان جوانان و دانشجویان سهم به سزایی داشت. گفته‌های او چون از دل برمی‌خاست، واقعاً بر دل‌ها می‌نشست. بسا جوانانی که به لبه پرتگاه انحراف و کج‌راهی رسیده بودند و با گرمی نفس او از تباهی و هلاک رهایی یافتند. او زیاد منبر نمی‌رفت و در مجالس ترحیم هم سخنرانی نمی‌نمود و بیشتر در ماه‌های محرم در مسجد شیخ عبدالحسین، معروف به مسجد ترک‌ها، و در برخی از منازل متدینین بازاری همچون منزل مرحوم سیدمحمد حسینیان در خیابان امیریه منبر می‌رفت و خلق کثیری را به آن‌جا می‌کشانید. منبرهای راشد بسیار منظم و مرتب و روش مند بود. او نخست به تحلیل و بررسی و تفسیر و گزارش آیه‌ای از قرآن کریم می‌پرداخت.

ادامه در صفحه ۳

رابطه بحرانی

نامه‌های هایدگر به همسرش/۱۴



گویی ما آغازی دوباره کرده‌ایم؛ آغازی که هر لحظهٔ زندگی را از نو بارور می‌کند. بارها از من می‌پرسی که: چرا این قدر ساکت هستم، این سکوت، از یک شادی عمیق و محترم است.شب بخیر، عزیز من! به یورگ کوچک سلام برسان. به زودی سرشار از خوشبختی و آفتاب زمستانی به نزد تو باز می‌گردم.

*

مارتین در کنستانس به ملاقات تئوفیل ریز می‌رود که به عنوان پزشک در بیمارستان کار می‌کند و عزادار همسر متوفای خویش است.

نازنین قلب من!

امروز از بودن زه، سلام‌های صمیمانه‌ای به مناسبت عیدپاک می‌فرستم. گرچه به نظر می‌رسد که عیدپاک آفتابی نشود، اما داخل خانه به همان اندازه روشن و پاک‌تر است.

بیشتر اوقات به هفته‌های گذشته فکر می‌کنم. از زمانی که هویج کوچولو آمده است، هر دوی ما در جهت خود، زندگی عمیق و پرقوتی داشتیم، اما امیدوارم که در تابستان بیشتر با یکدیگر صحبت کنیم و بتوانیم بیشتر «گپ» بزنیم. فضای فرهنگی ما حالا به قدری قوی است که از همین الآن دلم برایش تنگ شده. برای کار هم تنگ شده است. شاید در پی خستگی و ضعف، انتظار داشتم که محیط تازهٔ اطرافم جذابیت‌های جدیدی داشته باشد، اما تاکنون که انتظارم بیهوده بوده است. روز اول کمی کار کردم، اما روز بعد موفق به کار کردن نشدم. چیزی مزاحم من نیست، اما چیزی هم تکانم نمی‌دهد. به عبارتی اوقات خود را سپری می‌کنم، در حالی که برای کار خلاق، باید جریانی قوی وجود داشته باشد که بتوان از آن، همزمان درکی ناگهانی و پدیده شناسانه به وجود آورد.وقتی به ترم گذشته نگاه می‌کنم، متوجه می‌شوم که در چه فضای هماهنگی زندگی می کردم و آرزو دارم که این وضعیت درونی در ترم بعد در مقیاسی وسیع‌تر وجود داشته باشد. یاد گرفته‌ام که خود را در مشکلات واقعی، غرق کنم.

ادامه در صفحه ۳

دکتر محمد مصدق‌السلطنه به قلم مصدق

مدعی‌العمومی به نام «مشروطه»

از ورود شاه به طهران مدتی نگذشت که فرمانفرما از کرمان بـه طهران آمد و چون رقیب سیاسی او در طهران نبود، با عده‌ای از هواخواهان خود در دربار موجبات عزل صدراعظم را فراهم نمود و به جای صدراعظم که آن وقت در رأس امور قرار می‌گرفت ادارهٔ مملکت به عهده چهار وزیر محول گشت بدین قرار:

علیقلی‌خان مخبرالدوله وزیر داخله، فرمانفرما وزیر جنگ، حاج شیخ محسن‌خان مشیرالدوله وزیر خارجه، میرزا عبدالوهاب‌خان نظام‌الملک وزیر مالیه.

نظر به اینکه در آن رژیم هر شخصیت بزرگی از کار کنار می‌رفت، کسان و بستگان او هم بی‌کار می‌شدند میرزا فضل‌الله خان وکیل‌الملک منشی مخصوص شاه فرمان استیفای خراسان را که متصدی آن میرزافضل‌الله‌خان نوری منشی مخصوص صدراعظم بود، به اسم من صادر کرد.

در رژیم قدیم اعطای لقب و ارجاع خدمت، مقید به سن و سال نبود و بعد از فوت پدرم ـکه بش از دوازده سال نداشتم ـناصرالدین شاه به من لقب داد. چه بسیار از مشاغل که شاه در حیات رجال و یا در مماتشان برای قدردانی بـه اولاد آنها محول می‌نمود و چنانچه به واسطهٔ صغر سن نمی‌توانستند متصدی کار بشوند، پدر و در نبودن او شخص دیگری کفالت می‌کرد تا آنها بتوانند خود انجام وظیفه کنند. همچنانکه بعد از فوت میرزا یوسف صدراعظم میرزاحسن فرزندش که بیش از چند سال نداشت، به لقب مستوفی الممالک ملقب و به وزارت مالیه منصوب گردید و تا پدرم حیات داشت، از او کفالت می‌نمود.

دکتر محمد مصدق

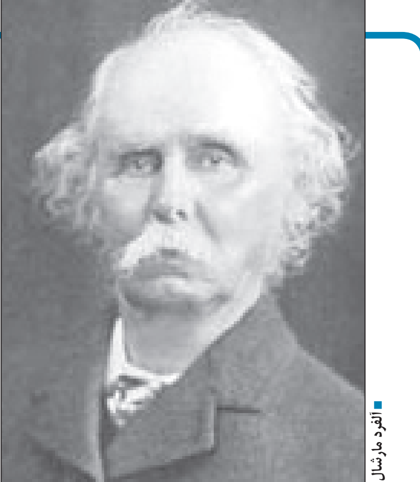
سررشته‌داری که سالها نزد مستوفیان سابق خراسان بود، نزد من آمد و چیزی نگذشت که خود مسلط به کار شدم. ولی هر قدر که در سال‌های اول از این کار راضی بودم بعد که دانستم معلومات دیگری هم هست که در مکتب خانه‌های روز نیاموخته‌ام، بسیار افسرده و درصدد بودم به آن معلومات پی ببرم.

بقیه در صفحات ٤و٥

فلک

دکتر شهسا

آلفرد مارشال و نظریه تعادل



آلفرد مارشال

جان هابسن در ۱۹۴۰ درگذشت. تامیز لندن در سوگنامهٔ او، مدبرانه و با احتیاط، هم از عقاید پیشگویانهٔ او به مناسبت یاد کرد و هم از فقدان شناخت عمومیش.

شناخت عمومی او کافی نبود. نامدارترین اقتصاددان دوران ویکتوریا کسی بود که هیچ شباهتی به هابسن نداشت. نامش آلفرد مارشال ۶۰ که هر قدر هابسن غیر استدلالی و اشراقی و افراطگرا و به اصطلاح ناموثق ۶۱ بود او مردی قابل ملاحظه، میانه‌رو و «رسمی» بود. اکنون جا دارد سفر خود را با بازگشت از مناطق پرابهام و سایه‌دار دنیای زیرزمینی به روشنایی عصر ویکتوریا به پایان بریم. اقتصاددانانی که در آن روشنایی به فعالیت برخاستند ممکن است دورنماهای مغشوشی را که در مقابل نظر آن روح‌های ماجراجو گسترده بود ندیده باشند، اما یک کار کردند که آن بدعتگذاران نکردند: آنها «علم اقتصاد» را به دنیای خود ـ و حتی به دنیای ما ـ آموختند.

با نظری به تصویر آلفردمارشال، او را به صورت معلمی کلیشه‌ای می‌بینیم: با سبیل و موهای سفید لطیف، چشمانی براق و مهربان ـ درست سیمایی پروفسوری. به هنگام مرگش در ۱۹۲۴، در مراسم احترامی که اقتصاددانان بزرگ در انگلستان برپا داشتند، یکی از استادان به نام ر. فی این تصویر ماندگار را از استاد عصر ویکتوریا در کنار او نهاد:

پیگو به من گفت برای مذاکره دربارهٔ موضوع پایان‌نامهٔ تحصیلی به دیدار او بروم. روزی بعدازظهر، به هنگام غروب، به بیلیول کرافت رفتم. در زدم. صدای او را شنیدم که گفت: «بیاتو، بیا تو.» از راهروی کوچکی عبور کردم و با او به طبقه بالا رفتم. پرسید: «آیا می‌دانی که چه باید کرد؟» گفتم «نه.» «درحالی که کتابچه‌ای را نشان می‌داد گفت «بسیار خوب، پس گوش کن»، و شروع کرد با صدای بلند به خواندن موضوع‌هایی که قبلا برای من در نظر گرفته بود تا من هر کدام را که پسندیدم دست خود را بلند کنم. بر اثر هیجانی که داشتم همان اولین موضوع را انتخاب کردم، اما مارشال به آن توجهی نکرد و به خواندن ادامه داد. در اواسط صفحهٔ بعد به موضوع «آخرین بحران مالی آلمان» رسید. چون سه ماههٔ تابستانی را در گرایفسوالد گذرانده بودم بدان موضوع علاقه نشان دادم. گفت: «این به هیچ‌وجه برای تو مناسب نیست.» پنج دقیقهٔ دیگر ساکت ماندم. همین که اسم «آرژانتین» به گوشم خورد باز به حرف آمدم و او درنگ کرد. تنها دلیلی که برای انتخاب آن داشتم این بود که دو نفر از عموهایم در آنجا به تجارت اشتغال داشتند. پرسید: «خودت هم در آنجا بودی؟» جواب دادم «نه.» و او به خواندن ادامه داد و چند دقیقه بعد مکث کرد و پرسید «آیا موضع مورد علاقه‌خود را پیدا کردی؟» گفتم: «نمی‌دانم.» او گفت: «هیچ‌وقت هیچ‌کس نمی‌داند، اما این روش من است. حالا چه می‌خواهی بکنی؟» نفس‌زنان گفتم: «مقایسهٔ کار آلمانی با کار انگلیسی.» (چون هوا کاملا تاریک شده بود) او فانوس کوچکی را که یک شستی الکتریکی داشت روشن کرد و در قفسه‌های کتابخانه‌اش به جستجو پرداخت و با یک بغل کتاب، در حدود سی جلد، به انگلیسی و آلمانی، از فون‌نوستیتس و کولمان بازگشت و گفت: «همهٔ اینها را در اختیار تو می‌گذارم که نگاهی بکنی. وقتی کارت تمام شد خبرکن سارا برایت چای بیاورد.»

این رفتار با ستیز و خشونت افریقایی که اسباب ناراحتی هابسن شد یا با سرو صدایی که سفته بازی آمریکایی به راه انداخت و زمینهٔ پرورش عقاید هنری جورج را فراهم آورد، فاصله زیادی دارد. مارشال، مانند معاصرش اجورث، فارغ‌التحصیل ممتاز دانشگاه بود. هرچند او به آمریکا سفر کرد و حتی در آنجا تا سانفرانسیسکو هم راه پیمود. زندگیش، دیدگاهش ـ و بناگزیر اقتصادش ـ از متانت و ظرافت جا افتاده کیمبریج نشانی داشت.

حال ببینیم واقعاً چه چیز تعلیم داد؟ یک کلمه می‌تواند اساس و لب تعلیم مارشال را خلاصه و معرفی کند: تعادل. درست برخلاف باستیا، که زبان‌بازی و سفسطهٔ نامعقول اقتصادی کشیده شده بود یا مانند هنری جورج که به بی‌عدالتی‌های زندگی در پوشش حمایت اقتصادی جلب شده بود یا چون هابسن که در پس جریان‌های غیرشخصی اقتصاد سرمایه‌داری مریخ را دیده بود، مارشال، قبل از هرچیز، علاقه داشت به میزان کردن و اصلاح طبیعت جهان اقتصادی بپردازد. چنانکه یکی از شاگردان ممتاز او، کینز بعدها نوشت او «یک نظام کامل کوپرنیکی ابداع کرد که در آن هر یک از عناصر جهان اقتصادی بر طبق اصل موازنه و عمل متقابل درست در جای خود قرار گرفت.»

حال ببینیم واقعاً چه چیز تعلیم داد؟ یک کلمه می‌تواند اساس و لب تعلیم مارشال را خلاصه و معرفی کند: تعادل

البته بیشتر این نظریه قبلا تعلیم داده شده بود. آدام اسمیت، ریکاردو و میل همه‌شان توضیح داده بودند که نظام بازار، با مکانیسم بسیار پیچیده و موثری، خودش خودش را تغذیه می‌کند. اما هنوز مابین دیدگاهی کلی با تجزیه و تحلیل دقیق جزئیات آن، زمینه‌های نامکشوف و مه‌آلودی وجود دارد: نظریهٔ موازنه بازار که به مارشال به ارث رسیده بود، از دور، بیش از آنکه از نزدیک می‌نمود، عظیم و با هیبت بود. حتی در مورد مسائل اساسی، مثلا آیا قیمت کالا واقعاً منعکس کنندهٔ هزینهٔ تولید آن است یا در نهایت مبین رضایت خاطری است که از آن کالا حاصل می‌شود، جای بحث و تردید بود. به عبارت دیگر آیا بهای گزاف الماس بدین علت است که سخت به دست می‌آید یا بدین سبب که مردم از استفادهٔ آن لذت می‌برند؟ شاید این سؤالات در بسیاری کسان تاثیری نگذارد اما قلب اقتصاددان از شنیدن آن به طپش می‌افتد و تا زمانی که چنین موضوع‌هایی در بوته الهام باقی بماند ممکن نخواهد بود درباره مسائلی که علم اقتصاد با آنها گلاویز است، به روشنی بیندیشیم.

این قبیل پرسش‌های گنگ و مبهم نظریه اقتصادی بود که تمام اوقات مارشال را به خود اختصاص داده بود. او در کتاب مشهور «اصول» خود، ذهنی به دقت ریاضی را با شیوه‌ای استدلالی و فراغت و حوصله بسیار درهم آمیخته و شاهد مثال‌هایی ساده و بی‌پیرایه و کاملا صریح و روشن آورده است. حتی یک بازرگان هم می‌توانست از این نوع اقتصاد سر دربیاورد زیرا تمام نکات منطقی دشوار، به طور کامل، در زیر صفحات شرح و توضیح داده شده بود. (بدین مناسبت کینز با بی‌حرمتی گفت که بهتر است هر اقتصاددانی زیرنویس‌ها را بخواند و متن را فراموش کند و نه برعکس.) به هر حال کتاب با توفیق شایان قرین شد. کتاب در اصل در ۱۸۹۰ انتشار یافته است اما هنوز هم مطالعه آن، به شاگردانی مشتاقند اقتصاددان بشوند، توصیه می‌شود.

حال ببینیم مارشال در روشن کردن پیچیدگی‌های ذهنی و تصوری علم اقتصاد چه کمک مهمی کرده است. بزرگترین کمک او ـ که خود مارشال هم بارها به آن اشاره دارد ـ اصرارش در اهمیت دادن به زمان است که آن را در جریان طرح‌ریزی و شکل‌گیری تعادل، عامل اصلی و ذاتی می‌دانست.

زیرا تعادل، آن‌سان که مارشال توصیف می‌کند، برحسب آنکه فرایند اقتصادی در کوتاه‌مدت یا در درازمدت صورت پذیرد، در اساس تغییر معنی می‌دهد. در کوتاه‌مدت خریداران و فروشندگان در بازار همدیگر را می‌بینند و چانه می‌زنند، اما در اصل، فرایند معامله درباره مقدار کالای ثابت و معینی جریان دارد ـ مانند معامله دربارهٔ الماس‌هایی که تاجران الماس آنها را در کیف‌های خود به همراه آورده‌اند. اما در معاملهٔ درازمدت مقدار الماس تعیین و تثبیت نشده است، هرگاه تقاضا زیاد باشد. معدن‌های تازه‌ای ممکن است گشوده شود و صورتی که عرضه از حد لزوم بگذرد معدن‌های قدیمی متروک می‌گردد. بنابراین در معامله کوتاه‌مدت تأثیر و کاربرد روانی الماس ـ یعنی تقاضای برای آن است ـ که در بازار قیمت آن تأثیر آنی می‌گذارد اما در درازمدت هرگاه سیر مجدد عرضه با تقاضاهای مشتری متناسب باشد هزینه تولید دوباره دست بالا را خواهد داشت. البته نه هزینه تولید و نه تأثیر روانی تقاضا را نمی‌توان یکباره در تعیین قیمت نهایی کنار گذاشت. عرضه و تقاضا، به تعبیر خود مارشال، شبیه «تیغه‌های قیچی» است. این سوال که عرضه به تنهایی قیمت را تعیین می‌کند یا تقاضا، شبیه این است که پرسیده شود برش را تیغه بالایی قیچی انجام داده است یا تیغه پایینی. اما با آنکه هر دو تیغه در کار برش دخیل هستند، یکی از آن دو، این طور بگوییم، فعال است و آن دیگری پذیرا. وقتی برش در زمانی کوتاه در بازار روی می‌دهد تیغه فعال تیغه روانی تقاضاست و هرگاه برش در طول زمان انجام پذیرد که در آن مدت کفه‌های طرح و تهیه فرآورده در معرض تغییر است، آن وقت تیغه هزینه تولید فعال خواهد بود.

این برداشت هم، مثل هرچه مارشال با مغز تحلیلگر خود بدان پرداخت، بینشی روشنگرانه بود. کتاب اصول مارشال نه تنها در مسائل نظری، بلکه از جهات دیگر هم پرتو افشانی کرد. او را نه تنها یکی از ظریف‌ترین روشنفکران دنیای «رسمی» اقتصاد می‌شناسیم، که روشنفکری غمخوار و دلسوز هم بود. نگرانی و دلسوزی عمیقی که از گردش در ناحیه فقیرنشین لندن، نسبت به کارگران بینوا و «آدم‌های بدبخت و بیچاره‌ای که از ترس خم و راست می‌شوند و چاپلوسی می‌کنند» ابراز و یادداشت کرده، در اقتصاد وسیله‌ای شد برای اقدام در بهبود اجتماعی ـ همه این مطالب در کتابش بخوبی درهم بافته شده است. علم اقتصاد به نظر او عبارت بود از «ماشینی برای کشف حقیقت»، اما حقیقت خاصی که او ماشین را به سویش می‌راند، علت فقر بود ـ و درمان آن. پس چرا او در تاریخ افکار اقتصادی، آن‌سان که استعداد و شایستگی‌اش اقتضا می‌کند قدر و اهمیت نیافته است؟ جالب است که...

ادامه دارد

عالم و آدم به روایت یغمایی / سیدضیاء

مرحوم یغمایی

مخبر روزنامهٔ رعدم / آگه از حال یوسف وعدم

این بیت مرا لو داد و به زحمت افتادم و تعقیبم کردند. چون از ژاندارمری بد نوشته بودم. اما سید ضیاءالدین سخت مرا حمایت کرد. بعد از آنکه به تهران آمدم از طرفداران جدی سید ضیاء بودم. در این اواخر که از فلسطین به تهران برگشت غالباً به منزل ما می‌آمد و دوستی ما فزونی گرفت. روزی در مجلس سنا به هویدا گفتم کتابی از پدرت دارم که در روزنامهٔ رعد قبلاً چاپ شده و می‌خواهم انتشار دهم، اظهار امتنان کرد. من این کتاب «یوسف و دعد» را چاپ کردم.

خلاصه اینکه تا آخر عمر سید ضیاء با هم دوست بودیم تا مرحوم شد. یک رباعی در تاریخ مرگ او گفتم بدین مضمون:

افسوس ضیاءدین زما روی نهفت / از دار فنا برفت و در خاک بخفت
تاریخ وفاتش از خرد پرسیدم / در پاسخ من موت ضیاء الدین گفت

مرحوم سیدضیاء الدین به مجلهٔ یغما لطفی خاص داشت و مقالاتی هم از او در مجلهٔ یغما درج است. سید ضیاء الدین معلوماتی عمیق داشت. در این اواخر زراعت هم می‌کرد. در مجلس او به جای چای نعنا می‌دادند. وکیل مجلس هم شد. مدتی در کابینهٔ قوام‌السلطنه به حبس افتاد و پس از مدتی مرد و عاقبت انسان مرگ است. سیدضیاء به انگلیس‌ها معتقد بود و به یاری آنان به ریاست وزرا رسید در سی و دو سالگی، اصلاحاتی هم در مملکت کرد که از آن جمله برق تهران بود و کارهایش ناتمام ماند.

زندگی

آرش تبریزی

شمارش اسکناس در کلاس

در سالی که از ششم پریده بودم و به هفتم رسیده بودم، در یک خوش‌شانسی آشکار کتابهای درسی مدارسی همچون ما به مشکل برخورد. درروز روشن گفتند: کتاب درسی وجود ندارد. یک ماه از آغاز سال تحصیلی گذشته بود ولی من رنگ کتاب را ندیده بودم. عدّه‌ای از مردودی‌ها ـ که دو ساله خوانده می‌شدند ـ کتاب داشتند. از سال قبل کتابهایشان برایشان مانده بود ولی بقیه کتابی نداشتند. درواقع برای رسیدن به کتاب باید دو ساله می‌شدیم. سر ماه سوم مقداری از کتابها رسید و ما هم کتابدار شدیم. تا کتابها را گرفتیم، دست به کار شدیم و برای اینکه تمیز بمانند و پاره نشوند، جلدشان می‌کردیم. هنوز چند کتاب را نداشتیم که یکی از آنها جغرافیا بود. اتابکی هر روز می‌آمد و بقول خودش درس می‌داد و می‌رفت ولی اقلاً من یکی نمی‌دانستم او چه می‌گوید. عده‌ای که کتاب داشتند لابد می‌فهمیدند سخن بر سر چیست! مدتی گذشت: ثلث اول رسید ولی من هنوز کتاب جغرافی نداشتم. طبیعی بود که تجدید شوم. این تجدید در ثلث دوم هم تکرار شد و در ثلث سوم هم همینطور و در نهایت رفوزه‌ام کرد. به همین راحتی! اگر باور نمی‌کنید از آقای اتابکی بپرسید.

پدرم عملاً در تیم و گروه کسانی بود که من به دست آنها نابود می‌شدم. او در زیر پرچم کسانی رژه می‌رفت که باعث و بانی رشد و موفقیت پسرش بودند

من آنقدر راحت مردود شدم و یک سال عقب افتادم که باورم نمی‌شود. جرمم این بود که آموزش و پرورش تمایل نداشت کتاب‌های درسی را سر وقت توزیع کند. این طرف‌تر هم مردی بود که می‌دانست چگونه بدبختی را بیچاره کند. در آن سال ما از نعمت معلمی به نام افتخاری هم بهره‌مند بودیم که ریاضی درس می‌داد و چه درسی! مرد قد کوتاه ـ ولی شیک‌پوش و خوش‌تیپ ـ تقریباً نصف سال را از اول زنگ در آخر کلاس قدم‌رو می‌رفت. کفش‌هایی داشت براق که با هر قدمش صدا می‌داد و صدا در کلاس می‌پیچید و به شنیدن آن عادت کرده بودم. خودم را می‌گویم. یکی دیگر از کارهای او این بود که هر وقت حقوق می‌گرفت، آن را می‌آورد در کلاس می‌شمرد. حقوقش آنگونه که من در کلاس ریاضی حساب و کتاب کردم و درست هم بود، ۵ بسته ۵۰ تومانی بود که اگر هر بسته ۵۰ تومانی ۱۰۰ قطعه اسکناس بود، می‌شد ۲۵ هزار تومان! این کل آنچیزی است که من از کلاس اقای افتخاری دیدم و شنیدم و آموختم و هنوز هم بلدم و هیچ وقت یادم نمی‌رود و نخواهد رفت! همین!

آقای افتخاری که بیش از ۲۰ سال سابقه تدریس به اجامر و اوباش ـ به قول خودش ـ داشت و آنگونه که می‌گفت خیلی‌ها را آدم کرده بود. براساس تجربیاتش به این نتیجه رسیده بود که به صورتی که گفتم درس بدهد یعنی افتخار تدریس ندهد. فکر می‌کنم او اگر استاد قدم‌رو می‌شد، همه ما فول پروفسور می‌شدیم ولی اساساً اعتقادی به اینکه ریاضی درس بدهد تا دانش‌آموزان ریاضی بیاموزند نداشت. احتمال می‌دهم ریاضی را بی‌فایده می‌دانست! شاید پیش خودش فکر می‌کرد: من ریاضی آموخته‌ام چه کار کرده‌ام که حالا این زبان‌نفهم‌ها بیاموزند؟ پس همان بهتر که از اساس ندانند و خیالشان راحت باشد. اگر واقعاً مبنایش همین بود، راه درستی را برای عملی کردن مبنایش پیدا کرده بود و درست هم عمل می‌کرد، اما خوشمزه اینجاست که من در این درس نمره آوردم و به اصطلاح امروزیها آن را پاس کردم ولی در جعرافی ناکام ماندم. اصلاً نمی‌دانم چطور می‌توان در جغرافی نمره نیاورد و به دست جغرافی مردود شد و یک سال عقب ماند! تا آن روز نشنیده بودم که کسی فقط با تک ماده جغرافی رفوزه شود. بعد از آن هم نشنیدم و فکر می‌کنم تا قیامت هم چنین چیزی را نخواهم شنید ولی به یمن مردی که معلم آن درس بود، این افتخار نصیب من شد و لابد بودند کسانی که چنین مدال افتخاری را به گردن آویختند و یک سال دیگر آن درس را خواندند و تازه فهمیدند جغرافی چگونه درسی است.

در یک کلام مردود شدن من، ناصر ایرانی در کلاس اول راهنمایی، کلاسی که با پریدن از ششم به آن رسیده بودم، آن هم تنها با یک تجدید آن هم نه ریاضی و دیگر درس‌های مشکل بلکه فقط جغرافی ـ جزو عجایب عالم امکان است، اما به خودی خود شاهدی است زنده از بی‌تقصیری من و نابسامانی اوضاع و احوال. تا روزی وجود دارد و روزگاری، این شاهد زنده همچون سندی تابان نشان خواهد داد که چگونه همه چیز دست در دست هم داده بود تا گوش مرا بپیچاند. شگفت‌آور است که در میان آن همه گوش برای پیچانده شدن و حتی برای بریده شدن، گوش کسی داشت پیچانده می‌شد که به خودی خود زمین خوردهٔ خدایی بود. گوش کسی داشت بریده می‌شد که نه سری داشت و نه صدایی. نه ادعایی داشت نه آوازی. نه دمی داشت نه پایی. نه شاخی داشت نه بالی. گوش من کشیده شد و پیچانده شد.

دست بدشانسی از آستین شرایط و بخصوص آستین چند شخصیت فرهیخته و فرهنگی خارج شده بود تا پس از تحمیل آسیب‌هایی جدی بر روح و روان و موجودیتم، آهنگ بیرونی زندگی‌ام را هم متشنج کند و پدرم این موضوع را نمی‌فهمید. او عملاً در تیم و گروه کسانی بود که من به دست آنها نابود می‌شدم. او در زیر پرچم کسانی رژه می‌رفت که باعث و بانی رشد و موفقیت پسرش بودند.

پرده‌داران

احمد یاوری

بدیع ـ ظهوری
مردان سینمای ایران/۱

هم‌زمان با نمایش فیلم در نقد بدون امضایی درباره فیلم نوشتند: «آن‌چه بیش از هر چیز در ولگرد جلب‌نظر می‌کند روشنی فیلم و عکس‌برداری آن بود. باید گفت که زحمات آقای بدیع در این راه بی‌نتیجه نمانده است. چند حقه سینمایی هم در این فیلم به کار برده شده که با آن‌که ابتدایی است خوب درست شده است.» و تروآل گیلانی ـ که یکی از نخستین کتاب‌های فنی سینمای ایران را تالیف کرده ـ برای خوانندگان یکی از مجله‌های سینمایی توضیح داد که سه حقه فیلم ولگرد چگونه تهیه شده است. او توضیح داد که چگونه بازیگر زن فیلم در آسمان صعود می‌کند، و در «بک گراند» تصویر متن آبی آسمان و ستاره‌ها دیده می‌شود.

آخرین شب فیلم دیگری بود که مهندس بدیع در ۱۳۳۳ به کارگردانی حسین دانشور تهیه کرد. آخرین شب از جنبه‌های تکنیکی مزیت‌هایی بر فیلم‌هایی داشت که در آن سال ها ساخته می‌شد، و از این بابت مورد ارزیابی قرار گرفت: «تکنیک فیلم‌برداری آخرین شب را باید یکی از پیشرفته‌ترین فیلم‌های فارسی بدانیم. کار مهندس بدیع اگر بی‌نقص نباشد لااقل این حسن را دارد که معایبش نسبت به دیگران کم‌تر است؛ ظهور، چاپ و نور عمومی صحنه‌ها بسیار خوب و به دقت انجام گرفته و فیلم‌بردار منتهای ذوق و کوشش خود را، با امکاناتی که در اختیار داشته، به کار برده که فیلم لااقل از این حیث کم نقص باشد. صدابرداری نیز نسبت به فیلم‌های فارسی نشان داده شده به مراتب بهتر انجام گرفته و کلمات هنرپیشگان تقریباً بدون استثنا مفهوم است.» محسن بدیع، به تدریج، آن‌قدر در کارش تبحر یافت که همراه موشق سروری و ساموئل خاچیکیان «تروکاژ»های شب‌نشینی در جهنم (۱۳۳۶) را فراتر از ظرفیت‌های سینمای ایران انجام داد. ستاره‌ای چشمک زد (۱۳۴۲) آخرین فیلم بدیع است، که مایه فانتزی و خیالی آن به او امکان ذوق‌ورزی داد. بدیع تا آخرین سال‌های زندگی‌اش در امور لابراتوار فیلم در استودیو بدیع (۱۳۳۶)، که در اواخر دهه ۱۳۴۰ به مرکز خدمات صنایع فیلم ایران تغییر نام داد، فعال بود.

تقی ظهوری

تقی ظهوری باتمام انتقاد هایی که به او شده است ۷۹ سال عمر کرد. او با آغاز دور جدید فیلم‌سازی در ایران (۱۳۲۷) به عنوان بازیگر در سینما فعال بود و تا سال ۱۳۴۹، که از حضور در سینما کناره‌گیری کرد، در ۸۹ فیلم به ایفای نقش پرداخت.

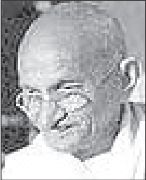
ظهوری فارغ‌التحصیل دوره اول هنرستان هنرپیشگی تهران (۱۳۱۸) است. او از سال ۱۳۱۵ در تماشاخانه‌های تهران فعال بود. در نمایش‌های بهلول، خسیس، مشهدی عباد، یوسف و زلیخا، اشک‌های عشق، قسمت و دزدناشی بازی کرده است. در تئاتر هم دوره علی اصغر گرمسیری، دکتر مهدی نامدار، نعمت‌الله مسیری، سیدعلی نصر، عبدالحسین نوشین، فضل‌الله بایگان، زلیخا جهانبخش، غلام‌حسین مفید، صادق بهرامی، رفیع حالتی، بدری هورفر، عصمت صفوی، احمد دهقان، بانو پرخیده، جمشید شیبانی، مجید محسنی و هوشنگ سارنگ بود.

ظهوری از سال ۱۳۳۱ در کار دوبله فیلم و از ۱۳۳۵ در رادیو فعالیت کرد. نخستین فیلمش را با نام واریته بهار در سال ۱۳۲۸ برای پرویز خطیبی بازی کرد. تقی ظهوری در دو نوع نقش حضور نظرگیری داشت: یکی نقش وردست شوخ و شنگ قهرمان فیلم، که جلوه این نقش در گنج قارون (سیامک یاسمی، ۱۳۴۴)، موطلایی شهر ما (عباس شباویز، ۱۳۴۴)، جهان پهلوان (اسماعیل ریاحی، ۱۳۴۵)، دالاهو (سیامک یاسمی، ۱۳۴۶)، شکوه جوانمردی (اسماعیل ریاحی، ۱۳۴۶)، مردی از جنوب شهر (صابر رهبر، ۱۳۴۹) و مانند این‌ها بارزتر است.

در راه هندوستان

مهاتما گاندی به روایت گاندی/۱۳

سختی‌ها...


■ گاندی

ـ هر کار دلتان می‌خواهد بکنید. من که به میل خود بیرون نخواهم رفت.

افسر پلیس آمد. یک دستم را گرفت و از کوپه بیرونم انداخت. اسـباب‌هایم را هم بیرون ریختند. از رفتن به واگن باری امتناع ورزیدم و در همین وقت ترن راه افتاد.

به اتاق انتظار رفتم و همان‌جا نشستم. کیف دستی‌ام با خودم بود و بقیه اثاثیه در راهرو. مأمورین قطار آن را ضبط کرده بودند.

زمسـتان بود. زمستان در نواحی مرتفع افریقای جنوبی بی‌اندازه سـرد اسـت. ماریتسـبرگ هم در ارتفاع زیاد قرار داشـت، سرمای زمسـتانش تا مغز اسـتخوان انسـان را به لرزه در می‌آورد. پالتویم در جامـه‌دان بـود. اما از تـرس این که مبادا دوبـاره توهینم کنند جرأت تقاضای دریافت آن را نداشتم. همانطور نشستم و بیدبید لرزیدم. این اتاق بزرگ چراغ هم نداشـت. حوالی نیم‌شـب مسـافری نزدم آمد و می‌خواست باب مکالمه بار کند ولی آن وقت شب کی حوصله حرف زدن را داشـت!به فکر وظیفه‌ام افتادم. برای حقوق خود مبارزه کنم؟ بـه هند برگردم؟ یا بدون اعتنا بـه این توهین‌ها به پرتوریا روم و پس از اتمام کار پرونده در دادگسـتری به هند برگردم؟ بازگشـت قبل از انجام تعهدات عملی مبتنی بر جبن و زبونی اسـت. به خود گفتم این سـختی‌ها سـطحی و کم‌عمق و نشانه زخمی عمیق است که به علت تبعیضات نژادی و امتیازات نسلی به وجود آمده. من باید بکوشم تا در صورت امکان این مرض خانمانسوز را از بین ببرم ناچارم سختی‌ها و مصائبی را در جریان کار متحمل شوم. برای رفع اشتباهات و کارهای غلطی که صورت می‌گیرد باید تا میزانی کار کنم که حب و بغض‌های حاصله از اختلاف رنگ مرتفع گردد.

بنابرایـن تصمیم گرفتم با اولین قطار بـه طرف پرتوریا حرکت کنم.صبح روز بعد تلگرام مفصلی برای مدیرکل راه‌آهن فرسـتادم. آقا عبدالله را نیز از جریان مطلع ساختم که فورا به ملاقات مدیرکل رفت. مدیـرکل حـق را به مأموران قطار داد ولی به آقا عبدالله گفت به رئیس ایستگاه دستور داده مرا به سلامت به مقصد برساند. آقا عبدالله به تجار هندی در ماریتسبرگ و دوستانش در سایر نقاط چند تلگراف مخابره کرد که از من اسـتقبال و پذیرائی کنند. بازرگانان به اسـتقبال می‌آمدند و سـعی می‌کردند با ذکر حوادثی که برای خودشـان در همین زمینه روی داده بود از اوقات تلخی و ناراحتی‌ام بکاهند.

نماینده سرویس برای ابطال بلیت دنبال بهانه می‌گشت. زیرا به محض این که دریافت غریبه هستم گفت : بلیتتان باطل شده

آن‌ها می‌گفتند آن‌چه برای من روی داده چیز غیرمعمولی نیسـت و هندی‌هائـی که با واگن درجه یک و دو سـفر می‌کنند از مأموران قطار و مسافرین سفیدپوست نباید انتظاری جز این داشـته باشند. آن روز به این طریـق به شـنیدن داسـتانهای غم‌افزا و محنت‌بار سـپری گشت. قطار شـب رسید. برای من یک جا نگهداشته بودند. در این جا، یعنی در ماریتسـبرگ، بلیت تختخوابی را کـه در دوربان از ابتیاعش امتناع ورزیدم خریداری کردم.این ترن مرا به چارلستون برد.

ترن صبح به چارلسـتون رسـید. در آن روزهـا بین این محل و ژوهانسـبورک خط آهن نبود. باید با کالسـکه به آن شهر می‌رفتیم که شب را سر راه در «استاندرتون» می‌ماند. برای مسافرت با کالسکه بلیتی تهیه کرده بودم که به علت توقف یک روزه در ماریتسبرگ باطل نشده بود. آقاعبدالله نیز تلگرافی به دفتر سرویس مسافربری در چارلستون مخابره کرده بود.

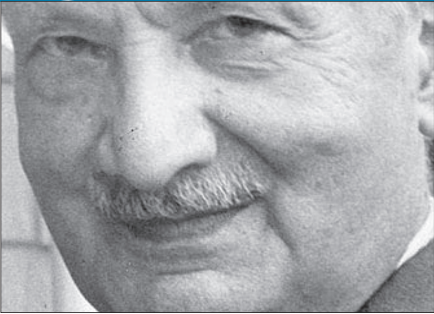
اما نماینده سـرویس برای ابطال بلیت دنبال بهانه می‌گشـت. زیرا به محض این که دریافت غریبه هسـتم گفت : بلیتتان باطل شده، جواب کافی دادم. دلیل اشکال‌تراشـی‌های وی در حقیقت نبودن جا و وسـیله اسـتراحت نبود. بلکه اصلاً فکر دیگری به سـر داشـت. به این معنی که سـرویس مسـافربری باید صاحب بلیت را در داخل کالسکه جا می‌داد. چون من خارجی و به قول خودشان جزء «عمله»ها بودم رئیس خط فکر کرد اگر مسـافر سفیدپوستی در کالسکه باشد ناراحت می‌شود و ممکن اسـت اعتراض کند. طرفین خارج کالسـکه جای خالی وجود داشت که رئیـس خط معمولا خودش در یکـی از آن‌ها قرار می‌گرفت. آن روز خود او داخل کالسـکه نشسـت و جای خود را به من داد. می‌دانسـتم این اقدام ظلم محض و فحشی سخت است. اما هرچه بود به روی مبارک نیاوردم. نمی‌توانسـتم خودم را به زور داخل کالسـکه اندازم و اگـر اعتراضی می‌کردم بعید نبود کالسـکه راه افتد و مرا پست سـر گذارد. جاماندن هم مفهومی جز اتلاف یک روز دیگر نداشـت. تازه فقط خدا می‌دانسـت که اگر صبر می‌کردم فردا چه مصیبت تازه‌تری گریبان‌گیرم می‌شـد. با این که در قلب و فکر ناراحتی زیاد داشـتم، هر طور بود کنار سورچی نشستم.

کالسـکه در حدود ساعت سه به «پاردکف» رسـید. رئیس خط خوش کرد جای من بنشـیند، سیگاری بکشد و احیاناً هوای تازه استنشاق کند. یک تکه گونی کثیف از کالسکه‌چی گرفت. آن را جلوی پای او پهن کرد و بعد خطاب به من گفت «اوی، سامی، من می‌خواهم پهلوی راننده بنشینم. تو برو روی گونی بنشین.» این توهین بیش از آن بود که بتوانم تحمل کنم.

ادامه دارد

علیرضا ملایی

فکر



نامه‌های هایدگر به همسرش-۴

رابطهٔ بحرانی

ادامه از صفحه اول

ایـن وظیفهٔ بزرگی اسـت که مشـکلات واقعی را مرکز ثقل و موضوع اصلی درس‌ها کنم و از طریق تحلیل،ارتباطات رامشـخص نمایـم. ناگهـان باز هم خـود را در حال طراحی و برنامه‌ریـزی غافلگیـر می‌کنم. دیروز با باقی‌ماندهٔ فلسـفهٔ ریکرت در خود، سـعی به کار مجدد روی آثار ریکرت کردم که موضوعی برای کالج اسـت، اما اصلاً نتوانسـتم به خواندن آن ادامه دهم. گویی دشـمنی درونی علیه این طرز فکر والا و سودمند و در عین حال غیر روشمند وجود دارد. به همین دلیل حالا در سخنرانی به دنبال تکامل تحصلی مسئله خواهم رفت و جر و بحث منتقدانه را کنار خواهم گذاشت. حالا بیشتر درک می‌کنم که چرا هنگام مباحث انتقادی با دیگران، صرف وقت و نیرو تا این اندازه برای هوسرل مشکل است. حوزهٔ مشکلات به قدری وسیع است که در واقع یک لحظه هم نباید هدر شود.

امیدوارم که طی روزهای آتی کار خود را آغاز کنم. سعی می‌کنـم از طریق مطالعه خود را به کار ترغیب کنم، ولی حس می‌کنم آرامش و آمادگی لازم را ندارم. در عین حال دائم تمایل به مطالعهٔ چیزهای پرارزش دارم، چون می‌دانم که مشـکلات پیـش آمـده نباید مرا وادار به عقب‌نشـینی کننـد و من در هر صورت باید کاری را که آغاز کرده‌ام، رها کنم، زیرا مشکلات کنونی در وضعیت‌های مشابه مرا جذب می‌کنند.

در خانـهٔ تئوفیل چـاپ جدید مکتوبـات اکارت (دیده ریش) را دیدم که کاملاً اساسـی ترکار شده‌اند. البته جز مقدمهٔ بی‌ارزش آن! راسـتی آیا می‌دانی که آدام پتری، ۱۵۲۱ موعظه از تائولر و همچنین موعظه‌های اکارت را برای اولین مرتبه در بازل منتشر کرده است؟

تئوفیـل چند مقاله عرفانـی در اینجا دارد. این جنبش در اینجا توسـط یک کشیش پروتسـتان به شدت گسترش یافته است. من تمام اینها را یک خطر بزرگ و همزمان هشداری به کلیسـا برای بازگشـت مجدد به اصل زندگی می‌دانم. در حال حاضـر من و تئوفیـل در مورد پرلود (پیش درآمد) ویندل باند بحث می‌کنیم. به تدریج بیشتر متوجه می‌شوم که سر و ته همهٔ فلسفهٔ جهان‌بینی با کلمات پوچ خود چقدر ضعیف است. در جایی که فلسفه دانش مطلق است، برای محققین مبدل به یک تجربه می‌شـود، برای یک زندگی شـخصی و فقط زمانی که تمام معنا، برای آفرینش زندگی به کار گرفته و مبدل به واقعیت می‌شـود، واقعاً معنا می‌شـود. این را در محیط اطراف تئوفیل هم مشاهده می‌کنم. فقط کسی که مانند او قابلیت داشته باشد، می‌تواند تأثیرگذار شـود، ولی ظاهراً اکثریت فقط کار خود را بلد هستند.

حالا باید نزد دهقان کوچک بروم؛ فقط حیف که عکسی از او نـدارم، گرچه خرگوش عیدپـاک هم به خانهٔ کوچکش می‌آید، شادی درونی و زندگی سادهٔ او ما را شدیداً تحت تاثیر قرار داده است و هر بار با قلبی تپنده خانه‌اش را ترک می‌کنیم. دلم برای هر دوی شـما بسـیار تنگ شده است، این تنهایی که زمین حاصل خیزی برای کارهای تحقیقی است، فقط به معنای نداشـتن مزاحم نیست، بلکه در واقع رفتن و توانایی بازگشت به «محیطی» غنی اسـت. با یکدیگر شاد باشید! پدر کوچک به هر دو شما سلام می‌رساند.

هایدگر در حال کار روی یک سـخنرانی در مورد فلسفهٔ ارزش اسـت و با تئوفیل برای گردش به جزیرهٔ رایشـنائو یا اوبرلینگن می‌رود.

اواسط اوت مارتین به ملاقات هوسرل در برنائو و اواخر همان ماه دوباره به کنسـتانس مـی‌رود. در آنجا با خانوادهٔ فتر ملاقات می‌کند که با او خویشاوندی دارند. در ضمن به شدت کار می‌کند. در ۳۰ اوت می‌نویسـد: میل دارم مفصل در مورد کارم بنویسـم. حس تو در یک مورد درسـت بود: اینکه طی هفته‌های گذشـته با این مشـکل، در درون و خیلی جدی سر و کله می‌زنم، بخصوص که هوسـرل، نه مسـتقیماً بازدارنده و طوری که آسـیبی به استقلال وارد آید، چیزهای تازه را مطرح می‌کند. دانش فلسـفی از طریق هوسرل به من منتقل می‌شود. همان‌طور که پیشـترها هم یک بار به درسـتی گوشـزد کرده بودی، مطمئناً من افق و مشـکلاتی وسـیع‌تر از هوسرل دارم،

اما انسـان در سی سـالگی هنوز پیر نیست و گاهی حتی فقط در مسـائل خصوصی پا را از حد خود فراتر می‌نهد. هوسـرل با وجود کهولت، در این مورد نظم دهنده اسـت. با این احوال تصمیـم بـه همکاری با او گرفته‌ام، از یک طرف چون در علم، شخصی‌ترین چیزها فقط در از خود گذشتگی واقعی و طراحی موضوع نمایان می‌شود، و بعد به دلایل ملاحظات حساب‌شده که قرار گرفتن با هوسرل در صفحهٔ اول یک کتاب، برایم ارزش داشـت، چه در دایرهٔ محدود دانشـگاهیان فرایبورگ و چه در علم ادبیات. نگران ثبات و امنیت در راه پیشـرفت خود نیستم. این نیروها به طرز اسرارآمیزی ناخودآگاه کار و رشد می‌کنند. مشـکلات پدیده‌شناسی مذهبی من، ماه به ماه حل می‌شوند و من درسم را طوری تنظیم می‌کنم که در درون با آنها در ارتباط بمانم و درس مشخصی از آنها بگیرم.

این احساس قوی را دارم که طی هفته‌های آتی خیلی عالی

رابطه با الفریده بحرانی است. مارتین در اول سپتامبر از کنستانس می‌نویسد: امروز صبح نامه‌ات رسید و من...

کار خواهم کرد. قابلیت تولید طوری است که به سختی قادر به کنترل آن هستم و باید همواره بنویسم و ثبت کنم.

*

رابطه با الفریده بحرانی اسـت. مارتین در اول سپتامبر از کنستانس می‌نویسد:

امروز صبح نامه‌ات رسـید و من از پیش می‌دانسـتم که چه نوشته‌ای. زیاده‌گویی و تشریح فایده‌ای ندارد. همین کافی است که تو آن را با لحن ساده و قاطع خود به من گفتی. گرچه «دودوزه بازی» تو را درک نمی‌کنم و هیچ میل ندارم که در این مورد روان‌شناسانه برخورد کنم، نه به دلیل بی‌تفاوتی، بلکه به این دلیل که میل دارم تو را همان‌طور داشته باشم که می‌توانم. مدت‌هاست که می‌دانم فریدل تو را دوست دارد. سؤال در این مورد به نظرم زیادی تنگ‌نظرانه بود. البته متعجب شـدم که تو چرا زودتر با من صحبت نکردی. به لحاظ شـخصیتی هم این گونه بود که فریدل خود را از طریق من محدود شـده می‌دید. بنابر این کاملاً طبیعی است که مرا موجودی ناشی و بی‌تجربه با افقی محدود بداند که یک دنباله‌رو اسـت. اگر کوچک‌ترین گله‌ای از او داشته باشیم، ساده‌لوحی است و نیزوی مرا به هدر می‌دهد. برعکس، من کوشـش بسیار برای مهرورزی و انگیزه دادن بـه او دارم. گرچـه گاهی این پرسـتاری خدمتکار گونهٔ روحی برایم سـاده نیسـت، بخصوص که با تأثیر متقابل و هم سطح (معنوی) هم روبه‌رو نمی‌شوم. وقتی آدم‌های بی‌اهمیت موجب انگیزه بخشـیدن می‌شـوند، به خود لطف کرده‌اند و افرادی که انگیزه گرفته‌اند هم همین برداشـت را دارند و آدم، حالت زن مهربانی را می‌یابد که سبزی خاصی را به بازار می‌برد کـه در جای دیگـر نمی‌توان آن را یافت. در اینجا به مشـکل معاشـرت می‌رسـم که در این روزها فکر مرا به خود مشغول کرده است، زیرا با افراد جدیدی آشنا شده‌ام. و متوجه می‌شوم: آنها در واقع برایم بی‌تفاوت هستند، از کنارم عبور می‌کنند، مثل اینکه از کنار پنجره رد شده‌اند. آدم به آنها می‌نگرد شاید زمانی هم مجدداً آنها را به خاطر بیاورد.

*

دیروز ظهر من و تئوفیل به رایشنائو رفتیم، یک قایق کرایه کردیم و به طرف خلیج کوچک پارو زدیم. در آنجا شنا کردیم و بعد هم خوابیدیم. روزهای زیبای سال ۱۹۱۶ رایشنائو را دوباره تجربه می‌کنم. شـب‌ها روی قایق، گردش‌ها در خلیج‌هایی که یکشـنبه‌ها در آنها آثار مَیسـتر اکهارت را می‌خواندیم، سفر به کنستانس، حلقهٔ کوچک در دریا، ... به این ترتیب دوری عادی زندگی، مبدل به نزدیکی مطلق می‌شود و در چشم‌انداز آن فقط آخرین چیزها پدیدار می‌گردند، حتی آخرین و شخصی‌ترین چیزهـا و «خـود» تو ـ که تا ابد خـود را با آن آمیخته می‌دانم و خود را مطلق کردن که در شکل نهایی خود با آن همراه می‌شود، تا حدی که عینی‌ترین خلق کردن‌ها که شـخصی‌ترین چیزها درسـت در آن می‌زیـد. در حال حاضر آگاهـی به اینکه تو را درک می‌کنم و به تو اطمینان دارم، موجب پیشـرفت و آرامش تو می‌شود و وقتی از من خواستی که دیگر در این مورد صحبت نکنم، واقعاً این را حس کردی، تمام اینها را برای حرکت بزرگ زناشویی خود بگذاریم و آنها را ببینیم و همه چیز را مثبت ببینیم حتی اگر بدانیم که مواهبی که شایستگی آنها را نداریم و حق ما نیستند که شاید هرگز خود ما اینها را به طور اتفاقی نمی‌گیریم، بلکه همراه با رنج عظیم خلق کردن و از خود گذشـتن،آنها را دور شـده از خود می‌بینیم. بزرگ‌ترین دعوت برای وظیفه‌ای پیش از موعد، همیشه همراه با تنهایی خواهد بود و این جزئی از ماهیت آن است که دیگران چیزی ندانند. برعکس، فرد تنها را غنی، محترم و محبوب بدانند ـ فرد مورد توجه و سخنور را درک کنند و بعد وقتی از جانب او تحقیری بی‌اندازه (کنار زدن به معنای واقعی) می‌بینند، متعجب شوند. خوشحالم که به لحاظ درونی آرام و شـفاف شـده‌ای. به تو و عشق تو به اندازهٔ عشق خود به تو اعتماد دارم، حتی اگر همه چیز را درک نکنم و ندانم که عشق چند بُعدی تو از کدام چشمه تغذیه می‌شود.

*

نازنین من! نامهٔ مهرآمیز تو چیزهای زیادی را بر من روشن کـرد و به همین دلیل از تو متشـکرم. مـن هرگز از فریدل متنفر نبـوده‌ام. این یک پس زدن مثبت نبود، بلکه پذیرفتن چیزی بود که در واقع به ما تعلق نداشت، اما شاید به شرایط و وضعیت‌های مختلفی ربط داشـت که تو به خوبی آنها را یافتی، گرچه تو این را نادیده می‌گیری که همه چیز به من هدیه نشـده اسـت. دوران تحصیل من مشـکل بود. دائم در حال چشم‌پوشی بودم که البته با قابلیتی که داشـتم، برایم سـاده‌تر از کارهای دیگر بود. واقعاً نباید در این مورد حرفی بزنیم که چیزی حق ما بوده اسـت، اما اگر این کارها را انجام نمی‌دادم، امروز اینجا نبودم، حتی اگر باز هم بگویند که حسـابی «شانس» آورده‌ام، اما درست این آگاهی همچنان آرامش‌بخش نیست، از بعضی جوانب حتی وحشتناک اسـت. از دیدگاه تلنگرهای اسـرارآمیز،آدم در اطمینان خاصی بـرای یک دعوت درونـی زندگی می‌کند و گاهی هر سـاعت طوری عقب ماندن را می‌چشـد که خود را در مقابل مشـکلاتی حل نشـدنی می‌بیند، یعنی کاملاً راکد می‌شود و می‌ایستد. همه چیز تهی می‌شود. دستاوردها دور و نابود می‌شود، یا اینکه حالا ۳هفته اسـت که من در چنین وضعیتی زندگی می‌کنم: چهره‌ها، افق مشـکلات، گام‌های واقعی راه‌حل‌های پرثمر، دید جدید و اساسـی، امکان قاعده‌سـازی‌های غافلگیر کننده و تأثیرگذار و مرتبط کردن ترکیب‌های واقعی، تمام اینها به قدری غنی و سرشار اسـت که انسـان به لحاظ فیزیکی و عملی قادر به گرفتن، نگه داشتن و به طور سیستماتیک استفاده کردن از جریان نیست.

گفتاری از دکتر محقق: حق عظیم راشد

ادامه از صفحه اول

سـپس از برخی احادیث کـه در حقیقت تفصیـل آن آیـات بود و پـرده از نقاب عروس حضرت قرآن می گشـود، یـاد می‌کرد و در این میان به داسـتان‌های مناسب و اشعار زیبا و روان استشهاد می جست و در پایان، که معمولاً ذاکران به ذکـر مصیبت خاندان پیغمبر می‌پردازند، او با ذکر چند جملهٔ عربی که از کتب مقاتل هسـتند برگزیده بود، از سـید شهیدان(ع) و یاران باوفای او که همه نموداری از غیرت و شـجاعت و مناعت طبـع و دینداری بودند، یـاد می‌کرد- هرچند لحن قرائـت او از عبـارات عربی مقتل طـوری بود که شـنوندگان را متاثـر می‌سـاخت و چشـم آنان را برای اشـک‌ریزی آماده می‌کرد. راشد عبارات را با فارسـی روان و شیوایی ترجمه می‌کرد تا عارف و عامـی آن عبارات را مهیج تاریخی را دریابند. هنوز عبارات«انی لاأری الموت الا سـعادهٔ ولا الحیاهٔ مع الظالمیـن الا برما» و همچنین «ان لم یکن لکم دین ولاتخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم» و نیز «الا ان الدعی ابن الدعی قدرکز بین اثنتین السلهٔ و الذله، و هیهـات منـا الذلهٔ» که راشـد با صدای بلند و شـمردهٔ خود در پایان منبرهایش بر زبان جاری می‌سـاخت، درگوش من طنین‌انداز اسـت. خداوند باران‌های رحمت خود را بر او فروریزاناد و او را در بهشت‌های برین خود جای دهاد.

من گذشـته از حضور در مجالس وعظ و اسـتماع منبرهای او در برخـی از مجالـس خصوصی که با مرحوم پدرم داشـت، از محضر او بهره‌مند می‌شـدم. او از چنان ادب و نزاکت و احترام به پیش‌کسـوتان برخوردار بود که در اعیاد که به دیدن پدرم، مرحوم حاج شیخ عباسعلی محقق خراسانی می‌آمد، در جای سخن اعتراف به شاگردی و اقرار به فضل تقدم پدرم می‌کرد و شیبت او را گرامی می‌داشت. گذشته از این وقتی دورهٔ دکتری دانشکدهٔ علوم معقول و منقول در سال ۱۳۳٤ افتتاح گردید، من و شماری چند از دانشجویان از جمله: مرحوم شیخ ابراهیم آیتی بیرجندی و حسن ملکشاهی و عباس مهاجرانی و علینقی منزوی و سـیدعلی موسوی بهبهانی و علیرضا فیض و سیدجعفر سجادی در درس اسفار ملاصدرا، که آن مرحوم تدریس می‌کرد، حاضر می‌شدیم. او بـه روش دوره‌هـای عالی دانشـگاه‌های غرب درس را به صورت «سـمینار»اداره می‌کرد، یعنی دانشـجویان را در قرائت متن و شـرح و گزارش آن شرکت می‌داد، در حالی که استادان دیگر به صورت متکلم وحـده از آغـاز تا انجـام درس خود، مطلب را به صـورت خطابه القا می‌کردند. او در یکی از مباحث که با دانشجویان شور می‌کرد و شقوق مطلب را بیان می‌داشـت، رو به دانشـجویان گفت:«اگر شما هم دکتر نشوید من بالاخره با این موشکافی‌ها و القا شکوک و شبهات در مطالب این کتاب، دکتر خواهم شد!»

در همـان ایّـام و پـس از آن‌کـه مـا بـا شـماری از اسـتادان و دانشـمندان ظهرهای چهارشـنبه در تالار زیر سـاعت مدرسـهٔ عالی سپهسالار(شـهیدمطهری) جمع می‌شـدیم و به بحث‌های گوناگون علمی و ادبی و فلسفی و تاریخی می‌پرداختیم، مرحوم راشد همچون مرحوم سیدمحمدکاظم عصار هر چند که در ناهار شرکت نمی‌کردند، ولی سـاعتی پیش از ناهار با ما به بحث و گفتگو می‌پرداختند. مرحوم محیط طباطبایی، شـهید مرتضی مطهری، اسـتاد احمدآرام، احمدراد، شیخ محمد علی حکیم، شیخ عبدالله نورانی، سیدجعفر شهیدی، احمد مهدوی دامغانی و سیدعلی موسوی بهبهانی در میان این جمع بودند و آنچه را که مرحوم راشـد در مباحثات و مفاوضات بیان می‌داشـت، واقعاً فصل الخطاب و سخن پایانی بود. اکنون من بسیار بسیار مفتخرم که در بزرگداشـت آن سـخنور توانا و استاد ارجمند که او را حقّ بسیار برگردن من است، پیشقدم شده‌ام و توصیهٔ دو بزرگوار شیخ محمدجواد حجتی کرمانی و سید محمود دعائی را بر این اقدام خیر و عمل نیک به جان پذیرفته‌ام. خداوند به هر دو عمر طولانی عطا فرماید که همیشـه خریـدار بازار بی‌رونق هسـتند و از حقّ و فضیلـت و دانش و مروت دفاع می‌کنند.

گفتگو

در باب حاج حسین آقا ملک
بدهکار عمده

طبق اوامر شاه اموال و اثاثیه و مطالبات تاجر مذکور زیر نظر پدرم قرار گرفت تا با فروش آنها رضایت بدهکاران داخلی و خارجی را تحصیل نماید. او با فروش اشیاء منقول از قبیل قالی و جواهر یا چیزهای قیمتی دیگر، به علاوه فروش باغات و مستغلات و اراضی و آنچه از غیرمنقول قابل تبدیل به پول نقد بود، یا بستانکاران به قیمت روز به جای طلب خود می‌پذیرفتند، رضایت بستانکاران داخله را به دست آورد و با آنها تسویه حساب کرد. در مورد بستانکاران خارجی و بانکهای استقراضی یا شاهی رسم بر آن بود که پس از تصدیق بدهی ورشکسته به آنها دولت دیون ورشکسته را به مؤسسات و یا اتباع خارجی بستانکار می‌پرداخت و بعداً از بقیه ماترک و مطالبات وی وصول می‌کرد. این قبیل بدهکاران هم به تصور این که می‌توان از زیر بار دین به ورشکسته گریخت، همکاری نمی‌کردند و قرض خود را به ملک‌التجار نمی‌پرداختند تا بتواند به تعهدات شرعی و عرفی حاجی میرزا حسین عمل کند... ناچار گزارشی از طریق اتابک به عرض ناصرالدین شاه می‌رساند که از چگونگی وضع موجود و عملکرد آن روز آگاه شود. ناصرالدین شاه در دستخطی خطاب به اتابک رسماً ابلاغ می‌کند که ... بدهکار هر که باشد، برادر من یا پسر من باید فوراً بدهی خود را به اختیار ملک‌التجار بگذارد که به بستانکاران پرداخت و رضایت آن‌ها تحصیل شود و اگر تعللی در ادای دین از سوی کسی سرزد، هر که باشد در میدان او را به نیزه‌پیچ کنند... یکی از بدهکاران عمده به حاج میرزا حسین شاهزاده محمدتقی میرزا رکن‌الدوله بود.

حاج حسین ملک

در گفتارهای ملک آمده است: «رکن‌الدوله برادر ناصرالدین شاه که در والیگری خراسان مانند شاه به سلام می‌ایستاد و مثل شاه بار می‌داد و رجال داخله و خارجه می‌بایستی برای ادای احترام به وی دست به سینه بایستند. تا صدور این فرمان گوشش هم به این حرف‌ها و مطالبات بدهکار نبود. بعد از ابلاغ نظر شاه شرحی به عرض رساند، که پولی دردسترس ندارم. املاکی را مالک هستم، مقرر فرمایید ملک‌التجار خریدار کند و مطالبات دولت را بپردازد.

ناصرالدین شاه به این تقاضای برادر خود ترتیب اثر داد. کارشناسانی را مأمور ارزیابی املاک کرد. آنها کل املاک را سی‌هزار تومان قیمت گذاشتند. شاه نظر آنها را نپذیرفت و فرمود که ملک‌التجار باید این املاک را به دوبرابر ارزیابی، یعنی به شصت‌هزار تومان خریداری کند و قروض خارجی ورشکسته را تسویه کند. تمرد از فرمان شاه مقدور نبود. پدرم به عرض رساند، اگر دولت ضمانت کند که ملکیت او در املاک مورد معامله بلامعارض خواهد بود و او مطمئن باشد که دردسری در این معامله نخواهد داشت و هیچ اشکالی برایش فراهم نخواهند کرد به آن قیمت خواهد خرید.»

ادامه دارد

آینه

مصدق به قلم مصدق
مدعی‌العمومی به نام «مشروطه»

ادامه از صفحه اول

تحصیلات من در ایران

ارتباط بی‌اثرم با بعضی از مخالفین امین‌السلطان اتابک اعظم سبب شده بود که نسبت به من متغیر و بی‌لطف شود و شکایت یکی از ارباب‌رجوع که حقوقی در حقش برقرار شده بود و از تأدیه رسوم معمول خودداری می‌کرد، سبب شود آنچه در دل داشت اظهار کند و بخواهد مرا از کار برکنار کند، ولی نکرد.

از آن به بعد از معاشرت با اشخاص خودداری کردم و در خانه منزوی شدم و چون از بیکاری به من بد می‌گذشت و مدرسهٔ سیاسی هم در آن ایام تازه دایر شده بود، می‌خواستم در آن مدرسه تحصیل کنم، ولی از این نظر که یک مستخدم دولت پس از سال‌ها تصدی کار و خدمت نمی‌توانست در عداد محصلین درآید، وسایل تحصیل خود را در حدود برنامهٔ آن مدرسه در خانه تهیه کردم و ایامی را که با استادان گرامی شادروان شیخ محمدعلی کاشانی، میرزا عبدالرزاق خان بغایری، میرزا غلامحسین‌خان رهنما و میرزا جوادخان قریب ـ دیپلمهٔ مدرسه سیاسی و ناظم مدرسهٔ آلمانی ـ گذرانیده‌ام، فراموش نمی‌کنم و خود را مرهون الطافشان می‌دانم.

در آن وقت هیچ چیز برایم اهمیت نداشت، جز این که هر روز قدری بر معلومات خود بیفزایم و دو چیز سبب شد که من از خدمت دولت صرفنظر کنم: یکی این بود که از مسئولیت کاری که داشتم خود را خلاص کنم تا بهتر بتوانم تحصیل کنم، دیگر این که تبلیغات بر علیه مستوفیان روزبه‌روز شدت می‌کرد و من خود را از جرگه آنان خارج نمایم و علت شدت تبلیغات این بود که بعد از مشروطه این فکر در جامعه قوت گرفت که تجدید رژیم، مستلزم تشکیلات جدید است. کارمندان قدیم باید از کار خارج شوند و جای خود را به اشخاص جدید بسپارند.

این حرف صحیح بود، اگر مشروطه هم روی یک زمینه و سوابقی نصیب ما شده بود و مملکت می‌توانست از اشخاص مطلع به رژیم استفاده کند. گویندگان کسانی بودند که چندی به خارج رفته جریان مشروطه را از دور دیده و معلوماتی جز یک اطلاعات سطحی با خود به ایران نیاورده بودند و دیگران حتی نام مشروطه را هم نشنیده و بین استبداد و مشروطه فرق نمی‌گذاشتند.

روی این عقیده و فکر، عده‌ای از هواخواهان تجدد زبان به انتقاد گشودند و از تشکیلات وزارت مالیه یگانه تشکیلات منظم مملکت و متصدیان آن تنفیذ نمودند و چون سبک سیاق این بود که در افراد خطوط افقی ترسیم کنند، سپس اقلام و ارقامی را ذیل آن خطوط بنویسند، مستوفیان را به لقب «درازنویس» ملقب و به آنها بدون استثناء دزد خطاب نمودند. به طوری که لفظ «مستوفی» و «دزد» مترادف شده بود که برای تکذیب این گفته‌ها یگانه کار مهمی که چند سال قبل از مشروطه در مالیه مملکت صورت گرفت و توجه عموم را به خود جلب کرده بود، در فصل گذشته شرح دادم و آنچه مذکور شد جز این نبود که مستوفی خراسان بیست هزار تومان بدون این که محل آن را تعیین کند، در کتابچه دستورالعمل آن ایالت به اسم تفاوت عمل جمع کرده و بر طبق احکام صریح دولت برای اشخاصی مواجب به خرج نوشته بود که این عمل نه دزدی بود، نه کلاه‌برداری، نه اختلاس بود نه سوء استفاده از اموال دولتی و مشمول هیچ یک از مقررات قانون جزائی فعلی هم که آن وقت وجود نداشت، نمی‌شد و فقط یک تجاوز از مقررات اداری بود که روی این نظر صورت گرفته بود ولات و حکام که بیش از آنچه به عنوان پیشکش به دولت می‌دهند، از مودیان مالیاتی به اسم تفاوت عمل می‌گیرند، این مبلغ را هم والی خراسان اضافه از پیشکش معمول بدهد که عده‌ای صاحب حقوق شوند و این کار آنقدر مخالف افکار بود که موجب عزل فاعل شد و از کار برکنار گردید تا دیگران نتوانند حتی از یک مقررات اداری هم تجاوز کنند و نیز ثابت کردم چنانچه کسی می‌خواست اختلاس کند، اختلاس در آن زمان موضوع نداشت و راه آن برای هر کسی مسدود بود و این قبیل نسبت‌ها بیشتر از ناحیه کسانی داده می‌شد که از معلومات قدیم و جدید هر دو بهره نداشتند و به واسطه یک مسافرتی به خارج و یک اطلاعات سطحی، می‌خواستند مشاغلی را در ید خود درآورند و مردم نیز به علت نادانی به این سخنان ترتیب اثر می‌دادند.

سال ۱۲۹۹ شمسی که با پسر و دختربزرگم از اروپا به ایران می‌آمدم، به دعوت میرزا اسدالله خان یمین‌الممالک کارگزار وارد کارگزاری بوشهر شدم و برای دیدن بعضی از نقاط، من جمله میدان توپخانه ـ که وضعی بسیار بد داشت ـ به آنجا رفتم. در مراجعت روی میز اطاق نامه‌ای که به عنوان من نوشته شده بود با دو ظرف پر از خرما و تخم‌مرغ بدین مضمون دیدم:

ساعتی دارم که مدتی است از کار افتاده. نظر به این که فرزندان شما تحصیلات خود را در اروپا کرده‌اند، آن را می‌فرستم درست کنند و هدیه ناقابلی هم که ارسال شده نوش جان نمایند. این نامه وقتی نوشته شده بود که چهارده سال از عمر مشروطه گذشته بود و هنوز مردم دور از پایتخت این طور تصور می‌کردند هر کس برای تحصیل به خارج رفت، همه چیز حتی ساعت‌سازی هم آموخته است.!

***

جنگ اول جهانی در گرفت و مردم توانستند به واسطه رقابت بین‌المللی در مقررات خود اظهارنظر کنند. همان مستوفیان بودند که با مرنارد بلژیکی خزانه‌دار و یکی از عمال مهم سیاست خارجی آنقدر مبارزه کردند، تا او را از کار خارج نمودند و همین مبارزات سبب شد که مشیرالدوله نخست‌وزیر، قانون تشکیلات وزارت مالیه را به مجلس سوم پیشنهاد کند و مجلس آن را قائم‌مقام قانون ۲۳ جوزا نماید.

هر کس بیانات شیخ اسدالله محلاتی را در جریان شور و تصویب این لایحه در مجلس می‌خواند، پی می‌برد که آن بیانات و مبارزات از کجا سرچشمه گرفته است و باز همان مستوفیان بودند که با قرارداد وثوق‌الدوله مخالفت کردند و شادروان سیدحسن مدرس از معلومات آنان استفاده می‌کرد.

در رژیم قدیم، واحد ثروت و پول کرور بود که در اواخر دوره ناصری تمام عواید مملکت از نقد و جنس به دوازده کرور تومان بالغ می‌گردید.

فرض کنیم که نصف این عایدات صرف مخارجی می‌شد از قبیل مخارج دولتی و بودجه دربار سلطنتی که مستوفیان از آن حقی نمی‌گرفتند و از نصف دیگر آن که به مصرف حقوق اشخاص می‌رسید موقع حاشیه‌نویسی قبوض ۲ به عنوان حق‌الزحمه و رسوم می‌گرفتند. در این صورت بودجه تشکیلات مرکزی وزارت مالیه در سال بیش از شصت هزار تومان نمی‌شد.

و باز به فرض این که متصدیان وصول مالیات هم وجهی معادل همین از ولات و حکام می‌گرفتند، بودجه کل وزارت مالیه در سال از ۱۲۰ هزار تومان تجاوز نمی‌کرد. در این صورت چه خدمتی از این بالاتر و چه صحت عملی از این بیشتر که با این مبلغ مالیه مملکت اداره می‌شد و مالیات املاک مزروعی که در آن رژیم کفاف تمام مخارج مملکت را می‌نمود اکنون ۱/۵ مخارج دستگاه وصول خود را هم تأمین نمی‌کند.

انتخاب از اصفهان برای وکالت

روزهای اول مشروطه که هنوز مشروطیت ایران نضج نگرفته بود و مقام نمایندگی حقوق نداشت و کمتر کسی داوطلب وکالت بود، برای من نیز سهل بود که مثل بعضی از هم‌قطارانم به نمایندگی یکی از طبقات وارد مجلس بشوم، آن چیز که مانع از هر اقدام گردید، نداشتن سن سی سال بود، ولی بعد که اعتبارنامه بعضی از نمایندگان کمتر از سی سال به تصویب رسید، من نیز فکر وکالت افتادم و چون در طهران محلی برای انتخابم نبود، به جهات ذیل داوطلب نمایندگی از شهر اصفهان شدم.

(۱) از طبقه اعیان و اشراف در آن شهر کسی انتخاب نشده و محل آن خالی بود.

(۲) همسرم در اصفهان دو ملک موروثی داشت، موسوم به «کاج» و «خواتون‌آباد» که این علاقه سبب شده بود با بعضی از رجال و اعیان آن شهر آشنا بشوم.

(۳) شاهزاده سلطان حسین میرزا نیرالدوله حاکم اصفهان و یکی از ملاکین مهم نیشابور، سالها در نیشابور حکومت می‌کرد و با من که مستوفی خراسان بودم، ارتباط داشت.

(٤) دوستان دیگری هم در طهران داشتم که می‌توانستند به من کمک بسیار بکنند ولی غافل از اینکه در آن دوره نیز مثل ادوار بعد اعتبارنامه‌هائی که قبل از رسمی شدن مجلس مطرح شد بدون اعتراض گذشت و اعتبارنامه من که بعد می‌خواست مطرح شود در شعبه مأمور به رسیدگی مورد اعتراض قرار گرفت و میرزا جوادخان مؤتمن‌الممالک نماینده کرمان و عضو شعبه که تاریخ وفات مرحوم مرتضی قلی‌خان وکیل‌الملک والی کرمان و شوهر اول مادرم را می‌دانست، چنین استدلال نمود اگر مادرم بلافاصله پس از ٤ ماه و ۱۰ روز عده قانونی با پدر ازدواج کرده بود و من هم نه ماه بعد از آن متولد شده بودم باز سی سال نداشتم. چون این حرف جواب نداشت، صرف‌نظر کردم.

این اعتراض که در آن دوره بر ضرر من بود، در دورهٔ شانزدهم تقنینیه به سودم تمام شد و علت این بود در کابینهٔ وثوق‌الدوله که هنوز قرارداد تصویب نشده ولی رویه کار دولت معلوم بود و من می‌خواستم از ایران بروم و در یکی از ممالک اروپا اقامت کنم، احتیاج به گذرنامه داشتم که طبق تصویبنامهٔ هیئت‌وزیران گذرنامه به کسانی داده می‌شد که دارای سجل احوال باشند. نظر به اینکه سال ولادتم در پشت قرآنی نوشته شده بود که در دست نبود آن را بدون تحقیق و تشخیص اختلاف سال قمری با سال شمسی در کلانتری ۳ شهر طهران نوشتم که شناسنامه صادر شد و موقع انتخابات دوره ۱٦ تقنینیه طبق آن شناسنامه از هفتاد تجاوز می‌کرد! این بود که عکس سنگ قبر مرحوم وکیل‌الملک کرمانی را که تاریخ وفاتش با تمام حروف روی آن منقور است از نجف خواستم و آن را به وزارت کشور فرستادم و با همان دلیل که مؤتمن‌الممالک ثابت کرده بود سی سال نداشتم ثابت کردم که سالم از هفتاد کمتر است که مورد تصدیق انجمن مرکزی انتخابات قرار گرفت و اعتبارنامه‌ام را صادر کرد.

در مجمع انسانیت!

همانطور که در هر کشور احزاب سیاسی و مشروطه لازم و ملزوم یکدیگرند، در ایران نیز هموطنانم حس می‌کردند که مشروطه بدون مرکز اتکاء سر نخواهد گرفت و روی این نظر، هرچند نفر که با هم تجانس و اشتراک منافع داشتند، جمعیتی تشکیل می‌دادند تا در موقع لزوم همه روی یک اصل متفق باشند و بتوانند از آزادی دفاع کنند والحق هم که عده‌ای جان در کف نهادند و در راه ایمان و عقیده از همه چیز گذشتند.

اجتماعات مزبور هر کدام روی خود نامی گذاشت و یکی از آن اجتماعات که چندی بعد از مشروطیت در خانه مستوفی‌الممالک از اهالی آشتیان و گرکان و تفرش تشکیل گردید، روی خود نام «مجمع انسانیت» نهاد که مستوفی به ریاست و دو نفر دیگر از جمله به سمت نواب رئیس انتخاب شدند. سپس نزدیک خانهٔ رئیس محلی اجاره نمودند که جلسات مجمع در آنجا تشکیل می‌شد و مثل بعضی انجمن‌های دیگر، عده‌ای مسلح داشت به نام «سرباز ملی» تا موقع لزوم از آزادی دفاع کنند.

جلسات مجمع را من اداره می‌کردم و هر وقت هم که کاری در خارج پیش می‌آمد، عده‌ای از حضار پیشنهاد می‌کردند نایب رئیس دیگر آن را انجام دهد، تا اینکه روزی محمدعلی شاه از شهر به باغ شاه رفت و انجمن مظفری واقع در شمال میدان بهارستان از عموم انجمن‌ها دعوت کرد هر کدام نماینده خود را با مهر انجمن به آنجا اعزام کنند که این مرتبه هیچکس پیشنهادی برای انتخاب آن نایب رئیس ننمود و حضار تقاضا کردند که این کار را هم من انجام دهم.

انجمن مظفری، نامه‌ای به شاه نوشته و درخواست کرده بود خود را از ملت جدا نکند و به شهر مراجعت کند که من نیز مثل سایر نمایندگان آن را مهر کردم. سپس قرار شد هر یک از نمایندگان موضوع را در جمعیت خود طرح کند و هر انجمن یک نماینده دائمی برای تصمیماتی که در آن روزها می‌بایست اتخاذ شود، انتخاب نماید.

مجمع انسانیت تشکیل شد و چون این بار هم کسی برای انتخاب آن نایب رئیس پیشنهادی ننمود، به تقاضای حضار به نمایندگی خود ادامه دادم و بعد چنین تصمیم گرفتند که هر انجمن یکی از طاق‌نماهای مسجد سپهسالار را برای خود تعیین کند که اعضاء در آن محل اجتماع نمایند که این کار شد و عده‌ای از تمام اجتماعات در مسجد حضور یافتند و بعد جمعیتی به نام «کمیسیون حزب» تشکیل گردید که من نیز به عضویت آن انتخاب شدم و محل آن در شبستان مسجد بود که به شور و مشورت می‌پرداختند و دو نفر از اعضای آن به شاه آن‌قدر فحش می‌دادند که سایرین از شنیدن آن کراهت داشتند.

کمیسیون تصمیم گرفت سربازان ملی در مسجد جمع شوند و برای روزی که برای اجازه مسافرت اروپا به باغ شاه رفتم همین دو نفر درجلوی چادر قهرمان خان‌نیرالسلطان فراشباشی ایستاده با ارشدالدوله که نشسته بود نجوا می‌کردند. دفاع از اجرای این تصمیم به مجمع انسانیت رفتم و دم در سرایدار را دیدم که گفت: از اثاثیه و تفنگ و فشنگ هر چه بود به دستور نایب رئیس دیگر بردند و اکنون چیزی نیست که بتوان جلسه تشکیل داد و دستور کمیسیون حزب را به موقع اجرا گذاشت و این کار نه فقط در مجمع انسانیت بلکه در بعضی از انجمن‌های دیگر هم نظیر آن صورت گرفته بود. روز بعد که عازم مجلس شدم، هنوز به چهارراه لاله‌زار نرسیده بودم که صدای شلیک در اطراف مجلس و مسجد بلند شد که من نتوانستم به راه ادامه دهم و از آنجا به خانه مراجعه کردم و آن وقت فهمیدم که نایب رئیس دیگر، بیش از من در سیاست وارد بود و از همه جا اطلاع داشت.

مشروطه خاتمه یافت و دوره‌ای که به استبداد صغیر موسوم شد، جانشین آن گردید. بودنم در جرگه‌ی آزادی‌خواهان و اطلاعاتی که شاه از نظریاتم داشت، سبب شد محلی را در نظر بگیرم تا اگر خواستند مرا دستگیر کنند، خود را در آنجا مخفی نمایم که برای این کار خانه میرزا یحیی خان سرخوش ـ شاعری دانشمند که سال‌ها قبل از مشروطه با من آشنا بود ـ جائی بهتر نیافتم و چنین قرار شد اگر خطری متوجه من بشود، خود را به آنجا رسانیده مخفی نمایم و مدتی با کمال نگرانی به سر بردم تا اینکه مجلسی بنام «شورای دولتی» تشکیل شد و بدون کوچکترین اقدامی از طرف من، دستخطی از شاه (سناتوروالاتبار) صادر کرده است و این کار را هم نه فقط نسبت به من که قرابت سببی داشت کرده بود، بلکه با هرکس که مورد تعرض دولتی‌ها قرار می‌گرفت از هرگونه مساعدت دریغ نمی‌کرد.

مجلس شورای دولتی در عمارت خورشید، محل بعدی وزارت دارائی تحت ریاست میرزا عبدالوهاب خان نظام‌الملک تشکیل گردید. مشیرالسلطنه صدراعظم آن را افتتاح نمود و چون برنامه‌ای نداشت، هرکس بمذاق خود صحبتی می‌کرد، تا نوبت به میرزا عباس خان مهندس‌باشی رسید که با نظام‌الملک سابقه داشت و او را مخاطب قرار داد و گفت: ما نفهمیدیم این مدعی العمومی که در مشروطه ایجاد شد، چه صیغه‌ای بود؟

نظام‌الملک در جواب گفت: در خدمت شاهان سلجوقی کسی بود نامش ترخان و کارش این بود که جان شاه را حفظ کند و برای انجام این وظیفه می‌توانست هر وقت و هرکجا حتی به اطاق خود شاه وارد شود و تحقیقات کند. این مدعی العموم مشروطه هم کسی بود مثل ترخان که هر چه می‌خواست می‌کرد (البته با عبارتی مستهجن).

جلسهٔ اول شورای دولتی به این ترتیب خاتمه یافت و چون اطمینان حاصل شد که متعرض من نمی‌شوند به آن یک مرتبه اکتفاء کردم و تصمیم گرفتم وسایل مسافرت خود را برای تحصیل فراهم کنم. صدور تذکره نیز احتیاج به اجازه داشت که این کار هم به دست سناتور والاتبار انجام گرفت.

مسافرت به قصد تحصیل

ژنرال قونسول ایران در تفلیس به حاج دبیرالوزاره، متصدی کارهای من، نوشت: با اداره‌ی محاسبات وزارت‌خارجه مذاکره کند و حوالهٔ حقوق او را به عهده‌ی صندوق تذکره قفقاز صادر نماید. صدور آن تصادف نمود با روزهای قبل از حرکتم که تصمیم گرفتم شهر تفلیس را ببینم و حواله را هم به صاحبش برسانم. در این مسافرت ابوالحسن دیبا برادرم نیز برای تحصیل با من بود.

برای خرید لباس احتیاج به وجه داشتم و از این تاجر ایرانی مقیم تفلیس موسوم به رضایوف ۳۰۰ منات در ازای انگشتر الماسی که وثیقه دادم به قرض گرفتم که بعد از فروش بقیه وجه آن را به آدرس پاریس به من برات کند که در اثناء ناهار را آوردند. عده‌ای در سر میز ناهار جمع شدند. ژنرال قونسول حضار را به من معرفی نمود به یکی از آن‌ها هم که صادق‌اف نام داشت و از مجاهدین معروف بود گفت: من خواهرزاده فرمانفرما هستم و یکی از افراد متمول ایرانم که از این بیانات آن هم در قفقاز و مرکز مجاهدین ناراحت شدم و هر قدر خواستم علت آن را درک کنم، چیزی نیافتم تا اینکه عصر به اتفاق میهماندار و تمام اعضای قونسولگری به گردش رفتیم. لباس و هر چه مورد احتیاج بود خریدیم پاسی از شب می‌گذشت که می‌آمدیم و هنوز به درب قونسولگری نرسیده بودیم که یک نفر از جا برخاست و نامه‌ای که در دست داشت به من داد. ژنرال قونسول خود را چند قدم عقب کشید و همین‌که او رفت جلو آمد و گفت: شما چرا ترسیدید؟ در صورتی که من از جای خود حرکت نکرده بودم و مضمون نامه هم این بود: چون دائی شما با شاه مستبد همکار است، باید ۱۸۰ هزار منات بدهید از این جا حرکت کنید و برای ارعاب هم شکل یک طپانچه و یک تابوت زیر آن رسم شده بود.

از ژنرال قونسول برای بیاناتی که کرده بود، گله کردم و دیگر نخواستم ساعتی در تفلیس بمانم و چون مرکز مجاهدین در باد کوبه بود و ارتباطش با مجاهدین تفلیس محل تردید نبوده از مراجعت به باد کوبه و مسافرت با راه آهن صرفنظر کردم و تصمیم گرفتم از تفلیس به باطوم بروم و از طریق دریا مسافرت نمایم.

ایران

زهیر رضوی ۱۱

آموختن برای آینده
عزل با افتخار

«رشتهٔ نظم امور دولت امروز اشخاص به سلیقهٔ جدید رسانیدن است، و رسانیدن اشخاص موقوف به علم و هنر است که باید از این منبع و ممر خارج شوند. با وجودی که دولت مخارج به قدر وسع خود می‌نماید و آنقدر وجوه می‌دهد، این شعبه بایست خیلی منظم‌تر باشد. شکایت بسیار از نداشتن کتاب می‌کردند... از امروز به بعد درصدد اصلاح این دستگاه بطور جدا خواهم برآمد.»

شاه در حاشیه نوشت: «جناب صدراعظم، نظم امور مدرسه از لوازم دولت است. نشر فواید و قواعد علوم، از اینجا باید بشود. باید در کمال جد و جهد خودتان در نظم این کار ساعی باشید...»

از آن توجه و برداشت کار انتظار می‌رفت کوششی پی‌گیر در تاسیس مدارس و بسط دانش و فن جدید بعمل آید. اما غیر از همان مدرسهٔ اتامازوری کار مهمی انجام نگرفت ـ و حال آنکه در همین دوره در ژاپن و مصر و عثمانی در رشته‌های مختلف علمی مدرسه‌های تازه برپا داشتند. راجع به این مدارس و همچنین ترقی اونیورسیته‌های اروپا مقالات پی در پی با احصائیه‌های منظم در روزنامه‌های ایران نوشتند که شمه‌ای از آن گذشت. ولی در ایران پیشرفت قابل توجهی حاصل نشد.

عزل سپهسالار

... دستخط‌های مهمی از میرزا حسین‌خان و شاه در دست داریم که نکته‌های مهمی را در مرحلهٔ عزل او روشن می‌دارند. فرمان عزل را امین‌الملک ابلاغ کرد. سپهسالار به ظاهر خونسرد و بی‌اعتنا بود، اما در ارجاع مأموریت تازه‌ای میان او و شاه گفت و شنود درگرفت. شاه با «تمجیدات» از خدمات سپهسالار، چنین عنوان کرد که خود «می‌خواهد مشغول انتظام امور دولت گردد.» و ضمن اینکه حکومت اصفهان و یزد و گلپایگان را به وی پیشنهاد نمود، به صراحت نوشت: «اسم فرنگستان» را نبرد.

سپهسالار پاسخ فرستاد: دستخط عزل را با «افتخار» می‌پذیرد، اما در پذیرفتن حکومت ولایات «سه چهار عذر دارم.» یکی اینکه: «پوشیده نیست که فدوی هیچوقت مایل به حکومت نبوده‌ام، و اطلاع از عمل حکومتی ندارم، و نمی‌توانم.» دوم اینکه: «در حکومت سر و کار فدوی باید با اولیای حاضرهٔ دولت باشد، و هر روزه اسباب زحمت... خواهند شد.» دیگر اینکه: «اگر فدوی به حکومت با شأن برود، باز حضرات چنانچه شاید و باید آسوده خاطر نمی‌شوند، و سرکار...[اعلیحضرت] هم کلیتاً مبسوط الید نمی‌شوند.» به دنبال آن نوشت:

«چون مرقوم شده بود اسم فرنگستان را نبرم، اطاعت نموده ذکری از مأموریت فرنگستان به زبان نمی‌آورم. لکن استدعایی که دارم امروز اذن و اجازهٔ سفر زیارت عتبات عالیات به فدوی مرحمت فرمائید، و انشاءالله پس‌فردا عازم می‌شوم. و به قدر هشت ماه این سفر را طول می‌دهم، و سه ماه تمام در نجف اشرف توقف خواهم نمود... تا آن‌وقت اینها هم در کارهای خودشان مقتدر و مسلط و مطمئن می‌شوند. آن وقت فدوی معاودت نموده، در خانه مشغول دعاگویی خواهم بود. اگر رأی مبارک به سفر عتبات اجازه ندهد، مقرر فرمایند باز عود نموده به رشت می‌روم. مردمان بسیار خوبی دارد، از اصل مملکت هم خوشم می‌آید، حکومتش هم با برادرم است... و هوای رشت در زمستان و بهار خیلی مساعد و خوب است. به هر یک از این دو فقره که زیارت عتبات یا مراجعت رشت باشد، ارادهٔ همایونی علاقه گرفت و اشاره فرمودید، فردا صبح حرکت نمود عازم خواهم شد.»

> «جناب مشیرالدوله، رفتن به عتبات را اذن نمی‌دهم، رفتن به رشت بیمزه شده است. تعریف مازندران را همیشه از من شنیده‌اید...

دستخط شاه در حاشیهٔ نامهٔ مزبور این است: «جناب مشیرالدوله، رفتن به عتبات را اذن نمی‌دهم، رفتن به رشت بیمزه شده است. تعریف مازندران را همیشه از من شنیده‌اید که ولایتی است که مثل ندارد. هزار قسم کارخانه و آبادی آنجا می‌توان کرد، سرحد معظمی است، ساختن راه‌های آنجا، تعمیر عمارات صفویهٔ آنجا بسیار مناسب است. شما چطور وزارت کل ایران را می‌کردید، حکومت چرا نمی‌توانید بکنید؟ وانگهی سر و کار شما مخصوصاً با من است، شما چه کار به وزراء دارید، هرگز با شما رجوع نمی‌کنند. به خدا قسم مازندران ببینید مثل بهشت است. رشت و مازندران در حقیقت یکی شده، کارشان مضبوط می‌شود. پس وسواس در این امور نداشته باشید، جواب را زود عرض کنید. اما به عمل راه‌آهن و حساب [−] و حساب فرنگستان قراری بدهید، انشاء الله.»

از نامهٔ میرزا حسین‌خان چند معنی برمی‌آید: توطئه وزیران علیه او؛ بی‌اعتنایی وی به قبول شغل رسمی؛ علاقه‌اش به رفتن به فرنگستان در درجهٔ اول و به سفر عتبات در درجهٔ دوم؛ بی‌میلی او به ماندن در پایتخت او اینکه حاضر است یکروزه از تهران بیرون برود. اما شاه بهیچ وجه نمی‌خواست سپهسالار پایش را از مرز ایران بیرون نهد. آگاه بود که وزیر معزول در فرنگستان نامدار است و در عثمانی محترم؛ برکناری آن وزیر، دست‌کم مایهٔ سرشکستگی دولت بود. اینکه به حکومت مازندران برود و به تعمیر بناهای صفویه بپردازد، به ریشخند سیاسی می‌ماند. ولی این حرفی رندانه و لطیف بود: «شما چطور وزارت کل ایران را می‌کردید، حکومت چرا نمی‌توانید بکنید»؟

سپهسالار پیشنهاد حکومت مازندران را بکلی رد کرد، برای اینکه آنجا دشمنان زیاد داشت. به سفر عتبات یا به مأموریت گیلان اصرار ورزید. و اگر هیچکدام پذیرفتنی نیست، بگذارید «بروم قزوین در سر خانهٔ قدیم خود نشسته، رعیتی نمایم.» زبدهٔ کاغذش را به شاه می‌آوریم:

«... از اجازهٔ به زیارت عتبات تحاشی فرموده بودید، و حال آنکه اسلم شقوق به جهت فدوی، و اصلح به حالت حالیهٔ دولت این است که بندهٔ کمترین یک چند در داخلهٔ مملکت نباشم ـ تا خود و دیگران آسوده باشیم، و سر کار همایون ... به فراغت بال مشغول انتظام امور دولت باشند. منع زیارت عتبات این است که هشت ماه عرض نموده بودم طول سفر خواهدشد. حالا عرضه می‌دارم که اینقدر توقف خواهم کرد تا حکم همایونی به مراجعت خانه‌زاد زیارت شود. وجود نابود فدوی تا امروز بحمدالله در هر موقعی که بوده‌ام، اسباب عزت و نیکنامی دولت بوده است. در این سفر هم اگر اذن مرحمت فرمایید، یقین بدانید اسباب و وسیلهٔ ذلت نخواهم گردید؛ باز مصدر خدمت خواهم گردید.

«مرقوم شده است که رفتن رشت بیمزه شده است، به مازندران بروم. اگر مقصود حکومت بود، یزد و اصفهان و گلپایگان که شأناً به مراتب از مازندران زیادتر است. وانگهی خود سرکار... مکرر در عرض راه دستخط مرقوم می‌فرمودید که احتیاط را از دست مده؛ احتمال خطر دارد. حالا در مازندران بهیچ وجه اطمینان جانی به جهت فدوی نیست. بیست نفر از اشخاصی که با فدوی خصومت دارند، در مازندران خانه و بنه و آدم دارند. مگر حکایت میرزا یحیی خان با ایل و طایفه‌ای که در مازندران داشت، از نظر مبارک محو شده است؟ ابداً فدوی خانه‌زاد اطمینان رفتن مازندران ندارد ... در صورتی که باید از طهران بروم، ضرر معینی رشت ندارد که جاهای دیگر نداشته باشد. استدعای عاجزانه دارم: اولا اجازهٔ زیارت عتبات. و اگر نشود مراجعت به رشت. اگر به این فقره هم میل نداشته باشید، اجازه مرحمت فرمایند بروم قزوین، در سر خانهٔ قدیم خود نشسته رعیتی نمایم... زیاده برین خانه‌زاد را متزلزل نگاه ندارید، و یکمرتبه آسوده‌ام فرمایید.»

ادبستان

محمدکاظم کاظمی

شعر انقلاب / ٤
تحول شعر انقلاب

در دورهٔ انقلاب اسلامی، برعکس، تواناترین و بااستعدادترین شاعران علمداران شعر آیینی بودند و چنین نبود که این موضوع فقط دستمایهٔ شاعران متوسط و کم‌مایه باشد. این کار دیگر نه نشانهٔ تحجّر و واپس گرایی، که نشانهٔ تحول و سرزندگی به‌شمار آمد؛ چون دیگر خود مذهب نشانهٔ تحجّر نبود. با ظهور حضرت امام‌خمینی (ره) و دیگر متفکران نواندیش اسلامی مذهب جذّابیتی ویژه یافت. این جذابیّت به شعر نیز سرایت کرد و سبب اصلاح نگرشهای پیشین شد.

توجه دوباره به مذهب لاجرم حضور عناصر و نمادهای دینی و الهام‌گیری از رویدادهای مهم مذهبی، مثل واقعهٔ عاشورا، را درپی داشت. عاشورا به‌ویژه به سبب قرابتی که با جنگ و انقلاب می‌یافت، به‌شکلی حماسی و با نگاهی تازه در شعر امروز مطرح شد. گذشته از این، شاعران انقلاب از بعضی دیگر عناصر دینی الهام‌هایی هم جهت بامفاهیم انقلابی و اجتماعی گرفتند، چنانکه شخصیت حضرت علی(ع) اگر در شعر کهن ما بیشتر از زاویهٔ جود و کرم نگریسته می‌شد، اینجا از زاویهٔ عدل و داد هم نگریسته شد و می‌دانیم که به قول خود مولا، عدل از جود برتر است.

کار دیگری که به دست شاعران انقلاب اسلامی سامان یافت پیوند میان مفاهیم مذهبی و قالب‌های نوین شعر امروز فارسی بود. پیش از انقلاب اسلامی تصور اینکه در این قالبها نیز می‌توان شعر مذهبی موفق سرود دشوار بود؛ چنان‌که گاهی کسانی به طعن و تعریض این را غیرممکن دانستند. شعرهای موفق کسانی چون علی موسوی گرمارودی، حسن حسینی، قیصر امین‌پور و سلمان هراتی نشان داد که این هم امکان‌پذیر است. البته هنوز عموم خوانندگان شعر مذهبی نتوانسته‌اند با این شعرها رابطهٔ کامل برقرار کنند. ولی می‌توان گفت که نگرش گروهی از مردم نسبت به شعر مذهبی ارتقا یافته و سلایقشان بیش از پیش به‌سوی شعرهایی با حال و هوای تازه معطوف گشته است.

اما یک نوع دیگر شعر آیینی هم در این تغییر ذوق و سلیقهٔ عموم بی‌اثر نبود و آن شعری بود در قالب کهن ولی با لحن و بیان نسبتاً تازه و در عین حال دارای آن مایه صراحت و جذابیت صوری که بر مخاطبان عام تأثیر بگذارد. شاعر شاخص این گونه شعرها شادروان محمدرضا آقاسی بود. او را می‌توان سفیر شعر نوکلاسیک در مجامع و محافل سنتی مذهبی دانست، با شعرهایی معروف و تأثیر گذار همچون «شیعه نامه». دیگر بسیار کسان، با شعرهای معمول در آن محافل راضی نمی‌شدند و انتظار شعری از این دست داشتند. البته انکار نباید کرد که آقاسی در سالهای آخر حیاتش تا حدود زیادی تسلیم مقتضیات این محافل شد و به موازات قبول عوام از پسند خواص برکنار ماند.

باری، میزان گرایش به شعر آیینی در سالهای انقلاب اسلامی بسیار بوده است و شاید کم سابقه. ولی به‌نظر می‌رسد شعر آیینی ایران، به‌ویژه در دههٔ اخیر، کمابیش به سمت تشریفات و کنگره‌ای شدن پیش رفته است، تا هدفمندی و برخورداری از گستردگی محتوا و مضامین. شعرها بیشتر شخصیت گرا شده‌اند تا مفهوم گرا. شاعران بیش از مفاهیم و اندیشه‌های دینی به ستایش بزرگان دین می‌پردازند و باز در این ستایش‌ها تجلیل صرف بر سرمشق گیری غلبه دارد.

شاید همین که شعر آیینی برخلاف دو جریان شعر اجتماعی و عاشقانه حمایت مادی و معنوی بیشتری به خود دید، از جهاتی خالی از زیان هم نبود. آن شعر آیینی که در سایهٔ حمایت رشد کند بیشتر موضوع مذهبی می‌یابد، چون موضوع برای آن حامیان بهتر قابل درک و طرح است. در مقابل موضع مذهبی رو به تضعیف می‌رود، چون شاعران حس می‌کنند برای موقعیت یافتن در جشنواره‌ها و مسابقات ستایش صرف کارآمدتر است. شعرهای موضعمند حتی ممکن است به دلایلی مسئله‌دار تلقی شود.

درنگرش محتوایی

با آنچه تاکنون دربارهٔ تحولات محتوایی شعر انقلاب و ارتباط آن با وقایع مهم این سه دهه سخن گفتیم کمابیش روشن می‌شود این شعر بیشترین برجستگی‌اش را در حوزهٔ معانی داشته است. به واقع در این سه دهه سخنانی طرح شد که در پیشینهٔ هزار سالهٔ شعر فارسی بی‌سابقه یا کم سابقه بود. پیوندی که میان مفاهیم دینی و رویدادهای سیاسی و انقلابی ایجاد شد و طرح شدن فضایلی چون ایثار، شهادت، مبارزه و دیگر آموزه‌های دینی در بستره‌ای نوین چیزی بود که پیش از این دیده نشده بود.

از طرف دیگر شعر فارسی از چنبرهٔ نگاه مادی بعد از مشروطه رها شد و جهشی به سوی مفاهیم قدسی و آسمانی کرد، آن هم نه از نوعی که پیش تر در شعر عرفای کهن تجربه شده بود، بلکه از نوعی که با اجتماع و مسائل آن آمیختگی تمام داشت.

از جانبی به روشنی می‌شود حس کرد که شعر انقلاب، بیش از اینکه جنبهٔ ملی گرایانه داشته باشد، جنبه‌اسلام گرایانه دارد. می‌توان گفت در نگاه شاعران انقلاب «امت واحده» جای «کهن بوم وبر» را گرفته است. پس بی‌سبب نیست اگر شاعران دوران انقلاب به مسائل جهان اسلام عنایتی خاص داشته‌اند.

ولی باید معترف بود که بدایع معنوی شعر انقلاب اسلامی نه در این ارزیابی کوتاه می‌گنجد و نه صاحب این قلم را توانایی پرداختن شایسته به آن است. پس به همین اشارتها که گفته آمد اکتفا می‌کنم.

ویژگی بارز شعر انقلاب در حوزهٔ صورت شعر، گرایش به قالبهای کهن و احیای بعضی از این قالب‌است. بیشتر شاعران برتر این سه دهه مطلقاً کهن سرا بوده‌اند یا در کنار نوسرایی تجربه‌هایی در قالبهای کهن داشته‌اند. علی معلم، نصرالله مردانی و احمد عزیزی مشخصاً کهن سرایند و گاه حتی معارض قالبهای نوین. قیصر امین‌پور، علی‌رضا قزوه و یوسفعلی میرشکاک وضعیتی بینابین دارند.

ادامه دارد

عکس‌ها سخن می‌گویند / ۵۶

بچه باید درس بخونه

عکس/ مهر

بابا بزرگ چرا منو نمی‌بری مزرعه؟
ـ زن! یه چایی دیگه بریزی من می‌رم دنبال کارم
محسن با تویه حاجی!
ـ چی میگه؟
میگه می‌خواد بره مزرعه
ـ مزرعه چه خبره میرزا محسن؟
می‌خوام کار کنم!
ـ مثلاً چه کار کنی؟
بیل بزنم، شخم بزنم، درخت بکارم،
گندم بکارم، موز بکارم
الهی قربون نوهٔ کاری‌ام‌برم... حاجی
تو رو خدا بچه‌امو ببر مزرعه...
ـ این کاری که میرزا محسن می‌خواد تو مزرعه انجام بده، گنجشک‌ها هم می‌کنن!
وا! این چه حرفیه حاجی؟
ـ وا نداره زن! بچه پاش به باغ برسه خرابکاری می‌کنه...
آخه چه خرابکاری؟
ـ ای بابا! مگه پدرش یادت نیست؟
پدر منو درمی‌آورد، هر بار می‌بردمش باغ!
ولی محسن من فرق می‌کنه!
ـ چه فرقی می‌کنه؟ بچه همون پدره!... حوصله بچه‌داری وسط کار و کشاورزی ندارم...
آخه مرد، بچه است، دلش میخواد...
ـ بچه که نباید دلش بخواد، بچه باید درس بخونه... درس نخونه، مثل من میشه عمله... این چایی آخر هم که ۲زار نمی‌ارزه...

گفتگو

در باب حاج حسین آقا ملک
بدهکار عمده

طبق اوامر شاه اموال و اثاثیه و مطالبات تاجر مذکور زیر نظر پدرم قرار گرفت تا با فروش آنها رضایت بدهکاران داخلی و خارجی را تحصیل نماید. او با فروش اشیاء منقول از قبیل قالی و جواهر یا چیزهای قیمتی دیگر، به علاوه فروش باغات و مستغلات و اراضی و آنچه از غیرمنقول قابل تبدیل به پول نقد بود، یا بستکاران به قیمت روز به جای طلب خود می‌پذیرفتند، رضایت بستانکاران داخله را به دست آورد و با آنها تسویه حساب کرد. در مورد بستانکاران خارجی و بانک‌های استقراضی یا شاهی رسم بر آن بود که پس از تصدیق بدهی ورشکسته به آنها دولت دیون ورشکسته را به مؤسسات و یا اتباع خارجی بستانکار می‌پرداخت و بعداً از بقیه ماترک و مطالبات وی وصول می‌کرد. این قبیل بدهکاران هم به تصور این که می‌توان از زیر بار دین به ورشکسته گریخت، همکاری نمی‌کردند و قرض خودرا به ملک‌التجار نمی‌پرداختند تا بتواند به تعهدات شرعی و عرفی حاجی میرزا حسین عمل کند... ناچار گزارشی از طریق اتابک به عرض ناصرالدین شاه می‌رساند که از چگونگی وضع موجود و عملکرد آن روز آگاه شود. ناصرالدین شاه در دستخطی خطاب به اتابک رسماً ابلاغ می‌کند که ... بدهکار هر که باشد، برادر من یا پسر من باید فوراً بدهی خود را به اختیار ملک‌التجار بگذارد که به بستانکاران پرداخت و رضایت آن‌ها تحصیل شود و اگر تعللی در ادای دین از سوی کسی سرزد، هر که باشد در میدان او را نیزه‌پیچ کنند... یکی از بدهکاران عمده به حاج میرزا حسین شاهزاده محمدتقی میرزا رکن‌الدوله بود.

در گفتارهای ملک آمده است: «رکن‌الدوله برادر ناصرالدین شاه که در والیگری خراسان مانند شاه به سلام می‌ایستاد و مثل شاه بار می‌داد و رجال داخله و خارجه می‌بایستی برای ادای احترام به وی دست به سینه بایستند. تا صدور این فرمان گوشش هم به این حرف‌ها و مطالبات بدهکار نبود. بعد از ابلاغ نظر شاه شرحی به عرض رساند، که پولی دردسترس ندارم. املاکی را مالک هستم، مقرر فرمایید ملک‌التجار خریدار کند و مطالبات دولت را بپردازد.

ناصرالدین شاه به این تقاضای برادر خود ترتیب اثر داد. کارشناسانی را مأمور ارزیابی املاک کرد. آنها کل املاک را سی‌هزار تومان قیمت گذاشتند. شاه نظر آنها را نپذیرفت و فرمود که ملک‌التجار باید این املاک را به دوبرابر ارزیابی، یعنی به شصت‌هزار تومان خریداری کند و قروض خارجی ورشکسته را تسویه کند. تمرد از فرمان شاه مقدور نبود. پدرم به عرض رساند، اگر دولت ضمانت کند که ملکیت او در املاک مورد معامله بلامعارض خواهد بود و او مطمئن باشد که دردسری در این معامله نخواهد داشت و هیچ اشکالی برایش فراهم نخواهند کرد به آن قیمت خواهد خرید.»

ادامه دارد

حاج حسین ملک

آینه

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

مصدق به قلم مصدق
مدعی‌العمومی به نام «مشروطه»

ادامه از صفحه اول

تحصیلات من در ایران

ارتباط بی‌اثرم با بعضی از مخالفین امین‌السلطان اتابک اعظم سبب شده بود که نسبت به من متغیر و بی‌لطف شود و شکایت یکی از ارباب‌رجوع که حقوقی در حقش برقرار شده بود و از تأدیه رسوم معمول خودداری می‌کرد، سبب شود آنچه در دل داشت اظهار کند و بخواهد مرا از کار برکنار کند، ولی نکرد.

از آن به بعد از معاشرت با اشخاص خودداری کردم و در خانه منزوی شدم و چون از بیکاری به من بد می‌گذشت و مدرسهٔ سیاسی هم در آن ایام تازه دایر شده بود، می‌خواستم در آن مدرسه تحصیل کنم، ولی از این نظر که یک مستخدم دولت پس از سال‌ها تصدی کار و خدمت نمی‌توانست در عداد محصلین درآید، وسایل تحصیل خود را در حدود برنامهٔ آن مدرسه در خانه تهیه کردم و ایامی را که با استادان گرامی شادروان شیخ محمدعلی کاشانی، میرزا عبدالرزاق خان بغایری، میرزا غلامحسین خان رهنما و میرزا جوادخان قریب ـ دیپلمهٔ مدرسه سیاسی و ناظم مدرسهٔ آلمانی ـ گذرانیده‌ام، فراموش نمی‌کنم و خود را مرهون الطافشان می‌دانم.

در آن وقت هیچ چیز برایم اهمیت نداشت، جز این که هر روز قدری بر معلومات خود بیفزایم و دو چیز سبب شد که من از خدمت دولت صرفنظر کنم: یکی این بود که از مسئولیت کاری که داشتم خود را خلاص کنم تا بهتر بتوانم تحصیل کنم، دیگر این که تبلیغات بر علیه مستوفیان روزبه‌روز شدت می‌کرد و من خود را از جرگه آنان خارج نمایم و علت شدت تبلیغات این بود که بعد از مشروطه این فکر در جامعه قوت گرفت که تجدید رژیم، مستلزم تشکیلات جدید است. کارمندان قدیم باید از کار خارج شوند و جای خود را به اشخاص جدید بسپارند.

این حرف صحیح بود، اگر مشروطه هم روی یک زمینه و سوابقی نصیب ما شده بود و مملکت می‌توانست از اشخاص مطلع به رژیم استفاده کند. گویندگان کسانی بودند که چندی به خارج رفته جریان مشروطه را از دور دیده و معلوماتی جز یک اطلاعات سطحی با خود به ایران نیاورده بودند و دیگران حتی نام مشروطه را هم نشنیده و بین استبداد و مشروطه فرق نمی‌گذاشتند.

روی این عقیده و فکر، عده‌ای از هواخواهان تجدد زبان به انتقاد گشودند و از تشکیلات وزارت مالیه یگانه تشکیلات منظم مملکت و متصدیان آن تنفید نمودند و چون سبک سیاق این بود که در افراد خطوط افقی ترسیم کنند، سپس اقلام و ارقامی را ذیل آن خطوط بنویسند، مستوفیان را به لقب «درازنویس» ملقب و به آنها بدون استثناء دزد خطاب نمودند. به طوری که لفظ «مستوفی» و «دزد» مترادف شده بود که برای تکذیب این گفته‌ها یگانه کار مهمی که چند سال قبل از مشروطه در مالیه مملکت صورت گرفت و توجه عموم را به خود جلب کرده بود، در فصل گذشته شرح دادم و آنچه مذکور شد جز این نبود که مستوفی خراسان بیست هزار تومان بدون این که محل آن را تعیین کند، در کتابچه دستورالعمل آن ایالت به اسم تفاوت عمل جمع کرده و بر طبق احکام صریح دولت برای اشخاصی مواجب به خرج نوشته بود که این عمل نه دزدی بود، نه کلاه‌برداری، نه اختلاس بود نه سوء استفاده از اموال دولتی و مشمول هیچ یک از مقررات قانون جزائی فعلی هم که آن وقت وجود نداشت، نمی‌شد و فقط یک تجاوز از مقررات اداری بود که روی این نظر صورت گرفته بود ولات و حکام که بیش از آنچه به عنوان پیشکش به دولت می‌دهند، از مودیان مالیاتی به اسم تفاوت عمل می‌گیرند، این مبلغ را هم والی خراسان اضافه از پیشکش معمول بدهد که عده‌ای صاحب حقوق شوند و این کار آنقدر مخالف افکار بود که موجب عزل فاعل شد و از کار برکنار گردید تا دیگران نتوانند حتی از یک مقررات اداری هم تجاوز کنند و نیز ثابت کردم چنانچه کسی می‌خواست اختلاس کند، اختلاس در آن زمان موضوع نداشت و راه آن برای هر کسی مسدود بود و این قبیل نسبت‌ها بیشتر از ناحیه کسانی داده می‌شد که از معلومات قدیم و جدید هر دو بهره نداشتند و به واسطه یک مسافرتی به خارج و یک اطلاعات سطحی، می‌خواستند مشاغلی را در ید خود درآورند و مردم نیز به علت نادانی به این سخنان ترتیب اثر می‌دادند.

سال ۱۲۹۹ شمسی که با پسر و دختربزرگم از اروپا به ایران می‌آمدم، به دعوت میرزا اسدالله خان یمین‌الممالک کارگزار وارد کارگزاری بوشهر شدم و برای دیدن بعضی از نقاط، من جمله میدان توپخانه ـ که وضعی بسیار بد داشت ـ به آنجا رفتم. در مراجعت روی میز اطاق نامه‌ای که به عنوان من نوشته شده بود با دو ظرف پر از خرما و تخم‌مرغ بدین مضمون دیدم:

ساعتی دارم که مدتی است از کار افتاده. نظر به این که فرزندان شما تحصیلات خود را در اروپا کرده‌اند، آن را می‌فرستم درست کنند و هدیه ناقابلی هم که ارسال شده نوش جان نمایند. این نامه وقتی نوشته شده بود که چهارده سال از عمر مشروطه گذشته بود و هنوز مردم دور از پایتخت این طور تصور می‌کردند هر کس برای تحصیل به خارج رفت، همه چیز حتی ساعت‌سازی هم آموخته است.!

***

جنگ اول جهانی درگرفت و مردم توانستند به واسطه رقابت بین‌المللی در مقررات خود اظهارنظر کنند. همان مستوفیان بودند که با مرنارد بلژیکی خزانه‌دار و یکی از عمال مهم سیاست خارجی آنقدر مبارزه کردند، تا او را از کار خارج نمودند و همین مبارزات سبب شد که مشیرالدوله نخست‌وزیر، قانون تشکیلات وزارت مالیه را به مجلس سوم پیشنهاد کند و مجلس آن را قائم‌مقام قانون ۲۳ جوزا نماید.

هر کس بیانات شیخ اسدالله محلاتی را در جریان شور و تصویب این لایحه در مجلس می‌خواند، پی می‌برد که آن بیانات و مبارزات از کجا سرچشمه گرفته است و باز همان مستوفیان بودند که با قرارداد وثوق‌الدوله مخالفت کردند و شادروان سیدحسن مدرس از معلومات آنان استفاده می‌کرد.

در رژیم قدیم، واحد ثروت و پول کرور بود که در اواخر دوره ناصری تمام عواید مملکت از نقد و جنس به دوازده کرور تومان بالغ می‌گردید.

فرض کنیم که نصف این عایدات صرف مخارجی می‌شد از قبیل مخارج دولتی و بودجه دربار سلطنتی که مستوفیان از آن حقی نمی‌گرفتند و از نصف دیگر آن که به مصرف حقوق اشخاص می‌رسید موقع حاشیه‌نویسی قبوض ۲ به عنوان حق‌الزحمه و رسوم می‌گرفتند. در این صورت بودجه تشکیلات مرکزی وزارت مالیه در سال بیش از شصت هزار تومان نمی‌شد.

و باز به فرض این که متصدیان وصول مالیات هم وجهی معادل همین از ولات و حکام می‌گرفتند، بودجه کل وزارت مالیه در سال از ۱۲۰ هزار تومان تجاوز نمی‌کرد. در این صورت چه خدمتی از این بالاتر و چه صحت عملی از این بیشتر که با این مبلغ مالیه مملکت اداره می‌شد و مالیات املاک مزروعی که در آن رژیم کفاف تمام مخارج مملکت را می‌نمود اکنون ۱/۵ مخارج دستگاه وصول خود را هم تأمین نمی‌کند.

انتخاب از اصفهان برای وکالت

روزهای اول مشروطه که هنوز مشروطیت ایران نضج نگرفته بود و مقام نمایندگی حقوق نداشت و کمتر کسی داوطلب وکالت بود، برای من نیز سهل بود که مثل بعضی از هم‌قطارانم به نمایندگی یکی از طبقات وارد مجلس بشوم، آن چیز که مانع از هر اقدام گردید، نداشتن سن سی سال بود، ولی بعد که اعتبارنامه بعضی از نمایندگان کمتر از سی سال به تصویب رسید، من نیز فکر وکالت افتادم و چون در طهران محلی برای انتخابم نبود، به جهات ذیل داوطلب نمایندگی از شهر اصفهان شدم.

(۱) از طبقه اعیان و اشراف در آن شهر کسی انتخاب نشده و محل آن خالی بود.

(۲) همسرم در اصفهان دو ملک موروثی داشت، موسوم به «کاج» و «خواتون‌آباد» که این علاقه سبب شده بود با بعضی از رجال و اعیان آن شهر آشنا بشوم.

(۳) شاهزاده سلطان حسین میرزا نیرالدوله حاکم اصفهان و یکی از ملاکین مهم نیشابور، سالها در نیشابور حکومت می‌کرد و با من که مستوفی خراسان بودم، ارتباط داشت.

(٤) دوستان دیگری هم در طهران داشتم که می‌توانستند به من کمک بسیار بکنند ولی غافل از اینکه در آن دوره نیز مثل ادوار بعد اعتبارنامه‌هائی که قبل از رسمی شدن مجلس مطرح شد بدون اعتراض گذشت و اعتبارنامه من که بعد می‌خواست مطرح شود در شعبه مأمور به رسیدگی مورد اعتراض قرار گرفت و میرزا جوادخان مؤتمن‌الممالک نماینده کرمان و عضو شعبه که تاریخ وفات مرحوم مرتضی قلی‌خان وکیل‌الملک والی کرمان و شوهر اول مادرم را می‌دانست، چنین استدلال نمود اگر مادرم بلافاصله پس از ٤ ماه و ۱۰ روز عده قانونی با پدر ازدواج کرده بود و من هم نه ماه بعد از آن متولد شده بودم باز سی سال نداشتم. چون این حرف جواب نداشت، صرف‌نظر کردم.

این اعتراض که در آن دوره بر ضرر من بود، در دورهٔ شانزدهم تقنینیه به سودم تمام شد و علت این بود در کابینهٔ وثوق‌الدوله که هنوز قرارداد تصویب نشده ولی رویه کار دولت معلوم بود و من می‌خواستم از ایران بروم و در یکی از ممالک اروپا اقامت کنم، احتیاج به گذرنامه داشتم که طبق تصویبنامهٔ هیئت‌وزیران گذرنامه به کسانی داده می‌شد که دارای سجل احوال باشند. نظر به اینکه سال ولادتم در پشت قرآنی نوشته شده بود که در دست نبود آن را بدون تحقیق و تشخیص اختلاف سال قمری با سال شمسی در کلانتری ۳ شهر طهران نوشتم که شناسنامه صادر شد و موقع انتخابات دوره ۱٦ تقنینیه طبق آن شناسنامه از هفتاد تجاوز می‌کرد! این بود که عکس سنگ قبر مرحوم وکیل‌الملک کرمانی را که تاریخ وفاتش با تمام حروف روی آن منقور است از نجف خواستم و آن را به وزارت کشور فرستادم و با همان دلیل که مؤتمن‌الممالک ثابت کرده بود سی سال نداشتم ثابت کردم که سالم از هفتاد کمتر است که مورد تصدیق انجمن مرکزی انتخابات قرار گرفت و اعتبارنامه‌ام را صادر کرد.

در مجمع انسانیت!

همانطور که در هر کشور احزاب سیاسی و مشروطه لازم و ملزوم یکدیگرند، در ایران نیز هموطنانم حس می‌کردند که مشروطه بدون مرکز اتکاء سر نخواهد گرفت و روی این نظر، هرچند نفر که با هم تجانس و اشتراک منافع داشتند، جمعیتی تشکیل می‌دادند تا در موقع لزوم همه روی یک اصل متفق باشند و بتوانند از آزادی دفاع کنند والحق هم که عده‌ای جان در کف نهادند و در راه ایمان و عقیده از همه چیز گذشتند.

اجتماعات مزبور هر کدام روی خود نامی گذاشت و یکی از آن اجتماعات که چندی بعد از مشروطیت در خانه مستوفی‌الممالک از اهالی آشتیان و گرکان و تفرش تشکیل گردید، روی خود نام «مجمع انسانیت» نهاد که مستوفی به ریاست و دو نفر دیگر از جمله به سمت نواب رئیس انتخاب شدند. سپس نزدیک خانهٔ رئیس محلی اجاره نمودند که جلسات مجمع در آنجا تشکیل می‌شد و مثل بعضی انجمن‌های دیگر، عده‌ای مسلح داشت به نام «سرباز ملی» تا موقع لزوم از آزادی دفاع کنند.

جلسات مجمع را من اداره می‌کردم و هر وقت هم که کاری در خارج پیش می‌آمد، عده‌ای از حضار پیشنهاد می‌کردند نایب رئیس دیگر آن را انجام دهد، تا اینکه روزی محمدعلی شاه از شهر به باغ شاه رفت و انجمن مظفری واقع در شمال میدان بهارستان از عموم انجمن‌ها دعوت کرد هر کدام نماینده خود را با مهر انجمن به آنجا اعزام کنند که این مرتبه هیچکس پیشنهادی برای انتخاب آن نایب رئیس ننمود و حضار تقاضا کردند که این کار را هم من انجام دهم.

انجمن مظفری، نامه‌ای به شاه نوشته و درخواست کرده بود خود را از ملت جدا نکند و به شهر مراجعت کند که من نیز مثل سایر نمایندگان آن را مهر کردم. سپس قرار شد هر یک از نمایندگان موضوع را در جمعیت خود طرح کند و هر انجمن یک نماینده دائمی برای تصمیماتی که در آن روزها می‌بایست اتخاذ شود، انتخاب نماید.

مجمع انسانیت تشکیل شد و چون این بار هم کسی برای انتخاب آن نایب رئیس پیشنهادی ننمود، به تقاضای حضار به نمایندگی خود ادامه دادم و بعد چنین تصمیم گرفتند که هر انجمن یکی از طاق‌نماهای مسجد سپهسالار را برای خود تعیین کند که اعضاء در آن محل اجتماع نمایند که این کار شد و عده‌ای از تمام اجتماعات در مسجد حضور یافتند و بعد جمعیتی به نام «کمیسیون حزب» تشکیل گردید که من نیز به عضویت آن انتخاب شدم و محل آن در شبستان مسجد بود که به شور و مشورت می‌پرداختند و دو نفر از اعضای آن به شاه آن‌قدر فحش می‌دادند که سایرین از شنیدن آن کراهت داشتند.

کمیسیون تصمیم گرفت سربازان ملی در مسجد جمع شوند و برای روزی که برای اجازه مسافرت اروپا به باغ شاه رفتم همین دو نفر درجلوی چادر قهرمان خان‌نیرالسلطان فراشباشی ایستاده با ارشدالدوله که نشسته بود نجوا می‌کردند. دفاع از اجرای این تصمیم به مجمع انسانیت رفتم و دم در سرایدار را دیدم که گفت: از اثاثیه و تفنگ و فشنگ هر چه بود به دستور نایب رئیس دیگر بردند و اکنون چیزی نیست که بتوان جلسه تشکیل داد و دستور کمیسیون حزب را به موقع اجرا گذاشت و این کار نه فقط در مجمع انسانیت بلکه در بعضی از انجمن‌های دیگر هم نظیر آن صورت گرفته بود. روز بعد که عازم مجلس شدم، هنوز به چهارراه لاله‌زار نرسیده بودم که صدای شلیک در اطراف مجلس و مسجد بلند شد که من نتوانستم به راه ادامه دهم و از آنجا به خانه مراجعه کردم و آن وقت فهمیدم که نایب رئیس دیگر، بیش از من در سیاست وارد بود و از همه جا اطلاع داشت.

مشروطه خاتمه یافت و دوره‌ای که به استبداد صغیر موسوم شد، جانشین آن گردید. بودنم در جرگه‌ی آزادی‌خواهان و اطلاعاتی که شاه از نظریاتم داشت، سبب شد محلی را در نظر بگیرم تا اگر خواستند مرا دستگیر کنند، خود را در آنجا مخفی نمایم که برای این کار خانه میرزا یحیی خان سرخوش ـ شاعری دانشمند که سال‌ها قبل از مشروطه با من آشنا بود ـ جائی بهتر نیافتم و چنین قرار شد اگر خطری متوجه من بشود، خود را به آنجا رسانیده مخفی نمایم و مدتی با کمال نگرانی به سربردم تا اینکه مجلسی بنام «شورای دولتی» تشکیل شد و بدون کوچکترین اقدامی از طرف من، دستخطی از شاه (سناتوروالاتبار) صادر کرده است و این کار را هم نه فقط نسبت به من که قرابت سببی داشت کرده بود، بلکه با هرکس که مورد تعرض دولتی‌ها قرار می‌گرفت از هرگونه مساعدت دریغ نمی‌کرد.

مجلس شورای دولتی در عمارت خورشید، محل بعدی وزارت دارائی تحت ریاست میرزا عبدالوهاب خان نظام‌الملک تشکیل گردید. مشیرالسلطنه صدراعظم آن را افتتاح نمود و چون برنامه‌ای نداشت، هرکس بمذاق خود صحبتی می‌کرد، تا نوبت به میرزا عباس خان مهندس‌باشی رسید که با نظام‌الملک سابقه داشت و او را مخاطب قرار داد و گفت: ما نفهمیدیم این مدعی العمومی که در مشروطه ایجاد شد، چه صیغه‌ای بود؟

نظام‌الملک در جواب گفت: در خدمت شاهان سلجوقی کسی بود نامش ترخان و کارش این بود که جان شاه را حفظ کند و برای انجام این وظیفه می‌توانست هر وقت و هرکجا حتی به اطاق خود شاه وارد شود و تحقیقات کند. این مدعی العموم مشروطه هم کسی بود مثل ترخان که هر چه می‌خواست می‌کرد (البته با عبارتی مستهجن).

جلسهٔ اول شورای دولتی به این ترتیب خاتمه یافت و چون اطمینان حاصل شد که متعرض من نمی‌شوند به آن یک مرتبه اکتفاء کردم و تصمیم گرفتم وسایل مسافرت خود را برای تحصیل فراهم کنم. صدور تذکره نیز احتیاج به اجازه داشت که این کار هم به دست سناتور والاتبار انجام گرفت.

مسافرت به قصد تحصیل

ژنرال قونسول ایران در تفلیس به حاج دبیرالوزاره، متصدی کارهای من، نوشت: با اداره‌ی محاسبات وزارت‌خارجه مذاکره کند و حوالهٔ حقوق او را به عهده‌ی صندوق تذکره قفقاز صادر نماید. صدور آن تصادف نمود با روزهای قبل از حرکتم که تصمیم گرفتم شهر تفلیس را ببینم و حواله را هم به صاحبش برسانم. در این مسافرت ابوالحسن دیبا برادرم نیز برای تحصیل با من بود.

برای خرید لباس احتیاج به وجه داشتم و از این تاجر ایرانی مقیم تفلیس موسوم به رضایوف ۳۰۰ منات در ازای انگشتر الماسی که وثیقه دادم به قرض گرفتم که بعد از فروش بقیه وجه آن را به آدرس پاریس به من برات کند که در اثناء ناهار را آوردند. عده‌ای در سر میز ناهار جمع شدند. ژنرال قونسول حضار را به من معرفی نمود به یکی از آن‌ها هم که صادق‌اف نام داشت و از مجاهدین معروف بود گفت: من خواهرزاده فرمانفرما هستم و یکی از افراد متمول ایرانم که از این بیانات آن هم در قفقاز و مرکز مجاهدین ناراحت شدم و هر قدر خواستم علت آن را درک کنم، چیزی نیافتم تا اینکه عصر به اتفاق میهماندار و تمام اعضای قونسولگری به گردش رفتیم. لباس و هر چه مورد احتیاج بود خریدیم پاسی از شب می‌گذشت که می‌آمدیم و هنوز به درب قونسولگری نرسیده بودیم که یک نفر از جا برخاست و نامه‌ای که در دست داشت به من داد. ژنرال قونسول خود را چند قدم عقب کشید و همین‌که او رفت جلو آمد و گفت: شما چرا ترسیدید؟ در صورتی که من از جای خود حرکت نکرده بودم و مضمون نامه هم این بود: چون دائی شما با شاه مستبد همکار است، باید ۱۸۰ هزار منات بدهید از این جا حرکت کنید و برای ارعاب هم شکل یک طپانچه و یک تابوت زیر آن رسم شده بود.

از ژنرال قونسول برای بیاناتی که کرده بود، گله کردم و دیگر نخواستم ساعتی در تفلیس بمانم و چون مرکز مجاهدین در بادکوبه بود و ارتباطش با مجاهدین تفلیس محل تردید نبوده از مراجعت به بادکوبه و مسافرت با راه آهن صرفنظر کردم و تصمیم گرفتم از تفلیس به باطوم بروم و از طریق دریا مسافرت نمایم.

ایران

زهیر رضوی ۱۱

آموختن برای آینده
عزل با افتخار

«رشتهٔ نظم امور دولت امروز اشخاص به سلیقهٔ جدید رسانیدن است، و رسانیدن اشخاص موقوف به علم و هنر است که باید از این منبع و ممر خارج شوند. با وجودی که دولت مخارج به قدر وسع خود می‌نماید و آنقدر وجوه می‌دهد، این شعبه بایست خیلی منظم‌تر باشد. شکایت بسیار از نداشتن کتاب می‌کردند... از امروز به بعد درصدد اصلاح این دستگاه بطور جدا خواهم برآمد.»

شاه در حاشیه نوشت: «جناب صدراعظم، نظم امور مدرسه از لوازم دولت است. نشر فواید و قواعد علوم، از اینجا باید بشود. باید در کمال جد و جهد خودتان در نظم این کار ساعی باشید...»

از آن توجه و برداشت کار انتظار می‌رفت کوششی پی‌گیر در تاسیس مدارس و بسط دانش و فن جدید بعمل آید. اما غیر از همان مدرسهٔ اتامازوری کار مهمی انجام نگرفت ـ و حال آنکه در همین دوره در ژاپن و مصر و عثمانی در رشته‌های مختلف علمی مدرسه‌های تازه برپا داشتند. راجع به این مدارس و همچنین ترقی اونیورسیته‌های اروپا مقالات پی در پی با احصائیه‌های منظم در روزنامه‌های ایران نوشتند که شمه‌ای از آن گذشت. ولی در ایران پیشرفت قابل توجهی حاصل نشد.

عزل سپهسالار

... دستخط‌های مهمی از میرزا حسین‌خان و شاه در دست داریم که نکته‌های مهمی را در مرحلهٔ عزل او روشن می‌دارند. فرمان عزل را امین‌الملک ابلاغ کرد. سپهسالار به ظاهر خونسرد و بی‌اعتنا بود، اما در ارجاع مأموریت تازه‌ای میان او و شاه گفت و شنود درگرفت. شاه با «تمجیدات» از خدمات سپهسالار، چنین عنوان کرد که خود «می‌خواهد مشغول انتظام امور دولت گردد.» و ضمن اینکه حکومت اصفهان و یزد و گلپایگان را به وی پیشنهاد نمود، به صراحت نوشت: «اسم فرنگستان» را نبرد.

سپهسالار پاسخ فرستاد: دستخط عزل را با «افتخار» می‌پذیرد، اما در پذیرفتن حکومت ولایات «سه چهار عذر دارم.» یکی اینکه: «پوشیده نیست که فدوی هیچوقت مایل به حکومت نبوده‌ام، و اطلاع از عمل حکومتی ندارم، و نمی‌توانم.» دوم اینکه: «در حکومت سر و کار فدوی باید با اولیای حاضرهٔ دولت باشد، و هر روزه اسباب زحمت... خواهند شد.» دیگر اینکه: «اگر فدوی به حکومت با شأن برود، باز حضرات چنانچه شاید و باید آسوده خاطر نمی‌شوند، و سرکار... [اعلیحضرت] هم کلیتاً مبسوط الید نمی‌شوند.» به دنبال آن نوشت:

«چون مرقوم شده بود اسم فرنگستان را نبرم، اطاعت نموده ذکری از مأموریت فرنگستان به زبان نمی‌آورم. لکن استدعایی که دارم امروز اذن و اجازهٔ سفر زیارت عتبات عالیات به فدوی مرحمت فرمائید، و انشاءالله پس‌فردا عازم می‌شوم. و به قدر هشت ماه این سفر را طول می‌دهم، و سه ماه تمام در نجف اشرف توقف خواهم نمود... تا آن‌وقت اینها هم در کارهای خودشان مقتدر و مسلط و مطمئن می‌شوند. آن وقت فدوی معاودت نموده، در خانه مشغول دعاگویی خواهم بود. اگر رأی مبارک به سفر عتبات اجازه ندهد، مقرر فرمایند باز عود نموده به رشت می‌روم. مردمان بسیار خوبی دارد، از اصل مملکت هم خوشم می‌آید، حکومتش هم با برادرم است... و هوای رشت در زمستان و بهار خیلی مساعد و خوب است. به هر یک از این دو فقره که زیارت عتبات یا مراجعت رشت باشد، ارادهٔ همایونی علاقه گرفت و اشاره فرمودید، فردا صبح حرکت نمود عازم خواهم شد.»

> **«جناب مشیرالدوله، رفتن به عتبات را اذن نمی‌دهم، رفتن به رشت بیمزه شده است. تعریف مازندران را همیشه از من شنیده‌اید...**

دستخط شاه در حاشیهٔ نامهٔ مزبور این است:

«جناب مشیرالدوله، رفتن به عتبات را اذن نمی‌دهم، رفتن به رشت بیمزه شده است. تعریف مازندران را همیشه از من شنیده‌اید که ولایتی است که مثل ندارد. هزار قسم کارخانه و آبادی آنجا می‌توان کرد، سرحد معظمی است، ساختن راه‌های آنجا، تعمیر عمارات صفویهٔ آنجا بسیار مناسب است. شما چطور وزارت کل ایران را می‌کردید، حکومت چرا نمی‌توانید بکنید؟ وانگهی سر و کار شما مخصوصاً با من است، شما چه کار به وزراء دارید، هرگز با شما رجوع نمی‌کنند. به خدا قسم مازندران ببینید مثل بهشت است. رشت و مازندران در حقیقت یکی شده، کارشان مضبوط می‌شود. پس وسواس در این امور نداشته باشید، جواب را زود عرض کنید. اما به عمل راه‌آهن و حساب [–] و حساب فرنگستان قراری بدهید، انشاء الله.»

از نامهٔ میرزا حسین‌خان چند معنی برمی‌آید: توطئه وزیران علیه او؛ بی‌اعتنایی وی به قبول شغل رسمی؛ علاقه‌اش به رفتن به فرنگستان در درجهٔ اول و به سفر عتبات در درجهٔ دوم؛ بی‌میلی او به ماندن در پایتخت و اینکه حاضر است یکروزه از تهران بیرون برود. اما شاه بهیچ وجه نمی‌خواست سپهسالار پایش را از مرز ایران بیرون نهد. آگاه بود که وزیر معزول در فرنگستان نامدار است و در عثمانی محترم؛ برکناری آن وزیر، دست‌کم مایهٔ سرشکستگی دولت بود. اینکه به حکومت مازندران برود و به تعمیر بناهای صفویه بپردازد، به ریشخند سیاسی می‌ماند. ولی این حرفی رندانه و لطیف بود: «شما چطور وزارت کل ایران را می‌کردید، حکومت چرا نمی‌توانید بکنید»؟

سپهسالار پیشنهاد حکومت مازندران را بکلی رد کرد، برای اینکه آنجا دشمنان زیاد داشت. به سفر عتبات یا به مأموریت گیلان اصرار ورزید. و اگر هیچکدام پذیرفتنی نیست، بگذارید «بروم قزوین در سر خانهٔ قدیم خود نشسته، رعیتی نمایم.» زبدهٔ کاغذش را به شاه می‌آوریم:

«... از اجازهٔ به زیارت عتبات تحاشی فرموده بودید، و حال‌آنکه اسلم شقوق به جهت فدوی، و اصلح به حالت حالیهٔ دولت این است که بندهٔ کمترین یک چند در داخلهٔ مملکت نباشم ـ تا خود و دیگران آسوده باشیم، و سر کار همایون ... به فراغت بال مشغول انتظام امور دولت باشند. منع زیارت عتبات این است که هشت ماه عرض نموده بودم طول سفر خواهدشد. حالا عرضه می‌دارم که اینقدر توقف خواهم کرد تا حکم همایونی به مراجعت خانه‌زاد زیارت شود. وجود نابود فدوی تا امروز بحمدالله در هر موقعی که بوده‌ام، اسباب عزت و نیکنامی دولت بوده است. در این سفر هم اگر اذن مرحمت فرمایید، یقین بدانید اسباب و وسیلهٔ ذلت نخواهم گردید؛ باز مصدر خدمت خواهم گردید.

«مرقوم شده است که رفتن رشت بیمزه شده است، به مازندران بروم. اگر مقصود حکومت بود، یزد و اصفهان و گلپایگان که شأناً به مراتب از مازندران زیادتر است. وانگهی خود سرکار... مکرر در عرض راه دستخط مرقوم می‌فرمودید که احتیاط را از دست مده؛ احتمال خطر دارد. حالا در مازندران بهیچ وجه اطمینان جانی به جهت فدوی نیست. بیست نفر از اشخاصی که با فدوی خصومت دارند، در مازندران خانه و بنه و آدم دارند. مگر حکایت میرزا یحیی خان با ایل و طایفه‌ای که در مازندران داشت، از نظر مبارک محو شده است؟ ابداً فدوی خانه‌زاد اطمینان رفتن مازندران ندارد ... در صورتی که باید از طهران بروم، ضرر معینی رشت ندارد که جاهای دیگر نداشته باشد. استدعای عاجزانه دارم: اولا اجازهٔ زیارت عتبات. و اگر نشود مراجعت به رشت. اگر به این فقره هم میل نداشته باشید، اجازه مرحمت فرمایند بروم قزوین، در سر خانهٔ قدیم خود نشسته رعیتی نمایم... زیاده برین خانه‌زاد را متزلزل نگاه ندارید، و یکمرتبه آسوده‌ام فرمایید.»

ادبستان

محمدکاظم کاظمی

شعر انقلاب/ ٤
تحول شعر انقلاب



در دورهٔ انقلاب اسلامی، برعکس، تواناترین و بااستعدادترین شاعران علمداران شعر آیینی بودند و چنین نبود که این موضوع فقط دستمایهٔ شاعران متوسط و کم‌مایه باشد. این کار دیگر نه نشانهٔ تحجّر و واپس‌گرایی، که نشانهٔ تحول و سرزندگی به‌شمار آمد؛ چون دیگر خود مذهب نشانهٔ تحجّر نبود. با ظهور حضرت امام‌خمینی(ره) و دیگر متفکران نواندیش اسلامی مذهب جذّابیتی ویژه یافت. این جذابیّت به شعر نیز سرایت کرد و سبب اصلاح نگرشهای پیشین شد.

توجه دوباره به مذهب لاجرم حضور عناصر و نمادهای دینی و الهام‌گیری از رویدادهای مهم مذهبی، مثل واقعهٔ عاشورا، را درپی داشت. عاشورا به‌ویژه به سبب قرابتی که با جنگ و انقلاب می‌یافت، به‌شکلی حماسی و با نگاهی تازه در شعر امروز مطرح شد. گذشته از این، شاعران انقلاب از بعضی دیگر عناصر دینی الهام‌هایی هم جهت بامفاهیم انقلابی و اجتماعی گرفتند، چنانکه شخصیت حضرت علی(ع) اگر در شعر کهن ما بیشتر از زاویهٔ جود و کرم نگریسته می‌شد، اینجا از زاویهٔ عدل و داد هم نگریسته شد و می‌دانیم که به قول خود مولا، عدل از جود برتر است.

کار دیگری که به دست شاعران انقلاب اسلامی سامان یافت پیوند میان مفاهیم مذهبی و قالب‌های نوین شعر امروز فارسی بود. پیش از انقلاب اسلامی تصور اینکه در این قالبها نیز می‌توان شعر مذهبی موفق سرود دشوار بود؛ چنان‌که گاهی کسانی به طعن و تعریض این را غیرممکن دانستند. شعرهای موفق کسانی چون علی موسوی گرمارودی، حسن حسینی، قیصر امین‌پور و سلمان هراتی نشان داد که این هم امکان‌پذیر است. البته هنوز عموم خوانندگان شعر مذهبی نتوانسته‌اند با این شعرها رابطهٔ کامل برقرار کنند. ولی می‌توان گفت که نگرش گروهی از مردم نسبت به شعر مذهبی ارتقا یافته و سلایقشان بیش از پیش به‌سوی شعرهایی با حال و هوای تازه معطوف گشته است.

اما یک نوع دیگر شعر آیینی هم در این تغییر ذوق و سلیقهٔ عموم بی‌اثر نبود و آن شعری بود در قالب کهن ولی با لحن و بیان نسبتاً تازه و در عین حال دارای آن مایه صراحت و جذابیت صوری که بر مخاطبان عام تأثیر بگذارد. شاعر شاخص این گونه شعرها شادروان محمدرضا آقاسی بود. او را می‌توان سفیر شعر نوکلاسیک در مجامع و محافل سنتی مذهبی دانست، با شعرهایی معروف و تأثیرگذار همچون «شیعه نامه». دیگر بسیار کسان، با شعرهای معمول در آن محافل راضی نمی‌شدند و انتظار شعری از این دست داشتند. البته انکار نباید کرد که آقاسی در سالهای آخر حیاتش تا حدود زیادی تسلیم مقتضیات این محافل شد و به موازات قبول عوام از پسند خواص برکنار ماند.

باری، میزان گرایش به شعر آیینی در سالهای انقلاب اسلامی بسیار بوده است و شاید کم سابقه. ولی به‌نظر می‌رسد شعر آیینی ایران، به‌ویژه در دههٔ اخیر، کمابیش به سمت تشریفات و کنگره‌ای شدن پیش رفته است، تا هدفمندی و برخورداری از گستردگی محتوا و مضامین. شعرها بیشتر شخصیت‌گرا شده‌اند تا مفهوم‌گرا. شاعران بیش از مفاهیم و اندیشه‌های دینی به ستایش بزرگان دین می‌پردازند و باز در این ستایش‌ها تجلیل صرف بر سرمشق‌گیری غلبه دارد.

شاید همین که شعر آیینی برخلاف دو جریان شعر اجتماعی و عاشقانه حمایت مادی و معنوی بیشتری به خود دید، از جهاتی خالی از زیان هم نبود. آن شعر آیینی که در سایهٔ حمایت رشد کند بیشتر موضوع مذهبی می‌یابد، چون موضوع برای آن حامیان بهتر قابل درک و طرح است. در مقابل موضع مذهبی رو به تضعیف می‌رود، چون شاعران حس می‌کنند برای موقعیت یافتن در جشنواره‌ها و مسابقات ستایش صرف کارآمدتر است. شعرهای موضعمند حتی ممکن است به دلایلی مسئله‌دار تلقی شود.

درنگرش محتوایی

با آنچه تاکنون دربارهٔ تحولات محتوایی شعر انقلاب و ارتباط آن با وقایع مهم این سه دهه سخن گفتیم کمابیش روشن می‌شود این شعر بیشترین برجستگی‌اش را در حوزهٔ معانی داشته است. به واقع در این سه دهه سخنانی طرح شد که در پیشینهٔ هزار سالهٔ شعر فارسی بی‌سابقه یا کم سابقه بود. پیوندی که میان مفاهیم دینی و رویدادهای سیاسی و انقلابی ایجاد شد و طرح شدن فضایلی چون ایثار، شهادت، مبارزه و دیگر آموزه‌های دینی در بستره‌ای نوین چیزی بود که پیش از این دیده نشده بود.

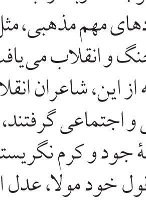
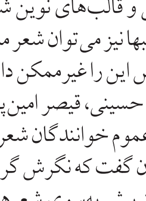
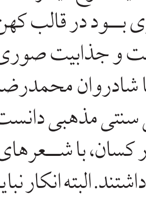
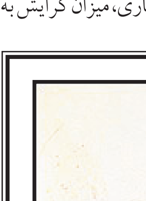
از طرف دیگر شعر فارسی از چنبرهٔ نگاه مادی بعد از مشروطه رها شد و جهشی به سوی مفاهیم قدسی و آسمانی کرد، آن هم نه از نوعی که پیش تر در شعر عرفای کهن تجربه شده بود، بلکه از نوعی که با اجتماع و مسائل آن آمیختگی تمام داشت.

از جانبی به روشنی می‌شود حس کرد که شعر انقلاب، بیش از اینکه جنبهٔ ملی گرایانه داشته باشد، جنبه‌اسلام گرایانه دارد. می‌توان گفت در نگاه شاعران انقلاب «امت واحده» جای «کهن بوم وبر» را گرفته است. پس بی‌سبب نیست اگر شاعران دوران انقلاب به مسائل جهان اسلام عنایتی خاص داشته‌اند.

ولی باید معترف بود که بدایع معنوی شعر انقلاب اسلامی نه در این ارزیابی کوتاه می‌گنجد و نه صاحب این قلم را توانایی پرداختن شایسته به آن است. پس به همین اشارتها که گفته آمد اکتفا می‌کنم.

ویژگی بارز شعر انقلاب در حوزهٔ صورت شعر، گرایش به قالبهای کهن و احیای بعضی از این قالب‌است. بیشتر شاعران برتر این سه دهه مطلقاً کهن سرا بوده‌اند یا در کنار نوسرایی تجربه‌هایی در قالبهای کهن داشته‌اند. علی معلم، نصرالله مردانی و احمد عزیزی مشخصاً کهن سرایند و گاه حتی معارض قالبهای نوین. قیصر امین‌پور، علی‌رضا قزوه و یوسفعلی میرشکاک وضعیتی بینابین دارند.

ادامه دارد

عکس‌ها سخن می‌گویند/ ۵۶

بچه باید درس بخونه

عکس/ مهر

بابا بزرگ چرا منو نمی‌بری مزرعه؟
ـ زن! یه چایی دیگه بریزی من می‌رم دنبال کارم
محسن با تویه حاجی!
ـ چی میگه؟
میگه می‌خواد بره مزرعه
ـ مزرعه چه خبره میرزا محسن؟
می‌خوام کار کنم!
ـ مثلاً چه کار کنی؟
بیل بزنم، شخم بزنم، درخت بکارم، گندم بکارم، موز بکارم
الهی قربون نوهٔ کاری‌ام برم... حاجی تو رو خدا بچه‌امو ببر مزرعه...
ـ این کاری که میرزا محسن می‌خواد تو مزرعه انجام بده، گنجشک‌ها هم می‌کنن!
وا! این چه حرفیه حاجی؟
ـ وا نداره زن! بچه پاش به باغ برسه خرابکاری می‌کنه...
آخه چه خرابکاری؟
ـ ای بابا! مگه پدرش یادت نیست؟ پدر منو درمی‌آورد، هر بار می‌بردمش باغ!
ولی محسن من فرق می‌کنه!
ـ چه فرقی می‌کنه؟ بچه همون پدره!... حوصله بچه‌داری وسط کار و کشاورزی ندارم...
آخه مرد، بچه است، دلش میخواد...
ـ بچه که نباید دلش بخواد، بچه باید درس بخونه... درس نخونه، مثل من میشه عمله... این چایی آخر هم که ۲زار نمی‌ارزه...

نما

ایرج آدیگوزلی

خاطرات یک مترجم؛ محمد قاضی

مشکل معافیت


محمد قاضی

من در آن یک هفته، که از ساعت شش صبح شنبه روزی شروع شد، لباس کار پوشیدم، در کتابخانه را به روی اشخاص بستم و جداً مشغول شدم. کتاب‌ها را به ترتیب موضوع در قفسه‌ها چیدم و هر عنوانی را که به زبان‌هایی غیر از فرانسه و انگلیسی بود یا من نمی‌فهمیدم با استفاده از محضر جناب دکتر قاسم‌زاده استاد دانشکدهٔ حقوق، که معلم خود من در دانشکده بود و اتاقش هم وصل به تالار کتابخانه بود شناسایی می کردم و در قفسه‌های مربوط به خودشان می چیدم. چیدن مجله‌ها به ترتیب موضوع و تاریخ و شماره کار ساده‌تری بود و من در این کار از حافظهٔ قوی خود بسیار سود بردم.

صبح شنبهٔ هفتهٔ بعد، به آقای نوایی گزارش دادم که کار تمام شده است و کسانی که کتاب یا مجله می خواهند می توانند مراجعه کنند. بازدید او و نمایندهٔ وزیر و تنی چند از رؤسای بزرگ وزارتخانه از کتابخانه در همه ایجاد شگفتی و تحسین کرد. از آن تل بزرگ کتاب و مجله در وسط تالار اثری بر جای نمانده بود و قفسه‌ها که تا یک هفتهٔ پیش همه به صورت زشتی دهن وا کرده بودند اینک امانت خود را باز گرفته بودند و دهانشان بسته شده بود. هر کتابی که خواستند دادم و هر مجله‌ای که طلب کردند آوردم. یک ماه بعد، دویست تومان به من پاداش دادند و ظهر وقتی پولم را به عمو تحویل دادم آفرین گفت و ده تومان به خودم پول توجیبی داد.

از آن روز به بعد، من رئیس دایرهٔ کتابخانه شدم و کار تنظیم فیش‌ها را با اسلوبی که در نظر داشتم آغاز کردم. کتابخانه همچنان جزو بایگانی ماند و حیثیتِ حسین پاشا خان با این فداکاری من حفظ شد، ولی حاسدانِ بدطینت بیکار ننشسته بودند و به تفتین خود به انواع حیل ادامه می‌دادند. گاهی کتابی یا مجله‌ای را تنها با تعیین موضوع آن می خواستند و از نام کتاب یا مؤلف آن چیزی نمی دانستند؛ وچون پیدا کردن چنین کتابی مشکل بود کتابخانه را به بی‌نظمی متهم می کردند. من هر بار که به انگیزهٔ چنین تهمتی احضار می‌شدم دفاع موجه می کردم و با چاشنی چند متلک طرف را شرمنده می‌نمودم.

این بار پاپیچ خودم شدند و کوشیدند تا مرا از کتابخانه برانند. ضربه چنان شدید بود که نه تنها از کتابخانه بلکه از وزارتخانه رانده شدم.

چهارده ماه از خدمتم در وزارتخانه می گذشت و در نیمه‌های سال دوم دانشکدهٔ حقوق بودم که روزی از طرف ادارهٔ کارگزینی احضار شدم. رئیس کارگزینی مرا به احترام پذیرفت و پروندهٔ استخدامی‌ام را پیش کشید. ابتدا مقدمه‌ای دربارهٔ حسن خدمت من و رضایت اولیای امور از کارم بیان کرد و آنگاه گفت: آقای عزیز، ما در مورد شما دچار مشکل بزرگی شده‌ایم که متأسفانه قابل حل نیست. پرسیدم: چه مشکلی؟ گفت: شما در بدو استخدام یک معافی شش ماههٔ نظام وظیفه داشتید که ضمیمهٔ پرونده است و قرار بود پس از انقضای شش ماه یا معافی را تجدید کنید یا به خدمتتان خاتمه داده شود. اینک هشت ماه اضافه بر مدت اعتبار آن معافی حقوق گرفته‌اید که موجه نبوده است و باید به صندوق وزارتخانه پس بدهید، و به خدمتتان نیز خاتمه داده شود.

گفتم: اولاً در قبال پولی که گرفته‌ام به معنای درست کلمه کار کرده‌ام. ثانیاً تجدید آن معافی برای من مقدور نیست، زیرا معافیت تحصیلی گرفته‌ام و خود شما می‌دانید که اکنون دانشجوی حقوقم. ثالثاً تا وقتی که ادارهٔ نظام وظیفه گریبان مرا نگرفته و مرا به خدمت جلب نکرده است شما مانعی برای ادامهٔ خدمت من در نزد خود ندارید، مگر اینکه نخواهید مرا نگاه دارید، که در این صورت موضوع فرق می کند.

او گفت: کارگزینی مجاز نیست به اعتبار معافیت تحصیلی کسی را استخدام کند، و بر گفتهٔ خود اکیداً پافشاری کرد. جریان را به حسین پاشاخان گفتم. سخت ناراحت شد و فقط گفت: آخر کار خودشان را کردند. برای نگاه داشتن من در وزارتخانه به تکاپو افتاد، ولی مقررات خشک اداری نگذاشت که او از تلاش‌های خود نتیجه‌ای بگیرد. تنها کاری که توانست بکند این بودکه مرا از پس دادن حقوق هشت ماهه معاف کرد.

ادامه دارد

پایان یک رمان: «صلیب آتشین»



پس از یک هفته تویید افراد گروهش را به دفتر کارش احضار کرد. کبوی گلوی نیومن و همچنین پاولا که بیوکانان را نسبت به درستی داستانشان قانع کرده بود، ناپدید شده بود. مارلر به دیواری تکیه داده و سیگار می کشید. باتلر ونیلد بر لبهٔ میز پاولا و نیومن بر صندلی دسته‌داری نشسته بودند. پاولا پرسید: مانتو کی بود؟ هنوز نمی‌فهمم. چرا دو تروریست وجود داشت؟ تویید گفت: دو تروریست وجود نداشت. مارلر، مانتو بود. فقط سه نفر از این موضوع آگاه بودند: ناوار، من و لاسال... [پرسید:] ولی چرا؟ [گفت:] اگر ساکت بمانی می گویم. این هم بخشی از نقشهٔ من در جنگ روانی با دوفورژ بود. ما می‌دانستیم که او از کالمار استفاده می کند. به همین دلیل من برای بر هم زدن تعادل روحی دوفورژ، تروریست دیگری خلق کردم. برتیه شماره تلفن‌های خصوصی لامی و دوفورژ را به لاسال داده بود. بقیهٔ برنامه هم خیلی ساده بود.../٥٦٣

...او از وزارت دفاع خواسته بود تا یک نفر را انتخاب کنند. آنها هم رزواتر را انتخاب کردند؛ نخست‌وزیر هرگز مرتکب چنین خطایی نخواهد شد. حالا باید بروم. مونیکا گفت: ایزابل خطرناک است. شاید او زن آموزش دیده‌ای باشد. اما آیا ایزابل و پاولا می توانند با هم کار کنند؟ تردید دارم. این باعث دردسر خواهد شد. [جواب داد:] آنها در ارکاچون خوب با هم کار کردند. خودم دیدم. مونیکا از بی صبری چشمانش را چرخاند و گفت: چون آنجا در موقعیت خطرناکی بودند. امان از دست مردها! تو باید مطالبی هم دربارهٔ زنها بیاموزی. [گفت:] تو دچار توهم شده‌ای. [مونیکا:] راستی؟ مگر ندیدی که پاولا بدون خداحافظی و بدون توجه، از مقابل نیومن گذشت؟ بسیار خب! ایزابل را بیاور و نتیجه‌اش را ببین!

«صلیب آتشین»، نوشتهٔ کولین فوربز، ترجمهٔ محمد قصاع، چاپ اول ۱۳۷۵، نشر البرز/ ٥٦٧ و ٥٦٨

دیروز

شهرام انصاری

انقلاب ایران به روایت میشل فوکو

اقتدا به حسین (ع)

پی‌یر بلانشه: شاید ما در مقام قیاس با مشکلات اقتصادی بیشتری روبه‌روئیم.

میشل فوکو: شاید. در نهایت با در نظر گرفتن تمام مشکلات اقتصادی، هم‌چنان باید ببینیم که چرا مردم قیام کردند و گفتند: دیگر این وضع را نمی‌خواهیم. ایرانیان با قیام‌شان به خود گفتند – و این شاید روح قیام‌شان باشد: ما به‌طور قطع باید این رژیم را تغییر دهیم و از دست این آدم خلاص شویم، باید کارکنان فاسد را تغییر دهیم، ما باید همه چیز را در کشور، اعم از تشکیلات سیاسی، نظام اقتصادی و سیاست خارجی تغییر دهیم. اما به ویژه بایدخودمان را تغییر دهیم. باید شیوه بودن‌مان و رابطه‌مان با دیگران، با چیزها، با ابدیت، با خدا و غیره کاملاً تغییر کند و تنها در صورت این تغییر ریشه‌ای در تجربه‌ی‌مان است که انقلاب‌مان انقلابی واقعی خواهد بود. من فکر می‌کنم که در همین جا است که اسلام ایفای نقش می کند. آیا این نقش همان جاذبه‌ای است که تکالیف و دستورهای اسلام دارد؟ شاید، اما به ویژه در رابطه با شکل زندگی چنین نقشی برای‌شان دارد، و مذهب برای آنان نوید و تضمین وسیله‌ای برای تغییر ریشه‌ای ذهنیت [سوبژکتیویته]شان است. تشیع دقیقاً شکلی از اسلام است که با تعالیم و محتوای باطنی خود میان اطاعت صرف بیرون و زندگی عمیق معنوی تمایز قائل می‌شود؛ وقتی می گویم که آنان از طریق اسلام در جست‌وجوی تغییری در ذهنیت خویش اند، این گفته کاملاً سازگار است با این واقعیت که روش سنتی اسلامی از پیش حضور داشته و به آنان هویت می‌داده است؛ در این شیوه که آنان مذهب اسلام را به منزله نیرویی انقلابی زیست می کنند، چیزی غیر از اراده به اطاعتی وفادارانه‌تر از قانون شرع وجود داشت، یعنی اراده به تغییر کل هستی‌شان با بازگشت به تجربه‌ای معنوی که فکر می کنند در قلب اسلام شیعه می‌یابند. همیشه از مارکس و افیون مردم نقل قول می‌آورند. [اما] جمله‌ای که درست پیش از آن جمله وجود دارد و هرگز نقل نمی‌شود، می گوید که مذهب روح یک جهان بی‌روح است. پس باید گفت که اسلام در آن سال ۱۹۷۸ افیون مردم نبوده است، دقیقاً از آن رو که روح یک جهان بی‌روح بوده است.

کلربری‌یر: برای روشن کردن گفته تو، یعنی «در آن‌جا تظاهرات به راستی ظاهر کردن است»، فکر می کنم باید از واژه شهادت استفاده کرد. در ایران همواره از حسین سخن می گویند. حال حسین کیست؟ یک «ظاهرکننده»، یک شاهد، یک شهید که با رنج خود علیه بدی ظهور کرد و مرگ‌اش با شکوه‌تر از زندگی فاتح‌اش بود. مردمی که با دست خالی تظاهرات می کردند نیز شاهد بودند. آنان بر جنایت‌های شاه، جنایت‌های ساواک، بی‌رحمی رژیمی که دیگر آن را نمی‌خواستند و بر شری که این رژیم تجسم می بخشید، شهادت می‌دادند.

پی‌یر بلانشه: من به هنگام صحبت از حسین، با مسئله‌ای مواجه می‌شوم. حسین یک شهید بود و جان باخت. مردم ایران با فریادهای خستگی‌ناپذیر «شهید، شهید»، شاه را بیرون کردند و این باور نکردنی و بی‌سابقه است. اما اکنون چه روی خواهد داد؟ همه تا آخرین نفس و تا وقوع کودتای نظامی، فریاد نخواهند زد «شهید، شهید». با رفتن شاه، جنبش به ناگزیر چند پاره خواهد شد.

> **در ایران همواره از حسین سخن می‌گویند. حال حسین کیست؟ یک «ظاهرکننده»، یک شاهد ، یک شهید**

میشل فوکو: زمانی فراخواهد رسید که این پدیده که تلاش می‌کنیم درک‌اش کنیم و ما را به شدت مجذوب خود کرده است ـ یعنی خودتجربه انقلابی ـ خاموش خواهد شد. دقیقاً نوری بود که در همه این مردم روشن بود و در عین حال همه آنان را در خود غرق کرد. این نور خاموش خواهد شد. آن‌گاه نیروهای متفاوت سیاسی و جریان های متفاوت سر برخواهند آورد، سازش‌هایی صورت خواهد گرفت و من به هیچ‌وجه نمی‌دانم چه کسی پیروز خواهد بود و گمان نمی‌کنم زیاد باشند کسانی که بتوانند از هم اکنون این را پیش گویی کنند. این نور محو خواهد شد. فرایندهایی متعلق به سطحی دیگر و به نوعی متعلق به واقعیتی دیگر وجود خواهد داشت. منظورم این است که آن‌چه شاهدش بوده‌ایم، نتیجه‌ی یک ائتلاف، مثلاً میان گروه‌های متفاوت سیاسی نبود، نتیجه‌ی سازش میان دو طبقه‌ی اجتماعی هم نبود که یکی با عقب‌نشینی بر سر این موضع و دیگری بر سر موضعی دیگر، سرانجام بر سر مطالبه‌ی این یا آن انتخاب به توافق برسند. ابداً چیز دیگری روی داد. پدیده‌ای همه‌ی مردم را در بر گرفت و روزی از حرکت باز خواهد ایستاد. در آن زمان دیگر فقط محاسبه‌های سیاسی باقی خواهد ماند، محاسبه‌هایی که هرکس پیوسته در سرداشته است. یک عضو فعال یک گروه سیاسی را در نظر بگیرید. هنگامی که او در یکی از آن تظاهرات شرکت می‌کرد دوپاره بود: هم محاسبه‌ی سیاسی خود را در سرداشت و هم فردی درگیر این جنبش انقلابی، یا به عبارت بهتر، یک ایرانی قیام کرده علیه پادشاه‌اش بود. و این دو برهم منطبق نیستند، [زیرا] او به دلیل فلان محاسبه‌ی حزب خود، علیه شاه قیام نکرده‌است.

کلر بری یر: یکی از مثال‌های گویای این جنبش آن چیزی است که برای کُردها روی داد. کردها که اکثریت‌شان سنی مذهب‌اند و گرایش‌های خود مختاری‌شان از دیرباز برهمه آشکار است، با زبان این قیام و این جنبش سخن می گفتند. همه فکر می‌کردند که کردها مخالف این جنبش‌اند، حال آن که آنان از این جنبش حمایت می‌کردند و می گفتند: «درست است که ما سنی هستیم اما پیش از هر چیز مسلمان‌ایم.» هنگامی که از ویژگی کردبودن‌شان با آنان سخن می گفتی، کم و بیش واکنشی حاکی از خشم و عدم پذیرش نشان می‌دادند. آن‌ها به زبان کردی به تو پاسخ می‌دادند و مترجم از کردی ترجمه می‌کرد: «چه، ما کُردیم! نه ابداً، ما پیش از هر چیز ایرانی هستیم، و در تمام مسائل و مشکلات ایران سهیم‌ایم، ما می خواهیم شاه برود.» شعارهای کردستان دقیقاً همان شعارهای تهران یا مشهد بود: «درود بر خمینی»، «مرگ بر شاه»

میشل فوکو: من ایرانی‌هایی را در پاریس می‌شناختم وآن‌چه در بسیاری از آنان مرا شگفت‌زده می‌کرد ترس بود. ترس از این که معلوم شود با چپ‌ها رفت و آمد دارند. ترس از این که مأموران ساواک با خبر شوند که آنان فلان کتاب را می‌خوانند وغیره، وقتی درست پس از کشتار ماه سپتامبر[۱۷شهریور] به ایران وارد شدم به خودم می‌گفتم که با شهری وحشت‌زده رو به‌رو خواهم شد، چون در آن‌جا چهار هزار نفر کشته شده‌بودند. نمی‌توانم بگویم که در آن جا مردمانی شاد و مسرور دیدم، اما از ترس خبری نبود وحتا شجاعت‌شان بیش‌تر هم شده بود، به عبارت دقیق‌تر، مردم وقتی خطر را بی‌آنکه رفع شده باشد، پشت سر می گذارند شجاعت‌شان بیشتر می‌شود. مردم در انقلاب‌شان خطر مسلسل‌هایی را که همیشه در مقابل‌شان قرار داشت، پشت سر گذارده بودند.

پی‌یر بلانشه: آیا کردها همواره با شیعیان خواهند ماند؟ آیا جبهه‌ی ملی با مذهبی‌ها خواهد بود؟ آیا روشنفکران همواره از [آیت‌الله] خمینی پیروی خواهند کرد؟ اگر بیست هزار نفر کشته شوند و ارتش واکنش نشان دهد، اگر جنگ داخلی روی دهد یا یک جمهوری اسلامی خودکامه بر سر کار آید، آن‌گاه این خطر وجود دارد که شاهد واگشت‌هایی غریب باشیم. برای مثال خواهند گفت که [آیت الله] خمینی جبهه‌ی ملی را وادار کرد که برخلاف میل‌اش واکنش نشان دهد. یا بگویند[آیت‌الله] خمینی نخواست به خواسته‌ی قشرهای میانی و روشنفکران برای سازش توجه کند. همه جور حرف‌هایی که هم درست‌اند هم نادرست.

میشل فوکو: همین طور است. این‌ها درست و درعین حال نادرست‌اند. روزی یک نفر به من گفت که تمام آن‌چه شما در مورد ایران تصور می کنید، در واقع صحت ندارد و شما نمی دانید که کمونیست‌ها همه جا هستند، اما برعکس، من این را می‌دانم. من می‌دانم که بسیاری به سازمان‌های کمونیستی یا مارکسیست– لنینیست تعلق دارند و این را نمی‌شود انکار کرد. اما اگر من از مقاله‌های شما لذت می‌بردم، به این دلیل بود که این مقاله‌ها به درستی تلاش نمی کردند که این پدیده[ی انقلاب] را به اجزاء تشکیل دهنده‌اش تجزیه کنند و اجازه می‌دادند این پدیده همچون نوری که می‌دانیم از اشعه‌های متعدد تشکیل شده است بماند. خطر و نفع سخن گفتن از ایران در همین است.

پی یربلانشه: برایت مثالی می‌آورم. یک شب پس از ساعت منع عبور و مرور، با یک خانم[ایرانی] چهل ساله که کاملاً غربی شده و در لندن زندگی کرده بود و در شمال تهران خانه داشت، بیرون رفتیم. یک شب در ایام قبل از محرم بود و او به محل اقامت ما در یک محله‌ی پایین شهر آمده بود. از همه طرف صدای تیراندازی می‌آمد. ما او را به کوچه پس کوچه‌ها بردیم تا نظامی‌ها و مردم و فریادهای روی پشت بام‌ها وغیره را ببیند... این نخستین بار بود که پای پیاده به این محله می آمد و نخستین‌بار بود که با مردم فقیر کوچه وخیابان که فریاد می‌زدند«الله اکبر»، صحبت می‌کرد. او از این که چادر برسر نداشت کاملاً پریشان و سراسیمه بود، نه به این دلیل که می‌ترسید اسید روی صورت‌اش بپاشند، بلکه می‌خواست مثل زنان دیگر باشد. مسئله‌ی چادر آن‌قدرها هم مهم نبود، بلکه آن‌چه اهمیت داشت حرف‌هایی بود که مردم برای ما بازگو می‌کردند. آنان به شیوه‌ای کاملاً مذهبی صحبت می‌کردند و همیشه در پایان می‌گفتند:« خدا حفظ تان کند» و بسیاری از عبارت‌های تا حدودی عرفانی. آن خانم هم با همان شیوه و با همان زبان پاسخ می‌داد. او به ما گفت که این نخستین‌بار است که این چنین صحبت می‌کند. او به شدت تحت تأثیر قرار گرفته بود!

ادامه دارد

شرح

من؛ چارلی چاپلین/٤

آکواریوم سلطنتی


چاپلین در جوانی

رنگین کمانی به رنگهای مختلف که با رنگ خاکستری تیره‌ی ساختمان مجلس شورا واقع بر ساحل مقابل رود «تیمز» تناقضی آشکار داشت.

این بودلندن دوران کودکی من، لندن رؤیاهای من و آرزوهای نقش برآب شده من. از «لامبت» و فصل بهار، از حوادث کوچک و از پیشامدهای ناچیز یاد می‌کنم، و گردشهایی را که با مادرم با درشکه می‌کردم وضمن حرکت می‌کوشیدم به گلهای یاس دست بزنم به خاطر می‌آورم. یادم می‌آید که بلیتهای پاره شده‌ی تراموا وامنی‌بوس به رنگهای نارنجی و آبی و گلی و سبز در ایستگاهها روی زمین پیاده‌روها، ریخته بود. گل فروشهای سرخ چهره را در گوشه خیابان «وست‌مینستربریج» که دسته گلهای شاداب درست می‌کردند و انگشتان ورزیده‌شان را، که با کاغذهای نقره‌ای و برگهای لرزان سرخس ورمی‌رفتند، به یاد می‌آورم عطر نمناک گلهای سرخ تازه آب‌داده را، که اندوهی بی‌نام و نشان در جانم می‌ریختند، و یکشنبه‌های حزن‌انگیز و پدران و مادران رنگ پریده را با بچه‌هاشان که آسیابهای بادی بازیچه و بالنهای رنگی بر پل وست‌مینستر تکان می‌دادند، به خاطر دارم. و نیز از قایقهای کوچکی یاد می‌کنم که روکش خودرا آهسته فرود می‌آوردند تا به زیر آن بخزند. و من گمان می‌کنم که جانم از همه‌ی این چیزها درست شده است.

از این گذشته در اتاق پذیرایی ما چیزها و خرت و پرتهایی بود که احساس عمیقی در من بجا گذاشتند: عکسی بود از «نل گوین» هنرپیشه به اندازه‌ی طبیعی، که به مادرم تعلق داشت و من از آن متنفر بودم. تنگهای کوچک و گردن درازی بود روی بوفه که دیدنشان ناراحتم می‌کرد، و جعبه‌ی گرد و کوچک موسیقی با آن درپوش میناکاریش که روی آن عکس فرشته‌ها بر بالای ابرها نقاشی شده بود و آن جعبه در آن واحد هم ناراحتم می‌کرد و هم از آن خوشم می‌آمد. ولی آنچه بیش از همه مورد علاقه‌ام بود صندلی کوچک خودم بود که آن را به سه شاهی از کولیها خریده بودم و از آن جهت آن را می‌پرستیدم که تعلق آن را به خود، شدیداً حس می‌کردم.

خاطره‌هایی هم از لحظات حماسی زندگی خود داشتیم: مثلاً دیداری از «آکواریوم سلطنتی» که به همراهی مادرم برنامه‌های تفریحی آن را تماشا می‌کردیم: سرزنی، در حالی که لبخند می‌زد از میان شعله‌ها بیرون می‌آمد، و ما با پرداخت شش پنس می‌توانستیم پاکت سربسته‌ای از او بگیریم. مادرم مرا تا بالای چلیکی پر از خاک اره بلند می‌کرد و من یک پاکت سربسته که در آن سوتکی از آب نبات بود بر می‌داشتم. سوتک، سوت هم نمی‌زند. یک بسته چیزهای بی‌ارزش هم گرفتم. دیداری هم از تماشاخانه «کانتربوری» داشتیم و من آنجا در صندلی دسته‌داری از پارچه قرمز می‌نشستم و به پدرم که نمایش خودش را می‌داد نگاه می‌کردم...

شب است و من پیچیده در یک پتوی سفری، بر نیمکت کالسکه‌ی چهار اسبه‌ای که مادرم و دوستانش را از تئاتر برمی‌گرداند نشسته‌ام. با صدای خنده‌ها و گفته‌های شاد آن‌ها نرم و سبک تاب می‌خورم و سورچی هم باخش خش موزون زین ویراق اسب‌ها و تلاق تلاق برخورد سمشان بر سنگفرش‌ها مرتباً بوق می‌زند تا در خیابان شلوغ «کنینگتن رود» راهی برای عبور کالسکه باز کند.

ناگهان حادثه‌ای روی داد که در وضع ما بسیار موثر بود. یک ماه یا شاید چند روز بعد بود که ناگهان متوجه شدم روابط مادرم با دنیای خارج، چنانکه باید، خوب نیست. او آن روز در تمام مدت صبح با زنی از دوستانش بیرون رفته بود و چون به خانه برگشت بسیار منقلب و ناراحت بود. من بر کف اتاق بازی می‌کردم که بالای سرم احساس ناراحتی و هیجان شدیدی کردم، چنانکه انگار در ته چاهی هستم و صدایی می‌شنوم.

ادامه دارد

هنر

برشت و تئاتر
نابودی زیبایی شناسی



درست است که آنکه برای تئاتر شوری در سر دارد امروزه دیگر نمی‌تواند سنخ قدیم تماشاگران را جدی بگیرد. اما اگر انتظار سنخ جدیدی را داریم، یک لحظه هم نباید فراموش کنیم که این سنخ جدید، باید تئاتر رفتن را از نو یاد بگیرد. و این به این معنی است که قبول اولین خواستهای او هم بی جا خواهد بود. چون اساس تبادل نظر در مورد این خواستها سوءتفاهم خواهد بود و بس، (اگر سیاه پوستی بیاید و یک ریش‌تراش برقی را، به جای استفاده از آن برای تراشیدن ریش، به عنوان تزئین به گردن بیاویزد، البته کار رفت تازه‌ای برای آن پیدا کرده است ولی این کار رفت، پیشنهاد معقولی برای اصلاح دستگاههای ریش‌تراشی نخواهد بود.)

ادعای آن چند کارگردان جدیدی که می‌گویند تغییرات آنها در نمایشنامه‌های کلاسیک به پیروی از خواستهای تماشاگرانشان صورت می‌گیرد به نظر من اساس درستی ندارد، چون واقعیت این است که این تماشاگران، نمایشنامه‌های جدید را تنها در صورتی می‌پسندند که آنها را در قالبی هرچه قدیمی‌تر ببینند. بنابراین، کارگردانی که پی‌برده است که تماشاگران هیچ نوع خواستی ندارند، موظف است که اولاً توجه خود را از آنها بربگیرد و ثانیاً به آثار پوسیدهٔ تئاتر قدیم، فقط و فقط چون مصالح کار نگاه کند، یعنی سبک‌هاشان را نادیده بگیرد، نویسنده‌هاشان را از یادها ببرد و مهر سبک عصر ما را بر پیشانی تمامی این آثار بزند که برای ادوار دیگری ساخته شده‌اند.

این سبک را کارگردان نباید از مغز کوچک خود، بلکه از آثار نمایشی این عصر تحصیل کند. تمام اجراهای او باید حکم تجدید آزمایشهائی را داشته باشند که لامحال به خلق تئاتر مناسب عصر ما، یعنی تئاتر بزرگ داستانی و مستند، منجر خواهند شد.

بهتر نیست زیبائی‌شناسی را نابود کنیم؟

آقای ایکس! اینکه از شما خواهش کردم از دیدگاه جامعه‌شناسی دربارهٔ آثار نمایشی داوری کنید به این لحاظ بود که از جامعه شناسی توقع داشتم آثار نمایشی موجود را نابود کند. من، چنانکه بی‌درنگ دریافتید، از جامعه‌شناسی انجام وظیفه‌ای ساده و قاطع را متوقع بودم: می‌خواستم دلیلی ارائه بدهد برای اینکه آثار نمایشی موجود، دیگر حق وجود ندارند و هرچه که در حال حاضر یا در آینده، بخواهد باز هم بر شرایطی استوار باشد که زمانی اثر نمایشی بزرگ را امکان‌پذیر می‌کردند، دیگر آینده‌ای نخواهد داشت، و یا به قول آن جامعه‌شناسی که امیدوارم مانند من به قدر و ارزش او اذعان داشته باشید: دیگر محلی در جامعه نخواهد داشت. هیچ یک از علوم به اندازهٔ علم مورد تخصص شما از آزادی فکری برخوردار نیست، و هریک از علوم دیگر، زیاده از حد متوجه و درگیر جاودانی کردن سطح فعلی تمدن ماست.

برای شما خرافهٔ رایجی که می‌پندارد قصد اثر نمایشی، ارضای امیال جاودانی بشری بوده است متصور نیست، چون سعی هر اثر نمایشی ممکن، همواره بر ارضای تنها یک میل ابدی بوده است و بس: دیدن نمایش. شما می‌دانید که هر میل دیگری تغییر می‌پذیرد، و می‌دانید چرا. پس، شما که جامعه‌شناس هستید، شمائی که از کف دادن یکی از امیال بشری را با زوال بشریت برابر نمی‌بینید، تنها شما آماده‌اید این واقعیت را بپذیرید که نمایشنامه‌های شکسپیر، که شالودهٔ نمایشنامه‌های ما هستند، امروزه دیگر از تأثیر افتاده‌اند. در طی سیصد سالی که از خلق این آثار می‌گذرد، فرد به کاپیتالیست تحول پیدا کرد، و آنچه امروز این آثار را از پای در می‌آورد خود کاپیتالیسم است و نه آنچه به دنبال کاپیتالیسم خواهد آمد. بی‌معنی خواهد بود اگر در اینجا به آثار نمایشی بعد از شکسپیر هم اشاره‌ای کنیم، چون همهٔ آنها بدون استثنا ضعیف‌ترند، بخصوص نمایشنامه‌های آلمانی که تحت تأثیر سنت نمایشی رومی، یکسره به راه انحراف رفته‌اند. تنها موطن‌پرستانند که هنوز هم از این آثار جانبداری می‌کنند.

انتخاب نظرگاه جامعه‌شناختی به ما امکان می‌دهد به این واقعیت پی ببریم که ما، تا آنجا که به ادبیات مربوط می‌شود، در مرداب فرو رفته‌ایم. گیرم در یکی دو مورد بتوانیم حرف جامعه‌شناسان را به زیبائی‌شناسان بقبولانیم، یعنی این را که آثار نمایشی موجود به هیچ دردی نمی‌خورند، ولی در هر حال امید آنان را به اصلاح این آثار به هیچ وجه نمی‌توانیم قطع کنیم. (در تصور زیبائی‌شناسان فقط یک چیز است که می‌گنجد: «اصلاح»، آن هم از طریق استفاده از فوت و فنهای پوسیده، مثلا ساختمان «بهتر» نمایشنامه در مفهوم قدیم آن، یا زمینه‌پردازی «بهتر» برای آن دسته از بینندگانی که به هر تقدیر فقط به دریافت زمینه‌پردازیهای قدیم معتادند، و نظایر اینها.) ظاهراً وقتی می‌گوئیم آثار نمایشی موجود، دیگر هرگز اصلاح نمی‌پذیرند و باید نابود شوند، فقط جامعه‌شناس است که از ما جانبداری می‌کند. جامعه‌شناس است که می‌داند که در شرایطی خاص، دیگر از دست اصلاحات کاری ساخته نیست. ملاک ارزش گذاری او نه «خوب» و «بد»، بلکه «درست» و «نادرست» است. جامعه‌شناس کسی نیست که اثری «نادرست» را تحسین کند تنها به این علت که فی‌المثل «خوب» (یا «زیبا») است و تنها اوست که می‌تواند گیرائیهای زیبائی‌شناختی یک اجرای نادرست را از نظر دور نگه دارد، و تنها اوست که می‌داند نادرست کدام است. جامعه‌شناس، نسبی‌گرا نیست، بلکه فقط به علائق زندهٔ جامعه توجه دارد. تفریحی در این نمی‌بیند که قادر باشد هرچیزی را ثابت کند، بلکه فقط آن چیزی را دنبال می‌کند که ارزش اثبات کردن را دارد. جامعه‌شناس فقط مسئولیت یک چیز را قبول می‌کند و نه مسئولیت همهٔ چیزها را. جامعه‌شناس، مرد مورد نظر ماست.

نظرگاه زیبائی‌شناختی، حتی آنجا که نتیجه‌اش تحسین است، نمی‌تواند حق مطلب را نسبت به آثار نمایشی جدید ادا کند. این واقعیت را با نگاهی سطحی به کمابیش همهٔ نقدهائی که به طرفداری از نمایشنامه‌نویسی جدید انجام گرفته می‌توان ثابت کرد. این منتقدان، حتی هنگامی که در موردی، از روی غریزه، به جهتی درست رفته‌اند، نتوانسته‌اند از میان واژگان زیبائی‌شناختی خود، چیزی جز یکی دو شاهد قاطع برای نظر مساعدشان ارائه دهند و جمع تماشاگران را به اندازهٔ کافی در جریان امر بگذارند. و از همه مهمتر، هیچ نوع دستورالعملی در اختیار تئاتری که به اجرای این نمایشنامه‌ها ترغیبش می‌کرده‌اند، نمی‌گذاشتند. به این ترتیب، نمایشنامه‌های جدید سرانجام باز هم به کار تئاتر قدیم می‌آمدند و زوال این تئاتر را به تعویق می‌انداختند، در حالی که درست همین زوال بود که می‌توانست راه گشای پیشرفت نمایشنامه‌های جدید باشد. موقعیت نمایشنامه‌های جدید تنها برای کسانی غیرقابل فهم است که از وجود خصومت شدید میان نسل حاضر و همهٔ آنچه گذشتهٔ این نسل را تشکیل می‌دهد، بی‌خبرند و بر این عقیدهٔ رایج صحه می‌گذارند که نسل امروزی فقط می‌خواهد وارد میدان شده باشد و طرف توجه قرار گرفته باشد. در حالی که این نسل، نه می‌خواهد و نه امکانش را دارد که تئاترهای موجود و تماشاگرانش را فتح کند یا در این تئاترها و در برابر این تماشاگران نمایشنامه‌های بهتر یا امروزی‌تری را به نمایش بگذارد، بلکه وظیفه و امکان خود را تنها در این می‌بیند که دروازهٔ تئاتر را به روی جمع دیگری از تماشاگران باز کند. آثار نمایشی جدید، که روز به روز و هر چه بیشتر به ظهور تئاتر داستانی بزرگ، به ظهور این تئاتری که با موقعیت جامعه‌شناختی زمان ما مطابقت دارد، کمک می‌کنند، چه از حیث محتوا و چه از حیث قالب، در وهلهٔ اول تنها برای کسانی قابل فهم هستند که این موقعیت را درک می‌کنند. این آثار، زیبائی‌شناسی را نه ارضا، بلکه نابود خواهند کرد.

شریک شما در این امید، برشت.

بیشتر حس می‌شود. وانگهی انجامش تنها بستگی به عدهٔ انگشت‌شماری دارد که از روی تفریح و برای شخص خود کار می‌کنند، و از همه مهم‌تر این که این کارشان محدود می‌شود به صرف تولید. با تمام این‌ها، تئاتر برای آن که بتواند، دست کم تا حدی، به مرتبهٔ پیشرفت‌های فنی که مؤسسات دیگر از مدت‌ها پیش به آنها رسیده‌اند، نزدیک شود، اخیراً دست به معدودی اصلاحات فنی زده است.

در حال حاضر، زحماتی که پیسکاتور کارگردان متحمل شده تا صحنهٔ تئاتر را لااقل از مفتضح‌ترین عقب‌ماندگی‌ها نجات دهد، مورد توجه بسیار است. پیسکاتور بر مبنای الگوهای دیگران و به کمک افرادی معدود ولی به راستی با استعداد، روش فرا اندازی را جانشین دورنما کرد، کف صحنه را متحرک ساخت و الی آخر. اگر نمایشنامه‌نویسی جدید، به تمایلی که این کارگردان به سوء استفاده از تکنیک برای بیان برخی سمبولیسم‌های پیش پا افتاده نشان می‌دهد، وقعی نگذارد، می‌تواند در نوآوری‌های او عناصری بیابد برای تئاتری که لااقل مانع مستقیمی برای نمایشنامه‌نویسی جدید نباشد. تئاتر، به این ترتیب، درصدد ایجاد تغییراتی کاملا ضروری برآمده است، اما این تغییرات با دگرگونی اساسی هنوز فرسنگ‌ها فاصله دارد.

بحران تئاتر

گفتگوی سه‌گانه میان نمایشنامه‌نویس، سرپرست تئاتر و منتقد

وایشرت: پس شما، برشت عزیز، باز هم مغرور و ناراضی هستید. ولی می‌دانید اجرای امشب برای من چقدر گران تمام شده است؟ هم از نظر مالی و هم از نظر زحمت و ناراحتی اعصاب؟ فکر می‌کنید برایم تفریح دارد که دوباره از مطبوعات بد و بی‌راه بشنوم؟

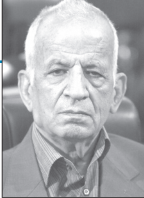
برشت: این طور که از حرف‌هایتان پیداست، مثل این که از دکانی که باز کرده‌اید خوشتان نمی‌آید؟ چطور شده که ناگهان احساس بحران می‌کنید؟

وایشرت: بحران ناگهانی یعنی چه؟ بحران مدام، آقای عزیز. این احساس را همهٔ سرپرست‌های تئاتر دارند. البته بعضی‌هاشان آن‌قدر سیاست دارند که نگذارند کسی متوجه وضعشان شود. به بحران این‌ها وقتی پی می‌بری که جانشینشان معین شده است. وانگهی، این بحران، یک مسأله شخصی نیست، بحران تئاتر است.

پس به نظر شما تئاتر دچار بحران شده است! چیز غریبی است.

من فکر می‌کردم کار و بار تئاترها خوب گرفته است، لااقل مردم برای رفتن به تئاتر سرو دست می‌شکنند. البته آقای دکتر کرجای یکی دو نمایشنامهٔ خوب جدید را خالی می‌بیند، ولی ـ مگر این‌طور نیست آقای دکتر؟ ـ شما که اعتقادی به بحران واقعی تئاتر ندارید؟

از نگاه استاد محقق / با یاد استاد مطهّری



این‌که استاد مطهری چند سال بعد حوزه را ترک کردند، مؤیّد اندیشه‌های اصلاحی ایشان بود؛ چنان‌که من هم در تابستان ۱۳۲۷ حوزهٔ مشهد را ترک کردم و تحصیلات حوزوی خود را در تهران نزد استادان بزرگ همچون: شیخ محمدتقی آملی و سیدمحمدکاظم عصّار و میرزامحمدعلی مدرّس تبریزی و میرزا ابوالحسن شعرانی و شیخ مهدی الهی قمشه‌ای ـ رضوان‌الله تعالی علیهم ـ ادامه دادم. در همین سال مرحوم شهید سیدمحمد حسینی بهشتی و من با هم وارد دانشکده معقول و منقول شدیم و پس از ختم آن دوره آن مرحوم در قم و من در تهران به دبیری دبیرستان‌ها اشتغال ورزیدیم. مرحوم مطهری در همین زمان‌ها از قم به تهران مهاجرت کردند و این نشانه آن بود که شرایط جذب افراد بااستعداد و مشتاق علم در حوزه‌های قم و مشهد وجود نداشت و گروه‌گروه از طلاب دانشگاه می‌پیوستند و شاید مهم‌ترین علت آن عدم تأمین مالی و تضمین اقتصادی بود که دورنمای آینده آنان را تیره و تار می‌ساخت. مرحوم شهید مطهری در آغاز ورود به تهران با مشکلات مادی مواجه بود و دست و پا می‌کرد تا راتبه تدریسی در دانشگاه برای خود فراهم آورد، ولی این امر زمان درازی را طلب می‌نمود.

قلم

حمید مجتهدی

زندگی و سرگذشت ژول‌ورن به قلمِ نواده‌اش

کمدی‌های بی‌روح

ژول ورن

شارل مارتن درباره مارتین پاز نظر دیگری هم دارد که من هم با آن کاملاً موافقم. به زعم شارل مارتن، این داستان یکی از ممیزات و نشانه‌های مهم ژول‌ورن را به عنوان یک نویسنده‌ای آشکار می‌سازد: نزدیکی و دستیابی بصری و رؤیابینانه او را به داستان‌سرایی و نقل ماجراها. چنین به نظر می‌رسد که ژول ورن داستان خود را با نگریستن بر یک رشته تابلوهای آب رنگ، اثر نقاش پرووپایی به نام مه‌رینو که از دوستان آراگو بوده، ساخته و پرداخته است. بنا به گفته شارل نوئل مارتن، «ژول‌ورن هم نظیر ویکتور هوگو نویسنده رؤیابین و بصری بوده، بدین معنی که دیدگان باطنی وی صحنه‌هایی را دریافته و سپس آن صحنه‌ها را با دقت و وضوح قابل تحسین به رشته تحریر درآورده. دقت و وضوحی که با موهبت مشاهده در یک نقاش بی‌شباهت نیست. راز موفقیت ژول‌ورن در این است که توانسته است به میلیونها نفر از خوانندگانش این فرصت را بدهد تا آنچه را خودش در عالم تخیل و تصور خویش دیده است ببینند.» من بر این گفته نکته دیگری می‌افزایم: نامه‌های ژول ورن که مشحون از چنین جمله‌ها و عباراتی است: «من در نقطه‌ای در مدار هشتاد درجه هستم و درجه برودت هشتاد درجه زیر صفر است»، یا «وقتی دارم درباره آنجا می‌نویسم احساس سرماخوردگی می‌کنم» یا «اکنون در زلاندنو هستم...» مؤید این واقعیت است که ژول‌ورن به قوه تخیل و تصور، خود را در صحنه‌هایی که توصیف می‌کند جای می‌دهد و همه چیز را در آن صحنه حس می‌کند. ولی به هنگام نگارش داستانهای نخستین، ژول ورن متوجه این استعداد و موهبت فوق‌العاده خود نیست و به جای مجال بروز و شکوفایی چنان استعدادی، وقت و نیروی خود را با نوشتن اپراهای کمیک و کمدی‌های بی‌روح و بی‌مزه به هدر می‌دهد.

در نامه‌ای به تاریخ ۵ نوامبر ۱۸۵۳ متوجه می‌شویم که نسبت به رمان مارتین پاز توجهی ندارد و برعکس دربارهٔ یک اپرای کمیک جدید که با لیبرتوی خودش و موسیقی هینیار تصنیف گشته شوق و ذوق زیادی نشان می‌دهد: «هم لیبرتو و هم موسیقی بی‌اندازه با نشاط و مفرح است.» این اپرا تحت عنوان مصاحبان آویشن در سال ۱۸۵۳، مورد قبول تئاتر لیریک واقع شد و دو سال بعد بر روی صحنه آمد. در این میان، پی‌یر ورن نسبت به پسرش، بصیرت بیشتری از خود نشان می‌دهد و به ژول‌ورن توصیه می‌کند داستان مارتین پاز را برای دریافت جایزهٔ مسابقه آکادمی ارسال دارد. پسر عجول و بی‌پروای وی به این توصیه، توجه چندانی مبذول نمی‌دارد و در نامهٔ ۲۲ اوت ۱۸۵۳، در پاسخ پدر چنین می‌نویسد: «نه، متشکرم. آدم باید برای به نتیجه رساندن این طور کارها، دم خیلی‌ها را ببیند و به خیلی‌ها متشبث شود همچنانکه در مورد کارهای دیگر مرسوم است و معمولاً هم بهترین آثار انتخاب نمی‌شود. و اگر قرار باشد کار به تشبث و دیدن دم اشخاص برسد ترجیح می‌دهم این کار را برای حصول منظور سودمندتری انجام دهم.»

پی‌یر ورن که به شعر و منظومه علاقهٔ بیشتری داشت در همان نامه که از پسرش می‌خواهد داستان خود را برای دریافت جایزه به آکادمی ارسال دارد ضمناً او را سرزنش می‌کند که چرا منظومه‌های بیشتری نمی‌سراید. ژول‌ورن به این قسمت نامه هم جواب می‌دهد: «اوه، چرا باز هم منظومه‌هایی در دست نگارش دارم. همین حالا، تصنیف منظومهٔ کمیک لئوناردو داوینچی همهٔ وقت مرا به خود اختصاص داده است.» این نمایشنامه که سرانجام در سال‌های اخیر به نام مونالیزا منتشر شد ظاهراً چندین سال ذهن او را مشغول نگه داشته بود. این نمایشنامه در دوران زندگی ژول‌ورن هیچگاه منتشر نگشت و روی صحنه نیامد. نمایشنامهٔ مونالیزا در حد خود دارای لطف و جذابیتی است و من در صفحات آیندهٔ کتاب، وقتی به این موضوع می‌رسم که ژول‌ورن تا چه اندازه به صورت آدمی بیزار از زن انگاشته شده است، از این اثر بحث بیشتری به میان خواهم آورد.

ژول‌ورن همچنان خود را به صورت مردی می‌نگریست که باید برای تئاتر و اپرا آثاری تصنیف کند، ولی با وجود این، قسمت زیادی از اوقاتش را صرف فرا گرفتن معلومات و اطلاعات علمی می‌کرد و از این مقوله در نامه‌هایش کمتر نام می‌برد؛ چنانکه گفتی بیم داشت از اینکه پدر و مادرش پرداختن وی را به آن‌گونه مسائل، کوشش بیهوده و اتلاف وقت تلقی کنند. اولین رشته‌ای را که با دقت مورد مطالعه قرار داد جغرافیا بود و این مطالعات به حکم ضرورت او را به رشته‌های فیزیک و مکانیک کشانید.

زبانزد



«چ»

چو طالع نباشد هنر هیچ نیست

* چو بخشنده باشی گرامی شوی / به دانایی و داد نامی شوی
* چوب دو سر دارد.
* چوب را آب فرو نمی‌برد، حکمت چیست؟
* چوب را چون بشکنی گوید طراق / این طراق از چیست؟ از درد فراق
* چوب را که برداری گربه دزد می‌گریزد.
* چوب شوهر گل است، هر زنی نخورد خل است!
* چوب صندل بو ندارد هیزم است.
* چو بگذشت آب از سر ناخدا / نهد بچه خویش را زیر پا
* چوب معلم از بهشت آمده است.
* چوب معلم گل است، هر که نخورد خل است!
* چوب نرم را موریانه می‌خورد.
* چوب نیم‌سوخته را هم که آرایش بکنند قشنگ می‌شود.
* چوب هر قدر سنگین باشد به آب فرو نمی‌رود.
* چو به گشتی طبیب از خود میازار.
* چوبی که آن‌ها خوردند اگر شما می‌خوردید عوض دوپا چهارپا می‌شدید!
* چو پا نَبوَد چه یک فرسخ چه یک گام.
* چوپان به بُز گفت: «گوشت را می‌گیرم و دور این میدان می‌چرخانم!» بز گفت: «خودت هم با من می‌چرخی!»
* چو پیش مردمان بسیار گردی / اگر چه بس عزیزی خوار گردی
* چو تیر از کمان رفت ناید به شَست.
* چو چل آمد فرو ریزد پر و بال.
* چو چیره شدی بی گنه خون مریز!
* چو خر خود نیاید به نزدیک بار / تو بار گران را به نزد خر آر!
* چو خرمن برگرفتی گاو مفروش!
* چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن!
* چو در طاس لغزنده افتاد مور / رهاننده را چاره باید نه زور
* چو در گور تنگ استوارت کنند / همه نیک و بد در کنارت کنند
* چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر بَرَد کالا.
* چو دستی نتانی گزیدن، ببوس!
* چو دشنام گویی ثنا نشنوی.
* چو دل دادی به دلبند نکو ده.
* چو دندان نیست نتوان لب گَزیدن.
* چو دولت یار باشد غم نباشد.
* چو روز آمد چراغ از پیش بردار.
* چو روی دوست نبینی جهان ندیدن بِه.
* چو روی نکو داری اندُه مخورا!
* چو ریزد شیر را دندان و ناخن / خورَد از روبهان لنگ سیلی
* چو شرمت نیست رو آن کن که خواهی.
* چو شصت آید نشست آید به دیوار.
* چو طالع نباشد، هنر هیچ نیست.
* چو عشق آمد از عقل دیگر مگو.
* چو فردا شود فکر فردا کنیم.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۱ (برابر با ۲۹ جمادی‌الآخر ۱۳۹۲، ۹ اوت ۱۹۷۶) نقل شده است

شوروی شدیدا به مصر اعتراض کرد

قاهره ـ هنوز متن پیام اخیر برژنف به رئیس جمهوری مصر فاش نشده است ولی روزنامه الاهرام نوشته است که ممکن است بدنبال مبادله پیام‌هائی بین سران دو کشور یک کنفرانس عالی با شرکت رهبران مصر و شوروی برای رسیدگی به آخرین تحولات مناسبات قاهره و مسکو تشکیل شود.

پرزیدنت سادات هنگامی که اخراج مستشاران شوروی را از مصر اعلام کرد پیشنهاد نمود که کنفرانسی از سران دو کشور برای تعیین اساس همکاریهای آینده مصر و شوروی تشکیل شود.

گزارشهائی که اخیرا از قاهره میرسد نشان میدهد که پس از خارج شدن مستشاران نظامی شوروی تحولاتی در اوضاع داخلی این کشور صورت می‌گیرد. روزنامه لوموند چاپ پاریس در شماره امروز خود نوشته است که پس از اخراج کارشناسان نظامی شوروی جناح راست در مصر پیوسته قدرت می‌گیرد.

«اریک رولو» خبرنگار معروف لوموند در گزارشی که از قاهره مخابره کرده می‌نویسد که گرایش براست در شرق عرب بویژه پس از شکست قطعی ناصریسم در ژوئن ۱۹۶۷ از ارتش اسرائیل سرعت بیشتری بخود گرفته است.

خبرنگار لوموند معتقد است که پرزیدنت سادات با اقدام اخیر خود موازنه‌ای را که کم و بیش در این منطقه بوجود آمده بود بکلی مختل کرده است.

در بیروت روزنامه لبنانی نداءالوطن امروز فاش کرد که ولادیمیروینوگرادف سفیر شوروی در قاهره، روز یکشنبه گذشته پیش از آنکه با یک کشتی جنگی ناوگان شوروی سواحل مصر را ترک گوید، یادداشت اعتراضیه بسیار شدیداللحنی برای وزارت خارجه مصر فرستاده است.

در خلیج‌فارس دو خط کشتیرانی مسافری آغاز بکار کرد

نخستین خطوط کشتیرانی مسافرت دریائی و حمل و نقل بار بین بنادر و جزایر ایران در خلیج‌فارس دیروز شروع بکار کرد و اولین «لندین گرافت» حامل مسافر و بار از بندرعباس بسوی سایر بنادر و جزایر ایران حرکت کرد. برای مرتبط ساختن بنادر و جزایر ایران در خلیج‌فارس ۲ خط دریائی تاسیس شده که با استفاده از این خطوط کشتی‌رانی، جزایر و بنادر قشم، هنگام، هرمز، لارک، تنب، ابوموسی، سری، فارور، لنگه و باسیدو بیکدیگر متصل می‌شوند.

همچنین برای تسهیل و تشویق صاحبان کالا و مسافران به استفاده از این خطوط دریائی قیمت تعیین شده ۱۰درصد کمتر از قیمت‌های رایج اعلام گردید و علاوه بر این حمل و نقل کالا برای فروشگاه‌های مصرف و شرکت‌های تعاونی به صورت مجانی و رایگان انجام می‌گیرد.

در خطوط کشتیرانی حمل و نقل مسافر و بار بین بنادر و جزایر ایران در خلیج‌فارس چندین «لندین گرافت» بکار افتاده که این وسیله نقلیه می‌تواند ۴۰۰ تن بار و دهها مسافر حمل نماید.

براساس برنامه‌ای که برای حمل و نقل دریائی مسافر و بار بین بنادر و جزایر ایران تنظیم شده لندین گرافت‌ها هر ۱۵ روز ۶ بار سرویس انجام میدهند و در هر سرویس لندین گرافت از مبداء تا مقصد ۷۵ ساعت حرکت و توقف خواهد داشت که ۲۱ ساعت آن مربوط به توقف لندین گرافت در جزایر و بنادر و ۵۴ ساعت بقیه حرکت در مسیرهای تعیین شده می‌باشد.

نرخ جدید کفن و دفن تعیین شد!

کرمانشاه ـ در جلسه اخیر انجمن شهر کرمانشاه، اعضای انجمن نرخ قطعی، کفن و دفن اموات را در این شهر بر حسب سن و سال اشخاص متوفی تعیین و اعلام کردند!

نرخهای جدید کفن و دفن اموات در کرمانشاه که بمراتب ارزانتر از نرخهای سابق است، از قرار زیر تعیین شده است:

نرخ کفن و دفن نوزادان یکصد و پنجاه ریال، کودکان یک تا پنجساله سیصد ریال، اطفال پنج تا ده ساله هفتصد و پنجاه ریال و بزرگسالان دو هزار ریال.

نرخ حمل اموات به شهرستان قم، با کلیه تشریفات و با صندوق و شمع و غیره، بدون کرایه حمل و نقل نیز یکهزار و پانصد ریال تعیین گردید.

ضمنا اموات اشخاص بی‌بضاعت، در هر سن و سالی از هزینه‌های مزبور معافند! در این جلسه همچنین مهندس سعدیان، شهردار قصرشیرین، برای دو ماه بعنوان کفیل شهرداری کرمانشاه انتخاب گردید، زیرا امان‌الله برای مدت دو ماه به مرخصی رفته است.

رضائیه، بعنوان شهر نمونه بهداشت محیط زیست انتخاب شد

بررسی یک طرح ابتکاری و کاملا جدید برای ایجاد یک منطقه نمونه بهداشت محیط در شهر رضائیه آغاز شد.

براساس این برنامه علمی و تحقیقاتی رضائیه بعنوان نخستین منطقه آزمایشی انتخاب گردیده است.

در جلسه‌ای که این هفته با حضور جمعی از مشاوران مسائل پزشکی و بهداشتی و کارشناسان اجتماعی برگزار شد پیرامون چگونگی اجرای این طرح گفتگو و تبادل‌نظر وسیعی شد و نمایندگان وزارت بهداری، جمعیت شیر و خورشید سرخ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، سازمان بیمه‌های اجتماعی، سازمان برنامه، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی و معاون پژوهشی دانشگاه تهران و سازمان بهداشت جهانی کیفیت برنامه فوق‌الذکر را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار دادند.

قاب امروز



ماه، المپیک، لندن / منبع: msnbc

امروز با حافظ

آن ترک پری چهره که دوش از بر ما رفت
آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت

تا رفت مرا از نظر آن چشم جهان بین
کس واقف ما نیست که از دیده چه‌ها رفت

بر شمع نرفت از گذر آتش دل دوش
آن دود که از سوز جگر بر سر ما رفت

دور از رخ تو دم به دم از گوشه چشمم
سیلاب سرشک آمد و توفان بلا رفت

از پای فتادیم چو آمد غم هجران
در درد بمردیم چو از دست دوا رفت

دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت
عمری است که عمرم همه در کار دعا رفت

احرام چه بندیم چو آن قبله نه این جاست
در سعی چه کوشیم چو از مروه صفا رفت

دی گفت طبیب از سر حسرت چو مرا دید
هیهات که رنج تو ز قانون شفا رفت

ای دوست به پرسیدن حافظ قدمی نه
زان پیش که گویند که از دار فنا رفت

سخنان بزرگان

- برای من سفر مانند مجازاتی است که به خود می‌دهم در زمانی که زندگی در نگاهم بسیار آزاردهنده و تلخ می‌شود!!!.
برگلیوت هوبک هاف

- پول در تمامی دنیا مانند یک بیماری ویروسی است که مردم دنیا نمی‌توانند از شر آن خلاص شوند!!!.
جورج آپنس

- رابطه من با پول، این گونه است که من هرگز اهمیتی به آن نمی‌دهم.
اینگوارد آمبیورسن

نکته

آزمون هوش

شما می‌توانید با جواب دادن به سؤالات زیر به میزان هوشمندی خود پی ببرید.

۱ـ چگونه می‌توان یک زرافه را درون یخچال گذاشت؟

جواب: در یخچال را باز می‌کنیم ـ زرافه را داخل یخچال می‌گذاریم و سپس در را می‌بندیم.

۲ـ اکنون چطور یک فیل را داخل یخچال می‌گذاریم؟

جواب غلط: در را باز می‌کنیم فیل را درون یخچال می‌گذاریم و سپس آن را می‌بندیم.

جواب درست: در یخچال را باز می‌کنیم، زرافه را در می‌آوریم، فیل را داخل یخچال می‌گذاریم و سپس در را می‌بندیم.

۳ـ شیر به عنوان سلطان جنگل تمامی حیوانات را به منظور شرکت در یک نشست بزرگ دعوت کرد همه حیوانات آمده‌اند جز یک حیوان. حدس بزنید که آن حیوان چه بوده است؟

جواب: معلوم است فیل. چون او درون یخچال است.

۴ـ تصور کنید که مجبورید از رودخانه‌ای پر از تمساح عبور کنید.
با علم به این موضوع چطور به خود جرات می‌دهید که از آن رودخانه رد شوید؟

جواب: مشکلی نیست. باید به آب شیرجه بزنید و شناکنان خود را به آن سوی رودخانه برسانید.

نگران نباشید چون تمساح‌ها برای شرکت در نشست سلطان جنگل اکنون در داخل رودخانه نیستند.

نگران نباشید و خود را سرزنش نکنید چون براساس آمار ۹۰ درصد از مردم موفق به جواب دادن به این سؤالات نشده‌اند.

مترجم: آرش میری خانی
منبع: ۱۰۱Funjokes.com

امروز در تاریخ

تصرف تنگه ترموپیل در سال ۴۸۰ پیش از میلاد

نهم آگوست سال ۴۸۰ پیش ازمیلاد (مطابق ۱۸ مرداد) واحدهای کوهستانی ارتش ایران – تنها ابرقدرت وقت بر روی کره زمین – در جریان لشکرکشی خشایارشا به یونان و اروپای جنوبی، پس از یک رشته جنگ شدید در ارتفاعات مشرف بر تنگه ترموپیل (Thermopylae Pass) واقع در شمال یونان، نظامیان اسپارت از جمله «لئونیداس» پادشاه اسپارت را نابود و راه را برای عبور واحدهای پیاده و سوار امپراتوری باز و بی‌خطر کردند تا به سوی آتن به پیشروی خود ادامه دهند.



نبرد سال ۴۸۰ پیش از میلاد ارتش ایران با لئونیداس در ارتفاعات این محل روی داد

خشایارشا که در صحنه نبرد ترموپیل بود پس از این که واحدهای کوهستانی ارتش ایران از جمله هزار مرد از منطقه پکتیا (این ایالت خاوری ایرانزمین، هنوز به همین نام است و در مشرق افغانستان قراردارد) اسپارتی‌ها را درمحاصره گرفتند؛ به لئونیداس پیشنهاد کرد که راه را برای فرار او و باقیمانده افرادش باز می‌گذارد تا بگریزند، ولی قانون اسپارت عقب‌نشینی و تسلیم نظامی را منع کرده بود. بنابراین، اسپارتی‌ها به جنگ ادامه دادند و همه آنان جان سپردند تا به قانون میهن خود وفادار مانده باشند.



مجسمه لئونیداس در یادبودگاه او در ترموپیل

نوشته‌اند که خشایارشا از نظامیانش خواسته بود که یکی از اسپارتی‌ها را زنده دستگیر کنند تا برود و خبر این شکست را به آتنی‌ها بدهد. یونانیان در سده گذشته در نبردگاه ترموپیل یک مکان یادبود برای لئونیداس ایجاد کرده‌اند که مجسمه او و آخرین اظهاراتش در آنجا قرار داده شده است و محلی است برای بازدید گردشگران.

ارتش ایرانیان پس از عبور از تنگه ترموپیل شهر آتن را تصرف کرد. مقاومت لئونیداس در ترموپیل و تاخیر پیشروی ارتش ایران، به فرماندهی کل یونانیان این فرصت را داده بود که آتن را از سکنه‌اش تخلیه کند و آنان را به جزایر امن منتقل سازد.

افتادن اصفهان به دست طغرل سلجوقی و...

نهم آگوست ۱۰۵۲ میلادی (۱۸ مرداد ۴۳۱ هجری خورشیدی) شهر اصفهان به دست طغرل سلجوقی افتاد. دوازده سال پیش از این، سلجوقیان که از ترکان غز (اغوز) بودند و از آن سوی رود «سیردریا» آمده بودند بر غزنویان (دسته دیگری از ترکان مهاجر) غلبه کرده، به قدرت رسیده و از آن پس سرگرم تصرف شهرهای ایرانزمین یکی پس از دیگری بودند.

طغرل سه سال پیش از تصرف اصفهان، درصدد تصرف این شهر برآمده بود که بمانند یزد، کرمان و فارس در دست یک خانواده دیلمی بود که در آن وقت حکمران دیلمی از در دوستی درآمده بود.

با وجود این، طغرل چشم به اصفهان داشت و می‌خواست آن را مرکز حکومت خود قراردهد. وی در سال ۱۰۵۱ به محاصره اصفهان دست زد.

اصفهان یک سال مقاومت کرد و سرانجام نیز حاکم اصفهان داوطلبانه تسلیم شد.

گفته شده است که طغرل به حکمران اصفهان که بر چند شهر دیگر حکومت داشت وعده داده بود که اگر تسلیم شود، یزد را از او نخواهد گرفت که چنین شد.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۱۲۴۸

۹					۷		۶	
				۸	۳		۲	۷
		۷	۵	۶		۳		۱
	۲					۶		۸
	۷					۱	۴	۹
۵		۶		۴	۸			
۱	۸		۷		۶	۴		۲
		۲	۸			۷	۱	۶
				۹				

حل جدول شماره ۱۲۴۷

۱	۴	۶	۲	۳	۵	۸	۹	۷
۹	۸	۲	۷	۶	۴	۳	۱	۵
۷	۵	۳	۱	۹	۸	۶	۴	۲
۳	۶	۴	۹	۱	۷	۵	۲	۸
۸	۲	۱	۵	۴	۳	۹	۷	۶
۵	۷	۹	۸	۲	۶	۴	۱	۳
۶	۳	۷	۴	۵	۲	۱	۸	۹
۴	۱	۸	۳	۷	۹	۲	۶	۵
۲	۹	۵	۶	۸	۱	۷	۳	۴

دشوار ۵۷۱

۹					۳	۵		
			۹	۵	۶			۴
	۱		۲					
۳	۲							
۵		۷		۶				
			۳	۹	۸	۲		
	۵		۸					۲
	۳	۸	۴					۷
						۳	۵	

حل جدول شماره ۵۷۰

۷	۳	۴	۲	۸	۱	۵	۶	۹
۱	۸	۹	۳	۵	۶	۴	۲	۷
۶	۲	۵	۹	۷	۴	۸	۳	۱
۹	۵	۳	۴	۱	۲	۷	۸	۶
۴	۷	۶	۸	۳	۵	۹	۱	۲
۲	۱	۸	۶	۹	۷	۳	۴	۵
۸	۹	۷	۱	۲	۳	۶	۵	۴
۳	۶	۱	۵	۴	۹	۲	۷	۸
۵	۴	۲	۷	۶	۸	۱	۹	۳

اطلاعات بهبهان

چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۱ - ضمیمه شماره ۲۵۳۸۱

برگزاری همایش بزرگ «زنان منتظر»

توسط کمیسیون امور زنان در بهبهان

با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقا ابوعلی امام جمعه، قیصری معاون فرمانداری، اعضای هیئت‌های مذهبی، مدیران، معلمین، مربیان پرورشی و آموزشی قرآن توسط کمیسیون امور زنان همایش «زنان منتظر» با موضوع زن، بیداری اسلامی و مهدویت در تالار امام رضا(ع) دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان برگزار شد. در این همایش حجت‌الاسلام روحانی‌نژاد در سخنانی با اشاره به نبرد جبهه حق و باطل به سرکردگی شیطان و کارکرد و تأثیر رسانه‌های غربی (ماهواره) بر سبک زندگی مردم و همچنین افزایش بصیرت و آگاهی که منجر به بیداری اسلامی می‌شود، اذعان داشت که وظیفه ما مسلمانان این است که به تداوم بیداری اسلامی کمک کنیم.

گفتگو با مسئول کمیسیون امور زنان

خانم شهمرادی مسئول کمیسیون امور زنان در گفتگو با «اطلاعات» هدف از برگزاری این همایش را چنین برشمرد: دفاتر امور بانوان استانداری‌های سراسر کشور از سال ۱۳۶۹ به نام کمیسیون‌های امور بانوان در استانداری‌های تشکیل شد و بر اساس دستورالعمل اجرایی مشخص شروع به فعالیت کرد، در این راستا امور بانوان استان خود را با توجه به سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، برنامه چهارم توسعه (ماده ۱۱۱) قانون اساسی ـ توصیه‌های مقام معظم رهبری و محورهای مورد تاکید ریاست جمهوری و توجه به برنامه جامع فرابخشی مرکز امور زنان و خانواده و برنامه‌های امور بانوان وزارت کشور با هدف تحکیم بنیان خانواده، توانمندسازی زنان، گسترش فرهنگ حجاب و عفاف، اشتغال زنان خودسرپرست، تسهیل در امر ازدواج و سلامت اجتماعی به شرح ذیل تدوین شده است:

اهداف کلان: تحکیم نهاد خانواده و پیشبرد امور زنان و خانواده مبتنی بر آموزه‌های دینی

اهداف خرد: بهینه‌سازی مدیریت امور زنان و خانواده تقویت ارزش‌های اسلامی زنان در جامعه و ارتقاء آگاهی و مشارکت آنان در صحنه اجتماع، کاهش آسیب‌های خانواده و ارتقای سلامت آنان در قالب برنامه‌هایی از جمله ارتقای توان مدیریت امور زنان و خانواده، ارتقای سطح کیفی و کمی امور، ارتقای اطلاع‌رسانی، بزرگداشت مناسبت‌ها، معرفی خانواده‌های نمونه شهرستان به دفتر استان، تعمق فرهنگ عفاف و حجاب، تبادل فرهنگی با کشورهای همجوار، فرهنگ‌سازی و ارتقای سلامت جسمی زنان و خانواده، کاهش طلاق، ارتقای سطح آموزش مهدکودک‌ها، برنامه ازدواج آسان و پایدار و رسیدگی به خانواده‌های معتادین. همچنین این کمیسیون در نظر دارد فعالیت‌های دیگری شامل هسته مشاوره، آموزش بانوان در همه امور خانواده، پاسخگوئی به سئوالات بانوان، احکام و مشاوره‌های قبل از ازدواج برای زوجین و ... داشته باشند.



حضور چشمگیر بانوان در همایش

دورباش کارشناس ارشد مطالعات زنان:

سیما نقش تعیین کننده‌ای دارد

خانم فرحناز دورباش هم در این همایش گفت: ماهواره می‌تواند با برنامه‌های تلویزیونی و پوشش جهانی گستره انقلاب عظیمی را در عرضه برنامه‌های تلویزیونی به وجود آورد. با انتشار برنامه‌های مستقیم تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها، کانال‌ها و شبکه‌های تلویزیونی بی‌شماری بر فراز کشورهای جهان به صورت شبانه‌روزی قرار گرفته و رقابت جدیدی از پوشش شبکه‌های تلویزیونی به ویژه در میان کشورهای صنعتی به وجود آمده است و ملت‌های بسیاری به ویژه از کشورهای در حال توسعه، مصرف‌کننده تولیدات و برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی کشورهای صنعتی غرب هستند و شکل دیگری از سلطه شمال جنوب به صورت وسیعی به منصه ظهور رسیده است.

وی افزود: ویژگی عمده اطلاعات ارائه شده به واسطه تکنولوژی‌های ماهواره‌ای عبارتند از: غیرارادی بودن آن از طرف مخاطب و گیرنده، زیرا اجباراً و قهراً مطرح شده است. فراگیری آن و جالب و جذاب بودن محتوا و دعوت به یکسانی فرهنگی و رفتاری، روشن است که فعلاً گردانندگان ماهواره‌های تلویزیونی کشورهای صنعتی اروپا و آمریکا هستند و آنان همان خوراک تلویزیونی را که سالهاست در اختیار دارند، در نظر مردم جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه قرار خواهند داد. پس آنچه معلوم است مردم کشورهای اروپا و آمریکا سالهاست از این برنامه‌های تصویری نخبگان ارتباطی خود استفاده می کنند و در این میان فقط کشورهای در حال توسعه و عقب نگه داشته شده هستند که با یک پدیده نوظهور و تازه روبرو می‌شوند.

کارشناس ارشد مطالعات زنان گفت: بنابراین برنامه‌ریزی‌های سطح کلان متولیان رسانه‌های داخلی یعنی تلویزیون در بالا بردن سطح کیفی برنامه‌ها و جذب مخاطبان نقش تعیین‌کننده‌ای بررفتار رسانه‌ای مخاطبان و گزینش سبک زندگی آنان می گذارند. پایین بودن سطح برنامه و عدم رضایت مخاطب از تلویزیون سبب جذب افراد به رسانه‌های دیگر از جمله ماهواره می‌شود.

ماهواره به دلیل گستردگی تعداد و تنوع شبکه‌ها می تواند به عنوان جایگزین تلویزیون محسوب شود؛ اما وجود برنامه‌هایی که شبیه زندگی بومی و ملی نبوده و حتی گاهی در ضدیت با آن است، می تواند منجر به بحران هویت شود.

افشاری کارشناس ارشد جامعه‌شناس:

حجاب و عفاف محدود به مقوله پوشش نیست

افشاری هم گفت: نگاهی اجمالی به برخی مسائل زنان در اسلام نشان می‌دهد که بخش مهمی از معارف و احکام و حقوق اسلام به مسائل زنان می‌پردازد، از جمله تساوی زن و مرد، حجاب و ... که مورد توجه محافل مختلف علمی و اجتماعی قرار گرفته است.

وی ادامه داد: حجاب و عفاف محدود به مقوله پوشش نیست، اسلام خارج از روابط خانواده برای گفتار و نگاه و تماس هم شکل خاصی قرار می‌دهد که یکی از آنها حجاب است پوشش و حجاب و چگونگی رنگ و فرم آن برخاسته از فرهنگ و سرزمین است به همین دلیل در آیات مربوطه به حجاب به فرم و اندازه و رنگ خاصی اشاره نشده است و ضمناً اولین خطابی که در قرآن در خصوص حجاب وجود دارد به مرد است که می‌گوید نگاهشان را فرو پوشانند و نگاه آلوده نداشته باشد و حدی که برای زنان در مورد پوشش معین می‌شود، این که زینت‌های خود را آشکار نکنند، هرچند نوع پوشش زنان با مردان متفاوت است، لیکن مردان هم باید حد و مرز پوشش مناسب برای یک مرد مسلمان را رعایت کنند.

افشاری ادامه داد: تمام فلسفه حجاب در این است که پوشش زن باید طوری باشد که در درجه اول انسانیت او در جامعه تأمین شود و نه زن بودن و ظرافت او، همچنین جامعه زنان که نیمی از جمعیت انسانی را تشکیل می‌دهد، بیش از آن که مجموعه‌ای منفعل باشد، در هر دوره‌ای متناسب با شرایط در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار و جریان‌ساز بوده است، از این رو اسلام به این مقوله توجهی ویژه و ممتاز داشته و برای آن برنامه‌ریزی خاص و هدفمند دارد. در رویکرد دینی، مشارکت اجتماعی، مبتنی بر آرمان‌های الهی و با هدف حاکمیت بخشیدن به دستورهای دینی طراحی شده است؛ بنابراین اقتضائات زمان و مکان و تدابیری که حاکم اسلامی جامعه در مدیریت آن اعمال می‌کند، راه را بر مسئولیت حضور اجتماعی روشن خواهد ساخت. اصلاح الگوی حضور و مشارکت اجتماعی زنان و بکارگیری ظرفیت حداکثری خانواده در فرآیند جامعه‌سازی و تقویت اخلاق اجتماعی، از بارهای بر زمین‌مانده جامعه ماست.



همایش زنان منتظر توسط کمیسیون امور زنان در بهبهان

راجی کارشناس ارشد مطالعات زنان:

گفتگو بهترین راه برای تخلیه عقده هاست

خانم راجی هم خانواده سالم را به عنوان یکی از مهمترین ارکان جامعه مهم دانست و گفت: خانواده بنیان و اساس جامعه است تا آنجا که پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند هیچ بنایی در اسلام پی‌ریزی نشده است که نزد خداوند محبوبتر از ازدواج و تشکیل خانواده باشد. در خانواده‌ای که امنیت روانی وجود دارد، از بسیاری از امراض مصون بوده و فرزندان آن خانواده از سلامت و شادابی بهتری برخوردارند.

وی گفت: بسیاری از کینه‌ها، طلاق‌ها، دشمنی‌های طولانی و حتی قتل‌ها از نقطه‌ای پیش پا افتاده و بی‌ارزش آغاز می‌شود و آنگاه به اوج می‌رسد، دید منفی، زندگی را هم به سوی منفی‌بافی و نابودی می‌کشاند، انسان قادر است که با تلاش و قناعت، زندگی سالمی را پدید آورد. اگر واقعاً هدف نپاشیدن زندگی باشد، در غیر این صورت با اندک بهانه طعم زندگی تلخ می‌شود و شیرینی‌های زندگی هم کم‌کم رخت بربسته و بار سفر می‌بندد و به زودی چنین بنای متزلزل ویران می‌شود.

راجی افزود: در هر زندگی‌ای مشترک، احتمال حوادث وجود دارد و خانواده‌هایی که دچار تنش و اختلافات شده یا می‌شوند زمینه‌اش را اغلب مسائل پیش‌پا افتاده به وجود می‌آورند. از سوی دیگر نوع نگرش انسان و این که آن را کوچک یا بزرگ دیدن نقش اساسی دارند وقتی در روابط زن و شوهر اختلافی به وجود می‌آید آنها یکدیگر را به چشم منفی نگاه می‌کنند، در این صورت رفتارهای منفی مورد مبالغه قرار می‌گیرد و رفتارهای عادی همدیگر را توهین‌آمیز و منفی می‌نگرند. در چنین شرایطی است که رنجش پیش می‌آید و کانون خانواده به شدت متزلزل می‌شود. بهترین راه برای این که هم حقیقت روشن شود و هم رنجش زدوده شود. گفتگو است. در گفتگوی صادقانه به طرز فکر و خصوصیت همدیگر آشنا می‌شوند که نتیجه‌اش اصلاح روابط زناشویی و بازگشت مهر و محبت است. گفتگو بهترین راه برای تخلیه عقده‌هاست.

وی یادآور شد: وقتی انسان در خانه و از راه حلال کمبودهایش را جبران کند نیازی نیست که بیرون از خانه در جستجوی آن باشد.

انسان موجودی است عاطفی که نیاز دارد دوست بدارد و دوست داشته شود. اگر این نیاز را زن و شوهر برآورده نکنند یا باید از راه حرام تأمین شود یا به صورت عقده درآمده، در درون بماند که در هر دو صورت خطر عظیمی است.

(فضیلت ماه مبارک رمضان)

* روزه گرفتن در گرما جهاد است. رسول اکرم (ص):
* روزه قلب، بهتر از زبان است و روزه زبان بهتر از شکم است. امام علی (ع)
* رمضان ماهی است که ابتدایش رحمت است و میانه‌اش مغفرت و پایانش آزادی از آتش جهنم. رسول اکرم (ص)
* هر کسی که در روز بسیار گرم برای رضای خدا روزه بگیرد و تشنه شود، خداوند هزار فرشته را می گمارد تا دست به چهره او بکشند و او را بشارت دهند تا هنگامی که افطار کند. امام صادق (ع)

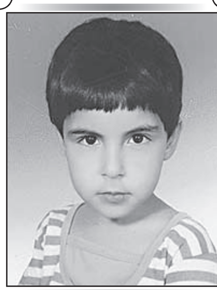
اسامی دانش آموزان ممتاز دبستان اندیشه بهبهان


هنگامه آقاجری
کلاس اول


فاطمه اصل سلیمانی
کلاس اول


زینب زرین
کلاس اول


نسیم رحمانی یوسفی
کلاس اول


شکیلا محصریان
کلاس اول


الناز ابوعلی
کلاس اول


نگار ابوعلی
کلاس اول


فاطمه دهاز
کلاس اول

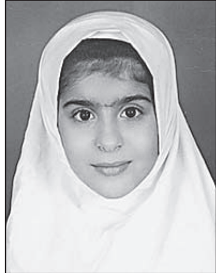



مینا خونزر
کلاس دوم

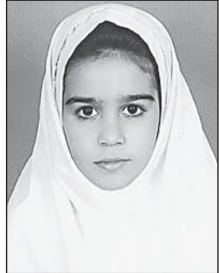

نگار امینی مقدم
کلاس دوم


سحر ستوده
کلاس دوم


راحیل بوعلی
کلاس دوم


ستایش فلک پروری
کلاس دوم


حدیث کریمی اقدم
کلاس دوم


زهرا خاوه
کلاس دوم


نیلوفر غریبی
کلاس دوم


ساحل موقرپور
کلاس دوم


فاطمه طیبی کوهی
کلاس دوم


مهدیه سلمی
کلاس دوم


زهرا میرزائی
کلاس دوم


رعنا چابک
کلاس دوم

مینا ابوعلی
کلاس دوم



سارا استوند
کلاس سوم


فاطمه تشی
کلاس سوم


لیلا دستمردی
کلاس سوم


زهرا کاوسی
کلاس سوم


نازنین صفریان
کلاس سوم

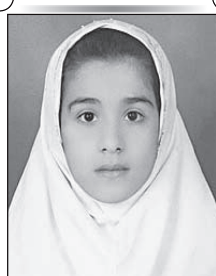

ناهید رستمی مهر
کلاس سوم




مهسا ابوعلی
کلاس چهارم


لادن بوعلی
کلاس چهارم


مریم هاشمی
کلاس چهارم


فاطمه صفری
کلاس چهارم




فرشته مولائی تنگ نایاب
کلاس پنجم


فاطمه موحدی اصل
کلاس پنجم


فرشته وهین
کلاس پنجم



با تشکر از مدیر محترم دبستان: سرکار خانم جهاندخت معماریان
معاون محترم آموزشی: سرکار خانم ماهرخ رحمانی